سید محمدعلی روضاتی

فهرست کتب خطی اصفهان

دو هزار نسخه عربی و فارسی

جلد اول

آ - ز

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست کتب خطی اصفهان : دو هزار نسخه عربی و فارسی

نویسنده:

محمدعلی روضاتی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (سلام الله علیها)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست کتب خطی اصفهان : دو هزار نسخه عربی و فارسی جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : روضاتی، سیدمحمدعلی، ۱۳۰۸ - ۱۳۹۱.

عنوان و نام پدیدآور : فهرست کتب خطی اصفهان : دو هزار نسخه عربی و فارسی/ محمدعلی روضاتی؛ [به سفارش] مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

مشخصات نشر : قم: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (س)، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری : ج.: نمونه.

فروست : مجموعه منشورات؛ ۱۵، ۲۳

شابک : دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۵-۰۴-۳؛ ۴۵۰۰۰ریال: ج. ۱: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۵-۰۵-۰ ؛ ۴۵۰۰۰ریال: ج.۲ ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۵۶۷-۱-۳:

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۹).

یادداشت : ناشر جلد دوم حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای است.

مندرجات : ج.۱. آ - ز.- ج.۲. س - ل

موضوع : نسخه های خطی -- ایران -- اصفهان -- فهرست ها

موضوع : نسخه های خطی عربی -- ایران -- اصفهان -- فهرست ها

موضوع : نسخه های خطی فارسی -- ایران -- اصفهان -- فهرست ها

شناسه افزوده : حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه ای

رده بندی کنگره : Z۶۶۲۰ /الف۹ ر۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۰۱۱/۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۶۴۸۳۵

اشاره

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

«۱» آداب سفر و زیارت مشهد مقدّس

(آداب شرعی ـ فارسی)

از: محمّـد کاظم بن محمّـد فاضل الخادم. گویا خادم افتخاری دربار مقدّس رضوی بوده، و همان است که در «کواکب منتثره: ۶۱۲» عنوان شده و گویند رساله «أسـرار الصلوهِ» شهید ثانی ـ علیه الرحمه ـ را به فارسی ترجمه کرده و در مقدّمه آن خود را این گونه شناسانده است:

«العبـد الأثم ابن محمّد فاضل المدرّس الخادم محمّد کاظم الشّریف المدرّس نائب الخدمه و دعاگوی صـمیمی اعلی حضـرت ظلّ اللّهی...». رساله را به شاه سلطان حسین تقدیم کرده است.

کتـاب: در مقـدّمه گویـد: «این رسـاله مختصـره در بیـان آداب سـفر و متعلّقات آن و فضـیلت زیارت آن حضـرت، [مقصودش حضـرت امام رضا علیه السـلام است] صـلوات اللّه علیه، و طریقه آن به نحوی که در اخبار و آثار ائمّه اطهار مذکور و در کتب معتبره اصحاب مزبور و مسطور است».

مؤلّف برای کتاب نام مخصوصـی انتخاب نکرده، و مرتّب است بر مقـدّمه و دوازده فصل و خاتمه، و در مقـدّمه گویـد که شاه سلطان حسین صفوی سفری به مشهد مقدّس رضوی مشرّف شد و مؤلّف، این کتاب را به نام او تألیف و به او تقدیم کرد.

آغاز: «بسم. الحمد للّه الّذی هدانا بلطفه العمیم و منّه القدیم».

انجام: «و در حرز و أمان خدای تعالی باشد تا شب، و الحمد للّه أوّلاً و آخرًا...».

تاریخ تألیف و استنساخ و نام کاتب ندارد، امّا پیدا است که در زمان مؤلّف نوشته شده است.

(ضمیمه)

«۲» رساله در نماز جعفر طیّار

(آداب شرعی _ فارسی)

از: محمّد تقی بن میر عبداللّه کشمیری.

کتاب: در بیان کیفیّت و آداب نماز حضرت جعفر طیّار علیه السلام است که به اشاره شاه سلطان حسین صفوی تألیف شده، و در پایان این چنین آمده است:«تمّت الرساله فی ۱۱۲۳».

این هر دو اثر با خطّ نسخ خوب و أدعیه و زیارات با إعراب و حرکات است و ظاهرًا به خطّ یک کاتب نیست.

اعتذار: تقدّم این نسخه شبه مجموعه، برای تیمّن و تبرّک به موضوع آن است.

«۳» آداب سَنیّه

(احکام فقهی _ فارسی)

از: میر محمدصالح حسینی خاتون آبادی. وی این کتاب را پیرامون مسائل مربوط به بَردگان (غلامان _ کنیزان)، طیّ سه مقاله نوشته و درباره هر یک از مطالب با استناد به روایات مذهبی، گسترده سخن گفته است.

نویسنده از بزرگان دانشمندان زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی و از خاندان معروف سادات خاتون آبادی اصفهان بوده که اعقابشان هنوز درین وِلا معنوَن و مشهورند. وی ابتدا شاگرد ملّا میرزای شیروانی دانشمند محقّق بوده و پس از فوت او

در زمره شاگردان ممتاز پدرزن خود ـ جناب آخوند ملاّ محمدباقر علاّمه مجلسی ـ در آمده پس از درگذشت علاّمه مجلسی، ریاست حوزه علمی اصفهان و منصب امامت جمعه تا دو سالی پیش از فوت به او مفوّض گردیده عمری به عزّت به سر برد و در سال ۱۱۲۶ بدرود زندگی گفت(۱). رحمه اللّه علیهم اجمعین.

میر محمّد صالح را بیش از بیست جلد تألیف نفیس است که اسامی آنها ضمن شرح حال مجمل او در «ریحانه الأدب ۱:۳۶۵» مذکور و از جمله آنها «حدائق المقرّبین» معروف مشهورست که در حدیقه پنجم آن، احوال گروهی از بزرگان جهان دین و دانش شیعه را گزارش داده و با چندین کتاب دیگر از تألیفات او به موقع خود در این فهرست خواهد آمد.

و از جمله، همین کتاب «آداب سنّیه» می باشد که در موضوع خود کم نظیر و با اینکه تألیف مبسوط مفصّلی است، شگفتا که نامش در کتب تراجم و فهارس دیده نمی شود، و نسخه اصل خطّ مؤلّف را این جانب در کتابخانه مرحوم آقای حاج میرزا محمّدباقر اُلفت مسجد شاهی دیده بودم(۲).

جای مسرّت این که نسخه موجود هیچ گونه نقصانی در آن نیست و به شیوه پسندیده مؤلّف که برای هر یک از تألیفات مستقلّ خود فهرس مفصّلی ترتیب و در آغاز کتاب

---

۱ - ۱) برای آگاهی بیشتر به: «زندگینامه علاّمه مجلسی ۱:۲۸۸ و ۲:۴۶» و «کواکب منتثره: ۳۶۸» و «مقاله در بیان احوال و آثار ملاّ محمدعلی بن محمدرضا تونی خراسانی» از این حقیر، رجوع فرمایند.
۲ - ۲) انواع و اقسام رساله ها و کتاب ها در خصوص مسائل گوناگون و احکام و آداب نکاح در کتاب «ذریعه ۲۴:۲۹۷ ـ ۳۰۱» یاد شده است. از جمله «رساله فی النکاح بین العبید و بیان حکمه» از مرحوم آقا میر محمّدحسین خاتون آبادی فرزند گرامی همین آقا میر محمّد صالح ـ علیهما الرحمه ـ. و گویند آنْ رساله بزرگی است دارای فوائد بسیار و جواب شبهات بی شمار. عنوان های «برده، برده داری، غلام، کنیز» در دانشنامه ها و لغت نامه ها پیرامون موضوعات کتاب مورد بحث مفید است.

قرار می داده، این أثر نفیس نیز دارای فهرس مطالب است که عینًا نقل می کنیم.

آغاز: «بسم... الحمد للّه مالک الرّقاب، و محرّرها بفضله من أليم العقاب، و الصّلوه على محمّد و اهل بيته الأكارم الأخيار، الّذين بولايتهم يحصل العتق من النّار، و باطاعتهم يستحقّ الفوز فى دار القرار. و بعد، گوشه نشين زاويه عبوديّت و بندگى و معتكف صومعه دعاگويى، المذنب الخاطى محمدصالح بن عبدالواسع الحسينى، جعلهما اللّه عليق لطفه و رحمته و طليق عفوه و مغفرته، أثر نگار صفحه ذكر مطلب، و چهره پرداز شاهد عرض مدّعا مى گردد كه: چون حكمت عملى كه معرفت آن و عمل نمودن به آن سرمايه فوز به سعادات جاودانى است، منقسم به سه فنّ است. فن اول علم تهذيب أخلاق كه عبارتست از تصفيه باطن و معالجه نفس به تخليه آن از صفات ذميمه و تحليه آن به أخلاق حميده. و فن دويم علم تدبير منزل است كه عبارت از معرفت كيفيت سلوك اهل يک منزل و ساكنان يک خانه با يكديگر است. و فن ثالث علم سياست مدنيّه است كه علم سلوك با اهل بلاد و متوطّنان مدينهاءِ شهرها از بندگان و عباد است. و همواره خاطر قدسى مظاهر شهنشاه گيتى ماه انجم سپاه... الشّاه سلطان حسين الصفوى الموسوىّ الحسينى... به ترويج جمله معارف و علوم... متعلّق است... و در اين وقت، مراسم علم ثانى و فنّ باقى از آن فنون ثلثه را مكنون ضمير منير والا ساخته، خاطر خورشيد إعتلا به معرفت تفصيلى آنها به نحوى كه از اخبار و احاديث ائمّه اطهار عليهم صلوات الملك الجبّار و كلمات علماى اخيار رضوان اللّه عليهم معلوم و مستفاد مى گردد؛ متعلّق، و به اينجهت؛ اين بنده قليل البضاعه و فرومايه عديم الاستطاعه، به نگارش معظم مباحث آن كه معرفت طريق سلوك با مماليك و عبيد و إماء است؛ مأمور گرديد.

لهذا اين بنده مطيع بتحرير اين رساله شافيه پرداخت، و چون خواست كه فائده آن

أتمّ و أكمل و منفعت آن أعمّ و أشـمل بوده باشد، به بعضی از تحقیقات و تدقیقات که مناسب این مقصد أقصی بود نیز إشاره نمود، و آن را به «آداب سَنیَّه» موسوم، و بر سه مقاله مرتّب ساخت.»

انجـام: «ختـام: بـدانکه أشـهر میـان علمـاء آنست که مـال إمـام علیه السـلام را در زمـان غیبت واجبست که به فقراء و مسـاکین رسانند... و به هر یک زیاده از قدر إحتیاج او ندهند.. به اینجا ختم می کنم این رساله کثیرالفائده را، و قد وقع الإتمام فی لیالی العشر الآخر من شهر اللّه الأعظم شهر رمضان من شهور سنه عشرین و مائه بعد الألف، و الحمد للّه أوّلاً و آخرًا، و صلّی اللّه علی محمّد و آله الأقدسین».

چنانکه دیده می شود مؤلّف در ماه رمضان سال ۱۱۲۰، کتاب خود را به پایان رسانیده است.

فهرس مطـالب که عینًا از آغاز کتاب نقل می شود: «بسم... فهرست رساله شـریفه موسومه به «آداب سـنیّه». این رساله مشـتمل است بر سه مقاله:

مقاله ۱ و آن ۴ باب است:

ب ۱ ـ در بیـان کفّاری که جـایز است إسترقـاق و حلالـست بنـده کردن آنها، و در این باب مـذکور می شود که طریق اسـیر نمـودن سه صورت دارد و در صورت ۱ و ۲ بِلا خلاف، بنـده می شوند، و در صورت ۳ میان علماء خلافست و حکم ببنـدگی در این صورت محلّ إشکال و خلاف احتیاط است. ب ۲ ـ در تفصـیل طوایف أسـیران که در این أزمنه أسیر میشوند، و بیان آنکه هر یک از این طوایف در کدام صورت از آن صوَر ثلث داخل است و در این باب؛ مذکور میشود مجملی از ولایاتی که از آنها أسیر

میگیرند و بعضی از أحوال ولایات گرجستان(۱). ب ۳ _ در بیان آنکه واجب نیست تفتیش حال مملوکی که بوجه شرعی به آدمی منتقل میشود، و در این باب مذکور می شود حکم شخصی که مملوك دیگری یا آزادی را فروخته باشد. ب ۴ _ در ذکر أمّهات أولادی که مادران بعضی از إمامان علیهم السلام بودند، و در این باب مذکور می شود بعضی از أحوال شریفه ایشان و آنکه ایشان هفت بزرگوارند(۲).

مقاله ۲ و آن ۷ باب است:

ب ۱ _ در بیان آداب خریدن غلامان و کنیزان و وظائف واجبه و مستحبّه آن، و در این باب مذکور می شود صیغه بیع و شرای ایشان. ب ۲ _ در بیان مسائل دیگر که متعلّق است به خرید و فروش مملوکین، و در این باب مذکور می شود حکم تفریق میان فرزند و مادر و برادر و خواهر و أحکام دیگر ایشان. ب ۳ _ در بیان حقوق مولی و آقا بر ممالیك، و در این باب مذکور می شود حکم آنکه ثواب عبادت ایشان بیشتر است از ثواب عبادت آزادان، و حکم گریختن ایشان، و حکم تحلیل که آقا، کنیز خود را به دیگری حلال کند که با او مقاربت کند و صیغه آن. ب ۴ _ در بیان آنکه أولی در باب کنیزی که مولی خواهد با او مقاربت نماید، اینست که او را آزاد کند، آنگاه متعه نماید و مقاربت کند، و در این باب مذکور می شود وجوه ترجیح این مسلك و بعضی از

۱- ۱) نویسنده درین باب، طوایف گوناگون اسیران و بردگان زمان خود را چنین شرح داده: ۱_ طایفه حبشی (۳ صنف). ۲_ طایفه هندی (۲ صنف). ۳_ طایفه قلماق. ۴_ طایفه اروس. ۵_ طایفه چرکس. ۶_ طایفه گرجی، و تفصیل ولایات گرجستان.

۲- ۲) مؤلف در این باب احوال مادران ائمّه اطهاری که امّ ولد بوده اند را گزارش داده، و از جمله مادر حضرت سجّاد را شهربانویه دختر یزدجرد پادشاه عجم شناسانده و روایاتی که درباره هر یک وارد شده، آورده است.

تحقیقات شافیه که در کتب دیگر مـذکور نیست و از خصایص این رساله است، و مـذکور می شود أحکام إسـتبراء و آنکه آن در چنـد صورت ساقط می شود. ب ۵ ـ در بیـان حال امّهات أولاد بعضـی از أئمّه طاهرین سـلام اللّه علیهم أجمعین که ملک یمین بودنـد یـا به حبـاله نکاح درآمـده بودنـد، و در این باب مـذکور می شود ترغیب و تحریض بر ملک یمین که در أخبار و أحـادیث شـده و نکتـه آنکـه بـه چـه جهـت آن بزرگـواران کنیزان را إختیـار نمودنـد و سـادات و أشـراف را بـه حبـاله خـود درنیاوردند، و آنکه آن أمّهات أولاد همگی نجیب و بزرگزاده و بعضـی پادشاه زاده بودند(۱). ب ۶ ـ در بیان حقوق ممالیک بر مولی و در این باب مـذکور می شود پنج حقّ از حقوق واجبه و ۱۲ حقّ از حقوق مسـتحبّه ایشان و مذکور می شود آنکه در بعضـی موارد که أئمّه ما علیهم السلام و أهل ورع و تقوی از تقصیرات بندگان خود عفو می نموده اند. ب ۷ ـ در بیان تأدیب و سیاسات شـرعی بنـدگان، و در این باب مذکور می شود کیفیّت تأدیب ایشان که چند تازیانه است و در بعضـی أحوال جایز است مقیّـد ساختن ایشـان، و هرگـاه جنایتی به احـدی کرده باشـند سیاست شـرعی آن چیست و اگر دیگری به ایشان جنایتی نموده باشد، حکمش چیست.

مقاله ۳ و آن ۱۲ باب است:

ب ۱ ـ در بیان إستحباب عتق و فضیلت و ثواب آن، و در این باب مذکور می شود آنکه جایز نیست آزاد کردن بنده کافر. ب ۲ ـ در بیان آنکه عتق بنـده سـنّت مؤکّد می شود هرگاه شـروطی چند یافت شود، و در این باب هفت شـرط مذکور می شود. ب ۳ ـ در بیان أزمنه که وقوع عتق و آزادی در آن ازمنه افضلست و در این باب مذکور

۱- ۱) نگارنده درین باب کیفیت علاقه زوجیّت مادران ائمّه اطهار علیهم السلام را شرح داده که به عقد نکاح یا به ملک یمین یا به طریق تحلیل بوده اند، و درین باب شرافت و بزرگزادگی آن مخدّرات را اثبات کرده است.

می شود حدیث آزاد نمودن حضرت امام زین العابدین علیه السّلام بندگان خود را در شب عید رمضان و أزمنه متبرّکه دیگر، و آنکه أمکنه متبرّکه نیز این حکم دارد و عتقی که در آن ها واقع شود نیز أفضل است و آنکه سزاوار اینست که هر کس سعی نماید در إکثار عتق و اینکه حضرت أمیرالمؤمنین ـ صلوات اللّه و سلامه علیه ـ هزار بنده آزاد فرمود. ب ۴ ـ در بیان آنکه در بعضی أحوال عتق مرجوح می شود. ب ۵ ـ در بیان آنکه در برخی از أحوال فروختن بنده و تصدّق نمودنِ قیمتِ آن أولی است از آزاد نمودن او، و در این باب مذکور می شود دو حالت که مقتضی أفضلیّت تصدّقات است و حکایت غریبی درباره غلام و وکیل حضرت إمام حسن عسکری، علیه السّلام. ب ۶ ـ در بیان شروطی که واجبست تحقّق آنها در مُعتق، و در این باب ۶ شرط مذکور می شود، و اینکه عتقی که از کافر صادر شده باشد، چه صورت دارد. ب ۷ ـ در بیان صیغه عتق، و در این باب مذکور می شود أنواع مختلفه صیغه که متّفق علیهِ کلّ علماء است. ب ۸ ـ در بیان آنکه سنّت است که مُعتِقْ بعد از ایقاع؛ مجلّه بنویسد و گواهان بگیرد و به او دهد، و در این باب مذکور می شود صورت آزادنامه که حضرت إمام جعفر صادق علیه السّلام از برای غلام خود نوشت. ب ۹ ـ در مسائل دیگر که متعلّق است به عتق، و در این باب مذکور می شود حکم سرایت که در عتق واقع می شود و حکم مالی که بنده آزاد داشته باشد و حکم بنده را که مدبَّر ساخته باشند که بعد از وفات آقا آزاد باشد و صیغه تدبیر که به چه نحو گفته می شود. ب ۱۰ ـ در بیان عتقی که به جهت کفّاره واجب می شود، و در این باب مذکور می شود أموری که موجب کفّاره می شود، و آنها ۱۲ أمر است. ب ۱۱ ـ در إنعتاقی که بدون إختیار مولی واقع می شود، و در این باب مذکور می شود أسبابی که سبب این آزادی می شود و آنها ۶ چیز است و حکم خواجه سرایان که بیع و شراءِ آنها چه حال دارد. ب ۱۲ ـ در بیان میراث بنده که آزاد شده باشد، و در این باب

مذکور می شود أقسام آزادی سنّت و واجب و حکم به میراث هر یک و أقوالی که علماء در این باب إختیار نموده اند و حکم مـال إمام علیه السـلام که در زمان غیبت او در چه مصـرف صـرف می شود. و به اینجا ختم می شود این عُجاله کثیرالفایـده، و الحمدللّه...».

نسخه: دارای ۱۲۹ برگ که ۲ برگ در اول و دو برگ در آخر عطف و ۵ برگ از آغاز، فهرست کتابست. تصحیح شده و در دو موضع مهر (عبده زین العابدین حسـینی) دیده می شود، و روی برگ ۱، چند دعا نوشته شده. خط نسخ ۱۲ سطری، عناوین در متن و کنار صفحات تمامًا به سرخی است. کاغذ: اصفهانی، قطع ۱۱ و نیم × ۱۷ و نیم. جلد تیماج سیاه یک لا. این نسخه از کتابخـانه نیای معظّم مرحوم آیه اللّه حاج میر سـید محمّـد چهارسویی برادر گرامی امام مجـدِّد صاحب «روضات الجنّات» بوده است.

«۴» اثبات حدوث الاراده

(کلام ــ عربی)

دانشمند فرزانه حاج محمد خلیل قزوینی این کتاب را در ردّ گفتار حکماء و متکلّمین که قائل به أزلیّت إراده و از صفات ذات بودن آن هسـتند، نوشته و حادث بودن و از صفات فعل بودن إراده را موافق مذهب أهل بیت و روایات شیعه إثبات نموده، و با دلائـل عقلی کلام خود را تأییـد کرده، و دو حـدیث مشـهورِ عمران صابی و سـلیمن مَروزی را نیز شـرح داده، و کتاب پر سود محقّقانه ای نوشته است.

از گزارش زنـدگی این دانشـمند که پنجـاه و نه سـال پس از درگـذشت همنام و هم شـهری اش دانشـمند بزرگ ملّا خلیل بن غـازی قزوینی ــ صاحب «حاشـیه عـدّه الأصول» متوفّی به سال ۱۰۸۹ ــ کتـاب خود را نوشـته، اطّلاـعی در دست نیست، و تنها حاجی نوری در «خاتمه مسـتدرک: ۴۱۳» نامی از او و کتابش آورده و کتاب را سـتوده است. هماننـد او صاحب «ذریعه ۱:۸۸» آن را یاد و نسخه ای را در نزد سیّد محمّدناصر

حسینی طهرانی در طهران نشان داده، سپس «أعیان الشیعه ۱۱۱:۳۰» نیز کلام «ذریعه» را نقل کرده، و هم محدّث قمّی در «فوائد رضویّه ۱: ۱۷۴» از او و سه خلیل قزوینی دیگر یاد کرده است.(۱)

آغاز: «بسم... ربّ هب لی سمعًا یسمع آیاتک، و عقلًا یفهم ایمانک، و بصرًا یری قدرتک... فهذه مقاله فی إبطال القول بأزلیّه الإراده و جعلها من صفات الذّات؛ کما هو المشهور من الحکماءِ و جمهور المتکلّمین، و إثبات حدوثها و أنّها من صفات الفعل؛ کما هو المعلوم من مذهب أهل البیت علیهم السلام ...».

انجام: «فانقطع سلیمان و خاب و خسر مأمون، و ظهر حجّه اللّه علی الجاحدین... فهذا آخر ما أردنا ایراده فی هذه الرّساله... و کان ذلک فی ۲۲ من الرّبیع الثّانی من سنه ۱۱۴۸ ببلده قزوین... و أنا العبد خلیل بن محمد زمان القزوینی... وقع الفراغ من نسخه فی أواسط شهر ربیع الأوّل من شهور سنه ۱۱۵۴... بقلم... محمّد صادق ابن محمّد سلیم الحسینی الطّالقانی...».

نسخه: دارای ۹۲ برگ و ۳ برگ عطف. بالای برگ دوّم، شخصی چنین نوشته است:

«رساله إثبات إراده و علم حاجی محمّد خلیل قزوینی، از أمانات عالیحضرت سیادت منقبت میر محمّد صادق قزوینی»، و در زیر آن؛ عمّ فاضل دانشمند میر سیّد محمّد بن حجّه الاسلام حاج میر أبوالقاسم موسوی خوانساری نوشته است: «إنتقل إلیّ علی نهج مشروع، و أنا الحقیر محمّد بن السیّد أبی القسم الموسوی، ره». کاغذ فرنگی، خطّ

ص : ۱۶

---

۱ – ۱) در «کواکب منتشره: ۲۴۵» خلیل بن محمد زمان را و در (ص ۳۶۳) محمد صادق کاتب نسخه ما را عنوان فرموده اند، لکن چیزی زائد بر مطالب فوق نیاورده اند. در (ص ۲۴۳) هم شرح حال خلیل بن محمّد اشرف قائنی اصفهانی مهاجر به قزوین متوفی ۱۱۳۶ را که معاصر همنامش بوده ذکر نموده اند. به «فهرست کتابخانه امام جمعه کرمان:۳۱» نیز مراجعه فرمایند.

شکسته نستعلیق ۲۱ سطری، فهرس مطالبِ بدونِ عنوان تمامًا در حواشی به خطّ نسخ نوشته شده، آثار مقابله دارد. قطع ۱۱ × ۱۷، جلد تیماج سیاه ضربی مقوّایی.

«۵» إثبات الحقّ فی ترجمه إحقاق الحقّ

(کلام _ فارسی)

از: مترجم در این نسخه نامعلوم، لکن یک نسخه به همین نام و نشان از کتابخانه مرحوم ملک الشعراء بهار در مجلس است و استاد محمّدتقی دانش پژوه آن را در «نشریّه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۵:۶۵۸» به اختصار این چنین شناسانده است:

«إثبات الحقّ در ترجمه إحقاق، از میرزا محمّد نایینی درگذشته ۱۳۰۵ (ذریعه ۴:۷۵. المآثر و الاثار) ». سپس آغاز و انجام کتاب را آورده که همانند نسخه ما است.

آقای منزوی هم در «فهرست نسخه های خطّی فارسی ۲:۱:۸۷۰» این هر دو نسخه را پیرو معرّفی دانش پژوه نوشته اند. امّا در «ذریعه ۴:۷۵» که ترجمه احقاق نایینی را نوشته اند، هیچ نامی بدان نداده اند، و اینک نمی دانیم که نسخه بهار در مجلس هم همانند نسخه ما بی نام مترجم بوده و مرحوم دانش پژوه، به اجتهاد خود، ترجمه نایینی را همین «اثبات الحقّ» دانسته یا این که در آن نسخه نام مترجم این چنین بوده است؟

و این در حالی است که مرحوم بلاغی در «تاریخ نائین ۱:۱۲۷» و از آنجا در نسخه اصل «مکارم الاثار. سال ۱۳۰۵ ق» نام کتاب نایینی را «ترجمان الحقّ و لسان الصدق» نوشته اند، و همین گونه است در شرح حالی که میرزا علی خان نایینی فرزند حاجی میرزا محمّد برای پدرش در مقدّمه دیوان اشعار خود نوشته و گوید: «... سالی چند از أواخر عمر خود را صرف اتمام آن نمود و آن را ترجمان الحقّ و لسان الصدق موسوم ساخت...»: مقدّمه مقال منثور و منظوم دوازده صفحه ای از مرحوم حاجی میرزا محمّد

به عنوان «وجوب حکومت» که در دفتر هشتم مجموعه گرامی «میراث اسلامی ایران، صفحه ۳۳۵» چاپ شده است.

کتاب: ترجمه «إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل» (شماره ۸) از قاضی نوراللّه مرعشی شهید _ أعلی اللّه مقامه _ است به فارسی.

آغاز: «حمد و ثنائی چون نَعمای خالق اکبر، نامحدود».

انجام: «و هر چند پیچیده شود ساق به ساق. و إلیه المرجع و المساق».

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد. به قرائن از روی اصل نوشته شده و دارای تصحیحات و خطوط شخص مترجم است. مقدار موجود از آغاز کتاب تا پایان ترجمه قسم کلام است، که پس از آن مبحث اصول فقه می باشد.

اثبات الواجب القدیم: مجموعه (ش ...)

الإثناعشریّه فی الرّد علی الصوفیّه: الرساله الاثناعشریّه

«۶» الإثناعشریّه فی المواعظ العددیّه

(مواعظ _ عربی)

از: سیّد محمّد بن محمّد بن حسن مشهور به ابن قاسم حسینی عاملی، علیه الرحمه.

نسخه: به خطّ نسخ خوب محمّد هادی بن مرحوم محمّد علی حسینی قاری اصفهانی. تاریخ ختم استنساخ: چهارشنبه ۲۵ صفر ۱۲۹۰.

تاریخ ختم تألیف در این نسخه: روز شنبه نهم ماه رجب ۱۰۶۸، در مشهد مقدّس رضوی. اثر مقابله و تصحیح به نظر نرسید.

ص : ۱۸

«۷» کتاب اثولوجیا ارسطاطالیس

(فلسفه ــ عربی)

تفسیر فرفریوس الصوری

نقله الی العربیّه: عبدالمسیح بن ناعمه الحمصی.

ترجمه لأجل المعتصم باللّه: أبو یوسف بن یعقوب بن اسحق الکندی.

تاریخ ختم استنساخ: نصف شوال ۱۱۰۰.

«۸» إحقاق الحق و إزهاق الباطل

(کلام ــ عربی)

از: قاضی شهید سیّد نوراللّه بن شریف الدین حسینی مرعشی شوشتری، علیه الرحمه.

کتاب: ردّ مبسوط محقّقانه ای است بر کتاب «إبطال نهج الباطل و إهمال کشف العاطل» تألیف فضل بن روزبهان خنجی که ناصبی آن را از آغاز ربیع دوّم تا سوّم جمادای دوّم ۹۰۹ در کاشان در ردّ کتابِ «کشف الحقّ و نهج الصّدقِ» علاّمه حلّی ــ اعلی اللّه مقامه ــ در مسأله امامت نگاشته است.

تاریخ ختم تألیف: آخر ربیع الاول ۱۰۱۴ در شهر اگره هندوستان و مدّت هفت ماه به تألیف آن اشتغال داشته است. به طبع رسیده.

نسخه اصل مصنّف است، مشتمل بر ۵۳۵ برگ که تا برگ ۳۶۷ به خطّ کاتب مخصوص مؤلّف و با تصحیح و تحشیه شخص قاضی شهید است و از برگ ۳۶۸ تا آخر نسخه متنًا و هامشًا، تمامًا به خطّ خود مؤلّف بزرگوار است. در گوشه بالای چندین صفحه، مُهر آن مرحوم «نوراللّه بن شریف الحسینی» هست. در هامش برگ ۱۱۶ ابیاتی از یکی از اعاظم فضلاءِ شیعه به نام محمّد، و نیز ابیاتی از سیّد حسین بن علی، در ردّ

ابیات رکیکه ناصب به خطّ همان شخصِ محمّدنام دیده می شود. ظهر نسخهْ مهر «انّی عبداللّه آتانی الکتاب ۱۰۲۸» که شاید از فرزند مؤلّف است و مهر «اکبرعلی موسوی خان» یا «علی اکبر خان موسوی» هست، و در برگ آخر شرحی است که نشان می دهد این نسخه در ربیع دوّم ۱۱۲۶ به وسیله حکیم محمّد داود از هند آورده شده است.

«۹» نسخه دیگر

نسخه: جلد اوّل کتاب است که به این عبارت خاتمه یافته: «کما قلت فی جمله قصیده فی مدح مولای الرضا علیه السلم

سؤال از تو چه حاجت که جودِ ذاتِ تو را بوَد تقدّم بالذات بر وجودِ سؤال»

کاتب: محمد شریف الجریّی؟ القهپایه. تاریخ ختم کتابت: ۲۱ محرم ۱۱۳۱ در اصفهان. تا اواخر نسخه، اثر مقابله دارد و حواشی مؤلّف (منه) در حاشیه صفحات به خطّ کاتب نوشته شده.

«۱۰» الإحتجاج علی أهل اللّجاج

(کلام ــ عربی)

از: ابومنصور أحمد بن علیّ بن أبی طالب طبرسی، علیه الرحمه .

کتاب: احتجاجات دینی و مذهبی نبیّ اکرم و أئمّه اطهار علیهم السلام و صحابه و علماء است با مخالفان، و به طبع رسیده.

نسخه: برگ اوّل و آخر آن نو نویس است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا از آثار سده یازدهم می باشد.

«۱۱» کتاب الإحکام فی أصول الأحکام

(اصول فقه _ عربی)

از: سیف الدین ابوالحسن علی بن محمد آمدی اصولی شافعی.

کتاب: در مباحث مربوط به اصول فقه است بر رأی اهل سنّت و در غایت بسط و تفصیل.

نسخه: به خطّ رضا ابن محمد جعفر. تاریخ ختم استنساخ: ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۴۵. روی صفحه اوّل نوشته اند که دو ثلث آخر کتاب «به خط عالیجناب ملا رضا می باشد» و ایضًا تفصیل تعداد اوراق و ابیات نسخه به حساب سیاقی.

أحکام حجّ: رساله در احکام حجّ

«۱۲» أحکام الخمر و سائر المسکرات و العصیر العنبیّ و الزبیبیّ و التّمریّ

(فقه _ عربی)

از: مرحوم آقای حاج سیّد اسداللّه بن حاج سیّد محمّد باقر موسوی شفتی اصفهانی بیدآبادی، أعلی اللّه مقامهما.

کتاب: در بیان أحکام خمر و مسکرات و انواع عصیر است از نظر فقهی به تفصیل و استدلال در دو بخش یا دو رساله که ابتداءً به عنوان شرح «شرایع الاسلام» محقّق حلّی _ طاب ثراه _ نگاشته شده است، پیرامون دو عبارت از آن کتاب: ۱_ «الثامن. المسکرات...». ۲_ «و فی حکمها العصیر...».

تاریخ ختم تألیف: هفتم ماه رجب ۱۲۸۲.

ص : ۲۱

آغاز: «بسم اللّه الرحمن الرحیم. قوله رحمه اللّه: الثامن. المسکرات، و فی تنجیسها خلاف، و الأظهر النجاسه. إعلم أنّه لا خلاف بین علماءِ الاسلام خاصّتهم و عامّتهم».

انجام: «و الأحوط الاجتناب عنه، و اللّه العالم بحقایق الأحکام. فرغ من تسوید هذه الأوراق فی سابع شهر رجب ۱۲۸۲».

سپس مطلب دیگری در یک صفحه، به این افتتاح: «و ینبغی ختم المقال فی العصیر العنبیّ بذکر خاتمه» و به این خاتمه: «و نفی عنه الخلاف فی الجواهر(۱). الی غیر ذلک من کلماتهم».

نسخه: مسوّده اصل خطّ شکسته مؤلّف و کمابیش ۲۴ سطری است. قطع ۱۶ ×۲۲. متن مختلف. دارای ۹۰ برگ که ۵ برگ در اوّل و آخر عطف سفید و ۵ برگ در جابجای نسخه بیاض مانده است. روی برگ دوّم، مهر «کتابخانه مجدالدّین نصیری. ش ۱۴۳۴» است که وی نسخه را در حدود سال ۱۳۵۰ در اصفهان از ورثه مؤلّف خریداری و به طهران برده و نزد او کتابی ناشناس بوده و اینَک پس از چهل سال به موطن خود بازگشته و شناخته شد.

دو اثر دیگر از مصنّف: «رساله ای در احکام حج، ش ۳۹۸» و «کتاب الفقه» در این فهرست یاد می شود، و چند کلمه در احوال ایشان در ذیل شماره «۴۰» بیاید.

«۱۳» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در حیات مؤلّف نوشته شده و به ظنّ قوی، به خطّ کاتب نسخه «کتاب الفقهِ» همین مؤلّف می باشد. ظهر نسخه شرحی به خطّ نیای

۱- ۱) مقصود «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام» تألیف استاد مصنّف، شیخ محمّد حسن بن الشیخ باقر _ قدّس اللّه روحه الشریف _ است.

معظّم، آیه اللّه مرحوم حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی، و نیز این عبارت به خطّ کاتب نسخه به شنگرف دیده می شود: «فی أحکام الخمر و سائر المسکرات و العصیر العنبیّ و الزبیبیّ و التمریّ»، و نیز: «أبیات هاتین الرسالتین ۶ هزار بیت».

این نسخه که پیداست به دستور شخص مؤلّف از روی اصلِ سابق الذکر مبیّضه شده است، چنین آغاز می شود: «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و صلّی اللّه علی محمّد و آله اجمعین. إعلم انّه لا خلاف بین علماءِ الاسلام...»، و حدس زده می شود که مؤلّف ابتداءً قصد نوشتن شرحی بر «شرایع الاسلام» محقّق حلّی را داشته، لکن بعدًا این کتاب را که فقط پیرامون یک سطر از شرایع نگاشته، زائد بر حدّ شرح دیده و خواسته است آن را کتابی مستقل نماید و لذا به کاتب دستور داده است که عبارات متن شرایع را در نسخه مبیّضه نقل نکند. این نسخه اندک اختلافات دیگری نیز با نسخه اصل دارد که آن هم یقینًا به دستور خود مصنّف بوده است.

قطع ۱۵ و نیم × ۲۱ و نیم. متن ۹ × ۱۴. خط نسخ ۱۹ سطری. عناوین در متن و هامش به سرخی نوشته شده. دارای ۱۲۷ برگ که دو برگ در آخر بدرقه است و دو برگِ ۵۹ و ۶۰ نیز میان دو مبحث (یا دو رساله) مسکرات و احکام عصیر (البتّه به دستور شخص مصنّف) بیاض گذارده شده است.

«۱۴» احیاء علوم الدین

(آداب شرعی ــ عربی)

از: أبوحامد محمّد بن محمّد بن محمّد غزالی طوسی (متوفی ۵۰۵).

نسخه: مجلّد اول کتاب و مشتمل است بر ده کتاب ربع عبادات.

نام کاتب که از خوشنویسان زمان بوده، معلوم نشد و ظاهرًا از روی نسخه ای قدیمی استنساخ کرده و چون مقابله و تصحیح نشده است، در آن اغلاط فراوان راه یافته.

تاریخ ختم استنساخ، چهارم ذی الحجه ۱۲۷۸.

«۱۵» أدب اللّسان

(مواعظ ــ فارسی)

از: نیای معظّم نامـدار، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّدباقر موسوی چهارسوقی، صاحب کتاب شـریف «روضات الجنّات»، أعلی اللّه مقامه.

کتاب: دارای هجـده مجلس است، به خطّ فرزنـد جلیل القدر مؤلّف گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسـیح چهارسوقی، رضوان اللّه علیه. در گوشه بالای سر آغاز مجلس نخستین نوشـته انـد: «خزانه چهارم از باب اوّل». در برخی از مجالس دیگر نیز چنین یادداشت هایی دیـده می شود، و در جاهایی چند سـطری نانویس مانده. چند موضع را نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی ــ فرزنـد ارجمنـد کاتب بزرگوار اصل ــ نوشـته و تکمیل کرده انـد. تاریـخ تألیف و کتابت دیده نشد.

«۱۶» الأربعون حدیثًا، فی الامامه

(کلام ــ عربی)

از: شیخ سلیمان بن عبداللّه ماحوزی بحرانی، علیه الرحمه.

کتـاب: در شـرح و بیـان چهـل حـدیث از احـادیث دالّه بر امامت حضـرت امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السـلام است به روایات اهل سنّت. به نام شاه سلطان حسین صفوی موشّح شده. تاریخ ختم تألیف: شب پنجشنبه سوم ذی القعده ۱۱۰۶.

نسـخه: به خطّ علیّ بن لطف اللّه بن عبداللّه الجشی. ختم کتابت: چهارم ماه رجب ۱۲۳۴. تملّک عبداللّه بن مبارک بن علی بن عبداللّه بن ناصر آل حمیدان احسائی خطی در ۱۲۳۴ و محمّد بن علی بن علی بن محمّد حجری بحرانی در ۱۲۴۲ و مهر او (در حرز محمّد و علی ۱۲۳۷) در آخر نسخه، و جمله «من کتب جناب الحاج سید عبداللّه

ص : ۲۴

خلیفه. ابوالمجد» به خطّ مرحوم آقا شیخ محمّدرضا ابوالمجد، در اوّل نسخه است. سه چهار برگ در پایان، شامل مطالب متنوّع در مناقب، به خطّ کاتبِ نسخه نوشته شده.

«۱۷» الأربعون حدیثًا

(شرح حدیث ــ عربی)

از: شیخ بهاءالدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهائی قدس سره (متوفی ۱۰۳۰).

کتاب: شرح و بیان چهل حدیث شریف نبوی از طرق اهل بیت علیهم السلام با ذکر اسنادْ. از کتب بسیار معتبر و مشهور است و مکرّر به طبع رسیده. تاریخ ختم تألیف: روز دوشنبه بیست و سوّم صفر ۹۹۵.

نسخه: به خط حسن بن قاسم شیرازی اصل مکّی مولد و موطن. ختم کتابت: شب چهارشنبه ۲۷ ماه رجب ۱۰۴۴. حواشی مؤلّف در هامش نسخه به خطّ کاتب نوشته شده و چهار برگ آغاز نسخه نونویس است. مهر نیای گرامی، آیه اللّه آقامیرزا سیّد جلال الدین روضاتی، ظهر نسخه است.

«۱۸» نسخه دیگر

نسخه: نفیس و به خطّ نسخ زیبای محمدحسین حسینی جزائری، متخلّص به مستغرق، مکنّی به ابوعلی، ملقّب به أضعفی. تاریخ ختم استنساخ: جمعه ۲۶ ربیع دوّم ۱۰۸۱. کاتب از اهل علم و عرفان بوده و همه جای نسخه حاشیه های مفیدی از خود به امضاءِ «ضع» نگاشته. اشعاری نیز به عربی و فارسی از خود آورده است. مهر «الفقیر الی ربّه الغنیّ، محمد یعقوب الحسینیّ» و «عبده محمدرحیم الطباطبائیّ ۱۲۱۴ ظ» در نسخه هست. پس از برگ نخست، دو جزو مفقود شده، بقیّه سالم است.

«۱۹» نسخه دیگر

نسخه: اندکی از آغاز ناقص است. تاریخ ختم تألیف: روز دوشنبه ۲۳ صفر ۹۹۵. تاریخ ختم استنساخ: روز جمعه ۲۲ شوّال ۱۰۴۸. نام کاتب ندارد. امتیازی جز حواشی مؤلّف ندارد. در صفحه آخر اثر وقف دارد. روی دو سه برگ آخر نسخه، مطالب متفرّقی نوشته شده است.

«۲۰» نسخه دیگر

نسخه: کامل است و تاریخ ختم تألیف، بسان نسخ دیگر و تاریخ ختم استنساخ، دوّم ماه رمضان ۱۰۹۲ و در پایان نام کاتب ذکر نشده. در آغاز، فهرست تفصیلی کتاب به خطّ کاتبِ نسخه نوشته شده و در پایان آن نام کاتب عزیزاللّه ممسنی قید گردیده که ظاهرًا تمام نسخه به خطّ همین شخص است و حواشی «منه» و غیره نیز به خطّ هموست. تملّک محمّدقاسم بن زین الدین بهبهانی روی برگ اوّل است، و لُغزِ شیخ حسین بن عبدالصمد، والد شیخ بهائی ـ علیهماالرحمه ـ و جواب شیخ بهائی به این لغز نیز روی برگ اوّل فهرست نوشته شده است. از اوّل تا اواخر نسخه دارای آثار مقابله و تصحیح می باشد.

«۲۱» ارشاد الأذهان الی أحکام الایمان

(فقه ـ عربی)

از: علاّمه حلّی جمال الدین حسن بن یوسف بن المطهّر، رضوان اللّه علیهم.

کتاب: یک دوره فقه است، مشتمل بر نکته های بدیعه در مسائل شرعیّه، که به

خواهش فرزنـد مؤلّف فخرالمحقّقین فخرالـدین محمّـد تألیف شده. به طبع رسـیده است. تألیف این کتاب چنان که از آخر آن مستفاد می شود، پس از تألیف «نهایه» و «تحریر» و «تذکره» و «قواعد» و غیرها نگاشته شده است.

نسـخه: تمام است و شخصـی نام و نشان کاتب را که در آخر نسخه نوشته شده بوده، خط زده و مخدوش کرده است و به هیچ وجه خوانـده نمی شود. تاریخ ختم اسـتنساخ: اواسط شوّال ۱۰۱۱. روی برگ بعـد از خاتمه چند تاریخ ولادت نوشـته شده که ظاهرًا تاریـخ تولّـد اولی به خطّ کاتب نسـخه است و مجملاً در اینجا نقل می کنیم. (تولّـد فرزنـد ارجمند محمدجعفر روز سـه شنبه ۱۶ عربیّه ۲۵ قدیمه ۱۹ ترکیّه در مـاه رمضان ۱۰۴۹)، (تولـد فرزند دلبند ملا فیض الله شب جمعه ۲۹ ذیحجّه ۱۰۵۵ ــ در سن شـش سالگی در ییلاق سـمام بآخره انتقال کرد)، (تولد فرزندی حسن مکنی بابوالمحسن روز پنجشـنبه ۲۱ محرم ۱۰۹۱ ــ در ۲۲ ج ۲ همین سال فوت شـد)، (تاریخ تولد فرزندی محمد کاظم در پشت کتاب جعفریه نوشـته شد)، (تاریخ تولد فرزندی ابوالصـلاح در ظهر مجموعه دعا قلمی شد)، (تفاوت سن ابوالصلاح با ابوالمحسن یک سال و چهار ماه می شود که ابوالصلاح از او بزرگتر است)، (تاریخ جلوس شاه صفی سنه ۱۰۳۸).

شش برگ بـدرقه آخر نسـخه است که مطالبی از کتاب «زوائـد و فوائـد» و «مواریث حبل المتین شـیخ» و مطالبِ دیگری روی آنها نوشته شده است و هکذا روی ده برگ عطف اوّل نسخه، مطالب متفرّقه شرعیِ بسیار و ابیات شعری چندی نوشته اند.

«۲۲» نسخه دیگر

نسـخه: قدیمی است و دارای حواشـی بسـیار، مانا که وقف بوده و برگ اوّل و آخر آن را برداشـته اند. نیای گرامی مرحوم آیه اللّه حاج سیّد محمد موسوی چهارسوقی آن دو

برگ را به خطّ خود نگاشته اند. مهر «مراد الحسنی الحسینی الطباطبائی» و دیگری، روی برگ دوّم هست. تاریخ فوت حاجی محمد ابراهیم کرباسی قدس سره : «تخمینًا سه ساعت گذشته از شب پنجشنبه هشتم جمادای یکم ۱۲۶۱» داخل جلد کتاب نوشته شده است.

«۲۳» نسخه دیگر

نسخه: قدیمی است و دارای حواشی بسیار و توضیحات لغوی به فارسی و عربی. معادل دو برگ از ابتداء و چهار برگ از انتهاء مفقود شده، لذا نام کتاب و تاریخ کتابت معلوم نیست. نسخه به دقّت تصحیح شده و آثار مقابله به خطّ شخصِ دانشمندی دارد.

«۲۴» نسخه دیگر

نسخه: کامل است و نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ظاهرًا در قرن ۹ _ ۱۰ نوشته شده و سراسر آن دارای حواشی متفرّقه مفیدی است.

«۲۵» نسخه دیگر

نسخه: کامل است و نام کتاب و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن در قرن یازدهم نوشته شده. حواشی پراکنده در برخی صفحات هست. تعداد برگ ها در حاشیه ها، ۲۱۶ برگ است.

«۲۶» الاستبصار، فیما اختلف [فیه] من الأخبار

(حدیث _ عربی)

از: شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، علیه الرحمه.

کتاب: شامل ۹۲۵ باب و ۵۵۱۱ حدیث در جمیع ابواب فقه است در سه جزء، و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ نسخ زیبای محمد بن عبداللّه بن أبی‌الفتیه البحرانی الأُوالی که از خوش نویسان عصر خود بوده. تاریخ ختم کتابت: ۲۲ شوال ۹۶۵.

دانشمندی نسخه را از اوّل تا اواخر جزءِ دوّم «کتاب الحج» در نزد مرحوم سید محمد بن ابی الحسن حسینی عاملی صاحب «مدارک الاحکام» قرائت کرده و سیّد همه جا در حواشی آثار مقابله و تصحیح گذارده و در پایان کتاب صوم، اجازه روایت کتاب را به وی داده است.

حواشی بسیاری با رمز «م. د. سلمه اللّه ـ یا ـ مدّ ظله» از اول تا اواخر جزء دوم نوشته شده که ظاهرًا از سید محمد مذکور و به خطّ مجاز است. مهر «اللّه نور السموات و الأرض» در پایان نسخه هست و برگ اوّل نو نویس می باشد.

«۲۷» نسخه دیگر

نسخه: شامل جزءِ اوّل و دوّم است و قسمت عمده آن به خطّ قدیم و دارای آثار مقابله و تصحیح و تحشیه به خطّ یکی از بزرگان علماء است و مقداری از اوراق آن، که مفقود بوده، نیای گرامی، آیه اللّه مرحوم حاج میر سیّد محمّد موسوی به خطّ خود استنساخ و تکمیل کرده اند. تاریخ ختم تحریر ایشان: چهارشنبه ۳ ربیع یکم ۱۲۶۹. یک فهرست مبسوط از تمامی استبصار، در آغاز نسخه ضمیمه شده که نویسنده آن معلوم نیست.

«۲۸» نسخه دیگر

نسخه: کامل است. کاتب: عبداللّطیف بن عبدالباقی رودسری. تاریخ ختم استنساخ:

۱۸ ذی الحجّه ۱۰۷۶. تا اواسط کتاب اثر تصحیح و مقابله و مقداری حواشی متفرّقه دارد. روی ورق اوّل نوشته اند: «وقف اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور مرحوم ملّا شیخ علی رودسری».

«۲۹» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوّم کتاب است از آغاز کتاب الشهادات تا پایان مشیخه که انجامِ کتاب است. کاتب، محمد سعید الحسینی که پیدا است از فضلاءِ زمان و دارای خطّ و ربطی بس ممتاز بوده. تاریخ ختم استنساخ: روز پنجشنبه ۲۶ ذی القعده ۱۱۱۲.

امتیازات نسخه: ۱ ـ فهرست دقیق این مجلّد را کاتب در ۶ صفحه به تاریخ پنجشنبه سوّم ذی الحجّه ۱۱۱۲ نگاشته و در آغاز نسخه نهاده. ۲ ـ بالای تمام اوراق ارقام هندسی گذارده و تعداد اوراق ۱۷۸ برگ می باشد که در فهرست به آنها نیز اشاره کرده است. ۳ ـ بالای سر هر کرّاسی را کاتب تاریخ استنساخ گذارده و تاریخ شروع به استنساخ جزوه اوّل، روز پنجشنبه ۱۷ ذی الحجه ۱۱۰۹ است. لکن تاریخ استنساخ جزوه دوّم سه شنبه ۲۷ محرم ۱۱۱۱ می باشد که تا کراس ۶ همین اشتباه تکرار شده. ۴ ـ رؤس تمام مطالب کتاب و اوّل اسانید آن، به شنگرف نوشته شده. ۵ ـ نسخه به دقّت مقابله و تصحیح شده و بسیاری از کلمات دارای حرکات و اعراب می باشد. ۶ ـ در مواضع حاجت، کاتب حاشیه هایی از کتب مختلف نقل کرده و برخی از حواشی مختوم به رمز (س م د) است که ظاهرًا از خود کاتب می باشد.

روی برگ اوّل نسخه شخصی نوشته است «به تاریخ عصر روز شنبه ۲۵ صفر ۱۱۷۲ کتاب مزبور به تصرّف آمد».

ص : ۳۰

«۳۰» نسخه دیگر

نسخه: کامل است. کاتب: ابراهیم تفرشی. تاریخ ختم استنساخ: ۱۰۹۱. اثر تصحیح و مقابله و حاشیه ای ندارد.

وقفنامه «بدرالنساء خانم بنت نواب مستطاب... شاه قلی خان اعتمادالدوله سابق، غفر له... و تولیت... مجتهد الزمانی میر سید محمّدا...» روی برگ اوّل است.

«۳۱» استقصاءُ الاعتبار فی شرح الاستبصار

(شرح حدیث ـ عربی)

از: شیخ ابوجعفر محمد بن ابی منصور حسن بن شیخ زین الدین «شهید ثانی» شامی عاملی، متوفی در مکّه مکرّمه ۱۰۳۰، رضوان اللّه علیهم.

کتاب: شرح «الاستبصار فیما اختلف من الأخبار» شیخ طوسی ـ علیه الرحمه ـ است به «قوله، ره».

نسخه: مشتمل بر جزءِ اوّل و جزءِ سوم کتاب است فقط. تاریخ ختم تألیفِ جزءِ اوّل در کربلا: روز پنجشنبه ۱۷ جمادی الاولی ۱۰۲۵ «هم در نسخه و هم در ذریعه» و تاریخ ختم جزءِ سوّم که تمامًا در «صلوه» است: اواخر ماه صفر ۱۰۰۷ در کربلا «چنانکه در همین نسخه است» و شاید اشتباه باشد یعنی شاید صحیح «۱۰۲۷» باشد و اللّه العالم.

کاتب: نامعلوم و پیداست که یکی از کاتبان حرفه ای زمان خود در اصفهان بوده.

تاریخ ختم استنساخ جزءِ سوّم: ۲۶ ذی الحجه ۱۲۴۴. اثر تصحیح و مقابله و تحشیه مطلقًا ندارد. روی برگ اوّل نوشته اند: «عدد اوراق ۳۱۷، ورقی ۱۰۸ بیت، مجموع کتابت کتاب ۳۴ هزار بیت».

ص : ۳۱

«۳۲» أسرار العربیّه

(نحو ـ عربی)

از: ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمد معروف به ابن الانباری نحوی.

کتاب: در باب اسرار و علل مسائل نحو است و مذاهب نحویان قدیم و جدید تا عصر مؤلّف، و به طبع محققانه رسیده در دمشق به سال ۱۳۷۷.

نسخه: به خطّ «محمّد حسین ابن فاضل علاّمه زبده المجتهدین سیّد محمّد موسوی خوانساری» است که به شرح مرقوم در اوّل و آخر نسخه، آن را در مدرسه صدر اصفهان در سال ۱۳۰۸ از روی یک نسخه مغلوط و ناقص الآخر (تا معادل ص ۴۰۴ نسخه چاپی) استنساخ کرده، و به خطا پنداشته است که تألیف ابن داود حلّی است.

دو مهر کاتب «الواثق بالله محمد حسین بن محمد الموسوی ۱۳۰۱» و «الراجی محمد حسین الموسوی» ظهر نسخه است، و همچنین یادگاری از محمدصادق بن محمد الموسوی به تاریخ ۲۴ جمادای دوّم ۱۳۰۹.

محمد حسین و محمد صادق، این دو برادر دانشور فرزندان عالم جلیل آقا سیّد محمد فرزند آقا سیّد محمدصادق مجتهد «کرام برره: ۶۴۷» فرزند علاّمه بزرگ آقا سیّد محمدمهدی موسوی خوانساری صاحب کتاب «عدیمه النظیر» ـ علیهم الرحمه ـ بوده اند.

«۳۳» اشارات الی مفاتیح الأحکام

(اصول فقه ـ عربی)

از: حاجی محمدابراهیم بن حاج محمد حسن کرباسی اصفهانی، علیهما الرحمه.(۱)

کتاب: در مباحث اصول فقه و معروف است به «اشارات الأصول» در دو مجلّد که

۱- ۱) تاریخ دقیق وفات حاجی در شماره «۲۲» گذشت.

مجلّد اوّل آن به طبع رسیده.

نسخه: مجلّد اوّل است از مقدّمه ای در تعریف علم اصول تا منهج تاسع در نسخ «مباحث ألفاظ». نام کاتب ندارد و در پایان، تاریخ کتابت سنه ۱۲۴۰ قید شده است. حاج میرزا فتح اللّه خان بزرگ زاد ــ رحمه اللّه ــ نسخه را در ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ از هاجی ربیع یهودی به مبلغ یک تومان و هشت ریال خریده، سپس در تاریخ دوّم شهر رجب ۱۳۶۰ آن را به نیای گرامی، آقای حاج میرزا سیّد حسن آیه اللّه چهارسوقی اهداء کرده است. خطوطشان در آخر نسخه دیده می شود.

«۳۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم کتابست در ۱۶۹ برگ، از منهج عاشر در ادلّه شرعیّه تا خاتمه در وصایای نافعه. تاریخ اتمام تألیف: ثلث اوّل سال ۱۲۵۳. کاتب: رفیع اصفهانی فرزند محمدعلی غراباغی. تاریخ ختم کتابت: جمادای یکم ۱۲۷۰. بدون اثر مقابله و تصحیح. روی برگ اوّل تملّک و مهر مرحوم حاج میرزا قوام الدین فرزند حاج میرزا عبدالرزّاق رشتی اصفهانی به تاریخ ۵ ربیع ثانی ۱۳۳۳ نوشته شده.

آغاز: «بسم... المنهج العاشر فی الأدله الشرعیه و فیه مطالب».

یک نسخه در فهرست مرعشی، ش ۳۰۱۸، در ۱۸۷ برگ به خطّ حسن بن عبدالقادر کتابت ۱۲۵۶ و مقابله با خطّ مصنف معرفی شده و یک نسخه نیز در فهرست کتب حاج سیّد مصطفی صفایی.

«۳۵» الأشباه و النظائر، الفقهیّه، علی مذهب الحنفیّه

(فقه ــ عربی)

از: زین الدین بن ابرهیم بن محمد بن نجیم مصری معروف به ابن نجیم (متوفی ۹۷۰).

کتاب: در هفت فنّ از فنون فقهیّه است در فقه حنفی و به طبع رسیده. تاریخ ختم تألیف: ۲۷ جمادای دوم ۹۶۹. فهرست کتاب در آغاز به قلم مؤلّف آمده است.

نسخه: فاقد برگ آخر است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت آن معلوم نیست. اضافات و اصلاحات حواشی نسخه ظاهرًا به خطّ مؤلّف است. تملّک و مهر علی بن محمد جزائری در تاریخ ۱۰۰۰ (ظ) و عبدالرحمن بن احمد حنفی در ۱۰۷۱ و عبدالله بن ابرهیم حنفی و محمد صالح سلیمانی و نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سید جمال الدین چهارسوقی به تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۲۱، روی نسخه هست. ظهر برگ آخر شرحی به خطّ والد معظّم ایشان آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمدهاشم چهارسوقی به تاریخ ۱۸ جمادای یکم ۱۳۱۰ نوشته شده است.

«۳۶» اصلاحات الصّوفیّه

(تصوّف ــ عربی)

از: کمال الدین عبدالرزّاق کاشی.

کتاب: شرح و توضیح اصطلاحات صوفیّه است در دو قسم و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ فرزند مصنّف محمّد بن عبدالرزّاق الکاشی است. تاریخ ختم کتابتِ قسم اوّل: روز یکشنبه ۱۷ جمادی الاخره ۷۶۴ و ختم استنساخ قسم دوّم: روز سه شنبه ۲۶ جمادی الاخره ۷۶۴. در پایان هر دو قسم در هامش، شرحی درباره مقابله و تصحیح نسخه به تاریخ ۷۶۵ نوشته شده.

روی برگ آخر تملّک جنید بن فضل الله لرعس (بزغش؟) که ظاهرًا همان صاحب «شدّ الازارِ» معروف است، و نیز تملّک و مهر محمدباقر بن احمد اصفهانی «العبد المذنب محمدباقر» و «عبده محمدباقر» و مهر «عبده محمدمحسن الطباطبائی» و مهر نیای گرامی «الراجی جلال الدین بن محمد مسیح الموسوی» در آغاز و انجام نسخه

ص : ۳۴

هست. و این یادداشت روی برگ آخر دیده می شود: «تحویل حمل در هذه السنه ۱۱۹۶ در عصر روز چهارشنبه پنجم شهر ربیع الثانی یک ساعت و بیست و پنج دقیقه به غروب آفتاب...».

ناگفته نماند که تاریخ تألیف «اصطلاحات» نامعلوم است، لکن تاریخ پایان تألیف «شرح منازل السائرین» روز دوشنبه بیستم ماه رجب ۷۳۱ در خانقاه ربع رشیدی است و به تصریح شخص مؤلّف، این اصطلاحات پس از تألیفِ «شرح فصوص الحکم» و «تأویلات القرآن الکریم» و «شرح منازل السّائرین» و به منظور توضیح و کشف مصطلحات صوفیانه آن کتاب ها تألیف شده است.

دیگر این که «اصطلاحات» چاپ شده در حاشیه «منازل السائرین» تنها نیمه نخست کتاب است که قسم اصطلاحات باشد، لکن در «معجم المطبوعات: ۱۵۴۲» و «فهرست کتاب های چاپی عربی: ۶۱» و «قائمه بأوائل المطبوعات العربیّه بدار الکتب: ۱۰۱» آمده است که این کتاب به صورت کامل هر دو قسم، به اهتمام «سپرنگر» مستشرق اطریشی به سال ۱۸۴۵ میلادی (۱۲۶۱ هجری) در ۱۶۷ صفحه، به انضمام نه صفحه در کلکته چاپ شده است. و نیز به قول مرحوم مشار، باز در سال ۱۳۱۲ هم در ۷۹ صفحه وزیری در همان کلکته به چاپ رسیده است.

«۳۷» أصل سُلیم بن قیس

(حدیث ــ عربی)

از: سُلیم بن قِیس هِلالی، از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام .

کتاب: از قدیم ترین آثار شیعه امامیّه است، مشتمل بر احادیث مرویّه و وقایع بعد از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ، و مکرّر به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ نیای معظّم، عالم محقّق متتبع جلیل، آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد

ص : ۳۵

موسوی چهارسوقی، أعلی اللّه مقامه. تاریخ ختم کتابت: یازدهم جُمادای یکم ۱۲۸۸. در آغاز شرحی راجع به کتاب و شخص سلیم نگاشته اند، و در پایان نسخه نیز مکتوبی است از عمر بن خطّاب به معاویه و سه مکتوب دیگر.

ظهر نسخه مُهر تملّک نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین چهارسوقی هست.

«۳۸» اصول دین

(کلام ـ فارسی)

از: آقا جمال خوانساری، از دانشمندان بزرگ عهد صفوی که در جمیع فنون شرعی و علوم عقلی و نقلی سرآمد اقران و مُشار به بنان بوده. نام گرامی اش جمال الدّین محمّد، پدر بزرگوارش استاد الکلّ فی الکلّ آقا حسین معروف به محقّق خوانساری فرزند فاضل کامل جمال الدّین محمّد. این پدر و فرزند فرزانه دانشمند، یعنی آقا حسین و آقا جمال، اصلاً خوانساری بوده و در اصفهان سکونت داشته اند. بزرگ ترین حوزه های درسی این دارالعلم مختصّ آنها بوده و از هر دو تألیفات و آثار گران بهایی به جای مانده است. رضوان اللّه تعالی علیهما.

شرح حال آقا جمال و آقا حسین در «روضات الجنّات: ۱۵۶ و ۱۹۴ ـ ۱۹۷» به ترتیب یاد شده و در عموم کتب تراجم نیز مذکور است.

آقا جمال نزد پدر نامور خود و مرحوم ملا محمّدباقر محقّق سبزواری، خالوی خود درس خوانده و در «ریحانه الأدب ۱: ۲۴» که شرح حال او را آورده، از دوازده تألیف او یاد کرده، و پاره ای از آثار آن مرحوم مانند کتاب نفیس «ترجمه الفصول المختاره» و «ترجمه مفتاح الفلاح» به طبع رسیده و پیرامون آنها و ترجمه اجمالی مؤلّف نیز در کتاب «مؤلّفین کتب چاپی فارسی ۲: ۳۸۱ ـ ۳۸۳» گفتگو شده است.

آقا جمال در ۲۶ ماه رمضان ۱۱۲۵ پس از گذشتن بیست و پنج سالی از رحلت پدرش در اصفهان وفات یافت و در تکیه ای مخصوص از مزار تخت پولاد، پهلوی پدر به خاک رسید.(۱) اینک قبور آنان مورد توجّه عموم مردم است و پیوسته از زیارتشان بهره مند می شوند. رحمه اللّه علیهما.

«اصول دین» جای گفتگو از آثار نفیس مرحوم آقا جمال است که در «ذریعه ۲: ۱۸۶» یاد شده و نسخه مورّخه ۱۱۱۱ آن را مؤلّف بزرگوار ذریعه دیده اند.

مع الأسف نسخه ما از آخر ناقص است و تا فصل ششم از باب چهارم آن بیشتر نیست. در فهرست های موجود نیز نسخه ای دیگر از این کتاب نشان داده نشده است.

مؤلّف، این کتاب را به دستور شاه سلطان حسین صفوی تألیف کرد و در دیباچه از او به نیکویی یاد نمود، و آن را بر یک مقدّمه و پنج باب به شمار اصول پنجگانه مرتّب گردانید.

مؤلّف در باب اوّل در مباحث گوناگون اثبات واجب و صفات ثبوتیّه و سلبیّه، و در باب دوم در مباحث عدل باری تعالی، و همچنین در سایر ابواب، گسترده و بسیار محقّقانه سخن گفته و حقًّا کتابِ جامع و مفیدی به وجود آورده است.

آغاز: «بسم... ثمره شجره عبارت آرایی، حمد و ثنای حکیم حکمت آفرینی است، که شاهد یکتا زیبایی ذات منزّه صفات بی مثالش در آینه خدای نمای عالم صورت، که

---

۱ - ۱) این تاریخ و گزارش برگرفته از کتاب شریف «روضات الجنّات: ۱۵۶» است. نیای گرامی _ أعلی اللّه مقامه _ مأخذ تاریخ را یاد نکرده اند، و در «کواکب منتثره: ۱۴۶» سال (۱۱۲۱) را به استناد مصراع شعر فاتح «کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال» برگزیده اند، امّا در آن مصرع «حسین ابن علی» باید حساب کرد تا (۱۱۲۲) باشد، زیرا تاریخِ درستِ فوت آقا جمال _ علیه الرحمه _ ، شب یکشنبه دوم ماه رمضان یکهزار و بیست و دو است، به شرحی که در کتاب «دو گفتار: ۶۳ _ ۶۵. چاپ اصفهان _ قم، ۱۳۷۸ ش» نوشته ایم.

جلوه گـاه جهـان معنی غیبی است، به وجهی چهره گشـای ظهور و شـهود گردیـده، که به هیـچ وجه من الوجوه حجاب خفاء، پرده پوش رخسـار پیـدایی آن نمی توانـد بود، و گـل خود ــ روی هستی بی زوالش در گلشن همیشه بهـار إدراک عقلی، که بهارسـتان ریاض معارف لاریبی است به رنگی بساط تجلّی و خودنمایی چیـده، که خار خار شکّ و شُـبهه اصـلاً خس پوشـی علم یقینی به آن نمی تواند نمود.

و گل سـر سـبد رنگین کلامی و سـخن سرایی، درود نامحدود رسول کریم حجّت قرینی است که به رهنمایی بحرین معقول و منقول عالمیـان را شـناسای گوهر یکتـای توحیـد یزدانی نمود، و به شـکل آرایی مقـدّمتین اصول و فروع، جهانیان را عارف به طریقه مسـتقیمه نتیجه کُبرای علم ربّانی فرمود. صلّی اللّه علیه و آله الائمّه الطاهرین، ما تولّدت من صله العقل بالنّقل نتائجُ الحقّ و الیقین.

و بعد، بر عاقلان خبیر و خردمندان بصـیر... پوشـیده نیست که شـیرازه بندان صـحیفه کامله عقل و آگاهی، نخست در تصـحیح کتاب کِبریا انتسابِ معرفت الهی که مقـدّمه جمیع طاعات و اساس تمام عبادات است کوشـیده، کارگزاری این فریضه را مقدّم بر سایر واجبات دینیّه و اهمّ از همه فرائض مهمّه ایمانیّه می دانند.

لهـذا، نوّاب کامیـاب... شاه سـلطان حسـین الحسـینی الموسوی الصّـفوی، بهادرخان،... که به مَیامِنِ توفیقات یزدانی و تأییـدات سبحـانی همواره همّت والاـ نهمت بر تأکیـد قواعـد دین مبین، و تشـیید مبـانی شـرع مسـتبین، و اقامه فرائض و طاعات، و اماطه معاصـی و منکرات گماشـته، در هر بـاب اهتمام تمام و مبالغه بیانجام می نماینـد، مقرّر فرمودنـد که داعی دوام دولت قاهره، و راجی خلود سـلطنت ابـد مـدّت باهره، نیازمند توفیق کردگاری: جمال الدّین محمّد خوانساری، در باب مسائل متعلّقه به مبدأ و معاد، و مباحث منوطه به اصول دین قوی بنیاد، عقاید خود را به طریقی که از ادلّه عقلیّه و نقلیّه استنباط نموده، در

رساله (ای) بر وجه اختصار به عرض اقدس رساند، تا عامّه اهل ایمان، و طلّاب معرفت و ایقان از مطالعه آن کامیاب و بهره مند گشته، ثواب آن به روزگار فرخنده آثار آن رواج افزای مذهب حقّ اثناعشری، و راهنمای طریق مستقیم دین پروری واصل و متواصل گردد.

لا-جرم، امتثالاً- لأمره المطاع الأعلی، به عنوانی که موافق مزاج همایون بود، به نگارش این رساله مشتمله بر مقدّمه و پنج باب مبادرت نمود...».

انجام موجود: «و آنچه بعضی از اهل سنّت گفته اند که مراد به میراث در این دو آیه علم و نبوّت است نه مال و اسباب، با آنکه خلاف ظاهر است قبول کنیم آن را در آیه اوّلی، امّا در آیه دوّم احتمال آن نیست، زیرا که بنی اعمام که».

فهرست مطالب:

مقدّمه _ در ذکر اصول دین بر سبیل اجمال و تحقیق وجه بودن آنها از اصول دین. باب ۱ _ در اثبات واجب الوجود و صفات ثبوتیّه و سلبیّه او، در این چند فصل است. ف ۱ _ در اثبات واجب الوجود، تعالی شانه. ف ۲ _ در اثبات واجب الوجود به طریق دیگر. ف ۳ _ در توحید واجب، تعالی. ف ۴ _ در اثبات علم حق تعالی. ف ۵ _ در بیان آنچه کافی است اعتقاد به آن در معرفت علم حق تعالی. ف ۶ _ در اثبات قدرت حق تعالی. ف ۷ _ در اثبات عموم قدرت حق تعالی. ف ۸ _ در تحقیق اراده حق تعالی. ف ۹ _ در تحقیق سمیع و بصیر به عین شنوا و بینا بر حق تعالی. ف ۱۰ _ در تحقیق حیّ و قیّوم. ف ۱۱ _ در تحقیق تکلّم حق تعالی. ف ۱۲ _ در ذکر باقی اوصاف واجب الوجود.

باب ۲ _ در عدل حقّ تعالی و آنچه متعلّق به آنست، و در این چند فصل است. ف ۱ _ در اثبات عدل حق تعالی. ف ۲ _ در بیان آنکه نسبت اضلال و امثال آن به

خدای تعالی بر ظاهر آن محمول نیست. ف ۳ ــ در ثبوت اغراض از برای افعال حق تعالی. ف ۴ ــ در بیان آنکه افعال عباد مستند به ایشان است. ف ۵ ــ در بیان عدم استقلال عباد در افعال خود. ف ۶ ــ در بیان وجوب انتصاف مظلوم از ظالم. ف ۷ ــ در تحقیق قضاء و قدر. ف ۸ ــ در ذکر حدوث عالم.

باب ۳ ــ در نبوّت، و در این چند فصل است. ف ۱ ــ در معنی نبیّ و طریق ثبوت نُبوّت. ف ۲ ــ در بیان وجوب عصمت انبیاء، علیهم السّلام. ف ۳ ــ در وجوب تنزّه انبیاء از اموری که موجب تنفّر از ایشان باشد. ف ۴ ــ در اثبات نبوّت پیغمبر ما صلّی اللّه علیه و آله. ف ۵ ــ در ابطال آنچه یهودان می گویند در ردّ نبوّت آن حضرت صلّی اللّه علیه و آله، و آن دو وجه است. ف ۶ ــ در افضلیّت آن حضرت صلّی اللّه علیه و آله از سایر انبیاء و از تمام ملائکه.

باب ۴ ــ در امامت که اصل چهارم از اصول دین است، و در این چند فصل است. ف ۱ ــ در بیان معنی امام و ذکر دلیل بر وجوب نصب او. ف ۲ ــ در بیان وجوب عصمت امام. ف ۳ ــ در طریق ثبوت امامت امام. ف ۴ ــ در إبطال قول أهل سنّت. ف ۵ ــ در پاره ای از مَطاعن. ف ۶ ــ پاره ای از مطاعن مشترکه...

نسخه: دارای ۴۴ برگ. برگ اوّل عطف و ظهر آن شرحی به خطّ مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی ــ رحمه اللّه علیه ــ درباره تفأّل به قرآن کریم منقول از بخاری نوشته شده. روی برگ ۲ این شرح به خطّ نیای بزرگوار، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد علی مجتهد چهارسویی فرزند گرامی آقای حاج میر سیّد محمّد مذکور دیده می شود: «اصول دین. تصنیف العالم الفاضل جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الأصول آقا جمال، قدّس سره». مهر: «علیّ ابن محمّد الموسوی». چند بیت شعر نیز روی همین برگ نوشته شده.

کاغذ ترمه، جلد تیماج مشکی یک لا که با تیماج قهوه ای حاشیه و تعمیر شده، آستر تیماج قرمز، تمام اوراق کتاب صحّافی و مرمّت شده، خط نستعلیق ۲۰ تا ۲۴ سطری، عناوین به سرخی، قطع ۱۳ × ۲۱، متن ۶ و نیم × ۱۴ تا ۷ و نیم × ۱۵. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. از اوّل نسخه تا برگ ۲۴ در حیات مصنّف استنساخ شده و حواشی مختوم به «منه، سلّمه اللّه» است. بقیّه به خطّ کاتب دیگر پس از فوت مصنّف نوشته شده و حواشی به قید «منه، ره» می باشد. نیمی از ظهر برگ ۴۳ و سطور آخر نسخه که روی برگ ۴۴ نوشته شده به خطّ مرحوم آقای حاج میر سیّد علی مجتهد مذکور است و چنان که گذشت، نسخه ناتمام و تا فصل ششم از باب چهارم بیشتر موجود نیست و از باب پنجم که پیرامون مبحث معاد است چیزی ندارد.

اصول کافی: الکافی

«۳۹» إعراب العوامل

(نحو ــ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: إعراب (یا ترکیبِ) عوامل شیخ عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی (متوفی ۴۷۱) است و ظاهرًا إعرابِ شرحِ بدرالدین محمود بن احمد عینی (متوفی ۸۵۵) بر عوامل جرجانی است و با تفحّص در «کشف الظنون» و غیره، فعلًا بیش از این چیزی درباره کتاب حاضر نمی توان گفت. از متن عوامل نیز که به حُمره در نسخه نوشته شده و با متن که به مرکّب سیاه نوشته شده ممزوج است، معلوم می شود که متن «شرح عوامل» است و عبارت اوائل متن چنین است:

«الحمد للّه رب العالمین و الصّلوه علی محمّد و آله اجمعین. و بعد فانّ العوامل فی النحو علی ما الّفه الشیخ عبدالقاهر بن عبدالرحمن الجرجانی رحمه اللّه علیه مائه عامل».

ص : ۴۱

آغاز: «بسم. الحمد للّه القویّ الّذی عجزت عن إدراک کنهه عقول العقلاء... و بعد فانّی قرّرت اعراب العوامل تیسیرًا للمستفیدین و کرّرت قواعد إعرابها تقریرًا للمبتدئین... قال المصنف رحمه اللّه: الحمد للّه».

انجام: «فهذه مائه عامل فلا یستغنی الصغیر و الکبیر و الوضیع و الرفیع عن معرفتها و استعمالها. تمّت الکتاب».

کاتب: سیّد مرتضی بن رفیع الدین محمّد حسینی. تاریخ ختم استنساخ: ۲۹ شوال و سال کتابت نوشته نشده و ظاهرًا از آثار قرن ۱۲ می باشد. در پایان نسخه گواهی مقابله و تصحیح دارد. در آغاز ۱۳ صفحه عطف دارای مطالب متفرّقه است و تاریخ سنه ۱۱۲۸ «ظاهرًا»، و در پایان نسخه ۷ صفحه بدرقه دارای مطالب متفرّقه، و عمومًا مطالب این ۲۰ صفحه فوائد ادبی و لغوی است.

«۴۰» إعراب و تفسیر ستّ سُوَر من القرآن الکریم

(عربی)

مؤلّف این کتاب حاج میرزا زین العابدین شهشهانی از خاندان شیخ الاسلام های اصفهان(۱) که خود عالمی فاضل و متبحّر در علوم قرآنی بوده، چند کتاب در این رشته تألیف کرده و از جمله «شجره طیّبه» او در تجوید مکرّرًا چاپ شده است.

از سرگذشت زندگانی این دانشمند اطّلاع زیادی نداریم، جز اینکه نویسنده فاضل شیخ المورّخین حاج میرزا حسن خان انصاری(۲) در «آگهی شهان از کار جهان ۳:

---

۱ - ۱) این خاندان از اعقاب مرحوم محقق سبزواری، صاحب «جامع الزیارات عبّاسی. ش ۲۱۷» که در عهد صفویه شیخ الاسلام اصفهان بوده، می باشند. منصب شیخ الاسلامی پس از او در میان اولادش به ارث رسیده و خاندان معروف شیخ الاسلام که اینک در اصفهان و جاهای دیگرند، از همین طایفه اند.

۲ - ۲) شیخ جابری در فنون عدیده دارای تألیفات بسیاری است که اغلب به طبع رسیده. شرح حال او را در «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۳۱ ــ ۱۳۲» نوشته ام. وی شب جمعه ۱۸ ماه رجب ۱۲۸۷ در شیراز متولّد و صبح پنج شنبه ۱۵ جمادی الآخره ۱۳۷۶ در اصفهان بدرود زندگی گفت. رحمه اللّه رحمهً واسعه.

۱۱۳ ـ ۱۱۴» در وقایع سال ۱۳۱۸ گوید: فوت هفت تن از علمای بزرگ اصفهان ۱ ـ ثقه الاسلام آقای حاج شیخ محمّد علی... ۲ ـ آقای حاج میرزا بدیع... ۳ ـ حاج سیّد مهدی کرمانی ۴ ـ حاج میرزا زین العابدین ۵ ـ آقای سیّد محمّدرضا ۶ ـ حاج میرزا عبدالرّزّاق رشتی... و ۷ ـ به أعلم عصر حجه الاسلام آقای میرزا محمّد هاشم چهارسوئی ختم شد. انتهی. شیخ جابری همین مطالب را در کتاب دیگرش «تاریخ اصفهان» نیز آورده و مقصودش از حاج میرزا زین العابدین همین صاحب «شجره طیّبه» است. (۱) و مؤلّف محترم «الذّریعه ۱۳: ۳۴» نیز کتاب «شجره طیّبه» را که عنوان نموده، اطّلاعی افزون بر آنچه از مقدّمه و خاتمه شجره معلوم می شود اظهار نفرموده، لکن در همان موضع یکی دیگر از آثار او را به نام «تذکره القرّاء» یاد کرده است که نسخه آن به خطّ مؤلّف در کتابخانه حاج آقا حسین شهشهانی اصفهانی، مقیم طهران موجود و در آخر آن نوشته است که در پنجم ربیع الاخر ۱۲۶۷ از تألیف آن فراغت یافته است. «تذکره القرّاء» نیز به عربی است و مرتّب بر یک مقدّمه و ۱۴ باب.

مستشرق معروف بریتانیایی ستوری «Storey A. C.» در کتاب مفید خود «PersianLiterature» که پیرامون تألیفات فارسی بحث کرده است نیز از شجره طیّبه یاد کرده، جز این که نام آن را ظاهرًا به علّت عدم دقّت واقف نشده و کتاب را در فصل کتبی که عنوان مخصوصی ندارند ولی مؤلّفین آنها معلوم است، چنین معرّفی کرده:

قواعد در طرز ادای آیات قرآنی، تألیف زین العابدین سبزواری که در آخر قرآنی

---

۱ – ۱) برای آگاهی بیشتر: «بیان المَفاخر ۲: ۲۶۱» و «خاندان شیخ الاسلام»، هر دو از مرحوم حاج سیّد مصلح الدین مهدوی ملاحظه شود.

در فاصله سال های ۱۲۸۵ ــ ۱۲۸۶ در طهران به چاپ رسیده.(۱)

مؤلّف کتاب «فهرست کتاب های چاپی فارسی: ۱۰۰۷» نیز گوید: شجره طیّبه (تجوید القرآن) «تألیف» زین العابدین بن محمّدعلی سبزواری متوفی ۱۳۱۸ ق، در اوّل قرآن چاپ حسن، طهران، ۱۳۵۳ ق، سنگی «چاپ شده است».

و خود مؤلّف در مقدّمه «شجره طیّبه» گوید: «...چنین گوید خادم خدّام شرع متین، زین العابدین بن مرحوم مغفور مبرور میرزائی میرزا محمّدعلی، مِن أحفادِ علاّمه سبزواری ــ أعلی اللّه مقامهما و برّد اللّه(۲) مضجعهما ــ که چون در سوابق أزمان رسایل متعدّده در علم قرائه نوشته بود به مذهب عاصم، و از آن جمله رساله ئی است که موسوم نموده ام آن را به «شجره طیّبه» چون ابواب و فصول آن به صورت أشجار مُثمره مرسوم گشته، و به لسان عرب نوشته شده و از این سبب فیض آن عاید عوامّ نمی گردید، لهذا در این أوان حسب الحکم مُطاع لازم الاتّباع سرکار شریعتمدار خلایق افتخار حجه الاسلام و المسلمین... مولینا حاجی سیّد اسداللّه(۳) زید مجده و علاه، در صدد آن برآمدم که رساله مزبوره را به لسان فارسی ایراد نمایم....(۴) و أقول: بسم... و سمّیتها بشجره طیّبه،

۱– ۱) رجوع به «نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه های خطّی ۱: ۱۴۰» شود.

۲– ۲) این کلمه اشتباهًا «و بردائه» چاپ شده است.

۳– ۳) مرحوم حاج سیّد اسداللّه صاحب «شرح شرایع» فرزند دانشمند حاج سیّد محمّدباقر شفتی بیدآبادی به سال ۱۲۲۷ بنا به قول صاحب «الکرام البرره» یا ۱۲۲۸ بنا به قول صاحب «مکارم الآثار» در اصفهان متولّد، و به نگارش مکارم، شب سلخ جُمادای دوّم ۱۲۹۰ در کرند وفات و در نجف اشرف دفن شد. به دستور وی نسخه قرآن مجید با ضمائمی به سال ۱۲۸۶ در طهران چاپ شده است. شرح حال حاج سیّد اسداللّه در «الکرام البرره: ۱۲۴ ــ ۱۲۶» و «اعیان الشیعه ۱۲: ۱۵۲ ــ ۱۵۴» و جاهای دیگر مذکور است و «أحکام الخمر...» ایشان به شماره «۱۱» گذشت.

۴– ۴) در «ذریعه ۱۳: ۳۴» سبق قلم شده نوشته اند: اصل کتاب فارسی بوده و تعریبش کرده و به طبع رسانیده است.

و رتّبتها على اثنى عشر بابًا و خاتمه...».

«شجره طيّبه» دارای یک صفحه مقدّمه و ۱۸ صفحه ابواب کتاب به صورت مشجّر در أحکام تجویدی است و ظاهرًا اوّلین بار در پایان نسخه «قرآن کریم» به سال ۱۲۸۶ در طهران به طبع رسیده است. پس از آن بار دیگر ضمیمه نسخه قرآن طبع معروف رکن الملک به سال ۱۳۱۱، و سپس ـ بنا به نگارش مؤلّف «فهرست کتاب های چاپی فارسی» ـ ضمیمه طبع دوم قرآن حسن به طبع رسیده است.

دیگر از آثار قرآنی حاج میرزا زین العابدین شهشهانی «اعتصام المُرید فی توضیح مُعضلات کلام اللّه المجید» است که نسخه آن در کتابخانه توفیق وهبی در بغداد نشان داده شده است: «نشریّه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۵: ۴۰۹».

آغاز إعراب: «بسم... و بعد، فیقول الفقیر الی اللّه الغنی أضعف المضعفین! و تراب اقدام المؤمنین زین العابدین بن محمّد علی بن محمّد ابراهیم بن مرتضی بن عبدالمطلب بن محمّد رحیم بن محمّد جعفر(۱) بن مولانا آخوند ملّا محمّدباقر بن محمّد مؤمن الشّریف السّبزواری ـ أعلی اللّه مقامه و رفع اللّه درجته و برّد اللّه مضجعه ـ (۲) : لمّا سألنی بعض الأحبّاء أن أُعرب سوره بنی اسرائیل و یسآ و الرّحمن و الجمعه و آیه النّور و سوره الملک و الدّهر و خاتمه فی فضیله القرآن، فأجبتهم و شرعت متوکّلًا علی اللّه تعالی. بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. الباء: حرف جرّ للإستعانه أو المصاحبه...».

انجام: «و لم یفارقه القرآن حتّی ینزل به من الکرامه أفضل ما یتمنّی. تمّت». سپس در

۱ـ ۱) آخوند ملّا محمّد جعفر فرزند گرامی محقّق سبزواری همان است که در «کواکب منتثره: ۱۳۵» عنوان شده و از او رساله «نوروزیّه» برای شاه سلطان حسین صفوی و «شرح ألفیّه شهید اوّل» را یاد کرده اند. در «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۸: ۴۷۲» هم نسخه اصیل رساله «رؤیه الهلال» او معرّفی شده، و رساله «سیاده الأشراف» آن مرحوم را نیز در دست داریم.

۲ـ ۲) این دعاها را در حقّ نیای أعلایش محقّق سبزواری نوشته است.

حاشیه نوشته است: «قد فرغت من تصنیفه فی یوم الأربعاءِ فی اوّل یوم الصّفر المظفّر «کذا» سنه ۱۲۶۵».

نسخه: دارای ۱۶۲ برگ است. دو روی برگ اوّل مطالب متفرّقی به خطّ مؤلّف، و روی برگ ۲ تقریظی از عالم جلیل سید محمّد مهدی نایب الصدر و تقریظی از عالم دیگری است. آغاز کتاب از ظهر برگ ۲ و پایان، ظهر برگ ۱۶۰ می باشد. روی دو برگ آخر نیز مطالب گوناگونی به خطّ مؤلّف نوشته شده. کاغذ فستقی، خط نسخ ۱۵ سطری، آیات قرآنی و عناوین را به سرخی نوشته و هم بالای برخی کلمات خط کشیده است. جلد تیماج مشکی، آستر کاغذ گلی، قطع ۱۵ و نیم × ۲۲، متن ۸ × ۱۴ و نیم.

* * *

آنچه درباره مؤلّف از این نسخه مستفاد می شود:

در ظهر برگ ۱ شرح مبسوطی پیرامون شمار وجوهی که در قرائت بسمله متصوّر استْ نگاشته، به این عنوان: «قولنا «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» الکلام فیه من وجوه متعدّدهٍ تبلغ الجمیع أربعمائه و ستّین ألفًا و ثمانمائه! لأنّ الباء منه یحتمل بحسب اللّفظ ثلاثهً: الکسر و الفتح و الضّمّ، و بحسب المعنی أیضًا کذلک: الاستعانه و...».

در پایان این شرح گوید: «... یحصل أربعمائه و ستّون ألفًا و ثمانمائه، کما قلناه اوّلاً. قاله استادی العالم الفاضل الکامل المدقّق المحقّق، أعنی میرزائی میرزا عبدالعلی الهرندیَ، وفّقه اللّه و إیّانا بحقّ محمّد و آله. کتبه فی یوم السّبت من شهر ربیع الاوّل سنه ۱۲۶۸. و ذلک إجمال الکلام فی المقام، و التّفصیل فی الکتب المبسوطه منّا و من غیرنا بتوفیق اللّه العزیز العلّام».

روی برگ ۲ تقریظ مرحوم نایب الصّدر چنین است: «بسم... الحمدللّه رب العالمین و صلّی اللّه علی أفضل من بُعث لکشف المعضلات و أشرف من ظهر لتفسیر الآیات فی

الآفـاق و الأنفس، و على آله الطاهرين الّـذين هم آياتٌ بيّنات. أمّا بعـد، فالعلم نورٌ يقـذفه اللّه فى قلب من يشاء. و لعَمر الحبيب! انّه ربَّ شـيخٍ صـرف دهره كلّه فى العلم و ماله فى حقّ العلم و حقيقته من نصيب! و ربَّ شابّ آتاه اللّه سبحانه حقايقَ المعانى و دقايق التبيانِ فى برهه يسـيرهٍ من الزّمان، و الغالب الوقوع فى هـذا الفنّ أهل بيت العلم و الشّـرف «كـذا»، و منه يكون ولـد الفقيه نصف الفقيه؛ لأنّه اللؤلؤ الخـارج من ذلك الصّدف. ثمّ إنّى وجـدت الأخَ الفاضل الشّـريف الجليل و المحبوبَ الحسـيب النّبيل صاحب هـذه الأجزاء و الأوراق ــ جعله اللّه تعالى منارًا فى العلم و مدارًا فى الآفاق ــ بحداثه سنّه من هذا القبيل، منذكان يتردّد إلىَ و يقرأ بعض الصّحف أحيانًا علىَ. أعـانه اللّه بيمينه و جعله ممّن ينتصـر به لـدينه. و حرّره بيُمنـاه الأقلُّ الأحقر». سـجع مُهر: «محمّد مهدى الحسينى».

روى همين برگ، تقريظ ديگرى نيز ديـده مى شود به اين عبارت: «اللّهم وفّقه لطلب العلم خالصًا لوجهك الكريم. قرء علىَ ما فى هـذه الوريقه قرّه عينى و مُهجه كبـدى علمًا و جسـمًا، و كانت فى غايه الرّشاقه، فبرد قلبى بعـد مارقَّ من فوت والـده ــ أعلى اللّه مقـامه و حشـره مع الأئمّه المعصومين، صـلوت اللّه عليهم أجمعين ــ من وصوله خليفهً له من المرتبه العلميّه، بل اسـتعداده و اهتمـامه أكثر منه، و المرجوّ من الرّحمن أن يجعله من العلمـاءِ البـارعين و الفقهـاءِ الخالصـين فى طلب العلم للّه ربّ العالمين...». سجع مُهر: «محمد على بن... الحسينى».

دو روى برگ ۱۶۱، مؤلّف مطلب مفصّلى به خطّ خود نوشته كه با اين جمله شروع مى شود: «بسم... شنيدم از جدّم ــ زاد اللّه عزّه و طوّل اللّه عمره ــ به اين كه شـخص عـالمى از شـيعه سؤال كرد از افنـدى كه دليل شـماها بر اينكه عمر و عثمان و ابابكر امام اند چيست؟...».

و در آخر اين شرح نوشته است: «تمّت لمحرّره زين العابدين بن محمد على، اللّهم

اغفر له، کتبه فی یوم الخمیس السّابع من شهر ج ۲ سنه ۱۲۶۵».

در متن کتاب ذیل آیه «و قل لّهما قولاً کریمًا» به پـدر و مادرش چنین دعا کرده: «... و طوّل عمرهُما» که معلوم می شود در آن تاریخ زنده بوده اند.(۱)

اکنون گوییم؛ میرزا عبـدالعلی هرندی که حاج میرزا زین العابدین او را اسـتاد خود خوانده، به طوری که در «تذکره القبور، یا، رجال اصفهان: ۱۱۶ _ ۱۱۷» و «مکـارم الآثار سال ۱۲۲۲ ج ۳ ش ۳۲۲» آمـده، فرزند زاهدِ متّقی حاج میرزا محمّدتقی(۲) بن حاج محمّد حسین نایب الصّدر اصـفهانی است، از علماء و فضـلاءِ گوشه نشین و مشغول تدریس از مقدّمات تا «شرح لمعه» و در علم نحو سرآمد أقران بوده، به حدّی که اعقابش تا کنون به خانواده نحوی معروف و مشهورند. تألیفاتی نیز دارد که در دو کتاب یاد شـده مـذکور است. از جمله «دو شـرح بر کتاب سـیوطی» و «رساله عیدیّه». وی در ۱۲۲۲ متولّـد و در ماه ربیع الاوّل ۱۳۰۶ (در «تذکره القبور» ۱۳۰۷ است) وفات یافت و در بقعه تکیه سر قبر آقا، بیرون دروازه در دشت اصفهان دفن شد.

و سیّد محمد مهدی نایب الصدر که تقریظ نوشته نیز در همان «رجال اصفهان: ۹۴» و «مکارم الآثار. سال ۱۲۶۷ (۵: ش ۱۱۳۴)» معنون است و در هر دو کتاب از مقامات علمی و فضائل معنوی و تقوای او شـرحی مـذکور. نوعًا بر کتاب هایی که به دسـتش رسـیده حاشیه نوشته یا فائده ای یادداشت کرده است و خط او را نگارنده بسیار دیده ام. نسبش از این قرار است: محمد مهدی بن محمد کاظم بن علینقی بن علیرضا بن

۱- ۱) در سرآغاز «اعتصام المُرید» تصریح کرده که پدرش در سنه ۱۲۶۵ وفات یافته است.

۲- ۲) حاج میرزا محمّـد تقی داماد حاج ملا عبداللّه هرندی مؤلّف «دلائل الدین» متوفای ۱۲۵۶ بوده، در «رجال اصفهان: ۴۹ و ۱۴۳» و درهمیـن فهرست: «صـحائف الأعمـال. ش ۵۷۴» یـادی از او شـده و در «مکـارم الآثـار. سـال ۱۲۵۶ ج ۵ ش ۸۹۱» نیز مذکورست. میرزا عبدالعلی به این مناسبت نواده حاج ملا عبداللّه است.

میرزا محمد باقر حسینی عاملی اصفهانی، و میرزا محمد باقر مذکور از علماءِ اصفهان بوده در مسجد شاه امامت داشته و در ماه شوال ۱۱۲۳ وفات کرده در تکیه آقارضی واقع در تخت پولاد اصفهان دفن شده است.

مرحوم نایب الصّدر در سال ۱۲۶۷ وفات یافته و در تکیه آقا رضی جنب قبور آباءِ کرامش دفن شد. تقریظی که بر این کتاب نوشته، اگر چه تاریخ ندارد، لکن واضحست بین سال های ۱۲۶۵ ــ ۱۲۶۷ می باشد و از این تقریظ مستفاد می شود که در آن تاریخ مؤلّف در سنین جوانی بوده و هم در نزد سیّد تحصیل کرده است.

تقریظ دیگر نیز که از شخصی به نام «سید محمدعلی حسینی» است، به نظر می رسد برادر نایب الصّدرِ مذکور باشد که در «رجال اصفهان: ۹۵» از او یاد شده، چند تن دیگر نیز به این نام و شهرت در همان کتاب ذکر شده اند، و گویا نویسنده این تقریظ، جدّ مادری مؤلّف هم بوده و تقریظ را پس از فوت پدر مؤلّف نگاشته است، و اللّه العالم.

«۴۱» اکسیر العبادات فی أسرار الشهادات

(مقتل ــ عربی)

از: آخوند ملّا آقا بن عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی، معروف به فاضل دربندی، علیه الرحمه.

کتاب: در باب احوال شهدای کربلاء علیهم السلام است و به طبع رسیده و به «أسرار الشّهاده» نیز نامیده می شود، و مشتمل است بر چهل و چهار مجلس.

فراغت مؤلّف از تألیف کتاب: جمعه نیمه ذی القعده ۱۲۷۲.

نسخه: از مجلس یازدهم کتاب است تا آخر و از روی نسخه ای که در تبریز به طبع رسیده استنساخ شده است و نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

ص : ۴۹

إکمال الدین و إتمام النعمه: کمال الدین

«۴۲» الإلتقاطات یا: رساله فی مسئله الوقف

(فقه _ عربی)

از: ظاهرًا، مرحوم حاج میرزا حبیب اللّه بن محمّدعلی رشتی نجفی است.

در «الذریعه ج ۲ ص ۲۸۵» فرماید: «الالتقاط» کتابی است در فقه در شـرح «شرایع» محقّق حلّی. از اوّل طهارت تا آخر عبادات، آن را در چندین جلد دیده ام و مقداری هم از معاملات آن تألیف شده و «اجاره» و «غصب» آن به طبع رسیده است و مقداری دیگر نیز تألیف شده به عنوان «الالتقاط» از جمله کتاب وقف. پایان کلام ذریعه.

در خاتمه الطبع رساله غصب آمـده است که آنچه به عنوان «التقاط» در آن کتاب ذکر شده، مطالبی است که مؤلّف از محضـر استادش مرحوم شیخ انصاری التقاط و استفاده فرموده، انتهی.

نسخه: نام کتاب و نام مؤلّف ندارد.

آغاز: «فی مسئله الوقف... التقاط. قال المحقق بعد ذکر الصّیغه و لا یلزم أی الوقف».

انجام: «هذه آخر ما قرأنا عند الاستاد دام ظلّه العالی فی باب الوقف و یتلوه باب الاجاره... تعالی ۱۳۳۰».

شماره صفحات نسخه: ۱۷۷.

«۴۳» الإلتقاطات کتاب القضاء

(فقه _ عربی)

از: ظاهرًا مرحوم آقای حاج میرزا حبیب اللّه مجتهد رشتی است به شرحی که در

«التقاطات وقف» گفته ایم.

نسخه: کتاب قضاء است و نام مؤلّف ندارد، مگر در روی جلد میشنی نسخه که قطعه کاغذی چسبانیده و نوشته اند «التقاطات حاجی میرزا حبیب الله در قضاء».

نام کاتب پس از حکّ و اصلاحی که در آن شده، در آخر نسخه «محمد جواد بن محمد» و تاریخ سنه ۱۳۲۳ نیز ذکر شده است.

«۴۴» الألفیّه

(نحو ــ عربی)

از: ابن مالك نحوی، محمّد بن عبداللّه بن مالك اندلسی شافعی متولّد ۶۰۱ در شهر جیان اندلس، متوفّی ۶۷۲ در دمشق، سال وفات خواجه نصیرالدین طوسی قدس سره . «مجلّه معهد المخطوطات العربیّه ۳۳: ۱: ۱۲۱ به بعد». مقدّمه کتاب «التسهیل».

کتاب: اُرجوزه ای است در مباحث نحو زبان عربی و به نام «خلاصه» نیز خوانده می شود و در نهایت اشتهار است و مکرّر شرح شده و به طبع رسیده است.

نسخه: دست نوشته سیّد جوان فاضل بارع ناکام آقا سیّد حسن ــ محمّد حسن ــ موسوی، هفتمین و آخرین برادر امام مجدّد آیه اللّه العظمی صاحب «روضات» است.

از تاریخ تولّدش آگاهی ای در دست نیست و این که مرحوم آقای مهدوی در «مزارات اصفهان: ۲۴۸. چاپ اصفهان، ۱۳۸۲ ش» نوشته اند: «در سال ۱۲۵۴ هـ . ق در اصفهان متولّد گردید»، نظر به مدّت عمر تخمینی آن مرحوم است.

امّا درگذشتش را نیای بزرگوار، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح این گونه یادداشت فرموده اند: «فوت مرحوم مغفور آقا سیّد حسن، عمّو، ثانی عشر (۱۲) ربیع الثانی سنه ۱۲۷۳».

مرحوم آقای آیه اللّه چهارسوقی، نیای گرامی، از والد ماجد و اعمام کرام خود

حکایت می کردند که آقا سیّد حسن در فهم و درایت و فضل و کمال سرآمد اقران بوده و به او «آقا مجتهد» می گفته اند. دریغا که پیش از رسیدن به بیست سالگی در تجرّد و زمان حیات والد ماجدش «متوفی ۱۰ ج ۲، ۱۲۷۵»، دو سال و دو ماهی پیش از پدر، بدرود زندگی گفته و در قبرستان عمومی قدیمی محلّه چهارسوی شیرازی ها ــ که در «مقاله تونیّه» از آن یاد کرده ایم ــ دفن شد. تا این که در حدود سال (۱۳۵۰ ق، ۱۳۱۰ ش)، برای احداث خیابان، به حکم دولتِ وقت، آن قبرستان را خراب کردند و عظام برخی از مدفونین را بازماندگانشان به تخت فولاد منتقل کردند، قبر آقا سیّد حسن

جای سند شماره ۱

را که برای انتقال نعش اوشکافتند، جنازه آن مرحوم را، پس از هفتاد و اندی سال، دست نخورده و تر و تازه یافتند و تنها کفن پوسیده شده بود که مرحوم آقای آیه اللّه چهارسوقی آن را تجدید کردند و جنازه را به تخت فولاد برده و در حوالی مزار فایض الأنوار برادر ارجمندش امام مجدّد به خاک سپردند. أعلی اللّه تعالی مقاماتهم و قدّس أسرارهم.

بالجمله، نسخه با دو برگ عطف و سه برگ بدرقه، دارای هشتاد و هفت برگ به حجم بغلی کوچک است. تاریخ پایان کتابت: بامداد روز چهارشنبه سوّم ربیع دوّم ۱۲۷۰، سه سال و ده روزی پیش از درگذشت کاتب شریف.

در حواشی برخی از صفحات و اطراف اشعار ألفیّه، کاتب، مطالب توضیحی بسیار از شرّاح ألفیّه، مانند سیوطی، ابن عقیل و میرزا ابوطالب نقل کرده است. روی برگ دوم عطف، چند نوشته تملّک بوده که آنها را محو کرده اند. لذا گردش این نسخه در طول یکصد و چهل سال معلوم نشد، تا آنکه در پایان ماه رمضان المبارک ۱۴۱۰، از دستفروشی خریداری شد و به خاندان بازگشت.

«۴۴ مکرّر»

نسخه دیگر

نسخه: به خطّ فتح اللّه بن ملّا محمّدعلی ارونقی. تاریخ: غرّه محرم ۱۲۱۶. در هامش یکی از برگ ها، تاریخ وفات سیّد رضا موسوی، سه شنبه ۱۲ ماه رجب ۱۲۲۲ نوشته شده و در هامش برگ آخر، تملّک «حسین الموسوی ۱۲۷۹» دیده می شود.

از کتب خانوادگی است. سهوًا شماره مستقل داده نشد.

«۴۵» الألفیّه، فی فرض الصلوه

(فقه ــ عربی)

از: محمد بن مکّی عاملی شهید اوّل، رضوان اللّه علیه.

ص : ۵۳

کتاب: مسائل مربوط به واجبات نمازهای پنجگانه است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ (...) ابن شمس الدین محمد نسّابه است که برای فرزندش ابوالبقاء عمادالدین محمود حسنی حسینی نوشته و در شب چهارشنبه بیست و نهم ماه شعبان ۱۰۲۰ از کتابت آن فارغ شده. مع الأسف چند برگی از آخر نسخه مفقود شده، لذا نام شخص کاتب معلوم نشد.

کاتب بر تمام نسخه حواشی گوناگون نوشته و ترجمه متن را زیر سطرها آورده است.

«۴۶» کتاب الألفین الفارق بین الصّدق و المین

(کلام ــ عربی)

از: مولانا جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر، علاّمه حلّی قدس سره .

نسخه: به خطّ عبدالرشید بن عبدالواحد تستری. تاریخ ختم استنساخ: دوشنبه ۱۷ شوال ۱۰۶۸.

انجام: «کب. قوله تع أحسنوا الحُسنی و زیاده. کُلّ امام داعٍ الی ذلک بالضروره و لا شیء من غیر المعصوم بداعٍ الی ذلک بالامکان. فلا شیء من الامام بغیر معصوم. فهذا آخر ما وجدنا من کتاب الألفین، و الحمد للّه وحده. و ذلک فی غرّه رمضان المعظم سنه ۷۱۲. تمت الکتاب...».

پنج صفحه پس از ختم کتاب تعویذات روزها است به نقل از «طبّ الائمّه علیهم السلام ». پس از آن سه صفحه نقل داستانی است از یکی از سادات، تمامًا به عربی تحریر شده. اثر مقابله و تصحیح و تحشیه ای در سراسر نسخه دیده نمی شود.

ص : ۵۴

«۴۷» أُمّ الحقائق فی کشف الدّقائق یا: أُمُّ العرفان، فی تفسیر القرآن

(تفسیر ــ عربی)

از: محمّد ــ المدعوّ بسُلیمان ــ الجرجیّ، ابن تاریقُلی.

این بزرگوار از دانشمندان پرکار و به کلّی ناشناخته اواخر عصر صفوی در اصفهان است و علّت ناشناخته ماندن او و بسیاری دیگر از امثال او، مفقود شدن نیمی از کتاب «ریاض العلماء» است که بخش اعظم آن حرف میم شامل محمّد نام ها بوده است.

از آثار دیگر این دانشمند که دیده ایم: یکی «ترجمه ریاض السالکین. ش ۱۳۲» است در چندین مجلّد بزرگ، و دیگر «کشکول اللّغه» در سه مجلّد کلان، که اصل مسوّده آن در یک مجلّد گردآوری شده، و سه دیگر «زبده الدعوات و الاداب» که در «کشکول اللّغه» در مادّه «زبد» به خود منسوب داشته و در «رأس» بدان ارجاع داده است. دیگر، تعلیقات فراوانی که در حواشی یک نسخه «روضه کافی» نوشته و در «الکافی» خواهیم گفت.

نسخه: دارای همان عنوان اوّل، یعنی «أمّ الحقائق فی کشف الدقائق» است. امّا خود پس از مدّت زمانی در مفتتح «کشکول اللّغه» و مفتتح «ترجمه ریاض السالکین. ش ۱۳۲» آن را «أمّ العرفان فی تفسیر القرآن» خوانده است.

مجلّد موجود از این تفسیر شریف، از آغاز تا آیه کریمه «إنّ اللّه اصطفی آدمَ و نوحًا، **۲۳**، سوره مبارکه آل عمران» می باشد و از آخر ناقص است و نام کاتب و تاریخ کتابت نامعلوم امّا در زمان شخص مؤلّف استنساخ شده و برگ نخست دارای سرلوح تزیینی است.

در جلد یکم «فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی. بخش تفسیر: ۲۲» یک نسخه چهل برگی «تفسیر آیه الکرسی» وقفی نادرشاه به سال (۱۱۴۵) معرفی شده که در آخرش نوشته اند که از تفسیر ملّا سلیمان جرجی استنساخ کرده اند. در «ذریعه ۴: ش ۱۲۴۸» نیز مطلب را از آنجا نقل کرده اند، همچنان در «کواکب منتثره: ۳۱۹»، و در این ایّام به عنوان «تفسیر آیه الکرسی» در مجموعه کرامند «تراث الشیعه القرآنی ۱: ۲۹۸ _ ۳۲۴. قم ۱۴۲۶» به چاپ رسید. جزاهم اللّه خیرًا.

توضیح: ظاهرًا جرجیّ معرّب گرجیّ است، و در «کشکول اللّغه» نیز خودش الکرجیّ نوشته است. رحمه اللّه تعالی علیه.

«۴۸» الأمالی یا: المجالس

(حدیث _ عربی)

از: ابوجعفر محمد بن حسن بن علی، شیخ طوسی، یا فرزندش ابو علی حسن بن محمد، علیهم الرحمه.

کتاب: مجموعه ای است از احادیث آل محمّد علیهم السلام که شیخ طوسی در روزهای جمعه املاء فرموده است و به طبع رسیده.

نسخه: از مجلس روز جمعه چهارم محرم ۴۵۷ «صفحه ۳۳۴ نسخه چاپی» تا پایان کتاب است. نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: سنه ۱۰۹۰.

مُهر «محمّد علیّ بن محمّدباقر الموسوی ۱۲۴۵» و «عبده ابوالحسن بن محمّدعلی الموسوی ۱۲۸۶» و «عبده بهاءالدین محمد الطباطبایی» و «کتاب أمالی شیخ طوسی» به سرخی در روی برگ نخستین دیده می شود. نسخه از کتابخانه آیه اللّه والد گرامی _ علیه الرحمه _ است.

«۴۹» نسخه دیگر

نسخه: تمام است و آخرین مجلس آن «یوم التّرویه من سنه ۴۵۸» می باشد و در آخر نسخه به خطّ کاتب چنین است: «تمّ الجزء الثّانی من الأمالی للشّیخ العالم الأجلّ السّعید محمد بن الحسن بن علیّ بن الحسن الطوسیّ، رضی اللّه عنه».

آثار مقابله و تصحیح دارد و گویا از روی یک نسخه قدیمی استنساخ شده است که در اواخر نسخه جابه جا چند سطری بیاض مانده است. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. به گواهی خطّ و کاغذ باید از قرن یازدهم باشد.

در هامش یکی از اوراق اوائل ثلث سوّم، شرحی به خطّ جدّنا الأمجد عالم محقّق جلیل آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی برادر گرامی آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» دیده می شود.

روی برگ اوّل وقف نامه نسخه است که «ایمانی بیکا» آن را برای مدرسه «توشمال باشی» وقف کرده است.

«۵۰» الأمالی یا: المجالس

(حدیث ـ عربی)

از: شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی، علیه الرحمه.

کتاب: مجموعه ای است از احادیث آل محمد علیهم السلام در دو جزء «بنا بر بعضی از نسخ»، که شیخ از روز جمعه دوازده شب از ماه رجب ۳۶۷ مانده، تا روز پنج شنبه یازده شب مانده از شعبان ۳۶۸ در مشهد مقدّس رضوی در نود و هفت مجلس املاء فرموده، و به طبع رسیده است.

ص : ۵۷

نسـخه: به خطّ حاجی افضل ابن حاجی ذوالفقار، تاریـخ کتابت: ربیع یکم ۱۰۹۴ در جامع کبیر شـیراز. آثار وقف داشته همه را بریده اند، از جمله در ظهر نسخه و در جای بریدگی (علیرضا الحسینی) که ظهر نسخه «مشرق الشمسین» نیز مهر دارد، نسخه را به پسرش سیّد جعفر در ۱۱۱۷ بخشیده. حاج ملاّ محمّد شـفیع خویی ــ علیه الرحمه ــ در ۱۲۱۸ نسـخه را در کاشان خریده و مهر کرده است «الراجی محمد شفیع بن محمّد» و «محمدٌ شفیعُ محمد شفیع».

«۵۱» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ زین العابدین بن حاجی محمّد رارانی(۱). ختم کتابت: شب شنبه ۲۴ ماه شعبان ۱۰۶۳.

شخص دانشـمندی این نسـخه را دو بار با نسـخه سیّد فضل اللّه راوندی قدس سره به دقّت مقابله کرده، صورت اجازاتی را نیز که در آن نسـخه بوده در اینجا آورده، از اوّل تا آخر نسـخه همه جا در حواشـی تعلیقات سودمندی از کتب متفرق نوشته و در پایـان نسـخه یـک فهرست مبسوط برای مطالب کتاب آورده است. این دانشـمند با آنکه نام خود را ننوشـته لکن از قرائن توان گفت صاحب مهری است که در دو سه موضع کتاب ثبت شـده و «المتوکّل علی اللّه محمد کاظم ۱۰۸۶» خوانده می شود. مهر «انّی عبده و أحمده ۱۱۶۹» نیز ظهر نسخه هست.

«۵۲» نسخه دیگر

نسـخه: از روی نسخه مصحّحه پیشین «ش ۵۱» اسـتنساخ و ظاهرًا توسّط یکی از نزدیکان دانشمند سابق الذکر تصحیح و تحشیه شده است. برگ آغاز و انجام نونویس

ص : ۵۸

۱- ۱) راران، از توابع اصفهان است.

است و به خطّ نیای گرامی، آیه اللّه آقای حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسویی. به علّت فقدان برگ آخر، نام کاتب و مصحّح و تاریخ کتابت معلوم نیست.

مُهر شریف نیای معظّم آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» روی برگ اوّل و شجره نامه خاندان به خطّ آخرین فرزند نیای معظّم، یعنی مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد مجتبی قوام الاسلام روضاتی ــ أعلی اللّه مقامهما ــ در برگ آخر نسخه است.

«۵۳» نسخه دیگر

نسخه: کامل و به خطّ نسخ زیبای احمد بن محمد طاهر حسینی قومشه (ظ . یعنی قمشه ای) است. تاریخ ختم استنساخ: غرّه ربیع دوّم ۱۰۶۷. در هامش صفحه آخر ابو محمد عباس محمد معروف به ناسخ، در تاریخ غرّه ذیحجّه ۱۰۷۹ شرحی به عربی نوشته به مضمون اینکه نسخه را با سعی و جهد به جهت فرزانه صاحب جلیل... «زینًا للدین و الدنیا علیقلی بیکا» مقابله کرده است. در همه جای نسخه آثار مقابله و تصحیح و حواشیِ مختصرِ توضیحی دیده می شود.

آغاز: «بسم. الحمدللّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی رسوله محمّد و آله الطّاهرین. المجلس الاول، و هو یوم الجمعه: حدثنی الشیخان الفقیهان العالمان ابومحمّد عبداللّه الدّوریستیّ و أبوالفضل شاذان بن جیرئیل، قالا: حدثنا الشیخ الصدوق، عن جدّه، عن ابیه».

و در هامش همین موضع سرآغاز نسخه دیگری به خطّ کاتب نقل شده است به این صورت: «بسم اللّه الرحمن الرّحیم الحمد للّه ربّ العالمین و العاقبه للمتّقین و لا عدوانَ إلاّ علی الظالمین و لا إله الاّ اللّه أحسن الخالقین و صلّی الله علی رسوله محمّد و آله الطاهرین. المجلس الاول، و هو یوم الجمعه لاثنتی عشره لیله بقیت من رجب من سنه

ص : ۵۹

سبع و ستین و ثلثمائه. یقول علیُ بن محمد بن أبی الحسن عبدالصمد التمیمیُ کاتب هذه النسخه: حدثنی بجمیع ما فی هذا الکتاب الشیخ الفقیه العالم الزاهد المفید والدی طیّب اللّه تُربته... قراءه علیه و خطه عندی حجّه فی شهور سنه ثلث و ثلثین و خمسمائه. قال حدثنا الشیخ الفقیه والدی قال حدثنی السید العالم ابوالبرکات علیّ بن الحسین الهوریُ و الشیخ أبوبکر محمد بن احمد بن علیّ، قالا».

«۵۴» نسخه دیگر

آغاز: «بسم. الحمد... الطاهرین. المجلس الاوّل یوم الجمعه العشرین من شهر رجب سنه ۳۶۷».

انجام: «کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب متکبّر جبّار. و صلّی اللّه...».

کاتب: عبداللّه بن طالب شفتی. ختم کتابت: عصر روز پنجشنبه غرّه ماه شعبان ۱۰۹۸ در دارالسّلطنه اصفهان.

نسخه: امتیاز و اثر تصحیح ندارد. رؤوس مطالب در حاشیه نوشته شده با مقداری حواشی متفرقه که اکثر توضیح لغات است از کتاب «صحاح جوهری».

أمالی السیّد المرتضی: غرر الفوائد

«۵۵» أمل الأمل فی علماء جبل عامل

(رجال ــ عربی)

از: محمّد بن حسن بن علی، معروف به شیخ حُرّ عاملی، علیه الرحمه.

نسخه: کامل و مطابق نسخ چاپ شده است.

ص : ۶۰

کاتب: محمد بن الحسن الخراسانی التربتی. تاریخ ختم استنساخ: شنبه ۲۹ ربیع دوّم ۱۲۵۲. هیچ گونه اثر تصحیح و مقابله و حاشیه ای ندارد.

«۵۶» الإنتصار

(فقه ــ عربی)

از: سیّد شریف مرتضی علم الهدی علیّ بن الحسین الموسوی، قدّس سرّه.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت و اثر مقابله و تصحیح و هیچ نوع امتیازی ندارد و در حدود سال ۱۱۲۰ نوشته شده است.

«۵۷» أنوار التنزیل و أسرار التأویل

(تفسیر ــ عربی)

از: قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بن محمد بیضاوی شیرازی.

کتاب: تفسیر مختصر و جامعی است از قرآن کریم و معروف است به «تفسیر بیضاوی» و به طبع رسیده.

نسخه: مجلّد اول است به خطّ محمد هاشم بن محمد ابراهیم حسینی سمنانی که در روز شنبه هفدهم جمادای دوم ۱۰۸۱ از کتابت آن فراغت یافته و نسخه را به فرزند صالح فاضلش امیر محمد ابراهیم بخشیده و مهر کرده است. سجع مهر: «بنده آل محمد هاشم ۱۰۴۸». تملّك و مهر فرزند مذکور: «عبده محمد ابراهیم الحسینی» و «ابراهیم الحسینی»، و نیز مهر «محمدباقر ۱۲۴۴» و تملك مورّخ ذیقعده ۱۲۷۸ و مهر مرحوم آیه اللّه حاج سیّد اسداللّه شفتی بیدآبادی «عبده الراجی اسداللّه بن محمّدباقر الموسوی»، و نیز مهر «یا محمّد عربی ۱۱۷۷» در ظهر نسخه هست.

حواشی بسیار به خطّ کاتب در کنار صفحات نوشته شده است.

«۵۸» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم است به خطّ محمد هاشم حسینی سمنانی کاتبِ مجلّد اوّل یاد شده در شماره پیشین. تاریخ فراغت از کتابت: روز دوشنبه هفتم ماه رمضان ۱۰۸۱.

کـاتبْ این نسـخه را نیز به فرزنـدش امیر محمـد ابراهیم بخشـیده است. ظهر این نسـخه مهر «عبـده علیّ الحسـینی ۱۰۳۱» و مهر «الواثق بالله الغنیّ عبده احمد الحسینیّ» که نسخه را از پسر عمش میر محمد علی خریده است دیده می شود.

مشخّصات دیگر عینًا مانند مجلد اوّل است.

«۵۹» نسخه دیگر

نسخه: ربع اوّل کتاب است تا پایان سوره مبارکه نساء. قسمت اصلی از سده ۱۰ ــ ۱۱. نام کاتب معلوم نیست. مقداری از آغاز و انجام نسـخه که ناقص بوده، به خطّ نیای گرامی، آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد بن زین العابدین موسوی است که در یکشـنبه ۲۱ ربیع الاول ۱۲۶۹ از کتابت آن فراغت یافته اند. اوراق اصل، دارای حواشی مختلف می باشد.

«۶۰» الأنوار الجلالیّه، للفصول النصیریّه

(کلام ــ عربی)

از: شیخ ابوعبداللّه مقداد بن عبدالله بن حسین سیوری حلّی معروف به فاضل مقداد، علیه الرحمه.

کتاب: شـرح ترجمه عربی «فصولِ» فارسـی خواجه نصیرالدین محقّق طوسی است به «قال، اقول»، و ترجمه عربی فصول از رکن الدین محمّد بن علی جرجانی حلّی غروی ــ علیهما الرحمه ــ است.

نسخه: به خطّ سیّد محمّد بن سیّد علی است که ممکن است یکی از دو نفر دانشمند عاملی مُعاصر صاحب «أمل الآمل» باشد.(1) تاریخ ختم استنساخ: سه شنبه ۱۴ ذی الحجه ۱۱۰۶. حواشی به امضای «محمّد. عفی عنه» در نسخه هست که شاید از کاتب نسخه باشد.

«۶۱» أنوار الرياض

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم آقا میر سید محمّد بن عبدالصّمد حسینی شهشهانی اصفهانی.

کتاب: حاشیه «ریاض المسائل» آقا میر سیّد علی طباطبایی ــ رحمه اللّه علیهما ــ است به «قوله» و در کمال بسط.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آغاز تا مبحث حیض است و آخر آن نانویس مانده.

انجام موجود: «و هذا هو مراد الشارح بقوله فلیس الاستدلال فی محلّه مقتصرًا علی الترديد».

همه جا حواشی مؤلّف به توقیع «منه مد ظلّه» به خطّ کاتب نوشته شده که معلوم می کند نسخه در حیات مؤلّف استنساخ شده. لکن اثر تصحیح و مقابله ندارد.

«۶۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوم کتاب است در شرح کتاب صلوه «ریاض المسائل». نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در زمان حیات مؤلّف نوشته شده است.

در آخر نسخه، فائده ای به این شرح از قلم شارح دیده می شود:

۱- ۱) خصوصًا سیّد محمّد بن علی عاملی ساکن کشمیر.

[على ما صرّح به بعضهم. ثمّ إنّی قد رأیت فی مختتم هذا المجلّد فی بعض النّسخ ما لا یخلو عن بعض الفوائد، و هو ما لفظه:

«تمّ المجلّد الأوّل من ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، علی ید مؤلّفه المفتقر إلی اللّه الغنیّ علیّ بن محمّد علیّ الطباطبائیّ، فی أواخر العشر الثانی من الشهر الثانی من السّنه الرابعه من العشر الاخر من المائه الثانیه من الألف الثانی من الهجره النبویّه....»

«و یُستفاد من هذه العباره ما سمّی به الشارح شرحَه هذا، و إلاّ فالدیباجه خالیه عن التسمیه. و هو مشهور بذلک، موصول إلینا بنقل خلفه الصّالح شیخنا السیّد (ره) ، فإنّ أهل البیت یدری بما فی البیت، و قد سمّیناه به فی أوّل دیباجه هذه الحاشیه.»

«و أیضًا: یُستفاد منها تاریخ الفراغ من هذا المجلّد و هو عشر و نیّف خلون من شهر صفر المظفّر سنه ألف و مأئه و تسعین و أربعه. و أنا الخاطی. أقول...»] .

«۶۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوم است از کتاب زکوه تا پایان اعتکاف و مجلّد چهارم که تمامًا در حجّ است و در مقدّمه کتاب حجّ گوید که پس از فراغت از اعتکاف در حجّ شروع کرده به تاریخ روز جمعه حول شب قدر ۲۳ ماه رمضان ۱۲۵۸. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ کاتبِ برخی مجلّدات دیگر است که در زمان حیات مؤلّف نوشته است.

«۶۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد هفتم است در شرح ابواب عتق و تدبیر و مکاتبه و اقرار و ایمان و نذر و عهود و صید و ذبایح و مطاعم و مشارب و غصب و شفعه و احیاءِ موات و لُقطه و مواریث از کتاب «ریاض المسائل» به «قوله».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

و پس از آن: جزءِ هشتم است در شرح ابواب قضاء و شهادات و حدود و قصاص و دیات که پایان کتاب است، أیضًا به «قوله».

نسخه به خط کاتب مجلّد هفتم است و در پایان آن نیز نامی از خود ننوشته، و مؤلّف در خاتمه گوید که این تعلیقه تقریبًا در ده مجلّد و نزدیک مدّت بیست سال با فقد اسباب و مشوّقات و کثرت موانع تألیف شده و تاریخ ختم تألیف، دهه یکم شوال ۱۲۷۱.

ظاهرًا استنساخ نیز در همان ایّام و از روی نسخه اصل بوده و احتمال اینکه خطّ شخص مؤلّف باشد، محتاج دقّت و تأمّل است.

«۶۵» الأنوار السّنیّه فی شرح الجعفریّه

(فقه ـ عربی)

از: محمّد بن محمود افغانی نسب حنفی مذهب سلفی عقیده قندهاری موطن بغدادی مسکن.

کتاب: در شرح «الرساله الجعفریّه» محقّق کرکی ـ علیه الرحمه ـ است، در فقه طهارت و صلوه، به شرح مزجی و برای داود پاشا حاکم بغداد شرح کرده است.

نسخه: به خطّ مؤلّف با تعیین عدد اوراق کتاب «۴۶۴ برگ» و ۸ برگ عطف در اوّل و یک برگ در آخر.

تاریخ فراغت از تألیف: ظهر روز سه شنبه دهم جمادای دوّم ۱۲۴۴ در مزار شیخ عبدالقادر جیلی در بغداد.

نسخه از کتابخانه مرحوم آیه اللّه ابوالمجد بوده و یکی از دانشمندان متأخّر نجف اشرف که محتمل است خود مرحوم آقای ابوالمجد باشد تا اواسط کتاب را مطالعه نموده، مطالب سخیفه آن را در حاشیه ردّ کرده است.

«۶۶» الإیضاح فی شرح تلخیص المفتاح

(معانی، بیان ــ عربی)

از: جلال الدین محمّد بن عبدالرحمن بن عمر قزوینی، معروف به خطیب دمشقی.

کتاب: شرح «تلخیص المفتاح» است از خود شارح، و چاپ شده است.

نسخه: به خطّ علیّ بن محمّد بن حسین بن علیّ بن محمّد بن علیّ بن أحمد بن سودون عاملی.(۱)

تاریخ فراغ از کتابت: ۱۰۶۷، در مدرسه فاین با «پایین پا» در مشهد مقدّس رضوی. حواشی پراکنده در هامش صفحات نوشته شده است.

در ظهر نسخه، نیای اعلی، آیه اللّه الحاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی، نسخه را به فرزند گرامی خود، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم چهارسوقی بخشیده اند. سجع مُهر: «عبده زین العابدین الموسویّ» و ذیل آن نیز این بزرگوار شرحی نوشته اند. مهر جدّ امجد، آیه اللّه «الراجی جلال الدین بن محمد مسیح الموسویّ» نیز ظهر نسخه هست. رضوان اللّه علیهم اجمعین.

«۶۷» ایضاح الفوآئد فی شرح مشکلات القواعد

(فقه ــ عربی)

از: فخرالمحقّقین فخرالدین محمّد بن الحسن بن یوسف بن المطهّر حلّی، علیهم الرحمه.

کتاب: در شرح «قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرامِ» علاّمه حلّی، پدر گرامی

۱- ۱) از خاندان سودون عاملی در قرن دهم و یازدهم دو تن از علماء آنها در «أمل الامل» یاد شده اند، به نام های حسین و علی و از آنجا در «روضه نضره: ۱۶۲ و ۴۰۸» نقل شده است.

شارح است در دو مجلّد، به «قال، أقول». مجلّد اوّل در زمان حيات مصنّف و مجلّد دوم پس از فوت ايشان تأليف شده. شارح، خطبه كتاب را جداگانه به نام «جامع الفوائد» شرح كرده است، كما يأتى.

نسخه: شامل مجلّد اوّل از كتاب طهارت تا آخر وصايا. تاريخ ختم تأليف: روز عيد فطر ۷۲۴ در حلّه. كاتب: اسماعيل بن ابراهيم بن محمد بن عبدالله (ظ) حساوى هجرى. ختم كتابت، در روز يكشنبه ۲۲ شهر رجب ۸۶۵، و مجلّد دوّم شامل كتاب نكاح تا پايان مقصد اوّل از باب ثانى آن. كاتب در اينجا كتاب را ختم كرده و گويد پس از اين مقصد دوّم در مَهر است و سپس نام خود را ثبت نموده. پس از آن شش برگ شامل مسائل فقهى گوناگونى است كه كاتب خود از خطوط گروهى از فقيهان نزديک به زمان خود گردآورده است.

در ظهر نسخه، كاتب نام كتاب و مؤلّف را نگاشته و شخصى نسخه را از حاج مكّى بن العيناثى از قريه خرطوم به مبلغ سى و دو قطعه سليمانيّه خريده است.

مُهر مرحوم فاضل «هندى» اصفهانى «لك البهاء كلّه ۱۰۸۸» و تملّك نياى معظّم، آيه اللّه العظمى حاج شيخ محمّدباقر اصفهانى فرزند گرامى صاحب هدايه المسترشدين نيز ديده مى شود.

«۶۸» ايقاظ الغافلين

(مواعظ _ فارسى)

از: محمد مؤمن بن محمد حسين دهكردى اصفهانى، رحمه اللّه.

كتاب: در موعظه است مشتمل بر چهار فصل. تاريخ ختم تأليف، شب نهم جمادى الاولى ۱۲۶۴.

نسخه: نام كاتب ندارد. تاريخ ختم استنساخ: ۲۴ ربيع الاول ۱۲۶۵. مؤلّف در خاتمه

نسخه نوشته است که آن را با نسخه اصل برای سیّد اجلّ... سیّد محمدباقر مقابله و تصحیح کرده است. و مقصود از سیّد محمدباقر مذکور، مرحوم میرزا سید محمّد باقر بن علینقی موسوی زنجانی است که از علمای اصفهان و صاحب خاندانی علمی در این سامان بوده. تملّک و مهر او «عبده محمّد باقر بن علینقی الموسویّ» ظهر نسخه هست.

«۶۹» الإیقاظات

(کلام ــ عربی)

از: سیّد محمّدباقر بن شمس الدین محمّد حسینی استرابادی، معروف به میرداماد، أعلی اللّه مقامه.

کتاب: در مباحث مسأله معروف به خلق اعمال و جبر و تفویض است و در هامش «قبسات» مرحوم میر (از ص ۶۶ تا ۱۴۸)، به سال ۱۳۱۵ به طبع رسیده است.

نسخه: فاقد برگ آخر است و لذا نام کاتب وتاریخ کتابت معلوم نشد. لکن به دلالت حواشی «منه، مدّ ظلّه العالی» در زمان مؤلّف استنساخ شده و نسخه ممتازی است.

«۷۰» الباقیات الصالحات فی التفسیر و المعجزات

(تفسیر ــ فارسی)

از: آخوند ملاّ احمد بن حسن، واعظ بیرجندیّ الأصل یزدیّ المسکن مشهدیّ الخاتمه، علیه الرحمه.

کتاب: تفسیر برخی از آیات قران کریم است، ناظر به مدائح و معجزات اهل بیت علیهم السلام به اسلوب کتب موعظه، در دو مجلّد که تنها جلد یکم را در دست داریم.

مجلّد نخست شامل تفسیر ۵۷ سوره، از سوره مبارکه حمد تا سوره مبارکه حدید، در ۵۷ مجلس که فهرست آن در سرآغاز کتاب هست، و آن را به نام ناصرالدین شاه

قاجار «مقتول در ۱۳۱۲ ق» مصدَّر کرده. تاریخ تألیف این جلد: سلخ ماه شعبان ۱۲۷۳ در یزد.

نسخه: به خطّ خوش «أقلّ الطلبه ملاّ جواد بن ملاّ محمّد باقر امام جماعت محلّه گرمسیر قصبه تفت قهستان». تاریخ کتابت: روز دوشنبه ۲۵ ماه رمضان ۱۲۷۴. مؤلّف خودْ این نسخه را تصحیح کرده است.

تملّک شخصی به تاریخ روز چهارشنبه پنجم جُمادای دوّم ۱۲۹۰، ظهر نسخه بوده و محو شده است. أیضًا تملّک آیه اللّه حاج سیّد محمّد باقر توی سرکانی، مورّخه ماه شعبان ۱۳۱۰ و مُهر «عبده الراجی محمّدباقر الحسینی».

سخنی پیرامون این کتاب و مؤلّف

در حقیقت، «الباقیات الصّالحات» را نمی توان در شمار کتب تفسیر درآورد، زیرا از هر سوره ای چند آیه ذکر می کند و سپس به شیوه کتب وعظ و منبر وارد بحث می شود و به ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام مجلس را ختم می کند.

مؤلّف، پس از تألیف این کتاب و «بحر الدّموع» و «سماء الغزوات» و «خزائن الأنوار» و «ینابیع الموعظه»، به درخواست دوستان، کتاب «الشّموس المُضیئه» را در سرگذشت انبیای عظام علیهم السلام به استناد آیات و احادیث شریفه نگاشته و در دوشنبه از ماه صفر ۱۲۱۹ آن را به انجام رسانیده و نسخه در ۲۷۲ برگ، به خطّ سیّد محمّد بن حیدر حسینی حمصی که در همان زمان تألیف نوشته است، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود و در «فهرست ۶: ۲۳۰۸» یاد شده است، چنان که آقای احمد منزوی در «فهرست ۶: ۴۴۹۹» آورده اند.

ص : ۶۹

«۷۱» بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار

(حدیث ــ عربی)

از: علاّمه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰) مولانا محمّدباقر بن محمدتقیّ اصفهانی، أعلی اللّه مقامهما.

کتاب: بزرگ ترین مجموعه احادیث و اخبار آل محمّد علیهم السلام است در ۲۶ مجلّد و به طبع رسیده.

نسخه: مجلّد اوّل است پیرامون عقل و علم و جهل، و در زمان حیات مؤلّف از درآمد حمّام واقع در اراضی نقش جهان (حمّام خسروآقا) که شاه سلیمان صفوی وقف کرده نوشته و وقف شده است. برگ آخر مفقود شده، لذا نام کاتب معلوم نیست.

«۷۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل کتاب است. کاتب: میر ابوطالب بن ابوطالب حسینی مازندرانی. تاریخ پایان استنساخ: شب چهارشنبه عشر اول «عشر الأوّل من الشّهر الرّابع فی السّنه الّتی تشتمل علی مراتب الآحاد تاسعها و العشرات ثانیها و المآت واحدها و الأُلوف أوّلها» در مدرسه جدیده رفیعه مبارکه سلطانیّه، که از روی نسخه استکتابی شاه سلطان حسین «جُعِلت دولته متّصله بدوله خاتم آل محمّد...» نوشته شده است. روی برگ اوّل وقفنامه نسخه به خطّ همین کاتب به عربی نوشته شده و مهر او «خاک پای علیّ أبوطالب» است و نسخه مصحَّحِ خوش خطِّ خوبی است، با حواشی مؤلّف علاّمه.

ص : ۷۰

«۷۳» نسخه دیگر

نسخه: جلد اوّل کتاب است. کاتب: ربیع ابن حاجی علی عسکر دیمرتینی جیی اصفهانی. تاریخ انجام کتابت: ۴ ربیع یکم ۱۱۳۴. اثر تصحیح و مقابله ندارد.

کتابت این نسخه از جمله آخرین آثار دوران سلطنت شاه سلطان حسین صفوی است.

«۷۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوم کتاب است در باب اخبار عدل و معاد. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به خطّ نسخ جلیّ و دارای جدول و آثار مقابله و تصحیح است و یک سرلوحه در بالای صفحه اوّل دارد.

«۷۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوّم کتاب است. نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: ۲۳ ربیع الثانی ۱۲۵۳. آثار مقابله و تصحیح و گواهی بر مقابله در آخر نسخه دارد. فهرست ابواب در آغاز به خطّ کاتب نوشته شده و روی برگ اوّل جمله: «تخمینًا ۲۹۰۰۰ بیت» قید گردیده است.

«۷۶» نسخه دیگر

نسخه: مجلد چهارم کتاب است در احتجاجات و مناظرات. تاریخ ختم تألیف: ربیع دوّم ۱۰۸۰. کاتب: صفر علی بن اسماعیل نجف آبادی اصفهانی. تاریخ ختم کتابت:

روز سه شنبه ۲ جمادی الاولی ۱۲۵۴ بر حسب امر... حاجی میر محمدعلی مدرّس در دارالسلطنه اصفهان استنساخ شده است. ظهر نسخه نوشته اند تخمینًا ۱۸۸۰۰ بیت کتابت دارد. در صفحه آخر نوشته اند که با نسخه ای که از آن استنساخ شده، مقابله کرده اند.

«۷۷» نسخه دیگر

نسخه: تقریبًا نیمه اوّل جلد ششم است و تاریخ احوال پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و آخر آن ناقص است و به این عبارت ختم می شود: «و عامّه الکفّار به من یهود بنی اسرائیل و هکذا أمر الرسول».

نام کاتب به نظر نرسید. در آغاز کتاب، وقفنامه مورخ ذی الحجه ۱۱۰۹ نوشته شده است از زبان مؤلّف علاّمه، و در بالای همین صفحه تاریخ ذی القعده ۱۱۰۹ دیده می شود که ظاهرًا این تاریخ به خطّ مؤلّف است.

«۷۸» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز مجلّد هشتم کتاب است در وقایع بعد از وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا پایان احوال ابوبکر.

انجام: «ثم نقلا إلی وادٍ فی جهنّم یقال لها وادی الودود».

صفحه آغاز دارای یک سرلوحه زرّین و تمام صفحات جدول کشی شده و ظاهرًا مصحّح است. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

«۷۹» نسخه دیگر

نسخه: قدری از نیمه دوم جلد هشتم کتاب است که معروف به «فتن» می باشد. از

اوائل «باب تفصیل مثالب عمر...» مطابق «ص ۲۷۳ طبع کمپانی» تا اوائل «باب جمل ما وقع بصفّین...».

انجام: «و انّما نهی رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله عن اختناث الأتقیه لأنّ رجلًا اختنث».

نام کاتب و تاریخ کتابت و هیچ نوع تحشیه و تصحیح و امتیازی ندارد.

«۸۰» نسخه دیگر

نسخه: بخش دوّم از مجلّد هشتم از «ابواب ما جری بعد قتل عثمن من الفتن و الوقایع و الحروب و غیرها» است تا آخر.

تاریخ ختم تألیف: سلخ ذی الحجه ۱۰۹۱. کاتب: محمد نصیر بن شمس الدین محمد میبدی یزدی. تاریخ ختم استنساخ: ذی القعده ۱۱۰۴. چند حاشیه به توقیع «لراقمه خلیل» دیده می شود. ظاهرًا نسخه به نظر مؤلّف علّامه رسیده و مصحَّح است.

«۸۱» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دهم کتاب است در احوال حضرت زهرا و مناقب امامین هُمامین حسنین و احوال حضرت امام حسن محتبی، علیهم الصلوه و السلام.

انجام: «د. تزوّج علیه السلام سبعین حُرّهً و ملک مائه و ستّین أمهً فی سائر عمره و کان أولاده خمسه عشر. تمت بعون اللّه تعالی».

نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت ۱۱۲۴. در هامش همین موضع «بلغ مقابلهً». صفحه آغاز دارای یک سرلوحه زرّین و تمام صفحات جدول کشی شده و مصحَّح است.

«۸۲» نسخه دیگر

نسـخه: مجلّد دهم است در احوال حضـرت فاطمه زهرا و حسـنین علیهم السـلام و مقتل حضـرت سـیّد الشهداء علیه السلام و از آخر ناقص است.

انجام موجود: «فقال الشیخ الشامی انّکم لأنتم هم».

نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد.

«۸۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سیزدهم کتاب است در تاریخ امام دوازدهم، عجلّ اللّه تعالی فرجه. تاریخ ختم تألیف: ماه رجب ۱۰۷۸. نام کاتب و تاریـخ کتـابت نـدارد. در هـامش تاریـخ پایـان مقابله با اصل، روز دوشـنبه ۴ ذی القعـده ۱۰۹۷ گواهی شـده. وقفنـامه علاّمه مجلسی به خطّ کاتب و مهر «محمدّ باقر العلوم» مورّخه محرّم ۱۰۹۸ ظهر نسخه نوشته شده است.

«۸۴» نسخه دیگر

نسـخه: مجلّـد سیزدهم کتـاب و کامـل اسـت و تاریـخ ختـم تـألیف در آن نیز مـاه رجب ۱۰۷۸ می باشـد. کاتب: عبـدالمجید طباطبائی. تاریخ ختم استنساخ: ششم صفر ۱۱۱۶. تعداد اوراق نوشـته شده به موجب ورقْ شمارِ گوشه صفحات: ۲۹۲ ورق. در آغاز نسخه فهرست ابواب کتاب است که یکی از احفاد مؤلّف علاّمه ترتیب داده چون در آغاز فهرست گوید: «فهرست ما فی هـذا المجلـد من مؤلفـات... جـدّی العلاّمه...» و گویا این شـخص همان کسـی است که تملّک خود را در پایان فهرست به این شرح نوشته:

«هو. انتقل بالبیع الصّحیح الشرعیّ الی العبد المذنب ابن عبدالکریم ابوطالب عفی

عنهما». مهر: «المـذنب ابوطـالب». مهر دیگر نیز بـه ایـن سـجع دیـده می شـود: «أفوّض أمری إلی اللّه عبـده محمـد معصـوم الطباطبائی». نسخه حاشیه و تزیینات ندارد.

«۸۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد هفدهم کتاب است در مواعظ و حِکم و از موقوفات شاهزاده مریم بیگم است و تولیت آن با متولّی مدرسه مریم بیگم می باشد. تاریخ وقفنامه که ظهر نسخه نوشته شده است: محرم ۱۱۲۵.

کاتب نسخه چنانکه در آخر آن نوشته است: محمّد نصیر کاتب ابهری جیی اصفهانی. ختم کتابت: سنه ۱۱۲۴.

ضمیمه کتاب المیراث از «الدروس الشّرعیّه»

(فقه ـ عربی)

از: شهید اوّل شیخ محمد بن مکّی عاملی قدس سره .

نسخه: به خطّ محمد زمان بن قوح احمد سمنانی که در روز یکشنبه هشتم ربیع دوّم ۱۰۹۷ در قریه «خار از توابع بیارجمند» از آن فراغت یافته.

ضمیمه باب ابطال العول از «کتاب من لا یحضره الفقیه»(اخبار ـ عربی)

از: شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه القمی.

نسخه: به خطّ محمد زمان مذکور فوق است و تاریخ ختم استنساخ، اواخر ربیع یکم ۱۱۰۵.

«۸۶» نسخه دیگر

نسخه: جزءِ دوّم از مجلّد ۱۸ کتاب است در ابواب صلوه.

ص : ۷۵

آغاز: «کتاب الصلوه. بسم. باب فضل الصلوه و عقاب تارکها».

انجام: «و لعلّ اکثر تلک القُنونات بالصلوات المستحبّه انسب لا سیّما صلوه الوتر قد تم هذا الکتاب... فی یوم السبت فی احدی عشر شهر ذی الحجه ۱۲۴۷».

در بالای صفحات ۳۱۷ ورق شماره گذاری شده و در آغاز، فهرست ابواب و فصول با تعیین شماره اوراق نوشته شده است. هیچ نوع اثر مقابله و تصحیح و امتیاز و نام کاتب به نظر نرسید.

«۸۷» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد ۲۲ کتاب است در باب زیارات پیغمبر اکرم و ائمّه اطهار ـ علیهم الصّلوه و السلام ـ مشتمل بر ۶۸ باب.

تاریخ ختم تألیف: ۲۷ ماه رجب ۱۰۸۱. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در فاصله سال تألیف و ۱۰۸۷ که تاریخ وقفنامه است استنساخ شده و نسخه بسیار مصحّح و مضبوط و معتبری است و در چندین موضع اصلاحات و اضافات به خطّ مبارک مؤلّف علّامه نوشته شده و بسیاری از اضافات و اصلاحات نیز به خطّ شریف مرحوم میرزا عبداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» است که حقیر از شیوه خطّ آن مرحوم، تشخیص دادم.

فهرست کتاب در آغاز نسخه با تعیین شماره اوراق نوشته شده و تعداد اوراق در گوشه صفحات، ۴۲۶ ورق تعیین شده و روی برگ اوّل فهرست نوشته اند: «مجموع اوراق این کتاب ۴۲۴ می باشد و هر ورق هم ۵۰ بیت می باشد».

روی برگ اوّل نسخه، وقفنامه آن به خطّ مبارک مؤلّف به تاریخ ذی القعده ۱۰۸۷ نوشته شده و واقف، شیخ علی خان بوده که مؤلف علّامه از او بسیار تجلیل فرموده است.

«۸۸» بحر الجواهر خاقانی و صرح اللّألی حسینی

(اصول دین ـ فارسی)

از: میرزا سیّد محمّدباقر بن میرزا سیّد محمّد موسوی شیرازی معروف به ملّاباشی، علیه الرحمه.

کتاب: در مسائل کلام و اصول دین و مذهب است به نحو مبسوط و بسیار عالمانه و مفید. در یک مقدّمه در بیان وجود انسانی و تکلیف ظاهر و باطن و تعریف و تقسیم علم و تعریف شیعه و مؤمن، و سه مقصد در توحید و نبوّت و امامت، و خاتمه ای در احوال ۱۴ معصوم علیهم السلام و مصدّر است به نام فتحعلی شاه قاجار، و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ زیبای محمّدباقر بن میرزا محمّد خوراسکانی. تاریخ ختم استنساخ: یوم الخمیس ماه صفر ۱۲۵۸.

البحور الزاخره: غایه المرام

«۸۹» البدایه فی شرح الغایه

(فقه ـ عربی)

از: نامعلوم، صاحب کتاب «الوراقه الحجازیه».

کتاب: شرح مزجی «غایه الاختصار» ابوشجاع حسین بن احمد اصفهانی است در فقه مذهب شافعی. تاریخ تألیف: ۸۸۹.

نسخه: به خطّ عبداللّه بن علی بن راشد بن کریمی عشاری بصری شافعی رفاعی. تاریخ ختم استنساخ: چهارشنبه اواخر ربیع دوّم ۱۰۹۶. تملّک و مهر «ابراهیم بن عبداللّه

الموسوی» در غرّه ربیع دوّم ۱۲۶۰، ظهر نسخه است.

«۹۰» بدایع الأفکار فی صنایع الاشعار

(ادب _ فارسی)

از: کمال الدین حسین بن علی، واعظ کاشفی سبزواری، از دانشمندان متبحِّر و زبردست اواخر قرن نهم و اوّل قرن دهم هجری است. از گفتار میرعلیشیر در «مجالس النفائس: ۹۳ لطائف نامه» معلوم می شود که وی به سال ۸۷۶ از سبزوار به هرات رفته و با ملاّـ عبدالرّحمن جامی که خواهر زن او را به زنی داشته و امیر حسین معمّائی نیشابوری و امیر علیشیر نوایی وزیر دانش پرور سلطان حسین بایقرا، معاصر و مؤانس بوده و کتاب هایی به نام امیر و سلطان نگاشته و عاقبت به سال ۹۱۰ در هرات وفات کرده است.

تألیفات کاشفی بسیار است و در اغلب فنون دست داشته و کتاب نوشته. میر علیشیر در حقّش گوید: «مولانا بغایت ذوفنون و پرکار واقع شده و کم فنّی باشد که او را در آن دخلی نباشد...(۱) » . بعضی از آثار او به تدریج در این فهرست آورده می شود. شرح حالش اجمالاً در «ریحانه الأدب ۳: ۳۴۵» ذکر شده است.

موضوع این کتابْ «شعرشناسی» (از رشته های ادبی)، یکی از دانش هایی است که کاشفی دارا بوده و در آن کتاب نوشته. اثر ادبی دیگر او «مخزن الإنشاء» است. نسخه آن در کتابخانه مجلس ایران و هم در کتابخانه بریتانیا موجود است و پس از چندی خود مؤلّف با اندک تصرّفی همین «مخزن الإنشاء» را «صحیفه شاهی» نام گذارده که نسخه آن فراوان و چاپ شده است.

ص : ۷۸

۱- ۱) «لطائف نامه: ۹۲» ترجمه «مجالس النفائس».

برخی از آثـار کاشـفی به غـایت شـهرت یـافته و فراوان دیـده می شود. ماننـد «روضه الشُّهـداء»، تفسـیر «مواهب علیّه»، «اخلاق محسـنی»، «انوار سـهیلی»، «أسـرار قاسـمی» و جز اینهـا که همه به طبع رسـیده. بعضـی دیگر بـا اینکه چـاپ نشـده، نسـخه های متعدّدی از آنها موجود است. مانند «جواهر التفسـیر». لکن چند نسـخه از کتاب های بسیار مفیدش بسی کمیاب و عزیز الوجود است. مثل «تحفه الصّـلوات» و همین «بـدایع الأفکار» که نام هر دو در «الذریعه ۳: ۴۴۷ و ۶۳» آمده امّا از هیچ کدام، نسـخه ای نشـان داده نشـده است. تنهـا از «بـدایع الأفکار» یک نسـخه دیگر در ایران سـراغ داریم و از «تحفه الصّـلوات» هم منتخبی به نام «فضل الصّلوات» که آن نیز از خود اوست پس ازین آورده می شود.

آغاز: «بسم ا... الحمـد لمُبـدع البـدایع، و الشُّکر لمُنشـی ءِ الصّـنائع ثمَّ الصَّلوه و التَّحایا أهـدی لمکرم البرایا. چون جناب معلّی و سدّه أعلی، حضرت امارت مآب، عدالت انتساب...

جوان جوان بخت روشن ضمیر بدولت جوان و بتدبیر، پیر

المُحتظی بأصـناف العنایات من اللّه ذ(ی القوه) المتین، شـجاع الـدوله و الـدین أمیر سـید حسـین(۱)... مرجع جَمـاهیر أفاضل و مقصد مشاهیر أماثل است، و هر یک... بأجناس وسایط... خود را در سلک مقیمان عتبه علیّه... او... منتظم... می گردانند... فقیر حقیر... حسـین بن علی المشـتهر بالکاشـفی... با وجود قلّت بضاعت... بر مقتضـی (فابتغوا الیه الوسـیله)... مختصری در علم شعر مشـتمل بر بعضـی از آنچه تعلّق به عوارض شـعری دارد، چون معرفت اقسام و انواع شـعر و علم صنایع و بدایع آن و علم نقد و طرفی از آنچه متعلّق به ماهیّت شعر است، چون علم قوافی و معرفت حروف و حرکات آن از کتب

۱- ۱) این شـخص امیر سـید حسـین معمائی نیست و اگر مقصود سـلطان حسـین بایقرا باشـد، کلمه سـید در جلو نامش زائـد و اشتباه کاتب است، لکن القاب هم متناسب مقام او نیست (بنگرید به مقدمه «فضل الصلوات»).

بُلغاء و رسائل فصحاء التفات (التقاط؟) نموده در حیّز تقریر و بلکه تحریر آورد... لاجرم بعرض این مختصر که موسوم است بر «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار» متمسّک شده... و اساس این رساله بر مقدّمه و دو باب و خاتمه لایق افتاد...».

انجام:

«اصلاح طالع من و درمان درد من اندازه منجّم و حدّ طبیب

آواره دل حسن اندر نوای دوست آواره گی بحال غریبان غریب»

فهرس مطالب:

مقدمه در تعریف شعر و شرح انواع و اقسام آن و ذکر بعضی ألفاظ که مستعمل و متداول این طایفه است، مشتمل بر ۴ فصل.

ف ۱ در شعر. ف ۲ در بیان انواع شعر، و آن قصیده است و غزل و قطعه و رباعی و فرد و مثنوی و مسمّط و ترجیعات. ف ۳ در بیان اقسام شعر، و آن مترادف باشد و محجوب و ذات المَطالع و محدود و مطبوع و مُلایم و سَلِس و سهل و ممتنع و جَزل و مُرتجل و فکری و ذوالنّوعین و ممتنع و متنوّع. ف ۴ در ذکر بعضی الفاظ که مستعمل و متداول این طایفه است. باب اول در بیان صنایع شعر. باب دویم در بیان عیوب نظم، و این (علم را) علم نقد خوانند، چنانچه علم صنایع شعر را علم بدیع گویند.

خاتمه در بیان معنی قافیه و عدد حروف و أوصاف و ألقاب و ذکر معایب که تعلّق بدو دارد مشتمل بر هفت فصل.

ف ۱ در بیان معنی قافیه و حروف و حرکات او. ف ۲ در أنواع قَوافی که با هم جمع تواند شد. ف ۳ در أوصاف قوافی. ف ۴ در بیان قافیه اصلی و معمول. ف ۵ در ذکر قافیه شایگان. ف ۶ در بیان عیوب قوافی و آن چند نوع است. فصل ۷...

ص : ۸۰

فصل هفتم در این نسخه نوشته نشده و کاتب یک روی برگ آخر را نوشته و روی دیگر برگ سفید است. از فصل ششم نیز شاید اندک نقصانی داشته باشد، اگر چه تمام انواع عیوب قوافی را تا قسم دوّم از دو قسم إیطاء که إیطاءِ خَفی باشد داراست و مثال إیطاءِ خفی نیز در نسخه آمده است.

کاشفی در این کتاب از دانشمندان و ادیبان بسیار نام می برد و اشعار زیاد از شعرای پیشین می آورد و در فصل ۶ خاتمه در مثال ایطاءِ جلیّ از مرحوم خواجه طوسی چنین یاد می کند:

«و حکیم بحقّ و فیلسوف مطلق، نصیر الحقّ و الدّین محمّد الطّوسی، قدس سره در «معیار الأَشعار» ذکر فرموده است...».

نسخه: به خطّ نستعلیق ۱۵ سطری، ۷۴ برگ، و ۱ برگ عطف، کاغذ سمرقندی، قطع ۱۳ × ۲۰، عناوین به شنگرف، جلد مقوّایی، نام کاتب و تاریخ ندارد و متعلّق به قرن یازدهم و خالی از اغلاط کتابتی نیست.

«۹۱» بَرْز نامه

(فلاحت ــ عربی)

از: فسطوس بن اسکور اسکینه. مترجم: نامعلوم.

کتاب: در علم فلاحت است. گویا از فارسی به عربی ترجمه شده.

آغاز: «بسم. و الاعتصام بکرمه العمیم. هذا نسخه کتاب وضعه فسطوس بن اسکور اسکینه عالم الروم الّذی یسمّی فیلسوفًا، فیما وصف ممّا لا یستغنی عنه الفلّاحون و غیرهم من الناس عن علمه فیما ینفعهم اللّه تعالی به فی معایشهم. و یسمّی هذا الکتاب بالفارسیّه «بَرْز نامه»، و معنی بَرْز نامه «کتاب الزّروع» و قد قدّم علی المقاصد العلامات السّماویّه

الّتی تستدلّ بها علی أشیاء. علامات الهواءِ الصّافی».

انجام: «و لا ـ یزیدن علی عشره أزواج فانّهنّ لا ـ یألفن اذا کثرت، و اللّه أعلم بالصّواب، و قد تمّت الرساله فی أوایل شهر ذی القعده سنه ۹۲۳ هجریّه».

نسخه: نام کاتب ندارد و تاریخ کتابت ظاهرًا همان اوائل ذی القعده ۹۲۳ می باشد که گذشت. روی برگ اوّل از «زایچه فرزند اعزّ شیخ محمد» شب دوشنبه ۲۱ جمادی الاخره ۹۴۹ و تاریخ تولّد دیگری در روز سه شنبه ۷ ماه رمضان ۹۵۰ نوشته شده.

«۹۲» برهان السّداد فی شرح الارشاد

(فقه ــ عربی)

از: شیخ محمّد بن احمد، ابن خاتون عاملی.

این کتاب نفیس گزارشی است بر «إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمانِ» آیه اللّه فی العالمین علاّمه حلّی قدس سره که پیرامون آن و دو گزارش دیگر آن در «کنز الفوائد» و «منهج الرشاد» سخن گفته ایم و اینک گزارش دیگر که «برهان السّداد» نام دارد و تا کنون در هیچ جا شناسانده نشده است.

نویسنده دانشمند این گزارش، شیخ محمّد بن أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون عاملی، از فقهاءِ بزرگ سده یازدهم هجری است.

مع الأسف، گزارش زندگانی این شخص به خوبی روشن نیست و آنچه نگارنده تا کنون به دست آورده است، ذیلًا شرح می دهد.

۱ ــ خاندان «آل خاتون» چنانکه در «أعیان الشیعه ۵: ۱۲۹» آمده است، از

خانـدان های علمی قدیمی جبل عامل، بلکه از قدیم ترین خاندان های آن دیار و پیش از سده هفتم به دانشْ معروف بوده اند. افراد این خانـدان از آغـاز در قریه «أمیه» جبل عامل که اکنون ویران است بوده، سـپس به «عیناثا» و أخیرًا به «جویا» منتقل شـده انـد. «خاتون» که این خاندان بدو منسوبند یکی از دختران ملوک أیّوبی بوده که به عقد یک نفر از پدران این خاندان درآمده بود.

۲ _ نویسـنده «ریاض العلماء: ق ۱۰۸ ب، نسـخه عکسـی نگارنـده» گویـد: «ابن خاتون عاملی». این عنوان بر گروهی فراوان از رشته فرزندان خاتون اطلاق می شود، به حدّی که غالبًا برخی به برخی دیگر اشتباه می شوند.

۳ _ نام و شرح حال جمعی از این خاندان در «روضات الجنّات ۱: ۱۸۲ _ ۱۹۳» در متن و تعلیقات نگارنده این فهرست، ضمن ترجمه شیخ أحمد ابن خاتون آمده است.

۴ _ چند تن از این خاندان به نام شـیخ محمّد ابن خاتون شهرت یافته اند که مع الأسف شرح حال آنان در کتب تراجم نوعًا با یکدیگر اشتباه شده است و از میان آنان دو تن از همه بنام تر و دانشمندترند:

نخست: شیخ محمّد بن احمد بن نعمه اللّه بن خاتون، صاحب «برهان السداد» جای گفتگو.

دوّم: شـیخ شـمس الدین ابوالمعالی محمّد بن علی بن أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون که برادرزاده شخص سابق و از شاگردان و راویان شـیخ بهاءالدین محمّد عاملی قدس سره بوده و کتاب «اربعینِ» وی را ترجمه و شرح کرده و «ترجمه قطب شاهی» نامیده است. وی در حیدرآباد می زیسـته و همانجا درگذشـته است. شـرح حالش در «أمل الأمل: ۲۸» و مواضع دیگری موجود اسـت که در تعلیقات «روضات الجنات ۱: ۱۸۹ _ ۱۹۰» یاد

کرده ایم. شیخ حرّ ـ رضوان اللّه علیه ـ کتابی به عنوان «شرح الارشاد» به او نسبت داده و نیای گرامی، صاحب «روضات: ۱۸۹» و شیخ ما صاحب «ذریعه ۱۳: ۸۰ ش ۲۵۷» ـ رحمه اللّه علیهما ـ نیز تنها به استناد أمل الأمل از آن یاد کرده اند. لکن به گمان ما، نسبت «شرح ارشاد» به مترجم اربعین از اشتباهاتی است که در اثر تشابه اسمی این دو تن رخ داده است.

در «أمل الأمل: ۲۷» و از آنجا در «روضات ۱: ۱۹۹» شخصی به عنوان: «الشیخ محمّد بن خاتون العاملی العیناثی. کان فاضلًا صالحًا فقیهًا معاصرًا، توفّی فی بلادنا» یاد شده است که ظاهرًا مقصود همان صاحب «برهان السداد» است، و اللّه العالم.

۵ ـ صاحب «برهان السداد» به نحو اجمال در «روضات ۱: ۱۹۰ ـ ۱۹۱» ذیل عنوان شیخ جمال الدین ابوالعباس احمد بن شمس الدین محمّد بن علی بن محمّد بن محمّد بن خاتون عاملی نیز مذکور و ترجمه عبارت آن چنین است: امّا شیخ محمّد بن شیخ شهاب الدین أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون، همان است که میرزا ابراهیم حسینی همدانی از او اجازه روایت دارد و من صورت اجازه او را در اجازات «بحار» دیده ام، و طریق روایت او در این اجازه منحصر است به پدرش شیخ شهاب الدین احمد، از جدّش شیخ نعمه اللّه، از شیخ علی کرکی. و نیز سید ماجد مجتهد بحرانی «استاد فیض» ـ أعلی اللّه مقامهما ـ از شیخ محمّد مذکور به همان طریق روایت می کند، چنانکه در «بحار» یاد شده است. پایان کلام روضات.

نگارنده این فهرست در حاشیه «روضات ۱: ۸۱» در شرح حال سیّد ظهیرالدین ابراهیم بن میرزا حسین حسینی همدانی چنین توضیح داده است که نسخه اجازه شیخ محمّد برای سیّد مذکور در «بحارالأنوار ۲۵: ۱۲۱ ـ ۱۲۲» موجود و تاریخ آن روز

جمعه ۱۴ محرم ۱۰۰۸ و در مکّه معظمه نوشته شده است.

و در حاشیه ص ۱۸۴ نیز استظهار نموده است که شیخ جمال الدین ابوالعباس أحمد «صاحبِ عنوانِ در روضات» را فرزندی بوده به نام نعمه اللّه و وی را فرزندی بوده به نام شیخ احمد که هر دو شیخِ اجازه مولانا عبداللّه بن حسین شوشتری بوده اند و این شیخ محمّد صاحب «برهان السداد» فرزند شیخ احمد بن نعمه اللّه مذکور و شیخِ اجازه سیّد ظهیرالدین ابرهیم است.

و هم در حاشیه ص ۱۹۱ چنین نوشته ایم که شیخ محمّد از مشایخ اجازه سید حسین ابن حیدر بن قمر حسینی کرکی عاملی نیز بوده و سید مذکور در یکی از اجازات خود ــ که در روضات ضمن شرح حال شیخ بهائی از آن نقل کرده اند ــ هفتمین شیخ اجازه خود را همین شیخ محمّد قرار داده و گوید: «و سابعهم: الشیخ الفاضل الفقیه محمّد بن احمد بن نعمه اللّه بن خاتون العاملیّ صاحب شرحی «الارشاد» و «الألفیّه» و کتاب «الأنموذج فی المنطق و الحکمه الطبیعی و الإلآهی» و غیرها».

مرحوم سیّد ماجد بحرانی نیز چنان که در عبارت روضات گذشت از شیخ محمّد روایت می کند. وی در اجازه ای که برای امیر فضل اللّه دست غیب نگاشته، گوید: «و عن شیخنا عمده الفضلاءِ المتفقّهین و اُسوه العلماءِ المتبّهین الشیخ محمّد بن المقدّس الشیخ أحمد بن الشیخ الجلیل الشیخ نعمه اللّه بن خاتون، عن أبیه، عن جدّه، عن شیخنا... علیّ بن عبدالعالی الکرکی».

صورت این اجازه نیز در «بحار الأنوار ۲۵: ۱۳۹» ضبط شده است.

در کتابخانه آستان قدس رضوی، قطعه ای از «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی قدس سره موجود و در پایان آن این عبارت به خطّ صاحب «برهان السداد» دیده می شود: «أنهاه ــ أدام اللّه تعالی توفیقه ــ ... قرائهً و تحقیقًا و إتقانًا و تدقیقًا و بحثًا عن مشکلاته...

ص : ۸۵

و ذلک بمکّه المشرفه، ثالث عشر جُمادی الأخره ۱۰۰۹، و کتب... محمّد بن أحمد ابن نعمه اللّه بن خاتون العاملی...». فهرست رضویّه ۱. فصل ۴: ۲۳.

نیز در خزانه رضویّه نسخه ای از «حاشیه ألفیّه شهید» از شیخ محمّد مذکور موجود است که به خطّ خود نگاشته و نسبش را در پایان نسخه «محمّـد بن أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون العاملی» یاد کرده و در جَنب نسبِ مذکور این عبارت دیده می شود: «ثمّ انتقل منه ـ سلّمه اللّه ـ علی وجه الهبه إلی أقلّ عباداللّه محمد بن علی نعمه اللّه الشهیر بابن خاتون العاملی، سنه ۱۰۳۹». رجوع شود به «اعیان الشیعه ۴۳: ۲۶۶» «فهرست رضویّه ۲:۴۶». محمّد بن علی نامش در معرّفی نسخه خواهد آمد.

از عبارت منقول در بالا روشن می شود که صاحب «برهان السداد» تا سال ۱۰۳۹ در قید حیات بوده است.

* * *

بیش از این چیزی از شرح حال و آثار این دانشمند معلوم نگردید و چنان که گفتیم تا حال نسخه ای از کتابِ «جای گفتگو» در جایی شناسانده نشده است، تنها جایی که از این کتاب یاد شده است، اجازه سید حسین کرکی است که در بالا عبارت آن را نقل کردیم، سپس صاحب «ذریعه ۱۳: ۷۹ ش ۲۵۵» نیز تنها به استناد همان اجازه کتاب را عنوان نموده اند.

مع الأسف نسخه ما ناتمام و تا مقصد پنجم «صلوه میّت» بیشتر نیست و معلوم نشد که شارح موفق به اتمام کار خود شده یا تا همین مبحث بیشتر ننوشته است.

آغاز: «بسم... اللّه کافی من توکّل علیه. الحمد للّه الّذی منّ علی عباده بالتکلیف، فجعله لأحوالهم فی المعاش نظام الانتظام، و سببًا فی المعاد لنیل السعاده الأبدیّه فی دار السلام، علی سبیل الاستحقاق المقارن للإجلال و الإعظام، و تفضّل ببعث الأنبیاءِ الکرام

ص : ۸۶

و نصب الأوصياءِ العُلّام، ألطافًا فيما تناله أيدى العقول و الأوهام... أمّا بعد، فإنّ علم الفقه عمادُ هذا الدين الأحمدىّ كما نصّ عليه الرسول الأمين، و استفراغ الوسع فى تحصيله على سبيل الاحاطه بمجمله و تفصيله فرضٌ على التعيين... ثمّ لمّا كان الكتاب الموسوم بـ «ارشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان» من تصانيف الشيخ الأعظم و الإمام الأكرم... أبى منصور الحسن بن المطهّر... أحسن ما صنّفه علماؤنا الماضون فى فنّه من مطوّل و موجز و متوسط ترتيبًا، و أتمّ ما ألّفه سلفنا الصالحون... تنقيحًا و تهذيبًا؛ توفّرت الدواعى على شرحه.

فشرحته شرحًا قيّد من عباراته المطلق، و فتح من أبواب اشاراته المغلق، و بيّن مقاصده و تمّم فوائده، سلكت فيه بين نهجى الإيجاز و الإكثار، تجافيًا عن ملل الإسهاب و خلل الاختصار... على أنّى معترفٌ بما أنا عليه من قلّه البضاعه و قصر اليد فى الصناعه... هذا مع ضيق المجال و تشتّت البال برمد الأيّام و نكد الدهر و معانده أرباب الضلال.

و كان إنشاء الخاطر له بمكّه المشرّفه المنوّره المحروسه الموقّره، حين منّ اللّه علىَ بمجاوره بيته العتيق، فحصل لى به أنس الرفيق و همّه التوفيق. و ذلك عام ١٠٠٢ من الهجره النبويّه و النقله المحمديّه الأحمديّه. و سمّيته «برهان السّداد فى شرح الإرشاد».

أقول و باللّه أعتصم ممّا يصمّ، و هو حسبى و نعم الوكيل: قال المصنّف ـ قدّس اللّه روحه و نوّر ضريحه ـ: بسم اللّه الرحمن الرحيم. اقتداءً بالكتاب العظيم و عملًا بقول النبىّ الكريم...».

انجام: «و يمكن أن يكون هذا إشارةً إلى التفويض إلى اللّه تعالى و الرضا بالواقع، كيف كان، فانّه لمّا رأى الميّت و علم أنّ اللّه سبحانه اختار موته و حياه الرائى رضى بفعل اللّه و قضائه؛ حمد اللّه فقال: الحمد للّه الّذى أحيانى فانّه اختار حياتى و لو اختار موتى

لأماتنى فالحمد للّه على ذلک. و هذا من أعلى درجات الإيمان. و ربّما فُسّر المخترم هنا بالهالک على غير بصيره، و المعنى على هذا ظاهرٌ من غير تکلّف إلى شىء ممّا ذکر».

نسخه: دارای ۱۶۶ برگ، برگ یکم عطف و سفید است، روی برگ ۲، نام کتاب و مؤلّف _ مانا به خطّ خود او _ چنین نوشته شده است:

«کتاب برهان السّداد، فى شرح الارشاد. تصنيف العبد الفقير إلى عفو اللّه: محمّد بن أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون العاملى. عامله اللّه بلطفه الخفىّ و أجراه على عوايد برّه الحفىّ، بجاه محمّد الأمين و آله الأکرمين».

در گوشه همین صفحه، شیخ محمد بن علی بن احمد ابن خاتون، برادرزاده مؤلّف تملّک خود را نوشته بوده که مع الأسف جمله هایی از آن در صحّافی ضایع شده و آنچه باقی مانده این عبارت است: «خاتون العاملى. عفى عنه». مهر: «الواثق باللّه [ظ] الغنى: محمد بن على، الشهير بابن خاتون العاملى».(1) نیز روی همین صفحه: «هو. من عوارى الزمان عندى و أنا العبد عبدالنبىّ النباطىّ». أيضًا: «کتاب شرح الارشاد شيخ محمد خاتون، به خط نسخ ۲۶ سطرى». أيضًا: «بياد آقا رضا خريد نموده شد».

کاغذ فستقی، جلد تیماج سرخ دارای تُرنج، آستر تیماج قهوه ای، صحّافی و تعمیر شده، خطّ نسخ ۲۶ سطری، متن «ارشاد» و پاره ای از عناوین در هامش به شنگرف نوشته شده، بالای رؤوس مطالب نیز به شنگرف خط کشیده شده است. قطع ۲۰ × ۳۰، متن

۱- ۱) روی برگ نخست یک نسخه کتاب «الذريعه» تألیف سیّد مرتضی علم الهدی _ علیه الرحمه _ این تملّک نوشته شده است: «قد اتّفق التصرّف فيه لأقلّ العباد محمد بن علىّ الشهير بابن خاتون العاملىّ بمحروسه قزوين من شهور سنه ۱۰۲۷». چند سال بعد نسخه به ملکیّت مرحوم محقّق سبزواری صاحب «خلافیّه. ش ۳۷۲» درآمده و در بالای همان صفحه نوشته است: «دخل فى نوبه تصرّف الفقير محمّد باقر السبزوارىّ». سپس نسخه نسل به نسل تا اوائل سده چهاردهم در خاندان محقّق سبزواری _ که کم کم به شیخ الاسلام مشهور شدند _ باقی بوده است تا در ماه شوّال المکرّم ۱۳۸۳ به دست این جانب رسید.

۱۱ و نیم × ۲۲. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. مانا که نسخه به خطّ مؤلّف باشد و چنان که گفتیم نسخه ما مشتمل بر شرح کتاب طهارت و صلوه است و تا مقصد خامس مَندوبات صلوه که در نماز میّت است، رسیده و به شرح جمله «و الدعاء عند المشاهده» خاتمه یافته است.

برهان الصادقین: دیباجه برهان الصادقین

«۹۳» البشارات بشارات الاصول

(اصول فقه _ عربی)

از: آقا میرزا ابوالمعالی کرباسی «متوفی ۱۳۱۵» فرزند مرحوم حاج محمد ابراهیم کرباسی اصفهانی، علیهما الرحمه.

کتاب: در سه مجلّد کلان است. دو مجلّد در مباحث الفاظ و مجلّد سوم در ادلّه عقلیّه و خاتمه ای در نصایح. تاریخ ختم مجلّد سوّم(۱) نیمه اول سده سیزدهم نزدیک

ص : ۸۹

---

۱ – ۱) یک نسخه از مجلّد سوّم این کتاب در اصفهان نزد خاله زاده گرامی، آقای میرزا محمّد کلباسی فرزند مرحوم آقای حاج میرزا ابوالهدی به نظر راقم سطور رسید که عینًا دارای مختصّات نسخه ما و هم در چند موضع دارای خطوط شخص مؤلّف است. از جمله وقف نامه نسخه که در ظهر آن نوشته اند: به تاریخ عید غدیر ۱۲۹۲. تاریخ ختم تألیف از آن نسخه می باشد و آنجا در پایان کاتب خود را محمدباقر بن محمدحسن که از کاتبان بنام اصفهان بوده معرّفی کرده، و تاریخ ختم کتابت آن مجلّد را روز پنجشنبه از سال ۱۲۸۹ قید نموده است. بنا به اظهار آقای میرزا محمد کلباسی یک مجلّد دیگر از بشارات در کتابخانه شخصی آقای حاج سید مصطفی صفائی خونساری در قم بوده که محتمل است مجلّد دوّم این دوره باشد. شایان توجّه این که مؤلّف خودْ در خاتمه مجلّد سوّم تصریح نموده که از تألیف این کتاب هنگامی فراغت یافته که سنّش مشرف به چهل بوده، و تاریخ تولّد مؤلّف را فرزندش در «البدر التمام» به سال ۱۲۴۷ ذکر کرده، پس ختم تألیف در حدود ۱۲۸۷ می شود و از وضع این دو مجلّد که به نظر رسیده به خوبی پیدا است که مؤلّف تا اواخر عمر مشغول به تصحیح و تنقیح و تکمیل کتاب خود بوده است. رضوان الله علیه و علیهم.

چهل سالگی مؤلّف.

نسخه: مجلّد اوّل است شامل مقدّمه ای در تعریف علم اصول تا آخر مبحث مفاهیم. دیباچه ندارد و از آغاز مطلب شروع شده. نسخه بسیار مرتّب و تمیز و با خطوط عالی استنساخ شده. مرحوم حاج میرزا ابوالهدی (کلباسی) فرزند مؤلّف نیز آن را به دقّت تکمیل و تصحیح فرموده است. ظهر نسخه تملّک مرحوم حاج میرزا قوام رشتی اصفهانی به تاریخ ۵ ربیع دوّم ۱۳۳۲ و مهر او «الراجی قوام الدین بن عبدالرزاق» هست.

«۹۴» بصائر الدرجات

(حدیث ـ عربی)

از: شیخ محمد بن حسن صفّار قمی، علیه الرحمه.

کتاب: مجموعه احادیثِ راجعه به علوم و فضائل آل محمّد ـ صلوات اللّه علیهم ـ است در ده جزء. شامل ۱۸۹ باب (چنان که در نسخه ما شماره گذاری شده). و این نسخه کامل و کبیر بصائر است. کتاب ضمیمه «نفس الرحمن فی فضائل سلمان» و هم جداگانه به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ پیرمحمد مقیم بن پیر نورالدین به فشویه قهاب (ظ). تاریخ ختم کتابت: دوازدهم ماه رجب ۱۰۹۳. در پایان نسخه تاریخ مقابله بیستم محرم ۱۰۵۹ یاد شده و تصحیحات اوائل نسخه به خطّ مرحوم علاّمه مجلسی مولانا محمّدباقر بن محمّدتقی به نظر می رسد. نسخه از کتابخانه خانوادگی است.

«۹۵» بصائر الدرجات

(حدیث ـ عربی)

از: شیخ محمد بن حسن صفار قمی.

نسخه: مشتمل بر چهار جزء، و مانا که اختصاری است از نسخه کامل بصائر، و صاحب «کشف الحجب» تنها از همین مختصر یاد کرده است.

کاتب: محمّد شریف بن محمّد قائمی. تاریخ ختم کتابت جزء دوّم: روز دوشنبه دهم ذیقعده ۱۰۵۹، و تاریخ ختم کتابت جزء سوّم: ذی الحجه همان سال، و جزء چهارم: روز سه شنبه دوم جمادی....

بقیّه تاریخ در اثر بریدگی برگ آخر محو شده است. در برخی جاها حواشی مختصری با رمز «ا ه_ م سلّمه اللّه» که گویا مقصود ابراهیم است، دیده می شود.

ظهر نسخه نام کتاب و مؤلّف و کاتب به خطّ و امضاء و مهر کاتب نوشته شده. همچنین تاریخ تولّد شخصی به نام محمدتقی در یکشنبه غرّه ربیع یکم ۱۱۳۸ (۱۱۳۹ ؟)، و در ظهر برگ آخر تاریخ تولّد فاطمه ملقّب به خانمی در شب پنجشنبه ۲۶ شوّال ۱۱۵۱.

«۹۶» بُغیه الطالب فی معرفه المفروض و الواجب

(فقه و عقائد _ عربی)

از: شیخ جعفر بن خضر جناجی نجفی کاشف الغطاء، علیه الرحمه.

کتاب: رساله مختصری است برای استفاده مقلّدین و شامل دو مطلب است. اوّل در اصول عقائد به طور ایجاز در سه چهار برگ. دوّم در مباحث طهارت و صلوه مبنی بر ذکر فتوای محض.(۱)

نسخه: به خطّ اسمعیل بن حاجی محمد تفلیسی. تاریخ ختم کتابت: نهم صفر

---

۱ – ۱) توضیحًا نام کتاب در این نسخه «غنیه الطالب» آمده: [و سمّیتها بغُنیه الطالب...]، لکن در کتب و فهارس همه جا «بُغیه الطالب» ضبط کرده اند. از این کتاب شریف چند نسخه دیگر نیز در اینجا موجود است.

۱۲۱۸ در یزد.

«۹۷» بهجه الحدائق

(شرح نهج البلاغه ـ عربی)

از: سیّد علاءالدین محمّد بن أبی تراب گلستانه، علیه الرحمه.

کتاب: شرح «نهج البلاغه» سیّد رضی موسوی ـ أعلی اللّه مقامه ـ است که در آن مجموعه ای از خطب و نامه ها و کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را گرد آورده. این شرح، شرح صغیر شارح است که بعد از شرح کبیر خود «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام اللّه الناطق» نگاشته است. منتخبی از شرح صغیر در هامش برخی از چاپ های قدیم نهج البلاغه به طبع رسیده.

نسخه: تقریبًا ثلث اوّل کتاب است و کاتبِ دو ثلث این نسخه، مجتهد بزرگْ مرحوم حاج سیّد حسین بن العلاّمه الکبیر حاج میر ابوالقاسم موسوی، نیای اعلای خاندان نگارنده این فهرست می باشد که در روز پنجشنبه سلخ (یا ۲۹) ماه شعبان ۱۱۳۵ از نوشتن آن فراغت یافته و بقیّه را حفید گرامی ایشان مرحوم آیه اللّه حاج میر سید محمّد برادر دانشور امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» استنساخ کرده و در ۱۳ ربیع دوّم (۱۲۸۳) آن را به پایان رسانیده اند، رحمه اللّه علیهم اجمعین.

«۹۸» بهجه المَباهج

(تاریخ و مناقب ـ فارسی)

از: شیخ ابو سعید (ابو علی. خ) حسن بن حسین معروف به شیعی سبزواری، رحمه اللّه.

کتاب: تلخیصی است از «مَباهج المُهج فی مَناهج الحُجج»، تألیف مرحوم قطب الدین کیدری شارح «نهج البلاغه»، در مناقب و معجزات و احوال چهارده معصوم صلوات اللّه و سلامه علیهم.

نسخه: چند برگ از اوّل و حدود هشت برگ از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. ظاهرًا در قرن ۱۰ ــ ۱۱ نوشته شده، اثر تصحیح و مقابله و هیچ امتیازی ندارد و مغلوط است.

«۹۹» البهجه المرضیّه فی شرح الالفیّه

(نحو ــ عربی)

از: جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی.

کتاب: شرح مزجی «ألفیّه» ابن مالك است و مکرّر به طبع رسیده و مشهور است.

نسخه: به خطّ نیای بزرگوار، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد علی موسوی مجتهد چهارسوقی فرزند مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمد، برادر معظّم امام مجدّد صاحب روضات، رضوان اللّه علیهم.

تاریخ ختم کتابت: ۱۲۶۹. مهر کاتب: «علی ابن محمد الموسوی». کاتب معظّم، حواشی بسیار از کتب گوناگون در این نسخه آورده. حواشی دیگری نیز از والد ماجد این حقیر، آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمدهاشم بن آیه اللّه میرزا سیّد جلال الدین روضاتی در نسخه هست.

«۱۰۰» کتاب البیان از اوّل طهارت تا آخر صوم

(فقه ــ عربی)

از: شهید اوّل، محمّد بن مکّیّ العاملی، أعلی اللّه مقامه.

آغاز نسخه که افتادگی دارد: «النیّه مقارنه لغسل الرأس او متقدّمه».

برخی اوراق حاشیه هایی منقول از مواضع متفرّقه دارد.

نسخه: به خطّ عبدالعالی بن احمد بن مفلح. تاریخ کتابت: آخر نهار یوم السبت خامس (ظ) شعبان ۸۵۷.

«۱۰۱» پنجاه موعظه

(مواعظ ـ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: در سرآغاز آن چنین معرّفی شده: «امّا بعد بدانکه این پنجاه موعظه است از خداوند رحمن به حضرت موسی بن عمران ـ علیه السلام ـ بدون واسطه جبرئیل علیه السلام و ترجمه آن به فارسی نوشته شده. موعظه اول».

نسخه: به خطّ عبدالوهّاب لنجانی. تاریخ ختم استنساخ: ۱۲۷۶. در هامش پایان نسخه چنین نوشته شده: «بنده خاطی عاصی حسین الموسوی البربری به دقّت تمام این کتاب را مقابله نمودم و مظنون الصّحه شد، عمل باین صحیح است برأی مجتهدم، توقّع دعاء دارم از عاملین این کتاب در حال حیوه و بعد از مماتم». مهر «عبده حسین الموسوی».

این شخص در ذیل عنوان «رساله عملیّه آقا میر سید حسن مدرّس» نیز یاد شده است. مهر والد ماجد معظّم نویسنده این فهرست، «محمّد هاشم بن جلال الدّین الموسویّ» ظهر نسخه هست.

«۱۰۲» التّبصره

(فقه ـ عربی)

از: آیه اللّه العظمی الشیخ محمّدتقی ابن الحاجّ محمّد رحیم ایوان کیفی اصفهانی.

کتاب: در مَباحث فقه استدلالی است و چنان که کاتب این نسخه در پایان آن نوشته مشتمل است بر ابواب طهارت و صلوه و بیع و زکوه، یعنی تمام مقداری که تألیف شده

است. این کتاب شریف در «الذیعه ۱۶: ۲۸۳ ش ۱۲۲۸» به عنوان «الفقه الاستدلالیّ»، نه به نام «التبصره» یاد شده است.

نسخه: به خطّ «سمیّ تاسع الأئمّه» یعنی محمّد تقی، و در روز آدینه دهم جُمادای دوّم ۱۲۸۱ از آن فراغت یافته و تنها شامل کتاب طهارت است، همانند نسخه ناقص دیگری که دیده شد.

اوراق پراکنده اصل خطّ نیای اعلی، مصنّف بزرگوار ــ علیه الرحمه و الرضوان ــ نیز در دست است.

«۱۰۳» التبصره الجلیّه و التذکره الحسامیّه فی المسائل المهمّه الرّضاعیّه

(فقه ــ عربی)

از: حُسام الدین بن جمال الدین طریحی نجفی مسلمی، علیه الرحمه.

ایشان برادرزاده صاحب «مجمع البحرین» و از رجال علمی خاندان گرامی طریحی نجفی بوده و در «روضه نضره: ۱۳۵» به اختصار و در «کواکب منتشره: ۱۵۷ ــ ۱۵۸» به تفصیل، یاد شده است. نیز رجوع به «فهرست گلپایگان: ۱۶۸ ــ ۱۶۹» شود.

کتاب: پیرامون آداب رضاع «شیر دادن طفل» و مسائل فقهی و حدیث های وارده در آن باب است.

نسخه: به خطّ جانعلی بن احمد خویی تبریزی. تاریخ ختم کتابت: روز یکشنبه اخیر ذیقعده ۱۱۵۰ در دارالعلم شیراز. حاشیه های شخص مؤلّف در حواشی نسخه آمده است.

«۱۰۴» التِّبیان فی إعراب القرآن

(علوم قرآنی ــ عربی)

از: ابوالبقاء محبّ الدین بن عبداللّه عکبری (متوفی ۶۱۶).

کتاب: در إعراب و ترکیب آیات قرآن کریم است و معروف و مشهور به «ترکیب ابی البقاء».

نسخه: چند برگ از آخر ناقص است و ظاهرًا در قرن ۱۱ نوشته شده و دارای آثار مقابله و تصحیح است.

آغاز: «بسم. الحمدللّه الذی وفّقنا لحفظ کتابه و وقفنا علی الجلیل من حکمه و أحکامه».

انجام موجود: «قوله نار اللّه، أی هی نار اللّه... و یجوز أن یکون حالًا من المجرور».

«۱۰۵» تجرید العقائد

(کلام ــ عربی)

از: خواجه نصیرالدین محمّد، محقّق طوسی، أعلی اللّه مقامه.

نسخه: خطّ نسخ خوب. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا در أوائل سده دوازدهم نوشته شده است.

«۱۰۶» تحریر الأحکام الشّرعیّه علی مذهب الامامیّه

(فقه ــ عربی)

از: آیه اللّه علاّمه حلّی ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف حلی (متوفی ۷۲۶) أعلی اللّه مقامه.

نسخه: کامل است و مشتمل بر چهار قاعده.

قاعده اوّل در عبادات تا آخر جهاد.

قاعده دوّم: در عقود تا آخر نکاح. در این موضع کاتب نوشته است: «... تحریر الأحکام فی شرایع الاسلام...» و نام خود را حسین بن مرتضی حسینی و تاریخ استنساخ

را سلخ جُمادای دوّم ۹۸۲ نوشته.

قاعده سوّم: در ایقاعات از فراق (طلاق) تا آخر أطعمه و أشربه و در پایان، کاتب نام خود را حسین بن مرتضی بن همام الدین حسینی و ختم استنساخ را روز یکشنبه ۱۸ ذی القعده ۹۸۶ نوشته.

قاعده چهارم: از میراث است تا آخر دیات. در پایان این عبارت است که عینًا نقل می شود: «فرغ المصنّف من کتابته سنه سبع و تسعین و ستمائه الهجریّه. قد وقع الفراغ من تحریر «تحریر الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام» فی العشر الثانی من الشهر الثالث من الثلث الثالث الداخل فی العام السّابع من العشر التّاسع المتمّمه للألف، حرّره ابن مرتضی بن همام الدین حسین الحسینی، غفر اللّه...».

در پاره ای مواضع مختصر حواشی متفرقه دارد. روی برگ اوّل تملّکِ «محمد اشرف الاصفهانی» و مهر او و تملّک گنجعلی «ابن مرحوم لطف علی بیکا تو شمالباشی» و مهر او و تملّک و مهر پدرش «ابن نجف قلی بیک ناظر بیوتات لطفعلی توشمال» غفر الله ذنوبهما به تاریخ شهر جمادی الاولی ۱۰۸۸ و مهر او «لطف علی است در دو جهان دستگیر ما ۱۰۷۸»، دیده می شود.

«۱۰۷» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوّم، از نکاح تا أطعمه و أشربه و مجلّد چهارم، از میراث تا دیات و جمعًا دارای دویست و بیست برگ است.

در پایان کتاب نکاح این چنین است: «تمّ الجزءُ الثانی من کتاب تحریر الأحکام الشرعیّه علی مذهب الإمامیّه، بحمد اللّه تعالی و منّه، علی ید مصنّفه حسن بن یوسف بن مطهّر، فی مستهلّ جُمادی الأخره سنه إحدی و تسعین و ستمائه و یتلوه فی الجزء الثالث

منه [الکلام] فی الایقاعات، و الحمد للّه».

تاریخ پایان تألیفِ جلد سوّم در ماه صفر ۶۹۷، و چهارم در هشتم شوّال ۶۹۷.

کاتب: عبد علیّ بن علاءالدین بن عبدالرحمن بن حـل_اره النّصریّ «به نون». ختم کتابت جلد سوّم: روز آدینه ۱۴ جُمادای دوّم ۸۵۴، و جلد چهارم در همان سال، بی ذکر روز و ماه.

در اوّل و آخر نسخه، روی چندین برگ عطف و بدرقه، یادداشت های فراوان به خطّ کاتب نسخه و سیّد مُساعد بن حسن بن مخزوم الحسینی و فرزند گرامی او سیّد حسین بن مساعد(۱) و کسان دیگر نوشته شده، و از جمله شهادتی است به تاریخ پنجشنبه ۶ ذی القعده ۸۷۴.

همچنین تاریخ تولّد سیّد حسین بن مساعد، در روز آدینه ۱۸ جُمادای یکم ۸۶۸، به خطّ پدرش، مکرّرًا در سه موضع. و تاریخ تولّد سوّمین خواهر ابوینی او؛ فاطمه، روز چهارشنبه ششم جُمادای یکم ۸۷۵، و برادر ابوینی آن دو، به نام محمّد در شب آدینه نهم ماه رمضان ۸۸۳، همه به خطّ پدرشان سیّد مساعد، لیکن بعدها روی برخی نام ها را خط زده اند.

همچنین مطالبی منقول از «ذخیره العالم و بصیره المتعلّم، للسیّد المرتضی، ره» و از «رساله فی تفسیر قولهم فی باب الزکاه: شرط الضمان إمکان الأداءِ و الاسلام» که محمّد ابن المطهّر (لابدّ جناب فخر المحقّقین) برای فرزندش یحیی در هشتم محرّم ۷۰۰ نوشته است.

---

۱ - ۱) سیّد حسین بن مساعد حسینی حائری، صاحب «تحفه الأبرار»، نسّابه عالم فرزند عالم و از مشایخ اجازه است. شرح حالش به اختصار در «احیاء الداثر ۷۲ _ ۷۳» و «منیه الراغبین ۴۲۷» و جاهای دیگر هست، و به تفصیل در «جامع الأنساب، بخش چاپ نشده».

اشعار و مطالب گوناگون دیگر نیز در این اوراق هست. همان گونه در سراسر نسخه، حاشیه ها با قید «بخطّه» دیده می شود. همچنین حواشی و منقولات از کتب فقهیِ جناب علاّمه و دیگران ـ علیهم الرحمه ـ ، نیز حاشیه ای از سیّد حسین بن مساعد روی برگِ ۷۲ با توقیع «ح م»، باز حاشیه ای به خطّ عالم جلیل شیخ حسین بن الحُسام در پشت برگِ ۶۱ با توقیع «حسین بن الحسام» نوشته شده، و ایشان عزّالدین حسین بن زین الدین علیّ بن الحسام عیناثی عاملی مذکور در «ضیاء لامع ۴۹» می باشد.

در ظهر برگ ۱۵ روبروی مسأله «ز ـ لو تزوّج حُرٌّ بأمه اثنین» صورت خوابی که جناب علاّمه مصنّف از پدر بزرگوار دیده اند، به خطّ کاتب نسخه، به این عبارت دیده می شود:

«بخطّه: رأیت فی النّوم بعد وفاه والدی ـ رحمه اللّه ـ کأنّنی أبحث أنا و إیّاه هذه المسئله و نقل الخلاف فیها و أنّ السیّد منع الإباحه هنا و الشیخ جَوّزها. فقلت له أنا فی المنام: الوجه ما قاله السیّد، لأنّ سبب البُضع لا یتبعّض، فلو حلّت هنا لتعدّد السبب بالملک و الإباحه. فقال ـ رحمه اللّه ـ : هذا غلط! لأنّا لا نقول: یستباح بعضها بالملک، بل هی حرام بجملتها... الإباحه یحصل التحلیل فی الجمیع».

«۱۰۸» نسخه دیگر

نسخه: جزء سوم و چهارم کتاب است، از اوّل کتاب نکاح تا آخر. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست و اثر تصحیح و مقابله و حاشیه ندارد.

تعداد اوراق به طوری که در بالای صفحات نوشته شده ۳۲۸ ورق، و فهرست مباحث در آغاز نسخه آمده است.

«۱۰۹» تحریر القواعد المنطقیّه فی شرح الرساله الشّمسیّه

(منطق _ عربی)

از: قطب الدین محمد بن محمد رازی معروف به ملاّ قطب تحتانی (متوفی ۷۶۶).

کتاب: معروف و متداول و مورد بحث و درس طلّاب علوم بوده و مشهور است به «شرح شمسیّه» که مقصود شرح رساله «الشّمسیّه» تألیف نجم الدین عمر بن علی قزوینی معروف به کاتبی است (متوفی ۶۷۵) و مکرّر با حواشی و تعلیقات گوناگونش به طبع رسیده.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. دعائی روی برگ اوّل به خطّ و امضاءِ محمد کریم دربندی به تاریخ ۱۶ شوال ۱۱۸۱ نوشته شده. احتمالاً این شخص کاتب نسخه است. حواشی گوناگون در همه جا دیده می شود.

«۱۱۰» تحفه الأبرار المتلفّظ من آثار الأئمّه الأطهار لتنویر قلوب الأخیار

(فقه _ فارسی)

از: حاج سیّد محمّدباقر بن محمد نقی (به ن) موسوی شفتی بیدآبادی، حجّه الاسلام، أعلی اللّه مقامه.

کتاب: مشتمل است بر یک مقدّمه در مسائل اجتهاد و تقلید و سه باب در مقدّمات صلوه و افعال صلوه و خلل و احکام شُکوک. تاریخ تألیف ندارد.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ آخر نسخه، سنه ۱۲۴۸ می باشد. روی برگ اوّل مرحوم آقای حاج سیّد جعفر فرزند گرامی مؤلّف _ علیهما الرحمه _ نوشته اند که این نسخه از

منافع مزرعتین موران و طهرانجی وقف بر طلاب اصفهان گردید بر حسب وصیّت مرحوم بهرام بیک، و تاریخ ۲۰ جُمادای دوّم ۱۳۰۴ می باشد.

«۱۱۱» تحفه الأخیار شرح مونس الابرار

(مدایح _ فارسی)

از: شیخ الاسلام مولانا محمّد طاهر بن محمّد حسین شیرازی نجفی قمی، علیه الرحمه صاحب «تحفه عبّاسی. ش ۱۱۶».

کتاب: شرح قصیده رائیّه فارسی هزاربیتی مؤلّف است در مدح امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیهماالسلام و ردّ بر صوفیّه و نیمی از آن چاپ شده است.

نسخه: نیمی از آن به خطّ مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین بن محمد مسیح روضاتی، نیای نگارنده این فهرست، و نیمی دیگر به خط کاتب خوش خطّی است که به دستور آن مرحوم نوشته و استنساخ آن ناتمام مانده است.

«۱۱۲» تحفه الخاقان

(تفسیر _ فارسی)

از: میرزا محمّدباقر (نوّاب _ نوّاب السالکین) لاهیجانی اصفهانی، علیه الرحمه متوفّی سوم ماه شعبان ۱۲۴۸.

نسخه: قسمت اوّل از مجلّد اوّل از پنج مجلّد کتاب است،(۱) در أمور عامّه پیغمبران. سرآغاز این جلد را مؤلّف به نام فتحعلی شاه قاجار موشّح کرده است. نام کاتب و تاریخ کتابت به نظر نرسید. لکن پیداست که در زمان مؤلّف (اوائل قرن ۱۳) نوشته شده

۱- ۱) اول: تفسیر آیات قصص. دوم: آیات احکام. سوم: آیات معارف. چهارم: آیات مَواعظ. پنجم: آیات وعید. «مکارم الاثار ۴: ذیل ش ۶۵۲» و تعلیقات پس از چاپ.

و صفحه اوّل دارای سرلوح معمولی و سایر صفحات جدول کشی شده و اثر مقابله و تصحیح مطلقًا ندارد.

«۱۱۳» نسخه دیگر

نسخه: جزءِ دوّم از کتاب قصص است. شامل قصّه قارون تا قصّه هاروت و ماروت و بحث امور عامّه پیامبران و علّت بعثت و شمار انبیاء علیهم السلام .

نسخه اصل خطّ مؤلّف است، لکن بی نام و تاریخ.

«۱۱۴» تحفه الرضویّه

(مناقب _ فارسی)

از: ملاّ نوروز علی بن محمدباقر واعظ مشهدی معروف به فاضل بسطامی.

کتاب: در چهار باب و یک خاتمه است، در احوال حضرت امام علیّ بن موسی الرضا علیهماالسلام و ثواب زیارت آن حضرت و کرامات و معجزات و آداب زیارت و فوائد گوناگون دیگر، به نام محمد شاه قاجار تألیف شده و به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. از کتابخانه مرحوم آقای حاج میرزا سید محمدباقر توی سرکانی، و در داخل جلد، تاریخ سفر مشهد خود را به سال ۳۷ _ ۱۳۳۶ قمری ضبط کرده اند.

«۱۱۵» تحفه السّلطان

(فقه _ فارسی)

از: ملاّ محمّدحسین غُلام، علیه الرحمه.

کتاب: مشتمل بر یک مقدّمه است در تفسیر آیه شریفه وضوء، و فصل اوّل در نقل ادلّه و اقوال علماءِ سنّی و ردّ آنان در همین موضوع، فصل دوّم در افعال واجبی وضوء،

فصل سیم در افعال سنّی وضوء، خاتمه در بیان بعضی از احکام و مسائل وضوء. تاریخ ختم تألیف: شب غرّه ذی الحجّه ۱۱۱۹.

نسخه: به خطّ نسخ زیبای کاظم بن نقی مؤذّن قزوینی. تاریخ ندارد. حواشی محقّقانه ای به امضاءِ «د، ر، عفی عنه» در نسخه هست. صفحه اوّل کتاب دارای یک سرلوح ممتاز و همه صفحات جدول کشی شده است.

تحفه شاهجهانی: حاشیه تهذیب المنطق

«۱۱۶» تُحفه عبّاسی

(کلام ـ فارسی)

از: عالم متبحِّر و فقیه محدّث جلیل القدر آخوند ملا محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی أصل، نجفی منشأ، شیخ الاسلام و مقیم قم ـ علیه الرحمه ـ که همانجا به سال ۱۱۰۰ وفات یافت و در قبرستان قدیم مقابل صحن مطهّر، جنب مرقد زکریّا بن آدم به خاک رفت. مؤلّفاتش بالغ بر ده جلد است و «تحفه الأخیار» او در سال ۱۳۷۷ به طبع رسید و عموم آثارش نسخه های خطّی است و بعضی از آنها نیز در این فهرست آورده خواهد شد. مانند «حقّ الیقین. ش ۳۵۲» و «کتاب الأربعین». شرح حالش اجمالاًدر «ریحانه ۳: ۳۲۰» و رساله سعیدیّه در «دومین دو گفتار» این جانب «چاپ اصفهان، ۱۳۸۶» موجود است.

تکمله: تاریخ فوت را که پیشتر ۱۰۹۸ نوشته بودیم، برگرفته از ضبط مرحوم محدّث نوری در دو کتابش «فیض قدسی» و «خاتمه مستدرک» و به پیروی از او در «ذریعه» و «ریحانه» و «روضه نضره» بوده و در کتاب شریف «روضات» تاریخی ننوشته اند. تاریخ درست و دقیق را مرحوم خاتونابادی در «وقائع السنین: ۵۴۶» در وقائع سال

ص : ۱۰۳

یکهزار و یکصد تمام، این گونه رقم زده است:

«فوت آخوند مولانا ملاّ محمّد طاهر شیخ الاسلام قم، در هشت ساعتی شب جمعه بیست و سوم ذی قعده سنه هزار و صد هجری. عمر او صد سال بود».

نیز، در سرآغاز نسخه کتاب «حجّه الاسلام فی شرح تهذیب الأحکام» مرحوم آخوند ملاّ محمد طاهر، که سال ها پیش از این در ضمیمه کتاب «ترتیب التهذیب» چاپ لوحی شد، شرح زیر به امضای «فتحعلی، عفی اللّه عنه» نوشته شده است:

«مات _ رحمه اللّه _ فی سنه المائه بعد الألف و دفن _ طاب ثراه _ بقمّ.

طاهر، آن رونق شریعت و دین چون از این خاکدان به آیین رفت

شرع چون شد ز فوت او کاسد عقل گفتا که: رونق دین رفت»

«رونق دین رفت» مطابق است با یکهزار و یکصد تمام.

پس از چاپ شرح حال ملا محمد طاهر در «روضه نضره: ۳۰۲» ناشرِ «کواکب منتثره: ۳۹۶» مرحومِ آخوند را در آنجا نیز تجدید عنوان کرده اند، ولی تاریخ در جنب نامش «م ۱۱۵۰» اشتباه چاپ شده و سال ۱۱۰۰ هم پایان سده یازدهم است. برای آگاهی بیشتر از آثار ملاّ محمد طاهر به «فهرست مجلس ۲۳: ۳۲۰» و «فهرست کتابخانه مرعشیّه ۱۱: ش ۴۰۱۴» رجوع فرمایند.

کتاب: اصول دین است به زبان ساده با دلائل روشن که مؤلّف در مبحث توحید به ذکر عجائب خلقت پرداخته و حکمت های گوناگون نظام طبیعت را شرح داده و از نتائج کائنات سخن گفته و حِکم و فوائد فصول چهارگانه، گردش آفتاب و ماه و بروج، شب و روز، ستارگان، زمین، کوه ها، قوّه کهربا، زیبق، اختلاف شب و روز، عجائب کشتی ها، دریاها، معادن، انواع درختان، گیاه ها، آب ها، حیوانات، وزیدن بادها، ابرها، باران و برف و تگرگ، صاعقه، خلقت انسان، و... هر یک را به تفصیل یا اجمال بیان

کرده و سپس به ذکر دلائل کلامی در مبحث توحید و سایر مباحث پرداخته است.

نیمه اوّل کتاب تنها اختصاص به توحید دارد و در مبحث نبوّت، بیش از دو سه صفحه گفتگو نکرده، وارد امامت شده، در این باره نیز نسبةً به تفصیل سخن رانده و گزیده مَثالبِ أعداء و مَناقب و احوال ائمّه اطهار علیهم السلام را بیان نموده و وارد مبحث معاد شده، و بالاخره شروحی مختصر پیرامون عدد کبائر و مسائل نماز نگاشته و کتاب را خاتمه داده است. عناوین مباحث جزئی کتاب به نحو سؤال و جواب چنین است: [اگر پرسند که... پس بگو که...].

این کتاب در «ذریعه ۳: ۴۵۲ شماره ۵ و ۱۶۴۴» یاد شده و نسخه ای از آن را نزد مولوی ذاکر حسن هندی و نسخه دیگری را در کتابخانه راجه سیِّد محمّد مهدی فیض آبادی نشان داده اند. از نام کتاب برمی آید که آن را برای شاه عباس دوّم نوشته است، همان گونه که پس از آن کتاب «عطیّه ربّانی و هدیّه سلیمانی» را به نام شاه سلیمان تألیف کرد.

آغاز: «بسم... الحمد للّه رب العالمین و الصَّلوه و السَّلام علی محمّد و آله الطاهرین. و بعد، بدان ایعزیز من و آگاه باش که دنیا موضع راحت و محلّ فراغت نیست. بلکه دنیا مزرعه آخرتست.... بدانکه معرفت أصول دین مرتبه اش از همه طاعتها و عبادتها بالاتر است.. و چون رساله ها که درباره معرفت نوشته اند مشکل و دشوار بود در فهم، بنابرین؛ محتاج إله قادر محمد طاهر این رساله را ترتیب داد، و آن را بر عبارات ظاهره و دلائل واضحه بقانونی که از أنبیاء و أئمه معصومین علیهم السَّلام منقولست مشتمل ساخت... و آنرا به «تحفه عبَّاسی» موسوم گردانید..، ای عزیز من: اگر پرسند که اصول دین چند است؟ بگو پنج است... اگر پرسند...».

ص : ۱۰۵

انجام: «و مشهور اینست که بجای (الحمد) یکبار (سبحان اللّه و الحمد...) کافیست، امّا احتیاط اینست که تمام سه بار گفته شود. تمّت الرّساله «التحفه العباسیّه» من تصنیفات مولانا محمّد طاهر القمی... فی تاریخ صفر المظفَّر ۱۲۷۳...».

نسخه: دارای ۹۶ برگ که ۴ برگ از اوّل و ۳ برگ از آخر نونویس و به خطّ نیای گرامی، عالم متتبّع محقّق بزرگوار، حجّة الاسلام حاج میر سیّد محمّد چهارسویی(۱) است به تاریخ ماه صفر ۱۲۷۳، و بقیّه در اواخر قرن ۱۱ یا اوائل قرن ۱۲ نوشته شده. خطّ نسخ ۱۴ سطری، کاغذ اصفهانی و ترمه، عناوین به شنگرف، قطع ۱۳ و نیم × ۱۸ و نیم، جلد تیماج مشکی نو.

«۱۱۷» تحفه الغریب فی الکلام علی مُغنی اللّبیب

(نحو ــ عربی)

از: بدرالدین محمّد بن أبی بکر بن عمر دمامینی، متولّد ۸۶۳ در اسکندریّه، متوفّی ۹۲۸ در گلبرجای هند.

کتاب: شرحِ «مغنی اللبیب عن کتب الأعاریبِ» ابن هشام است به «قال ــ أقول» و دارای نکات ادبی و تاریخی فراوان ممتازی است، و این دوّمین شرح شارح است که در شهر

۱ـ ۱) متولّد ۲۱ محرم ۱۲۲۲ در خوانسار، متوفی ۲۸ ماه رمضان ۱۲۹۳ در اصفهان، مدفون در تکیه مادر شاهزاده، خارج بقعه در بالای سر پدر علامه بزرگوارش مرحوم آیه اللّه حاج میرزا زین العابدین موسوی. در کتابشناسی هیچ یک از علماءِ متأخر این سامان به پایه او نرسیده اند، صدها نسخه خطی در چندین کتابخانه به نظر نگارنده رسیده که تمام یا قسمتی از آنها به خطّ آن مرحوم بوده و بسیاری از آن آثار در همین فهرست ذکر شده است، و ایشان این خصیصه را از پدران دانشمند خود به ارث برده اند. امام مجدّد صاحب «روضات الجنات» از تبحّر و مهارت این برادر دانشور در تألیف کتاب شریف خود استفاده فرموده اند.

نهرواله از بلاد هند به دستور سلطان آنجا نوشته، و به قول «کشف الظنون» در ۹۱۸ از آن فراغت یافته است.

دمامینی شرح سوّمی هم به صورت مزجی بر مغنی نوشته و چون به حرف فاء از باب اوّل رسیده وفات یافته و همین شرحِ ناتمام و مهمّ است که به سال ۱۳۰۵ در هامش مجلّد اوّل حاشیه مغنی شُمُنّی «المُنصف من الکلام» بدون خطبه و دیباچه چاپ شده است، چنان که در چاپ تصویری قم «حوالی ۱۴۰۵» دیده می شود. امّا در «معجم المطبوعات: ۸۸۰» که اصل همان یک چاپ را ذکر نموده، آغاز خطبه دمامینی را به چند کلمه آورده که لابدّ از نسخه ای خطّی یا جای دیگری گرفته است.

در چاپ های سنگی تبریز و طهرانِ مغنی که تمام صفحات پر از حواشی گوناگون است، هم از تحفه جای گفتگو و هم از شرحِ ناتمام دمامینی نقل شده است بدون تعیین و تبیین.

نسخه: یک برگ از آغاز و چند برگ از آخر و قدری از وسط ناقص است و به چند گونه خطّ نوشته شده و به آخر باب اوّل رسیده است. پس نیمه اوّل کتاب می باشد.

«۱۱۸» التحفه القوامیّه فی فقه الإمامیّه

(فقه، منظوم ــ عربی)

از: میر قوام الدین محمّد بن محمّد مهدی حَسنی سیفی قزوینی ــ علیه الرحمه ــ از علمای بزرگوار بسیار پر کار موفّق با ذوق و سلیقه ممتاز و ذوق شعری فارسی و عربی و همه گونه خطّ خوش به سر حدّ کمال، در تمام دوران شاه سلطان حسین صفوی و نادر افشاری، از خاندان سیفی حسنی قزوینی.

ص : ۱۰۷

در «کواکب منتثره: ۶۰۳ ــ ۶۰۵» که شرح حال و آثارش را نوشته اند، تاریخ فوتش را ۱۱۵۰ ذکر کرده اند که مأخذی ندارد و نسبتش را هم آنجا و هم در عنوانِ فرزندش میر عبداللّه (ص ۴۶۵)، حُسینی نوشته اند که نادرست است و سادات سیفی قزوینی حسنی (بفتح حاء) هستند. همچنان که در نسخه اصیل کتاب مورد بحث و هم به خطّ شریف خود میر قوام الدین در «بیاض محمد شریف بن ملاّ روح اللّه الجیلانی» موجود نزد این حقیر، صریحًا واضحًا «حَسنی» است. و کذلک در نسخه اصیل «اجازه کبیره مرحوم سیّد عبداللّه جزائری» به خط فرزندش مرحوم سیّد بهاءالدین محمّد (ق ۱۲۲). مع الوصف در اجازه چاپ آقای سمامی حائری (ص ۱۶۵) در متن «الحسینی» آورده و در حاشیه فرموده اند که: «فی کلا [کلتا] النّسختین: الحسنیّ، و ما أثبتُّه من کتب التراجم»!

کتاب: منظومه ای است در فقه، مشتمل بر چهار رُبع، که در آن کتاب «اللُّمعه الدمشقیّه» شهید اوّل ــ رضوان اللّه علیه ــ را در شهر قزوین به نظم درآورده و این رباعی که از خود ناظم است و در ذیل فهرست کتابش که در آغاز همین نسخه نوشته شده، مُبیّن شمار ابیات هر ربع از منظومه می باشد، و پس از آن مقدّمه کوتاهی به نثر:

این «تحفه» کزو شود مسائل مفهوم قدرش باشد بر اهل دانش معلوم

از «لمعه منظومه» و «علم منظوم» «فقه منظوم» همچو «عقد منظوم»

۱۲۱۰ ۱۳۲۱ ۱۱۷۶ ۱۱۸۶

نسخه: در کمال نفاست و صحّت است و پیدا است که مؤلّف خودْ آن را به منظور پیشکش به شاه سلطان حسین نویسانده و شخصًا تصحیح کرده و سپس به انواع آرایش ها تزیین و آراسته است. مع الأسف برگ اوّل منظومه را که دارای لوح و تهذیب بوده، در همان زمان ها بریده و برداشته اند با تضییع های دیگر.

ص : ۱۰۸

در آخرین صفحه، شخص ناظم این چنین نوشته است:

«بلغ قبالاً سنه ۱۱۱۷، و کتب العبد الداعی لدوام الدوله القاهره: ناظم الرساله، حامدًا مصلّیًا مسلّمًا مستغفرًا».

کاتب نسخه: محمد نصیر بن محمد شریف طالقانی. تاریخ استنساخ: ۱۱۱۶.

«۱۱۹» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ هادی بن مهدی است و در پانزدهم محرّم الحرام ۱۲۴۹ از کتابت آن بیاسوده، و کامل است.

«۱۲۰» تدبیر المعاش لتحصیل زاد المعاد

(طبّ ــ عربی)

از: نامعلوم. (چند کتاب از قبیل «کشف الظنون» و ذیل آن و فهارس برخی از کتابخانه ها را نگاه کردیم، چنین نامی به نظر نرسید.)

کتاب: مختصر مفیدی است در علم طبّ و حفظ الصحّه مشتمل بر یک مقدّمه در تعریف طبّ و شش مقاله و یک خاتمه. در دیباچه این فائده را آورده:

«و ما حکی الثعلبیّ فی تفسیر قوله تعالی «و کلوا و اشربوا و لا تسرفوا» مِن انّ الرشید کان له طبیب نصر انیّ حاذق فقال لعلیّ بن الحسین بن واقد: لیس فی کتابکم من علم الطبّ شیء و العلم علمان علم الأبدان و علم الأدیان فقال له علیٌ: جمع اللّه الطبّ فی نصف آیه من کتابه و هو قوله «و کلوا و اشربوا و لاـ تسرفوا» فقال النصرانی: فلا یروی عن نبیّکم شیء من الطبّ، فقال علیّ: جمع رسول الله صلی الله علیه و سلّم الطبَّ فی کلمات و هو قوله: «المعده بیت الداء و الحمیه رأس کل دواء و أعط کلّ بدنٍ ما عوّدته». فقال

النصرانیّ: ما ترک کتابکم و لا رسولکم لجالینوس طبًّا».

نسخه: به خطّ نستعلیق و یک دو برگ از اوّل و مقداری از آخر ناقص است.

آغاز موجود: «و الارضین و ما فیهنّ خصوصًا فی خلق نفسه».

انجام موجود: «حرف الواو. ورد. أجوده شدید الحمره... ینفع من برد المعده و الکبد و سوء الهضم فاذا».

به علّت نقص نسخه، نام مؤلّف و نام کاتب و تاریخ استنساخ معلوم نشد و نام کتاب در برگ دوم متن موجود است. تاریخ کتابت تخمینًا قرن دهم به نظر می رسد.

«۱۲۱» تذکره خواصّ الأُمّه فی معرفه الأَئمّه

(مناقب ــ عربی)

یا: «تذکره الخواصّ من الأُمّه فی ذکر مناقب الأئمّه». حدود سال ۷ ــ ۱۲۸۵ ق چاپ شده است، به چاپ سنگی در طهران.

از: شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن قزغلی واعظ حنفی معروف به سبط ابن ــ الجوزی متولّد ۵۸۱ یا ۵۸۲، متوفی ۶۵۴ در دمشق.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت و اثر تصحیح و مقابله ندارد. این نسخه با نسخه چاپ سنگی مختصر اختلافاتی دارد و اگر چه خود نیز مغلوط است، امّا برای مقابله با چاپی مفید خواهد بود.

«۱۲۲» تذکره الفقهاء

(فقه ــ عربی)

از: آیه اللّه علاّمه جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهَّر حلّی (متوفی ۷۲۶)، رحمه اللّه.

نسخه: جزء ۱۲ و ۱۳ کتاب است از آغاز اجاره تا آخر کتاب الوقف. تاریخ ختم

تألیف جزء ۱۲ چنان که در این نسخه آمده: پنجم شوال ۷۱۵ در حلّه، و تاریخ ختم استنساخ این جلد: ۲ ربیع الاول ۱۲۳۴.
تاریخ ختم تألیف جزء ۱۳ در این نسخه: ۱۶ جمادی الاولی ۷۱۶ در سلطانیّه و این جزء، تاریخ استنساخ ندارد و نام کاتب مطلقًا به نظر نرسید و اثر تصحیح و مقابله و تحشیه و امتیازی ندارد.

«۱۲۳» ترتیب اختیار الرجال

(رجال ــ عربی)

از: ملاّ عنایه اللّه کوپایی اصفهانی، علیه الرحمه.

کتاب: در عنوان «تلخیص الأقوال. ش ۱۸۱» شرحی پیرامون علم رجال نوشته ایم. یکی از قدیمی ترین کتاب هایی که در این علم تألیف شده، «رجال کشّی» است که آن را «معرفه النّاقلین عن الأئمّه الصّادقین» خوانده اند.

نویسنده این کتاب، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشّی از دانشمندان امامیّه و در طبقه مرحوم شیخ کلینی (متوفی ۳۲۹) بوده است. پس از کشّی، شیخ الطائفه أبو جعفر طوسی قدس سره (متوفی ۴۶۰)، کتاب او را به سال ۴۵۶ در نجف اشرف تلخیص و بر هفت جزء تقسیم کرد. تلخیص شیخ به نام «اختیار الرجال» خوانده می شود، لکن چون از اصل کتاب کشّی قرن ها است خبری نیست، اکنون «رجال کشّی» را بر همین انتخاب شیخ اطلاق می کنند، و در کتب رجال نیز آن را به رَمز «کش» مشخّص می نمایند.

پیرامون اصل و منتخب این کتاب در «ذریعه ۱: ۳۶۵ و ۱۰: ۱۴۱» و «فهرست دانشگاه ۲: ۴۸۲ ببعد» و جاهای دیگر سخن رفته است و چون «اختیار الرّجالِ» شیخ که از زمان خود او مورد توجّه واقع شده ترتیبی در نام راویان نداشت و استفاده از آن بسی

دشوار بود، چنـد تن از دانشـمندانْ به ترتیبِ این کتـاب همّت گمارده و در «ذریعه ۴: ۶۶» و «فهرست دانشگاه ۲: ۴۹۹» معرّفی شده اند.(۱)

از جمله این دانشـمندان، مرحوم ملاّ ـ عنـایه اللّه کوپـایی اصـفهانی شـاگرد مولانا احمـد مقـدّس أردبیلی و آخونـد ملاّ عبـداللّه شوشـتری اصـفهانی و شـیخ بهـائی اسـت ـ رحمه اللّه علیهم اجمعین ـ . وی در رشـته علم رجـال بسـیار رنـج برده و کارهـای سودمنـد گرانبهایی به انجام رسانـده است. از گزارش زنـدگانی او جز اندکی که از «روضات الجنات: ۴۰۳» و آثـار خود او به دست می آیـد، اطّلاعی نـداریم و آنچه در «مسـتدرک الوسائل» و «فوائد رضویّه ۱: ۳۴۲» و «ریحـانه الأدب ۳: ۳۲۶» و جاهای پراکنده «ذریعه» و «فهرست دانشگاه» گفته اند، چیزی سوای همان مطالب نیست، چنان که حاج ملاّ علی طهرانی قدس سره نیز در «توضیـح المقال: ۶۱ ـ تاریـخ تألیفش ۱۲۹۹» چند سـطری که درباره این دانشـمند نوشـته به اسـتناد تألیفات رجالی اوست، گویـد: «و منهم: المولی عنایه اللّه: کتابه «مجمع الرجال» من أقوی الشّواهد علی عُروجه أقصـی مَدارج الفضل و الکمال و زیاده غوره و تعمّقه فی علم الرّجـال. و رأیت أیضًـا له حواشـی علی «نقـد الرّجـال». و له أیضًا ترتیب النجاشـی و الکشّـی و الحواشـی علیه».

در «روضات: ۴۰۳» فرماید که: «فاضل ثقه أمین، زکیّ الدّین عنایه اللّه... قهپایی اصفهانی رجالی ملقّب به زکیّ نجفی که أصل و ریشه او و محلّ تحصیلش در نجف أشرف بوده...».

بعد، آثار او را برشمرده، و از بعض أرکان نقل فرموده که او دانشمندی محقّق و در

---

۱ – ۱) «اختیـار الرجال» با غلط های بسـیار به سال ۱۳۱۷ به اهتمـام مرحوم شـیخ علی محلاتی در بمبئی چاپ حروفی شـده و بر این کتاب، مرحوم میرداماد (متوفی ۱۰۴۰) تعلیقات فراوانی نوشته است «ذریعه ۶: ۸۸». مجدّدًا اختیار و همچنین تعلیقات در این اواخر به طبع رسید.

علم رجال بسیار وارد و دلیر بود. سپس شاگردی او را نزد سه دانشمند یاد شده از «مجمع الرّجال» استنباط نموده و افزوده اند: «وی معاصر أمیر سیّد مصطفی تفرشی صاحب «نقد الرّجال» بود و با او حکایت ها دارد که در اینجا نمی آورم و شاید در ترجمه سیّد به پاره ای از آنها اشارت کنم». اما آنجا هم چیزی یاد نشده است.

از آثار ملاّ عنایه اللّه این کتاب ها موجود و هیچ یک به طبع نرسیده است: ۱ _ «ترتیب رجال کشّی» که همین کتاب مورد گفتگو است. ۲ _ «ترتیب رجال شیخ طوسی». ۳ _ «ترتیب فهرس شیخ طوسی» که از هر دو در «مجمع» یاد کرده. ۴ _ «ترتیب رجال نجاشی» که نام همه أشخاص مذکور در آن را چه با عنوان و چه در ذیل عنوان دیگران به ترتیب حروف گرد آورده و از خود نیز تعلیقات سودمند بر کتاب افزوده است. نسخه این ترتیب نزد حاجی نوری و نسخه دیگر نزد آیه اللّه آقا سیّد حسن صدر در کاظمین بوده: «ذریعه ۴: ۷۰». ۵ _ حاشیه بر «نقد الرّجال». نسخه آن را صاحب «توضیح المقال» دیده است: «توضیح: ۶۲». «ذریعه ۶: ۲۲۸» دیده شود. ۶ _ «مجمع الرّجال». قهپایی پس از کوشش هایی که در علم رجال و ترتیب کتاب های آن نمود، کتابی مبسوط و بزرگ به ترتیب دقیق درین علم نوشته و هر چه در کتب رجال سابق بود در اینجا جمع آوری کرده «مجمع الرّجال» نامید و به سال ۱۰۱۶ از تألیف آن فراغت یافت.(۱) نسخه أصل این کتاب که به خطّ مؤلّف و پر از حواشی اوست در یک جلد قطور اکنون نزد صاحب «ذریعه» موجود و نویسنده آن را زیارت کرده است. برای توضیح بیشتر رجوع شود به

---

۱ – ۱) مؤلّف در پایان کتاب از شاه عبّاس اوّل تجلیل کرده و از جمله گوید: «الّذی خصّه اللّه تعالی من بین الملوک بصحیح الاعتقاد و کمال العقل و وفّقه علی إعلاءِ کلمه الفرقه الناجیه...»، و پس از دعای شایسته در حقّ او، تاریخ ختم تألیف را در دارالسلطنه اصفهان در سحر شب دوشنبه ۲۳ جُمادای دوم ۱۰۱۶ نوشته است. رحمه اللّه علیه.

«الذریعه ۱: ۳۶۵ و ۴: ۶۵ تا ۶۷ و ۶: ۲۲۸ و ۱۰: ۱۳۸» و «فهرست دانشگاه ۲: ۴۸۲ ببعد».(۱)

«ترتیب اختیار الرجال» را قهپایی بر این روش نوشته که ابتدا پس از دیباچه کوتاهی، عین حدیث های مذکور در أوّل «إختیار» را نقل و سپس شروع به ترجمه ها نموده، کنیه های مصدّر به «ابن» و بعد مصدّر به «أب» و سپس اسامی را به ترتیب حروف ألفبا آورده و ترجمه های کتاب را به یونس بن یعقوب تمام کرده و در پایان، مختصری مشتمل بر نام و نسب مؤلّف و تاریخ اتمام کتاب «ظهر دوشنبه ۱۷ محرم ۱۰۱۱» نوشته است.

«ترتیب» در «ذریعه ۴: ۶۶» یاد شده و نسخه خطّ مؤلّف را در کتب موقوفه شیخ عبدالحسین طهرانی در کربلا و نسخه دیگر را در کتابخانه آقا سیّد حسن صدر ــ رحمه اللّه علیهما ــ نشان داده و فرموده اند که نسخه خطّ مؤلّف مشتمل بر حواشی کثیره ای از خود او و به خطّ او است و در آخر آنها رمز نام خود را «ع» نهاده است.

آغاز: «بسم... الحمد... و بعد؛ لما کان کتاب «اختیار الرّجال» المتجزّی علی سبعه أجزاء للشیخ الأجل... محمد بن الحسن الطوسی... الموضوع لذکر رجال الخاصه «ظ» و بیان حالهم بالرّوایات الوارده فیهم و أقوال المعتمدین فی هذا الفنّ المنتخب من کتاب الشیخ المتقدّم أبی عمرو... الکشّی... فی معرفه الرجال من العامّه و الخاصّه... المشهور بکتاب الکشّی لانتخابه منه؛ غیر مرتب، و کان یترتّب علیه الأمور العظام من الإشتباه فی الرّجال و عدم سهوله تحصیل المطلب و تمام معرفه حاله حیث کانت متفرّقه فیه و غیرها،

---

۱ – ۱) این کتاب شریف به همّت والای عالم عامل محقّق جلیل حاج سیّد ضیاءالدین علّامه فانی اصفهانی «متوفی در ماه شوّال ۱۴۱۹» در هفت مجلّد در چاپخانه های اصفهان به طبع رسید و در سال ۱۳۸۸ ق، خاتمه یافت. جزاه اللّه تعالی خیرًا.

تشرّفتُ بترتيبه على ترتيب حروف الهجاءِ بعين عبارته بغير تغيير فيها إلّا ما يلزمه من ذكر كلّ رجل متّصل بآخر فى عنوان بما يخصّ به و التزام ذكر كلّ رجل غير معنون يُفهم مدحه فى الكتاب من روايه أو قول بعنوان، بل إلتزام ذكر كلّ ما يظهر من ذكره فايده من مدح أو ذمّ فى المحلّ المناسب له؛ إيفاءً لحقّه، و كذلك المذكور بالذّمّ... و أوردت المصدّر بالكنى و الألقاب فيه مقدّمًا مرتّـبًا لتناسبه للمصدّر بالألف... و أنا العبد عِنايت اللّه بن شرف الدين القهبائى الزكىّ النجفى حامدًا مصلّيًا. حمدويه بن نصير الكشىّ...».

انجام: «قد تمّ ترتيب هذه النسخه الشّريفه على حروف الهجاءِ المسمّيه باختيار الرجال للشيخ الجليل الطّوسى من كتاب الشيخ أبى عمرو.. المشهور بالكشى لانتخابه إيّاه منه، على يد مرتِّبه أقلّ خلق اللّه تعالى و أحوجهم إلى رحمته عنايت اللّه بن شرف الدين بن محمود بن شرف الدين على.. القهبائى أصلًا الزّكىّ لقبًا النّجفى توطّنًا، وفّقنى اللّه على الرّجوع إليه... فى ضحوه يوم الاثنين سابع عشر شهر محرّم الحرام سنه حادى عشر و الف... ببلده اصبهان... و الحمد للّه.».

* * *

نسخه: داراى ۱۶۲ برگ به خطوط گوناگون نَسخ و نستعليق و شكسته ۲۱ سطرى. گمان مى رود برخى از اوراق به خطّ مؤلّف باشد، و يادداشت هايى كه در كنار پاره اى از صفحات هست(۱) مؤيّد اين گمانست.

روى برگ ۱ نام كتاب «منتخب رجال كشّى» و سپس وقفنامه اى به خطّ و مهر محمد كاظم بن مرحمت و مغفرت پناه حاجى ميرزا محمد صادق گلستانه الحسنى الحسينى به

۱- ۱) از اين گونه يادداشت ها: «انشاء اللّه تع حديث... ازينجا زده شود؛ و در ذيل... نوشته شود كه خيلى مناسب است».

تاریخ غره صفر ۱۲۳۶ دیده می شود که در آن نوشته: «عالیجناب، فضایل مآب، قدوه المحقّقین، سیّد الفضلائی؛ مقتدی الأنامی؛ مجتهد العصر و الزّمانی حاجی سید محمد باقر(۱) زید فضله؛ حسب الوصیّه مرحوم مغفور حاجی میرزا محمد صادق گلستانه وقف نمود این کتاب را با سایر کتب دیگر به نهجی که در ظهر کتب دیگر مرقوم شد است...». مهر: «عبده محمد کاظم بن محمد صادق گلستانه». در همین صفحه تملّک ابوطالب حسینی دیده می شود: «قد شرّفنی اللّه تعالی بتملکه... فی سوق بلدی اصفهان... و أنا ابن حبیب اللّه ابوطالب الحسینی...... ذی الحجّه سنه ۱۱۷۵». مهر: «ابوطالب بن حبیب اللّه الحسینی». ایضًا مهر شخص دیگری: «الموفّق عبده للسّداد محمد علی بن عبدالجواد».

کاغذ اصفهانی، قطع ۱۳ × ۱۹، جلد میشن قهوه ای مقوّایی ضربی، داخل کاغذ گلی رنگ. نام کاتب و تاریخ کتابت در نسخه نیست و عنوان ها عمومًا در هامش نوشته شده است.

ترجمه احقاق الحقّ: إثبات الحقّ

«۱۲۴» ترجمه ادعیه کافی

(دعاء ـ فارسی)

از: میر محمد سلیم بن میر محمد صادق حسینی طالقانی، علیه الرحمه.

کتاب: ترجمه کتاب دعاءِ «کافیِ» شیخ کلینی ـ رضوان اللّه علیه ـ است در شصت باب.

آغاز: «بسم... امّا بعد، چون بندگان مأمورند که حوائج مشروعه خود را از درگاه الهی به أدعیه مأثوره مسئلت نمایند، و اَدعیه کلینی از جمله ادعیه معتمدٌ علیها

۱- ۱) حاج سید محمد باقر حجه الاسلام رشتی شفتی بیدآبادی اصفهانی، علیه الرحمه.

است؛ داعی دوام دولت قاهره، میر محمـد سـلیم ابن میر محمد صادق طالقانی را به خاطر رسـید که در این اوراق ادعیه و معنی آن را بیان نماید تا همه کس را از آن بهره آید».

انجام: «تمـام شـد کتـاب دعـاء و بعـد از او است کتـاب فضـل القرآن. تمّ کتـاب الـدعاءِ من الکلینی متنًا و شـرحًا علی یـد أقلّ السّادات و الطلبه میر محمد سلیم ابن میر محمد صادق الحسینی الطالقانی».

نسـخه: نام کاتب و تاریخ تألیف و کتابت ندارد. متن ادعیه با مرکّب و به خطّ نَسخ مشکول و ترجمه در زیر سطور به شنگرف به خطّ نستعلیق نوشته شده، و نسخه به شکل بیاض است و بعید نیست که به خطّ شخص مترجم باشد.

«۱۲۵» ترجمه أناجیل أربعه

(دینی ــ فارسی)

از: میر محمّدباقر بن اسـماعیل حسـینی خاتونابادی اصـفهانی، ملّاباشـی «معلّمِ» شاه سـلطان حسـین صفوی، متولّد ۱۰۷۰، متوفّی مسمومًا در ربیع یکم ۱۱۲۷، مدفون در تکیه خاتونابادی های تخت فولاد اصـفهان، صاحب «ترجمه تفسـیر علیّ بن ابراهیم. ش ۱۲۶» و «ترجمـه عهـدنامه امیرالمـؤمنین علیه السـلام . ش ۱۴۰» و «رسـاله در کفّـارات شـرعیّه. ش ۴۰۷». والـد ماجدش صاحب «شرح الکافی. ش ۵۱۶» است.

میر محمّدباقر دارای شخصـیّتی کاملاً ممتاز و مقرّب نزد شاه بوده و در سـخنوری بر فراز منبر تدریس، بیانی هوش ربا داشته، و آثار چندی را برای شاه و به نام او تألیف یا از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

شرح حال و نام آثارش در «کواکب منتثره: ۸۷ ــ ۸۹» و «دانشمندان مهدوی: ۱۵۸:

ص : ۱۱۷

ش ۲۲۲» و «زندگینامه علّامه مجلسی ۱: ۳۲۴» و «مکارم الاثار ۱: ۱۱۲» و «فهرست منزوی ۱: ۳۹۲» و «شهداء الفضیله: ۲۳۴» آمده است. محدّث قمّی _ أعلی اللّه مقامه _ در کتاب شریف «منتهی الامال ۲: ۵۵. چاپ علمیّه اسلامیّه» که خاندان معظّم سادات خاتونابادی را معرّفی نموده، درباره میر محمّدباقر ملّاباشی فرماید:

«... و در مدرسه چهارباغ اصفهان تدریس می فرمود و در سنه (۱۱۲۷) یکهزار و یکصد و بیست و هفت او را به زهر شهید کردند. درتاریخ او گفته شد: آمد جگر از شهید ثالث بیرون (۱۱۲۷ = ۲۲۳ - ۱۳۵۰)، در تخت فولاد، در جوار والدش، در یکی از حجرات مدفون گشت».

بیفزاییم که گوشه هایی از احوال آن جناب در چند جای «وقائع السنین و الأعوام» دیده می شود، و داستان افول ستاره اقبال او در سال ۱۱۲۷ آمده و بالاخره گوید: «و در شب سه شنبه ششم شهر ربیع الاوّل سنه هزار و صد و بیست و هفت، سه ساعت به طلوع صبح مانده از دنیا رحلت نمود، به آزار ذات الریه، در وقتی که آفتاب در برج حوت بود. اللّهم اغفر له.... و عذّب من سعی فی دمه».

کتاب: ترجمه انجیل های چهارگانه «کُتب عهد جدید» از کتب مقدّس مسیحیان است که میر محمّد باقر به فرمان شاه از نسخه عربی به فارسی ترجمه کرده و خود در حواشی توضیحاتی پیرامون مطالب گوناگون آن اناجیل نوشته است.

تاریخ تألیف: بیستم شوّال المکرّم ۱۱۰۸، دو سالی پیش از درگذشت علّامه مجلسی أعلی اللّه مقامه و مقامه.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، مانا نسخه ای است که به فرمان مؤلّف برای پیشکش به شاه و با امتیازاتی استنساخ شده است.

دانشـمند کوشای روحانی حاج شیخ رسول جعفریان، در سال های «۱۳۷۳ _ ۱۳۷۵ ش» به همّت والای خود کتاب را از روی همین نسخه و یک نسخه دیگر، دوبار در تهران چاپ کردند و مقدّمه مبسوط و ممتّعی بر آن نوشتند.

ص : ۱۱۹

از مرحوم میر محمّدباقر یک دفتر متفرّقات «بیاض» شکل در دست داریم که در برگ چهارم آن عمود نسب خود را در آغاز جوانی نوشته است. این نسب نامه به این صورت _ غیر از اختلافات جزئی _ دو سه نام در میان اسامی، بیشتر از آنچه دیگران نوشته اند دارد، مانند چند جای «وقائع السنینِ» عمّش میر عبدالحسین، و «الفیض القدسی» و خاتمه «مستدرک الوسائل» لابدّ از همان وقایع، و «منتهی الامال ۲: ۵۵» و از آن در «شهداء الفضیله»، و «کواکب منثره: ۲۳۷» از مشجّرات میر عبدالکاظم، و «مکارم الاثار ۱: ش ۷۴» از مستدرک، و «نابغه فقه و حدیث: ۲۴۷»، و بالاخره «نورالأبصار» به قلم مرحوم آقا سیّد حسین آزاد خاتونابادی، که این هر دو همانند «مکارم» است. و اللّه العالم.

«۱۲۶» ترجمه تفسیر علیّ بن ابراهیم

(تفسیر _ فارسی)

از: میر محمّدباقر بن اسماعیل حسینی خاتونابادی _ علیه الرحمه _ صاحب «ترجمه أناجیل. ش ۱۲۵».

کتاب: ترجمه فارسی «تفسیر علیّ بن ابراهیم قمّی» _ رضوان اللّه علیه _ است به حذف أسانید، که به دستور شاه سلطان حسین صفوی ترجمه شده و مترجم در مقدّمه، شرح مبسوطی در مدح و ثناءِ شاه و عصر و زمان او نوشته، و سبک و اسلوب کار خود را نیز به تفصیل بیان کرده، و گویا تألیف آن ناتمام مانده است. عبارات کتاب یکدست و شیوا است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ یکی از خوشنویسان زمان است که آثار دیگری هم از او به نظر رسیده و معرّفی کرده ایم.

علی أیّ حال، نسخه شاهانه است و دارای یک سرلوح زیبا و صفحات به طلا

ص : ۱۲۰

جدول کشی شده می باشد.

«۱۲۷» ترجمه ثواب الأعمال و عقاب الأعمال

(حدیث _ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: مجموعه روایاتی است در باب ثواب و عقاب اعمال. اصل عربی آن تألیف شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی _ علیه الرحمه _ است و به طبع رسیده.

آغاز: «بسم. أشهد أن لا اله الاّ اللّه وحده لا شریک له... گفت شیخ ابوجعفر... آنچه باعث بود مرا بر تألیف کردن این کتاب».

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: عصر روز سه شنبه ۱۷ جمادای دوّم ۹۷۸. از کتابخانه نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد علی، فرزند آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی برادر معظّم امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» و سه برگ آغازین به خطّ آن دو بزرگوار و افزوده ای در انجام از آقای حاج میر سیّد محمّد است، و هم ایشان در ظهر نسخه نوشته اند: «ترجمه زواره ای می باشد ظاهرًا». دارای ۹۶ برگ.

«۱۲۸» ترجمه حدیث إهلیلجه

(عقائد _ فارسی)

از: رضیُ الدین محمّد بن بهاءالدین محمّد بن حسن علیّ بن عبداللّه شوشتری، معروف به ملاّ محمّد رضیّ شوشتری.

کتاب: ترجمه حدیث شریف اهلیلجه است که از ناحیه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در ردّ طبیعیان و مُلحدان روایت شده، و خود رساله مبسوطی گردیده و به نام «إهلیلجه» شهرت یافته است.

مترجمْ متن رساله را با مرکّب سیاه و در زیر هر سطری ترجمه آن را به شنگرف نوشته

و همه جا توضیحی از خود در هامش صفحات آورده، و کتاب را به نام شاه سلطان حسین صفوی موشّح و به او تقدیم داشته است.

در «کواکب منتره: ۶۷۶» ملّا محمّد رضی را عنوان کرده و پس از نام و نسبش، تنها آگاهی که از او داده اند این است:

«له شرح أدعیه السّرّ (ذریعه ۱۳ رقم ۲۱۹) فارسیًّا، ألّفه لمریم بیگم من بنات الصّفویّه. عند السیّد شهاب الدین».

او در مقدّمه کتاب جای گفتگو، از خود و پدرانش چنین یاد کرده است: «قدیمی بنده داعی این دودمان أبد مقرون، ابن بهاءالدین محمد بن حسن علی بن عبداللّه الشوشتری: رضیّالدین محمّد، که اباء و اجدادش در انتشار دین مبین و طریقه حَقّه ائمّه طاهرین و دعاگویی دوام دولت أبد قرین و فاتحه خوانی بقای سلطنت ذُریّه آل طآه و یآس، همه از بندگان و دعاگویان قصب السبق ربوده اند...». سبحان اللّه!

نسخه: ظاهرًا اصل است و به خطّ نسخه و نستعلیق زیبای مؤلّف که در پایان گوید: «و کتب العبد الداعی ابن بهاءالدین محمّد: رضیّالدین محمد، فی سنه ۱۱۲۴».

همه صفحات جدول کشی به طلای اشرفی و دارای یک سرلوحه در صفحه اوّل است.

«۱۲۹» ترجمه حدیث مفضّل

(اخبار ـ فارسی)

از: فخرالدّین ماوراء النّهری، نزیل بلده قم دار المؤمنین، رحمه اللّه.(۱)

۱- ۱) شرح حال خواندنی ایشان را در «روضه نضره: ۴۳۳» و مآخذ آنجا ملاحظه فرمایند. در آنجا نسخه دیگری از ترجمه مورد بحث را نزد «محمّد الواعظ الخوانساری المعاصر بالکاظمیّه» نشان داده اند، که ـ با کم لطفی ـ منظورشان مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد محمّد موسوی اصفهانی والد ماجد آیه اللّه صاحب «أحسن الودیعه» باشد. أعلی اللّه تعالی درجاتهم.

کتاب: ترجمه مبسوطی است به فارسی از حدیثِ مفضّل بن عمر ــ علیه الرحمه ــ که از حضرت امام جعفر صادق ــ صلوات اللّه و سلامه علیه ــ روایت کرده و معروف است به «توحید مفضّل» و در «کتاب التوحید» بیاید.

مترجمْ در مقدّمه گوید که «حامی المساکین و الفقراءِ محبّ العلماءِ و الصّلحاءِ مجمع الفضائل و الکمالات مصدر المعارف و الخیرات زائرِ بیت اللّه، الوفیّ حاجی نظر علیّ» از مؤلّف خواسته است که حدیث مفضّل را به فارسی ترجمه کند.

تاریخ اتمام ترجمه: «ماه محرم در سال پنجمین در عشر هفتمین از مائه بعد الألف» که می شود محرّم ۱۰۶۵.

نسخه: به خطّ نسخ و نستعلیق محمدطاهر بن ملک حسین (ظ) فراهانی. ختم استنساخ: یکشنبه عشر آخر ربیع دوم ۱۰۸۲ «در مزرعه عالیجاه مقرّب الخاقانی آقائی (ظ) موسوم به مزرعه سنجیدی در چلبی (ظ) که به اتّفاق حضرت مخدومی محمود بیکا به سیر مزرعه مزبور رفته بودیم.

«۱۳۰» ترجمه الدُّروع الواقیه

(دعاء ــ فارسی)

از: مغیث الدین محمد بن شمس الدین محمد حسینی طهرانی، علیه الرحمه.(۱)

کتاب: ترجمه کتاب «الدّروع الواقیه من الأخطار، فیما یعمل مثله فی أیّام کلّ شهر علی التّکرار» تألیف سیّد رضیّالدین علیّ بن طاوس رضی الله عنه است بر سبیل اختصار، که آن را مترجم پس از مراجعت از سفر حجّ به اورنگ آباد، بر حسب میل و رغبتِ «سیّد أجلّ

ص : ۱۲۳

۱- ۱) محمّد الرازی: مغیث الدین بن شمس الدین محمد الحسینیّ، من العلماء الأعلام. سافَر إلی محروسه بُرهانپور، بُرههً. رأیت بخطّه نسبه و تملّکه لکتاب «الدروس» أیّام إقامته فی برهانپور فی شوّال (۱۰۸۷)، وصَکُّ خاتمه الکبیر: [مغیث الدین محمّد الحسینی]: «الروضه النّضره: ۵۱۷».

میر منصور» نگاشته است.

نسخه: نیمی از برگ آخر ندارد. لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا متعلّق به سده یازدهم است و گویا استنساخ هم ناتمام بوده. از کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّدرضا نجفی أبوالمجد اصفهانی.

«۱۳۱» ترجمه رساله صادقیّه

(حدیث ــ فارسی)

از: محمد محسن بن عین علی ورنوسفادرانی.(۱)

کتاب: ترجمه و شرح رساله حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که به اصحاب خود قلمی فرموده اند در وظائف شیعیان، به روایت «روضه کافی» از اسماعیل بن جابر.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: سنه ۱۲۰۸ و گویا به خطّ مترجم یا به تصحیح او است.

«۱۳۲» ترجمه ریاض السّالکین فی شرح صحیفه سیّد العابدین

(دعاء ــ فارسی)

از: مترجم، در شش مجلّدِ کتاب که معرّفی می کنیم نام خود را نیاورده است، لکن در حاشیه پردامنه ای که بر اوائل نسخه جای گفتگو به خطّ خود نوشته، مطلبی را به کتاب دیگر خود «أُمُّ العرفان فی تفسیر القرآن = أُمّ الحقائق. ش ۴۷»، و در حاشیه اوائل همین جلد، تحقیق درباره عدل را به کتاب دیگر خود «کشکول اللغه» و در جای دیگر تحقیق

---

۱ – ۱) نسخه ای از «سلوك الرجال» تألیف آخوند ملّا محمّد محسن بن عین علی ورنوسفادرانی در کتابخانه مدرسه رضویّه قم، در یک مجموعه می باشد، چنان که در فهرست آقای مدرّسی آمده است. ورنوسفادران، از محلّات سده ماربین از دیه های حومه غربی اصفهان است.

درباره تقبیل را به لغت قبل کتاب یاد شده، حواله داده است. الی غیر ذلک.

پس مؤلّف یا در حقیقت مترجم «ریاض السّالکین» همان «محمّد المدعوّ بسلیمان الجرجی ابن تاریقلی» است که در «أمّ الحقائق» آمده و او را ملاّ سلیمان گَرجی می خوانده اند، رحمه اللّه علیه.

کتاب: ترجمه «ریاض السالکین» معروف به «شرح صحیفه سیّد علیخان» است که مرحوم سیّد علیخان مَدنی شیرازی «صحیفه مبارکه سجّادیّه» را به عربی و بدان نام شرح کرده، و مترجم به امر شاه سلطان حسین صفوی (چنان که در مقدّمه گوید) آن را به زبان فارسی درآورده است و در بسیاری از مواضعِ آن، مطلبی را از خود به عنوان «مترجم گوید» اضافه نموده و این اضافات غالبًا نقل مطالب دو شرح صحیفه میر محمّدباقر داماد و مرحوم آخوند، یعنی علاّمه مجلسی است، با برخی منقولات دیگر.

همچنین در بعضی جاها حاشیه ای ــ عمومًا به عربی ــ در توضیح و تکمیل مطالب متن آورده و حواشی همگی به خطّ شخص مترجم می باشد. و در حاشیه اوّل نسخه گوید:

«و اکثر آنچه در ترجمه دیباجه و ادعیه نوشته ام موافقت دارد با ترجمه آقا حسین مرحوم بر صحیفه کامله».

نسخه: جلد اوّل کتاب است از آغاز تا آخر دعاءِ اوّل صحیفه کامله. کاتب: محسن بن احمد بن شرفجهان صفوی. تاریخ پایان استنساخ: سنه ۱۱۲۶.

توضیحًا چنان که گفتیم از این کتاب شریف شش مجلّد از یک دوره همسان به نظر رسیده و از میان آنها جلد ششم مفقود شده، و از جلد هشتم به بعد آگاهی نداریم.

چنان که در پیشگفتار این فهرست اشاره شد، کوشش و اهتمام شاهان صفوی در احیاء و تأیید و ترویج زبان فارسی و آیین پاک تشیّع، در سیاست ضدّ ترکان عثمانی، و تشویق و تأیید و تکریم روزافزون علماء و دانشمندان و مکاتب هنری سبب پیدایش

این همه آثار علمی بزرگ و کوچک در این زبان شده است.

«۱۳۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم و مشتمل است بر شرح دعاءِ دوّم صحیفه تا پایان دعاءِ ششم. مقدّمه و خاتمه ای ندارد و در پایان چنین نوشته است:

«صلوات اللّه علیهم اجمعین تمّت هذا آخر المجلّد الثانی من ترجمه ریاض السالکین و یتلوه المجلّد الثالث انشاء اللّه تعالی فی ترجمه الدعاءِ السّابع، و الحمد للّه وحده، ۸ شهر جمادی الاُولی سنه ۱۱۲۶».

سپس سطری دیگر نوشته بود که محو کرده اند و شاید آن سطر شامل نام کاتب و یا نام مؤلّف نیز بوده است و تاریخ مذکور، معلوم نیست که تاریخ ختم تألیف است یا تاریخ ختم استنساخ.

کاتب: همان شخصی است که بقیّه مجلّدات را نوشته و سبک نگارش و سایر خصوصیّات مانند نسخ دیگر است و از آغاز تا انجام به تصحیح شخص مؤلّف رسیده، و حقیر در خطوط مؤلّف دقّت کردم در این مجلّد نامی از خود و دیگر تألیفاتش به میان نیاورده است.

«۱۳۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوّم کتاب و ترجمه شرح دعاءِ هفتم صحیفه کامله است تا پایان دعاءِ شانزدهم. مقدّمه و خاتمه ای ندارد.

انجام: «هذا آخر المجلّد الثالث و یتلوه المجلّد الرابع من الدعاء السابع عشر، انشاء اللّه تعالی. کتبه الفقیر الحقیر المذنب العاصی: محمد محسن بن أحمد بن شرفجهان...».

ص : ۱۲۶

کلمه شرفجهان و کلمه دیگری پس ازآن را محو کرده اند. این مجلّد نیز همانند مجلّد اوّل تمامًا به تصحیح شخص مؤلّف رسیده و حواشی کمی نیز به خطّ خود بر آن نوشته است.

خطّ و کاغذ و جدول کشی و دیگر مشخّصات همانند سایر مجلّدات است.

بیفزاییم که با تدبّر در مطالب مرقوم در «فهرست مرعشیّه قم ۹: ۲۷۵ ش ۳۴۷۹»، معلوم گردید که نسخه مجهول المؤلّفی که به عنوان «شرح صحیفه سجّادیّه» به اختصار ذکر کرده اند، همانا نسخه دیگری است از همین جلد سوّم کتاب مورد بحث ما که ظاهرًا میر محمد اسماعیل حسینی خاتونابادی از روی همین نسخه «جای گفتگو» نویسانده و گهگاه از خود نیز حاشیه ای بر آن نوشته است.

«۱۳۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد چهارم کتاب است. مشتمل بر ترجمه شرح دعاءِ هفدهم تا پایان دعاءِ بیستم که در باب مکارم اخلاق است.

این جلد نیز مقدّمه و خاتمه ای ندارد. نام کاتب و تاریخ کتابت هم ندارد و به خطّ کاتب مجلّدات دیگر است.

در اوائل نسخه، مؤلّف در حاشیه به لغت «بلس» و «طین» در «کشکول اللغه» خود، و در جای دیگر به کتاب «امّ العرفان = ام الحقائق. ش ۴۷» خود ارجاع داده است.

نسخه، سرتاسر به تصحیح شخص مؤلّف رسیده است.

«۱۳۶» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد پنجم کتاب و مشتمل است بر ترجمه شرح چهار دعاء، از دعاءِ ۲۱ صحیفه «و کان من دعائه علیه السلام إذا أحزنه أمر...» تا دعاءِ ۲۴ «و کان من دعائه

علیه السلام لأبویه علیهماالسلام».

این جلد نیز مقدّمه و خاتمه ای ندارد و نام کاتب و تاریخ کتابت نوشته نشده، لکن به خطّ و خصوصیّات مجلّدات دیگر است و خطوط تصحیحی شخص مؤلّف گهگاه در حاشیه ها دیده می شود. بر این مجلّد حاشیه ای که در آن نامی از سایر آثار خود آورده باشد نیست و هکذا در متن.

«۱۳۷» نسخه دیگر

نسخه: ظاهرًا جلد هفتم کتاب و مشتمل است بر ترجمه و شرح چهار دعاء از دعاءِ **۲۹** صحیفه «و کان من دعائه علیه السلام اذا قتر علیه الرزق: اللّهمّ انّک ابتلیتنا» تا دعاءِ ۳۲ «و کان من دعائه علیه السلام بعد الفراغ من صلوه اللیل لنفسه بالاعتراف بالذنب» که آخر آن دعاء چنین است «صلوه لا حدّ لها و لا منتهی یا ارحم الراحمین».

این جلد نیز مقدمه و خاتمه ای ندارد و نام کاتب و تاریخ کتابت هم نوشته نشده، لکن به خطّ و خصوصیّات همان مجلّدات سابق الذکر است و همانند آنها، و تمامًا به تصحیح شخص مؤلّف رسیده و حواشی چندی به خطّ خود بر مواضع عدیده نگاشته است و مکرّر مطالبی را از جمله درباره «غلبه الرجال» و «بیان الأسراف» و «الفقیر المسکین» و «قلب» و جز اینها به کتاب دیگر خود «کشکول اللغه» و یکجا به نام «کجکول اللّغه» و هم چند مطلب را به تفسیر خود «أمّ العرفان» حواله داده است.

«۱۳۸» ترجمه سیر و سلوک

(اخلاق _ فارسی)

از: حسین بن علی تبریزی خسروشاهی.

کتاب: ترجمه رساله عربی «سیر و سلوک» پیشوای سلسله شیخیّه، سیّد کاظم بن قاسم

ص : ۱۲۸

رشتی است که خسروشاهی آن را به امر وی به فارسی ترجمه کرده و دیباچه ای در تعریف و تمجید سیّد بر آن افزوده است.

تاریخ ختم اصل عربی: دوشنبه ۱۱ شب گذشته از صفر ۱۲۳۸ در دهکده سراوان(۱) رشت. تاریخ ختم ترجمه: چهارشنبه ۲۴ شوّال ۱۲۴۲. چاپ شده.

نسخه: به خطّ زیبای علیّ بن ملاّ زین العابدین منجّم تبریزی، در کربلا. ختم کتابت: سه شنبه ۲۸ ماه رجب ۱۲۴۷.

«۱۳۹» ترجمه الصّلوه

(فقه ـ فارسی)

از: مولانا محمّد بن مرتضی کاشانی معروف به ملاّ محسن فیض (متوفی ۱۰۹۱) علیه الرحمه.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ یکی از خوشنویسان (ترجمه نویسان) زمان شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده و ظاهرًا همانْ کاتبِ نسخه های «ترجمه ریاض السالکین» باشد.

«۱۴۰» ترجمه عهدنامه امیرالمؤمنین علیه السلام

(عهدنامه ـ فارسی)

از: مرحوم میر محمدباقر بن میر اسمعیل حسینی خاتونابادی، صاحب «ترجمه اناجیل اربعه. ش ۱۲۵» و جز آن.

کتاب: ترجمه فارسیِ عهدنامه ای است که حضرت امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیهماالسلام

---

۱ – ۱) در کتاب «فهرست کتب مشایخ شیخیّه ۲: ۱۱۷» که این کتاب را عنوان کرده اند به جای سراوان، «شیروان» آمده است و در «ذریعه ۱۲: ۲۸۳» که دو نسخه از اصل عربی رساله را در کتابخانه حجّت کربلا و نزد آقا میرزا محمود کلباسی نشان داده اند، «سیروان» ضبط شده و درست همان سراوان است: «فرهنگ آبادی های ایران: ۲۵۰». در نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه (فهرست، ج ۱۱: ۲۴۵۳) نام موضع مرقوم قید نگردیده است.

به مالک اشتر رحمه الله نوشته اند و مترجم به فرمان شاه سلطان حسین صفوی آن را به فارسی درآورده و به نام او مصدّر کرده است. تاریخ ترجمه ندارد.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ یکی از خوشنویسان زمان مؤلّف است.

«۱۴۱» ترجمه کتاب الإقبال بصالح الأعمال

(ادعیه _ فارسی)

از: مترجم، در سه مجلّد موجود نام خود را _ شاید از سر تواضع و احترام _ ننوشته است. امّا از آنجا که در اواسط اعمال ماه رجب گوید: «و کمترین به هر دو طریق در کتاب های مؤلَّفه خود یاد کرده ام و به تفصیل در کتاب «هِبه الرّجال» مذکور است»، لذا از این نشانی با رجوع به «الذریعه ۲۵: ۱۵۹ ش ۵۲» او را شناختیم. در آنجا فرماید:

«هبه الوصال فی أدعیه الهلال. لملّا عبدالمطّلب بن الحسن بن محمّد الاصفهانی، و هو الّذی انتخب منه کتابه الموسوم «هدیّه الأجلّه فی أدعیه رؤیه الأهلّه» و أهداه إلی الشّاه سلطان حسین الصفوی، کما صرّح به فی أوّل الهدیّه».

و در (ص ۲۰۴ ش ۲۸۱) فرماید:

«هدیّه الأجلّه فی أدعیه رؤیه الأهلّه. لملّا عبدالمطّلب بن الحسن بن محمّد الاصفهانی. کتبه للشّاه سلطان حسین الصّفویّ بعد أن کتب اوّلاً «هبه الوصال فی أدعیه الهلال» فانتخب منه هذا الکتاب مرتّبًا علی فصول ثلاثه و خاتمه... و هو کتاب جلیل، رأیت النسخه فی مکتبه الشریعه».

صاحب «ذریعه» همین مطالب را در «کواکب منتثره: ۴۷۵» نیز آورده اند، امّا هیچ گونه آگاهیِ دیگری از ملّا عبدالمطّلب در آنجا هم دیده نمی شود.

کتاب: ترجمه «کتاب الإقبال» سیّد رضیّالدین ابوالقاسم علیّ بن موسی، معروف به سیّد ابن طاوس حسنی داودی حلّی است، رضوان اللّه علیه.

نسخه: ترجمه اعمال دو ماه مبارك رجب و شعبان است و بقیّه در جلدهای دیگر. نام کاتب، در پایان اعمال ماه رجب، به طلای اشرفی این چنین است: «تمّت الکتاب علی ید الفقر مرتضی بن ملّامحتشم ترجمه نویس».

در اواسط اعمال ماه شعبان، مترجم _ به خلاصه _ گوید که:

«نوّاب اشرف اقدس همیون أعلی... بالمُشافهه العلیّه العالیه فرمان هُمیون و اشاره به نفاذ مقرون صادر» کردند که آنچه در کتاب اقبال ذکر نشده از کتب دیگر، مترجم نقل نماید. که معلوم می شود «إقبال» به فرمان شاه سلطان حسین ترجمه شده است.

تاریخ آغاز ترجمه در اواخر این مجلّد، سال ۱۱۲۰ آمده است، و مترجم گوید که این کتاب را پس از ترجمه کتاب «مُهج» یعنی «مهج الدعوات» و پس از ترجمه کتاب «المُجتنی» که هر دو از مرحوم ابن طاوس است ترجمه کرده است. پس این هم دو اثر دیگر از ملا عبدالمطلب، رحمه اللّه.

این مطلب نیز ناگفته نماند که در «ذریعه ۴: ۱۴۰» و «کواکب منتثره: ۱۲۲ و (۵۶۲) » فرموده اند که ملّا محمدتقی بن علی نقی طبسی شاگرد مرحوم آقاجمال خوانساری، کتاب «مهج الدعوات» را به فرمان شاه سلطان حسین صفوی به فارسی ترجمه کرده است! و نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی است.

«۱۴۲» نسخه دیگر

نسخه: مخصوص اعمال ماه مبارك رمضان است، با همان خطّ و اسلوب و مختصّات جلد یکم (ش ۱۴۱). بدون ذکر نام کتاب و مترجم و کاتب. از آخر آن

یکی دو برگ افتاده است. نسخه در کمال نفاست و به چندگونه مرکّب و طلا نوشته و جدول کشی شده است و در اثر کثرت استفاده و استعمال کمی معیوب گردیده.

«۱۴۳» نسخه دیگر

نسخه: مخصوص اعمال ماه شوّال المکرّم و ذوالقعده الحرام است.

آغاز: «بسم. نمونه دهم، در آنچه یاد کنیم آن را از فایده های ماه شریف شوّال». و نزدیک به همین عبارت در آغاز نمونه یازدهم که مربوط به ماه ذی القعده است.

انجام: «إنّ عَذابی لشَدید. تمّت الکتاب، بعون الملک الوهّاب، و به توجّه نوّاب کامیاب قمر رکاب فلک جناب. تمّت تمّ، تمّ».

در این جلد نیز نام مترجم و تاریخ ترجمه و نام کاتب و تاریخ کتابت نیست. کاتب از خوشنویسان ممتاز و ترجمه نویسان ماهر عهد شاه سلطان حسین است. ترجمه دعاها را به شنگرف در زیر سطرها و عنوان ها را به رنگ های گوناگون نوشته و در آغاز هر نمونه یک سرلوح زیبا به کار برده است.

ترجمه مجالی المجالی: مرآت آگاهی

«۱۴۴» ترجمه مختصر مصباح المتهجّد

(دعاء ـ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: ترجمه فارسی «مختصر مصباح المتهجّد» یا «مصباح المتهجّد صغیر» است که اصل و مختصر، هر دو تألیف شیخ الطائفه محمّد بن حسن طوسی قدس سره است در عبادات و ادعیه. این نسخه ترجمه، ابتدا متن عربی مقدّمه شیخ را آورده و سپس به ترجمه کتاب

ص : ۱۳۲

پرداخته است که به این عبارت آغاز می شود:

«فصل، فی ذکر عبادات الشّرع. عبادات در شرع پنجست: ۱ نماز ۲ زکوه ۳ روزه ۴ حج ۵ جهاد. پس نماز مکرّر می شود در هر روز و شب، و روزه در سالی یکبار، و زکوه هر آنکس را که مالک مالی باشد...».

دعاءها به فارسی ترجمه نشده و عینًا نقل گردیده است، و نام مؤلّف (مترجم)، معلوم نشد.

نسخه: به خطّ نسخ خوب، و عنوان ها به طلا و شنگرف و لاجورد است و صفحات جدول کشی شده و کاتب بیش از ربع کتاب را استنساخ نکرده و تا مقداری «از آن دعائی که مخصوصست به عقیب ظهر آنچه روایت کرده معاویه بن عمّار از ابی عبدالله علیه الصلوه و السلام: یا اسمع السامعین...» نوشته است.

نام کاتب و تاریخ کتابت و آثار مقابله و تصحیح ندارد. ظاهرًا در اوائل سده دهم نوشته شده و شبیه نسخه دیگر است. تعداد اوراق: ۳۵ برگ.

«۱۴۵» ترجمه مختصر مصباح المتهجّد

(دعاء ــ فارسی)

از: نامعلوم.

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است، از اوّل به مقدار هشت برگ و از آخر تا اواسط «فصل در احکام زکوات» دارد که به این عبارت منتهی می شود:

«فأمّا گاهی که رأی ایشان در باب مقاتله با کفّار نیکو و درست باشد در دین اسلام و رقاب بنده».

عنوان ها به شنگرف نوشته شده و از حیث خطّ و کاغذ و تزیینات همانند نسخه دیگر باشد. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست و آثار مقابله و تصحیح دارد. مقدار موجود

اصل ۱۱۹ برگ، اندازه ۲۱ × ۱۳، نوشته ۸ و نیم × ۱۶.

«۱۴۶» ترجمه مختصر مصباح المتهجّد

(دعاء ـ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: ترجمه فارسی دیگری است از «مختصر مصباح المتهجّد» شیخ طوسی ـ رضوان اللّه علیه ـ و با ترتیبی دیگر.

نسخه: از اوّل و آخر اندکی ناقص است و به این عبارت آغاز می شود:

«أهله مسرورًا. و یکبار شستن واجب بوَد و دویم سنّت چنانکه مذکور شد، و سنّت بوَد مرد را که ابتداءِ به شستن از ظاهر دست کند».

انجام: «و ما ختم می کنیم خاتمه این کتاب را به زیارت جامعه، تیمّنًا و تبرّکًا. بـدانکه زیارت جامعه جامع ترین و فاضل ترین و بلیغ ترین و فصیح ترین زیارت هاست... و استرعاکم أمر خلقه و قرن».

خطّ نسخه خوب و عنوان ها به شنگرف نوشته شده و صفحات جدول کشیده. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا در اواخر سده دهم نوشته شده است. مقدار موجود ۱۹۶ برگ.

ناگفته نماند که در «ذریعه ۴: ۱۳۶. ش ۶۵۵» نیز «ترجمه مصباح المتهجّد الصّغیر» عنوان شده و نسخه آنجا هم مجهول المؤلّف است.

«۱۴۷» ترجمه معالم الأُصول

(اصول فقه ـ فارسی)

از: آقاهادی فرزند آخوند ملّا محمّدصالح مازندرانی، (متوفی ۱۱۲۰)، خواهرزاده

علّامه مجلسی مولانا محمّدباقر، رضوان اللّه علیهم اجمعین.

کتاب: ترجمه شرح مانندی است از اصول کتاب «معالم الدین و ملاذ المجتهدین» تألیف شیخ ابومنصور حسن فرزند شهید ثانی شیخ زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی ــ علیهم الرحمه ــ ، متوفّی ۱۰۱۱.

تاریخ پایان ترجمه: روز آدینه دهم ماه رمضان ۱۰۸۹.

متن عربی و ترجمه به سال ۱۳۷۹ ق، «با مقدّمه و تصحیح مرتضی مدرّسی چهاردهی، معلّم دانشگاه طهران» ــ رحمه اللّه علیه ــ ، طیّ ۴۴۴ صفحه، در تهران به چاپ رسید.(۱)

نسخه: از آنجا که کاتب از روی نسخه بی اوّل و آخری نوشته است، چند برگ از آغاز و چند برگ از آخر نانویس و کتاب نیز ناشناخته مانده است تا آن که به مدد نسخه چاپی شناخته شد.

از اوّل تا به آخر، دارای حواشی «منه» است و آثار مقابله دارد. کاتب در بسیاری از حواشی تاریخ گذارده و در چند جا هم نام خود را «عبدالکریم دربندی» و تاریخ نوشتن حواشی را ماه رجب و شعبان ۱۱۹۱ قید کرده است.

آغاز نسخه: «نامی اشرف است از جماد و نامی منقسم می شود به حسّاس و غیر حسّاس».

انجام: «عمل نموده باشند بر یکی از ین دو روایت او أولی خواهد بود».

ص : ۱۳۵

۱- ۱) روی صفحه عنوان و جلد کتاب نوشته اند: «ترجمه و شرح آقا هادی مترجم مازندرانی». نسبت درست آن است که در «کواکب منتره: ۸۰۵» عنوان فرموده اند: «هادی المترجم الاصفهانی ابن محمّد صالح المازندرانی».

«۱۴۸» ترجمه مکارم الاخلاق

(آداب شرعی ــ فارسی)

از: مترجم، به علّت فقدان اوراقِ اوّل نسخه، ناشناخته است.

کتاب: ترجمه «مکارم الأخلاق» رضیّ الدین ابو نصر حسن بن فضل طبرسی ــ علیه الرحمه ــ از علماءِ قرن ششم هجری است و این ترجمه از علی بن حسن زواره ای نیست.

نسخه: یک برگ یا بیشتر از آغاز ناقص است.

آغاز موجود: «که ما در عقب او میرویم و بخدا قسم که چندان پینه کردم این جامه خود را»، که این قسمت از ترجمه مقدمه کتاب است و سپس فهرست ابواب و فصول با تعیین شماره اوراق نسخه که به موجب شماره نویسی گوشه اوراق، ۳۱۵ برگ است.

انجام: «و صلوات فرستد خدا بر سیّد و آقای ما محمّد و آل اطهار او و رحمت فرستد رحمت فرستادنی. بحمد اللّه تعالی ترجمه این کتاب خیر نظام به انجام رسید و شاهد دلارای این مرام به حُلّه زیبای اتمام مطرّز و مزیّن... و آن ولینعمت عالم و عالمیان و پناه جهان و جهانیان پیوسته به سعادت و دولت بر فراز سریر سلطنت و فرمان روایی کامیاب...».

نام کاتب و تاریخ کتابت و تاریخ تألیف ندارد. ظاهرًا نگارش ترجمه و استنساخ از حدود زمان شاه سلطان حسین و برای شاهِ وقت نگارش یافته است. عناوین مطالب به سرخی همه جا در متن و حاشیه، هر دو به خطّ جلی نوشته شده. در چندین موضعِ نسخه کلمه «وقف» دیده می شود. شاید با دقّت در تمام نسخه مترجم شناخته شود.

در «ذریعه ۴: ش ۶۷۲» است که سیّد امیر نظام الدین عبدالحیّ مترجم «ألفیّه»، ترجمه

مکارم الاخلاق دارد و صاحب «ریاض العلماء» گفته است که آن را به خطّ خوش صاحبش در اردوباد دیده است.

و در همان «ذریعه ۴: ش ۳۵۲» که ترجمه ألفیّه شهید را عنوان کرده اند، نام و نسب مترجم را سیّد امیر نظام الدین عبدالحیّ بن عبدالوهاب بن علی حسینی قاضی هرات از سوی شاه اسماعیل صفوی (متوفی ۹۳۰) نوشته و گویند که او رساله «المعضلات» را در (۹۵۹) تألیف کرده است.

ایضًا رجوع به «احیاءالداثر: ۱۱۹ و ۱۲۰» شود.

«۱۴۹» ترجمه مناقب امیرالمؤمنین، سلام اللّه علیه.

(مناقب ــ فارسی)

از: مرحوم میر محمّد یوسف حسینی(۱) از علمای اواخر عصر صفوی.

کتاب: شامل یکصد منقبت و فضیلت در حقّ امیرالمؤمنین و اولاد طاهرین آن حضرت ــ صلوات اللّه علیهم أجمعین ــ است به نقل از کتب سنّیان، تألیف شیخ ابوالحسن محمّد بن أحمد بن علی بن حسین بن شاذان قمّی، معروف به ابن شاذان فقیه، فرزند خواهر ابن قولویه قمّی و استاد شیخ ابوالفتح کراجکی (متوفی ۴۴۹) که در (۴۱۲)، کتاب را نزد مؤلّفش در مسجدالحرام خوانده است، رحمه اللّه علیهم اجمعین.

نسخه: تمام است و نام کاتب ندارد و آخرش چنین است:

«ما قام قائم علی الأرضین. و قد فرغتُ من تسویده فی سلخ شهر ربیع الثانی فی السّنه الثالثه عشر بعد الألف و المائه من الهجره...».

معلوم نیست که این تاریخِ اتمام ترجمه است یا تاریخ استنساخ. در همین موضع در

---

۱ – ۱) کاتب نسخه «الفوائد الطوسیّه» خود را محمّد یوسف بن المظفّر الحسینیّ المازندرانیّ و تاریخ کتابتش را اواخر ذی الحجّه ۱۰۷۵ نوشته است. همو باشد یا دیگری، دانسته نیست.

هامش نوشته اند: «بلغ مقابله من خطّ المؤلّف، سلّمه اللّه تعالی».

ترجمه نصیحه الملوک: الدرّ المسبوک

ترکیب ابوالبقاء: التبیان فی إعراب القرآن

«۱۵۰» تسدید العقائد فی شرح تجرید القواعد

(کلام ـ عربی)

از: شمس الدین محمود بن ابی القاسم (عبدالرحمن) بن احمد اصفهانی.

کتاب: شرح «تجرید الکلامِ» محقّق خواجه نصیرالدین محمّد طوسی ـ علیه الرحمه ـ است، به «قال، اقول».

نام کتاب در متن نسخه ما به صورت فوق ضبط شده و در «الذریعه» و غیره به صورت «تسدید القواعد، فی شرح تجرید العقائد» و در «کشف الظنون» و «هدیّه العارفین»، «تشیید القواعد» است. نگارنده در اینجا رعایت ضبط نسخه را نمود.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، مانا که از سده هشتم باشد. تملّک کمال الدین حسین بن محمّدعلی استرابادی و مهر او «عبده کمال الدین حسین» و بخشیدن علاّمه مذکور نسخه را به فرزندش محمّد علی به خطّ فرزند، و نیز تملّک همو «محمّد علی بن کمال الدین حسین بن محمّد علی الاسترابادی» و دو مهر او «افوّض امری الی الله، المذنب محمد علی ۱۰۹۸ ظ» و «محمد نبیّ اللّه علیّ ولیّ اللّه»، و نیز تملّک محمّد حسین بن کمال الدین حسین استرابادی در اوّل و آخر نسخه هست.

از کتب کتابخانه خانوادگی نیاکان گرامی ـ علیهم الرحمه ـ است.

«۱۵۱» التصریح بمضمون التوضیح

(نحو ــ عربی)

از: خالد بن عبداللّه ازهری.

کتاب: شرح مزجی کتاب «التوضیح» جمال الدین ابو محمد عبداللّه بن یوسف ابن هشام انصاری است در شرح «ألفیّه» ابن مالک در علم نحو و به طبع رسیده.

نسخه: از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ ختم کتابت معلوم نیست. لکن روی ورق اوّل این شرح به خطّ کاتب نوشته شده:

«قد ابتدأت بکتابه هذا الکتاب المستطاب و أنا الفقیر الی اللّه الغنیّ سلیمان بن صالح بن سلیمان الشامی(۱) و ذلک یوم الثّلثاء ثامن عشر شعبان المبارک سنه اثنین «کذا» و تسعین و ألف».

فهرست مباحث کتاب در همین صفحه به خطّ کاتب نوشته و شماره برگ ها نیز در ذیل عناوینْ تعیین شده که آخرین مبحث «تصریف» برگ ۲۱۴ بوده. فعلاً تا برگ ۲۳۵ نسخه، موجود است.

«۱۵۲» تعلیقات شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: شمس الدین محمّد بن احمد خَفْری (سده دهم).

برای آگاهی از خلاصه احوال و آثار او به «روضات الجنّات: ۶۴۶ و ۳۹۳، چاپ ۱۳۶۷ ق» و کتب فراوان تراجم و فهارس متأخّر رجوع شود.

کتاب: حاشیه ای است بر بخشی از «قِسم إلهی» شرح علاءالدین علی قوشجی، معروف

۱- ۱) ظاهرًا همان است که در «کواکب منتثره: ۳۲۱» به نام «سلیمان الکاظمی ابن صالح العاملی» عنوان شده است.

به شرح جدید، بر «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی ــ أعلی اللّه مقامه ــ و همین روزها (۱۳۸۲ ش) در تهران از طرف مرکز نشر میراث مکتوب چاپ شد.

«حاشیه خفری» تا بیش از سه قرن در حوزه های کلامی مورد توجّه و تعلیم و تدریس بود. شیخ محمّد مهدی رازی در کتاب «مشکاه المَسائل» که تاریخ تألیفش (۱۲۳۰) در تهران است گوید: «حاشیه خفری» را نزد جناب آخوند ملاّ علی نوری حکیم خوانده است و «شرح مختصر الاصول عضدی» و غیره را نزد استاد اعظم آخوند ملا محمّد علی نوری اصفهانی» ــ رحمه اللّه علیهم اجمعین ــ : «معجم العزیز الطباطبائی: ش ۶۳۲».

«تعلیقات علی الحواشی الخفریّه. ش ۱۵۴» از مولانا عبدالرّزاق لاهیجی» و «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲» از آقا جمال الدین محمّد خوانساری و «حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۹۴» از مولانا میرزا محمّد شیروانی، ملاحظه شود.

نسخه: به خطّ «أقلّ الطلبه محمّد سعید بن اسماعیل المازندرانی». تاریخ ندارد، و از سده دوازدهم است.

«۱۵۳» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز و انجام ناقص است و هیچ نام و نشانی از کاتب و تاریخ کتابت و غیره ندارد. دارای حواشی «منه» و «سلطان» و جز آنها است.

«۱۵۴» تعلیقات علی الحواشی الخفریّه علی شرح إلهیّات التّجرید

(کلام ــ عربی)

از: مولانا عبدالرزّاق بن علیّ بن حسین لاهیجی، علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است بر «حاشیه فاضل خفری. ش ۱۵۲» بر الهیّات «شرح ملا علی

قوشجی» بر کتاب «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی قدس سره .

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به قرائن در اواسط سده ۱۳ نوشته شده. آقا میرزا سیّد محمّد مهدی نایب الصّدر ــ علیه الرحمه ــ شرحی درباره کتاب روی برگ اوّل نوشته است، و اندکی تعلیقات متفرّقه در حواشی دارد. نیز این یادداشت روی داخل جلد نسخه است: «میرزا محمد حسن کتاب فروش فی المعامله الثانیه فی شعبان ۱۲۶۴». مهر «عبده الراجی محمد باقر بن عبدالجواد» نیز روی برگ اوّل دیده می شود.

«۱۵۵» تعلیقاتٌ علی الصّحیفه الکامله السجّادیّه

(دعاء ــ عربی)

از: مولانا محمّد بن مرتضی، معروف به آخوند ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ ــ ۱۰۹۱)، علیه الرحمه.

کتاب: حواشی بر «صحیفه کامله سجّادیّه» است در توضیح عبارات و تفسیر لغات مشکله و به طبع رسیده. تاریخ پایان تألیف: «تمّ شرح الدعاء ۱۰۵۵».

نسخه: به خطّ نجم الدین بن محمد حسین حسینی. تاریخ ختم کتابت: «یوم الأربعاء» از ماه صفر ۱۰۸۹.

از کتابخانه نیای گرامی آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدّین روضاتی، علیه الرحمه.

«۱۵۶» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ عبدالرحیم طالقانی. تاریخ کتابت ندارد و از سده یازدهم است. ظهر نسخه «حسین بن محمد بیک اصفهانی» گوید که نسخه را برای خود نویسانده است.

ص : ۱۴۱

«۱۵۷» تعلیقات مَنهج المقال

(رجال ــ عربی)

از: محقّق وحیدآقا محمّد باقر بن محمّد اکمل بهبهانی (متوفی ۱۲۰۶)، رحمه اللّه.

کتاب: حاشیه محقّقانه است بر «منهج المقال» یعنی رجال کبیر مرحوم میرزا محمّد استرآبادی، و چاپ شده است.

نسخه: اثر تصحیح و حاشیه ندارد. کاتب: ابراهیم بن عالیجناب میرزا عبدالمجید. تاریخ ختم کتابت: ۱۷ جُمادای دوّم ۱۲۵۲.

«۱۵۸» تفسیر الأئمّه لهدایه الأُمّه

(تفسیر ــ عربی، فارسی)

از: میرزا محمّدرضا نصیری واقعه نویس سابقِ سابق = (چنین است عبارت وقفنامه مورّخه ۱۱۲۹ در آغاز نسخه با تکرار سابق) و به تعبیر خودش در «کشف الأیات»: محمّدرضا بن عبدالحسین مُنشئ المَمالک.

«مُنشئ المَمالک» لقب یا مَنصب عبدالحسین است که در زمان سلطنت شاه صفی صفوی (۱۰۳۸ ــ ۱۰۵۲) آن مقام را داشت. محمد معصوم مورّخ اصفهانی در «خلاصه السّیر: ۲۶۸» گوید:

«سنورنامه که از جانب حضرت ظلّ اللّهی نوشته مصحوب ساروخان ارسال شده و میرزا عبدالحسین مُنشئ الممالک انشاء نموده».

سنور یعنی سرحدّ: «دستور شهریاران: ۳۳۷». همین عنوان و اصل سنورنامه که در حقیقت یک مصالحه نامه اضطراری است در «خلد برین: ۲۲۰ ذیل تاریخ عالم آرا» «ظ» برگرفته از «خلاصه السّیر» نیز هست، و درباره آن در «سفارتنامه های ایران: ۵۰»

سخنی گفته اند.

بهترین ترجمه این لقب «مُنشئ الممالك» همانا «وزیر امور خارجه» است...: «سازمان اداری حکومت صفوی: ۱۱۷».

امّا واقعه نویس، در همین کتاب سازمان گوید:

«مجلس نویس که واقعه نویس نیز خوانده می شد از مَصادر و ارباب مَناصب مهمّ به شمار می رفت و طبق اظهارات شاردن (۵: ۳۴۳) در غیبت وزیر اعظم امور مربوط به او را انجام می داد. در مجالس و اجتماعات به دست چپ شاه می نشست و غالبًا او را به نام وزیر چپ «وزیر دست چپ» می نامیدند».

نیز رجوع به کتاب «مقدّمه ای بر شناخت أسفار تاریخی» شود.

باری، مقصود این است که مُنشئ المَمالك در «کشف الأیات»، لقب عبدالحسین است نه محمّدرضا، و به موجب عبارت وقفنامه، محمّدرضا لقب واقعه نویس یا «مجلس نویس» داشته است نه مُنشئالممالك، و این همان است که در «الکواکب المنتثره: ۲۷۰ محمد رضا مجلس نویس و ۲۷۱ محمدرضا النصیری» عنوان شده است، یعنی این هر دو عنوان ــ نه «محمد رضا منشئ الممالك: ۲۷۱» ــ مربوط به صاحب «تفسیر الأئمّه» و «کشف الأیات» است که در «الروضه النضره ۲۲۱ ــ ۲۲۲» احوال و آثارش به اختصار و در «الذریعه ۴: ش ۱۱۶۸» در متن و حاشیه به درستی و تفصیل آمده است.

کتاب: تفسیر بزرگی است در چندین مجلّد کلان بر قرآن کریم بر وفق اخبار اهل بیت علیهم السلام که ترجمه آیات و اخبار شریفه را نیز به فارسی آورده و معروف به «تفسیر واقعه نویس» بوده است.

صاحب «ذریعه» مجلّد نخست و مجلّد دیگری از آن را دیده و وصف کرده اند. همان گونه که مختصر تفسیر را نیز در «ج ۲۰ ش ۲۵۱۹» شناسانده و فرمایند که آن نیز از خود مؤلّف اصل است در شش مجلّد و به فارسی محض.

اینک مجلّدات کتاب جای گفتگو در گوشه و کنار کتابخانه های شخصی و عمومی قم و مشهد مقدّس و تهران و جاهای دیگر پراکنده و موجود است و هیچ جلدی از آن تا به حال چاپ نشده است.

نسخه: جلد دوّم است. وقفنامه مورّخه ۱۱۲۹، در آغاز نسخه هست که آن را با سایر مجلّدات بر طلبه ساکن مدرسه سلطانیّه که عالیجاه... آقا کمال در محلّه عبّاساباد اصفهان بنا کرده، وقف نموده است.(۱)

مرحوم میرزا عبداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» در بالای نخستین برگ نسخه

ص : ۱۴۴

---

۱ - ۱) ... و مقرّر شد که تا هنگام عزّ جُلوس ــ یعنی جلوس شاه سلطان حسین صفوی به سلطنت در سال ۱۱۰۵ ــ و شرف یافتن اُمراء از سعادت زیارت و پای بوس، اگر امر ضروری باشد اُمراءِ مُلک آرا، با هم مصلحت دیده و آرای خود را متّفق ساخته به اتّفاق هم به وساطت مقرّب الخاقان آقا کمال ریش سفید حرم محترم به عزّ عرض رسانند: «دستور شهریاران: ۱۷، تهران، ۱۳۷۳، به کوشش محمد نادر نصیری مقدّم» تألیف محمّد ابراهیم نصیری مجلس نویس فرزند میرزا زین العابدین منشئ الممالک برادر میرزا محمد رضا صاحب «تفسیر الأئمّه». در پیش گفتار کتاب، خاندان و نیاکان مؤلّف را شناسانده اند. کتاب دیگری که در دست است و به علّت نقصان اوّل نسخه نام آن دانسته نیست و با نام «ألقاب و مواجب دوره سلاطین صفویّه، به تصحیح دکتر یوسف رحیم لو، مشهد مقدّس، ۱۳۷۱» چاپ شده، تألیف میرزا علی نقی نصیری از همین خاندان است. در «ص ۳ و ۴» گوید: «و دستور آن است که آقایان سفید را فلان بیگ و فلان آقا می گویند و لفظ آقا را در آخر اسم او قرار می دهند مثل ابراهیم آقا و ابراهیم بیگ، و آنچه سیاه اند لفظ آقا را پیش از اسم او می گویند مثل آقا کمال، که سفید و سیاه از هم امتیازی داشته باشد». این دو کتاب نیز همانند «تذکره الملوک» در شناخت اوضاع و احوال دولت صفوی و خصوص عصر شاه سلطان حسین و مصطلحات رایج در آن زمان بسیار ارزشمند بوده و پیشگفتار هر دو نیز دارای کمال امتیاز و اعتبار است و در آنها رجال خاندان نصیری طوسی و نیاکانشان را شناسانده اند.

نوشته است: «تتمّه تفسیر آیه الم ذلک الکتاب الی آخر الایه».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

«۱۵۹» نسخه دیگر

نسخه: جلد نهم است، از تفسیر سوره مبارکه یوسف (۱۲) تا سوره مبارکه نحل (۱۶). علامات و مشخّصات و مختصّات همانند نسخه (۱۵۷) است. نام کاتب و تاریخ کتابت در این نسخه نیز به نظر نرسید.

خطّ و مُهر مرحوم صاحبِ «ریاض العلماء» به گونه چند نسخه دیگر، روی برگ اوّل است. با این عبارت: «جلد هفتم که ملاّ حسین چیکا _ دنباله این کلمه بریده شده، شاید چیکانی بوده _ کتابت نموده، جلد تمام».

«۱۶۰» نسخه دیگر

نسخه: جلد دهم است، در تفسیر تمام سوره مبارکه بنی اسرائیل «۱۷».

کاتب: علی نقی بن مرحوم محمّد مؤمن ابهری، و نویسنده گوشه های صفحات که به شنگرف، حزب ها و جزءها را با دیگر نشانه های مربوط به آیات شریفه نوشته است، نام خود را در برگ آخر: «نمّقه العبد میر باقر» نوشته است. مشخّصات این جلد نیز همانند دو جلد پیشین است.

صاحب «ریاض العلماء» روی برگ اوّل نوشته است: «به فرزندی میرزا احمد، وفّقه اللّه تعالی، بخشیده شده است». مُهر.

«۱۶۱» نسخه دیگر

نسخه: جلد چهاردهم است، از تفسیر سوره مبارکه قصص (۲۸) تا سوره مبارکه

أحزاب (۳۳). علامات و مشخّصات و مختصّات همانند نسخه های پیشین است. نام کاتب و تاریخ کتابت به نظر نرسید.

خطّ شریفِ صاحبِ «ریاض العلماء» روی برگ نخستین چنین است: «بسم اللّه، به فرزندی میرزا احمد، وفّقه اللّه تعالی، بخشیده شد». مُهر.

وقفنامه به تاریخ: محرّم ۱۱۲۹، جهت مدرسه سلطانیّه که آقا کمال در محلّه عبّاس آباد ساخته بود. نام مؤلّف در این وقفنامه این گونه است: «مرحوم مبرور میرزا محمّد رضا نصیری واقعه نویس سابق سابق».

تفسیر ابن العربی: تأویلات القرآن الکریم

تفسیر بیضاوی: أنوار التنزیل و أسرار التّأویل

تفسیر حسینی: مواهب علیّه

«۱۶۲» تفسیر التّحریر

(ریاضی ــ عربی)

از: ملاّ عبدالعلی بیرجندی.

کتاب: شرح و تفسیر کتاب «تحریر المجسطی» خواجه نصیرالدین طوسی علیه الرحمه است، به «قوله. أقول» که به امر استادش قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی به رشته تحریر کشیده و به نام سعدالدین محمد ساوجی موشح گردانیده است.

نسخه: کامل است، جز اینکه با شتابزدگی نوشته شد و بسیار مغلوط و فاقد أشکال هندسی می باشد. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آثار قرن «۱۱ ــ ۱۲» است. تملّک میر محمّد اسمعیل بن ابوالمحسن حسینی در ۱۱۹۹، ظهر نسخه هست.

«۱۶۳» تفسیر سوره الحمد و البقره

(تفسیر ــ عربی)

از: مرحوم آخوند ملّاصدرا، صدرالدین محمّد بن ابراهیم شیرازی.

کتاب: تفسیر فلسفی عرفانی سوره مبارکه حمد و شصت و پنج آیه از سوره مبارکه بقره است، و به طور کامل و مکرّر چاپ شده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن واضح است که در سده سیزدهم نوشته شده و حواشی حکیم إلهی آخوند ملّا علیّ بن جمشید نوری اصفهانی بر کتاب نیز، به خطّ کاتب متن در حواشی آمده است.

چند برگی از آخر سوره حمد و از آغاز سوره بقره در نسخه نیست.

مُهر تملّک نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین چهارسوقی: «الراجی جلال الدین بن محمّد مسیح الموسویّ» ظَهر نسخه هست.

«۱۶۴» تفسیر القرآن الکریم

(تفسیر ــ عربی)

از: علیّ بن ابراهیم بن هاشم قمی، علیهم الرحمه.

کتاب: از اقدم تفاسیر شیعه است مستند به روایات اهل بیت علیهم السلام با یک مقدّمه در انواع آیات قرآن کریم و خاتمه ای در فضائل و خواصّ آیات شریفه(۱)، و به طبع رسیده.

نسخه: به علّت بریدگیِ برگ آخر، نام کاتب و تاریخ کتابت آن معلوم نیست. ظاهرًا از سده «۹ ــ ۱۰» می باشد. چند برگ از آغاز نسخه نیز ناقص بوده که نیای گرامی، مرحوم

۱- ۱) این خاتمه که به عنوان «فضایل القرآن» شروع و مشتمل بر روایات مسنده در خواصّ سوره هاست ظاهرًا از اضافات این نسخه است و از اصل تفسیر نبوده، چنان که در نسخه های چاپی نیز نیامده است.

آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی، نوشته و تکمیل کرده اند. ظهر نسخهْ تملّک مورَّخ شوّال ۱۲۷۷ و مهر «عبده محمّدکاظم»، و نیز تملّک و مهر مرحوم حاج میرزا قوام الدین رشتی دیده می شود.

«۱۶۵» نسخه دیگر

نسخه: چند برگ از آغاز کتاب ناقص است و از پایان نسخه مستفاد می شود که کاتب آن محمّد طالقانی، در ۲۲ صفر ۱۰۴۲ آن را به انجام رسانیده و به شرح مرقوم در حاشیه، حمزه بن علیقلی در اواخر شوّال ۱۰۹۹، از مقابله نسخه با چند نسخه شریفه کم غلط فراغت یافته است.

«۱۶۶» تفسیر القرآن الکریم

(تفسیر ــ عربی)

از: فُرات بن ابراهیم بن فرات الکوفیّ ــ علیه الرحمه ــ ، از محدّثان شیعه در قرن سوم.

کتاب: مجموعه روایاتی است در تفسیر آیاتی از قرآن کریم که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده، و به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ عفیف الدین طیفور بن سراج الدین جُنید الحافظ الواعظ. در «الضّیاء اللّامع: ۷۲» آمده است:

«طیفور بن سراج الدین جنید، هو عفیف الدین الحافظ الواعظ المفسّر الجلیل، رأیت تفسیره الکبیر «الذریعه ۴: ۲۸۰» المقصور علی الأحادیث المَرویّه عن الأئمّه الطاهرین علیهم السلام. أکثر النّقل فیه عن «تفسیر فرات بن ابراهیم الکوفی. الذریعه ۴، ۲۹۸» و فی آخره أورد أحادیث کثیره فی مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، و فرغ منه الأربعاء (۱۸) ذیالحجّه و هو یوم الغدیر سنه (۸۷۶) و النسخه بخطّ پیر محمد بن علیّ بن

بهمن، فرغ من الکتابه (۱۶ جمادی الأولی ۹۰۹) فی مکتبه سلطان المتکلّمین»، انتهی.

فراغ از کتابت: روز چهارشنبه هیجدهم ذی الحجّه (۸۰۰ یا ۸۰۰ و کسری). ظهر نسخه نام کتاب «تفسیر غیاث بن ابراهیم، رضی اللّه عنه» نوشته شده است. رجوع به هر دو عنوان در «ذریعه» فرمایند.

تملّک صاحب مُهر «لک البهاء کلّه ۱۰۸۸»، و تملّک و مُهر «عبده مهدی بن عبدالکریم» به تاریخ غرّه ربیع یکم ۱۲۴۷، و مُهر «سلام علی ابراهیم»، و تملّک حاج میرزا عبدالرزّاق رشتی اصفهانی به تاریخ ذی الحجّه ۱۳۱۳ و مهر او «عبده عبدالرزّاق بن محمد کاظم»، همگی ظهر نسخه هست.

«۱۶۷» تفسیر القرآن الکریم

(تفسیر ــ عربی)

از: یکی از علماءِ اصفهان در سده سیزدهم.

کتاب: تفسیر عرفانی محقّقانه و بسیار مفیدی است بر قرآن کریم از آغاز سوره مبارکه حمد تا آیه شریفه ۲۵ سوره اعراف. برخی کلمات و شعر فارسی به ندرت در آن دیده می شود.

آغاز نسخه: «متی اصطلح الغنم و الذئب قال الراعی من حین اصطلح الراعی مع اللّه».

انجام: «قال فیها أی فی المحبّه تحیون بصدق الهمّه و قرع باب العزیمه و فیها تموتون بطلب الحقّ علی جادّه الشریعه بأقدام الطریقه و منها تخرجون الی عالم الحقیقه. و العلم عند اللّه تع».

نسخه: اصل و به خطّ مؤلّف است و مع الأسف برگ اوّل آن مفقود شده و در هیچ جای نسخه نامی و تاریخی دیده نشد، جز در پایان مطلبی در حاشیه بالای برگ چهارم

سوره الأنعام که به طور صریح نوشته است «جعفر الخراسانی» و این امضاء و مطلب حاشیه، به عین خطّ متن است و در بیشتر صفحات هم از این قبیل مطالب به همین خط در حواشی دیده می شود. به نظر می رسد که این صاحب امضاء، خود مؤلّف تفسیر باشد به ظنّ قوی، امّا شناخته نشد که کیست.

تملّک نیای گرامی مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدین موسوی چهارسوقی به تاریخ ۱۶ ماه شوال ۱۳۲۱ در هامش برگ سوّم نسخه هست که می رساند از کتابخانه والد ماجدشان آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم چهارسوقی بوده است.

«۱۶۸» تفسیر القرآن الکریم

(تفسیر ــ عربی)

از: ناشناس.

آغاز: «لِمَنْ یَشآءُ إناثًا و یَهَبُ لِمَنْ یَشآءُ الذُّکُورَ، فوهب اللّه لداود سلیمان، نِعْمَ الْعَبْدُ إنّهُ أوّابٌ، یعنی مُقبِلًا إلی طاعه اللّه إذْ عُرِض عَلَیْهِ بِالْعَشِیّ، یعنی فی آخر النهار، الصّافِناتُ الجِیادُ، یعنی الخیل. قال الکلبیُ و مقاتل: صفن الفرس إذا رفع إحدی یدیه».

انجام: «سوره النّاس ستّ آیات مکّیه. بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. قوله اللّه تبارک و تعالی قُل أعُوذُ بِرَبّ النّاس، یعنی سیّد النّاس، و یقال: أستعیذ بخالق النّاس، و یقال: أستعیذ باللّه الّذی هو رازق الخلق. ثمّ قال: مَلِکِ النّاس، یعنی خالق النّاس و مالکم و له نفاذ الأمر و الملک فیهم. ثمّ قال عزّ و جلّ: إله النّاس، یعنی خالق النّاس و مُعطیهم و مانِعهم. مِنْ شَرّ الوَسْ واس کذا، یعنی من شرّ الشّیطان، و یقال أستعیذ باللّه لیحفظنی من شرّ الشیطان لأنّی لا أستطیع أن أحفظ نفسی من شرّه لأنّه یجری فی نفس الانسان...

و أمّا شیاطین الإنس فیأتی علانیهً. و روی أبومعاویه عن عثمان بن واقد أرسلنی أبی

ص : ۱۵۰

إلی محمّد بن المنکدر أسئله عن المعوّذتین أ هُما من کتاب اللّه تعالی؟ قال: من لم یزعم أنّهما من کتاب اللّه تعالی فعلیه لعته اللّه و الملائکه و النّاس أجمعین إلی یوم الدین».

سپس مطلبی نقل شده که بقیّه آن در برگ آخر بوده و افتاده است. آخرین برگ موجود آخرین برگ کرّاسه چهاردهم می باشد، کما یظهر من النّسخه.

«۱۶۹» تفسیر کازور

(تفسیر _ فارسی)

برای آگاهی از اقوال گوناگون درباره مؤلّف و کتاب که تفسیر قرآن کریم است به زبان فارسی، باید به «الذریعه ۴: ۳۰۹: تفسیر گازر، و ۵: ش ۵۰۲: جلاء الأذهان» و «إحیاء الداثر: ۶۱ _ ۶۲» و «فهرست آقای احمد منزوی» رجوع شود. در نسخه معتبر جای گفتگو، نام مؤلّف نیست و نام کتاب «تفسیر کازور» به همین شکل، در پایان آمده است.

نسخه: از سوره مبارکه أنعام است تا پایان کهف.

آغاز: «بسم... الحمد للّه حقّ حمده و الصّلوه علی خیر خلقه محمّد و آله المعصومین. سوره الأنعام. عبداللّه عبّاس گفت که این سوره به یکبار فرود آمد به مکّه، هفتاد هزار فرشته بودند با وی به تسبیح و تهلیل».

انجام: «و هر که همه سوره بخواند وی را نوری باشد از زمین تا به آسمان. تمّت کتابه المجلّد الثانی من تفسیر کازور، بعنایه اللّه، علی ید العبد... حسین بن علیّ بن حسن به عیسی الحسینیّ السّبزواریّ مولدًا و محتدًا و منشأ، یوم الخمیس من العشر الأوّل لذی الحجّه الحرام، فی سابعه، لسنه تسعین و ثمانمائه. اللّهمّ اغفر لصاحبه و مصنّفه و قارئه...».

این تاریخ «پنجشنبه هفتم حجّه ۸۹۰» درست و مطابق تقویم است، و در هامش

همین موضع کاتب نوشته است که صاحب نسخه: «و هو الصاحب المحترم مفخر الحاجّ و الحرمین [کذا] خواجه حاجی فتح اللّه بن المرحوم خواجه مجدالدین استرآبادی.

و أمّا الکاتب، فقال الشیخ «رحمه اللّه علیه» فی «الضیاء اللّامع: ۴۸»: «الحسین السبزواریّ هو السیّد عزّالدین الحسین بن نورالدین علیّ بن بهآءالدین حسن بن شرف الدین عیسی الحسینی. کتب بخطّه الجیّد نسخةً من «الدُّروس» فی کرَک نوح من جبل عامل... و فرغ الکاتب من الکتابه یوم السّبت ۲۳ رجب (۸۷۱) و صحّحها بخطّه و قلمه و قرأها علی بعض مشایخه و علیها بلاغاته الکثیره... و علی ظهر الصّفحه الأُولی اجازه أحد مشایخه هذه صورتها: قرأ علیَ السیّد الامام الأعظم الأکمل صاحب النّفس القدسیّه و الأخلاق المرضیّه جامع الکمالات النفسانیّه السیّد الأعظم فرع الشجره الأحمدیّه و الزّیتونه العلویّه السیّد عزّ الدنیا و الدین حسین... و کتبَ... محمّد بن أحمد بن محمّد المطاریّ و ذلک فی العشر الاخر من شهر رمضان المعظّم سنه ۸۷۲».

صورت تمام اجازه شریفه در «ضیاء» آمده است. برای معرّفی کاتب جلیل القدر به همین اندازه اکتفا شد. و نسخه کتاب «دروس» موصوف را مرحوم شیخ در نزد مرحوم آقای حاج سیّد ضیاءالدین علّامه فانی اصفهانی دیده اند، رحمه اللّه علیهما.

خطّ نسخه: بسیار خوانا و نَسخ جلیّ است. همان گونه که در وصف نسخه «دروس» فرموده اند. تملّک «مخدوم بن نوراللّه بن نورالهُدی الحسینی الرضویّ الشجریّ» و مُهر محو شده او روی برگ آغازین است.

«۱۷۰» التّفسیر الوسیط

(تفسیر ــ عربی)

از: ابوالحسن علیّ بن أحمد الواحدی.

نسخه: از اوّل سوره مبارکه مریم است تا آخر قرآن کریم.

کـاتب: «محمود بن أبی الـنُّـهی بن أبیبکر بن عبـدالکریم الابهری. ظ. فی المـدرسه العزیّه ظ بمـدینه السّـلام تبریز، فی غرّه النّهار من یوم الثلثاء ۲۱ ربیع الاول ۷۳۱، بعد قرائته علی فخر الملّه و الحقّ و الدّین أحمد بن الحسن الجاربردیّ».

در صفحه آخر: اجازه جاربردی مذکور برای کاتب است بخطّ المُجیز.

«۱۷۱» تفصیل وسائل الشّیعه إلی تحصیل مسائل الشّریعه

(حدیث ــ عربی)

از: مولانا محمد بن حسن حُرّ عاملی، علیه الرحمه.

نسخه: از آغاز کتاب است تا آخر باب طهاره الحدید.

انجام: «اقول تقدّم وجهه، و اللّه أعلم».

کاتب: صـفرعلی بن اسـمعیل نجف آبادی اصـفهانی. تاریخ ختم اسـتنساخ: ۱۲۵۱. هیـچ گونه اثر تصـحیح و مقابله و تحشـیه و امتیازی ندارد.

«۱۷۲» نسخه دیگر

نسـخه: از آغـاز کتـاب زکـات است تـا آخر کتـاب اعتکاف. نام کاتب و تاریـخ کتابت به نظر نرسـید، و مسـلّمًا در اواسط قرن سیزدهم استنساخ شده و امتیازی ندارد.

«۱۷۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد چهارم است از آغاز کتاب جهاد تا انجام کتاب وصایا (که پس از آن جزءِ پنجم و کتاب نکاح است).

کاتب: صفرعلی بن اسمعیل نجف آبادی اصفهانی. تاریخ ختم استنساخ: روز دوشنبه

ص : ۱۵۳

۴ صفر ۱۲۵۱.

اثر تصحیح و مقابله و تحشیه و هیچ امتیازی ندارد. روی برگ اوّل فهرست کتب این جلد به اختصار نوشته شده و نیز: «کتابت این مجلد تخمینًا ۲۶۲۰۰ بیت».

«۱۷۴» نسخه دیگر

نسخه: جلد پنجم و از آغاز کتاب نکاح است تا کتاب لقطه و «باب حکم التقاط اللّحم و الجبن و البیض».

انجام: «فقال هُم فی سعه حتّی یعلموا».

کاتب: صفرعلی بن اسمعیل نجف آبادی اصفهانی. تاریخ پایان استنساخ: پنجشنبه ۲۷ ذی الحجه ۱۲۵۱.

هیچ نوع امتیاز و تصحیحی ندارد. روی برگ اوّل نوشته اند: «۳۴۵۶۰ بیت است تخمینًا».

«۱۷۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد ششم کتاب است از «کتاب الفرایض و المواریث» تا آخر.

انجام: پایان نسخه که مشتمل بر تاریخ تألیف و نام کاتب و تاریخ کتابت است عینًا نقل می شود: «و کان الفراغ من تألیفه فی منتصف رجب سنه ۱۰۸۲. ثم یقول الفقیر الی اللّه الغنی مصطفی بن عبدالواحد ابن سیار الحویزاوی محتدًا المشهدی مسکنًا: انّی قد نسختُ هذه النسخه المبارکه من نسخه الأصل و کان الفراغ منها فی الیوم التاسع من شهر ربیع الثانی من شهور سنه ۱۱۰۰».

در هامش این موضع نوشته اند: «به تاریخ شهر محرّم سنه ۱۱۳۰ ملاحظه شد» و مهر

ناخوانا، ظاهرًا: «عبده زین العابدین الحسینی».

روی برگ اوّل نسخه وقف نامه «نوّاب مریمی آداب فاطمی ألقاب... مریم بیگم» به تاریخ ۱۱۱۶ نوشته و به مُهر مشار الیها رسیده است که تولیّت پس از او با پادشاهِ وقت و نسخه در «مدرسه واقفه واقعه در خارج دروازه حسناباد» باشد.

کاتب نسخه، شاگرد صالح مؤلّف است و در «امل الأمل» عنوان دارد و از آنجا در «کواکب منتثره: ۷۲۷».

«۱۷۶» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب الفرایض و المواریث است تا پایان کتاب بدون خاتمه. نام کاتب و تاریخ کتابت و اثر مقابله و تصحیح ندارد.

«۱۷۷» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتابِ «الفرائض و المواریث» است تا پایان کتاب و خاتمه آن. تاریخ ختم تألیف این جلد، نیمه ماه رجب ۱۰۸۲.

کاتب نسخه: محمد مؤمن بن ملا محمد طالقانی «بحسب الأمر امیرالسادات العظام و نجباء الکرام حاوی الاصول و الفروع جامع المعقول و المنقول اعنی مجتهد الزمان سید رضی علوی اصفهانی». تاریخ ختم استنساخ: اواسط جمادای یکم ۱۰۹۶. آثار مقابله و تصحیح و حاشیه ای ندارد.

«۱۷۸» التّقریرات

(اصول فقه ــ عربی)

از: نیای معظّم راقم فهرست، آیه اللّه آقای حاجّ میرزا سیّد حسن چهارسوقی (متولّد روز شنبه سوم ماه رجب ۱۲۹۴، متوفّی شب پنجشنبه سیزدهم جُمادای یکم ۱۳۷۷،

ص : ۱۵۵

مدفون در وادیالسـلام نجف اشرف)، فرزند گرامی آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح (۱۲۵۵ _ ۱۳۲۵)، فرزند فرزانه آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّدباقر موسوی صاحب روضات الجنّات (۱۲۲۶ _ ۱۳۱۳)، أعلی اللّه تعالی مقاماتهم.

کتـاب: تقریرات مبسوط درس اصول فقه اسـتادالفقهاء مرحوم آیه اللّه آقا سـیّد محمّـدباقر موسوی درچه ای اصـفهانی، مجتهد جلیل القدر (۱۲۶۴ _ ۱۳۴۲) است، در دو مبحث:

۱ _ مبحث ظنّ، با تاریخ ۲۹ جُمادای یکم ۱۳۱۶ تا ۱۵ ذی القعده ۱۳۱۷.

۲ _ مبحث اصل برائت و احتیاط، که در روز ترویه ۱۳۱۷ شروع و در ۱۵ شوّال ۱۳۱۹ به مسأله أقلّ و أکثر ختم شده است.(۱)

نسـخه: اصل مبیّضه خطّ مؤلّف بزرگوار است. صورت چند اجازه مؤلّف و چند مادّه تاریخ به خطّ شریف ایشان در آغاز نسخه هست.

«۱۷۹» تقویم آیات القرآن

(علوم قرآنی _ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: کشف الأیات قرآن کریم است بر اُسلوب قدیم و ظاهرًا از آثار قرن ۱۱ _ ۱۲

۱- ۱) از جمله کسانی که تقریرات درس اسـتاد الفقهاء آقای درچه ای را نوشـته اند: میرزا محمّد جعفر فرزند میرزا محمّد علی بن مؤمن بن محمّد حسین بن میر عبدالحفیظ بن میر محمّد اشرف «صاحب علاقه التجرید» است، که تقریرات درس استاد را در فقه و اصول _ هر دو _ نوشـته و در چهار مجلّـد قرار داده است. مرحوم آقای علاّمه امینی صاحب الغـدیر _ أعلی اللّه مقامه _ دوره را به نجف اشـرف منتقـل و در کتابخـانه امیرالمؤمنین _ علیه السـلام _ نهـاده انـد: «کواکب منتثره: ۲۲۶». یاد شده، عالم جلیل مرحوم حاج سـیّد جعفر سدهی، والد ماجد مرحوم آقای حاج سـیّد جمال الدین صِـهری واعظ عالم شـهیر اصفهان متولّد (۱۳۲۱) متـوفی (۷ _ ع ۲ _ ۱۳۸۸) مـذکور در «دانشـمندان مهدوی: ۲۳۷» اسـت. ایشـان خـود اثر پـدر یعنی «تقریرات» را به مرحوم علاّمه امینی اهداء کرده اند.

می باشد. یک نسخه دیگر نیز در «الذریعه» معرّفی شده است، به اجمال.

آغاز: «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. این رساله ایست در باب یافتن آیات قرآن که در کـدام جزو است مثلًا بعد از کلمه «اتّخذ» این شکل «کج ا» نوشـته اند، شـکل اوّل که کاف و جیم است علامت «جزو» است یعنی این آیه در جزو ۲۳ است و شکل دوم که الف است علامـت «رکوع» است یعنی در رکوع اول جزو ۲۳ و علامت ۲۳ که در بالا نوشـته شده آن نیز علامت جزو است به واسـطه تبیین نوشـته انـد، و همه علامـات از این قرار است. القسم الأـوّل فی أوائـل الأـی. باب الألف من الألف بعـدهما التّاء - ءأتّخذ، کج ۲۳ ۱).

نسخه: به خطّ غیاث الدّین محمّد بن امیر جعفر حسنی. تاریخ پایان استنساخ: اوّل محرم ۱۱۱۶ در مدرسه جدّه کبیره اصفهان.

در چهـار صـفحه اوراق بـدرقه آخر نسـخه نیز مطـالب متفرّقه از احصـاءِ آیـات قرآنی و فهرست ابواب «تقویم آیـات القرآن» و ساعات استخاره نوشته شده است.

روی برگ اوّل وقفنامه نسخه نوشته شده واقف: «اقلّ الطلبه عبد الجلیل تبریزی» و «اختیار تولیه غیر را نیز به اوستادی ام فضیلت و کمالات پناه مستغنی الألقابی آخوند ملّا محمّد شریف تبریزی مفوّض نمودم».

تاریخ تحریر وقفنامه: ماه شوّال ۱۱۳۹.

«۱۸۰» تکمله المصادر

(لغت ــ عربی به فارسی)

از: نامعلوم.

کتـاب: در تکمیـل دو کتـاب «مصـادر» زوزنی و «مصـادر» بیهقی «یا: بُستی» نگاشـته شـده است به ترتیب ابواب ثلاثی مجرّد و مزید، در ۲۸ باب. نسخه ای دیگر از این کتاب در کتابخانه سلیمانیّه استانبول «شهید علی پاشاه: ۲۶۹۹» موجود است.

ص : ۱۵۷

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. از قرائن، در اوائل سده یازدهم نوشته شده، لکن تمام و مصحّح است و فهرست ابواب در مقدّمه به خطّ کاتب آمده است.

تملّک و مُهر ابوالفضائل بن حاجی حسین یزدی: «عبده ابوالفضائل» و نصیر بن حاجی میرزا بیک یزدی: «نعم المولی و نعم النّصیر ۱۱۰۳» و «منتظر فتوح لطف إلهی ۱۱۱۶» و «نعم المولی و نعم النصیر ۱۰۸۵» و «و اذکر فی الکتاب اسمعیل» و «عبدالرزّاق بن محمد کاظم» در تاریخ ۲۴ ذیحجه ۱۲۹۳ و «قوام الدین بن عبدالرزاق» در نسخه هست.

در حاشیه های بالای صفحات از آغاز تا برگ ۷۴ متنِ «تهذیب المنطق» و تا برگ ۴۲، قدری از «حاشیه تهذیب المنطق» از آخوند ملّا عبداللّه یزدی ــ علیه الرحمه ــ به خطّ کاتبِ اصل نوشته شده است.

«۱۸۱» تلخیص الأقوال فی تحقیق أحوال الرجال معروف به رجال وسیط

(رجال حدیث ــ عربی)

از: میرزا محمد بن علی استرآبادی، علیه الرحمه.

دانش اسلام به وسیله گروهی بیشمار از مردم زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمان ائمّه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است. این دانش ها را به زبان عربی؛ حدیث، روایت، خبر می نامند و آنها که این دانش ها را به ما رسانیده اند، رُوات (جمع راوی) گویند. خواه از مردم زمان پیغمبر اکرم یا زمان ائمّه اطهار علیهم السلام . در قرن سوّم هجری که انبوهی از روایات و احادیث اسلامی در سینه های روایان و محدّثان و هم در گوشه و کنار خانه های آنها، بر روی پوست، یا استخوان حیوانات، یا برگ و پوست بعضی از درختان و به نُدرت بر

روی کاغذها جمع شده بود و از طرفی نیز دانشمندان بزرگی در دنیای اسلام به پا خاستند و وارث آن همه آثار اسلامی گشتند، برای آنکه ترتیبی در کار روایت ها داده و راویان را بشناسند و در نتیجه همچنان که در خود روایت ها نیز دستور بود، روایت های درست را از نادرست تشخیص دهند، گروهی از دانشمندان، نام های راویان را و آنچه درباره آنها از مشایخ خود شنیده بودند در دفترهایی جمع کرده و بر آنها نام «أسماء الرّجال»، «معرفه الرّجال»، «فهرست أسماء الرّجال»، «المشیخه»، «التّراجم»، «معرفه أخبار الرّجال»، «تاریخ الرّجال» و امثال اینها گذارده، و کم کم راوی شناسی علمی مخصوص گشته و به علم «رجال» شهرت یافت و تألیفات بی شماری درین رشته پدید آمد که نام بیشتر آنها در «الذریعه إلی تصانیف الشّیعه ۱۰: ۸۰ تا ۱۶۱» آمده، و هم گروه بسیاری از نویسندگان کتب رجال و تألیف آنها در «فهرست دانشگاه ۲: ۴۸۵ تا ۴۹۷» یاد شده اند.

بزرگ ترین دانشمند راوی شناس محقّق شیعه، میرزا محمّد بن علی بن ابراهیم استرآبادی(۱) است که سوای دو کتاب «آیات الأحکام» و حاشیه «تهذیب الأحکام»، سه اثر مهمّ در رشته رجال و راوی شناسی نگاشت. بزرگ تر و معروف تر و محقّقانه تر از دو دیگر «منهج المقال» است که به رجال کبیر شهرت یافته و چاپ شده. میرزا این کتاب را هنگامی که در نجف اشرف می زیسته تألیف نموده و به سال ۹۸۴ آن را پایان داده است.

صاحب «کشف الحُجب: ۴۸۸»، کتابِ «منهج المقال» را به عنوان «مجمع الأقوال»

۱- ۱) در فهرست مرکزی دانشگاه تهران که نسخه بسیار نفیس «منهج المقال» را معرّفی کرده اند، مؤلّف را به عبارت شگفت آور «مولی سیّد میرزا» و «حسینی» وصف نموده اند. امّا باید دانست که آن مرحوم از طرف مادر شریف بوده اند و سیادت از جانب پدر نداشته اند، اگر چه این اشتباه سابقه داری است و صاحب کتاب «جامع الرواه» نیز گویا بر این باور بوده است.

ذکر کرده است.

دوّمین کتاب رجالی او، همین «تلخیص الأقوال» است که به رجال وسیط مشهور شده و آن را پس از «منهج المقال» تألیف و در ۱۰ ج ۲ _ ۹۸۸ تمام کرده است.(۱)

سوّم: کتاب معروف به وجیز و رجال صغیر که نسخه آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است «فهرست آنجا ۲: ۳۵۹ و ۶: ۶۰۶». صاحب «ریحانه الأدب» چند بار این «رجال صغیر» را «توضیح المقال» خوانده است، بدون ذکر مأخذ و گویا اشتباه است.

میرزا محمّد مدّتی از پایان زندگی خود را در مکّه معظّمه گذرانیده و عاقبت به سال ۱۰۲۸ در همانجا وفات و در جوار مزار حضرت خدیجه علیهاالسلام به خاک رفت. شرح حالش اجمالًا در «ریحانه الأدب ۲: ۴۲۴» مسطور است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه و کفی و سلام علی عباده الّذین اصطفی. أمّا بعد، فهذا کتاب «تلخیص الأقوال» فی تحقیق أحوال الرّجال قد أثبتُّ فیه الأسماءَ علی ترتیب الحروف، مُراعیًا للأوّل ثمّ الثانی و هکذا. و للأصل من عدم الزّیاده حرفًا و حرکةً فقدّمتُ مثلًا عبید علی عُبیده، و عَمرو علی عُمر فی أسمآءِ الرّجال، ثمَّ یتبعها من أسمآءِ الابآءِ و الکُنی

ص : ۱۶۰

۱- ۱) «تلخیص الاقوال» در «الذریعه ۴: ۴۲۰» یاد شده و نسخه وقفی مورّخه ۱۰۱۵ دارای اجازه به خطّ مؤلّف را در کتابخانه شیخ عبدالحسین طهرانی _ أعلی اللّه مقامه _ در کربلا نشان داده اند. نسخه ای نیز در «فهرست دانشگاه ۲: ۵۴۹» مورّخه ۱۰۸۹ معرّفی شده و نام کتاب در اوّلْ «تلخیص الاقوال» و در دوّمْ «تلخیص المقال» آمده است. ما نیز نسخه ای به همین نام خواهیم آورد «ش ۱۸۶». تکمله: در کتاب شریف «الروضه النضره» صاحب الذریعه که به سال ۱۴۱۱ چاپ شد، ده نسخه به عنوان اوّل و سه نسخه به نام دوّم، با مشخّصات هر یک معرّفی شده و شرح حال یک صفحه ای مرحوم میرزای استرآبادی نیز در صفحه ۴۹۷ دیده می شود. لازم است یادآور شویم که صفحه اوّل نسخه جای گفتگو نونویس است و معلوم نیست در برگ اصلی مفقود، «تلخیص الأقوال» بوده است یا «تلخیص المقال».

و نحوهما و أَعلمُ للخلاصه «صه» و للنّجاشی...».

پس از ذکر علامتهای اختصاری، شروع در باب الف و نام هایی که به حرف الف آغاز می شود نموده و به باب یاء خاتمه داده، و بعد بابی برای کنیه ها و لقب ها و نسبتها و زنانی که روایت حدیث کرده اند نهاده، و خاتمه ای قرار داده مشتمل بر ده فائده و در آخر فائده دهم، سند روایت خود را به اصحاب حدیث متّصل نموده است.

انجام: «فرغ منه مؤلّفه الرّاجی عفو ربّه الهادی محمد بن علی الاسترآبادی عاشر شهر جمادی الاخره سنه ۹۸۸ حامدًا مصلّیًا... و کتب بیُمناه الدّاثره فقیر عفو ربّه القویّ الغنیّ محمّد باقر الموسویّ الحسینیّ، ببلده اصفهان».

نسخه: دارای ۳۲۳ برگ است که برگ اوّل و برگ آخر آن نونویس و به خطّ نیای بزرگوار، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّدباقر چهارسویی صاحب «روضات الجنّات»(۱) ــ أعلی اللّه مقامه ــ می باشد و بقیّه در زمان خود مؤلّف نوشته شده و حاشیه های فراوان و بسیار مهمّ شخص مؤلّف با توقیع «منه سلّمه اللّه» و «منه دام ظلّه» و «منه مدّ ظلّه العالی» است،(۲) و نسخه در نهایت صحّت و دارای آثار مقابله می باشد.

متن: خطّ نستعلیق بسیار خوب ۱۹ سطری، حواشی نَسخ ممتاز، عناوین به شنگرف، جدول کشیده با طلای اشرفی، کاغذ دولت آبادی، قطع ۱۲ و نیم × ۲۵. جلد تیماج

---

۱ - ۱) متولّد ظهر ۲ شنبه ۲۲ صفر ــ ۱۲۲۶ در خوانسار، متوفی اواخر ثلث اوّل شب ۲ شنبه ۸ ج ۱ ــ ۱۳۱۳ در اصفهان، مدفون در بقعه تکیه مخصوص به نام خود در تخت پولاد اصفهان ــ برّد اللّه مضجعه الشریف ــ . ایشان امضاءِ نام و نسب خود را در پایان نسخه ــ چنان که نقل کردیم ــ «محمدباقر الموسویّ الحسینیّ» مرقوم فرموده اند.

۲ - ۲) از حاشیه مفصّلی که بر ترجمه «الحسین بن اسکیب» مرقوم فرموده، معلوم می شود که نسخه «خلاصه الأقوال» علاّمه حلّیِ مورد استفاده ایشان، دارای حواشی و تعلیقات شهید ثانی و به خطّ خود آن جناب بوده است. رضوان اللّه علیهم أجمعین.

سرخ مقوّایی ضربی طلای اشرفی صفوی اعلا. داخل: تیماج زرد تیره، جدول کشیده.

گویا نسخه برای شخصیّت والایی نوشته شده و فراهم گشته است و نیز این که برگ نخستین دارای سرلوح و تزیین ارزشمند بوده، در زمان دور، آن را جدا کرده اند!.(۱)

«۱۸۲» نسخه دیگر

نسخه: کامل و مصحّح است و دارای حواشی مؤلّف و حواشی دیگر با امضاءِ «مح سد، عُفی عنهما» که بی شکّ همان محمد بن سعید قطیفی یکی از مالکان نسخه است.

کاتب: صلاح بن بَراهیم بن محمد بن سعید بن حسین اللحیل الجمریّ الأوالیّ الموالی. تاریخ کتابت، سنه ۱۰۷۷ و تاریخ ختم تألیف در این نسخه نیز دهم جمادای دوم ۹۸۸ قید شده است. ظهر نسخه این شرح دیده می شود: «هو اللّه. دخل فی حیازه أقلّ عباد اللّه و أحوجهم الی رحمه ربّه، الفقیر الی اللّه الغنیّ محمّد بن سعید القطیفیّ، عفی اللّه عنهما، بتاریخ شهر ربیع المولود للسنه السادسه و الثمانین و ألف». مهر خوانده نمی شود.(۲)

أیضًا تملّک احمد بن ملاّ أبوالحسن، و تملّک «ابن عبدالحسین الحسینی» و مهر او «محمد معصوم الحسینی».

«۱۸۳» تلخیص المحصّل

(کلام ــ عربی)

از: خواجه امام نصیرالدّین محمّد بن محمّد بن حسن، محقّق طوسی، أعلی اللّه مقامه.

ص : ۱۶۲

---

۱ - ۱) نسخه خوبی از «تلخیص» و «فهرست شیخ الطائفه طوسی» و «ایضاح الاشتباه» در کتب اهداییِ امام جمعه به دانشکده ادبیّات تهران موجود است «فهرست: ۶۲».

۲ - ۲) «الروضه النضره»: محمّد القطیفیّ ابن سعید: رأیت بعض تملّکاته لکتُب علمیّه فیها المجلّد الثانی من «المسالک»، کتَب تملّکه علیه فی (۱۰۸۷)، و النسخه عند مشکور الحولاوی فی النجف».

کتاب: شـرح «قال. أقول» و تهذیب و تصحیح کتابِ «محصّل أفکار المتقدّمین و المتأخّرین من الحکماء و المتکلّمینِ» محمد بن عمر، فخر رازی است در علم کلام، و در «کشف الظنون» گویـد که محقّق در ماه صـفر ۶۶۹ (تسع و ستین و سـتّمائه) از تحریر آن فراغت یافته است.(۱) کتاب به صورت ناقص و تحریف شده در ذیل اصل «محصّل» در مصر چاپ شده است.

نسخه: از برگ ۸ تا اواسط ظهر برگ ۱۳ به تصدیق میرداماد و غیره به خطّ علاّمه حلّی ـ قدّس اللّه روحه ـ است، و از آنجا تا پایان برگ ۱۸ به خطّی شبیه خطّ مرحوم علاّمه است، و از برگ ۱۹ تا برگ ماقبل آخر به خطّ دیگری است با تصـحیحاتی به خطّ علاّمه. هفت برگ آغاز نسخه و برگ آخر که از اصل نسخه مفقود بوده ظاهرًا در زمان میرداماد نوشته شده است.

تملّک جناب میرداماد «محمّـد بن محمّد المدعوّ بباقر داماد الحسـینی» به تاریخ ۱۰۰۲ در اصـفهان و مُهر او «یثق بالملک القادر الغنیّ، عبـده محمّـدباقر بن محمّد الحسـینیّ» و تملّک سیّد محمّد بن محمد صالح حسـینی و مُهرِ «عبدالقادر الحسـینی» در ظهر نسخه هست.

در هامش برگ ۸، میرداماد گواهی داده است که از آنجا خطّ علاّمه حلی است. رحمه اللّه علیهم اجمعین.

«۱۸۴» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمّد حسین بن محمّد حسین «کذا» هزارجریبی. تاریخ ختم کتابت:

ص : ۱۶۳

۱- ۱) تاریخ تألیف در این نسخه و نسخه ش ۱۸۳ نیامده است.

غرّه ماه رجب ۱۰۰۴. تملّک حاج محمد شفیع خوئی و مهر او «عبده الرّاجی محمّد شفیع» ظهر نسخه و تاریخ ولادت آقا محمّد صالح شب جمعه ۲۷ ذی القعده ۱۱۱۷ و زایجه او در آخر نسخه است.

«۱۸۵» تلخیص المفتاح

(ادب ــ عربی)

از: خطیب دمشقی محمّد بن عبدالرحمان قزوینی (متوفی ۷۳۹).

کتاب: تلخیص قسم سوّمِ «مفتاح العلومِ» ابو یعقوب یوسف سکّاکی در فنون بلاغت است، با افزودن فوائدی.

نسخه: به خطّ نصرالدین عبدالمؤمن حسنی. تاریخ استنساخ: روز پنجشنبه ۲ ماه رجب ۹۸۹ در شهر اکره.

روی صفحه اوّل فهرست کتاب و بالای اوراق عدد شمار اوراق نسخه به سیاق نوشته شده است. حواشی متفرّقه در هامش نسخه به خطّ کاتب هست.

«۱۸۶» تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال

(عربی)

پیرامون این کتاب و مؤلّفش محقّق بزرگ میرزا محمد استرآبادی رحمه الله و نسختی از آن در شماره «۱۸۱» گسترده سخن گفتیم. اینک نسخه دیگری را می شناسانیم.

دو مطلب شایان ذکر نیز به عنوان تکمیل گفته های سابق باید نوشت:

اوّل این که: دانشمند محقّق بارع، حاج ملاّ محمّد بن علی اردبیلی از شاگردان علاّمه مجلسی و عالم جلیل شیخ جعفر کمره ای، که در اماکن مقدّسه عراق عرب می زیسته و بنا به نگارش آقا رضی بن محمّد قزوینی در ماه ذوالقعده ۱۱۰۱ در کربلای معلّی بدرود

زنـدگی گفته است، کتـابی بس مفیـد و گرانبهـا در علم رجـال و راوی شناسـی به نام «جامع الرّواه» تألیف نموده(۱) که درین اواخر در طهران به طبع رسـید. وی این کتـاب را به منزله ذیلی بر «تلخیص المقالِ» استرآبادی قرار داده و تمام آن را از آغاز تا انجـام در رجـال خود پراکنـده نموده تـا آنجـا که خطبه و دیبـاچه و خاتمه را نیز نقل کرده است، جز این که حواشـی فراوان و بسـیار مهمّ شـخص مؤلّف «تلخیص» بر کتابش در این کتاب دیده نمی شود. ظاهرًا نسـخه نه چندان معتبر مورد استفاده مرحوم اردبیلی، دارای تمام حواشی نبوده است، و این نقیصه بزرگی است که لازم است در یک چاپ محقّقانه تدارک شود.

هنگـامی کـه نویسـنده ایـن فهرست در حـوزه درس مرحـوم آیه اللّه عظیم الشّـان نـابغه المتـأخّرین حـاج آقـا حسـین طباطبـائی بروجردی ـ اعلی اللّه مقامه الشریف ـ(۲) در قم مشغول تحصیل بود، آن عالم بزرگ، فرمان طبِع «جامع الرّواه» را از آن روی که رجال بسـیار مفید و مهمّی است صادر نمود و خود نیز مقدّمه جامعی برای آن کتاب املاء فرمود که عینًا در آغاز نسـخه به طبع رسید. این مقدّمه دارای فوائد بسیار و شایان مراجعه است.

---

۱ – ۱) تاریـخ فراغت از تألیف «جامع الرواه» شب ۱۹ ربیع الاول ۱۱۰۰. آقا رضـی ابن محمد قزوینی که خود نسـخه ای از این کتاب را در نجف اشـرف ظرف چند سال از روی نسـخه اصل استنساخ و در روز پنجشنبه ۲۷ محرّم ۱۱۱۵ از آن فراغت یافته است در صـفحه اوّل نسـخه خود که تاریخ رحلت مؤلف را یاد کرده است، چنین نوشـته: از مؤلّف قدس سره شنیدم این کتاب را در مدت ۲۵ سال تصنیف کرده است: «مقدمه جامع الرواه، صفحه ل».

۲ – ۲) آیه اللّه بروجردی قدس سره در ماه صفر ۱۲۹۲ (یا اوائل ۱۲۹۱) در بروجرد متولّد و صبح ۵ شنبه ۱۳ ماه شوال ۱۳۸۰ در بلده طیبه قم وفات یافت و بر حسب دسـتور خود ایشان در دالان مسجد اعظم مدفون شد. شرح حال آن مرحوم را نویسنده این فهرست در کتاب «زنـدگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۶۰ ـ ۱۶۴» نوشـته و به طور مبسوط در چند کتاب مسـتقل نیز تدوین و هم در کتاب «تاریخچه شهر سامرا» مذکورست.

دوّم این که: نام کتاب در نسخه ای که به شماره «۱۸۱» شناساندیم، در برگ اوّل و دیباچه مؤلّف که به خطّ شریف نیای معظّم، صاحب «روضات الجنات» است؛ «تلخیص الأقوال» آمده و درین نسخه _ جای گفتگو _ به خطّ شیخ احمد احسائی «تلخیص المقال». در موضع سابق نیز یاد کردیم که در «ذریعه ۴: ۴۲۰» بسان اول، و درنسخه «فهرست دانشگاه ۲: ۵۴۹» همچون ثانی است. در «جامع الرواه: ۷»، تلخیص المقال است و در همه جای «مصفّی المقال»، تلخیص الأقوال. جز اینکه در ص ۴۳۰ مصفّی که اجمالی از شرح حال استرآبادی و نسخ کتب رجالی او را یاد کرده، هر دو را ضبط و «الأقوال» را به صورت نسخه بدل نوشته اند.

نسخه: دارای ۲۵۶ برگ و ۲ برگ عطف در اوّل و آخر. صفحه اوّل و از برگ ۲۵۱ تا آخر نونویس و به خطّ عالم شهیر شیخ احمد احسائی(۱) است و بقیّه گویا در زمان مؤلف نوشته شده که بعضی از حاشیه ها دارای توقیعِ «منه دام ظله»، یا «منه مدّ ظلّه» می باشد. احسائی در پایان این نسخه نوشته است:

«و قد فرغ من تتمیم هذا الکتاب بهذه الأوراق العبدُ الفقیر المسکین أحمد بن زین الدّین بن ابراهیم بن صقر بن ابرهیم بن داغر، السّاکن قریةَ «المطیرفی» متأصّلًا، غفر اللّه لهم اجمعین، ضُحی الخمیس الثامن و العشرین من ربیع الثانی سنه ۱۱۹۹ من الهجره النّبویّه، علیه و آله السلام، ذاکرًا حامدًا مصلّیًا مستغفرًا راجیًا خائفًا سائلًا من الجواد الکریم».

نسخه در پاره ای از جاها دارای آثار مقابله است. تصحیحات در حواشی مختلف نوشته شده. تمام حواشی مؤلّف در این نسخه نیامده و در چند موضع حاشیه هایی با

ص : ۱۶۶

---

۱ - ۱) ولادتش در ماه رجب ۱۱۶۶، وفاتش روز ۱ شنبه ۲۱ ذی القعده ۱۲۴۱، مدفنش در قبرستان بقیع مدینه منوّره، شرح حالش مفصّلا در «روضات الجنات ۱: ۲۱۶ _ ۲۳۲» طبع اصفهان در متن کتاب و حواشی نویسنده این فهرست مذکورست.

امضای «محمّد بن محمّد باقر الخراسانی، عفی عنه» دیده می شود. روی برگ ۲ تملّک «أبو جعفر...» به تاریخ غرّه ع ۲ ــ ۱۲۱۷ و در اوّل و آخر نسخه مُهر «لا اله الاّ اللّه الملک الحقّ المبین. عبده...» هست که پس از کلمه ابو جعفر و عبده محو شده و خوانده نمی شود.

خط نسخ ۲۲ تا ۲۵ سطری، ۴ برگ آخر شکسته نستعلیق، حواشی مختلف، عناوین به سرخی، کاغذ زاغی شکری رنگ، جلد دو شکل تیماج قهوه ای که با تیماج سیاه تعمیر شده، آستر یک طرف تیماج قرمز، طرف دیگر بدون آستر است. قطع ۱۳ × ۲۴، متن نوعًا ۷ × ۱۸.

«۱۸۷» تمهید القواعد الأُصولیّه و العربیّه لتفریع فوائد الأحکام الشّرعیّه

(قواعد ــ عربی)

از: شهید ثانی شیخ زین الدّین بن علیّ بن احمد شامی عاملی، علیهم الرحمه.

نسخه: تاریخ تألیف و نام کاتب ندارد. تاریخ انجام کتابتِ قسم اوّل، ۱۲۲۳ است. یک حاشیه در اوائل کتاب از «ملاّ محمّد علی نوری، مدّ اللّه أیّام إفادته» و حاشیه ای دیگر از «محمّد تقی عفی عنه» است که این شخص تملّک خود را به عنوان و امضاءِ «اقلّ الطلبه محمّد تقیّ بن محمّد بشیر» به تاریخ ۲۵ ماه رجب ۱۲۸۶، در ظهر نسخه نوشته است.

«۱۸۸» نسخه دیگر

تاریخ پایان تألیف در این نسخه: وقت ظهر روز جمعه مفتتح ربیع دوّم ۹۵۸ ضبط شده است، بر خلاف نسخه دیگر (مجموعه ش...) که آن درست است و مطابق تقویم.

نسخه: به خطّ بانویی است که خود را «أقلّ خلق اللّه منزلاً و مرتبةً: بنت محمّد هادی بن مانی» شناسانده است.

تاریخ پایان استنساخ: روز جمعه ۱۶ ربیع دوّم ۱۰۳۵. برگ اوّل مفقود شده است.

تنبیه الخاطر: نزهه النّاظر

«۱۸۹» التّنبیهات العَلیّه علی وظائف الصّلوات القلبیّه

(معارف ــ عربی)

از: شهید ثانی شیخ زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی، علیهم الرحمه.

کتاب: در اسرار نمازها است. تاریخ تألیف: روز شنبه نهم ذی الحجّه (عرفه) ۹۵۱.

نسخه: نام کاتب ندارد، لکن تاریخ انجام کتابت: روز شنبه از ربیع دوّم ۱۰۹۵ در پایان نسخه قید شده. تملّک و مهر مرحوم سیّد محمّدعلی موسوی لاریجانی مازندرانی اصفهانی، و نیای گرامی، آیه اللّه حاجّ میر سید علی بن آیه اللّه حاج میر سید محمد موسوی چهارسوقی در ظهر نسخه هست.

«۱۹۰» تنزیه الأنبیاءِ و الأئمّه صلوات اللّه علیهم و سلامه

(کلام ــ عربی)

از: سیّدنا الشریف الأجلّ المرتضی ذوالمجدین ابوالقاسم علیّ بن الحسین بن احمد الموسوی، اعلی اللّه مقامه.

نسخه: تمام است. کاتب: ابن المرحوم اسمعیل محمد عبدالله. تاریخ پایان کتابت: پنجشنبه ۱۲ ماه رمضان ۱۰۸۴. امتیازی ندارد.

ص : ۱۶۸

در آخر نسخه سه صفحه درباره اسامی و احوال آباءِ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به فارسی نوشته شده و در صفحه چهارم، شرحی درباره ادلّه فقهیّه شیعه به عربی.

«۱۹۱» التنقیح الرائع من المختصر النافع

(فقه ــ عربی)

از: شیخ مقداد بن عبداللّه سیوری حلّی معروف به فاضل مقداد، علیه الرحمه.

کتاب: در شرح «مختصر نافع» محقّق حلّی است به «قوله»، در دو مجلّد.

نسخه: شامل هر دو مجلّد است: اوّل از مقدّماتی در تعریف فقه تا کتاب وصایا. دوّم از کتاب نکاح تا دیات.

کاتب: محمّد بن حسین بن محمّد، در غره ربیع دوم ۱۰۳۰ از کتابت آن فارغ شده.

تملّکِ محمّد تقی بن محمّد مهدی سهروردی شهیر به شولستانی به سال ۱۰۱۴ با مُهرِ «عزّ من قنِع و ذلّ من طمِع، محمّدتقی، سنه ۱۱۰۳» و تملّک مهدی ملقّب به آقا بزرگ ابن حاجی و مهر «افوّض أمری إلی اللّه، عبده محمد مهدی، ۱۱۶۶ ظ» و اجازه گرفتن مرحوم حاج میرزا محمّد باقر بن علی نقی موسوی زنجانی اصفهانی از سرکار شریعتمدار حاجی شیخ مرتضی در نجف برای تصرّف کردن در کتاب به تاریخ ماه صفر ۱۲۶۱ و تملّک مرحوم حاج آقا محمّد بن حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج میرزا محمدباقر زنجانی در ظهر نسخه دیده می شود.

«۱۹۲» تنقیح المرام

(اصول فقه ــ عربی)

چنانکه در «حاشیه عدّه الاُصول. ش ۳۱۲» یاد کرده ایم، کسانی از شاگردان مولانا خلیل قزوینی نگارنده «حاشیه عدّه الاصول» بر کتاب مذکور او حاشیه نوشتند که از

جمله آنها حاج ملّا علی اصغر بن محمّد یوسف قزوینی است. وی در این باب، کتاب «تنقیح المرام» جای گفتگو را در چندین مجلّد بزرگ نگاشت.

نسخه ما مجلّد اوّل کتاب است که تمام این مجلّد فقط گزارش حاشیه اولی از حواشی خلیلیّه «مذکور در شماره یاد شده» می باشد. قزوینی در آغازِ این مجلّد گوید: «چون دانشجویان به فراگرفتن حواشی عدّه الأُصول فاضل مؤیّد... مولی خلیل قزوینی بسیار راغبند، لکن در آن مطالب مشکلی بود، من این کتاب را در حلّ مشکلات و توضیح عبارات آن نوشتم...».

از نسخ و مجلّدات دیگر این کتاب اطّلاعی در دست نیست و در فهارس موجود چیزی نیافتیم، جز اینکه در «ذریعه ۴: ۴۶۴» که آن را عنوان کرده است، فرماید: «نسخه ای از مجلّد سوّم کتاب را که به آخر مبحث مجمل و مبیّن منتهی می شود به خط نگارنده آن دیدم که در عاشورای ۱۱۱۰ «سال درگذشت علاّمه مجلسی ثانی» از تألیف آن فراغت یافته و در ظَهر نسخه فرزندش ملّا محمّد مهدی بن علی اصغر «که پس از این یاد خواهد شد» نوشته بود این نسخه مجلّد سوم حاشیه عدّه پدرش می باشد، و چون ملّا محمّد مهدی در نزدیکی سال ۱۱۲۹ وفات یافت، دو وصیّ او که برادرانش ملّا محمّد مؤمن و حاج محمّد حسین بوده اند، این نسخه را به دانشمند جلیل حاج محمّد رضا قزوینی ــ که به سال ۱۱۳۶ در فتنه افغان ها شهید شد ــ فروختند و در ظَهر نسخه شرحی مبنی بر فروش آن به نحو مذکور نگاشتند. این نسخه اکنون در نجف اشرف نزد آقا سید محمّد باقر حفید آیه اللّه آقا سید محمّد کاظم طباطبائی یزدی موجود است». پایان کلام ذریعه.

در «حاشیه عُدّه الأُصول. ش ۳۱۲» نیز گفته ایم که در «ذریعه» از «تتمیم أمل الآملِ» مرحوم شیخ عبدالنبی قزوینی نقل کرده اند که ملّا احمد طالقانی حاشیه ای بر حاشیه عدّه

ص : ۱۷۰

ملاّ خلیل و تنقیح المرام ـ جای گفتگو ـ نگاشته است.

شرح حال حاج ملاّ علی اصغر، مؤلّف کتابِ مورد بحث در «أمل الأمل: ۵۱» آمده و آنجا است که وی عالم فاضل ماهر صالحی است و پیش دانشمندان قزوین از جمله مولانا خلیل و برادرانش ملاّ محمّد باقر و رضیّالدین محمّد تحصیل کرده، او را است کتابی بزرگ در ادعیه به نام «سفینه النّجاه» و «رموز التفاسیر الواقعه فی الکتب الأربعه و غیرها من کتب الحدیث»، و حواشی مبسوطی بر «حاشیه عدّه» ملاّ خلیل که جدًّا دقیق نوشته، و او را است «فهرست أشعار مغنی اللّبیب»، وی از معاصران است، انتهی.

امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات: ۳۹۹» نیز شرح حال وی را از أمل الأمل آورده و مطالبی از «تنقیح المرام» او نقل فرموده و ترجمه را به شرح حال فرزندش ملاّ محمّدمهدی پایان داده اند. در کتب تراجم دیگر نیز مانند «فوائد رضویّه: ۲۷۴» و «أعیان الشیعه ۴۱: ۸۴» و «معجم المؤلّفین ۷: ۳۹» از این دانشمند به اجمال یاد کرده اند، لکن از تاریخ تولّد و وفات او اطّلاعی نداده اند، و چنان که گذشت مجلّد سوّم تنقیح المرام را در عاشورای ۱۱۱۰ به پایان رسانیده و در شماره «...» نیز که «سفینه النّجاه» او را می شناسانیم، خواهیم گفت که در ۸ ربیع دوم ۱۰۹۸ از نگارش مقاله سوّم آن فراغت یافته است.

شیخ حرّ ـ علیه الرحمه ـ در «أمل الأمل: ۷۰» از دانشمندی به عنوان «مولانا محمّد یوسف بن پهلوان صفر قزوینی»(۱) یاد کرده و گوید: «وی از شاگردان ملاّ خلیل و مردی

۱- ۱) در طبع اوّل أمل، اشتباهًا «محمد بن یوسف بن...» است، لکن در طبع دوّم آن و همچنین در نسخ خطّی أمل و مواضع دیگر ـ مانند «مجموعه رسائل ریاضی» که به خطّ همین شخص در کتابخانه دانشمند فاضل آقای سید محمد موسوی جزائری نجفی موجود است ـ همه جا محمد یوسف دیده می شود. رجوع به «فهرست دانشگاه ۱: ۱۱۳ و ۱۲۹» شود.

فاضل و عالم و از معاصران است، در بعضی از مدارس قزوین درس می گفت و کتابی مبسوط در «آداب حجّ و کیفیّت وضع مسجد الحرام» و رساله کوچکی در «مناسک حجّ» نگاشت»، انتهی.(۱)

نویسنده فاضلِ «فهرست دانشگاه ۱: ۱۱۳ و ۱۲۹» _ بدون این که مأخذی برای نظریّه خود آورده باشند _ این شخص را پدر ملاّ علی اصغر، مؤلّف تنقیح دانسته اند، در صورتی که این انتساب از کتب تراجم و فهارس و جاهای دیگر تا آنجا که تحقیق کردیم، به هیچ وجه مستفاد نمی شود. اضافه بر این که صاحب «ذریعه ۱۱: ۴» آنجا که رساله آداب الحجّ را عنوان کرده، فرماید: «للمولی محمد یوسف بن پهلوان صفر القزوینی، ساکن اصفهان...».

باری، ملاّ علی اصغر را فرزندانی بوده و یکی از آنها ملاّ محمّـد مهدی سابق الذکر است که مرحوم شیخ حرّ در «أمل الامل: ۶۹» در ترجمه او فرماید: «مولانا محمّـد مهدی بن علی اصغر قزوینی، فاضل عالم محقّق ماهر صالح ثقه معاصر، کتاب هایی دارد، از جمله «عین الحیوه» در ادعیه که فضائل دعائها را در آن به فارسی آورده است. «الإنتقاد» در نحو. «شرح الجمل»(۲) از مولانا خلیل... إلخ».

۱- ۱) برای آگاهی بیشتر به کتاب های: «ذریعه ۲۰: ۸۶. مجموعه ریاضیّه» و «الروضه النضره اشتراکی: ۳۷۴ و ۶۴۶» و کذا «الکواکب المنتشره: ۸۳۴» و «تلامذه العلاّمه المجلسیّ: ۱۳۵، ش ۲۰۲» و «اجازات الحدیث: ۲۸۵، ش ۱۰۶» مراجعه فرمایند.

۲- ۲) نام این کتاب در طبع اوّلِ أمل الأمل و نسخه خطّی _ خطّ نیای معظّم، صاحب روضات، أعلی اللّه مقامه _ ، ضمن شرح حال ملاّ خلیل، کتاب «الجمل» به لفظ جمع آمده، لکن در چاپ دوّم «المجمل» دیده می شود و در شرح حال ملاّ علی اصغر در هر سه نسخه «شرح الجمل» باز به لفظ جمع و در همه مواضع روضات نیز به همین صورتست. صاحب «ذریعه ۵: ۱۴۲ و ۱۳: ۱۷۷» فرماید: در «ریاض العلماء» ضمن شرح حال ماتن و شارح در هر دو جا «مجمل» یاد شده و خود شارح نیز آن را به همین نام خوانده و نسخه أملِ صاحب روضات مصحَّح نبوده که در آن «جمل» داشته است، انتهی. این فرمایش مؤلّف بزرگوار ذریعه است. لکن گذشت که در سه موضع أمل الأمل های چاپی، علاوه بر نسخه خطی «الجمل» دیده می شود، و اللّه العالم. ناگفته نماند که خلیل بن احمد نحوی معروف نیز کتابی به نام «جمل الاعراب» در علم نحو نگاشته است که نسخه آن را به شماره (۲۲۸) می شناسانیم.

صاحب أمل چند کتاب دیگر از تألیفات ملّا محمّد مهدی را یاد کرده و گوید: نام کتاب های او و پاره ای از احوال فضلاءِ قزوین را از خطّ و نامه خودِ او که برای من فرستاده بود نقل کردم، انتهی.

از جمله آثار ملاّ محمّد مهدی که در أمل یاد نشده و پس از فرستادن آن نامه به شیخ حرّ تألیف کرده، کتابِ «ذُخر العالَمین(۱) فی شرح دعاءِ الصّنمین» است که نُسخ آن در «ذریعه ۱۰: ۹ و ۱۳: ۲۵۶» و «فهرست دانشگاه ۱: ۱۱۲» یاد شده است. تاریخ تألیف این کتاب در «فهرست دانشگاه» نیامده و در «ذریعه ۱۰: ۹» فرماید: روز چهارشنبه ۱۳ جمادای دوّم ۱۱۱۶ از تألیف آن فراغت یافته و نسخه ای که تاریخ کتابتش اوائل ذی القعده ۱۱۱۹ بوده دیده ام، انتهی.

لکن در «ج ۱۳ ص ۱۱۷ س ۲۲ و ص ۲۵۶ س ۱» فرماید: وی در ۱۱۱۹ این کتاب را تألیف کرده است!

ممکن است همین تاریخ اخیر درست باشد. زیرا مؤلّفِ «أعیان الشّیعه ۴۷: ۸۲» درباره این کتاب گوید: «ینقل فیه عن المولی خلیل و الاقا رضا القزوینیّین و یعبّر عن کلّ واحد منهما بالأستاذ. فرغ منه ذی القعده ۱۱۱۹».(۲)

---

۱ - ۱) در ذریعه اشتباهًا «ذخر العاملین» چاپ شده است.

۲ - ۲) در حدود سال ۱۳۹۶ ق، چند جزءِ پراکنده از «ذخر العالمین» دستنویس به دست آمد که کاتب آن «ملّا عبداللّه ابن مرحمت پناه آخوند ملّا محمد» و تاریخ کتابتش نیمه ماه رجب یکهزار و سیصد است و عبارت خاتمه مؤلّف این چنین است: «یقول الفقیر الشارح محمد مهدی بن الحاج علی أصغر القزوینیُ _ عفا اللّه عنه و عن والدیه _ تمَّ ما یسّر اللّه تعالی ایرادَه فی شرح هذا الدعاءِ و له الشکر، و علی رسوله و أوصیائه التحیّه و الثناء، فی اوائل شهر شوّال _ ختم بالخیر و الاقبال _ من شهور سنه ۱۱۱۹ تسع و عشر و مائه بعد الألف». أیضًا: شرح حال ملّا محمد مهدی _ علیه الرحمه _ در «کواکب منتثره: ۷۶۲ _ ۷۶۳» نیز چاپ شده است.

«ذخر العالمین» به عربی نیز ترجمه گردیده و در «ذریعه ۴: ۱۰۲» یاد شده است.

کتاب دیگری نیز از او به نام «دلیل الدّعاه فی شرح عین الحیاه» که متن «عین الحیاه» هم از خود اوست، در ذریعه و فهرست دانشگاه معرّفی کرده اند.

غیر از ملاّ محمّد مهدی مذکور، دو فرزند دیگر نیز از ملاّ علی اصغر صاحب ترجمه می شناسیم: ملاّ محمّد مؤمن و حاج محمّد حسین که در پیشتر از آنها یاد کردیم.

* * *

مطلب دیگری که پیرامون «تنقیح المرام» جای گفتگو باید اضافه کنیم این که، نگارنده در حیات ملاّ خلیل تألیف کتاب خود را شروع کرده، لکن به نیمی از مجلّد اوّل نرسیده، استادش درگذشت. لذا از آغاز کتاب تا مبحث علم تفصیلی باری به أشیاء یعنی تا نیمه های مجلّد اوّل «برگ ۱۲۴ نسخه» همه جا گوید: «قوله، أیّده اللّه» و از آنجا به بعد «برگ ۱۲۵» گوید: «قوله، قدّس اللّه سرّه و جعل الجنّه مثواه».

روی برگ اوّل نسخه ما در گوشه ای شماره «۱۰۰۰۰» دیده می شود، مانا که خواست نگارنده ازین عدد، شماره ابیات این مجلّد باشد. اینک سایر مشخّصات:

آغاز: «بسم... الحمد للّه رب العالمین.. و بعد، فیقول راجی رحمه ربّه الغنیّ المغنی، ابن محمّد یوسف: علی اصغر القزوینیُ...: لمّا رأیت توفّر دواعی المحصّلین إلی تعلّم الحواشی المعلّقه علی «عدّه الاُصول» للمولی الفاضل المؤیّد، و الحبر الکامل المسدّد، محیی العقائد الدّینیّه، مروّج الاُصول الیقینیّه، مُظهر نکات الآیات و دقائقها، موضح

لطائف الرّوايات و حقائقها، معزّ الحقّ و معين الـدّين، عون الاسـلام و ملجأ المسـلمين، سـميٍّ خليل الرّحمن «كذا»، خليل العلم و ناصر ذوى الايمان ــ جزاه اللّه تعالى... ــ فانّه كتابٌ عزيز مشتمل على قواعد متقنه... لكنّ أكثر متعاطيه قد حُرموا توفيق الإهتداءِ الى ما فيه على وجه الكمال، لاشـتمال كثير من مطالبه على غموض و إشـكال. فتعرّضتُ لتوضـيح مطالبه و حلّ مشكلاته، مع قلّه البضاعه؛ و تصدّيت لتنقيح مقاصده و تفصـيل مجملاته مع فقد الاسـتطاعه. و ما تحرّزتُ فيه عن الإطناب، إذ ليس الغرض فيه إلاّ تسـهيل الصّعاب. و سـمّيته «تنقيـح المرام» و على اللّه تعالى التّوكّل و به الاعتصام... قوله ــ أيّده اللّه ــ : «من أهل زماننا». خصّ أهل زمانه بما نسب إليهم، مع أنّه مشتركٌ بينهم و بين من تقدّمهم؛ لاختصاص الصرف بهم...».

انجـام: «قوله ــ قـدّس سـرّه ــ : «لاـ على القطعيّه أيضًـا». يعنى لا يلزم بمحض... و الاعتراض منـدفعٌ لأنّ حجّيّته ليست ضـروريّهً، فالحـاجه مـاسّهٌ إلى إثباتها ليترتّب عليها قطعيّه. تمّت الكتاب فى يوم الجمعه، وقت الضّـحى ۱۳ جمادى الأخر(ه) من شـهور سنه ۱۱۲۵».

نسخه: داراى ۲۷۶ برگ، برگ اوّل و برگ آخر و روى برگ دوّم سـفيد اسـت. روى برگ ۲۳ و ۴۱ اين جمله ديده مى شود: «اقلّ الحاج عبدالحسين دهدشتى». مهر: «عبدالحسين بن محمّد كريم». همين مهر ظهر برگ ۲ و مهر «عبده محمّد باقر» نيز روى برگ مذكور است. روى برگ ۲، عبارت «ابتياعى آميرزا حسن كتاب فروشِ سرِ نيم آورد»، نوشته شده.

كاغذ: چار بغل، جلد تيماج زرد حاشيه كرمك طلا كوب، آستر ميشن زرد خط كشى شده با طلا، داراى سرطبل. خط نستعليق ۲۳ سطرى، آيات قرآنى به نسخ مضبوط،

ص : ۱۷۵

عناوین در هامش و «قولُه» در متن به شنگرف نوشته شده. قطع ۱۵ × ۲۴، متن ۸ و نیم × ۱۷. نام کاتب ندارد. آثار مقابله و تصحیح تنها در چند برگی از آغاز نسخه دیده می شود. چند جای اوائل نسخه نیز حاشیه هایی مختوم به رمز «منه» یا «منه دام ظلّه» نوشته شده است.

«۱۹۳» تهذیب الأحکام

(حدیث شریف ــ عربی)

از: شیخ ابوجعفر محمّد بن الحسن الطوسیّ، شیخ الطائفه، أعلی اللّه مقامه.

نسخه: کامل است و تمامًا به خطّ علیّ بن محمّد بن حسن بن محمد، معلّم خوراسکانی از بلوک جی اصفهان است و تنها قسمتی از کتاب صلوه آثار مقابله و تصحیح و قدری حواشی متفرّقه دارد.

تاریخ پایان استنساخ کتاب زکوه و زیادات آن: روز پنجشنبه ۲۰ ماه شعبان ۱۰۰۷ و کتاب صوم: سه شنبه ۳ ماه رمضان و کتاب حج: شنبه ۲۸ ماه رمضان و کتاب جهاد: دوشنبه ۸ شوال و اجارات: پنجشنبه ۲ ذی القعده، همگی در همان سال ۱۰۰۷. تاریخ فراغت از استنساخ کتاب نکاح که پیداست پیشتر نوشته بوده: دوشنبه سوّم ربیع الاول ۹۷۲ و کتاب العتق و غیره: دوشنبه ۵ ذی الحجه ۱۰۰۷ و صید و ذبایح: ۱۱ ذیحجّه و وقوف و صدقات: سه شنبه ۱۲ ذیحجّه و وصایا: یکشنبه ۱۷ ذیحجه و فرایض و مواریث: چهارشنبه سلخ ذیحجه، همگی در همان سال ۱۰۰۷ و کتابِ حدود: شنبه چهاردهم محرم ۱۰۰۸ و دیات و قصاص: دوشنبه ۲۴ محرم ۱۰۰۸، و در این موضع کاتب شرحی نوشته است به خلاصه این که این نسخه را بر حسب امر عالیحضرت سیادت و رفعت پناه... حاجی امیر جلال الدین حسن حسینی استنساخ کرده است. سپس مشیخه تهذیب را نوشته و ۲۴ محرم ۱۰۰۸ تاریخ کرده است.

ص : ۱۷۶

«۱۹۴» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب است تا پایان جهاد و امر به معروف که پس از آن دُیون و کفالات و حوالات است، و از آغاز ناقص است.

آغاز موجود: «ببعض الوجوه قلنا کذلک نقول لأنّ المسح یجب فی التیمّم».

نام کاتب که به خطّ نسخ خوب نوشته، معلوم نیست و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا در قرن ۱۱ نوشته شده.

سراسر نسخه دارای آثار مقابله و حواشی متفرّقه نافعه است.

«۱۹۵» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب تا آخر کتاب الحجّ است.

در آخر کتاب الصلوه، تاریخ کتابت: «فی لیله اثنان [کذا] من أوائل العشر الأوّل من شهر شعبان المعظّم سنه ۱۰۷۵»، و بدون نام کاتب است.

«۱۹۶» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب است تا آخر زیادات کتاب صلوه که احکام نماز میّت است.

نام کاتب و تاریخ کتابت به نظر نرسید. به قرائن در قرن ۱۲ استنساخ شده است. حواشی کمی از «م ق ر سلّمه اللّه» که مقصود مرحوم علّامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰) است، و از غیر ایشان، به خطّ کاتب نسخه نوشته شده.

تمام صفحات به شنگرف و لاجورد جدول کشی دارد.

«۱۹۷» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب است تا آخر زیادات کتاب الصلوه که نماز میّت است.

کاتب: سیّد علیّ بن ضیاءالدین محمّد طباطبائی اصفهانی. تاریخ پایان کتابت طهارت: ۲۴ جمادی الاولی ۱۱۱۱ و پایان نسخه: روز جمعه غره ربیع الاول ۱۱۱۶ ظ.

آثار مقابله و تصحیح و حواشی پراکنده و مفیدی در نسخه هست. از جمله حواشی با رمز «س ع ی، عفی عنه».

«۱۹۸» نسخه دیگر

نسخه: چند برگی از اوّل ناقص است و از آخر نیز تا مقداری از کتاب نکاح را شامل است. تمامًا به خطّ نسخ خوب است و آثار مقابله و تصحیح و تحشیه و نام کاتب و تاریخ کتابت مطلقًا ندارد. ظاهرًا در قرن ۱۱ ـ ۱۲ نوشته شده است.

«۱۹۹» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب زکوه است تا پایان زیادات کتاب تجارت.

کاتب: حسن بن جمعه بن علی زبیدی نجفی (چنان که در آخر کتاب صوم نوشته است).(۱)

در پایان کتاب حج آمده است: «تمّ الجزو الرابع من کتاب تهذیب الأحکام و آخره

۱- ۱) حسن الزبیدیّ النجفیّ ابن جمعه بن علی. کتَب لنفسه فی النجف حاشیهَ صاحب المدارک علی ألفیّه الشهید و فرغ منه فی الاثنین ۱۲ رجب (۱۰۰۲)، ثمّ قرأه بتمامه علی المؤلّف، فکتب هو علی آخر النسخه اجازهً له، وصفه بالأخ الصالح التقیّ الشیخ حسن بن جمعه. تاریخها یوم الأربعاء تاسع رجب (۱۰۰۷): «الروضه النضره: ۱۴۴».

کتاب الحج». و در هامش این موضع نیز این شرح دیده می شود:

«بلغ المقابله بنسخ معتبره علیها العمل فی هذه الأوقات، فصحّ ان شاء اللّه. و کتب جواد بن سعد بن جواد عفی عنه»، که این شخص همان عالم بزرگوار شیخ جواد کاظمی صاحب تألیفات جلیله است «الروضه النضره: ۱۲۶».

تاریخ پایان استنساخ کتاب زیارات، روز جمعه ۷ ذی الحجه و پایان کتاب جهاد، روز شنبه ۱۵ ذی الحجه ۱۰۱۳ و تاریخ استنساخ پایان کتاب، روز پنجشنبه دهم صفر همان سال ۱۰۱۳ می باشد.

صفحه اوّل دارای سرلوحه قدیمی است، و تمام صفحات جدول کشی شده، و چندان اثر تصحیح و تحشیه ندارد.

«۲۰۰» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب الزکاه است تا پایان کتاب مکاسب، با کمی حواشی دربرخی صفحات.

نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ در پایان کتاب الصّیام، «یوم الخمیس» جُمادای یکم ۱۰۹۴ قید شده است. برگ اوّل ندارد.

«۲۰۱» نسخه دیگر

نسخه: فاقد اوّل است و از اندکی قبل از «باب زکوه الذهب» شروع و تا آخر کتاب المزار، خاتمه یافته، و سرتاسر نسخه دارای حواشی گوناگون و مفیدی است.

نام کاتب: پیغمبر قلی بن باباعلی مشهدی. تاریخ ختم استنساخ: پنجم ماه رجب ۱۰۹۶.

ص : ۱۷۹

«۲۰۲» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب جهاد است تا پایان تهذیب، و آغاز آن مفقود شده است.

نام کاتب در آخر نسخه: «پیرمحمد مقیم ابن حاجی پیر نورالدین اصفهانی زبده زنده پیر احمد جامی»، و تاریخ پایان استنساخ، روز پنجشنبه ۱۲ ذی القعده ۱۰۵۶ می باشد.

نسخه مقابله و تصحیح شده و در هامشِ ورق آخر شرحی است به قلم «اسمعیل بن باقر الحسینی الشهیر بخاتون آبادی» که گوید نسخه را در مشهد مقدس رضوی با نُسخ صحیحه مقابله کرده و در روز بیستم ماه شعبان ۱۰۷۰، از آن فراغت یافته است.

«۲۰۳» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب طلاق «باب حکم الایلاء» است تا پایان مَشیخه.

کاتب: محمدحسین بن یحیی نوری مازندرانی که به موجب شرحی که در خاتمه نگاشته، خود از علماء و فضلاء بوده است.(۱)

تاریخ انجام استنساخ: روز سه شنبه ۲۶ محرّم ۱۰۹۹. سراسر نسخه به دقّت مقابله و تصحیح شده، و نسخه بدل های بسیار و حواشی بی شمار از کتب گوناگون به خطّ کاتب فاضل بر آن نقل گردیده، و میزان صحّت و سُقم همه احادیث شریفه در حاشیه ها به رمز و به رنگ سرخ تعیین شده است. شکر اللّه مساعیه الجمیله.

۱- ۱) برای آگاهی از احوال و آثار موجود این عالم جلیل به «کواکب منتثره: ۲۲۴ _ ۲۲۵» و «فهرست مرعشیّه. ش ۱۲۷۷» و «تلامذه العلاّمه المجلسی: ۹۵» رجوع فرمایند.

«۲۰۴» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب الدیون است تا آخر کتاب الدیات.

شاید یک برگ از آخر افتاده باشد. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد، و از آثار قرن ۱۱ _ ۱۲ می باشد.

«۲۰۵» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب الدیون و الکفالات است تا پایان کتاب طلاق، و به موجب ارقام معیّنه دارای ۳۲۷ برگ.

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و تمام به خطّ نسخ یکی از خوشنویسان زمان است.

در آخر کتاب نکاح در حاشیه به خطّ کاتب، «۷ ذیحجّه الحرام سنه ۱۰۸۲» نوشته شده که گویا تاریخ کتابت است.

چهار سرلوح بسیار ممتاز دارد و تمام صفحات جدول کشی و سراسر نسخه دارای آثار مقابله و تصحیح و حواشی گوناگون و سودمند است. در آخر نسخه پشت و روی یک برگ بدرقه، مطالبی از «بحارالانوار» نقل شده است.

تهذیب المنطق: مجموعه (ش...) و رجوع به تکمله المصادر (ش ۱۸۰)

«۲۰۶» تهذیب الوصول

(اصول فقه _ عربی)

إلی علم الأُصول

از: علاّمه حلّی، ابو منصور جمال الدین حسن بن یوسف بن المطهّر، علیهم الرحمه.

کتاب: در مباحث اصول فقه است به نحو اختصار و به طبع رسیده.

نسخه: نام کاتب ندارد. ختم کتابت: دوشنبه ۲۳ ربیع دوّم ۱۰۵۵. در اوراق عطف اوّل و آخر نسخه، فهرست کتاب به اجمال و تفصیل آمده، یادداشت های متفرّق و اشعارِ گوناگون نوشته شده. دارای تملّك و مُهر محمّدعلیّ بن محمّد باقر الحسینی و محمّد محسن بن محبّ علی شوشتری.

«۲۰۷» نسخه دیگر

نسخه: در متن نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن در هامش، این دو عبارت نوشته شده: «قد تمّت فی یوم الاثنین العشرین من شهر الشوّال (کذا) من شهور سنه اثنی عشر و ألف». ایضًا: «در روز دوشنبه بیستم شهر شوال سنه ۱۰۱۲ تمام شد، ابتداءِ سنه لوئیل. کاتبُه حمزه بن ضیاءالدین محمد الهرندی (یا التبریزی) . »

کمی حواشی متفرّقه دارد، لکن اثر تصحیح و مقابله و امتیازی ندارد.

«۲۰۸» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمد سلیم بن امیر حسین الحسینی (یا الحسنی) الرازی.(۱) تاریخ پایان استنساخ ناخوانا است و ظاهرًا سنه ۱۰۵۰ باشد. حواشی متفرّقه ای بر اوائل نسخه هست. صورت وقفی از «مولانا محمّد شریف بربری» که تولیت آن را با «سیّد عبدالرسول حسینی بربری» قرار داده، ظهر نسخه نوشته شده است.

توحید صدوق: کتاب التوحید

۱- ۱) محمد سلیم الرازی العالم الفاضل الحکیم الماهر، بدون نام پدر و نسبت در «روضه نضره: ۲۴۸ _ ۲۴۹» با تاریخ (۱۰۶۶) یاد شده است.

«۲۰۹» توضیح الاشتباه و الاشکال فی «ضبط» أسامی الرواه و ألقاب الرجال

(رجال ــ عربی)

از: مرحوم ملاّ محمّد علیّ بن محمّد رضا ساروی (منسوب به ساری مازندران). مؤلّف کتاب را به ترتیب کتب رجال حدیث نگاشته و بسان «ایضاح الإشتباه» علاّمه حلّی قدس سره محدّثینی که نام و نسب یا لقب و کنیت یا نسبت آنها محتاج ضبط بوده، در آن آورده، و به اندکی از شرح حال آنان همچنان که در کتب رجالیّه یاد شده، اشاره می کند.

از باب مثال ترجمه ابوتمام طائی را چنین آورده است: «حبیب ــ بالفتح ــ بن أوس ــ بفتح الهمزه و سکون الواو ثم السّین المهمله ــ أبو تمام الطائی ــ بتخفیف المیم کسحاب. کان إمامیًّا، و له شعرٌ کثیرٌ فی أهل البیت علیهم السلام. و ذکر أحمد بن الحسین ــ رحمه اللّه ــ أنّه رأی قصیدةً یذکر الأئمّه حتّی انتهی الی أبی جعفر الثّانی علیه السلام، لأنّه توفی فی أیّامه. و قال الجاحظ إنّه کان من رؤساءِ الرّافضه، و له کتاب «الحماسه» و کتاب «مختار شعر القبایل» » .

از شرح حال و گزارش زندگانی این مؤلّف که در اواخر قرن دوازدهم می زیسته و کتاب خود را به سال ۱۱۹۳ تمام کرده است، هیچ گونه اطّلاعی در دست نیست، لکن نظر به اینکه امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات: ۶۳۲ رقم ۶۱۶» عنوانی مستقلّ برای او قرار داده اند، مؤلّف «فهرست دانشگاه» گمان کرده اند [گزارش زندگی او در روضات الجنات دیده می شود]، در صورتی که کمترین اطّلاعی از ترجمه حال او در آن کتاب نیست و تنها از کتابش استنباط نموده اند که مردی دانشمند و دقیق بوده.

نسخه هـای این کتـاب در چنـد کتابخانه یافت می شود که در ذریعه و فهرست دانشـگاه و فهرست های دیگر نشان داده شـده است.

آغـاز: «بسم... الحمـد اللّه المحمـود المتعـال... أمّـا بعـد، فهـذا کتـاب «توضـیح الاشـتباه و الإشـکال فی أسـامی الرّواه و ألقـاب الرّجال»(1) لما رأیت من کثره التّصـحیف و التّحریف فی الأقوال، و دریتُ أنّ فی التّصـحیح جزیل الأجر فی المآل، و رتّبته علی ترتیب الحروف...».

انجـام: «هـذا آخر ما أوردناه، و الحمـد للّه وحـده، و قـد فرغ منه مؤلّفه الرّاجی إلی عفو ربّه تعالی: محمّـد علی بن محمّـد رضـا السّارئی المازندرانی، تاسع شهر شوّال المکرم من شهور سنه ۱۱۹۳...».

نسخه: دارای ۱۰۵ برگ و ۲ برگ عطف در اوّل و آخر، کاغذ فسـتقی، خط نسخ ۱۴ إلی ۱۸ سطری، حواشی نستعلیق، عناوین به سـرخی، جلد تیماج سرخ، آستر تیماج ماشی رنگ، قطع ۱۳ و نیم × ۲۱، متن نوعًا ۸ × ۱۵. دارای حواشی بسیار از مؤلف به رمز «منه ره». نام کاتب و تاریـخ کتابت ندارد، امّا چیزی از زمان مؤلّف دور نیست. نسـخه از آنِ نیای معظّم، صاحب «روضات الجنّات» بوده است.

ص : ۱۸۴

---

۱ – ۱) چنین است نـام کتـاب و مُرادف آن درنسـخه مـا. لکن در نسـخه خطّی دیگر که از کتابخانه مرحوم ابوالمجـد آقا شـیخ محمد رضا نجفی اصـفهانی به دست آمد و نیز در نسخه چاپی کتاب «فی ضبط أسامی» إلخ است که معلوم می شود «ضبط» از قلم کاتب نسـخه مورد بحث افتاده است. نسخه چاپی مقصود همان است که آقا میر جلال محدّث ارموی ـ علیه الرحمه ـ سه چهار سالی پس از نشر این فهرست (ج ۱) در طهران به طبع رسانید تنها از روی نسخه شخصی خودشان که مع الأسف به هیچ وجه شایسـته اعتمـاد نبوده است. در «روضـات الجنّـات» و به تبع آن (ظاهرًا) در سایر کتب، ماننـد «الـذریعه ۴: ۴۹۰»، «فهرست دانشگاه ۲: ۵۵۰»، «مصـفی المقال: ۲۸۰»، «ایضـاح المکنـون»، «معجم المؤلّفین ۱۱: ۱۰» و غیر از اینهـــا همگی مُرادف را «فی تصحیح الأسماءِ و النسب و الألقاب من الرجال» ضبط کرده اند.

«۲۱۰» التّیسیر

(علوم قرآنی ــ عربی)

از: ابو عمرو، الدّانی، عثمان بن سعید مُقری اندلسی (متوفی ۴۴۴).

رجوع به «مجلّه مجمع اللّغه العربیّه بدمشق ۷۵: ۲: ۳۸۱» شود.

کتاب: در بیان قراءات سبعه قرآن کریم است.

نسخه: نام کاتب ندارد. پایان کتابت: روز شنبه ۵ ماه رجب ۱۱۰۹. اثر تصحیح و مقابله و امتیازی ندارد. روی برگ اوّل سند روایت کتاب به این شرح نوشته شده است:

«الرّصافی، قال: قرأت علی الشیخ ابی بکر محمّد بن محمّد بن منتلیون کذا الأنصاری، عن أبی جعفر الحصار و أبی عبداللّه بن نوح، قراءةً علیهما، عن أبی الحسن ابن هذیل، قراءةً علیه، عن ابی داود، عن مؤلّفه أبی عمرو عثمان بن سعید بن عثمان الدّانی المُقری، رض».

آغاز: «بسم. الحمد للّه المتفرّد بالدّوام المتطوّل بالإنعام».

انجام: «و إن کان آخر السّوره هاءً کنایه موصوله بواو حذف صلتها... فاعلم ذلک موفّقًا لطریق الحقّ و منهاج الصّواب، ان شاء اللّه و باللّه التوفیق».

اوّل باب وقف: «باب ذکر الوقف علی أواخر الکلم. إعلم أنّ من عاده القرّاءِ أن یقفوا علی أواخر الکلم المتحرّکات له فی الوصل بالسّکون لا غیر».

«۲۱۱» الثّاقب فی المناقب

(مناقب ــ عربی)

این کتاب شریف درباره معجزات پیغمبر اکرم و بتول عَذرا و ائمّه طاهرین ــ سلام اللّه علیهم اجمعین ــ است، و بنا به نگارش شیخ عمادالدین حسن بن علی بن محمّد طبری

مازندرانی در دو کتابش «کامل بهائی» و «مناقب الطاهرین»، مؤلّف آن شیخ امام علاّمه ناصر الشّریعه حجّه الاسلام عمادالدین ابو جعفر محمّد بن علیّ بن محمّد طوسی مشهدی است.

امام مجدّد، صاحب «روضات الجنّات: ۵۶۷ _ ۵۷۰» که عنوانی برای مؤلّف این کتاب وضع و تحقیقی کامل در احوال و آثارش فرموده و شطری از مطالب کتاب الثاقب را نقل کرده اند، فرماید: «اکثر احادیث این کتاب را که پیرامون معجزات و آیات اهل بیت است، صاحب کامل بهائی به فارسی ترجمه و در دو کتاب مذکورش نقل کرده است و از ین دو کتاب و کتب فقهی دانشمندان شیعه که فتاوی مؤلّف ثاقب را به عنوان «عماد طوسی» نقل می کنند، معلوم می شود که وی در طبقه شاگردان شیخ طوسی (۳۸۵ _ ۴۶۰) و فرزندش شیخ ابو علی (متوفای بعد از ۵۱۵) بوده و شیخ منتجب الدین (۵۰۴ _ بعد از ۵۸۵) نیز در کتاب «فهرست: ۱۱» خود که شامل تراجم رجال بعد از شیخ طوسی است، او را چنین یاد کرده و ستوده است: «شیخ امام عماد الدین ابو جعفر محمّد بن علی بن حمزه طوسی مشهدی، فقیه عالم واعظ، او را است تصانیفی، از جمله: «الوسیله»، «الواسطه»، «الرائع فی الشرائع»، «المعجزات(۱)» و «مسائل فقهیّه». »

سپس صاحب روضات فرموده اند که کتاب الوسیله او، نام کاملش همچنان که در مقدّمه آن آمده «الوسیله الی نیل الفضیله» است و کتاب تحقیقی نفیسی است مشتمل بر قریب هشت هزار بیت و از متون فقهی خوش ترتیب و تهذیب به شمار می رود.(۲)

کلام صاحب «ریاض العلما» را نیز نقل فرموده که در احوال شیخ نصیرالدین علیّ

۱- ۱) گویا مقصود از کتاب المعجزات همین کتاب الثاقب باشد.

۲- ۲) این کتاب در سال ۱۲۷۶ ضمن مجموعه فقهی بزرگ که معروف به «الجوامع الفقهیّه» و مشتمل بر ۱۲ کتاب و رساله نفیس است، در طهران به طبع رسیده.

بن حمزه بن حسن طوسی گفته است: «پس از این شرح حال شیخ اجلّ فقیه عمادالدین ابوجعفر محمّد بن علیّ بن حمزه بن محمّد بن علی طوسی مشهدی را که مشهور به ابن حمزه و معروف به ابو جعفر ثانی است ــ در حرف میم ــ نقل خواهیم کرد(۱)».

همچنین صاحب روضات فرموده اند: «از محقّق کرکی بسیار تعجّب می کنم چگونه در یکی از اجازات مبسوطش که اینک نزد من است، نام ابن حمزه مورد بحث را «هبه اللّه بن حمزه» ضبط کرده و هم او را از فقهای حلب دانسته است!

سپس درباره کلام محقّق کرکی و منشأآن به تفصیل سخن رانده و فرموده اند از جمله کسانی که تصریح به نام صاحب «ثاقب» و کتابش «وسیله» نموده اند، شیخ یحیی ابن سعید هذلی حلّی (۶۰۱ ــ ۶۸۹) مؤلّف کتاب «الجامع للشرایع» است در کتاب شریفش «نزهه النّاظر فی الجمع بین الأشباه و النظائر» که گوید: «و قال الشیخ ابو جعفر محمّد بن علی الطوسیّ، المتأخّر، رضی اللّه عنه، فی الوسیله».

نیای بزرگوار ــ اعلی اللّه مقامه ــ پس از ذکر کلام فاضل حلّی و مطالبی که از آن مستفاد می شود، باز از گوشه و کنار در مقام تحقیق احوال و آثار مؤلّف کتاب الثاقب برآمده و در مورد طریق روایتی متّصل به او فرموده اند که سیّد عبدالحمید بن فَخار موسوی حائری از او روایت می کند، پس وی در طبقه پدر سیّد عبدالحمید که سیّد شمس الدین ابو علی فَخار بن مَعَد مؤلّف کتاب «الحجّه علی الذاهب الی تکفیر ابیطالب» و متوفّای ۱۷ ماه رمضان ۶۳۰ باشد قرار دارد.(۲)

۱- ۱) مع الأسف باب میم ریاض العلماء که مجلّد چهارم از بخش تراجم علمای شیعه و باب مهمّ آن کتاب است، مفقود شده و در دست نیست.

۲- ۲) خاندان سیّد فخار و تراجم رجال آن را به تفصیل در جلد اوّلِ «جامع الانساب: ۲۳ و ۲۶ و ۱۱۳ و ۱۱۹» معرفی کرده ایم، و چنان که بیاید ابن حمزه ــ علیه الرحمه ــ داستانی را در سال ۵۶۰ در کتاب مورد بحث نقل فرموده است.

دیگر از جمله مطالب متنوّعی که در «روضات الجنات» ذیل عنوان مؤلّف «ثاقب» آمده، شرحی است که در تعریف کتاب نگاشته اند به این مضمون که: «الثّاقب فی المناقب» کتابی است در باب خود بس طریف و میان نظائرش ممتاز، جامع بسیاری از فضائل و معجزات غریبه پیغمبر اکرم و حضرت فاطمه زهرا و ائمّه هُدی _ سلام اللّه علیهم _ و چون این کتاب را محمّدین ثلثه متأخّرین یعنی صاحب «وافی» و «وسائل» و «بحار» نداشته اند و از مطالب آن چیزی نقل نکرده اند، سزاوارست که ما کتاب خود «روضات» را از آن خالی نگذاریم و مقداری از مطالب عالیه آن را در اینجا بیاوریم.

سپس تا پایانِ عنوان را، مطالب منقوله از کتاب الثاقب اشغال نموده و در آخر تصریح کرده اند که تاریخ تولّد و وفات و آثار دیگر مؤلّف این کتاب تا این زمان بر ما معلوم نگردید، جز این که بنا بر تحقیقاتی که کردیم دانستیم که وی مردی است بزرگ از خاندانی با جلالت که شرح و وصف محامد اوصافشان نتوان داد.

مآخذ دیگر شرح حال ابن حمزه: «اعیان الشیعه ۶: ۶۵»، «ریحانه الادب ۳: ۱۳۰»، «فوائد رضویّه: ۵۶۴ _ ۵۶۶»، «الکنی و الألقاب ۱: ۲۶۲ _ ۲۶۳»، «معجم المؤلّفین ۱۱: ۴»، و در «فوائد رضویّه» گوید که من نسخه کتاب الثاقب را در خزانه کتب محدّث نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» دیده و از آن نقل کرده ام.

مؤلّفِ «ذریعه ۵: ۵» کتاب را به صورت «ثاقب المناقب» عنوان و شرحی درباره آن داده اند به خلاصه این که از کلام شیخ منتجب الدین معلوم می شود با او معاصر بوده، چون اسنادی برای کتابش ذکر نکرده است.

همچنین در «ذریعه» است که ابن حمزه در کربلای معلّی وفات یافت و در خارج باب النجف در بقعه مخصوصی که اینک زیارتگاه است دفن شد. صاحبان «مدینه المعجزات» و «کشکول انیس المسافر» و «الدمعه الساکبه» و «دار السّلام» و «وقایع

الأیّام» از این کتاب نقل کرده اند.

صاحب «روضات» از این کتاب، سه داستان نقل فرموده اند، یکی داستان ابوالصمصام صحابی و هشتاد ناقه، که ابن حمزه آن را از شیخ خود ابو جعفر محمّد بن حسین بن جعفر شوهانی مجاور مشهد رضوی روایت کرده، دیگر داستان ابو عبداللّه محدّث که به اعجاز امیر المؤمنین علیه السلام نابینا شد، و ابن حمزه این داستان را در کاشان به خطّ شیخ ابوعبداللّه جعفر بن محمّد دوریستی که به سال ۴۷۳ به عبارت فارسی نوشته بود، یافت و سپس خود به عبارت عربی درآورد و به سال ۵۶۰ در کتاب «ثاقب» نهاد.(۱) سوّم، داستان انوشیروان مجوسی اصفهانی که از مقرّبان دولت خوارزمشاه بود و به مرض برص دچار شد و به مجرّد توسّل به قبر مطهّر حضرت علی بن موسی الرضا علیهماالسلام از آن مرض شفاء یافت، و خود ابن حمزه شاهد این واقعه بوده و مردم خراسان هم دیدند، این مجوسی پس از شفا یافتن به کیش اسلام درآمد و صندوقی از نقره برای مرقد مطهّر آن حضرت، ترتیب داد.

نسخه این کتاب در کتابخانه نیای معظّم اعلی، آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا سید زین العابدین موسوی (۱۱۹۰ _ ۱۲۷۵)، پدر دانشور صاحب روضات _ که شرح حال ایشان را در «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۹۷» نگاشته ام و در حدود سال ۱۲۵۰ از خوانسار به اصفهان مهاجرت فرموده و خاندان بزرگی در این شهر تشکیل داده اند _ بوده و ابتدا به دستور آن مرحوم، فرزند دانشمند بزرگوارش آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمّد هاشم چهارسویی _ أعلی اللّه مقامه _ شرحی درباره کتاب و نویسنده اش مستخرج از کتاب «مناقب الطاهرین» روی برگ اوّل نسخه نگاشته اند و چون ظاهرًا ایشان قبل از

---

۱ – ۱) گویا این که در نشریّه «اخبار التراث العربی ۳۳: ۳» مصنّف کتاب الثاقب را گوید: «المتوفّی ۵۶۰ ه_ » اشتباهی است ناشی از این تاریخ.

برادر دانشور خود ـ صاحب روضات ـ کتاب را معرّفی کرده اند، آغاز و انجام کلام ایشان را عینًا نقل می کنیم تا حقّ عظیم ایشان نیز در این موضوع محفوظ ماند، و عبارت آن مرحوم چنین است:

«بسم اللّه... و بعد، فهذا کتاب «الثاقب فی المناقب» و هو کتابٌ شریف لطیف حسن التّرتیب جیّد التّبویب، لم أرفی کتب المعجزات و المناقب مثله. فیه أحادیث غریبه و أخبار شریفه، لعمری یلیق أن یکتب بمداد المسک و العنبر و أقلام النّور علی صفحات خدود الحور، و حقیقٌ بأن یرقم بالخناجر علی بطون العیون و الحناجر! و هو علی ما قاله الشّیخ الجلیل و الفاضل النبیل المحدّث المتتبع الماهر الفقیه النّبیه صاحب المصنّفات اللّطیفه و المؤلّفات الشریفه المولی حسن بن علی بن محمّد بن الحسن الطبریُّ المازندرانی «برّد اللّه مضجعه» فی کتابه «مناقب الطاهرین»: من مصنّفات الشیخ الامام العلاّمه الفقیه ناصر الشریعه حجّه الاسلام عمادالدین ابی جعفر محمّد بن علی بن محمّد الطوسی المشهدی، نوّر اللّه مرقده... و لم أرَ أحدًا من متأخّری المتأخّرین ینقل عنه إلاّ شیخنا العالم الفاضل الفقیه العلاّمه الشیخ یوسف البحرانیّ ـ أعلی اللّه مقامه ـ فإنّه فی کتاب «الدرر النّجفیّه» ینقل خبرًا عنه من غیر ذکر مصنّفه. و هذا منه و من أمثاله من المحدثین یدلُّ علی عدم علمه بمصنّفه، فانّ دیدنهم ذکر المصنّف مع الکتاب کما لا یخفی علی اولی الالباب. و الحمد للّه... و انّما رتّبت هذه الکلمات و نمّقتها بأمر والدی العلاّمه ـ ادام اللّه تعالی أیّامه ـ و أنا الحقیر الفقیر المحتاج الی عفو اللّه القویّ محمّد هاشم الموسویّ. عفی عنه»، انتهی.

این نسخه نفیس تا هنگام فوت نیای معظّم اعلی مرحوم آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین، در کتابخانه شخصی ایشان بوده و بعد از فوت که موجودی کتابخانه میان فرزندان گرامی تقسیم شده، در سهم آیه اللّه العظمی صاحب روضات واقع و آن مرحوم

صفحه اوّل نسخه را که ناقص بوده، به خطّ خود از روی نسخه دیگری استنساخ و هم از آغاز تا انجام، با آن نسخهْ مقابله و تصحیح کرده و در پاره ای از جاها حاشیه ای نوشته اند، و در حاشیه آخرین برگ این شرح را مرقوم داشته اند:

«هو اللّه تعالی. فرغتُ من مقابلته مع نسخه مصحّحه لم تخلُ بعد ذلک من سقم، بَیدَ أنّی لم آلُ جهدًا بإعانهٍ من اللّه تبارک و تعالی فی الإجتهاد الصّحیح عند الشبهات الوارده علیَ و ما کنتُ أُثبتُ شیئًا إلاّ بعد الاطمینان الکامل، و لم ألف تصحیفًا فیه إلاّ بالغتُ فی إرجاعه إلی ما هو الحقّ الحقیق إن شاء اللّه. و بالجمله، فهذه أصحّ نسخه _ ان شاء اللّه تعالی _ من نسخ الکتاب، أرجو من اللّه تعالی منفعه الأصحاب... و أنا الفقیر الی رحمه ربّه الغنیّ القویّ محمّد باقر بن زین العابدین الموسوی... تحریرًا فی یوم الاثنین لخمس لیالٍ بقین من محرّم الحرام ۱۲۷۷».

* * *

نسخه دیگری از کتاب «الثاقب» در کتابخانه ملک در تهران به نظر نگارنده رسید که در «فهرست کتابخانه» هم به شماره «۳۷۵۶» ثبت شده، و دارای ۲۴۴ برگ ۱۵ سطری است و خطّ و کاغذ آن شبیه نسخه ما و کاتب آن «محمّد بن قسطه» است. ظهر نسخه تملّک آقا سیّد ریحان اللّه بن سیّد جعفر کشفی دارابی «مورّخه ۱۳۲۴» دیده می شود. به «فهرست امام جمعه کرمان: ۲۵» و نشره «أخبار التّراث العربی ۳۳: ۳» نیز مراجعه فرمایند.

آغاز: «بسم... الحمد للّه العلیّ مجده، الغالبُ جنده، الفایض فضله، الدّائم طوله، الّذی له الخلق و بیده الخذلان و النّصر، و إلیه المرجع و المصیر و هو العلیم القدیر... و أشهد أن لا إله الاّ اللّه... و أشهد أن محمّدًا عبده و رسوله... ثمّ انّه لمّا دنا أجله و انقضی نحبه و آثر جوار ربّه نظر لأُمّته نظر الوالد لولده، و رکز فیهم رایه الحقّ، و نصب لهم لوآء

الصّدق، و خلف فيهم الثقلين: كتاب اللّه و عترته أهل بيته دليلين فى الظلمه قائدين الى الرحمه، و ذكر أنّ الكتاب يصدّق بعضه بعضًا... و الدليل على أحكامه مَن جعله النبىُ صلّى اللّه عليه و آله له قرينًا و نصبه عليه أمينًا بقوله: انّى مخلفٌ فيكم الثقلين كتاب اللّه و عترتى أهل بيتى... و قد دلَّ الكتاب على أنّهم المعصومون من الزّلل المأمونون من الخطل بقوله تعالى: إنّما يريد اللّه ليذهب عنكم الرجس... قال اللّه تعالى: يا أيّها الّذين آمنوا اتّقوا اللّه و كونوا مع الصّادقين. ثمّ نفى الإختيار عن غيره و أضافه إلى أمره بقوله: و ربّک يخلق ما يشاء و يختار، ما كان لهم الخيره. فتناسى أكثر الاُمّه وصيّته...

ثمّ إنّى ذكرت ذات يوم من خصائصهم نتفًا و من فضائلهم طرفًا بحضره من هو شعبه من تلک الدّوحه الغرّاءِ و زهره من تلک الرّوضه الغنّاءِ. فاستحسن واردَها و استطرب «ف. خ ـ» شاردَها، و استحلى مذاقها، و استوسع نطاقَها، فأشار بتصنيف أمثالها و توريف ظلالها و جمع ما ندَرَ من فوائدها و شذّ من فرائدها.

فاستخرت اللّه تعالى فى ذلک وطفقتُ أجمع على ترتيب غريب و تركيب عجيب و أنظم على أن أذكر اوّلًا طرفًا من المعجزات لسيّد الأنبياء... صلّى اللّه عليه و آله، ثمّ أُثنى بما فى كتاب اللّه تعالى من آيات الانبياءِ... ثم إنّى أذكر بإزاءِ كلّ آيه آيهً توازيها، و بدل كلّ فضيله فضيلهً تضاهيها من آيات أئمّتنا ـ ع ـ . ثم أستأنف الكلام و أرتّب النّظام و أبتدئ بذكر أميرالمؤمنين على عليه السّلام، ثمّ أستأنف الكلام و أذكر قليلًا من آياته و طرفًا من دلالاته. ثمّ أذكر لسيّده النّساءِ السيّده الحوراء فاطمه الزهراء ـ عليها أفضل الصّلاه و السلام ـ ما يدلُّ على شرف فضائلها و يهدى الى وضوح دلائلها. ثمّ أذكر لكلّ واحدٍ من الأئمّه على التّرتيب و النّسق إلى الحجّه المنتظر عليه السّلام بعض آياته ليدلَّ على شرف غايته، إذ لو ذهبتُ بأجمع ما ظهر من الآيات و ما بَهر على ايديهم من الدّلالات لضاق الزّمان و تعذّر الامكان و فنَى القلم و نفَد البياض. و إنّ أصحابنا ـ رضى اللّه عنهم ـ

قد صنّفوا فی هذا المعنی کتبًا و صحفًا ضخمهً، و أنا ألتقط منها ما هو أروع فی السمع و أوقع فی القلب و أملأ للصّدر. و قد رسمتُه «سمّیته. خ_» ب_ «الثّاقب فی المناقب»...».

انجام: «عن یوسف بن أحمد الجعفری، قال: حججتُ سنه ستّ و ثلثین و ثلثمائه، ثمّ جاورت بمکّه ثلث سنین، ثمّ خرجت عنها منصرفًا الی الشام. فبینما أنا فی بعض الطریق و قد فاتتنی صلوه الفجر فنزلتُ من محملی و تهیّأتُ للصلوه، فرأیت أربع نفر فی محمل فوقفت أعجبُ منهما «منها. ظ»، فقال لی أحدهم: ممَّ تتعجّب؟ ترکتَ صلاتک! فقلت: و ما علمک بی؟ فقال: تحبّ أن تری صاحبَ زمانک؟ فقلت: نعم! فأومی إلی أحد الأربعه، فقلت له: و انّ له دلایل و علامات، فقال: أیّما أحبّ الیک؟ أن تری المحمل و ما علیه صاعدًا إلی السّماءِ، أوتری المحمل دون ما علیه یرتفع الی السماءِ؟ فقلت: أیّهما فهو دلاله. فرأیتُ المحملَ و ما علیه صاعدًا الی السّماءِ، و کان الرجل أومی إلی رجل به سمره و کأنّ لونه الذّهب بین عینیه سجّاده.

انتهی الکتاب بعون اللّه و توفیقه فی وقت العصر، یوم الربوع، سادس عشرین شهر شعبان المعظم المکرم فی سنه ستّه و ثلثین «کذا»(۱) من الهجره النبویّه... علی ید أفقر عباد اللّه الغنی: محمّد بن محمّد الجزائری الإبریسمی...

و حرّر بمکّه المشرّفه بالجبل المبارک ابوقبیس مشاهده البیت الحرام. غفر اللّه للکاتب و الآمر بذلک».

فهرست:

الباب ۱ فی ذکر طرف من معجزات نبیّنا محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم. ف فی بیان مقدّمات الکتاب. ف فی بیان آیاته الّتی ظهرت علی یده علیه السّلام فی المیاه. ف فی بیان آیاته الوارده فی الأطعمه و الأشربه. ف فی ظهور آیاته فیما نزل من السماءِ. ف فی

۱- ۱) گویا مقصود «ستّه و ثلثین و الف» باشد، به شهادت خطّ و کاغذ.

ظهور آیاته صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فی إبراءِ المرضی و الأعضاءِ المُبانه و المجروحه. ف فی بیان ظهور آیاته فی کلام الجمادات. ف فی بیان آیاته من کلام البهائم و الطفل الّذی لم یبلغ حین الکلام. ف فی بیان ما یقرّر من ذلک من کلام الذّراع المسموم و الشاه المسمومه. ف فی ظهور آیاته صلّی اللّه علیه و آله من دُرور اللّبن من ضرع الشاه الّتی ما بها لبن. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی الاستسقاءِ و إظلال السحاب علیه و غیره. ف فی ظهور آیاته صلّی اللّه علیه و آله فی طاعه الشجر و الحجر له. ف فی ظهور آیاته صلّی اللّه علیه و آله فی إحیاءِ الموتی. ف فی ظهور آیاته صلّی اللّه علیه و آله من ظهور النّور. ف فی بیان ظهور آیاته صلّی اللّه علیه و آله من الأخبار. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی معانٍ شتّی.

الباب ۲ فی بیان معجزات الانبیاءِ الّتی ذکرها اللّه تعالی فی القرآن و بیان فضائلهم و ما جعله اللّه سبحانه و تعالی لأهل بیت نبیّنا _ علیه و علیهم السّلام _ ممّا یضاهیها و یشاکلها و یُدانیها. ف فی ذکر آدم صلوت اللّه علیه. ف فی ذکر ابرهیم خلیل اللّه صلّی اللّه علیه و آله. ف فی بیان آیات اسمعیل علیه السّلام. ف فی ذکر یوسف علیه السّلام. ف فی ذکر آیات ایّوب علیه السّلام. ف فی بیان آیات کلیم اللّه موسی علیه السّلام. ف فی بیان آیات داود علیه السّلام. ف فی بیان معجزات نبیّ اللّه سلیمان علیه السّلام. ف فی ظهور آیات آصف بن برخیا. ف فی بیان آیات روح اللّه عیسی بن مریم علیه السّلام.

الباب ۳ فی معجزات امیرالمؤمنین و سید الوصیّین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام من إحیاءِ الموتی. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام ممّا رأی فی المنام ثمّ ظهر حکمه فی الیقظه. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام من الأشجار. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام مع الحیّات. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام مع الأسد. ف فی ظهور آیاته مع الشمس. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی إقدار اللّه تعالی إیّاه

على ما لم يقـدر عليه غيره. ف فى ظهور آياته عليه السّـلام فى الإخبار بالغايبات. ف فى بيان ظهور آياته عليه السّـلام فى أشـياء شتّى.

الباب ۴ فى ذكر آيات ستّ النّساءِ فاطمه الزّهراء صـلوت اللّه عليها... ف فى ذكر آياتها عليهاالسّـلام و هى فى بطن أُمّها. ف فى بيان آياتها بإنزال الملك من السّـماءِ بتزويجها عليهاالسّلام. ف فى بيان آياتها مع الرّحا. ف فى بيان ظهور آياتها عليها السّلام مع القدر و النّار. ف فى بيان آياتها فيما أُنزل عليها من السّماءِ. ف فى بيان ظهور آياتها فى غليان القدر بغير نار.

الباب ۵ فى بيـان آيـات السـبط الزكىّ أبى محمّـد الحسن بن علىّ عليه السّـلام. ف فى بيـان آياته من إحياءِ الموتى. ف فى بيان ظهور آيـاته فيما يشاكل ذلك. ف فى بيان ظهور آياته عليه السّـلام من إخراج الثّمره من الشـجر اليابس. ف فى ظهور آياته من إظهـار بعض حكم القيمه و أحوالها فى الـدنيا. ف فى بيان ظهور آياته فى انقلاب الرجل امرأةً و الإمرأه رجلاً. ف فى بيان آياته فيما أعطاه جبرئيل من فاكهه الجنّه. ف فيما ظهر من آياته عليه السلام من الإخبار بالغايبات.

الباب ۶ فى بيان آيات السـبط الشـهيد ابى عبداللّه الحسين بن على عليهماالسّلام. ف فى ظهور آيته عليه السّلام من خصال النبى صلّى اللّه عليه و آله و ظهور آيـاته بعـد موت رسول اللّه. ف فى بيـان ظهور آيـاته فى إبراءِ الأبرص. ف فى بيان ظهور آياته فى إسواد الشّـعر بعـد مـا ابيضّ. ف فى بيـان ظهور آيـاته مع الماءِ. ف فى بيان ظهور آياته فى اظهار موضع قبره. ف فى ظهور آياته بعـد الموت. ف فى بيان آياته عليه السّـلام مع فُطرس الملك. ف فى بيان ظهور آياته عليه السّـلام فى إجابه الدعاء. ف فى بيان ظهور آياته من الإخبار بالغائبات. ف فى بيان ظهور آياته فى معان شتّى.

الباب ۷ فى ذكر آيات زين العابدين علىّ بن الحسين صلوات اللّه عليهما. ف فى بيان

ظهور آیاته علیه السّلام فی إنطاق اللّه تعالی الحجر الأسود حجّه له. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی إحیاءِ الموتی. ف فی بیان ظهور آیاته فی استلانه الغلّ من الحدید فی یده. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی کون النّبیّ معه. ف فی بیان ظهور آیاته فیما صلّی علیه أهل الأرض و السّماءِ. ف فی ظهور آیاته فی طاعه الوحش له و التماسهم منه الحاجه. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام من الإخبار بالمغیّبات. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی معانٍ شتّی.

الباب ۸ فی ذکر آیات أبی جعفر محمّد بن علیّ علیهما السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی إحیاءِ الموتی. ف فی بیان آیاته فی إبراءِ الأعمی. ف فی ظهور آیاته فی خروج الثمر من الشجره الیابسه. ف فی ظهور آیاته فی العنب و اللباس. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی ما رأی من ملکوت السّماءِ. ف فی بیان ظهور آیاته فی الإخبار بالمغیّبات. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی معانٍ شتّی.

الباب ۹ فی ذکر دلالات الامام الصّادق جعفر بن محمّد علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی إحیاء الموتی. ف فی بیان ظهور آیاته فیما أخبر به من حدیث النّفس. ف فی بیان ظهور آیاته من الإخبار بالغائبات. ف فی بیان آیاته و معجزاته فی معانٍ شتّی.

الباب ۱۰ فی ذکر معجزات موسی بن جعفر علیهما السّلام. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی إحیاءِ الموتی. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام و معجزاته من کلامه فی المهد. فی بیان ظهور آیاته فی الإخبار من آجال الناس. ف فی إخباره عن حدیث النّفس. ف فی ظهور آیاته من إخباره بالمغیّبات. ف فی بیان ظهور آیاته فی معانٍ شتّی.

الباب ۱۱ فی آیات ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی الاستسقاءِ. ف فی بیان ظهور آیاته فیما ظهرت فی الأسود. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی قلب الحجر ذهبًا. ف فی بیان حدیث النّفس فی ظهور

آیاته علیه السّـلام. ف فی بیان ظهور آیات تجری مجری تلک. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی الإخبار بآجال النّاس. ف. فی آیاته فیما أخبر به ممّا رآه فی المنام. ف فی بیان آیاته فی الإخبار بالمغیّبات. ف فی بیان ظهور آیاته فی معان شتّی.

الباب ۱۲ فی بیان آیات ابی جعفر محمّـد بن علی التقیّ علیه السّـلام. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّـلام فی إحیاءِ الموتی. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّـلام فیما کلّم فی المهـد. ف فی بیان آیاته علیه السّـلام فی کمال عقله فی سنّ الأطفال. ف فی بیان ظهور آیاته فی کلام العصی فی یده علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی قطع المسافه. ف فی بیان ظهور آیاته مع الشجر. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام من العلم بحدیث النفس. ف فی بیان ظهور آیاته من العلم بالاجال. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی الإخبار بالغائبات. ف فی ظهور آیاته فی معانٍ شتّی.

الباب ۱۳ فی ذکر آیـات ابی الحسن علی النقیّ علیه السّـلام. ف فی بیـان ظهور آیـاته فی إحیاء الموتی. ف فی بیان ظهور آیاته من المـاءِ و الشـجر. ف فی بیـان معجزاته فی الحجر و الرمـل. ف فی بیان ظهور آیاته فی الإعلام عن آجال الناس. ف فی ظهور آیاته علیه السلام من الإخبار بالغائبات. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی معان شتّی.

الباب ۱۴ فی ذکر آیات ابی محمّد الحسن بن علی العسـکریّ علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی الحصا. ف فی بیان ظهور آیـاته من الإخبـار بحـدیث النفس. ف فی بیـان آیاته علیه السـلام فی الإخبار بالغائبات. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّـلام فی معان شتّی.

الباب ۱۵ فی ذکر آیات صاحب الزمان الخلف الصالـح المنتظر المهـدیّ محمّد بن الحسن علیه السـلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی حال ولادته و بعدها. ف فی بیان ظهور آیاته فی حال طفولیّته علیه السّـلام. ف فی بیان ظهور آیاته من الإخبار بآجال النّاس. ف فی بیان ظهور آیاته بالغائبات. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی معان شتّی..

نسخه: دارای ۲۲۹ برگ و ۲ برگ کاغذ فرنگی سفید عطف در اوّل و یک برگ در آخر. کاغذ چاربغل، خط نسخ ۱۸ سطری، از آغاز تا انجام نسخه به تصحیح آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» رسیده و آثار مقابله و تصحیح در تمام صفحات دیده می شود. عناوین در متن به شنگرف و در هامش به خط صاحب روضات ـ علیه الرحمه و الرضوان ـ نوشته شده. جلد تیماج مشکی جدید، آستر کاغذ گلی فرنگی، قطع ۱۴ × ۲۰ و نیم، متن ۷ و نیم × ۱۵.

روی برگ ۱ تملّک نیای گرامی چنین است: «ممّا جرّه القضاء و ساقه القدر إلی ملکی البائر فی شهور سنه ۱۲۷۶. الحمد للّه علی کلّ نعمه» مهر: «محمّد باقر بن زین العابدین الموسوی ۱۲۵۸». ایضًا به خطّ ایشان: «عدد ابیات کتاب تخمینًا هزار بیت و کسری از قرار بیتی پنجاه حرف...».

«۲۱۲» ثمره الفؤاد

(اسرار احکام ـ عربی)

از: قطب الدین محمّد بن شیخ علی الشریف اللّاهجی، از دانشمندان بزرگ سده یازدهم هجری است، که اثر نفیس او؛ «محبوب القلوب» شهرتی بسزا دارد.

«محبوب القلوب» به زبان عربی و مشتمل بر یک مقدّمه و سه مقاله و یک خاتمه است. «مقدّمه» در بیان حقیقت فلسفه و منشأ آن و مبدأ سایر علوم و وصف حکماءِ بزرگ یونان و فُرس و هند و سایر بلاد و تراجم آنان و اجمالی در حدود بلادشان. «مقاله یکم» در احوال حکماء از زمان حضرت آدم علیه السلام تا بدو ظهور اسلام و نقل کلمات و حکمت های منقوله از آنان. «مقاله دوّم» در احوال فلاسفه اسلام و علماءِ علم کلام و نقل مقالات و کلمات آنان، با ذیلی در احوال عرفاءِ مشایخ موحّدین صوفیّه. «مقاله سوّم» در احوال ائمّه اخیار علیهم السلام و نقل جمله ای از احادیث مشتمله بر حِکَم و اسرار،

با ذیلی در احوال بزرگان مشایخ شیعه امامیّه. «خاتمه» در احوال مؤلّف و پدران.

از این کتاب نفیس تنها مقدّمه و مقاله یکم طیّ ۱۶۰ صفحه به قطع بزرگ و چاپ سنگی در طهران به طبع رسیده و حواشی بسیاری که مؤلّف بر کتاب خود نوشته نیز در اطراف نسخه مطبوعه آمده است(۱) .

سه نسخه کامل از «محبوب القلوب» در طهران در کتابخانه های مجلس و مدرسه سپهسالار و کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود و نسخه اخیر اصحّ و انفس از دو دیگر و مشتمل بر ۱۱۱۷ صفحه و به خطّ عمادالدین محمود (برادر مؤلّف) و ملّا برخوردار لاهیجانی و شیخ محمد جعفر (پسر مؤلّف) می باشد و چندی پس از درگذشت مؤلّف استنساخ شده است(۲).

ص : ۱۹۹

---

۱ - ۱) مؤلّف «طرائق الحقائق ۳: ۲۸۷» که در سفر گیلان خود این کتاب را دیده [شب را به مطالعه کتاب «محبوب القلوب» مشغولی بود...] در حاشیه گوید:«کتاب محبوب القلوب، تألیف قطب الدین محمّد بن علی اشکوری گیلانی، در تراجم حکماء و متألّهین است و جناب حاجی میرزا نصیر گیلانی آن را بطبع رسانیده، و یکی از مریدان مرحوم حاجی محمّد حسن نائینی به امر وی آن را از عربی به فارسی ترجمه نموده خوب از عهده برآمده است. منه». پراکنده گویی: مرحوم علاّمه محمّد قزوینی «طرائق» را برای یافتن نامی از اشکوری و محبوب القلوبش تفحّص و تصفّح نموده و آن را نیافته است، نه در طرائق و نه در سائر کتاب هایی که نامشان را نوشته و در دسترس داشته است:«یادداشتهای قزوینی ۶: ۱۵۲». امّا در فهرست کتابخانه خود چاپ شده در همان «یادداشتها ۸: ۹۹» ذیل عنوان «محبوب القلوب» مطالبی درباره آن کتاب و مؤلّفش آورده و عبارت «طرائق» را هم نقل کرده است!

۲ - ۲) برای اطّلاع از تفصیل خصوصیّات این نسخه رجوع شود به مقدّمه جلد اوّل «تفسیر شریف لاهیجی: ۳۳ به بعد» و «فهرست دانشگاه ۱۴: ۳۹۴۰ به بعد». در کتاب اخیر که به تفصیل تمام نسخه را معرفی کرده اند، از جمله مراجع جدید شرح حال لاهیجی؛ مجلّه «فرهنگ ایران زمین. دوره ۷ مورّخه ۱۳۳۹ ش» را یاد کرده اند. یک نسخه دیگر نیز در «فهرست امام جمعه کرمان: ۱۰۴» یاد شده و آگاهی بیشتر در «فهرست آقای احمد منزوی ۲: ۲: ۷۲۹» آمده است.

خاتمه «محبوب القلوب» را نویسنده فاضل مقدّمه جلد اوّل «تفسیر شریف لاهیجی: ۱۲_ ۳۲» طیّ بیست صفحه، عینا از روی دو نسخه اولی نقل فرموده. مع الأسف در این خاتمه مبسوطِ مفصّل، با اینکه مؤلّف آن را به نام شرح حال خود و پدرانش نگاشته، بیش از چند جمله ای در این باره ها نیاورده و بقیّه، مطالب گوناگون دیگری است از احادیث و اخبار و اشعار موعظه و نصیحت و آداب طلب علم و غیره. آنچه پیرامون شرح حال او در آنجا آمده است ذیلًا به اختصار ترجمه می کنیم.

در باب نام و نسب و نسبت خود گوید: «مؤلّف کتاب... قطب الدین محمد بن شیخ علی بن عبدالوهاب بن پیله فقیه، اشکوری دیلمی لاهیجی. اشکور، ناحیتی از نواحی دیلم است و تا مسکن فعلی ما که لاهیجان است تقریبًا هفت فرسخ فاصله دارد... جدّ أعلایم پیله فقیه اشکوری مردی فقیه و صالح بود و به علوم زبان که سابقًا در بلاد گیلان مرسوم و متداول بود از قبیل نحو و صرف و تفسیر و معانی و بیان معرفت داشت. و «پیله» به زبان اهل گیلان به معنی «بزرگ» است، و پیله فقیه یعنی «فقیه بزرگ». پیله فقیه در اشکور می زیست تا اینکه به تکلیف والی آن بلاد به لاهیجان منتقل گردید(۱).

«در این اوقات سید جلیل سید محمّد یمنی به اتفاق فرزندش سیّد نبیل فاضل سید علیّ و یگانه فرزند سید علیّ سیّده فاطمه، از دیار خود به جهت خوف از سلطان روم به ایران آمدند و در دارالسلطنه قزوین نزد شاهنشاه أعظم... شاه طهماسب صفوی موسوی اقامت گزیدند و سیّد محمد پس از سه ماه توقّف در قزوین درگذشت و چون هوای قزوین برای سید علی و دخترش سازگار نبود، شاه رخصت داد تا به بلاد گیلان که هوایش موافق هوای بلاد یمن بود منتقل شدند و در أشکور در منزل جدّم «پیله فقیه» إقامت کردند،

۱- ۱) نسختی از «تنسوق نامه ایلخانی» به خطّ پیله فقیه در کتابخانه حاجی سیّد نصراللّه تقوی بوده است: «الذریعه ۴: ۴۵۸».

لکن چون والی لاهیجان در همان ایّام جدّم را به لاهیجان خواند، آنان نیز به معیّت او بدان سامان رفتند... و والی، قطعه زمینی در محلّه «میدان» که محلّ سکونت خود و دیگر والیان بود برای آنان خریداری کرد و در آنجا خانه ای ساخت و ایشان را در آنجا مسکن داد... پس از آن، سید علی به سبب مرافقت و مؤالفتی که با نیاکانم یافته بود، یگانه دختر خود «سیّده فاطمه» را به عقد جدّم مولانا عبدالوهاب ابن پیله فقیه که مردی فقیه و پارسا بود درآورد...

«سپس پدرم شیخ مولانا علیّ از آن سیّده جلیله متولد شد و پدرش مولانا عبدالوهّاب در صغر سنّ او وفات یافت و شیخ مولانا علیّ به همّت و تربیت ما در به اعلی درجات علم و عمل نائل آمد و جامع علوم معقول و منقول گردید و شیخ الاسلام لاهیجان شد و مرجعیّت امور مسلمین یافت وصیت دانش و کمالات او در بلاد گیلان بلکه در تمامی ایران منتشر گشت... تا آن که پدرم دختر شیخ المشایخ عصر و خلاصه المنجّمین زمان شیخ إسمعیل ـ متولّی مرقد مطهّر منوّر شیخ الأولیاء و الأتقیاء «شیخ رضا کیا» را که در نیم فرسخی طرف شرق بیرون شهر لاهیجان واقع است ـ به حباله نکاح خود درآورد و چهار پسر از او به وجود آمد، و خود در یکی از سال های وبائی فُجأةً در أثناءِ نماز صبح بدرود حیات گفت و سنّ او در آن هنگام تقریبا شصت و سه سال بود...

«پس ازین اتّفاق، مرحوم شیخ جلال که فرزند بزرگتر پدرم و مردی خوش محاوره و دارای طبیعتی وقّاد و سلیقتی نقّاد و بسیار پارسا و پرهیزگار بود، زمامدار امور وی گردید. لکن دیری نپایید که پس از سه سال از فوت پدر در عنفوان شباب وفات یافت و او سه سال از من بزرگ تر بود.

«پس چون برادرم درگذشت قضا و قدر مرا به کارهای پدر و برادر کشانید و کأس

رنج و تعب چشانید، و روزگار غدار مدّتی مرا از تحصیل دانش و کسب آداب باز داشت...»(۱) .

* * *

تـا اینجا بود آنچه از خاتمه «محبوب القلوب» در باب شرح حال مؤلّف استفاده می شود و مطالب دیگر خاتمه چنانکه گفتیم مشتمل بر روایات و مواعظ و اشعاری است که ربطی به شرح حال نـدارد، و در پیش گـذشت که نسخه «محبوب القلوبِ» کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران را سه نفر تحریر کرده اند و کیفیت آن در پشت نسخه نوشته شده، از آن جمله: « ... قاضی عماد الدین [محمود، برادر مؤلّف] تمام متن و حواشی را تا اواسط حالات حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به خطّ نسخ و تعلیق نوشته و مرحوم شـد، مرحوم ملاّـ برخوردار که از زمره علمـای معتبرین لاهیجان و گاهی هم در مجالس محترمه عقود و مبایعات محرّر شرعیات بوده، حواشی را به اتمام رساند، مرحوم شیخ جعفر پسر مؤلّف باز به امر مرحوم میرزا سیّدی، فهرست کتاب را به خطّ ثلث تحریر نمود. ــ رحمهم اللّه ــ ...».

عبارت ملاّ برخوردار نیز که در آخر نسخه نگاشته، در مقدّمه تفسیر«ص ۳۶»، نقل شده و آنجاست که تاریخ فراغ از استنساخ، روز پنج شنبه ۱۶ ماه ذوالقعده ۱۰۹۵ بوده و هم در مقدّمه مذکوره از ظهر نسخه، کلامی نقل شده که در آنجا مؤلّف را چنین وصف کرده است:

«... قطب فلک علم و دانش و مرکز مدار فهم و بینش، محیط مُحاط غرایب فنون

---

۱ – ۱) در «فهرست دانشگاه ۱۴: ۳۹۴۸» پس از آنکه فشرده ای از مطالب «محبوب القلوب» را که در بالاـ نقل کردیم آورده، گوید: [همین نکات در «خیر الرجال» هم هست و گویا قرینه باشد که لقب او بهاءالدین هم بوده است].

و علوم و حاوی محوی مراتب منثور و منظوم، عمود قوائم شریعت پناهی، سالک مسالک هوشمندی و آگاهی؛ الشّیخ الأجل الامجد الواصل إلی غفران الملک الرحمن المنان، شیخ قطب الدین محمد، شیخ الاسلام بلده طیّبه لاهیجان».

بنا به نقل نویسنده فاضلِ مقدّمه تفسیر «ص ۴۱ ــ ۴۲»، شیخ محمّد جعفر فرزند مؤلّف نیز که فهرست «محبوب القلوب» نسخه کتابخانه مرکزی را ترتیب و به خطّ خود در آغاز آن نگاشته و تصریح کرده است که در روز غدیر سال ۱۰۹۵ «۲۵ روزی پس از ختم استنساخ اصل نسخه» از آن فراغت یافته است، شرحی ظهر نسخه قلمی داشته که در مقدّمه تفسیر نقل شده و در آنجا ازین عبارت که گوید: «و از تألیفات مرحوم مغفور شیخ قطب الدین محمد شیخ الاسلام بلده مزبوره»، به خوبی مستفاد می شود که مؤلّف پیش از آن تاریخ (۱۰۹۵) بدرود زندگی گفته بود، و نویسنده فاضل مقدّمه تفسیر از این تصریح و هم از عبارت شخص مؤلّف در حاشیه شرح حال جالینوس حکیم که اوائل مقاله یکم «محبوب القلوب: ص ۵۲ نسخه چاپی» است و در آنجا داستان زلزله عظیم گیلان و لاهیجان را نگاشته و تاریخ وقوع زلزله را هنگام نماز صبح روز چهارشنبه عید قربان ۱۰۸۸ قید نموده است؛ ازین دو تاریخ استفاده کرده و چنین نتیجه گرفته اند که وی میان این دو تاریخ یعنی ظرف هفت سال فاصله درگذشته است.

پاره ای از مطالب بالا را مؤلّف فاضلِ «فهرست دانشگاه ۱۴: ۳۹۳۸ ــ ۳۹۵۳» نیز آورده و تصویر یازده صفحه از متن و آغاز و انجام و فهرست نسخه دانشگاه را عینا چاپ کرده اند که موجب سپاس گزاری است.

از جمله مطالبی که از حاشیه مذکور مستفاد می شود، این است که صاحب ترجمه دارای فرزندی نیز به نام شیخ ابوسعید بوده که خبر سلامتی کسان خود را برای پدر ــ که آن هنگام در اصفهان می زیسته ــ نگاشته است.

ص : ۲۰۳

نیز از جمله مطالبی که در متن «محبوب القلوب: ۵۱ _ ۵۲» ضمن شرح حال جالینوس آورده و در مقدّمه تفسیر «ص ۳۷ _ ۳۸» نیز نقل شده است، داستان حریق خزائن بزرگ سلطنتی رومیّه است که از کتابی که جالینوس در باب «نفی غمّ» نگاشته، نقل فرموده و از جمله اشیاءِ قیمتی که طُعمه این حریق شده، نُسخ نفیسه ای بوده به خطّ ارسطاطالیس و خود جالینوس و دیگر حکماءِ بزرگ. سپس مؤلّفِ محبوب القلوب گوید: «نظیر این سانحه یعنی وقوع حریق در کتب نفیسه جالینوس، برای من نیز اتّفاق افتاده و در حدود سال ۱۰۵۸ در شهر لاهیجان قریب ششصد مجلّد کتب نفیسه ام و سایر اشیاء و خانه ها دستخوش این آتش سوزی شد، که در میان آن کتب، نُسخی به خطّ محقّق طوسی و علاّمه حلّی _ طاب ثراهما _ و هم به خطّ بزرگان دیگر وجود داشت و نیز بسیاری از نوشته های پدر و برادرم _ روّح الله روحهما _ و آنچه خود نوشته و تصحیح و مقابله با نسخ صحیحه کرده بودم تمامًا از میان رفت تا آنجا که چیزی برای من جز سرمایه ام که حسن ظنّ به خدای تعالی و دوستی اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله است باقی نماند».

* * *

این بود گزیده ای از آنچه در باب احوال قطب الدین لاهیجی از کتاب محبوب القلوبش مستفاد می شود، و درباره برادرانش که خود تصریح فرموده اولاد ذُکور پدرش منحصر به چهار نفر بود، نام دو نفر از آنها «شیخ جلال و قاضی عمادالدین محمود» معلوم گردید و نام یک تن دیگر مجهول ماند، و از فرزندانش نیز «ابوسعید» را خود ذکر کرده و خط شیخ محمّد جعفر هم ظهر نسخه محبوب القلوب موجود است.

نخستین جایی که پس از محبوب القلوب، ترجمه مؤلّف را در آن می توان یافت، «أمل الأمل: ۵۵ _ ۵۶» است که وی در آنجا چنین یاد شده:

ص : ۲۰۴

«مولانا قطب الدین محمّد بن علیّ الشریف الدیلمیّ الّلاهجیّ. فاضلٌ عالم جلیل القدر، له مصنّفات منها «رساله فی العالم المثالی» و غیر ذلک. و هو من المعاصرین».

مؤلّف بزرگوار «ذریعه» تصریح فرموده اند که صاحب ترجمه نزد سیّد المحقّقین میر محمّد باقر داماد قدس سره (متوفی ۱۰۴۰) شاگردی کرده، و نویسنده فاضل مقدّمه «تفسیر شریف لاهیجی» در این باره چنین توضیح داده اند:

«ناگفته نماند: تاکنون من در کلمات خودِ مؤلّف به این مطلب برنخورده ام که وی به تلمّذ خود نزد میر داماد تصریح کرده باشد، لیکن جماعتی به آن تصریح کرده اند، بلکه از کلام بعضی از ایشان مانند صاحب ذریعه برمی آید که وی در محبوب القلوب در ترجمه حال خود به این امر تصریح کرده است، فراجع إن شئت»(۱).

چنانچه موضوع شاگردی قطب الدین نزد میرداماد به ثبوت رسد توان گفت که قطبْ در حدود سال هزار هجری متولّد شده، و وفات او نیز چنانکه گذشت میان سال های ۱۰۸۸ _ ۱۰۹۵ واقع شده است.

پس از کتاب «امل الأمل» در سایر کتب تَراجم متأخّرین نیز نوعًا مطالب آن کتاب را عینًا یا مضمونًا نقل کرده و اطّلاع مهم و تازه تری نداده اند، و در «فهرست حقوق: ۳۷۵ _ ۳۷۶» که نسخه ای از «شرح شرح مختصر المنتهی» تألیف محقّق تفتازانی را معرّفی کرده؛ یکی از امتیازات نسخه را چنین یاد نموده اند:

«خطّ قطب الدین محمد بن شیخعلی شریف لاهیجی دارنده نسخه با مُهر او «أغثنی یا قطب الأقطاب ۱۰۶۳» در صفحه عنوان هست». انتهی، و تصویر صفحه مذکوره در مقدّمه تفسیر (ص ۹۸) چاپ شده است.

ص : ۲۰۵

۱- ۱) گمان می کنیم این مطلب از شرح حال میرداماد در «محبوب القلوب» مستفاد می شود، نه از شرح حال خود مؤلّف.

آثار دیگر:

سوای «محبوب القلوب» که یاد کردیم و «ثمره الفؤاد» که جای گفتگو است، مؤلّف را کتاب ها و رساله هایی است که آنچه تاکنون شناخته شده، بدین قرار است:

۱_ «شرح صحیفه سجّادیه». نسخه این شرح نزد نویسنده فاضلِ مقدّمه «تفسیر شریف لاهیجی» موجود و پیرامون آن در مقدّمه مذکوره (ص ۷۵ _ ۸۲) سخن گفته و در آغاز مبحث چنین آرند:«از جمله تألیفات مؤلّف ترجمه ای است شرح مانند بر «صحیفه سجّادیّه...».

سپس بخش هایی از آن کتاب را نقل و در پایان سخن گفته اند: «باید دانست که این شرح صحیفه با صِغَر حَجم، مشتمل بر بیانات بسیار سدید و تحقیقات بسیار مفید است که اگر خوض در نقل منتخبات آن کنیم باید همه را نقل کنیم، زیرا همه اش منتخب و نفیس است و این مقدار که نقل شد برای معرّفی آن به عنوان نمونه کافی است، و معرّفی آن از این نقطه نظر است که نسخه این شرح تاکنون در جایی نام برده نشده و معرّفی نگردیده است».

۲_ «فانوس خیال» یا «رساله مِثالیّه»، که در آخر آن گفته است: «تمّت الرساله الّتی سمّیناها «فانوس الخیال فی إرائه عالم المثال» بعون اللّه الملک المتعال، فی غرّه شوّال _ ختم بالخیر و الإقبال _ سنه ۱۰۷۷ من الهجره المقدّسه»(۱).

ص : ۲۰۶

---

۱ - ۱) مقدمه تفسیر شریف لاهیجی: ۵۵. فانوس خیال را که عمر خیّام در شعر خود به کار برده: «فانوس خیال از او مثالی دانیم»، مرحوم استاد سعید نفیسی این چنین توضیح داده است (با تلخیص): «فانوس خیال، جَدِّ سینمای امروز است، و آن فانوسی بوده است که در آن شمع روشن می کرده اند و روی شیشه هایی نقش هایی می کشیدند و آن شیشه های نقش دار را از جلوِ روشنایی شمع _ البتّه در تاریکی _ می گذاردند و آن نقش روی شیشه بر دیوار یا پرده سفیدی می افتاد... مقصودِ... خیّام از این رباعی آن است که وضع انسان درین عالم و تصوّری که انسان از این جهان می کند مانند فانوس خیال است که در آن عالم، فانوسی است و خورشید چراغ آن است و مردم مانند صورتهایی هستند که در این فانوس گردان هستند، یعنی یک یک میآیند و میروند: کتاب «در مکتب استاد: ۱۸۹». از رباعی دیگری در «مجموعه خطّی محمّد بن عبدالحسین آل الحسینی الجزائری» از عمر خیّام آمده است: دانی چه بوَد آدم خاکی خیّام فانوس خیالیّ و چراغی در وی

این رساله نیز در مقدّمه تفسیر (ص ۴۹ _ ۶۴) و «فهرست دانشگاه» معرّفی شده است.

۳_ «لطائف الحساب». نسخه این کتاب در آستان قدس رضوی موجود و در «فهرست رضویّه ۴: ۴۱۵» فرماید که نسخه مذکوره به شماره «۵۶۰۹ عمومی، ریاضی خطّی» است. «مقدّمه تفسیر: ۴۳».

۴_ «رساله در شرح بیتی از مثنوی». نسخه آن را که ضمیمه «ثمره الفؤاد، شماره ۲۱۲»، است آنجا می شناسانیم.

مؤلّف در این چند کتاب و رساله که تا حال ذکر شد، لقب خود را «قطب الدین» یاد کرده است، جز این که دو کتاب مهمّ دیگر نیز در دست است که نام مؤلّف در آنها بر این نهج آمده: «بهاءالدین محمّد بن شیخ علی الشریف اللّاهجی»، یعنی در این دو کتاب به جای قطب الدّین، لقب بهاءالدین است و نویسنده فاضل مقدّمه تفسیر شریف لاهیجی که مکرّر از آن یاد کردیم، بسیار کوشیده و ادلّه چندی اقامه فرموده تا ثابت گرداند که نویسنده این کتاب ها یک نفرست لاغیر اگرچه در بعضی کتاب ها لقب خود را قطب الدین و در برخی بهاءالدین یاد کرده است، و البتّه تحقیقاتی که درین باره نموده اند قابل اعتماد و شایسته اعتبار است، و آن دو کتاب، یکی بنام:

«خیرالرجال» است که در بیان احوال رجال اسانید کتاب «من لایحضره الفقیهِ» شیخ

صدوق در نهایت اتقان و اعتبار نگاشته و به سال ۱۰۷۵ (۱) مطابق عدد نام کتاب از آن فراغت یافته و در مقدّمه «تفسیر شریف لاهیجی: ۷ _ ۸ و ۷۲ _ ۷۵» پیرامون آن گفتگو شده است، و دیگری:

«تفسیر قرآن مجید» است به زبان فارسی، که در همین دو سه سال اخیر به همّت چند تن از دانشمندان در چهار مجلّد کلان در طهران به طبع رسید، والحقّ تفسیر بسیار شیوا و مفیدی است، و مجلّد اوّل آن دارای یک مقدّمه صد صفحه ای است که مکرّر ذکر آن در این مبحث گذشته است.

عبارتی که در پایان این تفسیر شریف دیده می شود قدری در انتساب آن به صاحب «محبوب القلوب» ایجاد شبهه نموده. زیرا علاوه بر این که لقب مؤلّف در اینجا «بهاءالدین» آمده، تألیف کتاب را نیز در شهر «پتنه» از بلاد هندوستان نشان می دهد، و آن عبارت چنین است:

«تمّ تألیف هذه الترجمه الأنیقه علی ید مؤلّفها بهاء الدین محمّد بن الشیخ علیّ الشّریف اللّاهجی _ عفا اللّه عنهما _ فی الشهر المولود [فیه] من نزل علیه القرآن _ صلوات اللّه علیه و آله _ فی یوم الثلثاء الرابع و العشرین من سنه ستّه و ثمانین و ألف من هجره خیرالبریّه _ علیه و آله الصلاه و التّحیّه _ فی بلده البتنه _ صانها اللّه عن الفساد و الفتنه _ من بلاد الهند». «مقدّمه تفسیر:۱۲»، «أعیان الشیعه ۴۶: ۴۵».

لکن نویسنده فاضل مقدّمه ازین عبارت استظهار فرموده اند که شاید مؤلّف در آخر کارِ تألیفِ تفسیر به هندوستان و شهر «پتنه» افتاده باشد.

ناگفته نماند که مؤلّف بزرگوار «ذریعه» در کتاب جلیل القدر دیگرش «مصفّی المقال»

---

۱ - ۱) در مقدّمه تفسیر (ص ۸) گویا از کلام «ذریعه» گمان برده اند که تاریخ تألیفِ «ثمره الفؤاد» نیز در همین سال بوده است، لکن چنان که خواهد آمد تاریخ نسخه شماره [۲۱۲] ما، ۱۰۷۲ می باشد.

برای قطب الدین و بهاءالدین دو عنوان مستقّل «ص ۳۶۹ و ۴۱۵» قرار داده و در ذیل بهاءالدین استظهار تعدّد فرموده اند، لکن در «ذریعه ۷: ۲۸۲» ذیل عنوان «خیر الرّجال» استظهار اتّحاد، و اللّه العالم (۱).

صاحب «تفسیر» در «اعیان الشّیعه ۴۶: ۴۵» و «تاریخ علماء و شعرای گیلان: ۷۹» به عنوان بهاءالدین مذکور است. در اعیان فرماید:

«بهاءالدین محمّد بن الشیخ علی شریف اللاّهیجی. کان من أعلام محقّقی عصره. ذکره الزنوزیُّ فی «ریاض الجنّه» و قال إنّه رأی له کتاباً فی التّفسیر فی مجلّدین کبیرین، رآه فی مکتبه الشیخ عبدالحسین فی خراسان...».

سپس مختصّات تفسیر را ذکر و دو تألیف دیگر او را چنین یاد کرده است:

«۲ _ کتاب خیرالرّجال، فی رجال أسانید [کتاب] من لایحضره الفقیه، علی ترتیب الأبواب و ذکر فی البین أسامی الرجال و الرواه بترتیب الحروف، فرغ منه سنه ۱۱۲۸»(۲).

«۳ _ الرّساله المِثالیّه، فارسیه. رتّبها علی أنوار و إشراقات و لمعاتٍ فی بیان أسامی عالم المثال و التقسیم و الوسعه و الأشکال و الأصقاع و البُلدان و وساطه الأشباح بین الأجسام و الأرواح و غیر ذلک، رأیتها فی طهران فی عدّه أوراق مع جمله رسائل متنوّعه، و عرّبتها».

نویسنده «تاریخ علماء و شعرای گیلان» گوید: «المولی بهاءالدین لاهیجی. آن جناب از ولایت لاهیجان است، از علماء و مفسّرین زمان خود بوده که مثل آن بزرگوار کم

۱- ۱) رجوع به مقدّمه تفسیر: ۷ _ ۸ شود.

۲- ۲) این تاریخ صحیح نیست و ظاهرًا منشأ آن کلام صاحب «کشف الحجب» است که وی نیز ۱۱۲۸ را تاریخ تألیف دانسته و گویا تاریخ استنساخ نسخه ای از خیرالرجال بوده است. «رجوع به مقدّمه تفسیر: ۸ شود.»

دیـده شـده است، و در حکمت و تفسـیر ید طولایی داشت. یکی از تألیفات مولانا کتاب «خیرالرجال» فی ذکر أسانید «[کتاب] من لایحضره الفقیه» است که بغایت نیکو نوشته است» انتهی.

در «فهرست دانشگاه ۱۲: ۲۹۳۸ _ ۲۹۵۱» یک نسخه «مجموعه» به شماره ۳۹۵۰ معرّفی شده است که مشـتمل بر هفت رساله و جمعًا ۱۲۳ برگ می باشد، و چهار رساله آغاز آن همه به خطّ صاحب «محبوب القلوب» و بقیّه به خطّ مفید بن سعید لاهیجانی است و تصویر ده صـفحه نمونه خطّ قطب نیز در آنجا چاپ شـده است. ذیلًا با رعایت اختصار، فهرستی از رسائل آن مجموعه به دست می دهیم:

۱_ «فیصـل التفرقه بین الاسـلام و الزنـدقه» تـألیف ابوحامـد محمّـد غزّالی، تاریـخ اسـتنساخ آخر ذوالقعـده ۱۰۸۷ در اصـفهان، نویسنده نسخه که صاحب «محبوب القلوب» است بر آن حاشیه دارد.

۲_ «المنقذ من الضلال» غزّالی، در روز پنج شنبه ۲۴ ذوالقعده ۱۰۸۷ و آخر ماه رجب ۱۰۸۸ آن را استنساخ کرده است.

۳_ «إثبات واجب» از مولانا رجبعلی واحد تبریزی، به سال ۱۰۸۸ در اصفهان استنساخ شده است.

۴_ «شرح ابیات»، از خود اشکوری است که در شرح بیتی از نظامی و رباعی ای از سحابی و رباعی دیگر از گمنام نوشته است و جابجا از منظومات خود آورده که آنها را مؤلّف فاضل فهرست گردآورده و نقل کرده اند.

این چهار رساله به خطّ نسـتعلیق زیبای قطب الدین اشـکوری است و بقیه «۵_ الوجیزه فی الرجال» و «۶_ الأوزان و المقائیس» هر دو از علاّمه مجلسی و «۷_ المقادیر الشـرعیّه و الموازین الطبیّه» از قاضی بن کاشف الدین محمّد یزدی، هر سه رساله به قلم مفید بن

سعید لاهیجانی استنساخ شده است.

* * *

«ثمره الفؤاد» جای گفتگو کتابی است در اسرار عبادات و معاملات و وظائف قلبی و باطنی انسان دوشادوش وظائف ظاهری عملی و بسیار با حالت و ذوق نوشته شده و پر از آیات و اخبار و اشعار فارسی و عربی و قصص و حکمت ها است، جابجا مؤلّف اشعاری از خود آورده، و همچنان که نگارنده فهرست دانشگاه، منظومات او را از مجموعه مذکور در فوق گرد آورده و نقل کرده اند؛ ما ذیلاً اشعاری را که در «ثمره الفؤاد» به خود نسبت داده است، نقل می کنیم:

مانده در کسوت الفاظ، معانی پنهان جامه بر قامت آزاده دلان زندان است

بر سرِ ما شد زنخوت، بارِ ما دستار ما سبحه ما، از ریا در دست ما زنّار ما

پشت حرص از بار خواهشها خمید و وانشد یک گره در رشته طول امل از کار ما

به خاکِ یثربِ نقل ار تیمّم می کنی بهتر که از بهر طهارت آب از یونان عقل آری

در راه طلب پای فلک آبله دارد جویای تو در هر کفِ خاکی تله دارد

بیُمن گریه، طفل از مادر خود شیر می گیرد دعاها را اجابتها زفیض چشم جو پُر شد

خاموشی ارباب فنا بانک رحیل است گوش شنوا هر که درین قافله دارد

بیگانگی زخلق جهان عین وحدت است زان آشنای کس نشود آشنای او

سوای اینها، ابیات دیگری نیز بدون ذکر قائل آنها در «ثمره الفؤاد» آمده است، چنانکه اشعار عربی و فارسی زیادی هم از دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام و مثنوی

ص : ۲۱۱

و سنائی و مواضع دیگر آورده و در ثمره سادسه هم دو بیتی از «سوانح سفر حجازِ» شیخ بهائی به این عنوان نقل کرده است:

«و من هذا قال شیخ أصحاب الشریعه و قدوه أرباب الحقیقه فی منظومته الموسومه بسوانح سفر الحجاز...».

موضوعِ بحثِ از اسرارِ عباداتِ شرعیّه پیش از مؤلّفِ «ثمره الفؤاد» نیز عنوانی داشته و جمعی از بزرگان شیعه و اهل سنّت درین باب آثاری دارند. مانند: مرحوم شهید ثانی در «اسرار الصلوه» و فیض کاشانی در «المحجّه البیضاء» و «حقائق» و عبدالرزّاق کاشانی در آثارش و غزّالی در «احیاء العلوم» و جز اینها، چنانکه نام بعضی نیز در آغاز همین کتاب آمده است.

«ثمره الفؤاد» در «ذریعه ۵: ۱۵» چنین یاد شده است:

«ثمره الفؤاد للمولی قطب الدین محمّد بن الملاّ شیخ علی الشریف الّلاهیجی الأشکوری مؤلّف «محبوب القلوب» الّذی کان من تلامیذ المیرالداماد، و توفی بعد (۱۰۷۵). فیه بیان أسرار الأحکام و حقائق الأعمال من العبادات و غیرها. اوّله... رتّبه علی مقدّمه فی أنّ العقل هو الرسول الباطن بإمداد الشرع، ثمّ مائدتین فی کلّ منهما أثمارٌ فی أسرار العبادات و أسرار المعاملات إلی آخر الدیات، و ألحقَ به خاتمهً فی تعیین الفرقه الناجیه الإمامیّه الاثنی عشریّه... رأیت نسخه عصر المؤلّف و هی موقوفه الحاجّ عماد الفهرسی للخزانه الرضویّه و هی بخطّ المیر یوسف، فرغ من الکتابه فی (۱۰۷۵) فی حیاه المؤلّف و أطراه کثیرًا و وصفه بشیخ الاسلام، و ذکر أنّه کتبه بأمر المیرزا عبداللّه بعد إطرائه الکثیر له. و نسخه اُخری أیضًا فی المشهد الرضویّ کانت فی مکتبه المولی المحدّث الشیخ عبّاس القمّی، رحمه اللّه»، انتهی.

نسخه دیگری از «ثمره» به خطّ مبارک نیای عظیم الشأن اعلی آیه اللّه الحاج میرزا

سیّد زین العابدین موسوی _ اعلی الله مقامه _ در دست داریم.

و نسخه دیگری که ازین کتاب می شناسیم، نسخه خطّ مؤلّف است که در کتابخانه مرحوم آقا میرزا فضل اللّه شیخ الاسلام در زنجان بوده و آقای دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی در «مجلّه معهد المخطوطات العربیّه ۲: ۳۵» آن را چنین وصف کرده اند:

«ثمره الفؤاد(۱) لقطب الدین محمّد بن الشیخ علیّ الشریف الّلاهجی الأشکوری، بخطّه»(۲).

فهرست: «ثمره الفؤاد» مشتمل است بر یک مقدّمه درباره کلّیاتی از امور باطن و تصفیه نفس و دو مائده و یک خاتمه.

«المائده الاولی»، و فیها أثمارٌ من أسرار العبادات. «الثمره الاُولی» فی الأفعال القلبیّه للطهاره. «الثمره الثانیه» فی الأفعال القلبیّه للصلوه الیومیّه. «الثمره الثالثه» فی الأفعال القلبیّه للزکوه. «الثمره الرابعه» فی الأفعال القلبیّه للصوم. «الثمره الخامسه» فی الأفعال القلبیّه للحج. «الثمره السادسه» فی الأفعال القلبیّه للجهاد.

«المائده الثانیه»، فیها أثمارٌ لذیذهٌ من الأفعال القلبیّه و الأعمال الباطنیّه للمعاملات الشرعیّه. «الثمره الاُولی» فی الأعمال القلبیّه للبیع و التجاره. «الثمره الثانیه» فی الوظیفه القلبیّه للرهن. «الثمره الثالثه» فی الاعمال القلبیه للودیعه. «الثمره الرابعه» فی الأعمال القلبیّه للعاریه. «الثمره الخامسه» فی الأفعال القلبیّه للوکاله. «الثمره السادسه» فی العمل القلبیه [کذا] للشرکه. «الثمره السابعه» فی الأفعال القلبیّه للحواله. «الثمره الثامنه» فی الأعمال القلبیّه للضمان. «الثمره التاسعه» فی الأعمال الباطنیّه للدَّین. «الثمره العاشره» فی الأعمال القلبیه للنکاح. «الثمره الحادیه عشر» فی الأفعال القلبیّه للطلاق. «الثمره الثانیه عشر» فی

۱- ۱) در مجله اشتباهًا «خمره الفؤاد» چاپ شده.

۲- ۲) لاهیجی در این کتاب از کتاب «محبوب القلوب» خود یاد کرده است.

الأعمال السرّيه للعتق». «الثمره الثالثه عشر» فى الأعمال الباطنيّه للأيمان و النذور. «الثمره الرابعه عشر» فى الأعمال السرّيه للدعاوى و البيّنات. «الثمره الخامسه عشر» فى الأفعال القلبيّه للمواريث و الوصايا. «الثمره السادسه عشر» فى الأعمال القلبيه للصيد. «الثمره السابعه عشر» فى الأعمال السرّيه للذبائح. «الثمره الثامنه عشر» فى الأعمال القلبيّه للحدود. «الثمره التاسعه عشر» فى الأفعال السرّيه للقصاص. «الثمره العشرون» فى الأعمال القلبيّه للديات.

خاتمه الرساله. در تعيين فرقه ناجيه و نشان هاى ايشان و بيان افتراق امّت به هفتاد و دو فرقه. در اين مبحث گويد: [كما اعترف بذلك و أنصف حجّه الاسلام ـ عندهم ـ أبو حامد محمّد بن محمّد الغزّاليُّ الطوسيُّ فى كتابه «سرّ العالمين»، و قد أفشى سرّ معتقده فيه بقوله «استقرّت الحجّه...»].

آغاز: «بسم... الحمد للّه الّذى جعل قوام الدين و نظام اُمور المسلمين منوطًا بأعمال الجوارح ظاهرًا، و مربوطًا بأفعال القلوب باطنًا. و الصّلوه على متمّم مدار الإصطفاءِ و معدّل نهار الاهتداءِ اوّل الأنبياءِ باطنًا و آخرهم ظاهرًا؛ و وصيّه الّذى هو سهيمه فى الخلقه النوريّه أوّلاً و مُعينه فى تأديه الرساله إلى الخليقه آخرًا؛ و أولاده خلفاء الله فى أرضه، المستحفظين للأمانه الموروثه من آبائهم الكاملين المكمّلين؛ كى لا يتطرّق عليها الفساد و الإختلال من مَساس المجنبين، و تفرّق الاتّصال من وساطه المخبطين؛ صلوهً تامّهً باقيهً إلى يوم الدين.

و بعد، يقول الفقير إلى اللّه الغنى اللّطيف المغنى: قطب الدين محمّد بن شيخعلى الشريف الّلاهجى: إنّ الأعمال ـ كما هو مزعوم أرباب الكمال ـ شرّعت لغرض النيّه و صيرورتها شجرهً مغروسهً فى أرض القلب و ملكهً راسخهً لجوهر النفس. فالنيّه هى المقصود بالذات من الأعمال، كما المقصود من الأبدان الأرواحُ؛ فهى روح العمل، كما

الإخلاص روح النّيه.

و النّيه هی العزم المقارن للفعل المطلوب شرعًا علی وجهه، و حيث انّ النّيه هی العزم المذكور عُلم أنّه لامدخل فيها للّسان، و من هذا سنح بخاطری الفاتر بالنظم الفارسی:

مانده در كسوت الفاظ، معانی پنهان جامه بر قامت آزاده دلان زندان است

و ما يتخيّله بعض القاصرين من أن ضميمه اللّسان إلی القلب يحصل بها معونه فی القصد، من الخيالات النّاشيه عن الجهل بحقيقه النّيه. و قد ورد فی الحديث مرفوعًا عن سيّدنا رسول اللّه صلی الله عليه و آله و معنعنًا عن مولانا أبی عبداللّه الصّادق عليه السلام أنّ اللّه تعالی يحشر النّاس علی نيّاتهم يوم القيامه. و فی مخاطبات الامام موسی بن جعفر عليهماالسلام لهشام بن الحكم: يا هشام! كيف يزكو عند اللّه عملك و أنت قد شغلت قلبك عن أمر ربّك و أطعت هواك علی غلبه عقلك؟!.

فظهر أنّ مفروض القلوب أشرف و آكدُ من مفروض الأبدان كما فی التنزيل... و لذا فهم الكليم ـ عليه شرائف التسليم ـ من خلع النّعلين بقوله تعالی «اخلع نعليک» اطّراح الكونين، فامتثل ـ سلام اللّه عليه ـ ظاهرًا بخلع النّعلين، و باطنًا باطّراح العالمين؛ كما قال من قال:

دل در پی اين و آن نه نيكوست ترا يكدل داری بس است يک دوست ترا

و هذا هو الاعتبار، أی العبور من الشیء إلی غيره، و من الظاهر إلی السرّ، و لا يكون هذا رخصةً فی رفع الظواهر و الاعتقاد فی إبطالها حتّی يُعتقد مثلًا: لم يكن معه ـ علی نبيّنا و عليه السلم ـ نعلان، و لم يسمع الخِطاب من خالق العباد. حاش للّه عن هذا الاعتقاد؛ فإنّ إبطال الظاهر رأی الباطنيّه الّذين نظروا بعين العوراء إلی أحد العالَمين، و لم يعرفوا الموازنه بينهما، كما أنّ إبطال الأسرار مذهب الحشويّه و مطمح أنظار أرهاط القيل و القال، و الّذی يجمع بينهما فهو من أصحاب الكمال و أرباب الحال!

پای درين ره نه و رفتار بين حلقه برين درزن و اسراربين

و العلماءُ العرفاءُ كزين الفقهاء الشهيد الثانى و الفاضل البحرانى و العارف الكاشى و الكامل الغزّالى ــ شكر الله مساعيهم ــ قد أوردوا فى تأويل الآيات و أسرار العبادات تحقيقاتٍ شريفه و تدقيقاتٍ لطيفه، لكن قلّما بيّنوا لكلّ باب من الفقه بابًا يقارنه معامله العبد مع ربّه، حتّى ظهرو بان لناظرى المطالب الفقهيّه بنظر البصيره من العبادات و المعاملات حقايقها و أسرارها.

فحدانى ذلك إلى تأليف هذه الرساله(۱) الّتى سمّيناها «ثمره الفؤاد»، موردًا فيها لأكثر فرضٍ فرض على الأبدان على ما فى صحف أهل الإيمان بنظيره المفروض على القلوب و الضمائر، لئلّا يتغافل عاملٌ بواحدٍ عن الأخر، و لا يكتفى طالب للثّمر بأوراق الشجر؛

زنهار! ازين گلستان قانع مشو به خارى...

... يكى زر زد و خانه بى قوت يافت يكى كهربا جُست و ياقوت يافت!

و وضعتُ تلك الأثمار النضيجه المجتيّه من شجره طوبى كلام أهل الولايه، فى مائدتين؛ فى كلّ مائده نوعٌ من الأثمار الملكوتيّه، و أهديتها لذوى القلوب من الأحباب، طوبى لهم و حسن مآب،

و مسك حديثى فى هواها لأهله يضوع، و فى سمع الخليّين ضائع

خوان ترا اين دو نواله سخن دست نديدست بدو دست كن

گر نمكش هست بخور نوش باد ور نه زِ ياد تو فراموش باد!

مقدمه نافعه لقلوب الأبرار، ينبغى ايصالها إلى مذاق فؤادهم، قبل تناول الاثمار، إنّ مولانا موسى بن جعفر عليهماالسّلام قال لهشام بن الحكم...».

انجام: «و قد روى جابر بن عبداللّه الانصاريُّ ــ رضى اللّه عنه ــ أنّه جاء رجل إلى مولانا

ص : ۲۱۶

۱– ۱) الرساله: أعم من الكتاب، لجواز أن يكون بالقول دون كونها مكتوبه، و يطلق فى العرف على كتاب صغير الحجم. منه.

الامـام الحسن بن علیّ علیهماالسـلام فقـال: یـابن رسول اللّه! أنا من شـیعه أمیرالمؤمنین، فغضب _ سـلام اللّه علیه _ و قال له: یا عبـداللّه! فـإذًا أنت کـإبراهیم الخلیـل الّـذی قـال اللّه: «و إنّ من شـیعته لإبراهیم إذ جاء ربّه بقلبٍ سـلیم». إن کنت له فی أوامره و زواجره مطیعًا فقـد صدقت، و إن کنت بخلاف ذلک فلا تزد بذنوبک هذه الدعوهَ العظیمه الشـریفه الّتی لستَ من أهلها، لا تقل «أنا من شیعه أمیرالمؤمنین علیه السّلام» ولکن قل «أنا من موالیه و محبّیه و مُعدی أعدائه»؛

همُ القوم، من أصفاهُم الودَّ خالصًا تمسّک فی اُخراه بالسّبب الأقوی

هُم القوم، فاقوا العالمین مَناقبا محاسنها تجلی و آیاتها تروی

موالاتهم فرضٌ و حبّهمُ هدی و طاعتهم ودٌّ و ودُّهم تقوی

فالحمدللّه الّذی قدختم کتابی بختام المسک و هو التّقوی، فانّ العاقبه للمتّقین».

نسخه: دارای ۹۲ برگ و یک برگ عطف در آخر، کاغذ فستقی، جلد تیماج قهوه ای و حاشـیه سـرخ با کرمک و خط کشی طلاـ آستر تیمـاج سبز با خطّ طلا، خطّ نسـتعلیق زیبا ۱۴ سـطری، خط کشـی شده به طلا و لاجورد، عناوین به شـنگرف، بالای آیات کریمه قرآنی نیز به شـنگرف خط کشیده. قطع ۱۱ × ۱۸ و نیم، متن ۵ و نیم ×۱۲. حواشی توضیحی فراوان مؤلّف، همه جا در هامش به خطّ نسـتعلیق متن مختوم به «منه» و در چنـد موضع از اواسط کتاب «منه، و فقه اللّه» نوشـته شده است. خطّ این نسـخه کاملاًـ شـبیه خـطّ شـخص مؤلّف است که در «فهرست دانشـگاه» تصویر آن دیـده می شود، جز این که در برخی مواردِ بسـیار جزئی، کلمات یا اعراب ها به غلط نوشته شـده(۱). این نسـخه تاریـخ کتـابت و نام کاتب نـدارد، لکن نظر به اضافات و اصلاحاتی که نسبت به نسخه

۱- ۱) نسـخه ای از کتاب «قتبسات» مرحوم میرداماد در دست داریم که متن آن یا دست کم حواشـی «منه» آن، به همین خطّ و قلم نوشته شده است.

شماره پس از این و مورّخه «روز جمعه ۴_ ع ۱ _ ۱۰۷۲» دارد، گویا اندکی پس از آن نسخهْ نوشته شده است. روی برگ اوّل اثر پنج شش مهر و تملّک دیده می شود که آنها را محو کرده اند، تنها مهر «علی ابن محمّد الموسوی» نمایان است که مقصود نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرسیّد علی مجتهد چهارسویی می باشد.

«۲۱۳» نسخه دیگر

نسخه ای از این کتاب را در شماره پیش شناساندیم. اینک نسخه ای دیگر:

این نسخه ضمیمه رساله کوتاهی است در شرح بیتی از مثنوی جلال الدین بلخی و جمعًا دارای ۹۰ برگ است، برگ اوّل و آخر عطف، و تا روی برگ ۸۳ اصل کتاب ثمره نوشته شده. پشت آن برگ و روی برگ ۸۴ سفید و از پشت این برگ تا روی برگ ۸۹ رساله شرح بیت مثنوی است. کاغذ زاغی، جلد تیماج سبز، آستر شده با تیماج گلی جدید، خط نستعلیق زیبا ۱۴ سطری. کمی از حواشی مؤلّف نیز به خطّ نستعلیق متن به رمز «منه» در هامش نوشته شده، و خطّ این نسخه نیز کاملاً شبیه به خطّ نسخه پیشین است و پیداست که این نسخه از نُسخ ابتدائی مؤلّف است و نسبت به نسخه پیشین نواقص بسیار دارد. اغلاط املائی جزئی در این نسخه، بیش از نسخه پیشین دیده می شود. عناوین به شنگرف و بالای آیات قرآنی نیز به شنگرف خطّ کشیده شده است. قطع ۱۳ × ۲۲ ، متن ۷ × ۱۴ .

روی برگ یکم نسخه این عبارت، به خطّ نیای بزرگوار، مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن چهارسویی نوشته شده است: «کتاب ثمره الفؤاد، فی کیفیّه النیّه و حقیقتها و أحکامها، لقطب الدین محمّد بن شیخعلی الّلاهجی». روی برگ ۲، یک مهر ناخوانا، و نیز مهر «سیّد مرتضی الحسینی» و مهر «أنا مدینه العلم و علیٌّ بابها» و مهر

«لا إله الاّ اللّه الملک الحقّ المبین...» دیـده می شود. پشت بر گ ۸۳، در هامش دو حدیث از حضـرت عسکری و حضرت سیّد الشهداء علیهماالسلام به خطّ نسخ زیبای مرحوم آیه اللّه چهارسویی نوشته شده است.

پایان این نسـخه: «فالحمدللّه الّذی قد ختم کتابنا بختام المسک، و هو التقوی فانّ العاقبه للمتّقین، فی یوم الجمعه الرابع من شـهر ربیع الأوّل سنه ۱۰۷۲».

* * *

پس از «ثمره الفؤاد» در این نسخه، رساله شرح یک بیت از مثنوی است.

آغاز رساله: «بسم... حمـد نامحـدود أحـدی را که بلنـد ساخت هر که را پستی گزید، و پست ساخت آن که را بلندی طلبید؛ و هو الّذی فی علوّه دانٍ، و فی دنوّه عالٍ؛ فأینما تُولّوا فَثمّ وجهُه المتعال،

جهانرا بلندیّ و پستی توئی ندانم چه هر چه هستی توئی

و صلوه نامعدود بر سفیر بی نظیر او که با وجود ایجاد بلندی و پستی عالم به سبب وجود باجودش فقر و مسکنت را شعار نفس مقدّس خود ساخته به کلام بلند «الفقر فخری» کلاه گوشه فقراءِ باب اللّه را عرشسا ساختند،

با همه چون خاک زمین پست بود وز همه چون باد تهی دست بود

و بر آل أطهـار او که علوّ پستی را بر دُنُوّ بلنـدی نشـأه فـانیه رجحـان داده مسـتدعی بـدعاءِ «اللّهمّ! لاـترفعنی فی النّاس درجهً إلاّ حططتنی عند نفسی مثلها، و لا تُحدث لی عزًّا ظاهرًا إلاّ أحدثتَ لی ذلّه باطنهً عند نفسی بقدرها» بودند؛

هر جا که از بلندی و پستی سخن روَد از آسمان بلندتر از خاک کمترم

باعث فقیر محتاج توفیق ایزدی: قطب الـدّین محمّـد بن شـیخعلی الشـریف الّلاهجی بر تحریر این سـطور آنکه یکی از دوسـتان حقیقت بین که نشیب و فراز أطوار ناهنجار دنیای

ناپایـدار به عینین سـر و سـرّ دیـده بود، و نغمات بی آهنگ زیر و بم روزگار غـدّار به صـماخَین گوش و هوش شـنیده؛ تحقیق معنی بیتی از أبیات مولوی معنوی که در «مثنوی» فرموده:

هر که بالاتر رود أبله تر است استخوان او بَتر خواهد شکست

نمود...».

انجـام رساله: «بنابراین چنانچه أمیر مؤمنان _ علیه سـلام اللّه الملک المنّان _ که کلام حقیقت انتظامش مومیایی شکسـتگیهای جسم و جان است فرموده اند «رحم الله امرءً عرف قدره و لم یتعدَّ طوره»: درود معبود کسی را سزاوار باشد که عارف بر احوال خود گشته تجاوز از حدّ ننماید و شکر مُنعم حقیقی بر صحّت حال و نیل بر کفاف حلال نماید و بجاه و مال غیر که در أکثری از أشـخاص زیـاده از آنچه به او رسـیده اگر رسانـد بـاعث طغیـان حال و خسـران مآل است، چنانکه کریمه «إنّ من عبادی من لایصـلحه إلاّ الفقر، لو أغنیته لأفسده» و حدیث شـریف نبویّه «انظروا إلی من هو أسـفل منکم و لا تنظروا إلی من هوفوقکم، فانّه أجدر ألاّ تزدرءوا نعمه اللّه علیکم» شاهد است، بر آن رشک نبرد و غبطت ننماید که: به هر کس آنچه می بایست دادست؛

إذا ما کساک اللّه سربال صحّه و لم تخلُ عن قوت یحلّ و یعذب

فلا تغبطنّ المکثرین فإنّما علی قدر ما یکسوهمُ الدهر یسلب

دادهِ خود سپهر بستاند نقش «اللّه» جاودان ماند»

نسخه رسـاله: چنـانکه گفتیم، این رسـاله مختصـر در ده صـفحه است که هشت صـفحه آن، پیرامون مطالب عرفانی و سـلوک مشـتمل بر چند آیه و حدیث و اشعار فارسی عرفانی و کلمات عرفاء است و حواشی چندی نیز از مؤلّف دارد و دو صفحه آخر در بیان «قصد ناظم» است.

«۲۱۴» ثواب الأعمال و عقاب الأعمال

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ صدوق ابوجعفر محمّد بن علیّ بن بابویه القمّی، علیه الرحمه.

نسخه: کامل است، لکن تصحیح نشده و مغلوط می باشد. پایان استنساخِ ثواب الأعمال: ماه شوّال ۱۰۸۰، و استنساخ عقاب الأعمال: ۱۸ ذی القعده همان سال. کاتب: ملاّ مهرعلی، ساکن مشهد مقدّس که برای حاجی محمد شریف جیلانی نوشته است.

نسخه دیگر: مجموعه ش (...)

«۲۱۵» جامع الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام

(حدیث ــ عربی)

از: مرحوم سیّد عبداللّه بن محمّدرضا شُبَّر حسینی (متوفی ۱۲۴۲)، علیه الرحمه.

کتاب: نظیر «بحارالانوارِ» مرحوم علاّمه مجلسی است در چهارده مجلّد، به تفصیلی که زیر عنوان «جامع المعارف و الأحکام»، در «الذریعه ۵: ش ۲۸۱» فرموده اند.(۱)

نسخه: مجلّد پنجم است در مزار، یعنی زیارات و مَشاهد و مساجد. تاریخ ختم تألیف این مجلّد: روز جمعه ششم محرّم ۱۲۳۴. کاتب خوش نویس: درویش بن مرحوم کاظم. تاریخ ختم استنساخ: هفتم ربیع یکم ۱۲۳۶.

نسخه را آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح چهارسوقی در ۱۲۸۲ «از یَدِ زوجه سیّد رضای مخمل فروش معرَّفه به جناب آشیخ حسین جاوانی» خریده و در ربیع دوم ۱۲۸۳، آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنات» آن را به یازده ریال از فرزند گرامی

۱- ۱) چند مجلّد از این کتاب شریف در «نشریّه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲: ۱۴۶ ــ ۱۴۷» شناسانده شده است.

خریـده انـد. سـپس بـار دیگر از راه ارث به همان جناب انتقال یافته و از ایشان نیز به فرزنـدشان مرحوم آیه الله حاج میرزا سـید حسن چهارسوقی در روز مبعث ۱۳۲۶ منتقل شده است، نیاکان گرامی، علیهم الرحمه و الرضوان.

ابیات کتاب: تخمینًا شانزده هزار و کسری در ظهر نسخه تعیین شده است.

«۲۱۶» جامع الأخبار

(حدیث ـ عربی)

از: نامعلوم، به تفصیلی که در «الذریعه» و غیره نوشته اند.

نسخه: به خطّ منصور بن ابراهیم بن میر حسین بوته سری. تاریخ پایان استنساخ: شوّال **۹۳۱**.

آغاز: «بسم. الحمد للّه الأوّل بلا أوّل کان قبله و الاخر بلا اخر یکون بعده».

انجام: «و قال ع: بشّر المشّائین فی الظّلم بنور تامّ یوم القیمه. تمّت».

«۲۱۷»

جامع الزیارات عبّاسی

(زیارات ـ فارسی)

از: محقّق سبزواری آخونـد ملاّ محمّد باقر بن محمّد مؤمن متولّد به سال ۱۰۱۷، از دانشمندان و فقیهان بنام عهد صفوی که در اصـفهان می زیسـته و نزد شـیخ بهائی و میرفندرسـکی و ملاّ حسـنعلی شوشتری ـ علیهم الرحمه ـ درس خوانده و سـرانجام به سال ۱۰۹۰ در اصـفهان وفـات یـافته، جنـازه اش را به مشـهد مقـدّس رضوی نقـل و به مُحاذات قبر مرحوم شـیخ حرّ عاملی در سرداب جنوبی مدرسه میرزا جعفر، پهلوی صحن مطهّر دفن کردند. تاریخ وفاتش را چنین گفته اند:

شد شریعت بی سر و افتاد از پا اجتهاد

محقّق سبزواری ـ علیه الرحمه ـ مورد توجّه شاه وقت عبّاس ثانی صفوی و سلطان ـ

ص : ۲۲۲

العلماء خلیفه سلطان بوده و در زمان خود بر جمیع علماء مقدّم و مشمول عنایات و احترامات خاصّه قرار داشته، چنانکه همین «جامع الزیارات» را به دستور شاه نوشته است. وی را تألیفات نافعه دیگری است که برخی از آنها در این فهرست آورده خواهد شد. شرح حالش در کتب تراجم، مضبوط و اجمالاً در «ریحانه الادب ۳: ۴۸۸» و «الروضه النضره» مذکور است. برخی احوال و آثارش نیز در «وقائع السنینِ» مرحوم خاتونابادی دیده می شود که خود از نزدیکان ایشان بوده است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه ربّ العالیمن و العاقبه للمتّقین... أمّا بعد، چون همگی خاطر قدسی مظاهر ملکوت ناظر نوّاب أشرف أقدس.. شاهی... الشّاه عبّاس الحسینی الموسوی الثّانی.. متوجّه نیل مثوبات اُخروی و تحصیل قربات معنویست به أنواع طاعات و عبادات میل وافر دارند... زیارت حضرت رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و زیارات حضرات أئمّه معصومین... است، اراده أشرف أعلی متوجّه آن شده بود زیارت هر یک... در هر وقت... استحباب داشته باشد کتاب علیحده مذکور شود.. و ترجمه زیارت به عبارت فارسی مذکور شود، تا نوّاب أشرف بمقتضای آن عمل نموده... و کمترین بندگان محمد باقر سبزواری حسب الأمر الأشرف الأعلی بخدمت جمع و تألیف مذکور مأمور گردید... و این کتاب موسوم است به «جامع الزّیارات عبّاسی» و مرتَّب است بر چند فصل. ف ۱ _ در زیارت حضرت رسول. ف ۲ _ در زیارت حضرت فاطمه زهرا.. و زیارت أئمّه أربعه بقیع... ف ۳ _ در زیارت حضرت أمیرالمؤمنین... ف ۴ _ در زیارت حضرت امام حسین... ف ۵ _ در زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام محمّد تقیّ.. ف ۶ _ در زیارت حضرت امام رضا... ف ۷ _ در زیارت حضرت امام علیّ نقیّ و حضرت امام حسن عسکریّ و حضرت صاحب الزّمان... ف ۸ _ در بعضی زیارات که مخصوص هیچ یک از أئمّه نیست... ف ۹ _ در تفصیل ایام سال که

در (کدام) یک از لیالی و ایّام استحباب زیارت کدامیک از أئمه... وارد شده».

سپس شروع در فصل اوّل نموده و ترجمه عبارتهای زیارات را نیز نوشته است.

پایان نسخه: «و ما أمّلت فی زیارتکما إنَّه قریب مجیب. تمّ ما وجدناها من هذه الزیاره، وفّقنا اللّه لتحصیل باقیها، و الحمد للّه...».

این کتاب در «الذریعه ۵: ۵۷» یاد شده و نسخه ای از آن را در کتابخانه سیّد عبدالحسین حجّت در کربلا نشان داده اند.

نسخه: دارای ۱۲۹ برگ، که برگ اوّل و آخر عطف است، و ۲ برگ از وسط و یک برگ از آخر نونویس و به خطّ نیای گرامی، عالم فاضل متتبّع مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد چهارسویی است که فقط دعاهای ناقص را از روی کتب ادعیه تکمیل نموده و از کلام ایشان در پایان نسخه که ذکر شد معلوم می شود که نسخه دیگری از این کتاب نداشته اند. بقیّه نسخه به قرینه خطّ و کاغذ در زمان مؤلّف نوشته شده. خط نسخ ۹ سطری، ترجمه ها نستعلیق، کاغذ ترمه، قطع ۱۲ × ۱۸، عناوین و ترجمه ها به سرخی، جلد تیماج سیاه. صحّافی و تجلید به دستور متمّم نسخه.

«۲۱۸» جامع الشّتات فی النّوادر و المتفرّقات

(فوائد علمی ــ عربی و فارسی)

از: آخوند ملّا محمد اسمعیل بن حسین بن محمد رضا مازندرانی اصفهانی، معروف به فاضل خاجویی که در محلّه خاجوی اصفهان سکونت داشته. وفاتش: ۱۱ شهر شعبان ۱۱۷۳. مدفنش در تخت پولاد اصفهان نزدیک قبور فاضلان و آخوند ایژه ای ــ علیهم الرحمه ــ . دبیر، شاعر اصفهانی در تاریخ فوتش گفته:

بهر تاریخ او دبیر نوشت: خانه علم منهدم گردید

شرح حالش اجمالاً ـ در «ریحانه الأدب ۱: ۳۷۰ ط ۲» و «مکارم الاثار ۷: ش ۱۴۹۸» و «تذکره القبور: ۵۳ _ ۵۵». تألیفات این دانشمند بسیار و هر یک در موضوع خود شاهکار است. از جمله: «شرح اربعین حدیث» و «فوائد رجالیّه» و «شرح دعاءِ الصباح. ش ۴۹۸ » و «تعلیقه آیات الأحکام» و همین «جامع الشتات» پرفایده ترین کتاب های او به شمار می رود.(۱)

فاضل خواجویی را نیز رساله محقّقانه ای است در اثبات افضلیّت ائمّه اطهار _ علیهم السَّلام _ بر انبیاءِ عظام، سوای حضرت خاتم الأنبیاء _ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم _ که نامش «ذریعه النجاه» و مانند بسیاری دیگر از تألیفاتش در «جامع الشتات» یاد شده است.

«جامع الشَّتات»، کشکولِ بسیار مفید و ممتِّعی است و فهرست آن را از این پس خواهیم آورد.

آغاز: «بسم... بعد حمد اللّه ولـیِّـه جامع الشتات، و الصَّلوه علی نبیِّه المتحلّی بأحسن السِّمات و علی آله الشَّاعرین بقاطبه الدّقایق و تمام النِّکات».

انجام: «روی أنَّ نبیَّهم لمَّا دعا اللّه أن یملِّکهم أتی بعصا یُقاس بها من یملَّک علیهم فلم یساوها الاّ طالوت، و مثل ذلک فی هذه الأُمّه درع نبیّهم فی أئمّتهم، علیه و علیهم من الصلوات أفضلها و من التسلیمات أکملها».

فهرس مطالب: شرح حدیث نبوی (الناس معادن...) _ شرح حدیث «استبصار» از حضرت صادق علیه السَّلام درباره مقدار کرّ (إذا کان الماء ثلثه أشبار...) _ شرح جمله

۱- ۱) از «جامع الشتات» نسخه شماره ۷۵۴۴ کتابخانه آستان قدس رضوی در «فهرست الفبایی: ۱۶۰» یاد شده و گویند مختلف الخطّ و بی تاریخ است. یک نسخه نیز در فهرست مرعشیّه قم (ج ۱۱ ش ۴۳۹۲) معرّفی شده است. فهرست آقای احمد منزوی (ج ۱ ص ۶۵۵) هم دیده شود. برای توضیح اشتباهی که درباره فاضل شده است رجوع به «شرح الکافی. ش ۵۱۶» در همین فهرست فرمایند.

(وصول معدم خير من مثرجاف) در وصيّت أميرالمؤمنين عليه السَّلام به محمَّد حنفيّه ـ شرح حديث (القرآن ذلول ذو وجوه...) ـ شرح حديث (يحمل هذا الدّين فى كلِّ قرن عدول...) ـ شرح داستان إفك ـ شرح حديث نبوى (فضِّلونى على الأنبياءِ إلاّ على يونس بن متَّى...) و معراج حضرت يونس عليه السَّلام ـ شرح عبارت (اوَّليَّته تعالى و آخريَّته) و نقل كلام علاّمه مجلسى در «شرح صحيفه» راجع به اين عبارت و اعتراض به آن ـ شرح حديث نبوى «معانى الأَخبار»: (ملعون ملعون من كمَّه اعمى...) و تعرُّض كلام مرحومين صدوق و ملاّ ميرزا شيروانى در اين باره ـ شرح حديث (انّ إبرهيم عليه السّلام مرَّفى أرض كربلا و هو راكب...) مرويٌّ در ج ۱۰ «بحار الأنوار» ـ شرح اين رباعى:

ممكن بوَد كه هستى واجب شود فنا وين ممتنع كه مهر تو از دل شود جدا

در تنگناى عكس نقيض خيال تو ترسم كه صورتم ز هيولى شود جدا!

شرح حديث مروى از ابوجعفر عليه السَّلام (انَّ أيُّوب عليه السّلام مع جميع ما ابتلى به لم تنتن له رايحه...) ـ تفسير فقهى آيه شريفه (و اذا قرءَ القرآن فاستمعوا له و أنصتوا) ـ شرح كلام صاحب «تحفه»: (سبب محو القمر أنَّ الأَشعَّه تنعكس من البحار...) و تعرّض كلمات محقِّقين بزرگ ـ شرح حديث عَلوى (اذا حضر سلطان من سلطان اللّه جنازةً فهو أحقّ بالصَّلوه عليها...) و نقل كلام مرحوم فيض در «وافى» ـ حلّ قياس مشكل (الطَّلاق يتوقَّف على النّكاح...) در كلمات فقها ـ شرح حديث أبوذرّ و گفتار ابن شقيق به او (لو كنت رأيت رسول اللّه لسألته هل رأيت ربَّك؟) مروى در «نهايه» ابن اثير ـ شرح حديث نبوى (المؤمن يأكل فى معاءٍ واحد و الكافر يأكل فى سبعه أمعاء) ـ شرح حديث نبوى (انّ الرّضا بالكفر كفر) ـ تفسير فقهى آيه شريفه (انّما المُشركون نَجس) و تكليف كفَّار ـ شرح حديث نبوى (الطّلاق بيد من أخذ بالسَّاق) ـ مسئله احكام نظر مترتِّب بر مسئله وطى ـ شرح حديث نبوى (ما اقلَّت الغبراء و لا اظلّت الخضراء على أصدق لهجه من أبيذرّ)

_ شرح حدیث حضرت صادق علیه السَّلام (مَن قرأ فی المصحف متّع ببصره...) _ شرح کلام امیر المؤمنین علیه السَّلام (عقول النِّساءِ فی جمالهنَّ و جمال الرِّجال فی عقولهم) _ شرح حدیث قدسی (ما تردَّدتُ فی شیءٍ أنا فاعله...) _ شرح حدیث نبوی (لو کانت لی ید ثالثه...) _ شرح حدیث (الولد الحلال یشبه بالخال) _ شرح کلام علاّمه حلّی (انّ الصابون اذ الاقته نجاسه...) _ حکم مخالفین امامیّه در باب امامت _ شرح حدیث «صحیفه رضویّه» که حضرت مجتبی علیه السَّلام (دخل المستراح فوجد لقمةً ملقاه...) و بیان احکام و امور کثیره مستنبطه از این حدیث _ شرح کلام بیضاوی در تفسیر آیه شریفه (لا ینال عهدی الظّالمین) و کلام عصام الدین محشّی بیضاوی و ردّ بر آنها _ ردّ کلام زمخشری در تفسیر آیه شریفه (أ لم یروا کم أهلکنا قبلهم من القرون...) _ شرح حدیث (... فی الجنّه علی صور أبدانهم لو رأیته لقلت فلان) و ردّ کلام مرحوم شیخ بهاءِ الدین عاملی در «شرح اربعین حدیث» پیرامون این عبارت، و کیفیّت خلق بهشت و دوزخ _ شرح جمله (وصول معدم خیر من مثرجاف) که در اوائل کتاب شرح کرده و در اینجا قریب به همان عبارات تکرار شده _ شرح حدیث «کافی» و «فقیه» از حضرت صادق علیه السَّلام (انَّه سئل عن المیّت هل یبلی جسده؟ قال: نعم حتّی لا یبقی له لحم...) _ شرح حدیث «فقیه» از ابو جعفر علیه السَّلام (انکم تلقّنون موتاکم لا اله الاّ اللّه...) _ شرح قول حکماء (انَّ الأفلاک بأجمعها حیَّه ناطقه) _ مقاله ای در باب وحدت وجود و تعدّد نمود بی بود.(۱) مصحّح نسخه اینجا در حاشیه نوشته اند: (لم یکن هذا العنوان الی آخره فی

---

۱ - ۱) فاضل در خاتمه این مقال گوید: «و ما را در تفصیل مذاهب این طائفه و تزییف أقوال و اعتقادات ایشان رساله ای است مبسوط. فمن أراد الاطّلاع علیها فلیرجع إلیها». فاضل مرحوم در کتاب دیگرش «شرح دعاءِ صباح» در شرح فقره شریفه «لا إله إلاّ أنت» مطالب مهمّی بیان داشته و در آخر کار پس از جمله ای که در باب ذکر قلبی آورده گوید: «و لنا علی إبطال وحده الوجود رساله مفرده وجیزه نقلنا فیها زبده أقوالهم و عمدهَ ما تشبّثوا به علیها و أشرنا فیها ما فیه و علیه. فلیطلب من هناك». انتهی. و تقدّم تألیفِ «رساله وحدت وجود» بر أصل تألیفِ «شرح دعاءِ الصباح» از این عبارت معلوم نمی شود. زیرا در آخر شرح گوید که این دعا را در عنفوان شباب شرح کرده و در پیری آن را از سواد به بیاض آورده است، و لذا شاید مطلب حواله دادن به رساله در این شرح را پس از اصل تألیف و هنگام مبیّضه کردن آن که در اواخر زمان حیاتش بوده الحاق کرده باشد، و اللّه العالم. ناگفته نماند که «رساله وحدت وجود» تاریخ ندارد و نسخه دستخطّ مبارك خود فاضل مرحوم _ أعلی اللّه مقامه _ دارای سی صفحه کتابت است و به نظر این ضعیف، در اواخر زمان تسلّط حرامیان غلیجایی تألیف شده است.

نسخه الأصل) ـ شرح حدیث مرویّ در «معانی الأخبار»: (لعن رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم النامصه و المنتمصه...) ـ بحث در پیرامون استدلال شافعی به روایت عبداللّه بن عمر (إنَّ سیِّدنا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مرَّ براع و هو یزمر بزماره...) و ترجمه ابن عمر ـ شرح و توضیح (الظّاهر عنوان الباطن) ـ تفسیر آیه شریفه (فما استمتعتُم به منهنَّ...) و کلام بیضاوی و زمخشری و دیگران درباره مُتعه و تحقیق مسئله ـ تفسیر آیه شریفه (الّذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم...) ـ شرح حدیث «خصال» از رسول أکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم (ثلثه إن لم تظلمهم ظلموک...) ـ جواب سؤالی که از مؤلّف شده درباره أئمه أطهار علیهم السَّلام: (هل کانوا متعلِّمین عند غیرهم..؟) و جواب سؤال دیگر: (هل فرقٌ بین التقاءِ الختانین و غیبوبه الحشفه فی وجوب الغسل...؟) ـ شرح حدیث (علماء أمَّتی خیر من أوصیاءِ بنی إسرائیل) ـ تفسیر آیه شریفه (لئن بسطت الیَ یدک...) ـ فرق میان ملَّت و دین ـ تفسیر فقهی آیه شریفه (و الّذین هم لفروجهم حافظون...) ـ شرح عبارت دعاءِ (لا ملجأو لا منجی و لا مفرّ...) ـ شرح حدیث نبویّ (یا علی! لک أوّل نظره...) ـ شرح کلام شبلی درباره توحید (مَن سئل عن التَّوحید فهو جاهل...) ـ شرح کلمه توحید و روایت نبویّ (ما من الکلام أحبّ إلی اللّه عزّ و جلّ من

قول لا اله الاّ اللّه...) و شرح ۳ حدیث دیگر درباره کلمه طیّبه ــ توضیح و تشریح (العبودیّه جوهره کُنهها الرُّبوبیَّه...) ــ شرح ۲ حدیث «کافی» از حضرت صادق علیه السَّلام (کان أمیرالمؤمنین سلام اللّه علیه إذا لم یکن أدم یقطع الخبز بالسکّین) و نظیر آن ــ شرح عبارت دعاءِ «صحیفه» در دعاءِ صباح و مساء: (یولج کلّ واحد منهما فی صاحبه...) و بیان مرحوم شیخ بهاءالدّین ــ بحث در پیرامون عبارت رساله «چهار آینه» تألیف مرحوم فاضل اصفهانی معروف به هندی در فصل إثبات وحدت صانع ــ تفسیر آیه شریفه (و قال لهم نبیُّهم إنَّ اللّه قد بعث لکم طالوت ملکًا...) ــ حدیث (کان اللّه و لم یکن معه شیءٌ) و کلام ابن جُنید ــ جواب سؤالی درباره صفات ثبوتیه... ــ تفسیر آیه شریفه (إنَّ الأبرابر یشربون من کأس...) و کلام مرحوم ملاّ میرزا محمّد بن الحسن شیروانی و بحث در امامت ــ شرح حدیث «معانی الأخبار» از پیغمبر أکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم (انَّ ولد الزّنا شرّ الثّلثه) و تطبیق بر ثانی ــ تحقیق درباره مطلبی که از علاّمه حلّی سؤال شده و جواب آن مرحوم (فی جواب مَن سأله عمّا ورد أنَّ آدم و نوحًا ضجیعان لمولینا أمیر المؤمنین علیه السّلام...) و بحث درباره أفضلیَّت أئمَّه علیهم السلام ــ تحقیق در حدیث مرویّ از حضرت صادق علیه السَّلام (لا یحلّ الفتیا لمن لا یستغنی من اللّه بصفاءِ سرّه...) و أحادیث درباره تزکیه نفس و توجُّه ــ بحث در پیرامون حدیث نبوی (إنَّه سُئل عن القیمه متی تکون؟ قال: إذا تکاملت العدَّتان...) ــ حدیث مناجاه موسی علی نبیّنا و آله و علیه السلام مرویّ در «مجمع البحرین»: (و قد قال: یا ربِّ! لِمَ فضَّلت أمَّه محمّد علی سائر الأُمم؟......) و کلام مؤلّف درباره گریه بر سیّد الشُّهداء علیه السَّلام ــ تحقیق درباره حدیث مرویّ در «قواعد شهید» : (لا تدخل الحکمه جوفًا مُلِئَ طعامًا) ــ تحقیق درباره حدیث (نیَّه المؤمن خیر من عمله) ــ إنتقاد بر کلام مرحوم شهید ثانی در «درایه الحدیث ــ باب حدیث مشهور»: (قال بعض العلماء: أربعه أحادیث تدور علی

الأـلسن و لیس لهـا أصل...) ـ تحقیق در کلام مرحوم صاحب «مـدارک» بعـد از نقل کلام محقِّق: (الفصل الخامس فی احکام الأَـموات...) ـ بحث و تحقیق پیرامون کلاـمی که «مجمع البیـان» از اهـل تحقیق نقـل فرموده: (لیس یمتنع أن یخلق اللّه حوّا من جمله جسد آدم...) ـ تحقیق کلام ابن سینا در فصل پنجم از مقاله دهم إلهیّات «شفاء» در مقام تعیین خلیفه و امام (ثمّ یجب أن یفرض السَّانُّ طاعه من یخلفه...) و بحثی لطیف پیرامون إمامت و خلافت.(۱)

پایان فهرست «جامع الشتات»

* * *

خـاجویی هم در این کتـاب و هم در «فواد رجـالیَّه» مکرّر از کتـابِ «مجمع الرّجـال» مرحوم ملاّ عنایت اللّه قهپایه ای نقل کرده است.

«جـامع الشَّتـات» را مؤلّف ابتـدا تـألیف و سـپس در آن تغییراتی داده و برخی مطـالب و عبـارات را بیش و کم نموده و نسـخه دیگری نوشته است.

نسـخه موجود ظاهرًا مبیَّضه اوّلی است که کاتبِ بی نام و نشانی به خطّ نسخ زیبا نوشـته است، امّا تمام نسخه به خطّ او نیست و چندی پس از او شخص دانشمندی این نسخه را با نسخه متأخِّر مؤلّف که به خطّ خود او بوده مقابله و به دقَّت تصحیح نموده و هم مطالبی را که مؤلّف به نسـخه اوّلی اضافه نموده، آورده و مقـداری از آخر نسـخه را نیز که ناقص بوده، تکمیل کرده است. این مصحِّح دانشمند گویا نیای گرامی، آیه اللّه حاج

---

۱ – ۱) فاضل خاجویی در هامش این موضع نگاشته: «نقل عن الشیخ العارف مجد الدین البغدادی أنه قال: رأیت النبی صلی اللّه علیه و آله فی المنـام. فقلت: مـا تقول فی حق ابن سـینا؟ فقـال صـلی اللّه علیه و آله: هو رجل أراد أن یصل إلی اللّه بلا وساطتی فحجبته هکذا بیدی، فسقط فی النار. أقول: و یؤیّده أنه قال بقِدم العالم؛ و إجماعُ المسلمین منعقد علی کفر من قال به».

میر سیِّد علی مجتهد چهارسویی (متولّد ۲۹ ج ۲ _ ۱۲۴۷ _ متوفّای ۱۷ محرَّم ۱۳۲۶) برادرزاده امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» و فرزند مرحوم آیه اللّه حاج میر سیِّد محمّد بن الحاج میرزا زین العابدین موسوی چهارسویی بوده اند. این تشخیص را تنها از راه شباهت خطّ داده ایم و جز اینْ دلیل دیگری موجود نیست.

«جامع الشتات» در «الذریعه ۵: ۶۰» یاد شده. و نسخه ای ناقص از آن را در کتابخانه بی نظیر مرحوم شیخ محمّد سماوی (۲۷ حجّه ۱۲۹۲ _ ۱ شنبه ۲ محرَّم ۱۳۷۰ در نجف) که پس از فوت وی متفرّق شد، نشان داده و فرموده اند که بر این نسخه، حواشی بسیاری از شیخ عبدالنَّبیّ نامی است که شناخته نشد.

نسخه: دارای هفتاد برگ، کاغذ آهاردار و بیشتر جدول کشیده و مطالب را در متن و حاشیه نوشته اند که از متن به حاشیه و از حاشیه به متنِ صفحه دیگر می پیوندد. قطع ۲۴ × ۱۶. متن صفحات غالبًا دارای ۱۸ سطر، و دارای جلد تیماج حنایی است.

جامع الفوائد: مجموعه ش (...)

الجامع الکبیر: مقدّمه الجامع الکبیر

جامع المعارف و الاحکام: جامع الاحکام

«۲۱۹» جامع المعجزات

(مناقب _ فارسی)

از: محمّد واعظ اصفهانی که معاصر با مرحوم آقای حاج ملّا محمّد مهدی نراقی (متوفّی ۱۲۰۹) یا نزدیک زمان ایشان بوده است، چون در این کتاب از «مُحرق القلوب» آن مرحوم نقل می کند.

نسـخه: مجلّد دوم کتاب است مشـتمل بریک مقدّمه دراثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السـلام و ۲۴ بـاب در انواع معجزات آن حضرت و یک خاتمه در برخی مناقب سیّده نساء العالمین فاطمه الزهراء علیهاالسلام و حکایت ازدواج آن حضرت.

کتاب مرغوبی است، و چنـد برگی از آخر نسـخه ساقط شده، لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نگردید. به «فهرست مرعشـیّه قم. ش ۱۹۱۹» رجوع شود.

«۲۲۰» جامع المقاصد فی شرح القواعد

(فقه ــ عربی)

از: شیخ علیّ بن عبدالعالی عاملی مجتهد، معروف به محقّق کرکی، أعلی اللّه مقامه (متوفّی ۹۴۰).

کتاب: حاشیه و شرح مبسوطی است بر کتاب «القواعد» علاّمه حلّی قدس سره ، به «قوله»، در چند مجلّد.

نسـخه: از اوّل کتاب است تا آخر جزء ثانی که پس از آن کتاب تجارت خواهد بود، در ۲۴۴ برگ. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به قرائن از آثار قرن ۱۲ است.

«۲۲۱» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل است از آغاز کتاب تا آخر نماز عیدین.

انجام: «ما هو أعمّ من الکلّ و البعض. تمّ الجزء الأوّل، و الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی محمد و آله اجمعین».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا در اواخر قرن دهم یا اوائل یازدهم نوشته شده و مصحّح است.

تملّك و مُهر عنایت اللّه بن عبدالکافی نایینی روی برگ اوّل است. برای آگاهی های دیگر از این دانشمند نایینی، به «کواکب منتشره: ۵۶۶» رجوع شود.

«۲۲۲» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز تا انجام کتاب النّکاح است: «...مقتضی کلام اهل اللّغه أنّ استعمال لفظ النّکاح».

انجام: «و لیکن هذا آخر الجزءِ السّابع من کتاب شرح القواعد و یتلوه فی الثّامن، ان شاء اللّه تعالی بمنّه: قوله الفصل الثالث فی التّفویض، و فرغ من تسویده مؤلّفه... علیُ بن عبدالعالی بالمشهد المقدّس الغرویّ.. نصف النّهار من یوم السّبت تقریبًا ثامن عشری شهر جُمادی الأُولی من سنه ۹۳۵».

اثر تصحیح و مقابله در نسخه دیده نمی شود، لکن همه جا حواشی پراکنده کمی نوشته شده است.

«۲۲۳» جلاء العیون

(سیره ــ فارسی)

از: مولانا محمّدباقر بن محمّدتقی، علّامه مجلسی، علیه الرحمه (متوفّی ۱۱۱۰).

کتاب شریف: در بیان احوال و مناقب و مصائب حضرات چهارده معصوم علیهم السلام است و مکرّر به طبع رسیده است.

نسخه: یک برگ از اوّل ناقص است و قسمت پایین برگ آخر را نیز که لابدّ مشتمل بر نام کاتب و تاریخ کتابت بوده بریده اند. لکن ظاهر است که به خطّ نستعلیق یکی از کاتبان حدود زمان مؤلّف نوشته شده، و اثر تصحیح و مقابله و امتیازی ندارد.

«۲۲۴» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوّم کتاب و از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتاب معلوم نیست. به قرائن در سده دوازدهم نوشته شده. دو برگ اوّل نونویس و از «باب پنجم، در بیان تاریخ ولادت و شهادت حضرت سیّد شهداء» شروع می شود.

واقف نسخه: «سیّده نجیبه امّ کلثوم بیگم بنت مرحمت و غفران پناه میرزا محمد سعید معروف به غیرت». تاریخ وقفنامه: «۱۴ ماه رمضان ۱۲۶۵».

روی برگ اوّل: «تاریخ وفات مرحوم... والد... در شب جمعه ۱۴ ماه رجب... ۱۲۷۲». اثر تصحیح و تحشیه و امتیازی ندارد.

«۲۲۵» جمال الأُسبوع

(دعاء ــ عربی)

بکمال العمل المشروع

از: سیّد رضیّالدّین ابوالقاسم علیّ بن موسی بن جعفر حسنی، معروف بن ابن طاوس حلّی، رضوان اللّه علیهم.

کتاب: در آداب و اعمال و اوراد و اذکار وارده در شبانه روز ایّام هفته است. مؤلّف خود در مقدّمه گوید: این کتاب چهارمین جزء از اجزاءِ چهارگانه کتاب «مهمّات فی صلاح المتعبّد و تتمّات لمصباح المتهجّد» است که آن ذیلی بر «مصباح المتهجّد» مرحوم شیخ طوسی می باشد. به طبع نیز رسیده.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: ۱۱۰۴. از کتب خانوادگی است.

«۲۲۶» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ظاهرًا از آثار سده دوازدهم است. تملّک

نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سید جمال الدّین موسوی چهارسوقی فرزند آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمد هاشم چهارسوقی به تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۲۱ ظهر نسخه هست.

«۲۲۷» الجمع بین التفسیر و التّأویل و ما یهمّ فیه من الأخبار و الأثار و أسرار التنزیل

(تفسیر ــ عربی)

از: ناشناخته. آنچه روی صفحه عنوان نسخه نوشته اند: «تفسیر ایجی» درست نیست، و ایجی ها در «دانشمندان و سخنسرایان فارس ۴: ۳۴۸» به تفصیل ذکر شده اند.

کتاب: تفسیر عرفانی متوسّطی است بر قرآن کریم. بسیار جامع و نفیس، و از تألیف رُبع نخست آن که پایان تفسیر سوره مبارکه انعام است به روز چهارشنبه دوازدهم جُمادای یکم ۸۷۹ در مدینه منوّره، بین المنبر و القبر الشریف، فراغت یافته است.

آغاز: «بسم. أمّا بعد، فانّ جدّی الشهید إمام عرفاءِ وقته...(۱) قد ألّف کتابًا جامعًا بین أقوال السّلف فی التفسیر و ...».

نسخه: تا آغاز سوره مبارکه کهف است. نام کاتب و تاریخ کتابت نامعلوم و از قرائن، کمی پس از تألیف استنساخ شده است.(۲)

ص : ۲۳۵

۱- ۱) نام را در نسخه محو کرده اند، و معلوم می شود که مقصود، همان شخصی است که در سراسر کتاب از او با عنوان «قال الکاشف» نقل می کند، و در سطر دوّم ظهر برگ سوّم تصریح کرده است که او شیخ ابو محمد روزبهان بقلی است، همان که شرح حالش در «شدّ الازار: ۱۷» و به تفصیل در مقدّمه کتابش «عبهر العاشقین»، و تفسیرش «عرائس البیان» در «فهرست دانشگاه ۱، ۱۷» یاد شده، و مقداری از عرائس در حواشی «صفوه الصفاء» چاپ شده است.

۲- ۲) بقیّه نسخه این تفسیر در تملّک مرحوم حاجی خانبابا خان مشار صاحب کتاب مؤلّفین و غیره بوده و خود آن را به کتابخانه آستان قدس رضوی بخشیده است و در جلد یازدهم فهرست آن کتابخانه (ص ۵۹۴) معرّفی کرده اند. این جانب آن نسخه کرامند را در اسفندماه ۱۳۶۵ در آن کتابخانه زیارت کردم، تتمّه همین نسخه موصوفه می باشد، لا غیر.

مطلب جالبی درباره حضرت ابوطالب علیه السلام در «ص ۲۶۸» آورده است.

«۲۲۸» الجُمل فی النّحو

(ادب ــ عربی)

از: ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن بن محمّد جرجانی (متوفی ۴۷۱).

کتاب: مشتمل است بر پنج فصل: ۱ - مقدمات ۲ - عوامل افعال ۳ - عوامل حروف ۴ - عوامل اسماء ۵ - اشیاء متفرقه.

ظاهرًا مؤلّف برای این کتاب اسمی قرار نداده و چون در مقدمه گوید: «هذه جمل رتّبتها ترتیبًا قریب المتناول»، لذا به عنوان کتاب الجمل شهرت یافته و گویا هنوز به طبع نرسیده است.

در پایان کتاب نیز گوید: «فهذا آخر ما أوردنا من الجمل فی عوامل الإعراب». و این کتاب غیر از رساله مختصری است که به عنوان «عوامل جرجانی» چاپ شده و مشهور است.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: «یوم الخمس» محرّم ۱۰۸۴.

دو نسخه دیگر از «الجمل» در مجموعه ها (ش... و ...) ذکر می شود.

«۲۲۹» جُمل الإعراب

(نحو ــ عربی)

نگارنده «ذریعه ۵: ۱۴۳» این کتاب را عنوان کرده و فرموده اند: تألیف پیشوای لغت ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم أزدی بصری (متوفی ۱۷۰ یا ۱۷۵) است که علاّمه حلّی ــ أعلی اللّه مقامه ــ در «خلاصه الأقوال: ۳۳»(۱) تصریح به تشیّع و امامی

---

۱ - ۱) الخلیل بن أحمد. أفضل الناس فی الأدب، و قوله حجّه فیه، و اخترع علم العروض، و فضله أشهر من أن یذکر، و کان امامیَ المذهب: «خلاصه».

بودن او نموده، صاحب «ریاض العلماءِ» آن را «جُمل الإعراب» و سیوطی در «بغیه الوعاه: ۲۴۳ _ ۲۴۵» «الجمل» و ابن خلّکان «کتاب العوامل» خوانده اند... نسخه جدیدِ مورّخ ۱۲۶۰ این کتاب در کتابخانه شیخ محمّد سماوی در نجف اشرف موجود و صاحب «ریاض العلماء» نسخه قدیمی آن را سراغ داشته است «پایان کلام ذریعه».

پس خلیل در عصر و زمان حضرت امام موسی بن جعفر علیهماالسلام که در سال ۱۸۳ «به پنجاه و پنج سالگی» به شهادت رسیدند، می زیسته است.

طاشکپری زاده نیز در «مفتاح السعاده ۱: ۹۴ _ ۹۶» در ترجمه خلیل از این کتاب به نام «الجمل» یاد کرده، و همچنین نیای معظّم در «روضات الجنّات: ۲۷۱ _ ۲۷۴» که شرح حال خلیل را نگاشته اند پس از نقل کلام سیوطی و بحث درباره «کتاب العین» گویند: «و کتابه الجُمل، صغیرٌ جدًّا، و کأنّ عندنا نسخهً منه، و له ایضًا کتابٌ فی العوامل». انتهی.

نسخه ای که صاحب روضات ذکر فرموده اند، همین است که ما در اینجا می شناسانیم.

نویسنده «ریحانه الأدب ۵: ۱۲۰» و مؤلّف «معجم المؤلّفین ۴: ۱۱۲» نیز «جمل» را در تألیفات خلیل آورده اند، لکن این کتاب در «کشف الظنون» به هیچ عنوان مذکور نیست، و در «فهرس المخطوطات المصوّره ۱: ۸۲» _ پس از معرّفی سه نسخه از کتاب «الجمل فی النّحو» تألیف ابوالقاسم عبدالرحمن بن اسحق زجّاجی نحوی (متوفای ۳۳۹) که به طبع هم رسیده _ وصف نسخه ای از کتاب مورد بحث که در کتابخانه ایاصوفیای ترکیه موجود است چنین آمده: «الجمل، فی النحو. کتب علیه أنّه للخلیل بن أحمد الفراهیدی، و هذا خطأ. فالکتاب لعالم من العلماءِ المتأخّرین عن عصر الخلیل. نسخهٌ کتبتْ فی القرن السّابع. أیا صوفیا...».

ص : ۲۳۷

در «مجلّه معهـد المخطوطات العربیّه ۵: ۲۵ و ۲۸» که دانشـمند فاضل آقای دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی، فهرست نفائس کتابخانه آستان قدس علوی را در نجف اشرف نشان داده اند؛ دو نسخه به نام های «الجمل فی النحو» و «جمل علم النحو» دیده می شود که ممکن است یکی از آنها یا هر دو همین کتاب مورد بحث باشد.

شرح حال و اسامی تألیفات خلیل و مآخذ دیگر شـرح حال او _ تقریبًا به اسـتقصاء _ در این کتاب ها نیز یاد شده است: معجم المطبوعات: ۸۳۵. تاریـخ آداب اللّغه العربیّه ۲: ۱۴۰ _ ۱۴۴. الأعلام ۲: ۳۶۳. معجم المؤلّفین ۴: ۱۱۲ _ ۱۱۳. مصادر الدراسه الأدبیّه ۱: ۱۰۰ _ ۱۰۲. همچنین در «الوافی بالوفیات ۱۳: ۳۸۵: ۴۸۸» و کتاب شریف نفیس «قاموس الرّجال ۴: ۲۹ _ ۳۱ ط ۱».

شایـان توجّه این که مؤلّفِ «الأعلام» در عـداد آثـار خلیل، از کتابی به نام «جمله آلات العرب» یاد و به وجود نسـخه آن اشاره کرده است.(۱) ایـن کتـاب همـانست کـه جرجی زیـدان در «تاریـخ آداب اللّغه العربیّه: ۱۴۴» نیز یـاد کرده و نسـخه آن را در کتابخانه ایاصوفیای ترکیه نشان داده و از جمله کتاب هایی دانسته که به خلیل نسبت داده اند.

گمـان می کنیم نسـخه «جمله آلاـت العرب» مـذکور همـان «الجمل، فی النّحو» است که در «فهرس المخطوطات المصوّره» یاد شده، و شاید نسخه قدیمی هم که مؤلّف «ریاض العلماء» از کتاب مورد بحث دیده همان نسخه ترکیّه باشد، و اللّه العالم.

اینک گزیـده ای از ترجمه خلیل بن احمد که نویسـنده «ریحانه الادب» آورده اند نقل می کنیم و سـپس به معرّفی کتاب مورد بحث می پردازیم:

«... عالمی است عامل، صدوق، فاضل، حکیم، ادیب، عاقل، عابد، زاهد، قانع

۱- ۱) در پاورقی صفحه ۳۶۳ «الاعلام» نیز گوید: در یمن کتابی به نام «التّفاحه» در علم نحو موجود و از آنِ خلیل دانسـته شده است.

و متواضع، و أقوال حکیمانه بسیاری بدو منسوب و مردم می گفتند که بعد از صحابه کسی متّقی تر از خلیل را سراغ نداریم و نضر بن شمیل گوید که خلیل در بصره باتمام عسرت گذارنده و قدرت دوفلوس نداشته، و شاگردان وی در اثر تعلیمات او ثروت بی نهایت داشته اند...».

«باری، خلیل در نجوم نیز ماهر و از ائمّه و پیشوایان علم ادب، و فضل و کمال و زهد او مشهور و اقوالش حجّت و در کتب نحویّه و أدبیّه منقول و محّل استشهاد و در علوم ادبیّه افضل مردم، و به تصریح علاّمه و ابن داود و بعضی دیگر از علمای رجال؛ امامی مذهب ــ بلکه موافق آنچه از مستطرفات «سرائر» ابن ادریس نقل شده ــ از اکابر مجتهدین امامیّه بوده است...».

«و نیز نخستین کسی است که تمامی حروف هجای زبان عرب را در یک بیت جمع کرده است:

صفْ خلقَ جودٍ کمثل الشمس إذ بزغتْ یحظی الضّجیع بها نخلاً بقنطار

«و هم چنانچه معروف است، اوّلین کسی بوده که لغت عرب را در کتابی که «کتاب العین» نامیده ضبط و تمامی الفاظ آن لغت و قواعد و أحکام آنها را به ترتیب حروف هجا تدوین نموده، لکن اساس ترتیب را موافق رویّه هندوان که در ترتیب حروف لغت سنسکریت داشته اند مبنی بر مخارج حروف داشته...».

«خلیل از تلامذه ابو عمرو بن علاء و أیّوب و أبو عمرو عیسی بن عمر و بعضی دیگر و استاد سیبویه و أصمعی و نضر بن شمیل، و مبتکر و واضع علم عروض بوده»، انتهی.

اینک کتاب الجمل: این کتاب مشتمل بر ۱۱ باب است، به این شرح:

۱ ــ باب جمل المنصوبات. النّصب. و قُدّم لأنّه أکثر الإعراب طرفًا و وجوهًا فالنّصب ثمانیهٌ و أربعون وجهًا: نصبٌ من مفعول به، و من مصدر، و من قطع، و...

۲ ـ باب جمل الرفع. و هی اثنان و عشرون وجهًا. الفاعل، و ما لم یسمّ فاعله، و...

۳ ـ باب جمل الجرّ. الجرّ تسعه أوجه: بِعَن و أخواتها، و جرّ الزّائده و...

۴ ـ باب جمل الجزم. و هو أحد عشر وجهًا: جزم بالأمر، و بالنّهی بغیر فاء، و...

۵ ـ باب جمل الألفات. و هی اثنان و عشرون ألفًا: ألف وصل، و ألف قطع و...

۶ ـ باب جمل الّلامات. و هی ثلثون لامًا: لام الصّفه، و لام الأمر و...

۷ ـ باب جمل الهاآت. و هی تسع هاآت: هاء سح، و هاء استراحه، و...

۸ ـ باب جمل التّاآت. و هی أربع عشرتاءً: تاء السّح، و تاء التّأنیث، و...

۹ ـ باب جمل الواوات. و هی عشرةٌ: واو سح، و واو استینافٍ، و...

۱۰ ـ باب جمل لام ألفات. و هی اثنا عشر: لا نهی، و لا استثناء، و...

۱۱ ـ باب جمل الماآت. و هی أربع عشره: ما، و تفسیرها تنصرف إلی وجوه کثیره...

مطالب ابواب را یکان یکان شرح داده و مثال هایی به نظم و نثر آورده است.

آغاز: «بسم... قال الخلیل بن أحمد، رحمه اللّه تعالی: هذا کتاب «جمل الإعراب» إذ کان جمیع النّحو فی الرّفع و النّصب و الجرّ و الجزم و جمل الألفات و الّلامات و الهاآت و التّاآت و الواوات و الّلام ألفات و الماآت. بیّنّا کلّ معنی فی بابه، باحتجاجاتٍ من القرآن و الشواهد من الشعر. فمَن عرف هذه الوجوه بعد نظره فی هذا المختصر الّذی صنّفناه فی النّحو استغنی عن کثیر من کتب النّحو، و لا قوّه إلاّ باللّه. باب جمل المنصوبات...».

انجام: «و «ما» یقوم بمعنی «من» مثل قوله تعالی «فما یکذّبک بعدُ بالدّین»، و قس علی ما بیّنت لک، إن شاء اللّه تعالی. و هذا ما وجدناه مکتوبًا. و الحمد للّه علی إتمامه و کماله. و صلّی اللّه علی محمّد المصطفی، صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کثیرًا دائمًا دائمًا سرمدًا أبدًا.

ص : ۲۴۰

تمّت الكتاب بعون الملك الوهّاب. بحسب الفرموده حاجی ام، أخوی، آقا محمّدا، دام ظلّه، علی ید العبد فخرالدّین دزفولی، به تاریخ سیم ماه ذی حجّه الحرام سنه أربع و عشرین و مائه بعد ألف من هجره النّبویّه، صلّی اللّه علیه. سنه ۱۱۲۴».

نسخه: دارای ۵۱ برگ. روی برگ ۱ این مطالب نوشته شده: «هذه رسالهٌ للخلیل بن احمد النحوی الصّرفی، و هذا من العجائب الغرائب و من الاتّفاقات». «من متملّکات الفقیر الحقیر محمّد بن مرحوم شیخ علی». مهر «محمّد رسول اللّه» و «أفوّض أمری اللّه، عبده محمّد». «منتقل شد از کمترین، أصالهً و وکاله برادر خودم میرزا ابوطالب به خدّام آقایی آقا سید حسین؛ مدّ ظله». مهر «صائب بن عبدالرحیم ۱۱۳۶». «للسیّد الجلیل السیّد حسین؛ دام ظله».(۱) ظهر برگ آخر نیز مطالب و اشعاری چند نوشته شده.

کاغذ اصفهانی، جلد تیماج زرد یک لا، خط نسخ ۱۲ سطری، عناوین در متن و هامش به شنگرف، قطع ۱۲ × ۱۸، متن ۷ × ۱۲ و نیم.

نام کاتب و تاریخ کتابت از پایان نسخه نقل شد. در هامش چند موضع حاشیه هایی به خطّ مرحوم عالم فاضل سید محمّد جواد(۲) از جمله برادران گرامی امام مجدّد صاحب روضات که برخی دیگر از خطوط و آثار او را _ ان شاء اللّه _ در این فهرست می شناسانیم، دیده می شود.

در پایان یکی از این حواشیْ نام خود را چنین نوشته: «جواد بن زین العابدین الموسویّ

ص : ۲۴۱

---

۱ - ۱) مقصود مرحوم عالم مجتهد جلیل القدر آیه اللّه العظمی آقا سید حسین بن الحاجّ میر ابوالقاسم موسوی، متوفای ۸ ماه رجب ۱۱۹۲ نیای أعلای نگارنده این فهرست، و خود دارای تألیفات بسیار است. از جمله: «حاشیه شرح لمعه» و «شرح زیارت عاشورا» و «رساله در اجماع» و غیرها که ضمن شرح حال آن مرحوم در «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۰۱ _ ۱۰۲» یاد کرده ایم.

۲ - ۲) تولّد آقا سیّد جواد ۱۷ صفر ۱۲۱۹ در خوانسار واقع شده و همانجا درگذشته است، لکن از تاریخ وفاتش اطّلاعی نداریم.

الحسینیّ الهاشمیّ». ذیل همین حاشیه شخص دیگری، گویا مرحوم آیه اللّه العظمی آقا میرزا محمّد هاشم ــ برادر آقا سید جواد ــ حاشیه ای نوشته و نظر علمی او را در آنجا نپذیرفته اند.

«۲۳۰» جُنّه الأمان الواقیه و جَنّه الایمان الباقیه

(دعاء ــ عربی)

از: شیخ تقیّالدین ابراهیم بن علیّ بن حسن کفعمی عاملی، علیه الرحمه.

کتاب: دارای پنجاه فصل است در آداب شرعیه و اوراد و اذکار و اعمال مستحبّه و مباحث مفیده و دارای حواشی بسیار از شخص مؤلّف، سپس ملحقی در ادعیه و احراز دیگر، معروف به «مصباح کفعمی» و به طبع رسیده است.

تاریخ انجام تألیف: روز سه شنبه ۲۷ ذی القعده ۸۹۵: «الذریعه».

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ فراغت از کتابت: سه شنبه ۱۴ ذی القعده ۱۰۷۹.

در برگ آخر، مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملك منشی شیرازی شرحی نگاشته که حاج شیخ یحیی امام جمعه و جماعت شیراز نسخه را به رسم ارمغان به او داده است، به تاریخ شب چهارشنبه هفتم ماه شعبان ۱۳۰۳ و مهر کرده: «رکن الملك».

ظهر نسخه، تاریخ تولّد محمد صادق در روز پنجشنبه ۲۱ ذی القعده ۱۲۵۹ و تواریخ تولّد دیگر و تملّك رکن الملك و تملّك و مهر نیای گرامی آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی ــ أعلی اللّه مقامه ــ به تاریخ ربیع دوم ۱۳۴۱ و خطوطی از آن مرحوم هست.

«۲۳۱» الجُنّه الواقیه و الجَنّه الباقیه

(دعاء ــ عربی)

از: شیخ تقیّ الدین ابراهیم بن علی بن حسن کفعمی (متوفی ۹۰۵. ظ) ــ علیه الرحمه ــ .

ص : ۲۴۲

کتاب: مختصری است در ادعیه و اوراد دعاءها و حرزها و تعویذها و زیارت ها و.... مشتمل بر چهل باب یا فصل و «ظ» منتخب از «جنّه الأمان الواقیه و جنّه الایمان الباقیه. ش ۲۳۰» معروف به «مصباح کفعمی» که هر دو به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ نسخ زیبا و مصحّح است و تمام صفحات دارای جدول کشی و ظاهرًا در قرن یازدهم نوشته شده است.

دعاءِ کمیل و دعاءِ مشلول و طریقه نماز میّت، ضمائم نسخه است.

«۲۳۲» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد و گویا از سده دوازهم است.

«۲۳۳» جنّه السّاعی

(معارف دینی ـ عربی)

دانشمند فاضل محمد نصیر، این کتاب را از روی اخبار و احادیث مذهبی در علم اخلاق نوشته، چون دارای مَذاق اخباریان بوده، در مقدّمه از توسعه دامنه اصول فقه خورده گرفته، هم از مسلک صوفیگری و لااُبالیگری های زمان خود، به شدّت نکوهش کرده است. گزارش زندگانی این نویسنده در دست نیست، جز آنکه در «ذریعه ۵. ۱۵۸» نسخه ای از «جنّه السّاعی» را در کتابخانه دانشمند بزرگوار آقای سیّد عبداللّه برهان المحقّقین سبزواری نشان داده و مدفن محمّد نصیر را در بارفروش (بابل کنونی) مازندران تعیین فرموده است.(۱) نویسنده، در آغاز این کتاب از سه تألیف دیگر خود:

---

۱ – ۱) در «کواکب منتشره: ۷۷۹» چند سطری درباره محمّد نصیر به استناد مصنّفاتش نوشته و گویند که او در کتاب «نور الیقین» نسخه کتابخانه مدرسه آیه اللّه بروجردی در نجف اشرف، خود را «المیر محمّد نصیر بن المیر محمّد معصوم المشهدی» شناسانده است. در «ذریعه ۲۴ ش ۲۰۸۳» ذیل عنوان «نورالیقین» سخنانی فرسنگها به دور از شأن و معرفت و عقیده و طریقت مؤلّف بزرگوار «علیه الرحمه» و همچنین مخالف با موضوع کتاب، همانند بسیار جاهای دیگر، افزوده شده است که موجب تحیّر و تأسّف می باشد، اللّهمّ اجعل عواقب اُمورنا خیرًا. برای آگاهی بیشتر به کتاب «تراجم الرجال. ش ۲۶۷۹» و مجلّه «آینه پژوهش. ش ۵۲. ص ۵۳ ـ ۵۸» رجوع فرمایند.

«نور الیقین فی أصول الدّین» و «مرآه المصلّین» در مسائل نماز و «حدیقه الدّاعی» در ادعیه یاد کرده است.

دیباچه «جنّه السّاعی» به بَراعت استهلال مشتمل بر نام بسیاری از کتب متقدّمان و متأخّران در اخبار و ادعیه و فضائل است و در آنجا از «بحار الأنوار» و «مرآه العقول» یاد کرده که می رساند مؤلّف پس از علاّمه مجلسی می زیسته است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه الّذی أضاء قلوب أهل الجنّه بنور الیقین و الاستبصار و أجری عیون أخبار رضاه بفضله فی حدیقه جامع المحدّثین الأخیار، و منحهم کنز العرفان، و جعل مسکّن فؤادهم دُرر معانی الأخبار، و ألبسهم دُروع التّوکّل و جنّه نصره الحقّ، و أعدّ لهم عده الانتصار، و بیّن لهم محاسن الخصال بمجالس ذکر صفات الشّیعه و مصفّی قصص لألیء البحار...

اما بعد، فیقول محمّد نصیر: قد ظهر قول سیّد الأنام محمّد: و الأرض ملئت ظلمًا و جورًا لمن کان عقیلا، لأنّ تفسیر القرآن وکّل إلی العمریّین، والحدیث قیّد و خصّص برأی الأصولیّین، کأنّهم لایرونه برأسه کفیلا، و قدّم علی الأصول علم الفضول، و أشرک المنطق باللّه الخالق... و یدرّسون کتب المخالفین و یترکون حدیث الصّادقین و لا یحصّلون براهین أصول الدّین تحصیلاً یقولون بزیاده الوجود علی الذّات و لزومه له و کذا فی الصّفات و یطوّلون أدلّه الحقّ تطویلا... و یتغنّون بالأذکار کالصّوفیّه شرّ الأحزاب و یسمّونهم المسلمین مع دعوی الوصول و کشف الحجاب، بل یستدعون منهم لو کانوا علیلا؛ یثنون الصَّلوه فی یوم الجمعه، و یستنکفون عن حضور الجماعه...

ص : ۲۴۴

و حلقوا اللّحی و فتلوا الشوارب، وردّوا تفسیر الشّیخ بهاءالدین للشّارب.. و ما لم یذکر من الأوضاع المبتدعه اکثر ممّا ذکرناه. و تـذکّرت «فلیظهر العـالم علمه فمن لم یفعـل فعلیه لعنه اللّه» فأردت أن أفصّل الحقّ لطالبیه تفصیـلا، فوفّقت لإتمام «نور الیقین فی أصـول الـدّین» و الشّروع فی تحقیق الفروع فی «مرآه المصلّین» و جعـل اللّه فی «حـدیقه الـدّاعی» للـدّاعین سلسبیلا، فبقی علم الأخلاق فشرعت فی هذا الکتاب و سمّیته «جنّه السّاعی»... تزیین الکتاب بذکر بعض أولی الألباب».

فهرس کتاب: «تزیین الکتاب بذکر بعض أولی الألباب» (مشتمل است بر ۷۵ درّ):

درّ ۱ حدیثی در فضیلت عبدالمطّلب. درّ ۲ تا ۱۰ حدیث هایی در احوال ابوطالب علیه السـلام و إثبات ایمان آن جناب. درّ ۱۱ تا ۱۴ در فضل حمزه و جعفر فرزنـدان عبـدالمطّلب علیهم السـلام . درّ ۱۵ در فضل جعفر طیّار و سـلمان فارسـی. درّ ۱۶ تا ۲۶ فضائل سـلمان و ابوذر و مقداد و عمّار. درّ ۲۷ تا ۵۷ عـدیّ بن حاتم و ابو رافع و بلال و ابان بن تغلب و مالکک اشتر و محمّد بن ابی بکر و رشـید هجری و صعصـعه و طرمّـاح بن عـدّی و جـابر بن یزیـد جعفی و ابـو حمزه و یونس بن عبـدالرحمن و بریـد و ابوبصـیر و محمد بن مسـلم و زراره و ابان ابن تغلب و حمران و سایر اصحاب بزرگوار و نیکو سیرت ائمّه اطهار علیهم السلام و آخرین آنهـا در درّ ۷۵ محمّـد بن عثمان بن سـعید العمری است. «نظم لألیءَ منثوره من الأخبار فی فضل المؤمن و صـفاته علی الإختصار» درین قسـمت حدیث سـماعه بن مهران را درباره عقل و جهل و لشـکر آنها از حضـرت صادق علیه السـلام آورده و یکایکک جُنود عقل و جهل را عنوان و شرح داده و برای هر یکک از عنوان ها نامی نهاده است:

«۱ـ مَهـوی من أفئـدتهم هـواء فی ذکر الخوف و الرّجـاء. ۲ـ دوافع الجـور فی العـدل و الجور. ۳ـ دُرر دار البقـاء فی الرضـاء بالقضاء. ۴ـ مُزیل الکفر فی باب الشکر. ۵ـ تحف

ذوی التّعقّل فی الحرص و التوکّل. ۶_ منجیات النّصب فی الرحمه و الغضب. ۷_ اماته الخفّه فی فضل العفّه. ۸_ معتق الرّقبه فی الزّهـد و الرّغبه. ۹_ مـدمّر من یحشـرو هم رزق فی مـدح الرّفق. ۱۰_ واضع الـذّلّ و الإصـر فی التواضع و الکبر. ۱۱_ جنّه أهل العلم فی السّفه و الحلم. ۱۲_ تحف أولی النّظر فی بعض أنحـاء الهـذر. ۱۳_ لقلـب اللّئیـم فقر فی الغنی و الفقر. ۱۴_ الجواهر المنیعه فی التعطّف و القطیعه. ۱۵_ قواصم الهلوع فی فضل القنوع. ۱۶_ تحفه ذوی القدر فی الوفاء و الغدر. ۱۷_ معادن المنفعه فی الطّاعه و المعصـیه. ۱۸_ ملقی الملحـد فی الجـبّ فی البغض و الحبّ. ۱۹_ مفضـح شـبه الذّئب فی الصّدق و الکذب. ۲۰_ هدایا أهل الدّیانه فی فضل الأمانه. ۲۱_ أسباب الخلاص فی فضل الإخلاص. ۲۲_ لألیءُ مصفّاه فی فضل المداراه. ۲۳_ موائد الأمـان فی باب الکتمان. ۲۴_ للمـؤمنین نعیمـه فی ذمّ النّمیمه. ۲۵_ موانـع الفسوق فی الـبرّ و العقوق. ۲۶ _ أنبـاء نقیّه فی باب التّقیّه. ۲۷_ دوافع السّخافه فی القذر و النّظافه. ۲۸_ عطـاء و حباء فی باب الحیاء. ۲۹_ قاتل الشّـیطان فی القصد و العنوان. ۳۰_ منار الهدی فی ذمّ الهوی. ۳۱_ علی الشّیطان حربه فی فضل التّوبه. ۳۲_ عطایا الغفّار فی الإصرار و الإغترار. ۳۳_ دروع الحافظه فی باب المحافظه. ۳۴_ تراث سادات أولی الألباب فی نوادر مقصود الکتاب.»

انجام: «دُرّ: و عن السّکونی، عن أبی عبداللّه علیه السلام ، قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من أطاع امرءته أکبّه الله علی وجهه فی النّار. قیل: و ما تلک الطّاعه؟ قال: تطلب إلیه الـذّهاب إلی الحمّامات والعرسات و العیـدان و النّیاحات و الثّیاب الرّقاق؛ فیجیبها».

نسخه: دارای ۲۴۴ برگ و ۱ برگ عطف در اوّل و ۳ برگ عطف در آخر. کاغذ: اصفهانی، خطّ نسخ، عناوین به سرخی، جلد تیماج فرسوده یک لا. قطع ۱۱ × ۱۷ و نیم. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و با اینکه مقابله و تصحیح شده باز بی غلط نیست.

ص : ۲۴۶

«۲۳۴» جنّه الفردوس

(حدیث ــ فارسی)

از: سیّد علیّ الحسینیّ العُریضیّ الإمامی، علیه الرحمه.

کتاب: شرح «کتاب من لا یحضره الفقیه» مرحوم شیخ صدوق است به فارسی.

مؤلّف در مقدّمه، پس از ذکر نام «سلطان سلیمان پادشاه الحسینیّ الموسویّ الصفویّ بهادرخان» گوید:

«بنابراین، داعی دوام دولت قاهره ــ که أبًا عن جدٍّ مشمول عواطف سلطانی است ــ به شرح و ترجمه هشت کتاب حدیث به این ترتیب پرداخته به «هشت بهشت» موسوم ساخت... جنّه الفردوس، شرح من لا یحضره الفقیه. جنّه الخُلد، شرح کافی. جنّه النّعیم، شرح تهذیب. جنّه المأوی، شرح استبصار. جنّه المقام، شرح کمال الدین و تمام النعمه. جنّه الصّدق، شرح أمالی. جنّه عدن، شرح علل الشّرائع. جنّه السّلام، شرح عیون أخبار الرضا علیه السلام . و اکتفاء به اصل احادیث شده، از قول مؤلّفان قلیلی ذکر می شود و تفصیل کلام در هر مقام از سایر تصنیفات بنده درگاه سید علی الحسینی العریضی الإمامی ظاهر می گردد، از آن جمله کتاب «مجمع البحرین» در چهل و پنج مجلّد. و این ترجمه «جنّه الفردوس» است، تاریخ کتاب: خاتم جم.(۱) کتاب طهارت و در لغت به معنی پاکیزگی».

انجام: «پس علیّ و فاطمه و حسن و حسین اهل بیت من و متاع من اند. از ایشان پیش مرو، ایشان را پاک... ساختی».

نسخه: به خطّ نستعلیق و شکسته. تمام یا بعضی به خطّ شخص مؤلّف یا تصحیح خود او است. در ذیل صفحه آخر نوشته اند:

«هو. میر سیّد علی امامی... بتاریخ شهر رجب المرجّب سنه ۱۰۸۶». مُهر: «أفوّض

۱- ۱) خاتم جم، سال ۱۰۸۴ را می رساند، یعنی سال تألیف کتاب.

امری الی اللّه. نجف قلی».

«۲۳۵» جوامع الجامع

(تفسیر ـ عربی)

از: امین الاسلام ابوالفضل علیّ بن حسن بن فضل طَبَرسی ـ أعلی اللّه مقامه ـ .

کتاب: سومین تفسیر جناب طَبَرسی است که روز شنبه ۱۸ صفر ۵۴۲ به تألیف آن شروع فرموده و در ۲۴ محرّم سال بعد از آن فراغت یافته، و به طبع رسیده است.

نسخه: ربع اوّل کتاب است، کاتب: محمّـد خلیفه بن دجله بن عبـدالنبیّ بن زیّار، جزایری مولد سـمنانی مسـکن. در نهم شوال ۱۰۲۳ به نوشتن آن آغاز کرده و روز پنجشنبه دهم جُمادای یکم ۱۰۲۵ فراغت یافته است.

در آغاز نسـخه، محمّد بن مظفّر بن ابرهیم، معروف به تقیّالدین صوفی زیابادی قزوینی نزیل سـمنان، اسـتاد کاتب نسخه، اجازه روایتی برای وی نگاشـته و تنهـا شـیخ روایتی که در این اجـازه برای خود ذکر کرده شـیخ نظام الـدین ابوالفتـح عامر بن فیّاض جزایری مشهدی راوی از مولانا عبداللّه شهید شوشتری و آخوند مولانا احمد اردبیلی است، رحمه اللّه تعالی علیهم اجمعین.

تاریخ اجازه: روز پنجشـنبه دهم جمادی الاولی ۱۰۲۵ در جامع شـهر سـمنان. مُجیز در این اجازه گواهی داده است که کاتب... فاضل نِحریر... شـیخ محمّـد خلیفه جزایری نسـخه را نزد وی محقّقانه خوانـده است.(۱) شـخص کـاتب نیز در همه اوراق بلاغ مقابله را قید و جابجا تاریخ دقیق آن را ذکر کرده است.

از آغاز تا انجام نسـخه، حواشـی مفیدی به خطّ کاتب، منقول از «کشّاف» و «مجمع البیان» و «معالم التنزیل» و «تفسیر ابوالفتوح» و کتب دیگر به عربی و فارسی نوشته شده

۱ـ ۱) مجیز و مجاز، هر دو در «روضه نضره: ۱۰۰ و ۲۰۳» عنوان دارند.

است. مهر کاتب «اقل الخلیقه محمّد خلیفه» ظهر نسخه هست.

«۲۳۶» نسخه دیگر

نسخه: ربع آخر کتاب است از آغاز تفسیر سوره مبارکه مجادله تا آخر قرآن کریم. تا آغاز سوره تغابن نونویس است و از اوائل این سوره تا آخر به خطّ محمّد خلیفه جزائری سمنانی سابق الذکر. تاریخ ختم کتابت در هامش انجام آن: شب جمعه ۲۷ ذی قعده ۱۰۲۷، و تاریخ ختم قرائت و تصحیح آن نزد تقیّ الدین صوفی استاد کاتب، روز چهارشنبه (بیاض) ذی الحجه ۱۰۲۸.

مختصّات این نسخه نیز مانند ربع اوّل است و مع الاسف بیش از نصف دوره این نسخه بی نظیر مفقودالاثر می باشد. نسخه از کتابخانه اجدادی است.

«۲۳۷» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوّم کتاب است و آغاز آن افتاده و از تفسیر آیه شریفه «وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلَو الشَّیاطِینُ» شروع می شود.

کاتب شخصی است به نام محمود که پدرش را ظُلمًا مقتول کرده اند، و در سال ۱۰۵۴ در شهر ایروان از نوشتن فراغت یافته است.

«۲۳۸» جواهر التّفسیر لتحفه الأمیر

(تفسیر ـ فارسی)

از: حسین بن علی، واعظ کاشفی سبزواری، صوفی سنّی.

کتاب: تفسیر عرفانی و مبسوطی است بر قرآن کریم تا آیه شریفه ۸۴ سوره مبارکه

نساء و بیش از این مقدار تألیف نشده و دارای مقدّمه مفصّل و مفیدی است در فوائد متعلّقه به قرآن کریم. مطالب و اشعار صوفیانه در این تفسیر بسیار دیده می شود(۱).

نسخه: از اوّل تفسیر است تا پایان سوره مبارکه حمد. چند برگ از آغاز نسخه مفقود شده. نام کاتب معلوم نیست. فراغت از کتابت: روز یکشنبه ۱۸ ربیع الاوّل ۱۰۷۷، و چون رقم سال کتابت را محو کرده اند آنچه پس از دقّت معلوم شد همین سال ۱۰۷۷ بود، لکن احتمال خطا در تشخیص رقم عشرات بعید نیست.

تملّک نجف علی بن محمّد صالح بروجردی «ظ» در پایان نسخه هست.

«۲۳۹» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز تفسیر سوره مبارکه بقره است تا آیه ۲۸۰ و بقیّه تفسیر این سوره که شش آیت است از نسخه مفقود شده، دو برگ آغاز آن نیز نو نویس است و از قرائن، نسخه متعلّق به سده دهم و یازدهم است.

«۲۴۰» جواهر العُقول فی شرح فرائد الاصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: سیّد ابوالقاسم بن معصوم حسینی اشکوری نجفی، رحمه اللّه علیه.

کتاب: در شرح «فرائد الأصول» مرحوم شیخ الطائفه مرتضی الأنصاری است، در چند

---

۱ – ۱) کاشفی خود در مقدّمه «مواهب علیّه» یا «تفسیر حسینی» سبب تألیف را گوید: «... که قبل از ین به اشارت... امیر علیشیر (نوائی)... عنان توجّه به تألیف کتاب «جواهر التّفسیر، لتحفه الأمیر» که محتوی بر چهار مجلّد است انعطاف پذیرفت، و اتمام مجلّد اوّل... دست داده... امّا به واسطه وفور علایق ...... تحریر بواقی مجلّدات در حیّز تعویق... می افتاد، تا غرّه محرّم المکرّم (۸۹۷)... به خاطر فاطر... رسید که... ترجمه مبرّا از تکلف...».

جزء و به طبع رسیده.

نسخه: شامل جزء اوّل است در مسأله حجّیّت قطع و قدری از ظنّ و جزءِ اوّل از مجلّد دوّم در اصل براءت. تاریخ استنساخ جزءِ اخیر: ۱۳۰۹. نام کاتب ندارد و ظاهرًا به خطّ شخص شارح است.

تملّک مرحوم آقا شیخ محمّدرضا ابوالمجد، ظهر هر دو جزء نسخه هست.

جواهر الفرائض: الفرائض النصیریّه

«۲۴۱» جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

(فقه ــ عربی)

از: آیه اللّه العظمی شیخ محمّد حسن بن شیخ باقر نجفی، أعلی اللّه مقامهما.

نسخه: از اوّل کتاب تا مسائل حیض، و ناقص الاخر است. به تصحیح مرحوم شیخ موسی خمایسی و ظاهرًا شخص مؤلّف می باشد.

«۲۴۲» نسخه دیگر

نسخه: از «رکن ثانی» در طهارت ترابیّه، تا آخر طهارت است که کاتبِ آن، محمدجعفر بن محمدکاظم طباطبائی در ۱۲٦۷ (۱۲۶۶) از آن فارغ شده، و از آغاز جلد دوّمِ «کتاب الصلوه» تا مسأله هفتم «اذا دخل وقت نافله الزوال مثلًا فلم یصلّ و سافر استحبّ له قضاءُها و لو فی السّفر» به خطّ محمّد جعفر بن محمّد کاظم طباطبائی که در روز پنجشنبه هفتم محرّم ۱۲۶۹ از استنساخ آن فراغت یافته است.

«۲۴۳» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر تمام کتاب حجّ است که تاریخ ختم تألیف آن روز یکشنبه ۲۶ ماه رمضان ۱۲۵۶ و تاریخ ختم استنساخ روز جمعه سوّم ربیع یکم ۱۲۶۳ و کاتب محمّد علی بن شیخ حمید نجل حاجی مطرعفکاوی اصلاً باهلی نسبًا ساکن نجف اشرف است.

نیز مشتمل بر کتاب جهاد و کتاب امر به معروف و نهی از منکر است که تاریخ ختم تألیف اخیر، روز شنبه ۲۶ جمادای دوّم ۱۲۵۷ و تاریخ ختم استنساخ روز چهارشنبه صفر ۱۲۶۲ و کاتب محمدعلی یاد شده است، و این آخرین جلد کتاب «جواهر الکلام» است، و در چند موضع از حواشی این نسخه نوشته اند که تمامًا با نسخه اصل مصنّف «سلّمه اللّه» مقابله و تصحیح شده است.

«۲۴۴» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز تا انجام نکاح در دو جزء.

کاتب: علی بن شیخ جعفر قفطانی. تاریخ کتابت جزءِ اوّل: روز جمعه ۷ ذی الحجه ۱۲۵۳. در هامش این موضع و هم در هامش آخر جزء ثانی قید کرده اند که این نسخه با نسخه صحیحه ای که با نسخه مصنّف «سلّمه اللّه...» مقابله شده، مقابله و تصحیح شده است. تاریخ تألیف جزء ثانی که پایان نکاح است، نزدیک عصر روز ۴ شنبه، ۱۴ ربیع دوّم ۱۲۴۷ بوده و در این موضع، مؤلّف اشاره به طاعون عظیم بلاد عراق نموده اند. تاریخ استنساخ جزء دوّم: عصر روز جمعه «ثالث ثالث ثالثه السّتین بعد الالف و المائتین».

«۲۴۵» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب طلاق است تا آخر نذر و عهد که مجموعًا یازده کتاب می باشد.

آغاز: «القسم الثالث من الأقسام الّتی بُنی علیها هذا الکتاب فی الایقاعات».

در آخر کتاب لعان این شرح به خطّ کاتب نوشته شده: «قد فرغت من نقل الجزء الاول من ایقاعات جواهر الکلام لاستاذ الکل فی الکل الشیخ محمد حسن أدام اللّه ظلّه العالی و... و انا الاقلّ الجانی علیّ القفطانیّ... حرّر یوم النصف من رجب سنه ۱۲۶۳ ...».

در آخر کتاب تدبیر و غیره: «تمّ یوم الجمعه ثالث عشر من شوّال سنه ۱۲۳۳ . و ظاهرًا این تاریخ تألیف است یا کاتب اشتباه نوشته است.

در آخر کتاب نذر و عهد که پایان نسخه است: «و قد وقع الفراغ من تسویده یوم الاثنین ۱۶ من شهر شوال سنه (۱۲۶۳)». و در هامش همین موضع: «بلغ مقابله بقدر الجهد و الطاقه علی ید الجانی فلاح».

«۲۴۶» نسخه دیگر

نسخه: از «القسم الثانی من الأقسام الأربعه الّتی بُنی علیها الکتاب فی العقود، جمع عقد» از مباحث کتاب متاجر، تا پایان کتاب الحجر است و خاتمه آن چنین می باشد:

«تمّ المجلّد الثالث من العقود بعون اللّه الرءوف الودود، و یتلوه المجلّد الرابع فی الضّمان».

کاتب: محمد جعفر بن محمد کاظم طباطبائی. تاریخ استنساخ: ۶ ماه رجب ۱۲۶۸.

در برخی از مواضع آثار مقابله و تصحیح دارد. ظهر نسخه تعداد اوراق آن ۳۱۶ برگ تعیین شده است.

ص : ۲۵۳

«۲۴۷» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب ضمان تا آخر وصایا که مجموع شانزده کتاب است.

کاتب: علی بن مرحوم شیخ جعفر قفطان. پایان استنساخ: روز سه شنبه ۱۶ ماه رمضان ۱۲۶۲، ظاهرًا در نجف اشرف.

نسخه بسیار معتبر و مصحّح است که با اصل خطّ مؤلّف معظّم در زمان حیات، مقابله شده است.

«۲۴۸» جواهر المسائل

(فقه _ فارسی)

از: محمّد مهدی بن محمّدباقر محلّاتی.

کتاب: اختصار «تحفه الأبرارِ» حجّه الاسلام حاج سیّد محمدباقر بن محمدنقی موسوی شفتی اصفهانی بیدآبادی است، در احکام نماز.

نسخه: نام کاتب ندارد. در پایان نسخه، تاریخ ۱۲۴۸ و در هامش، مقابله با نسخه اصل قید شده است. ظهر برگ آخر، مُهر شخص مرحوم سیّد حجه الاسلام و ذیل آن عبارت: «حقیر این کتاب را صحیح می دانم» و سپس مهر «عبده مهدی بن محمّدباقر» دیده می شود، اللّهمّ اغفر لهم.

«۲۴۹» الجواهر المنثوره فی الادعیه المأثوره

(دعاء _ فارسی)

از: سیّد عبدالحسیب علوی فاطمی حسینی اصفهانی فرزند میر سیّد احمد علوی عاملی، یاد شده در ذیل «علاقه التجرید» و «لوامع ربّانی».

کتاب: مجموعه ای است از دُعاها و حرزهای مجرّب.

ص : ۲۵۴

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا حدود زمان تألیف استنساخ شده است. تملّك و مهر «عبده محمد حسین الحسینی...» و «عبده ابوالقاسم الحسینی ۱۲۰۲» در نسخه هست.

«۲۵۰» حاشیه ارشاد الأذهان الی أحکام الایمان

(فقه ــ عربی)

از: محقّق کرکی شیخ علی بن حسین بن عبدالعالی، علیهم الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است بر «ارشاد الأذهانِ» علاّمه حلّی در فقه امامیّه.

نسخه: همانند اغلب نسخه های کتاب از آغاز تا کتاب البیع است. نام کاتب ندارد و تاریخ پایان استنساخ ۹۸۱ می باشد. نیمی از برگ آخر بریده شده و به جای آن نیم برگی که دارای چندین تاریخ تولّد از اشخاص گمنام است الصاق کرده اند. در آغاز و انجام نسخه، یادداشت های گوناگون نوشته شده، مُهر «الواثق بالله الغنی، محمّدباقر بن محمّد مهدی الحسنی الحسینی ۱۱۹۰ ظ» در چند جای نسخه هست که مقصود سیّد محمدباقر بن محمدمهدی بن محمدحسین بن محمدصالح خاتونابادی است، علیهم الرحمه.

«۲۵۱» حاشیه اصول الکافی

(حدیث ــ عربی)

از: سیّد بدرالدین حسینی عاملی.

کتاب: مجموعه حواشی سیّد بدرالدین است بر «اصول کافی» شیخ کلینی که محمّدتقی موسوی در سال ۱۰۹۴، آنها را از هامش اصول کافی که سیّد بدرالدین به خطّ خود حواشی آن را نوشته بوده جمع آوری و مدوّن کرده و یک مقدّمه موجز و خاتمه ای در معرّفی کتاب بر آن افزوده و در خاتمه از خدا توفیق جمع آوری حواشی

محشّی را بر فروع کافی خواسته است، رحمه اللّه علیهم.

نسخه: به خطّ محمدتقی موسوی گردآورنده حواشی است و ظهر نسخه نیز وقفنامه ای نوشته بوده که بعدًا آن را محو کرده اند.(۱)

«۲۵۲» حاشیه الألفیّه

(فقه ـ عربی)

از: جعفر بن محمد.(۲) همین قدر در آخر کتاب خود را معرّفی کرده است.

کتاب: حاشیه ای است بر رساله ألفیّه شهید اوّل در فقه صلوه. ختم تألیف: دهم ذی قعده ۹۲۵.

نسخه: کامل است و نام کاتب را محو کرده اند. ختم کتابت: ۲۰ ماه رمضان ۹۲۷. ظهر نسخه صورت نسب سلاطین صفویه را به نحوی که در کتب متداول دیده می شود نوشته اند، جز اینکه گوشه برگ اوّل پاره شده و پنج شش نام از آغاز آن نامعلوم است. خصوصیّات دیگری در نسخه نیست.

«۲۵۳» حاشیه أنوار التنزیل و أسرار التأویل

(تفسیر ـ عربی)

از: عصام الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفراینی حنفی.

کتاب: حاشیه محقّقانه ای است بر تفسیر بیضاوی در دو جزء: اوّل تا آخر سوره مبارکه اعراف. دوّم، از سوره نبأ تا آخر قرآن کریم. و در مقدّمه، آن را به سلطان سلیمان خان اهدا کرده است «کشف الظنون».

۱- ۱) این کتاب شریف به سال ۱۴۲۵ ق، از روی همین نسخه در قم چاپ شد.

۲ - ۲) این جعفر بن محمّد، در اجازات الذریعه و در احیاء الداثر و در تکمله أمل الأمل، تنها به استناد اجازه ای که در بحارالانوار نقل شده است، عنوان دارد و در احیاءالداثر فرماید که یک نسخه قواعد علاّمه به خطّ او در کتابخانه آستان قدس موجود است به استناد فهرست آنجا.

نسخه: از اوّل است تا آخر سوره مبارکه مائده. برگ اوّل و آخر مفقود است و ظاهرًا در سده دهم استنساخ شده. حواشی به امضای «صدرالدین» و «عبدالله» دارد. مهر نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین روضاتی «الراجی جلال الدین بن محمد مسیح الموسوی» روی برگ اوّل نسخه هست.

«۲۵۴» حاشیه أنوار التّنزیل و أسرار التّأویل

(تفسیر ــ عربی)

از: شیخ بهاءالدین محمّد بن حسین بن عبدالصمد عاملی، معروف به شیخ بهائی (متوفی ۱۰۳۰) أعلی اللّه مقامه.

کتاب: حاشیه ای است بر تفسیر قاضی ناصرالدین عبداللّه بیضاوی (متوفّی ۶۸۵)، و با مختصر تفاوتی در هامش تفسیر مذکور، به سال ۱۲۸۳ ق، در طهران چاپ شده است.

آغاز: «الحمد للّه الّذی جعل نسخه عالم الإمکان».

انجام موجود: «و انّ الوجه الخامس أحسن من الرابع و أقلّ تکلّفًا منه و أمّا تزییف».

نسخه: ناتمام است و نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. گویا در سده سیزدهم نوشته شده. مُهر «محمّد بن ابوالحسن الرضوی ۱۲۴۱» و تملّک محمّد طاهر بن احمد الجیلانی ۱۲۴۵، در آغاز نسخه هست.

«۲۵۵» حاشیه أنوار التّنزیل و أسرار التّأویل

(تفسیر ــ عربی)

از: شیخ محیی الدین محمّد بن مصلح الدین مصطفی القوجی، معروف به شیخ زاده، (متوفی ۹۵۰)، کما فی «معجم المطبوعات».

کتاب: حاشیه مبسوط مفصّلی است بر تفسیر بیضاوی، در شش مجلّد و بارها چاپ شده است.

نسخه: مجلّد سوّم کتاب است، شامل سوره مبارکه نساء تا پایان سوره مبارکه یوسف.

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن پیدا است که در حدود زمان تألیف نوشته شده است. نام مؤلّف و تاریخ تألیف نیز در نسخه نیست.

در بالای برگ اوّل نوشته اند: «حاشیه شیخی زاده بر تفسیر بیضاوی». قطع بزرگ، مذهّب، جلد تیماج ترنج دار.

«۲۵۶» حاشیه تهذیب المنطق

(منطق ــ عربی)

از: مولانا عبداللّه بن شهاب الدین حسین یزدی شهابادی (متوفّی ۹۸۱) علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر «تهذیب المنطقِ» سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی (متوفی ۷۹۲)، و این حاشیه از کتب متداول درسی و معروف است به «حاشیه ملّا عبداللّه» و در «معجم المطبوعات» نام آن را «تحفه شاهجهانی» ضبط کرده است.

نسخه: به مقدار ۲۴ برگ از اوّل ناقص است. کاتب: هدایت اللّه ابن محمد شریف گیلانی. تاریخ ختم استنساخ: ۲۳ ربیع یکم ۱۰۸۰.

حاشیه جدیده جلالیه: حاشیه شرح تجریدالکلام

«۲۵۷» حاشیه تهذیب الاحکام

(فقه الحدیث ــ عربی)

از: شیخ محمّد بن حسن بن زین الدین عاملی رحمه اللّه علیهم اجمعین.

آن بزرگوار در دهم ماه شعبان المعظّم ۹۸۰ متولّد و در شب دوشنبه دهم ذی القعده الحرام ۱۰۳۰، در مکّه مکرّمه وفات یافت، و إلیه یتّصل نسب بعض أجدادنا من آل صدرالدین العاملیّ علیهم الرحمه.

ص : ۲۵۸

کتاب: حاشیه ای است بر «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی علیه الرحمه در شرح مشکلات و توضیح مجملات آن.

نسخه: شامل کتاب طهارت و صلوه است. در آخر طهارت، کاتب نام خود را محمّدرضا فیروزآبادی و تاریخ فراغت از کتابت را روز یکشنبه ۱۸ شوال ۱۰۲۲، در کربلای معلّی یاد کرده و گوید از روی نسخه خطّ مصنّف نوشته است. در آخر کتاب صلوه، کاتب خود را محمّد مؤمن تبریزی معرّفی نموده، گوید آن را به سال ۱۰۲۷ در کربلا استنساخ کرده است.

مؤلّف شخصًا از آغاز تا اواخر نسخه را مقابله و تصحیح فرموده و اضافاتی در برخی جاها نوشته است.

تملّک جعفر بن کمال بحرانی و فرج اللّه (شاید حویزی) و محمد زکیّ بن حاجی وشتاسب، و همچنین مهر مرحوم حاج سیّد محمدباقر حجّه الاسلام شفتی بیدآبادی در ظهر نسخه دیده می شود.

«۲۵۸» حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: جلال الدین استرآبادی صدری معروف به ملاّ جلال استرآبادی ــ علیه الرحمه ــ از علماءِ شیعه در اواسط قرن دهم و اوائل زمان شاه طهماسب: «ذریعه ۶: ۶۸» و «احیاءالداثر: ۴۰».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر «حاشیه قدیمه دوانیّه» که حاشیه اوّلی ملاّ جلال الدین محمّد دوانی صدیقی (متوفی ۹۰۷) است بر «شرح جدید تجرید» که شرح مزجی ملاّـ علی قوشجی (متوفی ۸۷۹) است بر «تجرید الکلام» حضرت خواجه نصیرالدین محمّد طوسی قدس سره ، و عجالهً و معلوم نیست محشّی تا به کجا شرح کرده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا در اوائل قرن ۱۲ نوشته شده.

آغـاز: «بسم الله الرحمن الرحيم و به نسـتعين. قوله: أمّا بعـد حمـد واجب الوجود على نعمائه. أمّا، هنا للاستيناف أى هو واقع فى ابتداءِ الكلام من غير أن يكون ههنا مجمل».

انجـام: «قوله: فـإنّ الجوهر القابـل للأبعـاد لاـ يكون الاّ كـذلك. ليس المراد أنّه لا يكون إلاّ متقاطع الأبعاد... و فى عباره الشـرح متعلّقًـا بالأبعـاد كما ينطق به قوله: و تقييـد الابعاد بكونها على الوجه المـذكور، آ ه. و يفسّـِر بوجه آخر كما ذكرنا ايضًا، فانـدفع التدافع. بخطّه».

بقيّه صفحه سفيد و نانوشته است.

از اوّل تا آخر نسخه حواشى بسيار مختوم به كلمه «بخطّه» است و لابدّ مقصود اين است كه اين حواشى را خود مؤلّف كتاب به خطّ خود نوشـته بوده و كاتب از خطّ شـخص مؤلّف نقل كرده است. نيز انـدكى حواشـى مختوم به رمز «م ص ح عفى عنه» به خطّ محشّـى نوشـته شده و او مرحوم آقا مير محمّدصالح خاتونابادى است كه تملّك و مهر ايشان «محمد صالح الحسينى» و نيز واگـذارى نسـخه را به فرزنـدش «زين العابـدين» روى برگ اوّل ديده مى شود. ايضًا تملّك و مُهر ابوالقاسم بن محمّد اسـمعيل حسينى خاتونابادى.

«۲۵۹» حاشيه حاشيه شرح تجريد الكلام

(كلام ــ عربى)

از: حبيب اللّه بن عبـداللّه دهلوى، مشـهور به ملاّـ ميرزا جـان بـاغنوى شـيرازى شافعى (متوفّى ۹۹۴) معاصـر مولانا احمد محقّق مقدّس اردبيلى (متوفّى ۹۹۳). شـرح حالش در «دانشنامه جهان اسلام، ج ۴» و مقاله «حاشـيه شـرح حكمه العين» چاپ شده در «ميراث شهاب ۴۳، ۴۴: ۴۸ ــ ۶۶ (۱۳۸۵) ». رجوع به «حاشيه شرح تجريد الكلام.

ص : ۲۶۰

ش ۲۸۴» شود.

کتاب: حاشیه ای است بر «حاشیه قدیمه ملاّ جلال دوانی بر شرح تجرید قوشجی. ش ۲۸۵». رجوع به «ذریعه ۶: ش ۳۴۸» و «فهرست مرکزی تهران ۳: ۲۲۹» شود.

آغاز: « [قال] المصنّف _ رحمه اللّه _ : أمّا بعد حمد واجب الوجود علی نعمائه. لا یبعد أن یقال: فی ترک الموصوف ههنا ایماء لطیف الی ما سیجیء من أنّ صفاته، تعالی».

انجام: فی مسافتین مساویتین أن تکون الحرکه فی الأوّل أشدّ من الحرکه فی الثانی.

نسخه: به خطّ شمس الدین اردستانی. تاریخ پایان کتابت: روز یکشنبه ۲۱ ربیع دوم ۹۸۸، در بقعه متبرّکه علائیّه. در همه جا دارای حواشی فراوان است از «منه، سلّمه اللّه _ مدّ ظلّه» و «ص د ق، ره» و «ملاّ سلطانحسین» و «غیاث، غفر اللّه له» و «ه_ . ی (هادی)، عفی عنه» و «میرزا رفیعا، رحمه اللّه»، و اشخاص دیگر جز اینها.

ظهر نسخه تملّک و مُهر «عبده محمّد صالح بن محمّد الحسینی» دیده می شود.

«۲۶۰» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آثار اوائل سده یازدهم است. دارای حواشی مؤلّف و غیره. روی برگ آخرْ وقفنامه کتاب است به خطّ محمد صالح بن محمد علی مازندرانی که به مقتضای وصیّت سیادت و مرحمت پناه میر خلیل اللّه مازندرانی آن را به نظارت والد ماجد خود به سال ۱۱۱۸ وقف بر طلّاب اصفهان نموده و مهر کرده است: «عمل صالح محمّد دگر است ۱۱۱۷».

تملّک نعیم الدین محمّد شیرازی و تاریخ شروع او به خواندن «حاشیه جلیله جلالیّه قدیمه» در روز پنجشنبه ۲۱ محرّم ۱۰۱۴، ظهر نسخه هست با ابیاتی پراکنده از چند تن شاعر.

ص : ۲۶۱

«۲۶۱» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: روز دوشنبه عشر اخیر جمادای یکم ۱۱۰۱ در اصفهان. دارای حواشی «منه» و «میر اسمعیل مدرّس، سلّمه اللّه» و «مسیح».

تملّك و مُهر سیّد محمّد بن محمّد طاهر حسینی «سیّد محمّد الحسینی ۱۱۵۲» و تملّک «محمّد اسمعیل بن ابوالحسن (یا ابوالمحسن) حسینی خاتون آبادی در ۱۲۲۸، و محمّد رحیم بن محمّد علی، و تملّك و مُهر والد ماجد نگارنده فهرست «محمّد هاشم بن جلال الدّین الموسویّ» به تاریخ ۱۳۳۸، همه در ظهر نسخه است.

روی برگ آخر، یادداشتی است از محمّد علیّ بن ملّا محمّد سنگسری.

«۲۶۲» حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: آقا جمال الدین محمّد خوانساری اصفهانی فرزند آقا حسین محقّق خوانساری علیهما الرحمه (متوفی ۱۱۲۲): «دو گفتار، روضاتی: ۶۳»، صاحب «اصول الدین. ش ۳۸» و «حاشیه الروضه البهیّه. ش ۲۷۱» و «حاشیه شرح مختصر المنتهی. ش ۳۰۵» و «رساله در طینت. ش ۴۰۳».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر حاشیه شمس الدین محمّد خفری «تعلیقات شرح تجرید الکلام. ش ۱۵۲».

نسخه: دارای ۹۵ برگ، به قطع ثُمن «۱۱ × ۱۷». نام کاتب و هیچ گونه یادداشتی ندارد. تاریخ پایان کتابت: روز پنجشنبه نخستین روز ماه مبارك رمضان ۱۲۴۵. دارای حواشی از «محمّد اسماعیل الاصفهانی، ره» و جز او.

در کتاب «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۷۵. چاپ اصفهان. ۱۳۳۲ ش» و در

«شرح روضات الجنّات ۱: ۲۱۵ ــ ۲۱۶. چاپ اصفهان. ۱۳۴۱ ش»، مطلبی راجع به آخوند ملاّ اسماعیل حکیم اصفهانی نوشته بودیم،(۱) و از آن زمان ها با مرحوم استاد جلال الدین همایی پیرامون احوال و آثار آن حکیم گفتگویی به استمرار داشتیم و مدّتی نسخه «حاشیه شوارق الإلهام. ش ۳۱۱» را ــ چنان که خواهیم گفت ــ در اختیار استاد گذاشتیم، تا اینکه در اوائل سال (۱۳۵۱ ش) نسخه جای گفتگو به دست آمد و چون دارای حواشی حکیم بود آن را نیز چندی در اختیار استاد نهاده و آن مرحوم مقاله ای به عنوان «ملاّ اسماعیل اصفهانی حکیم» تنظیم و به سال (۱۳۵۶ ش) در «نشریّه دانشکده ادبیّات و علوم انسانی (اصفهان). ش ۱۳ و ۱۴» به چاپ رسانیده و همین نسخه را نیز به تفصیل معرّفی کردند.

اینک در اینجا ــ پاس یاد آن دانشمند جامع ــ برخی از سخنانشان را با تذکّراتی می آوریم و باقی کلام را به «حاشیه شوارق الالهام. ش ۳۱۱» حوالت می دهیم. استاد نوشته اند (ص ۲۶):

«حواشی جمالیّه بر حواشی خفریّه. آقا جمال خوانساری (متوفّی ۱۱۲۵) فرزند آقاحسین (متوفی ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ هــ . ق)... نسخه ای از حواشی جمالیّه آقا جمال خوانساری به خطّ یکی از علمای قرن سیزدهم هجری، روی کاغذ آبی سمرقندی، با خطّ تحریری پُخته و بسیار صحیح و منقّح، که پیداست خطّ عالم اهل فنّ است نه بیگانه، این حقیر از کتابخانه... به طور امانت گرفتم که تاریخ فراغ از کتابتش روز پنجشنبه اوایل ماه رمضان ۱۲۴۵ قمری است، و در آخر نسخه عبارت ذیل را نوشته است: «قد فرغتُ من تسوید هذه الحاشیه الشریفه الجمالیّه بإعانه اللّه الخفیّه و الجلیّه فی یوم الخمیس الغرفی شهور رمضان المبارک من شهور سنه ۱۲۴۵». متأسّفانه هیچ کجا

۱- ۱) تفصیل این مطلب در «حاشیه شوارق الإلهام. ش ۳۱۱» خواهد آمد.

اثری از نام و امضای کاتب نسخه ندارد».

اینک چند تذکّر:

۱ _ تاریخ فوت آقا جمال الدین در شب یکشنبه دوم ماه رمضان یکهزار و یکصد و بیست و دو، و تاریخ فوت پدر بزرگوارش آقا حسین در شب سه شنبه غرّه ماه رجب یکهزار و نود و هشت، درست است. چنان که در کتاب «دو گفتار: ۶۲ _ ۶۴» به تفصیل نوشته ایم.

۲ _ تاریخ پایان نسخه جای گفتگو را استاد همایی به علّت ضعف چشم و رنگی بودن برگ های نسخه که آبی غلیظ است، اشتباه خوانده اند، و درستِ آن «فی یوم الخمیس الغُرّه، شهر رمضان المبارک» است. یعنی در پنجشنبه نخستین روز آن ماه شریف.

۳ _ این که کاتب دانای نسخه، نام خود را در هیچ جا ننوشته است، و افزون بر این روی برگ نخست و آخر نیز هیچ گونه اثر تملّک و نام و نشانی دیده نمی شود، بدان علّت است که در نیمه نخست سده سیزدهم و دوران آقا محمّدخان قاجار و فتحعلی شاه با شکوفایی فقاهت و اجتهاد و ظهور آثار مهمّ فقهی و اصولی و تشکیل مجالس درس فقیهان بزرگ و گرمی حوزه های علوم شرعی، بازار آثار علوم عقلی به کسادی گرایید و معدودی که ذوق و شوق آن گونه علوم را داشتند، در اقلّیّت افتاده و تا حدّی در حال تقیّه واقع و در خُفیه و پنهانی اشتغال می ورزیدند.

از این روی است که برخی نسخه های کتب و رسائل حکمت و فلسفه و عرفان را در آن زمان ها به کلّی بی نام و نشان می نوشتند و تنها خود ارباب فنّ آنها را می شناختند. از این گونه آثار، شمار بسیار دیده شده و همین امر حتّی فهرست نویسان ماهر را برای شناخت آنها به زحمت و اشتباه انداخته است.

امّا پیش از سده سیزدهم و در امتداد عصر و زمان دو محقّق بزرگوار خوانساری و نظایرشان، تدریس و تعلیم علوم عقلی تا اواخر سده دوازدهم رایج بوده و از باب نمونه «حاشیه خفری» و تعلیقات گوناگون آن، به خصوص تعلیقات مرحومین آقا جمال الدین و آخوند ملاّ عبدالرزّاق جزو کتب درسی بوده است.

یک تن از مدرّسان بنام آن زمان آقا میرزا سیّد ابوالقاسم خاتونابادی (متوفّی ۱۲۰۲: مکارم الاثار ۱: ش ۷۴) که از دانش آموختگان حوزه آخوند ملاّ اسماعیل خاجویی و آقا محمّد بیدآبادی است که سی سالی در مدرسه سلطانی چهارباغ به تدریس کتب حکمت اشتغال داشته، و مرحوم آیه اللّه آقا سیّد ابوالقاسم جعفر موسوی (۱۱۶۳ _ ۱۲۴۰: مکارم ۴: ش ۵۶۶) نیای گرامی امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» _ أعلی اللّه تعالی مقاماتهم _ مدّتی نزد آن مرحوم، کتاب خَفری را با دو حاشیه یاد شده آن می خوانده، و همزمان به سال ۱۱۹۱ هر آن دو حاشیه را به خطّ شریف خود استنساخ نموده است، و آن نسخه کرامند را صاحب «کرام برره: ش ۱۰۹ و ۱۱۵» نزد آقا سیّد محمّد رضای تبریزی در نجف اشرف دیده اند.

همچنان که جناب سیّد بحرالعلوم (۱۱۵۵ _ ۱۲۱۲) شیخِ اجازه آقا سیّد ابوالقاسم جعفر یاد شده و شاگرد والد ماجد ایشان آیه اللّه حاج سیّد حسین مجتهد موسوی _ قدّس اللّه أسرارهم _ نیز به مدّت چهار سال نزد آقا میرزا سیّد ابوالقاسم خاتونابادی حکمت و کلام خوانده و فقه و اصول و دیگر علوم شرعیّه را آن استاد از سیّد بحر فرامی گرفته است: «مکارم ۲: ش ۱۷۵».

بگذریم، استاد همایی، سپس در مقاله یاد شده (ص ۲۷) نوشته اند:

«باری، در حواشی نسخه چنان که گفته شد از «ملاّ محمّد اسماعیل اصفهانی» بسیار و از ملاّ علی نوری نیز چند موضع تعلیقاتی به عنوان «للأستاد» آورده و ظاهر این است

که کاتب نسخه که قطعًا از علما و فضلای آن زمان بوده سِمت تلمّذ و شاگردی نزد آن هر دو استاد داشته است و به طوری که در پیش گفته ام ملاّ محمّد اسماعیل را به دعای «رحمه اللّه» و نوری را به دعای «مدّ ظلّه» و «زید عمره» و «سلّمه اللّه» و امثال آن یاد کرده است».

و (در صفحه ۲۸) نوشته اند: «از جمله افادات عالمانه کاتب که به خطّ خود پشت ورق اوّل نسخه نوشته بیان اشاراتی است که آقا جمال در حواشی خود مکرّر به کار برده است به این قرار: بعض المحقّقین ملاّ عبدالرزّاق...».

امّا این توضیح اشارات از افادات کاتب این نسخه نیست، بلکه ــ ظاهرًا ــ از خود مرحوم جمال المحقّقین است، چه این حقیر چند نسخه از این کتاب شریف را که دیده ام، همه در سر آغاز، عین آن توضیحات را داشته اند.

بالاخره، استاد دو سه صفحه دیگر پیرامون فوائد مُستفاد از نسخه جای گفتگو و ملاّ محمّد اسماعیل و حاج میرزا بدیع درب امامی، کاتب نسخه حاشیه شوارق ــ رحمهما اللّه ــ مطالبی نوشته اند که در «حاشیه شوارق الإلهام. ش ۳۱۱» استفاده می کنیم، و نتیجه تحقیق خود را در صفحه ۳۱ این چنین بیان کرده اند:

«عقیده نگارنده: آنچه به ذهن نگارنده تقریب می شود این است که ملاّ محمّد اسماعیل اصفهانی محشّی حواشی جمالیّه با ملاّ اسماعیل واحدالعین صاحب حواشی شوارق یکی است و وفات ملاّ اسماعیل در حدود ۱۲۴۳ هجری قمری، سه سال قبل از وفات آخوند ملاّ علی نوری اتّفاق افتاده است...».

در این باره نیز در «حاشیه شوارق الالهام. ش ۳۱۱» سخن خواهیم گفت، و مقاله یاد شده استاد همایی، سال ها بعد (۱۳۶۹ ش) در کتاب «مقالات ادبی» ایشان نیز به چاپ رسید.

ص : ۲۶۶

«۲۶۳» حاشیه حاشیه شرح الشمسیّه

(منطق ـــ عربی)

از: عماد بن یحیی بن علی فارسی «مقدّمه این نسخه» یا عماد بن محمد بن یحیی بن علی فارسی «کشف الظنون».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» و «قال الشارح» بر «حاشیه» میر سیّد شریف علی بن محمّد جرجانی (متوفی ۸۱۶) معروف به «حاشیه کوچک» بر شرح قطب الدین محمّد بن محمّد رازی معروف به قطب تحتانی (متوفی ۷۶۶) که به نام «تحریر القواعد المنطقیّه فی شرح الرساله الشمسیّه» برای غیاث الدین محمّد بن خواجه رشید وزیر سلطان محمّد خدابنده تألیف کرده است «کشف الظنون»، و «الرساله الشمسیّه» متن مختصری است در علم منطق تألیف نجم الدین علی بن عمر، دبیران قزوینی معروف به کاتبی (متوفی ۶۷۵)، شاگرد خواجه نصیرالدین محمد طوسی قدس سره (متوفی ۶۷۲) .

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا در قرن دهم استنساخ شده. تملّک محمّد مهدی بن محسن رضوی و مهر او «علی اللّه فی کلّ الأُمور توکّلی، و بالخمس أصحاب الکساءِ توسّلی. عبده محمّد مهدی بن محسن الرضوی» در صفحه آخر و روی برگ دوّم هست.

«۲۶۴» نسخه دیگر

نسخه: مقدّمه ندارد و بعد از بسمله، چنین آغاز می شود:

«قوله: و رتّبته علی مقدّمه و ثلاث مقالات، الخ. إعلم أنّ من دأب المصنّفین».

از آخر نیز ناقص است و تا به این عبارت: «و اعلم أنّ بین ما ذکر فی هذا المقام من بیان الأقسام».

ص : ۲۶۷

حواشی متفرّق بر نسخه هست و نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا در قرن یازدهم نوشته شده است.

«۲۶۵» حاشیه حاشیه شرح الشمسیّه

(منطق ــ عربی)

از: ملاّـ قره داود، از شاگردان سعدالدین «کشف الظنون»، یا مولانا داود ــ رحمه اللّه ــ (چنانکه کاتب در پایان نسخه حاضر نوشته است).

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» و «قال الشارح» بر حاشیه میر سید شریف علی بن محمد جرجانی (متوفی ۸۱۶)، معروف به «حاشیه کوچک» که در شماره ۲۶۰ گذشت.

نسخه: یکی دوبرگ از اوّل ناقص است.

آغاز موجود: «و لا یخفی أنّه لا یتعلّق کلمه علی بالترتیب بشیءٍ من هذین المعنیین».

انجام: «ظاهرًا و صریحًا لا ضمنًا، فهو لا یلائم المقام و یمکن أن یقال: أشار رحمه اللّه الی الجواب و الایراد بقوله فالاولی. تمّت حاشیه الشرح الشمسیّه لمولانا داود، رحمه اللّه».

کاتب: عبدالواحد بن ابوالقاسم حسینی مازندرانی. تاریخ ختم استنساخ: آخر ماه شعبان ۱۰۹۸.

«۲۶۶» حاشیه الحاشیه الخطائیّه علی الشرح المختصر لتلخیص المفتاح

(ادب ــ عربی)

از: آخوند ملاّ عبداللّه شاه آبادی یزدی، (متوفی ۹۸۱) علیه الرحمه.

کتاب: تعلیقه ای است بر حاشیه نظام الدین عثمان بن عبداللّه خطائی حنفی معروف به

مولانازاده «حاشيه شرح تلخيص المفتاح. ش ۲۹۷» كه به «حاشيه خطائى» مشهور شده و آن تعليقه اى است بر «شرح مختصرِ» ملّا سعدالدين تفتازانى (متوفى ۷۹۲) بر «تلخيص المفتاح» جلال الدين محمد قزوينى معروف به خطيب دمشق (متوفى ۷۳۹)، كه در آن قسم سوّمِ «مفتاح العلومِ» سراج الدين ابويعقوب يوسف بن محمد سكّاكى (متوفى ۶۲۶) را كه در فنّ معانى و بيان است تلخيص نموده است.

تاريخ تأليف حاشيه مورد بحث در اين نسخه، ۱۷ ذيحجه ۹۷۲ در شيراز در مدرسه صدريّه منصوريّه آمده است، لكن در مآخذ ديگر سال ۹۶۲ ذكر شده است.

كاتب: شفيع بن محمد الحسنى الحسينى الطبسى الگيلكى. تاريخ استنساخ: شب چهارشنبه ۱۵ صفر ۱۰۷۴.

آغاز نسخه ساقط شده و نام كتاب در نسخه به نظر نرسيد.

«۲۶۷» نسخه ديگر

نسخه: نام كاتب و تاريخ تأليف محشّى را ندارد. تاريخ استنساخ: روز يكشنبه سلخ محرّم ۹۸۸.

آغاز: «بسم. حمدًا لمن خلق الانسان و علّمه البيان، و شكرًا لمن أعلمه بدائع المعانى فى روائع التبيان».

انجام: «أمّا فى تفسير الأوّل الثّانى أو فى تفسير الثّانى حتّى لا يفوت ذلك الحسن، هذا. و المرجو من اللّه تعالى حسن الخاتمه و صلاح العاقبه و صلّى اللّه على محمّد و آله أجمعين».

«۲۶۸» حاشيه حاشيه عدّه الأصول

(كلام ـ عربى)

از: محمّدباقر بن غازى قزوينى: «كواكب منتثره: ۹۲ ـ ۹۳».

ص : ۲۶۹

کتاب: حاشیه ای است بر مبحث کلام «حاشیه عدّه الأصول. ش ۳۱۲» برادر مؤلّف مولانا خلیل قزوینی علیهما الرحمه.

نسخه: به خطّ مرتضی بن مراد خان رودباری. تاریخ استنساخ: ۱۱۲۶. مهر: «الواثق باللّه الغنیّ محمدمهدی الحسنی الحسینی» و «انّی عبداللّه آتانی الکتاب» و «عبده محمّد علی» و خطّ مرحوم آقای حاج میرزا سیّد محمّدباقر توی سرکانی، در نسخه هست.

حاشیه الخَفری: تعلیقات شرح تجرید الکلام. ش ۱۵۲

«۲۶۹» حاشیه الروضه البَهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه _ عربی)

از: شیخ جعفر بن عبداللّه بن ابراهیم حُویزی کمره ای اصفهانی، معروف به شیخ محمّدجعفر قاضی علیه الرحمه.

نیای معظّم _ قدّس اللّه سرّه الشریف _ در کتاب «روضات الجنّات: ۱۵۰ چاپ سنگی دوم» فرموده اند که اصل آن جناب از حویزه و تولّدش _ بدون آگاهی از تاریخ آن _ در کمره و مَسکنش اصفهان و مضجعش در نجف اشرف بوده است.

عمده تحصیلات عالیه آن مرحوم در اصفهان و به خُصوص نزد علّامه بزرگ مرحوم آقا حسین محقّق خوانساری (۱۰۱۶ _ ۱۰۹۸) بوده و به دامادی آن جناب نیز نائل گردیده است.(۱)

۱- ۱) شیخ محمّد جعفر خود در کتاب ارزشمند «تحفه سلطانی: ۱۰۸، چاپ خاور ۱۳۳۹ ش» گوید: «و حقّ در مسأله حرکت آن است که استاد محقّق و ربّانیّ مدقّق _ که مثلش در زمان فلاسفه تا به حال به هم نرسیده _ آقا حسین _ أدام اللّه فیض افاداته، و أفاض علی قبره سجال رحماته _ در کتب خود تنقیح آن نموده و آن این است...». از این دوگونه دعاء نوشتن می توان گمان کرد که شیخ محمّد جعفر اصل کتاب را در زمان حیات استاد تألیف کرده و همان است که نسخه هایش به نام «اصول دین» در «فهرستواره کتاب های فارسی ۶: ۷۳» ذکر شده و پس از سال ها و هنگام پذیرش منصب شیخ الاسلامی و درخواست شاه، مقدّمه بسیار ممتازی بر آن افزوده و به نام شاه «تحفه سلطانی» خوانده است. نسخه های آن نیز در همان «فهرستواره، ۶: ۹۶» مذکور است. امید که عالم محقّقی با استفاده از نسخه های گوناگون، این کتاب شریف را به چاپ شایسته ای برساند.

عالم جلیل میر عبدالحسین حسینی خاتونابادی (۱۰۳۹ _ ۱۱۰۵) در کتاب تاریخ «وقایع السّنین: ۵۴۰» آورده است که دو ماهی پیش از وفات آقا حسین، شاه سلیمان صفوی (۱۰۵۴ _ ۱۰۷۷ _ ۱۱۰۵) علاّمه مجلسی (۱۰۳۷ _ ۱۱۱۰) را _ با التماس مکرّر _ به شیخ الاسلامی آن سرزمین برین تعیین نمود، و نیز در همان سال:

«در روز پنجشنبه نوروز سنه ۱۰۹۸، شیخ فاضل عالم ألمعی یلمعی فطن سرآمد ارباب شعور و فطانت و سرکرده جامعیّت علوم و فنون، شیخ جعفر کمره به تکلیف نوّاب اشرف... شاه سلیمان _ وفّقه اللّه _ قاضی اصفهان شد. متّع اللّه المسلمین بفوائد قریحته الصّائبه و أخلاقه الزاکیه السنیّه».

میر عبدالحسین به سال ۱۱۰۵ در گذشته و بازماندگانش پس از او، وقایع چندی را نوشته و به کتاب ملحق کردند. از جمله در «ص ۵۵۱» است که پس از یک سال و نیم از درگذشت علاّمه مجلسی (متوفّی ۲۷ ماه رمضان ۱۱۱۰)، منصب شیخ الاسلامی هم _ از سوی شاه سلطان حسین بن شاه سلیمان _ به شیخ محمّدجعفر قاضی تفویض شد.

و در «ص ۵۵۳» که هم از ملحقات وقایع است، گوید:

«در ماه جُمادی الثانیه سنه یکهزار و یکصد و پانزده، محمود آقای ناظر به سفر حجّ بیت اللّه الحرام رفت و ضریح کاظمین را برده نصب نمود، در ماه شعبان المعظّم و مشغول تعمیر کربلای معلّی شد... و در این سال فاضل مدقّق صاحب فطرت عالیه شیخ محمّد جعفر کمره شیخ الاسلام اصفاهان اراده حجّ نموده به اتّفاق محمود آقا رفتند

و در کرمانشاه بیمار شد و در امام موسی « علیه السلام » چاق شد و باز در آنجا نُکس کرده به کربلا رفت و از آنجا متوجّه نجف اشرف شده و در دو فرسخی نجف اشرف به رحمت خدا رفت «رحمه اللّه»، و در نجف اشرف مدفون شده در حوالی مدفن علاّمه «ره». و در این سال آخوند ملاّ محمّد سراب نیز رفت و مباشر تجهیز مرحمت پناه شیخ محمد جعفر او شده بود، و جمعی از اتباع شیخ مرحوم نیز فوت شدند در این سفر و صبیّه شیخ نیز فوت شده بود».(1)

آخوند ملاّ محمّد سراب _ علیه الرحمه _ صاحب کتاب «ضیاء القلوب» است.

بیفزاییم که عالم ادیب بارع در نثر و نظم شیخ محیی الدین بن حسین حویزی آل ابی جامع عاملی «مذکور در کواکب منتشره: ۷۱۶» که ساکن حویزه بوده و به اصفهان نیز سفر می کرده است، یک قصیده مانندِ بیست و هفت بیتی و ناتمام، در تودیع با شیخ محمد جعفر، زمانی که عازم سفر حجّ شد، سروده و در بیاض متفرّقات خود نوشته و تاریخ آن را جُمادای یکم ۱۱۱۵ گذارده است:

«و قلت أیضًا مودّعًا لحضره علاّمه دهره و وحید عصره شیخ الاسلام و المسلمین الشیخ جعفر _ حرسه اللّه تعالی _ لمّا توجّه الی حجّ بیت اللّه الحرام و زیاره النبیّ و الأئمّه

۱- ۱) نسخه اصل تاریخ «وقایع السنین»، در تملّک عالم جلیل مرحوم حاج سید آقا میرزای اصفهانی (متوفی ۱۳۱۲) بوده است و آن را در اختیار صاحب «مستدرک الوسائل» قرار داده و ایشان در چند جای خاتمه مستدرک از آن نقل کرده اند «مانند: صفحات ۵۳ و ۱۵۴ و ۲۰۱ و ۲۹۰ جلد بیستم چاپ مؤسّسه آل البیت»، امّا به اشتباه نام مؤلّف را امیر محمد اسماعیل خاتونابادی نوشته و اصل و ملحقات را نیز از هم تمیز نداده اند. حاج سید آقا میرزای اصفهانی و حاج میرزا یحیای میرزا شفیع، دو تن دستیار دانشمند اصفهانی حاجی نوری بوده اند، که این دو بزرگوار هر چه توانسته اند در گردآوری منابع و مآخذ برای ایشان کوشش کرده اند. نسخه اصلِ وقایع در اواسط سده چهاردهم در ایران ظاهر شده و با تأسّف بسیار، در آن دخل و تصرّف گردیده و مجعولاتی بدان افزوده اند که به نسخه چاپی نیز راه یافته است.

ـ علیهم أفضل الصلوه و السلام ـ فی جُمادی الأولی سنه ۱۱۱۵، و لم یتّفق إتمامها، و قد بدالی عن ارسالها إلیه ـ سلّمه اللّه تعالی ـ و هی:

هنّ السلیمات یا سلیم ودّعها قلبی السقیم»

تا آخر.

شیخ محیی الدین پس از آگاهی از درگذشت شیخ محمدجعفر قاضی، در ذیل آن ابیات این گونه نوشته است:

«و قد توفّی ـ رحمه اللّه ـ فی هذا السفر، فی شهر شعبان (۲۳) من السنه ۱۱۱۵».

پس، به موجب آنچه نقل کردیم دانسته شد که قاضی مرحوم در جُمادای یکم (۱۱۱۵) عزم سفر حجاز را از طریق عراق داشته و در جُمادای دیگر به همراه کاروان محمود آقای ناظر از اصفهان خارج شده و پس از یکی دو ماه وارد شهر مقدّس کاظمین شده و از آنجا به کربلای معلّی مشرّف گردیده و به سوی نجف اشرف رهسپار و در دو فرسنگی مانده به نجف، در بیست و سوم ماه شعبان المعظّم ۱۱۱۵، جان به جان آفرین سپرده و در نجف اشرف به خاک رفته است.

با این کیفیّت، مقصد اصلی آن مرحوم که سفر حجّ بود حاصل نگردید، و ناگفته نگذاریم که تاریخ دقیق فوت شیخ محمد جعفر به صورتی که نقل کردیم تنها در نوشته مرحوم شیخ محیی الدین ضبط شده است.

این نیز ناگفته نماند که امام مجدّد ـ طاب ثراه ـ در پایان شرح حال شیخ جعفر فرموده اند که از جمله شاگردان او سیّد فاضل... میرزا قوام الدین محمّد سیفی قزوینی است که با او بسیار نزدیک بود تا آن که زمان شیخ به اجل محتوم سرآمد:

«و ذلک بأرض العراق ـ المحروسه ـ حین مراجعته من سفر الحجّ فی حدود سنه خمس عشره بعد مائه و ألف، فرثاه سیّدنا المکرّم».

ص : ۲۷۳

سپس مرثیه طولانی سیّد سیفی ـ علیه الرحمه ـ را نقل فرموده اند.

صاحب «مستدرک الوسائل ۲۰: ۵۳» پس از نقل آنچه از ملحقات «وقایع السّنین» گذشت، عبارت کتاب شریف «روضات» را آورده و گوید آن اشتباه است:

«اشتباهٌ، فانّه ـ رحمه اللّه ـ لم یوفّق للحجّ، کما نصّ علیه الخاتون آبادیُّ المعاصر له و کان یکتب الوقائع یومًا فیومًا».

اینک گوییم که اوّلاً، در کلام خاتونابادی نصّ بر مدّعا نیست و وقایع را هم آن چنان روز به روز ننوشته و نسخه منحصر به فرد آن هم به دست مبارک امام مجدّد ـ طاب مثواه ـ نرسیده است.

ثانیًا، به نظر می رسد که مأخذ آن بزرگوار، سخن مرحوم سیّد عبداللّه جزائری «متوفی ۱۱۷۳: کواکب منتشره: ۴۵۶» باشد که در «تذییل السُّلافه، ترجمه ش ۵، نسخه خطّ فرزندش سیّد بهاءالدین محمّد» در ذیل احوال امیر قوام الدین محمّد سیفی گوید:

«و من شعره فی مَرثیه الشیخ جعفر القاضی لمّا توفّی بالعراق عند قدومه من الحجّ، سنه خمس عشره بعد المائه و الألف: الدّهر ینعی الینا المَجد و الکرَم»، تا آخر اشعار که در «روضات» آورده اند و صاحب «أعیان الشیعه: ج ۱۶ و ج ۱۷ مکرّرًا» و دیگران از آنجا اخذ کرده اند.

پس این سخن از «تذییل سلافه العصر» ـ و احتمالاً أیضًا از خاتمه «معارج الأحکام» آقا میر سید حسین قزوینی ـ بوده است.

بگذریم، اگر چه در این فهرست بنای نوشتن شرح حال محقّق کمره ای نبود، لکن آنچه ذکر شد به نظر لازم آمد، و اکنون نیز دریغ است که به جانب ادبی ـ نثر و نظم ـ آن مرحوم که تالیِ منشآتِ گران سنگ استادشان محقّق خوانساری است، اشاره نشود.

اصولاً، در سراسر عصر صفوی توجّه به ادبیّات که پایه و اساس فهم علوم معقول

و منقول به شمار می آید، کاملاً مشهود است.

از دفتر گزیده پرآوازه صمدیّه «الفوائد الصمدیّه» مرحوم شیخ بهاءالدین محمّد عاملی (م ۱۰۳۰) و شروح آن گرفته تا کتاب «النهایه فی شرح الهدایه» مرحوم ملاّ محمد علی تونی خراسانی اصفهانی «مقاله راقم این فهرست، چاپ اصفهان، ۱۳۸۱ ش»، در این خلال، آثار ادبی بسیاری به نظم و نثر در دو زبان عربی و فارسی در دست است، و گوشه هایی از آن کوشش ها در «أمل الامل» و تکمله ها و «ریاض العلماء» و به خصوص در «سُلافه العصر» و «تذییل السلافه» دیده می شود. و به این نکته نیز توجّه دهیم که شاهان صفوی در راه مبارزه فرهنگی با زبان های دیگر _ به خصوص زبان ترکی _ کوشش فراوانی در نشر و توسعه زبان فارسی داشته و دانشیان را به تألیف و ترجمه در این زبان مادری همه گونه ترغیب و تشویق کرده اند.

پس، شگفت آور نیست که فقیه مجتهد قاضی شیخ الاسلام متورّع متشرّعی چون شیخ محمّد جعفر کمره ای، در فنون نظم و نثر و ادب نیز دست توانا داشته باشد.

نمونه را در کتاب «بیان بدیع»(۱) تألیف مُنیف دانشمند ادیب اصفهانی میرزا ابوطالب فندرسکی از شاگردان مقرّب آقا حسین محقّق خوانساری _ علیهما الرحمه _ می توان دید.

او نخستین شاهدی که از دیگران در کتاب خود آورده از آن استاد است، گوید:

«و چنان که جناب زبده المجتهدین اعتضاد الملّه و الدین استاد البشر العقل الحادی عشر، استاد یَم آقا حسین خونساری فرماید، رباعی...»: ص ۳۲.

او به تقریب، ده بار در مدح استاد سخن گفته و شواهدی از نظم و نثر او آورده است،

همچنان که بارها ابیاتی از جناب شیخ محمّدجعفر به شاهد آورده و از او تجلیل

---

۱ – ۱) بیان بدیع. میرزا ابوطالب فندرسکی. مقدّمه، تصحیح و تحشیه سیّده مریم روضاتیان _ حفظها اللّه _ دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، قم، ۱۳۸۱.

کرده است. همانند «ص ۱۳۱ تا ۱۳۸»:

«... چنان که فاضل کامل علاّمه شیخ محمّد جعفر کمریی در مدح استاد خویش أعنی استاد الدوران نِحریر الزمان علاّم ذوفُنون وارث حکمت ارسطو و افلاطون قدوه العالمین خاتم المجتهدین، استاد یَم آقا حسین خونساری _ أدام اللّه ظلاله _ گوید، بیت:

یا غزالاً لحظه للصّارم القتّال تال مُهجتی من حبّ هذا طرفک المکسال سال

«... چنان که فاضل کامل علاّمه شیخ محمّد جعفر کمریی در مدح استاد المجتهدین قدوه العالمین حضرت آقا حسین _ دام ظلّه _ گوید، شعر:

فخر أصناف الوری آقا حسین ذو التُّقی الّذی من کفّه بحرٌ علی الأمجاد جاد

ذو العُلی شمس الضحی بدر الدجی نجم الهُدی کم فتًی من غوره عن حندس الإلحاد حاد»

«... چنان که فاضل زمان و علاّمه دوران شیخ محمّد جعفر کمریی در مدح استاد خویش أعنی استاد المجتهدین رکن الملّه و الدین آقا حسین خونساری _ أدام اللّه ظلاله _ گوید:

لوتری زبرًا له عن مثله السّحار حار خلتَ ماءَ الخضر من مکنون ذی الأسفار فار

تمام این قصیده شگفت آور بیست و چهار بیتی را حجّه الحقّ حاج ملاّ هادی حکیم سبزواری (۱۲۱۲ _ ۱۲۸۹) _ أعلی اللّه مقامه _ در کتاب شریف «الراح القَراح: ۳۶۱ _

ص : ۲۷۶

۳۶۶»(۱) هم به شاهد آورده و شرح کرده اند:

«و مثلها: قصیده عملها شیخ الاسلام جعفر الاصفهانیُ ـ علی طرز الطنطرانیّ ـ فی الحبر العلاّمه حاوی المعقول و المنقول الفاضل الکامل آقا حسین الخوانساریّ، طاب ثراه و جعل الجنّه مثواه: یا غزالاً...».

مانا که مرحوم حاجی دفتری از اشعار و آثار قاضی را در دست داشته و چه بسا در اصفهان به دست آورده باشند، چه در صنعت توریه ـ از صنایع معنوی ـ نیز تمام سروده بیست بیتی آن جناب را در «ص ۱۳۹ تا ۱۴۱» آورده و شرح کرده اند: و قول شیخ الاسلام جعفر الاصفهانی...:

ضلّ سبیلَ الهدی و بانا مَن مثّل القدّ منک بأنّا

و در باب تأکید المدح بما یشبه بالذّم، نیز سه بیت بر سبیل شاهد آورده و شرح کرده اند: «و من الثانی قول شیخ الاسلام جعفر الاصفهانی»: ص ۲۵۶.

و در صنعت جناس خطّی از صنایع لفظیّه «ص ۳۷۱ ـ ۳۷۲»، دو فقره از نامه دوستانه شیخ محمّدجعفر قاضی را به جناب آخوند ملّا میرزای شیروانی (۱۰۳۳ ـ ۱۰۹۸) داماد مولانا محمد تقی مجلسی و از شاگردان بارع آقاحسین خوانساری ـ علیهم الرحمه و الرضوان ـ آورده و شرح کرده اند:

«و منها الفقرتان من رساله ودادٍ بعثها الشیخ جعفر شیخ الاسلام الی الفاضل المدقّق الشیروانیّ، و هی هذه: هدایا إخلاص لا تفیدها ید الأبد إلّا احکامًا...».

این بود آنچه درباره گوشه هایی از احوال و آثار مرحوم شیخ محمّد جعفر قاضی، صاحب «حاشیه الروضه البهیّه»، در تاریخ «آدینه ۲۷ ربیع یکم ۱۴۲۶» به نگارش

۱- ۱) الراح القَراح، تألیف الفیلسوف الکبیر... السبزواری، صحّحه و قدّم له و علّق علیه: مجید هادی زاده ـ استاد فاضل، سلّمه اللّه ـ، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.

درآوردیم، و اینک معرّفی کتاب و نسخه هایش:

کتاب: حاشیه معتبر مشهوری است بر «شرح اللمعه» شهید ثانی قدس سره ، و در حواشی برخی نسخه های چاپ سنگی نیز موجود است.

نسخه: در حیات محشّی نوشته شده و علاوه بر حواشی شخص او، چند حاشیه نیز از «محیی الدین، سلّمه اللّه» به خطّ کاتب در اوائل نسخه هست.

جای جای نسخه افتادگی داشته و به صورت اوراقی بوده تا این که «محمّد حسین» آن را در دارالسلطنه تبریز خریداری و تا جایی که توانسته نواقص آن را به خطّ خود تکمیل کرده است. این شخص گویا آقا محمد حسین فرزند آقا محمد علی هزارجریبی فقیه بزرگ باشد.

آغاز و انجام: همانند نسخه دیگر است.

«۲۷۰» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمّد بن ابوالقاسم موسوی، گویا در اصفهان. تاریخ استنساخ: یکشنبه غرّه ماه رجب ۱۲۶۴. اثر مقابله و تصحیح و حاشیه نویسی ندارد. همچنین نام کتاب و مصنّف ندارد، بلکه به خطا، روی جلد نوشته اند: «حاشیه فی النحو».

آغاز: «بسم. نحمدک یا إلهی و نصلّی علی نبیّک الهادی و آله الهُداه».

انجام: «و تعلّق حقّ الملک یفید جمیع آثاره فلا بدّ من جعل الملک مشروطًا بأحد الأمرین، و الکلام بعدُ موضع نظر. قوله».

«۲۷۱» حاشیه الروضه البهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ـ عربی)

از: آقا جمال الدّین محمّد بن آقا حسین خونساری اصفهانی، صاحب «حاشیه حاشیه

شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲».

کتاب: تعلیقه ای است بر «شرح لمعه» شهید ثانی.

نسخه: تا کتاب الصلوه است و به خطّ محمّد بن عبداللّه، و تاریخ ختم کتابت: روز جمعه هشتم صفر ۱۲۰۶ در تبریز.

تملّک و مُهر محمّدعلی به تاریخ ۱۲۱۲ و تملّک و مهر آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» به تاریخ ۱۲۷۰ و یادداشتی از مرحوم آیه اللّه حاج سیّد محمد باقر بن حاج سیّد عبدالغفّار توی سرکانی اصفهانی، در ظهر نسخه دیده می شود.

امام مجدّد صاحب روضات در ظهر نسخه مرقوم فرموده اند که «عدد ابیات کتاب بیست و شش هزار بیت و کسری است، و عمده شرح مرحوم آقا جمال همین مجلّد است و تتمّه را که تقریبًا دو ثلث این مجلّد می شود به طریق اختصار نوشته است».

«۲۷۲» نسخه دیگر

نسخه: تمام است، لکن در اواسط آن مقداری افتادگی دارد. علامت تصحیح و مقابله ندارد.

در آخر مجلّد اوّل مؤلّف نام خود را «جمال الدین محمّد بن حسین الخوانساری» و تاریخ ختم تألیف این مجلّد را ماه رمضان ۱۱۰۴ قید کرده است.

کاتب تاریخ کتابت این جلد را پنجشنبه غره ماه رجب ۱۲۴۶ و نام خود را باقر بن محمد ابراهیم نجف آبادی نوشته است.

در پایان کتاب تاریخ ۲۳ ذی القعده (سنه ثلاث و خمسین من المائه الثانیه بعد الالف) دیده می شود که یا کاتب نقل از نسخه ای کرده است که از روی آن نوشته و یا در ضبط تاریخ استنساخ خود اشتباه کرده است.

ص : ۲۷۹

پس از پایان نسخه، چند برگ مقاله ای است در باب نذر که به این عبارت: «اعلم أنّ المعهود من النذر أن یکون متعلّقًا بفعل» شروع و به این عبارت «فی توجیه رجب، فتأمّل، انتهی» ختم می شود.

«۲۷۳» نسخه دیگر

نسخه: جلد نخست است تا کتاب صلوه.

تاریخ تألیف: «و کان ذلک فی شهر رمضان المبارک سنه اربع و مائه بعد الألف». کاتب: محمّد صالح بن محمّد کاظم خاتونابادی.

ظهر نسخه، یادداشتی به خطّ محمّد صادق بن محمّدرضا الحسینی الخاتونابادی به خطّ خوش: «قد وقع شروع شرح اللمعه مع هذه الحاشیه فی خدمه الاستاد العالم الکامل المحقق المدقق الفاضل النحریر ملّا محمّد علی النوریّ المازندرانی، فی شهر محرّم الحرام ۱۲۲۹ مع جمع من الطّلاب، و کتبت هذه للتذکّر... و انا... ابن محمد رضا محمد صادق الحسینی الخاتونابادی» مشاهده می شود.

«۲۷۴» نسخه دیگر

نسخه: از حاشیه مبحث اذان «شرح لمعه» است تا مقداری از کتاب زکوه.

آغاز: «قوله فی کتاب الصّلوه فی الفصل الثالث».

انجام: «و لا یشمل ما یشتریه أحد و الّالما اختصّ الحکم».

بقیّه ساقط شده است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. ظاهرًا از آثار قرن ۱۲ ــ ۱۳ می باشد.

ص : ۲۸۰

«۲۷۵» حاشیه الروضه البهیّه فی شرح اللمعه الدمشقیه

(فقه ــ عربی)

از: میرزا محمّد اصفهانی معروف به دیلماج علیه الرحمه.

در «ذریعه ۶: ش ۵۱۳» دو نسخه از حاشیه «میرزا محمد المعروف بالدیلماج و لذا یُعرف بحاشیه الدیلماج» را یاد کرده اند و این که برخی از حواشی در هامش نسخ چاپ سنگی هست. و در «روضه نضره: ۵۱۷» محمّـد الدیلماج الاصفهانی را عنوان و فرموده اند که شاگردش عبدالوهّاب اصفهانی «کتاب من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق را به سال ۱۰۸۶ در اصفهان با او مقابله کرده و نزدش فراگرفته است و او را «العالم العامل الفاضل الکامل جامع المعقول و المنقول المیرزا محمّـد الدیباج» شناسانده است.

در اینجا از حاشیه مورد بحث ــ به علّت فراموشی ــ سخنی نگفته اند و ناشناس ماندن این عالم بزرگ نیز از جهت مفقود شدن حرف میمِ کتاب «ریاض العلماء» است. دیلماج یعنی مترجم.

کتاب: حاشیه ای است بسیار معتبر بر «شرح لمعه» شهید ثانی، از طهارت تا دیات.

نسخه:به خطّ شمس الدین علیّ بن استاد شاه قاسم فیروزآبادی قاینی. تاریخ کتابت: روز سه شنبه نهم جمادی الاولی (۱۰۹۲). در چند موضع تعلیقاتی به امضاءِ «موسی بن جعفر» دارد. ظهر برگ نخست نیز تملّک همین شخص به عنوان «موسی بن جعفر بن احمد بن لطفعلی تبریزی» و مهر او و تملّک و مهر علی نقی بن علی تبریزی و ادریس الموسوی الحسینی و «المهدیّمن هدیت ۱۱۴۹» دیده می شود.

ص : ۲۸۱

«۲۷۶» حاشیه الروضه البهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ـ عربی)

از: مرحوم حاجی میرزا محمّد معصوم بن میر محمّد علیّ حسینی خاتون آبادی.

کتاب: در مقدّمه به این شرح معرّفی شده است: «بسم... امّا بعد، فیقول... محمّد معصوم... هذه تعلیقه وجیزه علی الروضه البهیّه... من تقریرات شیخنا و استادنا الامام العالم العلاّمه قدوه المحقّقین و زبده المدقّقین المؤیّد بتأییدات الباری رفیع بن رفیع الجیلانی، لازالت أیّام افاداته... قوله... الظرف مستقرّ... الظرف المستقرّ ما کان متعلّقه عامّاً أی من أفعال العموم».

انجام: «قوله: للإطلاق أی لاطلاق کلام المصنّف «ره» و لو قال: لإطلاق المستند ـ و هو أخبار کثیره ـ لکان أولی، کما لا یخفی».

مولانا رفیع بن رفیع گیلانی مقیم اصفهان، عالم بزرگوار دارای تألیفات اصولی و فقهی معتبر، در «کرام برره: ش ۱۰۳۳» شرح حال دارد و درگذشتش را در حدود ۱۲۴۵ نوشته اند. امّا «المشهدی» در عنوانش اشتباه است و مشهدی رفیعای دیگری است که در «کواکب منتثره: ۲۸۳» ذکر شده است.

همچنین مطلبی که از «اللآلیء الثمینه» نقل فرموده اند، ربطی به این عالم بزرگوار ندارد. پس از «و له آثار جلیله هامّه» تا «انتهی ملخّص ما فی اللآلیء» در سطر یکم (صفحه ۵۷۸) زائد و اشتباه است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن در زمان مرحوم آقا میر محمد معصوم در اواسط قرن ۱۳ نوشته شده است. آثار تصحیح و مقابله ندارد.

ص : ۲۸۲

«۲۷۷» حاشیه الروضه البَهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ــ عربی)

از: یکی از دانشمندان سده دوازدهم.

کتاب: حاشیه مبسوط معتبری است بر کتاب المیراثِ شرح لمعه شهید ثانی قدس سره . و در آن از «الزهرات الذویّه فی الروضه البهیّه» که حاشیه مدوّنه بزرگی است بر شرح لمعه، از معاصر خود، علاّمه مرحوم مولانا شیخ علی شهیدی (۱۰۱۳ ــ ۱۱۰۳)، مکرّر نقل می کند، امّا به عنوان حاشیه و تعلیقه:

«ثمّ ههنا دقیقه لفظیّه قد أفادها بعض من عاصرناه من حفَده الشارح فی تعلیقاته علی ذلک الشرح...».

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. در زمان مؤلّف نوشته شده و تا اواسط نسخه حواشی بسیار از شخص مؤلّف «منه، دام ظلّه» دارد.

آغاز: «بسم... استحقاق انسان، إلخ. فیه أنّ المراد بالانسان فی الموضعین إمّا الانسان بالفعل أو الأعمّ منه و من الانسان بالقوّه...».

انجام ناتمام: «لموافقتها لمذهب بعض العامّه. قوله: سواء کان الأبوان موجودان».

ظهر نسخه: «من متملّکات أقلّ طلبه بدرالدین ابن نورالدین محمّد الحسینیّ». سجع دو مهر بادامی: «عبده بدرالدین الحسینی ۱۱۳۲». ۱۳۶ برگ وزیری.

حاشیه الروضه البهیّه: مخزن الأسرار الفقهیّه

حاشیه الروضه البهیّه: المناهج السّویّه

«۲۷۸» حاشیه ریاض المسائل

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم آخوند ملّا محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی صاحب «الحدیقه النجفیّه. ش ۳۴۸».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «ریاض المسائل فی بیان أحکام الشرع بالدلائل» تألیف مرحوم آقا میر سید علی طباطبائی کربلائی (متوفّی ۱۲۳۱).

نسخه: از آغاز کتاب طهارت است تا مبحث تغسیل و تکفین که به خواهش جمعی از طلّاب که ریاض را در نزد شارح می خوانده اند تألیف کرده، چنان که خود در آخر این نسخه گفته، و هم گفته است: چون کلام بدینجا رسید دوست داشتم به این دو بیت خاتمه دهم:

ولایتی لأمیر النحل تکفینی عند الممات و تغسیلی و تکفینی

و طینتی عجنت من قبل تکوینی فی حبّ حَیْدَرَ، کیف النار تکوینی

و سپس گوید: فراغت حاصل شد از این تعلیقات در مشهد حسین بن علی علیهماالسلام بر دست مؤلف در روز ۲۱ محرم ۱۲۸۹....

ناگفته نماند که در مقدّمه نیز مؤلّف گوید: «انّ هذا تعلیقه وجیزه علّقتها علی کتاب ریاض المسائل» که این کتاب را مؤلّف به عنوان «تعلیقه» یاد کرده است.

نام کاتبِ نسخه معلوم نشد و پیداست در کربلاـ نوشته شده در زمان مؤلّف و به دست یکی از شاگردانش، چون در آغاز کتاب کاتبْ خود به حُمره چنین نوشته است:

«هذه تعلیقه علی الریاض لأستادنا الأعظم و مولانا الأفخم زبده المحقّقین و قدوه المدققین الاخوند ملّا محمدتقی الهروی».

ظاهرًا نسخه به نظر مؤلف رسیده و چند جا در حاشیه احتمال دارد به خطّ خود مطالبی نوشته باشد.

ص : ۲۸۴

«۲۷۹» حاشیه زبده الأصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: شیخ بهاءالدین محمّد بن حسین عاملی اصفهانی ـ علیهما الرحمه ـ (متوفی ۱۰۳۰).

کتاب: حاشیه ای است که شیخ بر «زبده الاصول» تألیف خود نگاشته و چنان که در پایان این نسخه آمده در ۱۲ محرم ۱۰۱۸ از تبییض آن فراغت یافته است.

نسخه: به خطّ علی بن کربلای رضاقلی ایروانی. روز پنجشنبه ۱۶ ماه رجب ۱۲۳۹ در مدرسه جدّه کوچک اصفهان از استنساخ آن فراغت یافته است.

«۲۸۰» حاشیه شرایع الاسلام

(فقه ـ عربی)

از: محقّق کرکی شیخ علی بن حسین بن عبدالعالی ـ علیهم الرحمه ـ (متوفی ۹۴۰).

کتاب: حاشیه ای است بر «شرایع الاسلام، فی أحکام الحلال و الحرامِ» محقّق حلّی علیه الرحمه.

نسخه: از آغاز تا کتاب تجارت است. ختم کتابت: ماه صفر ۹۷۳. مقداری از اوّل نسخه ناقص بوده که مجتهد جلیل مرحوم آقای حاج میر سیّد علی چهارسوقی (نیای گرامی) آن را نوشته و تکمیل نموده اند. تملّک و مهر آن مرحوم به تاریخ ۱۲۶۹، ظهر نسخه هست. تملّک و مهر طاهر بن کربلائی محمدعلی سورکی در آخر نسخه دیده می شود.

نسخه دیگر در مجموعه شماره (...)

«۲۸۱» حاشیه شرایع الاسلام فی أحکام الحلال و الحرام

(فقه ـ عربی)

از: نامعلوم، و ظاهرًا از محقّقین قرن سیزدهم بوده است.

نسخه: از شرح کتاب التجاره که یازدهمین کتاب شرایع است تا آخر کتاب العاریه که بیست و یکمین کتاب می باشد، و کاتب نام خود و تاریخ کتابت نسخه را ننوشته، تنها در چند موضع در حاشیه یادداشت کرده است که نسخه را از روی نسخه اصل و نسخه دیگر استنساخ نموده.

«۲۸۲» حاشیه شرح الاشارات

(فلسفه ــ عربی)

از: مرحوم آقا حسین بن جمال الدین محمّد، محقّق خوانساری (متوفی ۱۰۹۸).

کتاب: چنان که خودْ در آخر قسم إلهی یعنی پایان کتاب اشاره کرده است، تعلیقه ای است بر کتاب «مشکلات الاشارات» که شرح خواجه نصیرالدین طوسی ــ علیه الرحمه ــ است بر کتاب «الاشارات و التنبیهات» شیخ الرئیس ابوعلی سینا و بر شرح شرح که ظاهرًا مقصودش کتاب «المحاکمات بین شارحی الاشارات» قطب الدین رازی است و بر «حاشیه محقق شیرازی باغنوی» که مقصودش ملاّ حبیب اللّه معروف به میرزاجان است. و این کتاب مشتمل است بر دو بخش طبیعیّات و الهیّات، و در «ذریعه ج ۶ ص ۱۱۱» تاریخ فراغت از تألیف آن را روز دوشنبه ۴ ماه شعبان ۱۰۷۱ ذکر کرده اند.

نسخه: نام کاتب ندارد و تاریخ ختم استنساخ: روز یکشنبه ۲۲ صفر ۱۱۰۴، و حواشی از فرزند مؤلّف، آقا جمال الدین محمد خوانساری با رمز «جم، مد ظله العالی» و امثال این تعبیرات در نسخه هست.

تملّک مرحوم میر محمد اسمعیل بن ابوالمحسن حسینی خاتونابادی، به تاریخ ۱۲۱۴ روی برگ اوّل نسخه نوشته شده.

آغاز نسخه: «بسم... قال المح [یعنی المحاکم] قد عرفت فیما سبق أنّ الاشاره، إلخ، أی الحکم».

«۲۸۳» حاشیه شرح الألفیّه

(نحو ــ عربی)

از: شیخ حسن بن علی بن احمد شافعی ازهری، معروف به بدرالدین مَدابِغی (متوفی ۱۱۷۰).

مآخذ شرح حالش در «الأعلام ۲: ۲۰۵ ــ ۲۰۶» و «معجم کحّاله ۳: ۲۴۸» مذکور است.

کتاب: حاشیه مَدابِغی است، بر «شرح نورالدین ابوالحسن علی بن محمّد اشمونی، بر ألفیّه ابن مالک»(۱) و بسیار مهمّ، مبسوط و پر فائده.

نسخه: به خطّ مقبل بن حسن است که از حواشی نسخه شخص محشّی، استخراج کرده و به هنگام اذان عصر روز پنجشنبه پایان (ختام) ماه رجب ۱۱۹۶، در صالحیّه شام، از آن فراغت یافته است.

تملّکِ ابراهیم البلاغی و علی آل سلیمان و مهرِ حجّه الاسلام شفتی «محمد باقر بن محمد نقی الموسوی» ظهر نسخه است.(۲)

حاشیه شرح الایساغوجی: مجموعه ش (...)

«۲۸۴» حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: حبیب اللّه بن عبداللّه دهلوی، مشهور به ملّا میرزاجان باغنوی، صاحب «حاشیه

۱- ۱) فی نشره «أخبار التراث العربیّ» الّتی یُصدرها معهد المخطوطات بجامعه الدول العربیّه. العدد ۳۰. السنه الثانیه. القاهره. یوم الأحد «۹ / ۹/ ۱۳۹۲» ص ۸: «الأستاذ عبدالکریم الأسعد، من سوریا، و هو یُعدّ رساله ماجستیر موضوعها «أبوالحسن الاشمونی و کتابه منهج السّالک إلی ألفیّه ابن مالک. و ذلک فی کلّیّه الاداب بجامعه عین شمس تحت إشراف الدکتور رمضان عبدالتوّاب الاستاذ المساعد...».

۲- ۲) دور نیست که سیّد حجّه الاسلام ــ أعلی اللّه مقامه ــ در نگارش «حاشیه البهجه المرضیّه» خود از این نسخه استفاده شایان فرموده باشد.

حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۵۹».

کتاب: حاشیه ای است بر مبحث جواهر و أعراض شرح ملّا علی قوشجی «ظ»، بر تجرید الکلام خواجه نصیرالدین طوسی أعلی اللّه مقامه.

آغاز: «قوله: فناسب ذلک. حاصل وجه المناسبه».

انجام: «علی أنّ الحرکه و السّکون مهمّ الکون دون الخبر».

نسخه: خطّ قوام الدین محمّد. تاریخ پایان کتابت: شب هفتم محرّم ۱۰۶۲.

تملّک عمادالدین محمود حسینی و دو مهر او: «یا عماد من لا عماد له» و «یا اللّه المحمود...» و تملّک و مهر «عبده ابوالحسن» که ظاهرًا از مرحوم ملّا ابوالحسن شریف عاملی است، ظهر نسخه هست.

«۲۸۵» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: ۱۱۲۴.

مُهر «محمّد باقر العلوم» و «لا إله إلاّ اللّه الملک الحقّ المبین. محمّد باقر بن محمد تقی ۱۱۵۷» و «لا إله الا اللّه الملک الحقّ المبین. محمّد رضا» ظهر نسخه هست.

«۲۸۶» حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: جلال الدین محمّد بن أسعد دوانی، معروف به محقّق دوانی (متوفّی ۹۰۸).

کتاب: حاشیه ای است بر «شرح تجرید» ملّا علی فاضل قوشجی، که از هنگام نگارش آن تا این اواخر، یعنی در طول بیش از چهار قرن مورد اعتناء و استقبال و دست مایه طلّاب فلسفه و کلام بوده و معروف است به «حاشیه قدیمه جلالیّه»، و حاشیه بر آن در شماره های (۲۵۷) و (۲۵۸) گذشت.

ص : ۲۸۸

نسخه: به خطّ سلطان محمّد حسینی دامغانی. پایان استنساخ: روز دوشنبه «یا دوّم» ماه رمضان ۱۰۶۵، در مدرسه معصومه بلده طیّبه قم.

در دو برگ آخر، چند تحقیق علمی از محمد هادی بن معین الدین محمّد آمده است. ــ همان دانشمند ماهر متبحّر مذکور در «روضه نضره: ۶۲۸ ــ ۶۲۹» ــ .

روی برگ یکم، چند تملّک و یادداشت از خاندان بزرگ سادات خاتونابادی اصفهان دیده می شود ازجمله مُهر امیر عبدالواسع «عبده عبدالواسع الحسینی ۱۱۴۷ ظ» و تاریخ شروع یکی از این خاندان در قرائت کتاب در روز شنبه هشتم شوّال ۱۱۰۴، نیز تاریخ شروع دیگری به خواندن آن در اواخر ذیالحجّه ۱۰۶۶، و تملیک میر محمّد صالح امام جمعه(1) نسخه را به فرزند ارجمندش میر محمد حسین، و مُهر او «محمّد صالح الحسینی ۱۰۹۰ ظ»، و تملّک و مهر همو «العبد محمّد حسین الحسینی...»، و تملّک فرزند میر محمد حسین که نامش با گوشه هایی دیگر از تملّکات در صحافی رفته است.

ایضًا: تملّک نیای گرامی، آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» و مُهر ایشان «محمدباقر بن زین العابدین الموسوی» در همان جا هست.

اوائل نسخه دارای حواشی بسیاری است، از جمله چند حاشیه از «حمزه» که ظاهرًا مقصود ملّا حمزه گیلانی فیلسوف حکیم بارعِ اواخر زمان صفویّه است و شرح حالش به اجمال در «کواکب منتثره: ۲۲۸» دیده می شود.

ص : ۲۸۹

۱ــ ۱) در کنار خطّ آن مرحوم، امام مجدّد نوشته اند: «هذا خطّ الأمیر محمد صالح الخاتون آبادی زوج ابنه العلاّمه المجلسی «ره» و أبو أسباطه و کان امام الجمعه باصبهان». گوشه هایی درباره علماءِ أعلام سادات خاتونابادی در «کتاب دو گفتار» و «مقاله در احوال و آثار ملّا محمّد علی تونی»، هر دو از این جانبْ یاد شده است.

«۲۸۷» نسخه دیگر

نسخه: از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست.

حواشی از ملاّ میرزا و آقا حسین و آقا جمال خوانساریین ـ علیهم الرحمه ـ دارد.

ظهر نسخه تملّک عمادالدین محمّد حسینی، و مُهر «و إنّه فی أُمّ الکتاب لدَینا لعَلیٌ حَکیم» و تملّک و مُهر والد ماجد نویسنده این فهرست «محمّد هاشم بن جلال الدین الموسویّ» دیده می شود.

«۲۸۸» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و دارای حواشی بسیار از «منه، رحمه اللّه» و «آقا جمال، ره» و «عب، رحمه اللّه» و «ملاّ میرزا، رحمه اللّه» و «آقا، مدّ ظلّه» و غیره.

«۲۸۹» نسخه دیگر

نسخه: از آخر ناقص است. دارای حواشی «منه» و «صدرالدین دشتکی» و «میرزا جان» و غیره.

شرح حال دوانی در ظهر نسخه ـ به اختصار ـ از کتاب «سُلّم السّماوات» نقل شده است.

نسخه از کتابخانه خاندان فیض کاشانی ـ علیه الرحمه ـ بوده، خطوط آنان در ظهر نسخه دیده می شود، و تملّک میر علی بن حاجی محمّد سلیم مهروشنی. شرحی نیز به خطّ مرحوم آقا سیّد محمّد مهدی نایب الصدر اصفهانی دارد، و در این اواخر از کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی ـ علیه الرحمه ـ بوده است.

ص : ۲۹۰

«۲۹۰» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل ناقص می باشد و در صفحه آخر، کاتب نام خود را محمّد قاسم بن ملّا ابراهیم... ، و تاریخ کتابت را سنه ۱۰۹۶ در مدرسه میرزا محمد شفیع اصفهان قید کرده است. حواشی متفرقه در سراسر نسخه هست.

آغاز نسخه: «بوجود آخر لم یناقض ذلک».

«۲۹۱» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز و انجام ناقص است، و دارای حواشی بسیار از «منه» و «آقا حسین» و «آقا جمال» و «ملّا میرزا» و «ملّا عبداللّه» و «کمال الدین حسین لاری». از آثار سده یازدهم است.

«۲۹۲» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ: روز پنجشنبه هشتم ماه رمضان ۱۰۶۷. حواشی «منه» و کمی از حواشی «جم» در حاشیه ها نوشته شده. و در آخر نسخه دو صفحه به عنوان «المطالب تنقسم إلی أُمّهات» به نقل از «شرح القسطاس» به خط کاتب نوشته شده است.

در ذیلِ تاریخ استنساخ، مهری است که سجع آن «اللّهمّ اجعلنی بحق النّبیّ کاسمی معصومًا» می باشد.

«۲۹۳» نسخه دیگر حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: جلال الدین محمّد بن اسعد دوانی صدیقی، معروف به محقّق دوانی.

کتاب: «حاشیه جدید» است بر «شرح تجرید الکلام» ملّا علی فاضل قوشجی، و مؤلّف آن را به تقریبی در ردّ بر امیر صدرالدین محمّد دشتکی (۸۲۸ _ ۹۰۳) نگاشته است، زیرا دشتکی پس از دیدن «حاشیه قدیمه جلالیّه»، خود حاشیه ای بر «شرح تجرید» نگاشته و در آن بر دوانی بسیار خرده گیری کرده است.(۱)

دوانی در اواخر این شرح، مطلبی به فارسی از «شرح حکمت علائی» نقل کرده و گوید: «گمان می کنیم این شرح از شیخ عمر بن الخیّام است».

نسخه: اوّل و آخر ندارد و از آثار آغاز سده یازدهم می نماید.

«۲۹۴» نسخه دیگر حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام _ عربی)

از: مولانا میرزا محمّد بن حسن مدقّق شیروانی اصفهانی (متوفی ۱۰۹۸) _ علیه الرحمه _ صاحب «حاشیه شرح مختصر المنتهی. ش ۳۰۴» و «شرح معالم الاصول. ش ۵۳۳» : «دو گفتار، روضاتی: ۲۸ و مواضع دیگر». نمونه خطّ آن مرحوم در «فهرست رضویّه ۵: روبروی ص ۴۳۲» دیده می شود.

کتاب: به شرحی که خود محشّی در مقدّمه فرموده، حواشی است بر إلهیّات «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی رحمه الله و بر «شرح جدید» که شرح علاءالدین علی قوشجی است و نیز توضیح مشکلات «حاشیه شمس الدین محمد بن احمد خفری. ش ۱۵۲» بر شرح مزبور.

مؤلّف در مقدّمه، مدحی بلیغ از شاه سلیمان صفوی نموده و این کتاب را تحفه

---

۱ - ۱) دشتکی حاشیه جدید دوانی را نیز ردّی نگاشته است. شرح حال دشتکی و دوانی در «احیاء الداثر اشتراکی: ۲۱۸ _ ۲۲۲» آمده است، امّا سخنان و آراءِ شخصی متصدّی تحقیق، به جای حاشیه، بر حسب معمول، متن را دچار انحراف از مقصد و مرام مصنّف بزرگوار کرده است.

حضرت او گردانیده است.

در مقدّمه یا موضع دیگری از نسخه حاضره، مطلقًا نامی از ملّا میرزای شیروانی نیست و حقیر از تطبیق آغاز نسخه با آنچه از سرآغاز نسخه کتابخانه مجلس در فهرست آن کتابخانه نقل شده است، دریافتم که این حاشیه از مرحوم شیروانی است. در «ذریعه ۶: ش ۷۲۶» تاریخ تألیف را به نقل از یک نسخه، در «ماه رجب ۱۰۷۶» نوشته اند.

نسخه: شامل دو بخش است به دو خط. بخش اوّل از آغاز حاشیه است که به این عبارت شروع می شود:

«خیر ما یوشّح به معاقد الکلام» تا شرح «قوله و انتفاعه بأن یقال انّ صفه العالم، ا.ه».

و خاتمه چنین است:

«أو بجوهر مجرّد هو المبدع الأوّل له «تع» ممّا سبق تفصیله و کذلک ما سیجیء من حضور الاشیاءِ بأعیانها. تمّت».

بخش دوّم به این عبارت شروع می شود:

«قال المص، قدّس سره: و انتفاء القبح ید ل علی صدقه. أقول: یمکن أن یکون مراده أنّ انتفاء القبح»،

و به این عبارت خاتمه می یابد که پایان نسخه است:

«و هذه الأولویّه ضروریّه. هذا اخر کلام المص أطال اللّه عمره، و الحمد للّه رب العالمین».

نام کاتب ها و تاریخ کتابت مطلقاً در نسخه نیست و ظاهرًا، تمامًا در زمان حیات محشّی نوشته شده و مقصود از «المصنف، أطال اللّه عمره»، مولانا میرزای محشّی است.

«۲۹۵» حاشیه شرح تلخیص المفتاح

(ادب ـ عربی)

از: ابوطالب بن ابوالفتح الحسینی «مقدّمه کتاب».

ص : ۲۹۳

در «احیاء الداثر: ۱۱۱» فرماید: «المیر أبوطالب بن المیر أبی الفتح الحسینی الشیرازی. له حاشیه علی شرح الجامیّ الموسوم بالفوائد الضیائیّه، و نسخه الحاشیه موجوده فی «الرضویّه»، تاریخ کتابتها (۱۰۰۸) »: «الذریعه ۶. رقم ۲۸۳». پایان.

ملاّ عبدالرحمن جامی متولّد ۸۱۷، متوفّی ۸۹۸ است. از این روی با در نظر گرفتن تاریخ کتابت (۱۰۰۸)، میر ابوطالب را در اعلام قرن دهم نوشته اند.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «مختصر المطوّل» که شرح مزجی دوّم و مختصر سعدالدین تفتازانی مسعود بن عمر (متوفی ۷۹۲) است بر «تلخیص المفتاحِ» خطیب دمشق جلال الدین محمّد بن عبدالرحمن (متوفی ۷۳۹) که تلخیص قسم معانی بیان «مفتاح العلومِ» سکّاکی است و شاید نام این حاشیه «أشعّه لامعه» باشد.

حاشیه بر شرح مزجی اوّل را به عنوان «حاشیه المطوّل» می نویسیم.

آغاز: «بسم. نحمدک اللّهمّ علی تلخیص البیان... امّا بعد فیقول... انّ هذه أشعّه لامعه و أنوار ساطعه طالعه من مطالع شرح کذا الثانی لمختصر المعانی».

انجام موجود: «قوله: الفنّ الأوّل. اعلم أنّ الکتاب و أجزائه یطلق علی المعانی السّبعه المشهوره... فما ذکره الفاضل المحشّی هنا قاصر علی ما لا یخفی علی صاحب الطبع السّلیم و الفهم المستقیم».

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و مطلب در وسط صفحه آخر، ناتمام مانده است. ظاهرًا از آثار قرن یازدهم می باشد.

«۲۹۶» حاشیه شرح تلیخص المفتاح

(ادب ــ عربی)

از: نامعلوم، و با مراجعه به «کشف الظنون» نیز شناخته نشد.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «مختصر المطوّل» تفتازانی (ش ۲۹۵).

ص : ۲۹۴

آغاز: «بسم. نحمدك اللّهمّ على ما أعطيتنا من سوابغ النّعم و بوالغ الحكم».

انجام:«بل المتروك بالمتروك اليه فيق ترك المعين الى غير المعين او الخطاب».

نسخه: نام كاتب ندارد. تاريخ ختم استنساخ: شنبه ششم جمادای يكم ۱۲۴۶.

حاشيه شرح حكمه العين: مجموعه ش (...)

«۲۹۷» حاشيه شرح تلخيص المفتاح

(ادب ــ عربى)

از: فاضل خطايى (يا ــ خطآئى)، عثمان بن عبداللّه، نظام الدين حنفى، مولانازاده.

آگاهى مستندى كه از اين فاضل دانشمند داريم معاصر بودن با مير سيّد شريف جرجانى حنفى متوفى به سال ۸۱۶ است، چنان كه در اوائل حاشيه بر مطوّل «در نهمين صفحه نسخه خطّى ما» گويد:

«الى ذلك أشار السيّد ــ سلّمه اللّه ــ فى حواشى الكشّاف» كه اين گونه دعاء، صريح در حالت زنده بودن مير سيّد شريف است.

ديگر، گفته كاتب چلبى (متوفى ۱۰۶۷) در «كشف الظنون ۱: ۴۷۶» است كه همين كتاب مورد بحث را اين گونه شناسانده است:

«و حاشيه مولانا نظام الدين عثمان الخطايى المتوفى سنه (۹۰۱) احدى و تسعمائه، و هى حاشيه لطيفه».

نيز در (ستون ۴۹۷) حاشيه ديگرى از او بر كتاب «التلويح فى كشف حقائق التنقيح» باز از تفتازانى در اصول فقه را گويد:

«و حاشيه العلاّمه مولانازاده عثمان الخطايى. ذكره حسن چلبى و نقل عنه» كذا. كه از اين دو موضع «كشف الظنون» معلوم مى شود كه اين شخص:

۱ ـ نامش عثمان است بدون ذکر نام پدر و شهرتش خطایی است و در هر دو موضع خطایی با دو یاء آخر الحروف است.

۲ ـ در موضع اوّل مولانا و در موضع دوّم مولانازاده است.

۳ ـ در موضع دوّم لقب او را نظام الدین نوشته است.

۴ ـ در موضع نسخه، وفاتش را هم با رقم و هم با حروف، در نهصد و یکم دارد و این بسیار شگفت آور است، چه با معاصر بودنش با شریف جرجانی متوفی به سال هشتصد و شانزده سازش ندارد، مگر آن که بسی بیش از یکصد سال عمر کرده باشد یا این که تاریخِ ۹۰۱ اشتباه باشد و مؤیّد این نظر، نقل حسن چلبی متوفی در هشتصد و هشتاد و شش از او است.

دو دیگر: اسماعیل پاشا در «هدیّه العارفین ۱: ۶۵۶» گوید:

«الخطائی. عثمان بن عبداللّه، نظام الدین الخطائی الحنفی المعروف بمولانازاده المتوفی سنه (۹۰۱). له حاشیه علی التلویح للتفتازانی فی الاصول، حاشیه علی مختصر التفتازانی لشرح التلخیص، حاشیه علی المطوّل فی المعانی و البیان».

کحّاله در «معجم المؤلّفین ۶: ۲۵۸ ـ ۲۵۹» همین سخنان را بی کم و بیش آورده است. پس در «هدیّه العارفین» نام پدر و مذهب حنفی داشتن او را افزوده و «خطایی» را با همزه و یاء، «ئی» نوشته است.

ملاّی دیگری از اهل سنّت امّا شافعی مذهب در «الکواکب السّائره» و از آنجا در «شذرات الذهب»، و از هر دو در «معجم المؤلّفین ۱: ۳۱۰» به این صورت آمده است:

«احمد مُنلازاده. توفّی فی حدود (۹۰۱). أحمد بن عثمان السمرقندیّ الخطابیّ الشافعیّ الشهیر بمُنلازاده شهاب الدین، عالم فقیه مُقرئ، من تصانیفه کتابٌ جمع فیه من الهدایه و المحرّر، شرح هدایه الحکمه، و شرح الشمسیّه».

ص : ۲۹۶

شیخ بزرگوار ما قدس سره در «الذریعه ۶: ۷۰»، آنجا که سخن از حاشیه جای گفتگو داشته اند، در حاشیه، بحثی مفصّل پیرامون نویسنده آن فرموده و با این که چاپ قدیم «کشف الظنون» را در دست داشته و آنجا نیز «خطایی» با دو یاء بوده است، آن را نپذیرفته و آن شخصی را که در «شذرات الذهب» دیده اند ــ به ظن قوی ــ همان صاحب حاشیه مورد بحث و نسبتش را «خطابی» به باءِ دوّم حروف و منسوب به جدّش خطّاب دانسته اند.

با توضیحاتی که نوشتیم این نظریّه را نمی توان پذیرفت، و اطاله سخن در این باب به ملاحظه همین حاشیه «ذریعه» بود، و اللّه المستعان.

کتاب: حاشیه ای است بر شرح مختصر تفتازانی بر «تلخیص المفتاح»، به «قَولُه».

نسخه: نام کاتب ندارد. پایان کتابت: ۲۹ محرّم ۱۱۰۷. اندکی از حواشی مرحوم ملّا عبداللّه یزدی بر این کتاب ــ که به شماره ۲۶۵ گذشت ــ در کنار صفحات آمده است.

«۲۹۸» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد و تاریخ پایان کتابت: «یوم الخمیس» ماه صفر ۱۰۲۳. چند برگ از آغاز افتاده و اوائل نسخه دارای حواشی پراکنده ای است.

«۲۹۹» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب که خود از اهل فضل بوده ندارد، و از سده یازدهم یا دوازدهم است. حواشی بسیار از مرحوم ملّا عبداللّه یزدی دارد. همچنین حواشی دیگر از: جمال، کمال، خواجه، شاه علی، سلط، محمد هادی دام ظلّه، سیف، فصیح، رضی، چلبی، سیّد، حسین، ن، سع، عصام الدین، و دیگران.

تملّك محمّدباقر بن آقا محمد و مُهر او «یا امام محمّد باقر» ظهر نسخه هست. و نیز تملّک شخصی که سجع مهر او «حسین منّی و انا من حسین» است.

روی برگ نسخه ابیاتی منسوب به امیرالمؤمنین ــ سلام اللّه علیه ــ و فوائد متفرّقه چندی به خطّ کاتب نوشته شده است.

«۳۰۰» حاشیه شرح الشمسیّه

(منطق ــ عربی)

از: میر سید شریف محقّق جرجانی علیّ بن محمد حسینی حنفی (متوفی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه ای است به «قوله. أقول» بر کتاب «تحریر القواعد المنطقیّه» تألیف قطب الدین محمّد بن محمّد رازی، معروف به ملاّـ قطب تحتانی (متوفی ۷۶۶)، در شرح رساله «الشمسیّه» در علم منطق تألیف نجم الدین عمر بن علی قزوینی معروف به کاتبی (متوفی ۶۷۵)، و در «کشف الظنون» گوید حاشیه میر سیّد شریف مذکور معروف است به «حاشیه کوچک»، و در «ذریعه» گوید که به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ پایان استنساخ: ۱۰۱۳. حواشی متفرّقه از محشّیان این کتاب در حاشیه ها نوشته شده است.

«۳۰۱» حاشیه شرح مختصر المنتهی

(اصول فقه ــ عربی)

از: میر سید شریف جرجانی علیّ بن محمّد بن علیّ حسنی حسینی حنفی استرآبادی (متوفی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر شرح قاضی عضدالدین عبدالرحمن بن احمد بن عبدالغفّار ایجی شیرازی شافعی (متوفی ۷۵۶) بر کتاب «مختصر منتهی السؤل و الأمل فی علمی الأصول و الجدل» معروف به «مختصر الاصول»، که هم «مختصر» و هم

«منتهی» هر دو تـألیف ابو عمر و عثمان بن عمر بن ابی بکر مالکی معروف به ابن الحاجب (متوفی ۶۴۶)، و این حاشیه ای است در کمال توضیـح و تحقیق و سیّد شـریف از اوّل شـرح قاضـی عضد شروع کرده و تا آخر مبحث مقدّمه واجب رسانیده است، فقط: «ذریعه: ۶ ص ۷۵ سطر ۲۶».

آغـاز: «بسم اللّه الرحمن الرحیم. قوله: الحمـدللّه. أردف التّسـمیه بالتّحمیـد فی مفتتـح الکلام اقتفاءً لما ورد فی الأخبار و اقتـداءً بطریق الأخبار و أداءً لبعض حقوق...».

«قوله من لطف اللّه تعالی. یعنی من لطف اللّه سبحانه بعباده إحداث الموضوعات اللّغویّه. فانّه، أی فانّ اللّه».

آغاز مبحث مبادی لغویّه: «بأن یصـرّح أهل اللّغه باسـمه ظ کقولهم هذا اللّفظ مجاز او بحدّه کقولهم هذا اللّفظ مستعمل فی غیر وضع أوّل علی وجه یصحّ».

انجـام: «و لا ـ یلزم إهمـال حالهـا لأنّهـا قـد علمت ههنا و اللّه اعلم بالصّواب. تمّ فی منتصف شـهر ذیالحجّه الحرام سـنه (۱۰۳۹)، حسب الاراده مخـدومی أعزّی فضـیلت پناهی مولانا حسـین شـیرازی نوشـته شد. العبد المذنب أقلّ خلق اللّه ابن محمّد الخفری عبداللّه، عفی عنهما».

تملّک محمّـدعلی بن محمّـد صادق مجلسـی و محمّـد مهدی بن محمد حسـین الحسـینی و یادداشت های دیگر در اوّل و آخر نسخه هست.

«۳۰۲» حاشیه شرح مختصر المنتهی

(اصول فقه ــ عربی)

از: ملّا میرزا جان حبیب اللّه باغنوی شیرازی صاحب «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۵۸».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر شرح مختصر الأصول عضدی (ش ۳۰۱).

ص : ۲۹۹

آغاز: «قوله: من لطف اللّه تعالی إحداث الموضوعات اللّغویّه. هذا الکلام یدلّ بظاهره علی أنّ الأصوات و الحروف مخلوقه له تعالی».

انجام: «لا یصیر سببًا لأن نعمل به دون الأخر، فتامل، فتامل. تمّ بحمد اللّه و حُسن توفیقه».

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، به قرائن در قرن یازدهم نوشته شده و تمامًا به یک خطّ و اسلوب است. مهرِ محمّد جواد الموسوی در آخر نسخه هست. از کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّد رضا ابوالمجد اصفهانی.

«۳۰۳» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ مولانا اسمعیل بن محمّد حسین خاجویی (متوفّی ۱۱۷۳) است و تا شرح «قوله: و أین أحدهما من الاخر»، به این جمله خاتمه یافته است که: «إذ سیجیءُ أن لا فرق بین العامّ المخصّص» و بقیّه نوشته نشده است.

ظهر نسخه فقط تملّک میر محمّد اسمعیل بن أبوالمحسن الحسینی الخاتون آبادی در ماه رجب ۱۲۰۱ دیده می شود.

ناگفته نماند که مطلقاً هیچ نام و نشانی از مؤلّف اصل و شارح و محشّی و کاتب و امثال آن، در هیچ جای نسخه به نظر نرسید. این جانب تمام مشخّصات فوق را از آگاهی های شخصی خود و تطبیق با نُسخ و علائم خارجی ثبت و ضبط نمود و در آنچه نوشته شد جای هیچ گونه تردید و شبهه ای باقی نیست، و الحمد للّه ربّ العالمین.

«۳۰۴» حاشیه شرح مختصر المنتهی

(اصول فقه ـ عربی)

از: آخوند مولانا میرزای شیروانی (متوفی ۱۰۹۸)، صاحب «حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۹۴».

کتاب: حاشیه ای است به «قولُه» بر «شرح قاضی عضدایجی. ش ۳۰۱»، همان حاشیه ای که در «ذریعه ۶: ۱۲۹ ش ۶۹۶» آن را از یکی از علمای شیعه دانسته و گفته اند که شاید از آقا جمال خوانساری باشد. و در همان جا «ش ۷۰۸» گویا به پیروی از برخی نسخه ها، به اشتباه، حاشیه ملاّ میرزا جان باغنوی را به ملاّ میرزای شیروانی نسبت داده اند.

آغاز: «بسم. قوله: بأن یصرّح أهل اللّغه باسمه بأن یقول: هذا مجاز، أو بحدّه».

انجام موجود: «و ینافی العلّیه و ینحصر الفرق بین هذا الدلیل و الدلیل الثانی فی أنّه فی الأوّل».

نسخه: از آخر ناقص است و هیچ گونه امتیاز و مختصّاتی ندارد و در حواشی نیز چیزی نوشته نشده است.

در گوشه بالای روی برگ اوّل نوشته اند: «حاشیه ملاّ میرزا شروانی».

«۳۰۵» حاشیه شرح مختصر المنتهی

(اصول فقه _ عربی)

از: جمال الدین محمّد بن الحسین الخوانساری «خاتمه مؤلّف»، معروف به آقا جمال _ علیه الرحمه _ ، صاحب «حاشیه حاشیه تجرید الکلام. ش ۲۶۲».

کتاب: حاشیه ای است به «قَولُه» بر «شرح [حاشیه. ظ] میر سیّد شریف جرجانی حنفی متوفّی ۸۱۶» بر «شرح مختصر ابن الحاجب. ش ۳۰۱». و این حاشیه مرحوم آقا جمال در چندین مجلّد است.

نسخه: به موجب شماره اوراق که در برخی از صفحات گذارده اند، هفتاد و هشت برگ از اوّل آن ناقص است.

آغاز موجود: «قطع النظر عن حصول المُعارض الأقوی».

انجام: «قول الشارح: قالوا ثانيًا لو صحّ، إلخ. أنت خبير... كما لا يخفى. هذا ما تيسّر لنا من الكلام فيما يتعلّق بالأحكام، و الحمد... و لقد تمّ بيد مؤلّفه الفقير... جمال الدين محمّد بن الحسين الخوانسارى، عفى عنهما، فى أواخر شهر رجب المرجّب سنه سبعين (كذا) بعد الألف...».

تاريخ پايان استنساخ: روز يكشنبه ۲۶ جماداى يكم ۱۱۱۸. نام كاتب ندارد.

آقا جمال، در اين مجلّد از خالوى خود «مولانا محمدباقر سبزوارى» و پدر خود «آقا حسين خوانسارى» در چند موضع نقل كرده و در آن تاريخ، هر دو بزرگوار زنده بوده اند. حواشى مؤلّف در سراسر نسخه به خطّ كاتب نوشته شده است.

«۳۰۶» نسخه ديگر

نسخه: از مبحث ادلّه شرعيّه «من قول المصنّف، قال: مسئله: الأدلّه الشرعيّه: الكتاب و السنّه و الاجماع و القياس»، تا ابتداى مبحث اجماع.

آغاز: «قال الشارح: لأنّ الدليل وحىٌ أو غيره. قال فى النّهايه».

انجام: «فلا يكون فيه تعارض أصلًا فلا يلزم نسخ، فتأمّل. و يتلوه مبحث الاجماع».

نام كاتب و تاريخ كتابت ندارد. از آثار سده ۱۳ است.

«۳۰۷» حاشيه شرح مختصر المنتهى

(اصول فقه _ عربى)

از: سعدالدين مسعود بن عمر تفتازانى هروى، معروف به ملّا سعد.

كتاب: حاشيه مبسوطى است به «قَولُه» بر شرح عضدالدين عبدالرحمن ايجى (ش ۳۰۱)، و در «فهرست كتابخانه مركزى دانشگاه تهران، جلد ششم» به عنوان «شرح الشرح محقّق تفتازانى» (۷۲۲ _ ۷۹۲)، معرّفى شده است.

آغـاز: «الحمـد للّه الّـذى وفّقنـا للوصـول إلى منتهى أصول الشـريعه الغرّاء، و شـرح صـدورنا بنور الإهتـداءِ الى سـلوك محجّتها البيضاء».

انجام: «سـهل الاطّلاع على الترجيح على ما فيه جهه واحده لا جهات على ما فيه جهتان. الى غير ذلك من التفاصيل. و هذا معنى قوله. و فيما ذكر ارشاد لذلك. و اللّه الهادى الى سبيل الرشاد. و هو حسبى و نعم الوكيل».

نسـخه: به خطّ محمـد بن علىّ بن حسن بن حسـين الـ ْرلْدى (كذا) الاصـفهانى است كه در ۱۹ ربيع يكم ۸۸۸، در دارالملك شيراز نوشته است. اوائل نسخه صحّافى و تعمير شده است.

«۳۰۸» نسخه ديگر

نسخه: به خطّ أيّوب بن قطلوبك حنفى. تاريخ پايان استنساخ: ۲۷ جُماداى يكم ۷۹۷ در جوار مدرسه صرغتمشيّه قاهره.

تملّك عماد [جمال] الـدين محمّـد بن حسن بن اسـحق حسـينى و عماد بن سـيّد غلامعلى حَسـنى و تملّك و مهر «عبـده محمّد جعفر بن غلامعلى» و تملّك محمّـد باقر توى سـركانى در اصـفهان در ۲۵ ذى القعده ۱۲۳۵ و مُهر نيـاى بزرگـوار، آيه اللّه آقا ميرزا سيّد جلال الدين حفيد امام مجدّد صاحب الروضات ـ أعلى اللّه مقامهما ـ در ظهر نسخه هست.

توضـيح: بيست برگ از آغاز نسخه به خطّى مُغاير خطّ بقيّه نسخه است، و در بالاى برگ چهل و يكم نوشته اند: «نصف كمتر از اين موضع افتـاده است»، و گويـا اين سـخن درست است، چون كاتب اصل در گوشه بالاى نخستين برگ هر جزوه «كرّاسه» شماره پياپى جزوه را نوشته و در اين موضع شماره «۱۱» گذارده كه معلوم مى شود پيش از آن،

ده جزوه بوده است، و هر جزوه دارای ده برگ، و جمعًا نسخه در اصل دارای «۲۱ جزوه» بوده که شماره گذاری شده است. در حال حاضر نسخه دارای «۱۲۸ برگ» می باشد.

«۳۰۹» حاشیه شرح مطالع الأنوار

(منطق ـ عربی)

از: علیّ بن محمّد بن علی حسنی حسینی حنفی، معروف به میر سیّد شریف جرجانی (متوفّی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه است بر «لوامع الأسرار» که شرح قطب الدین محمّد بن محمّد رازی شافعی (متوفی ۷۶۶) است، بر «مطالع الأنوار» قاضی سراج الدین محمود ارموی (متوفی ۶۸۹)، و در هامش شرح مطالع چاپ شده است.

نسخه: به خطّ محمّد مؤمن گنابادی. تاریخ پایان استنساخ: غُرّه ذی الحجّه ۱۰۱۳. ظهر نسخه تملّک محمد رضا بن بابا میر القمی الحسینی و علی نقی بن علی، دیده می شود.

«۳۱۰» حاشیه الشّفاء

(حکمت ـ عربی)

از: مرحوم آخوند ملاّ محمّدباقر بن محمد مؤمن سبزواری خراسانی (متوفی ۱۰۹۰).

کتاب: تعلیقه ای است بر قسم حکمت الآهی کتاب الشّفاءِ شیخ الرئیس ابو علی سینا.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا در زمان حیات محشّی استنساخ شده و شاید برخی اضافات در حاشیه ها به خطّ خود ایشان باشد. چند حاشیه به امضاءِ «ظ. هـ» و غیره دارد.

آغاز: «بسم. الحمد للّه ربّ العالمین... امّا بعد فانّ کتاب الإلهیّات من الشفاءِ ممّا قد

کثرت مراجعه المحصّلین الیه».

انجام: «و کلّ جزء من أجزاء النظام له غایه و المرجع أخیرًا الی العنایه الأُولی و رجع إلی نفس الذّات الأحدیّه».

روی برگ اوّل، تملّک «ابوالقاسم الحسینی الخاتون آبادی» نوشته شده.

«۳۱۱» حاشیه شَوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام

(کلام _ عربی)

از: آخوند ملّا محمّد اسماعیل فرزند آخوند ملّا سمیع یا محمّد سمیع اصفهانی، معروف به ملّا اسماعیل واحدالعین علیه الرحمه.

از گزارش زندگانی این حکیم محقّق مدقّق استاد بارع، جز اندکی آگاهی _ آن هم در حدّ وصف علم و کمال او _ در دست نیست. بلکه اشتباهاتی هم به وجود آمده است.

در جلد ششم الذریعه «ش ۷۸۱» که حاشیه جای گفتگو، و «ش ۶۵» که حاشیه أسفار بی ذکر مأخذ، و در جلد سیزدهم «ش ۱۳۷۴» که «شرح العرشیّه»، هر سه را از حکیم استاد شناسانده و در «کرام برره: ۱۴۰» که عنوانش کرده اند، وفاتش را در هر چهار جا به سال ۱۲۷۷ نوشته اند، و برای تعیین این تاریخ هیچ مأخذی نیاورده اند و منشأ آن دانسته نیست.

مرحوم معلّم در «مکارم الاثار ۶: ش ۱۳۵۳» و این حقیر در شرح «روضات الجنّات ۱: ۲۱۷» به استناد آن قول ناشناخته، همان تاریخ ۱۲۷۷ را نوشته ایم.

لکن، اوّلاً در نسخه کتاب جای گفتگو که به خطّ عالم مؤتمَن جلیل القدری است، همه جا _ در حواشی _ برای مصنّف طلب رحمت و مغفرت شده، از جمله به این لفظ: «منه، اعلی اللّه سبحانه مقامه فی غُرفات الجنان»، و تاریخ کتابت نسخه ۱۲۷۲ می باشد.

یعنی پنج سال پیش از تاریخ ذریعه و کرام.

و ثانیًا، نسخه ای از «حاشیه حاشیه الخَفری علی شرح التجرید» در شماره (۲۶۱) شناساندیم که پایان کتابت آن در پنجشنبه غُرّه ماه رمضان المبارک ۱۲۴۵ است و در حواشی آن از اوّل تا آخر، به خطّ کاتب متن _ که او نیز عالم مؤتَمَنی بوده _ حاشیه هایی است با توقیع «محمّد اسمعیل الاصفهانی، ره» و «محمد اسمعیل، ره» و «للأستاد محمّد اسمعیل، ره» و در همه جا «ره» که مخفَّف «رحمه اللّه» باشد آورده، و این می رساند که آخوند ملاّ اسماعیل در ۱۲۴۵ حیات نداشته است.

بیافزاییم که در حواشی آن نسخه حاشیه های بسیار نیز با همان خطّ و ربط از جناب آخوند ملاّ علی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی _ متوفّای شب آدینه بیست و سوم ماه رجب ۱۲۴۶ _ دارد که همه جا پس از نام ایشان، «زید عمره» و «مدّ ظلّه» و نظیر این دعاها نوشته است.

در ضمن، باید گفت که شواهد چند گویای آن است که در این دو اثر، ملاّ محمّد اسماعیل دیگری متصوَّر نیست، و باید حواشی جمالیّه را از آنِ همین محشّی شوارق جای گفتگو دانست.

از جمله شواهد مهّم این که مرحوم آقا میرزا محمّد بن سلیمان تنکابنی (متولّد ۱۲۳۴ یا ۱۲۳۵)،(۱) در احوال شریف العلماءِ ساکن کربلای معلّی، متوفّی به بیماری طاعون همگانی کربلا در روز ۲۴ ذی قعده ۱۲۴۶ _ یعنی همان سال فوت آخوند ملاّ علی نوری در اصفهان _ در کتاب «قصص العلماء: ص ۹۷ _ ۹۸، چاپ یکم سنگی

ص : ۳۰۶

۱- ۱) به تعبیر خود آن مرحوم در ص ۶۶: «و مولد این فقیر در سنه ۱۲۳۴ یا هزار و دویست و سی و پنج بود». و در همان جا گوید: «و والد ماجد در عربیّت بسیار مسلّط شد، و در نزد آخوند ملاّ علی نوری مدّت بیست و دو سال تلمّذ نمود و کتب ملاّ صدری را در نزد او دید».

تهران، ۱۲۹۶، بی شماره صفحه» گوید:

«و از جمله تلامذه شریف العلماء آخوند ملاّ اسماعیل یزدی بود... و در آن عهد دو ملاّ اسماعیل وحید عصر بودند: یکی ملاّ اسماعیل واحدالعین اصفهانی که از شاگردان آخوند ملاّ علی نوری بوده، در حکمت، مسلّم عصر، و او را بر «شوارق» حواشی است، و دیگر ملاّ اسماعیل یزدی...»، انتهی.

امّا این وحید عصر یزدی در کربلا جانشین مرحوم شریف العلماء است در علم اصول فقه، گذشته از این که هیچ گونه اثر مکتوبی از او معرّفی نشده است.

مقصود این است که «محمد اسماعیل الاصفهانی» در نیمه نخست سده سیزدهم، جز همین صاحب «حاشیه شوارق الالهام» شخص دیگری یافت نشد.

در جای دیگری از کتاب «قصص» که نام حکیم بزرگوار اصفهان آمده است در ضمن شرح حال حاجی ملاّ محمد تقی برغانی شهید ثالث _ اعلی اللّه مقامه _ است که در باب مرحوم شیخ احمد احسائی معروف (ص ۳۶) گوید:

«وقتی شیخ به اصفهان رفت ملاّ اسماعیل واحدالعین _ که از تلامذه آخوند ملاّ علی بوده _ به مجلس شیخ رفت و در مسئله علم، میان او و شیخ صحبت شد، و ملاّ اسماعیل بر او غالب بود. و ملاّ اسماعیل ارشد تلامذه آخوند ملاّ علی بوده و او را حواشی بر کتاب شوارق است».

شگفتا که با این اوصاف، و نیز ادّعای شاگردی پدرش مرحوم ملاّ سلیمان طبیب نزد آخوند ملاّ علی به مدّت بیست و دو سال، که مستلزم حشر و نشر داشتن او با جناب ملاّ اسماعیل است، دیگر هیچ مطلبی راجع به حکیم در «قصص» نیاورده است.

شگفتاورتر این که نام هیچ استادی جز آخوند ملاّ علی و نام هیچ شاگردی برای

حکیم، جز مرحوم حاجی ملاّـ هادی سبزواری «درگذشته ۲۸ حجّه ۱۲۸۹: مکارم ۲: ش ۱۹۱» در مآخذ دیده نمی شود، هم چنان که در آثار موجودِ خود حکیم نیز نام استادی به میان نیامده است.

امّا حاجی در گزارش موجزی که از «کیفیّت تحصیل خود و...» نوشته، به صراحت فرماید:

«قریب به هشت سال در اصفهان ماندیم... پنج سال حکمت دیدم خدمت زبده الحکماءِ الإلهیّین فخرالمحقّقین و بدرالعالمین و العاملین و المتخلّقین بأخلاق الروحانیّین بل بأخلاق اللّه جناب حقائق آگاه آخوند ملاّ اسماعیل اصفهانی ــ قدّس سرّه الشریف ــ . و چون آخوند ملاّ اسماعیل مرحوم شدند دو سه سالی بالإختصاص خدمت جناب حکیم متألّه استاد الکلّ المحقّق الفائق و النور الشارق آخوند ملاّ علی النوریّ، قدّس اللّه نفسه و طیّب رمسه، حکمت دیدم»: «مجلّه یادگار، س ۱، ش ۳»، «مکارم الاثار، سال ۱۲۱۲، ۲: ش ۱۹۱».

با این که مرحوم حاجی در آغاز همین گزارش فرموده است که تا پایان یازده سالگی خود «عشره کامله» در سبزوار بوده و ده سال هم «عشره کامله» در مشهد مقدّس رضوی به سر برده و سپس آهنگ اصفهان کرده است، امّا تاریخ تولّد ــ و نیز تاریخ دیگری ــ در این گزارش ننوشته، و مشهور در سال تولّد ایشان یکهزار و دویست و دوازده است، لکن مرحوم فرصت شیرازی (۱۲۷۱ ــ ۱۳۳۹) در مقدّمه ای که بر دیوان اشعار حاجی نوشته گوید: «بعضی تولّد او را در سال ۱۲۰۲ گفته اند»: «مکارم: ۴۵۱».

با این اوصاف نمی توان تاریخ فوت مرحوم ملاّ اسماعیل حکیم اصفهانی را ــ و لو به تقریب ــ از گزارش حاجی سبزواری هم به دست آورد. افزون بر این که مرحوم آقای

تنکابنی سال عمر حاجی را تا نود و پنج سال و بیشتر هم افزایش داده است! در صورتی که اگر تولّد، ۱۲۱۲ باشد، مدّت عمر هفتاد و هشت و اگر ۱۲۰۲ باشد هشتاد و هشت سال می شود.

آقای تنکابنی در «قصص: ۴۳، همان چاپ سنگی نخست» مطالبی درباره حاجی سبزواری و بزرگواری و کرامات او و سپس دیدار خود با آن جناب نوشته که آغازش چنین است:

«و این فقیر مؤلّف کتاب در سالی که به سفر خراسان می رفتم چون به سبزوار رسیدم مسائلی چند از کلام و حکمت و تفسیر در رساله جمع نمودم و آنها اشکالات عویصه بود و خدمت حاجی ملّا هادی سبزواری دادم که از معاریف حکمای زمان و از تلامذه آخوند ملّا علی نوری بوده و نود و پنج سال از عمر او می گذشت...».

بقیّه مطالب و به خصوص شرح دیدارش با جناب حاجی بسیار خواندنی و شگفتاور است، امّا تاریخ آن سفر و آن دیدار معلوم نشد.

در اینجا باز یادآور شویم که موضوع شاگردی حکیم نزد استاد نوری و ارشد تلامیذ بودن را تنها در کتاب «قصص» می بینیم، والاّ چگونگی تحصیلات حکیم جز همان دو کلمه به کلّی مجهول است، همان گونه که از تاریخ تولّد و مولد و منشأ و دیگر خصوصیّات زندگی و وفات و مدفن و اقرباء و ارحام حکیم هیچ گونه آگاهی در دست نیست، و ما تنها مأخذ معتبری که در بیان اوصاف علمی و کمالات عالیه حکیم داریم همان گواهی بلندی است که مرحوم حاجی سبزواری درباره آن بزرگوار با الفاظ شامخه اظهار داشته و اعلی ترین پایگاه ترقّی و تعالی انسانی را می رساند: زبده الحکماءِ الإلهیّین... تا آخر.

دربـاره «مکـارم الاثار» چنان که پیشتر گفتیم، جناب معلّم _ علیه الرحمه _ تنها به اسـتناد «ذریعه»، حکیم را در سال (۱۲۷۷ ق، ۱۲۴۰ ش) عنوان فرموده و چند سطری به تلفیق از آن کتاب و «قصص» آورده و به نسخه «حاشیه شوارق» جای گفتگوی ما نیز اشاره نموده اند: «جلد ششم. ش ۱۳۵۳»، و ما آنجا در پاورقی (ص ۲۱۵۲) نوشتیم که:

«در (ج ۴ ص ۱۲۶۶) تصویر قطعه «بِتـا هلاك شود دوست در محبّت دوست» به خطّ درویش چاپ شـد که کاتب در ذیل آن چنین نوشـته است: «بنا بخواهش دوست گرامی علاّمی آخونـد ملاّ محمّد سـمیع حفظه اللّه تعالی در صدد تحریر و تسـطیر این چند کلمه برآمد بتاریخ ۱۱۸۹» راقم این سـطور احتمال می دهد که آن شخص همین ملاّ محمّد سمیع پدر واحدالعین باشد، و اللّه العالم. م.»».

امّا روضات الجنّات، اگر چه نامی از حکیم اصـفهانی در آن کتاب شـریف نیامده است، امّا در حاشـیه شـرح حال مرحوم شیخ احمد بن زین الدین احسائی (جلد اوّل، چاپ اصفهان، ۱۳۸۲ ق، ش ۲۲) سخنی بدین گونه نوشتیم:

«و أوّل مَن تعرّض لنقض کلمـاته و ردّ أقواله فی المعقول هو الفیلسوف البـارع الحکیم الملاّـ محمّـد اسـمعیل بن محمّـد سـمیع الاصفهانی المعروف بواحد العین...»».

و چنان که گذشت مرحوم تنکابنی نوشـته اند هنگامی که شـیخ به اصفهان وارد شد ملاّ اسماعیل به مجلسش رفت و در مسئله علم صحبت کردند و ملاّ اسماعیل بر او غالب بود.

تاریـخ ورود شـیخ احمـد از یزد به اصـفهان _ چنان که از «فهرست کتب مشایـخ ۱: ۲۱۰ _ ۲۱۱» مسـتفاد می شـود _ در نیمه نخسـت سـال یکهزار و دویسـت و بیست و نه (۱۲۲۹) بوده و چهـل روز در این شـهر اقامت داشـته و سـپس به طرف کرمانشاه رهسپار و در دوّم ماه رجب همان سال وارد کرمانشاه شده است.

ناگفته نگذاریم که شیخ احمد اجازه روایتی مبسوطی به درخواست جناب حاجی محمد ابراهیم کرباسی (متولّد ۱۱۸۰ متوفّی ۱۲۶۱) برای ایشان نوشته و تاریخ آن «شب ۲۵ ذیقعده ۱۲۲۹» می باشد. پس باید گفت استجازه در اصفهان و نوشتن اجازه در کرمانشاه بوده است. این اجازه را مرحوم معلّم حبیب آبادی از روی نسخه اصل آن در بیست و پنج صفحه استنساخ نموده و در «امالی» خود نهاده و به چندین اشتباه تاریخی آن در حاشیه تذکّر داده است.

به هر حال، حضور چهل روزه شیخ در اصفهان را ــ بدون ذکر تاریخ ــ حاج سیّد کاظم بن قاسم رشتی شاگرد بنام و مصاحب علی الدوام شیخ که خود در این سفر حضور داشته است، در کتاب «دلیل المتحیّرین، نگاشته سال ۱۲۵۸» به زیبایی وصف نموده و به موضع علماءِ اصفهان با شیخ سخن گفته و اسماء و اوصاف شریفه نه نفر از بزرگان علماء و از جمله حکیم اصفهانی را به قلم آورده است، اگر چه درباره مباحثه حکیم و شیخ سخنی گفته، بل، حکیم را به کمترین وصفش یاد کرده است، و باید در نظر داشت که شیخ احمد در آن هنگام با زبان و زیّ و لهجه خاصّ عربی شیوا و ممتاز و کوله باری از علم و دانش والای مخصوص و ادبیّات قویّ غنیّ و جاه و جلال زاهدانه عارفانه، با التزام به اظهار نوافل و رواتب و اوراد و اذکار و امثال این تعیّنات و قیود، شرح کبیر جامعه کبیره به دست؛ در این شهر ظاهر شده است.

باری، عبارت «دلیل المتحیّرین. برگ سیزدهم نسخه خطّی» چنین است:

«فلمّا خرج و وصل الی اصفهان و کنت بخدمته الشریفه تلقّاه أهل اصفهان لا سیّما علماؤهم و حکّامهم و أعیانهم بأحسن ملقی... و بلده اصفهان إذ ذاک الزمان ــ کهذا الزمان ــ صرّه ایران مجمع العلماءِ الفحول و معدن فضلآءِ المعقول و المنقول و فی ذلک

ص : ۳۱۱

الزمـان روضه العلم مخضـرّه و سوق المعرفه و الفضـل عـامره، و فيهـا من أعيـان العلمـاءِ من الفقهاءِ و الحكماءِ ما يعجز عن بيان وصفهم اللسان و لا يتحمّل درک معالم فضلهم الجَنان، مثل:

جناب السيّد الأجلّ السند الأنبل مرجع الأنام حجّه الاسلام موئل الأصاغر و الأكابر السيّد محمد باقر، و مثل العالم الفاضل العامل الكامل علّامه الدهر و وحيد العصـر ذوالفهم العالى المستقيم و المولى الولىّ الحميم الحاجّ محمّد ابراهيم الملقب بالكرباسىّ، و العالم العامل و الفاضل الكامل الورع التقىّ الشـيخ محمّـد تقى، و العالم المتقن و الفاضل المؤتمن قـدوه العلماءَ الأطياب الميرزا بـاقر النوّاب، و الحكيم العظيم و العـالم الحميم ذو الفهم الراسـخ و الفضل الباذخ العلىّ الولىّ الملّا على النورىّ، و العالم الكامل الملّا محمّـد علىّ النورىّ، و الفاضل الجليل الملّا اسـماعيل الملقّب بواحد العين، و العالم الأعلى الأنور الأزهر الملّا على اكبر، و المولى الأولى صاحب الرياسه الكبرى الاقا مير محمّد حسين سلطان العلماءِ، و غيرهم من العلماءِ العظام و الفضلاءِ الفخام...».

از اين جماعت معظّم، مرحوم آقاى آخونـد ملّا على اكبر ايژه اى ــ از اعاظم حوزه مرحومان ميرزا سـيّد ابوالقاسم مدرّس سابق الـذكر و آقا محمّد بيدآبادى ــ در يازدهم شوّال ۱۲۳۲ پيش از بقيّه درگذشـته است و پس از او جناب سلطان العلماء حاج مير محمّد حسين امام جمعه در شب دوشنبه ششم ماه صفر ۱۲۳۳ وفات كرد.

در «فهرست كتب مشايـخ» آورده انـد كه شـيخ احمـد پس از درگـذشت محمّـد على ميرزا دولتشـاه حـاكم كرمانشـاه (وفاتش ۱۲۳۷) از كرمانشاه خارج و به مشـهد مقدّس رضوى و بعد به يزد رفته و سه ماه درنگ نموده و سـپس به اصـفهان وارد شده و از آنجا به كرمانشاه بازگشته و از آنجا به عتبات عاليات مشرّف شده و آهنگ سفر حجّ كرده

و در بیست و یکم ذی قعده ۱۲۴۱ در نزدیکی مدینه منوّره فوت شده است. «فهرست ۱: ۲۱۵».

این آمدن بار دوّم شیخ به اصفهان از «دلیل المتحیّرین» به هیچ روی مستفاد نمی شود.

* * *

از اینها همه بگذریم و بنگریم به سخنان استاد جلال الدین همایی و برخی اشتباهات.

مرحوم همایی در مقاله «صفحه یی از تاریخ اصفهان (قرن ۱۱ _ ۱۴)» که در چند شماره از مجلّه «وحید» در تهران چاپ شد، در شماره سوم سال پنجم (ص ۲۸۴ _ ۲۸۵) پی در پی از حکیم بزرگوار، به «درکوشکی واحدالعین» تعبیر کرده، وفاتش را «علی الأصحّ در حوالی ۱۲۷۰» نوشته و در پاورقی گویند: «امّا به تازگی مأخذ معتبری به نظرم رسیده است که حدود ۱۲۷۰ ق را معلوم می کند. این موضوع را هم در مقاله «ملاّ اسماعیل خواجوئی» جداگانه خواهم نوشت...».

منظور استاد همایی از مأخذ معتبر همین نسخه حاشیه شوارق است که به نظر ایشان رسانیده بودیم و چنان که در «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲» گفتیم، ایشان درباره این هر دو نسخه و کتاب، مقاله «ملاّ اسماعیل اصفهانی حکیم» را ارائه نمودند.

امّا نسبت «درکوشکیِ» واحدالعین را استاد در مقاله اخیر (ص ۲۱) این چنین متعرّض شده اند:

«و چون از مردم محلّه درکوشک (=درب کوشک) اصفهان بود، گاهی او را «درکوشکی» نیز می گفتند».

این گفته استاد در جای دیگری دیده نشد و دور نیست که از اوهام و اشتباهات باشد. «و چون از مردم محلّه درکوشک... گاهی او را درکوشکی نیز می گفتند» ادّعایی بیش

نیست. ایشان ننوشته اند که چه کسی یا کسانی این چنین می گفته اند!

وصف نسخه

مرحوم همایی در مقاله اخیر «ملّا اسماعیل اصفهانی حکیم»، نسخه جای گفتگو را (در ص ۲۲) این گونه معرّفی کرده اند:

«توضیحًا نسخه خطّی بسیار ممتاز از حواشی شوارق ملّا اسماعیل به خطّ زیبای حاج سیّد محمّد بدیع ابن سیّد مصطفی موسوی درب امامی اصفهانی معروف به حاج میرزا بدیع درب امامی (متوفّی ۱۳۱۸ هـ . ق) مدفون در تکیه میر سیّد محمّد شهشهانی، اوایل تخت فولاد اصفهان دیده ام که تاریخ شروع کتابتش اوایل ماه صفر (۱۲۷۲ هـ) و تاریخ اتمامش پنجشنبه یازدهم ربیع المولود (۱۲۷۲ هـ . ق) است و صاحب حاشیه را به دعای «رحمه اللّه» با رمز «ره» ذکر کرده علامتِ این که در آن تاریخ فوت شده بود. عبارت خاتمه نسخه این است:

«وقع الفراغ من هذه الحاشیه المنسوبه الی مولل_نا محمّد اسمعیل الاصفهانی ره_، یوم الخمیس الحادی عشر من شهر ربیع المولود سنه ۱۲۷۲ علی ید أقلّ الطّلاب محمّد بدیع بن السیّد مصطفی الموسویّ الدرب إمامیّ» و مقدار کتابت را پشت نسخه پنج هزار بیت نوشته و خطّش نَسخ و ثلث خوش اسلوب پخته شیوا است».

استاد همایی افزوده اند: «حاج میرزا بدیع درب امامی اصفهانی کاتب نسخه از مدرّسان بزرگ مدرسه نیماورد اصفهان بوده و مخصوصًا در تدریس «قوانین الأصول» شهرتی بسزا داشته است... و در فلسفه ظاهرًا شاگرد همین ملّا اسماعیل اصفهانی واحدالعین بوده و تعبیر «مولانا» در خاتمه نسخه قرینه یی برای نسبت شاگردی و استادی تواند بود».

ص : ۳۱۴

در صفحه ۳۰ این چنین افزوده اند:

«امّا از طرف دیگر تلمّـذ حاج میرزا بدیع درب امامی متوفی (۱۳۱۸ ﻫ ـ. ق) نزد ملاّ محمّد اسماعیل اصفهانی صاحب حواشی شوارق بـا فرض وفات او قبل از (۱۲۴۵) و در حوالی (۱۲۴۳ ﻫ ـ. ق) مستلزم این است که حاج میرزا بدیع لااقلّ نزدیک صد سال یا ۹۸ سال عمر کرده یعنی مثلًا حدود (۱۲۲۰) هجری متولّد شده باشد... توضیحًا علاوه می کنم از مرحوم استادی علاّمه العلماء حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی ـ رحمه اللّه علیه ـ (۱) که خود از شاگردان درس قوانین حاج میرزا بدیع بوده اند تحقیق کردم، فرمودند حاج میرزا بدیع اسنّ علمای عصر خود بود و سنّ ایشان از حوالی نود سالگی متجاوز بود...».

و در صفحه ۳۱ باز گفته اند:

«و این ملاّ اسماعیل همان کسی است که حاجی سبزواری در اصفهان نزد او تحصیل فلسفه کرد، و حاج میرزا بدیع درب امامی هم از شاگردان او بود و حواشی شوارق او را در سال ۱۲۷۲ برای خود کتابت کرد...»

اینک گوییم:

۱ ـ مرحوم حاج میرزا حسنخان شیخ جابری انصاری (تولّد ۱۲۸۷، وفات ۱۳۷۶ ق) در «تاریخ اصفهان. جلد سوم. ش ۱۶۳، ص ۴۷»، حاج میرزا بدیع موسوی درب امامی را گوید: «وفاتش ۱۳۱۸ در سنّ شصت و هفت سالگی»، و مرحوم معلّم حبیب آبادی (تولّد ۱۳۰۸، وفات ۱۳۹۶ ق) در کتاب خطّی «امالی. ص ۱۹۱ ـ ۱۹۲» شرح حال مرحوم بدیع را از زبان عالم جلیل آقای حاج میرزا فتح اللّه (متولّد

---

۱ - ۱) آن بزرگوار از مشایخ کبار این ذرّه بی مقدار بودند. مرحوم استاد، تولّد ایشان را «شنبه ۱۲ جمادای دوّم ۱۲۹۷» و درگذشتشان را در شب عید غدیر (۱۳۹۶ مطابق ۱۹ آذر ماه ۱۳۵۵) نوشته اند. رحمه اللّه علیهما.

۴شنبه ۱۷ ربیع یکم ۱۳۰۱، متوفی شنبه ۱۱ ماه رجب ۱۳۷۷) فرزند آن مرحوم نوشته و از جمله این که: «در عصر آدینه ۲۱ شعبان ۱۳۱۸ در سنّ شصت و هفت سالگی وفات کرده».

این دو مأخذ معتبر می رساند که تولّد حاج میرزا بدیع درب امامی ــ اعلی اللّه مقامه ــ در سال (۱ ــ ۱۲۵۰ ق)، چند سالی پس از درگذشت آخوند ملاّ اسماعیل حکیم بوده است، و کلمه «مولانا» هم در نوشته ایشان هیچ گونه دلالتی بر استاد و شاگردی ندارد. عکس مرحوم آقای حاج میرزا بدیع نیز که در جلد هفتم «مکارم الاثار: ۲۷۲۶» چاپ شد حاکی اندکی بیش از شصت سالگی است.

تفصیل مطالب «امالی» را به سال ۱۳۳۲ ش، در کتاب «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۷۱ ــ ۱۷۵. چاپ اصفهان» نقل کرده و نسخه «حاشیه شوارق» جای گفتگو را نیز یادآور شده ایم و با در نظر گرفتن تاریخ کتابت آن درباره حکیم نوشته بودیم: «وفاتش را در «الذریعه، ج ۶» به سال (۱۲۷۷) ضبط فرموده، ولی ظاهرًا درست نیست و باید حدود ۱۲۷۰ باشد».

مرحوم استاد همایی کتاب زندگانی را در جریان چاپ مرور می کردند و اتّفاق را در همین شرح حال حاج میرزا بدیع، دو حاشیه نوشته اند که همانجا به چاپ رسید. امّا گویا هم ایشان به هنگام نوشتن مقاله و هم این حقیر در زمان نوشتن تعلیقه روضات، از مطالب مرقوم در کتاب زندگانی غفلت کرده ایم.

سخنان استاد در صفحات ۳۱ و ۳۲، درباره چگونگی تدریس مرحومان آخوند ملاّ علی نوری و ملاّ محمّد اسماعیل حکیم اصفهانی است که هیچ گونه سندی در این خصوص ارائه نکرده اند و ظاهرًا منشأ آن اظهارات استنباط ظنّی خود ایشان است.

ص : ۳۱۶

تا آن که، مقاله را به نقل سه بیت شعر سروده آخوند ملّا علی و سه بیت هم از خودشان پایان داده اند. چکیده آن مطالب را در «دو رساله در فلسفه اسلامی: ۱۴» نیز آورده بودند. و بالاخره، جریان فکری فلسفه را در «دو رساله: ۲۱ ـ ۲۲» زیر عنوان «مکتب فلسفی مخالف ملّا صدرا» شرحی نوشته اند، به خلاصه این که:

«مرحومان آقا حسین و آقا جمال الدین خوانساری و آقا میر محمّد اسماعیل خاتونابادی و بسیاری دیگر از بزرگان فلسفه و کلام، پیرو مکتب مرحوم آخوند ملاّ رجبعلی تبریزی اصفهانی بوده اند...». دریغا که استاد تاریخ درگذشت آن هر سه بزرگوار را نادرست نوشته اند.

حُسن ختام

در پایان این مقال، نمونه ای از طرز تفکّر و تراوش قلمی حکیم بزرگوار را از صفحه چهل و سوّم «حاشیه شوارق» جای گفتگو ارائه نموده و سپس دو بیت شعر سروده آن مرحوم را به همان شکلی که بر روی پاره کاغذ فرسوده یافته ایم به تصویر می آوریم و از آن در دستخطّ عالمانه بسی چیزها نیز می توان فهمید که به همین اشاره بسنده می کنیم.

قال الحکیم: «قوله: و القوانین العلمیّه مع توحید. ا هـ . أقول: فانّها حجاب العلم حجابکذا الأکبر، و اعلم أنّ الحجُب کلّها راجعه إلی حجابٍ واحدٍ هو النّفْس و الأنانیّه، فلا بُدّ من رفعها بقتلها. فَاقْتُلُوا أنفُسَکم ذلکم خیرٌ لکم. و لا تَقُولوا لِمَنْ یُقْتَلُ فی سَبیل اللّه أمواتٌ بَل أحیآءٌ عِنْد رَبّهم وَلکن لا تَشْعُرُون. و هذا القتل إنّما یتحقّق بتهذیب الباطن عن الأخلاق الرذیله و الملکات الردیّه من الکبر و العُجب و الریاءِ و البخل و غیرها من الصفات المذمومه. فالعلم الّذی یکون حجابًا هو العلم الرسمیُ الّذی لا یوجب لصاحبه إلاّ الأنانیّه و التکبّر و لا یحصل منه إلاّ البُعد عن المُبتغی. فلا بدّ من رفضه تحصیلًا للغایه

العظمی. و أمّا العلم الحقیقیُ فلا بـدّ منه فی السـلوک فیصـیر العلم و البیان بالسـلوک کشـفًا و عیانًا. فلا تَتَّبع الهَوی فَیُضِلّکَ عَن سَبیل اللّه». و در حاشیه این بیت آمده است:

برون از شهر بند عقل شهری است که در هر کوچه اش غوغای عسق است

کاتب جلیل القدر برای «عشق» هیچ نقطه نگذارده است، رحمه اللّه علیه.

ص : ۳۱۸

معرّفی نسخه شریفه «حاشیه شوارق الالهام» دارای ۱۰۶ برگ بـه حجم ثُمن ۱۹ × ۱۱ و سخنی درباره محشّی حکیم و کاتب علیم آن و برخی فوائد پراکنده پایان یافت، و «شرح المشاعرِ» احسائی به شماره (۵۳۰) بیاید. و الحمدللّه ربّ العالمین. «۲۴ ـ ج ۱ ـ ۲۶».

«۳۱۲» حاشیه عُدّه الأُصول

(اصول فقه ـ عربی)

«عُدّه الاُصول» از آثار گرانبهای حضرت شیخ الطائفه ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی (۳۸۵ ـ ۴۶۰) ـ علیه الرحمه ـ است که آن را پیرامون مسائل مهمّه اصول فقه نگاشته، و خود در آغاز آن فرموده است که چون امامیّه را کتابی مبسوط و محقّقانه در این فنّ نبود که بتوان بدان استناد کرد، لذا به درخواست اصحاب خود آن را در دو جزء نگاشت، و ابتداء فصلی در شناختن ماهیّت اصول فقه و انقسام آن و چگونگی ترتیب ابواب آن آورد. شیخ الطائفه در عدّه پیرامون مسائل مهمّ اصول گسترده سخن گفته و تحقیق کرده است، لکن بسیاری از مطالبی که در کتاب خود از آنها بحث فرموده اینک از مسائل اصول فقه شناخته نمی شود. وی درین کتاب از «تلخیص الشافی» خویش که به سال ۴۳۲ نگاشته یاد کرده است.

سیّد بحرالعلوم ـ قدّس اللّه روحه ـ در «فوائد رجالیّه» خود در وصف این کتاب فرموده است:«کتاب العُدّه، و هو أحسن کتاب صنّف فی الاُصول».

دانشمند بزرگ عهد صفوی، مولانا خلیل بن غازی قزوینی (۱۰۰۱ ـ ۱۰۸۹) صاحب «الشافی. ش ۴۶۷» و «صافی. ش ۵۶۲»، حاشیه هایی بر کتاب عدّه نگاشت که ذیلاً پیرامون آنها گفتگو می کنیم، و گویا کسی جز این دانشمند بر کتاب مذکور گزارشی ننوشته، نه از دانشمندان پیش از او و نه پس از او. لکن بر حاشیه مولی خلیل ـ جای

ص : ۳۱۹

گفتگو _ تعليقاتی نگاشته شده كه ياد می كنيم.

شرح حـال ملّاخليـل قزوينی در عموم كتب تراجم به تفصيـل آمـده، از جمله معاصـر او شـيخ حرّ عـاملی (۱۰۳۳ _ ۱۱۰۴) در كتاب «أمل الآمل: ۴۴» فرمايد:

«المولی الجليل خليل بن الغازی القزوينیّ، فاضلٌ عالم علّامه حكيم متكلّم محقّق مـدقّق فقيه محدّث ثقه ثقه جامع الفضائل ماهرٌ معاصـرٌ، له مؤلّفاتٌ منها:«شـرح الكافی» فارسـیٌ، و شـرح عربیٌّ، و «شرح العُدّه» فی الاُصول، و «رساله الجمعه»، و «حاشيه مجمع البيـان»، و «الرّسـاله النّجفيّه»، و «الرّساله القميّه»، و «الجمل(۱) فی النّحـو»، و «رمـوز التّفاسـير الواقعه فی الكـافی و الرّوضه» و غير ذلـك. رأيته بمكّه فی الحجّه الاُولی، و كـان مجـاورًا بهـا، مشـغولاً بتـأليف حاشـيه مجمع البيان. توفی سـنه ۱۰۸۹. و قـد ذكره صاحب «السّلافه» و أثنی عليه ثناءً بليغًا و ذكر بعض المؤلّفات السّابقه» انتهی.

امام مجـدّد صاحب «روضات الجنّات: ۲۶۵ _ ۲۶۷» نيز شـرح حـال ملّا خليل را به تفصـيل آورده و در آنجا از «رياض العلماء» نقل فرموده انـد كه وی به سال ۱۰۰۱ در قزوين به دنيا آمـد و نزد شـيخ بهائی و ميرداماد درس خواند و با خليفه سـلطان نيز در نزد حـاج ملاّـ محمود رنـانی و حاج ملّا حسـين يزدی شاگردی كرد، و نزد سـلاطين و امراءِ دولت صـفوی محترم بود. پيش از آنكه به سـی سالگی رسـد متولّی و مـدرّس روضه منوّره حضـرت عبـدالعظيم در ری گرديـد، لكن به پيش آمدی بر كنار شد. پس به مكّه معظمه رفت و مـدّتی مجـاور بود، تـا به قزوين بـازگشت و به تصـنيف و تأليف و نشـر دانش ها پرداخت. و او را با حُكام قزوين و طهران داستان ها است.

سپس صاحب رياض شطری از متفرّدات و اقوال شاذّه مرحوم خليل را برشمرده كه

۱- ۱) توضيح ذيل «تنقيح المرام. ش ۱۹۲» مراجعه شود.

ما آن مطالب و چیزهای دیگری نیز که صاحب روضات و دیگران فرموده اند به کوتاهی و ترتیب در زیر نقل می کنیم:

متفرّدات ملاّ خلیل:

۱ ــ تحریم نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام و منع شدید از اقامه آن(۱).

۲ ــ سلوک روش أخباریان و انکار شدید طریقه اجتهاد.

۳ ــ اعتقاد به صحّت جمیع اخبار کتاب «کافی» شیخ کلینی و وجوب عمل به آنها.

۴ ــ آنچه در «کافی» به لفظ «رُوی» آمده از کلام صاحب الأمر علیه السلام است.

۵ ــ قول به ثبوت معدومات.

۶ ــ عمل به علم «نه گمان» در مسائل فرعیّه مذهبی در زمان غیبت.

ص : ۳۲۱

۱- ۱) وی اوّلین بار در «شرح کافی» فارسی تحریم نماز جمعه را مفصّلاً نگاشت. مرحوم ملاّ محمّد طاهر قمی رساله ای در ردّ او تألیف و بسیار از او نکوهش کرد و وجوب نماز جمعه را ثابت نمود. قزوینی این رساله را دید و خود ردّی بر آن نوشت و بسی از قمی خرده گرفت و بر او تاخت. لکن تا حدّی از نظر تحریمی اوّل خود عدول کرد. پس از این باز رساله دیگری نگاشت و در آن به طریقه انصاف گرایید و از تفسیق نماز جمعه گزاران انکار نمود. این مطلب از روضات: ۲۶۶ و ۳۳۶ به خوبی مستفاد می شود، لکن در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۳۵۸» اشتباهًا گفته اند که «او نماز آدینه را واجب می دانست و در همین زمینه با محمّد طاهر قمی ستیزها کرده است.» انتهی. در صورتی که در پاورقی صفحه ۱۵۰۴ فهرست مذکور، مطلب را به درستی یاد کرده اند. در اینجا مناسب است بیافزاییم که قائل «أقول» در آخر شرح حال مولانا خلیل در «روضه نضره: ۲۰۴» پیرو افکار و حدسیّات همیشگی خود پیرامون اوضاع علمی و مواضع علماءِ عصر صفوی، کلماتی چند نوشته اند که عطف به ما سبق باید کرد! ضمنًا، در همان «روضه: ۲۶۸» در ترجمه شمس الدین محمّد شیرازی ــ به نقل از «شُذور العقیان» ــ داستانی راجع به او و مولانا خلیل آورده اند که برای آگاهی بیشتر از موضوع و تفصیلی از احوال این هر دو دانشمند باید به «نجوم السماء: ۱۰۴» رجوع فرمایند.

۷ ــ قبح و ذمّ شدید از سیاق ارباب حکمت و عرفان و اصحاب طبّ و منجّمان.

۸ ــ منافسات و مراسلات تندی که با دانشمند بزرگ آخوند ملاّ محمّد طاهر قمّی داشت.

۹ ــ تحریم شرب تنباکو و تألیف رساله ای در این باب و ارسال برای علاّمه مجلسی(۱).

۱۰ ــ مناظره و مخالفتی که با جناب آخوند ملاّ محسن فیض داشت و بعدًا از او معذرت خواست.

۱۱ ــ انکار وجود جنّ پس از زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله : «روضات ۷۲۹».

۱۲ ــ شکل اوّل نتیجه نمی دهد، زیرا مستلزم دور است(۲):«قصص العلماء».

۱۳ ــ جواز ترجیح بلامرجّح: «قصص العلماء: ۲۶۴ و ص ۳۲۸ همین فهرست»(۳).

مرحوم افندی، پس از آنکه پاره ای از مطالب فوق را نقل کرده، گوید:«و عندی أنّه کان معوجَّ السلیقه ــ غایته - فی فهم عبارات الأئمّه و الأصحاب، و ترجمته بالفارسیّه ــ مع تمام مهارته فی اللّغه و عمله بقوانین العربیّه ــ قد اشتبه جدًّا فی تفسیر طائفه منها کما عُرف ذلک منه مرارًا».

بالجمله، نیای گرامی، صاحب روضات پس از نقل مطالب ریاض و داستان های دیگر، شرحی پیرامون «صافی» و «شافی» و حاشیه عدّه او نگاشته و شاگردانش را یاد فرموده، ترجمه را به شرحی راجع به قزوین و بعضی از دانشمندان آن سرزمین پایان

۱- ۱) مولانا خلیل سی و شش سالی از مولانا محمّد باقر مجلسی (متولّد ۱۰۳۷) بزرگ تر و با مولانا محمّد طاهر تقریبًا همسنّ و سال و از مولانا محسن (متولد ۱۰۰۷) شش سالی بزرگ تر بوده است.

۲- ۲) این اشکال را شیخ ابوسعید ابوالخیر برای ابوعلی سینا نوشت و جواب شنید.

۳- ۳) دیگر اقوال شاذّه ملاّخلیل را بایستی در آثار او یافت.

داده اند.

با تمام اوصاف مذکوره عموم دانشمندان به جلالت قدر وعظمت شأن ملاّ خلیل ــ علیه الرحمه ــ مُذعن و معترفند و از فضائل و کرامات او داستان هایی نقل کرده اند که شمّه ای از آنها در روضات و «فوائد رضویّه: ۱۷۲ ــ ۱۷۴» و جاهای دیگر یاد شده(۱)، و نکات مفیدی نیز پیرامون زندگانی و موقعیّت او در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۳۵۷ و ۱۳۸۵ و ۱۶۶۹» مذکور است. و در «ذریعه ۶: ۷۹» فرماید که میرصدرالدین محمّد بن محمّد صادق حسینی قزوینی، به سال ۱۱۰۳ «رساله یی در انتقاد بر مولی خلیل قزوینی» نگاشته است.

محدّث قمی در کتاب «فوائد رضویّه» گوید: «قبر شریفش در قزوین در مدرسه معروفه منتسب به اوست» انتهی.

و باید دانست که مولی خلیل صاحب ترجمه غیر از حاج محمّد خلیل قزوینی است که «اثبات حدوث الإراده» او را به شماره [۴] شناساندیم.

حاشیه عدّه الاصول:

قزوینی در مقدّمه کتاب مورد بحث که حاشیه نخستین عبارتی است از «عدّه» که آن را گزارش داده و به «حاشیه اولی» شناخته می شود گوید: «بسیاری از دانشجویان زمان ما

ص : ۳۲۳

---

۱ - ۱) یک نسخه از شرح عربی کافی شریف که در زمان خود مولانا خلیل شارح استنساخ شده به نظر این جانب رسید که ظهر آن این اشعار ــ ظاهرًا ــ در مدح شارح نوشته شده است: ای نور شمع فضل! که امروز در جهان از کائنات کرده ترا ایزد انتخاب! عالم تویی که پیروِ شرع پیمبری و این نخل را همی دهی از جوی دیده آب! آنها که صوفی اند دم از غیب می زنند، و آنان که گشته حکمتشان بر گلو طناب؛ سرگشتگان وادی جهل و حماقت اند لب تشنه اند وآب بجویند از شراب! بادا، بقای عمر تو در دهر، تا بوَد بر آسمان نشانه یی از ماه و آفتاب!

از کتـاب هـایی که اصـحاب مـا ــ علمـاءِ امامیّه ــ در اصول فقه نگاشـته انـد روی گردان شـده و به کتاب های دیگران، مانند «شـرح مختصـر حـاجبی» پرداخته انـد، به گمـان اینکه آنها بهتر از کتب اصـحاب است. من نیز مـدّتی به خوانـدن و تـدریس و ترویج آن گونه کتب مشغول بودم، و چنانکه عادت مدرّسان است در رفع اشکالات کتاب هایی که بر آنها خوانده می شود؛ من نیز به این کار دلخوش بودم، لکن توجّه دانشجویان به این کتاب ها کم کم سبب رواج بسیاری از مطالب باطله و ضعف ایمان ضعفاء العقول گردیـد... من که این وضع ناگوار را می دیـدم بر آن شدم که دانشجویان را ازین راه بازگردانم تا ثوابی برده باشم. پس این حواشی را بر کتاب «العدّه فی اصول الفقه» تألیف شیخ الطائفه... نگاشتم، و در پاره ای از حواشی گسترده سخن گفتم تا آنجا که هر یک به صورت رساله ای درآمده شایستگی استقلال یافت، بخصوص حاشیه اولی، که در آن پرده از پـاره ای اسـرار وجوب پیروی از اهـل بیت اطهـار علیهم السـلام برداشـتم و خطاءِ دیگران را که از سـلوک این طریقه سـرباز زدند، روشن ساختم... إلخ».

شارح در دنباله این مطالب باز راجع به اخبار و آثار امامیّه سخنانی آورده، سپس عبارتی از «عدّه» را عنوان کرده و پیرامون آن طیّ چهار مقدّمه گسترده سخن گفته که فهرست مطالب آنها را پس از این خواهیم آورد.

حاشیه اولی ــ جای گفتگو ــ به تنهایی کتاب مفصّلی شده و از آن نسخه های متعدّد در دست می باشد، لکن تا آنجا که اطّلاع داریم تمامًا به طبع نرسیده است. شاگرد دانشمند مؤلّف، ملاّ علی اصغر بن محمّد یوسف قزوینی نیز همین حاشیه را در یک مجلّد بزرگ به نام «تنقیح المرام» شرح کرده که در شماره (۱۹۱) پیرامون آن سخن گفتیم.

قزوینی پس از نوشتن حاشیه اولی به گزارش بقیه کتاب «عدّه» پرداخت که آن نیز در مجلّدی دیگر قرار گرفت.

ص : ۳۲۴

از این حواشی، قسمتی در کنار و بقیّه «در ۱۱۷ صفحه به خط نستعلیق» ضمیمه دو کتاب «عدّه الاُصول» و «رساله اجتهاد و تقلید» محقّق بهبهانی، به سال ۱۳۱۷ در طهران چاپ شده، و ابتدا دو سطری از آغاز حاشیه اولی در آن آمده و پس از اسقاط قریب به تمام حاشیه مذکوره چند صفحه ای نیز از آخر همین حاشیه عینًا آورده شده و بعد حاشیه دوّم چنین آغاز می شود:

[قوله «و أبدأ فی أوّل الکتاب فصلًا یتضمّن ماهیّه اصول الفقه و انقسامها و کیفیّه ترتیب أبوابها». البدء _ کالمنع _ الإنشاء و الإحداث...].

مقدّمه شارح نیز در نسخه چاپی نیامده است و این مقدار چاپ شده تنها حواشی مجلّد اوّل کتاب «عدّه» که مشتمل بر ۵۴ فصل است می باشد و از حواشی مجلّد دوّم اطّلاعی نیافتیم.

مجملاً، حاشیه ای که مولانا خلیل بر نخستین عبارت مورد نظر از کتاب عدّه «قوله: لأنّ الشّریعه کلّها مبنیّه علیه، إلخ» نگاشته، چون بسیار طولانی شد و خود به صورت رساله ای درآمد، لذا مستقلًا تدوین و به «حاشیه اولی» یا «مجلّد اوّل حواشی ملّا خلیل» شهرت یافت و قسمت های دیگر حواشی به عنوان «حاشیه ثانیه» یا مجلّد دوّم، شناخته می شود که چنان که گفتیم از مجموع این دو حاشیه قسمتی از اوّل و آخر حاشیه اولی ونیمی از حاشیه ثانیه «که تا پایان مجلّد یکم عدّه رسیده» ضمیمه کتاب العدّه چاپ شده است.

نسخه های رضویّه و سپهسالار و دانشگاه نیز که در فهرست های آن کتابخانه ها شناسانده شده، عمومًا مشتمل بر «حاشیه اولی» و قدری از «حاشیه ثانیه» است.

در «ذریعه ۶: ۱۴۸(۱)» که این کتاب را عنوان کرده اند، از «ریاض العلماء» نقل

ص : ۳۲۵

۱- ۱) کتاب مورد بحث در حرف شین «ذریعه ۱۳: ۳۶۸» نیز به عنوان «شرح عدّه الاصول» یاد شده است.

نموده اند که حاشیه عدّه ملّاخلیل در دو مجلّد است، یکی به «حاشیه اولی» و دیگری به «حاشیه ثانیه» شناخته می شود، در آنها مسائل کثیره از اصول و فروع و غیرهما و اقوال غریب و عجیب آورده، در تمام مدّت عمر خود مشغول تغییر دادن این حواشی بود، لذا نُسخ آنها مختلف شده به اختلافات شدیده که خارج از حدّ ضبط و احصاست، و بعضی از شاگردانش افکار سابق او را در «حاشیه اولی» ترجیح می دادند و نسخه خود را به افکار جدیده او تبدیل نمی کردند، انتهی.

مرحوم محدّث نوری نیز این مطلب را در «مستدرک الوسائل ۳: ۵۰۷» از ریاض نقل کرده اند.

تعلیقاتی که جمعی از شاگردان مولانا خلیل بر کتاب مورد بحث نگاشته اند و در آغاز عنوان بدانها اشاره نمودیم و در ذریعه نیز یاد شده، اینها است:

۱ ــ حاشیه ملّا احمد طالقانی، که شیخ عبدالنبی قزوینی ــ علیه الرحمه ــ در «تتمیم أمل الأمل» گوید: «نام او عبدالدّائم بود و علماءِ قزوین تغییر داده، أحمد خواندند، تحصیلاتش نیز در نزد علماءِ قزوین و مردی بسیار بافهم بود و در علوم مختلفه کتاب نوشت، از جمله «شرح بدایه الهدایه» شیخ حرّ و «حاشیه بر حاشیه ملّاخلیل» و بر «حاشیه ملّا علی اصغر». »

۲ ــ حاشیه مولی احمد بن خلیل قزوینی، فرزند و شاگرد محشّی که در أمل الأمل و ریاض از او یاد شده و در حیات پدر به سال ۱۰۸۳ درگذشت(۱).

۳ ــ حاشیه ملّا محمّد باقر بن غازی قزوینی، برادر ملّا خلیل، که از بزرگان علماءِ عصر خود بوده و تصانیف بسیار داشته؛ تا اوائل سده ۱۲ زنده بوده است. نسخه حاشیه او را

---

۱ - ۱) بحمداللّه، نسختی از این حاشیه به خطّ مرتضی بن مرادخان الرودباری، مؤرخه ۱۱۲۶ از کتابخانه تویسرکانی، نصیب گردید.

در فهرست سپهسالار ۱: ۵۶۶ شناسانده اند.

۴ ــ حاشیه ملاّ علی اصغر که به نام تنقیح المرام است و در شماره (۱۹۱) معرّفی شد. اینک مشخّصات جای گفتگو:

آغاز: «بسم... الحمد للّه ربّ العالمین، و الصلوه علی سیّدنا و نبیّنا و عدّتنا فی شدّتنا محمّد و علی سیّد الاوصیاء و سند الأولیاء أمیرالمؤمنین و آلهما الطیّبین الطاهرین و لا سیّما حجه الله علی العالمین و أمینه فی أرضه و سمائه الحجّه بن الحسن الامام المنتظر القائم بالحقّ، رزقنا اللّه تعالی إدراک دولته و حسن ملازمته، به و بابآئه علیهم السلام .

أمّا بعد، فیقول الغنیُّ بربّه عمّا سواه: خلیل بن الغازی القزوینیُّ... إنّ اکثر طلبه العلم من أهل زماننا قد رغبوا عن کتب اصول الفقه لأصحابنا الامامیّه، رضوان اللّه علیهم... قوله: «لأنّ الشریعه کلّها مبتیّهٌ علیه، إلخ» إشارهٌ إلی دلیل علی وجوب شدّه الاهتمام بعلم أصول الفقه لیتبیّن به فائدته، و الحاجه إلیه و تحریر الدّلیل یحتاج إلی تمهید مقدّمات أربع. المقدّمه الاُولی...».

انجام: «و أمّا الاعتراض علی المستدلّ بأنّ کلّ من قال بحجّیّه الإجماع قائلٌ بأنّه حجّه قطعیّه فالتمسّک بالظاهر فیه یستلزم جعل الظاهر دلیلاً علی أقوی منه، فممکن الدفع؛ لأنّ له أن یقول إنّما استدلَّ به علی أصل الحجّیّه، لا علی القطعیّه أیضًا. قدتمّت الحاشیه الاُولی من الحواشی الخلیلیّه علی «عُدّه الاُصول» فی یوم الأربعاءِ فی العشر الأوّل من شهر محرّم الحرام سنه ۱۰۸۹. کتبه محمّد معصوم ابن ملاّ محمّد باقر الطالقانی، عفی عنهما ذنوبهما».

در هامش پایان نسخه چنین نوشته شده است: «بلغ قبالاً من اوّله إلی آخره هنا أصلاً و حاشیهً مع الأصل، أُمّ النّسخِ و فی هامشه خطُّ المحشّی ــ أدام اللّه تعالی ظلاله علی مفارق الأنام و لا سیّما العالِمین من العالمین ــ و صحّح بقدر الجهد و الوسع، الاّ مازاغ عنه

ص : ۳۲۷

البصر، فی مجالس آخرها شهر محرم الحرام سنه تسع و ثمانین و ألف من الهجره. قابَله أخوه ابن ملاّ محمّد باقر: حبیب اللّه الطالقانی، عفی عنهما».

فهرست مطالب(۱) : مقدّمه اوّل: در تمییز مبدأ مبادی علم از غیر آن.

مقدّمه دوّم: تقیّد احکام پنج گانه به شرعی و عقلی و ذکر معنای حکم شرعی و حکم عقلی.

معنای معصیت کبیره.

مراد از مدح و ذمّ مأخوذ در حدّ احکام عقلی.

معنای قبح ذاتی و تنبیه بر قبح ذاتی کذب.

معنای اطلاق مشیّه اللّه بر افعال عباد.

معنای مشیّتِ حتم و مشیّتِ عزم.

معنای وقت فعل و ترک، و استطاعت.

تحقیق معنای ترجیح بلا مرجّح لغهً و اصطلاحًا.

بیان جمع بین امتناع قبیح بر ذات باری و معصومین، و بین قدرت باری و معصومین بر قبیح، و ردّ بر نظّام و صاحب «مواقف».

تحریر محلّ نزاع در باب قدرت باری میان متکلّمین و فلاسفه.

استدلال بر جواز تخلّف معلول از علّت تامّه.

تحقیق کامل در صفات باری.

علم تفصیلی باری تعالی به همه اشیاء.

دلائل ثبوت معدومات در خارج.

برهان بر بطلان تجرّد نفوس و عقول.

۱- ۱) کتاب، خود، دارای فهرست نیست و ما پس از یک مرور اجمالی، این فهرست را تنظیم کردیم.

منع جریان برهان تطبیق و نحو آن در علم تفصیلیِ باری تعالی به همه اشیاء.

جواب هایی از شکّ تخلّف معلول از علّت تامّه.

بحث در ترتیب فلاسفه که گویند «الشیء أمکن فاحتاج إلی موجدٍ فأوجد..».

بیان اینکه تکوین ذاتًا مقدّم بر تحقّق معلول نیست.

دو دلیل بر اینکه هر فاعلی مختارست، و ابطال انقسام فاعل به موجب و مختار.

ابطالِ امتناع مقدور میان دو قدرت مؤثّر.

تحقیق ربط حادث زمانی به قدیم «بر اصول فلاسفه».

خروج باری تعالی از زمان و زمانیّات.

بیان معنای تقدّم واحد و تحقیق در مکالمه سلیمان مروزی با حضرت رضا علیه السلام .

دو جواب از شبهه جذر اصمّ و بحث در سؤال ابوقرّه از صفوان بن یحیی.

شبهه انتفاءِ حادث یومی، معروف به شبهه داود قیصری.

شکّ اراده موجبه به وجوب سابق و تقریر و جواب از آن.

کلامی از سیّد مرتضی ـ رحمه اللّه ـ و تجویز ایشان ترجیح بلامرجّح را.

حدیث سلیمان جعفری از حضرت رضا علیه السلام ، پیرامون مشیّت و اراده و کلمات علماء.

بحث در مذهب معتزله پیرامون خلق افعال.

تقریر شبهه استلزام و بحث در جواب هایی که به این شبهه داده اند.

تحقیق در باب توفیق و خذلان و معنای عصمت.

معنای این که باری تعالی خالق همه اشیاء است، و نقل مطالبی از «توحید» صدوق.

معنای قضا و قدر و معنای بداء.

مقدّمه سوّم: بحث در اطلاق وجوب شرعی بر افعال اختیاری.

مقدّمه چهارم: در اینکه علم به مسائل اصول فقه مستلزم علم به احکام فقهیّه و اصلیّه

است نه واقعيّه.

پايان مقدّمات ۴ گانه حاشيه اولى و تقرير دليل بر وجوب شدّه اهتمام به علم اصول.

نسخه: داراى ۱۵۹ برگ. ظهر برگ ۱، تملّك و مهر ملّا محمّـد بيك بن حاجى عبـدالكريم «بنـده آل محمّد: كريم ۱۱۲۴»، و مهر «لا ـ إله الاّ ـ اللّه الملـك الحقّ المبين. عبـده محمّـد تقى» و تملّـك نيـاى بزرگوار، عالم جليل مرحوم آيه اللّه آقا ميرزا سيّد جمال الـدين موسوى چهارسويى (متوفى ۴ ماه رجب ۱۳۳۹ در اصـفهان، مـدفون در نجف اشـرف، جنب پدر عالى قدر خود، مرحوم آيه اللّه العظمى آقا ميرزا سيّد محمّد هاشم موسوى چهارسويى)، مورّخه ۱۶ شوّال ۱۳۲۱ ديده مى شود. در گوشه اى از همين صـفحه نوشته شده: «شرح ملّا خليل». ظهر برگ ۱۵۸ برگ آخر سـفيد است. كاغذ اصفهانى رطوبت رسيده، جلد تيماج قهوه اى فرسوده يك لا با ترنج و سر ترنج، خطّ نسخ ۱۶ سطرى، عناوين همه جا در متن و هامش به شنگرف، حواشى «منه دام ظلّه العـالى و سـلّمه اللّه تعـالى، من خطّه دام ظلّه» شكسـته نسـتعليق به خطّ كاتب متن. بالاى سه چهار صـفحه اوّل و ظهر برگ ۱۵۲ متن كتاب «عدّه» تا جمله «و يرغبُ أهل الفضل عنها» نوشـته شده، در پاره اى از مواضع، حواشـى مختلفى از «شرح منهاج» و «نهايه» ابن اثير و «ملّا عبـدالرزّاق» و رمز «سـمع» و «شـرح مقاصـد» و «قاموس» و «مواقف» و «شـرح كافى ملّاصـدرا» ديده مى شود كه ظـاهرًا اينهـا نيز منقول از خطّ شارح است. قطع ۱۲ و نيـم × ۱۹، متن ۶ × ۱۲ و نيم. همه جاى نسـخه آثار تصـحيح و مقابله دارد و نام كاتب و مصحّح و تاريخ كتابت و تصحيح از انجام نسخه نقل شد.

«۳۱۳» نسخه ديگر

نسخه: مجلّد دوّم و سوّم و به تعبير ديگر «حاشيه ثانيه عدّه الاصول» است، و به چاپ

ص : ۳۳۰

رسیده.

آغاز: «قوله: أبدأ فی أوّل الکتاب فصلًا یتضمّن ماهیّه أصول الفقه».

انجام مجلّد دوم: «و هذا القول الحاد. تمّ المجلّد الثانی من الحواشی الخلیلیّه علی عدّه الاصول للشیخ أبی جعفر...».

آغاز مجلّد سوم (که بی فاصله از برگ بعد شروع می شود) :

«هذا ابتداء المجلّد الثالث من الحواشی الخلیلیّه...».

انجام مجلّد سوم: «فیما نحن فیه الیه. تمّت الحواشی الخلیلیّه علی النصف الأوّل من کتاب العدّه... و یتلوه فی النصف الثانی: فصل فی ذکر الوجوه الّتی یحتاج الأشیاء فیها إلی بیان و ما به یقطع البیان. تمّ».

مجلّد دوّم که نیمه نخست نسخه است دوبار مقابله و تصحیح شده و متن کتاب عُدّه نیز در بالای صفحات نوشته شده است، و کاتب نامش فقط در پایان این جلد «بابا بن محمد صالح قزوینی» و تاریخ پایان کتابت ۱۰۷۱ نوشته و گواهی مقابله با نسخه اصل «اُمّ النسخ» در آخر این جلد در هامش، یکبار به تاریخ «یوم الثلثاء ماه جمادی اوّل ۱۰۷۱» و بار دیگر در روز چهارشنبه نهم ربیع دوّم ۱۰۹۱ گزارش شده است.

جلد سوّم، مطلقاً اثر مقابله و تصحیح ندارد و به خطّ همان کاتب است.

«۳۱۴» حاشیه فرائد الاصول

(اصول فقه _ عربی)

از: یکی از شاگردان ناشناس مؤلّف فرائدالاصول.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله. اقول» بر کتاب «فرائد الأصولِ» مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری قدس سره و در زمان حیات ایشان نوشته شده است و مقداری نیز پس از وفات آن مرحوم.

ص : ۳۳۱

نسخه: از اوّل کتاب استصحاب است تا آخر تعادل و تراجیح.

آغاز: «قوله قده: المراد بالابقاءِ الحکم بالبقاءِ. أقول: أراد الاستاد بهذا التفسیر الاشاره الی ما قد یورد فی هذا المقام».

انجام: «و لو خصوص الاطمینان منه من أیّ سبب حصل و هو کماتری فاسد».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و پیداست در حدود زمان محشّی و در نجف اشرف نوشته شده است.

«۳۱۵» حاشیه الفوائد الضیائیّه فی شرح الکافیه

(نحو ــ عربی)

از: ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفراینی، معروف به عصام الدین.

کتاب: حاشیه ای است بر «الفوائد الضیائیّه» که به «شرح جامی» شناخته می شود و مقصود، شرح ملّا عبدالرحمن جامی است بر کتاب «الکافیه» ابن حاجب در علم نحو.

نسخه: به خطّ عسکری حسینی است و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا در قرن ۱۲ نوشته شده. آثار وقف در آن هست، و بر چند موضع در حواشی نسخه، مرحوم میر بهاءالدین مختاری از علماءِ مشهور قرن ۱۲ اصفهان، به خطّ مبارک خود حاشیه ای نوشته و امضا کرده است «بهاء».

«۳۱۶» حاشیه الفوائد الضیائیّه فی شرح الکافیه

(نحو ــ عربی)

از: مرحوم سیّد نعمه اللّه موسوی جزائری. صاحب «زهر الربیع. ش ۴۵۲».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «الفوائد الضیائیّه» ملّا عبدالرحمن جامی که

معروف است به «شرح جامی» بر کتاب «الکافیّه» تألیف ابن حاجب مشهور، و به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در نیمه اوّل قرن ۱۳ نوشته شده و بسیار مغلوط است و غیر قابل استفاده و هیچ امتیازی ندارد.

تملّکِ «اقل السّادات و الطلبه»، به تاریخ ۱۸ ذی الحجه ۱۲۴۲ در آخر نسخه هست.

حاشیه قدیمه جلالیه: حاشیه شرح تجرید الکلام

«۳۱۷» حاشیه قواعد الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام

(فقه ــ عربی)

از: محقّق کرکی نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی عاملی (متوفی ۹۴۰) علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «قواعد الأحکام» علاّمه حلّی قدس سره .

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به قرائن در اوائل قرن یازدهم استنساخ شده است.

آغاز: «بسم. کتاب الطهاره. قوله رحمه اللّه: فالوضوء یجب للواجب من الصلوه و الطواف و مسّ کتابه القرآن. وجوب الصلوه و الطواف ثابت بأصل الشرع».

انجام: «قوله: و بنی الشاکّ فی العدد علی الأقلّ. تمّ».

روی برگ اوّل، فائده ای از «شیخ بهاءالدین محمّد العاملی مدّ ظلّه العالی»، و تملّک «من جمله کتب الع الأقلّ علیّ بن الحسن الجیلانی»، در آغاز کتاب هست.

ص : ۳۳۳

حاشیه قوانین: القسطاس المستقیم

«۳۱۸» حاشیه کتاب من لا یحضره الفقیه

(حدیث ــ عربی)

از: میر محمّد صالح بن عبدالواسع حسینی خاتونابادی علیهما الرحمه. صاحب «ذریعه النجاح. ش ۳۹۳».

کتاب: حواشی چندی است بر کتاب «من لا یحضره الفقیهِ» مرحوم شیخ صدوق، از «باب میاه» تا نماز میّت که احمد بن محمّد مهدی شریف خاتون آبادی ــ شاگرد محشّی ــ آنها را به خطّ محشّی و پس از فوت او یافته و استنساخ کرده است.

نسخه: به خطّ همان احمد بن محمّد مهدی شریف خاتونابادی است، در شش برگ بزرگ و ظهر نسخه مطالب فوق را یادداشت کرده است.

«۳۱۹» حاشیه الکشّاف

(تفسیر ــ عربی)

از: میر سیّد شریف جرجانی زین الدین ابوالحسن علیّ بن محمّد بن علیّ حسینی (متوفی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه ای است بر تفسیر «الکشّاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل» تألیف جار اللّه محمود زمخشری، و در ذیل کشّاف به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ نستعلیق خوب محمّد هاشم بن نقدعلی رضوی حسینی خوانساری. تاریخ ختم کتابت: نهم ذی الحجه ۱۰۹۱. متن کشّاف تا مقداری که حاشیه شده در بالای صفحات نسخه به خطّ کاتب نوشته شده است.

حاشیه لوامع الأسرار: حاشیه شرح المطالع

«۳۲۰» حاشیه المتوسّط

(نحو ــ عربی)

یا «حاشیه علی الشرح المتوسط المسمّی بالوافیه علی الکافیه»

از: میر سیّد شریف جرجانی علی بن محمد حسینی (متوفی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه ای است بر کتاب «الوافیه» که شرح متوسّط سیّد رکن الدین حسن بن محمّد حسینی استرآبادی (متوفی ۷۱۷) است بر کتاب «الکافیه فی النحو» تألیف ابو عمر و عثمان ابن حاجب (متوفی ۶۴۶).

در کشف الظنون گوید، میر سیّد شریف، حاشیه مذکوره را نتوانست تمام کند و فرزندش محمّد آن را تمام کرد.

نسخه: نام کاتب ندارد.

آغاز: «بسم. الحمد للّه علی عظمه جلاله حمد عریق بمطالعه جماله».

انجام: «من کلّ وادٍ الاّ فی وقف وقایه اللّه السّاری فی و السباع. تمّت الحاشیه المتوسط...».[کذا].

تاریخ استنساخ: ۹ ذی القعده ۹۷۸.

«۳۲۱» ضمیمه رساله مختصره، در تحقیق زکوه

(فقه ــ فارسی)

از: نامعلوم.

آغاز: «بسم. بدان وفّقک اللّه «تع» زکوه در غلّات اربعه که گندم و جو».

انجام: «و فی الحدیث هاتوا ربع عشر أموالکم، و الحمد للّه ربّ العالمین. این چند

کلمه حسب الالتماس بعض اعزّه... سمت تحریر یافت و أنا... محمد شریف کشمیری... تمت فی بلده السیستان شهر صفر ۱۰۱۹»

نسخه: دارای پنج صفحه است.

«۳۲۲» حاشیه المطوّل

(معانی بیان ــ عربی)

از: ملّا حسن چلبی ابن محمّد شاه بن محمّد فَناری رومی حنفی (متوفّی ۸۸۶): «زِرِکلی ۲: ۲۱۶».

کتاب: حاشیه ای است محقّقانه بر «مطوّل» سعدالدین تفتازانی (رجوع به ش ۲۹۳) و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد بن علیّ الکلیبولیّ. تاریخ پایان کتابت: ۹۷۷.

سیّد احمد قاضی سابق قسطنطنیه ابن سیّد حاج محمّد ارض رومی، نسخه را در اواخر محرّم ۱۱۰۱ به بهای ۱۴ غروش در قسطنطنیه خریده و ظهر نسخه یادداشت کرده است.

مُهر «توکّلت علی اللّه و اعتصمت باللّه و ما توفیقی الاّ باللّه، عبده احمد»، و مُهر «عبده محمد حسین بن محمد الموسویّ» در آخر نسخه، و «محمّد باقر بن زین العابدین الموسوی» امام مجدّد صاحب روضات الجنّات و نواده گرامی «الراجی جلال الدین بن محمد مسیح الموسوی» ــ رضوان اللّه علیهم ــ روی برگ اوّل دیده می شود.

کاتب مقدّمه چلبی را ننوشته است. نگارنده این فهرست، آن را از روی نسخه دیگر با شرح حال مؤلف در آغاز نسخه آورده است.

«۳۲۳» نسخه دیگر

نسخه: از آخر ناقص است و از آثار سده دوازدهم می باشد.

ص : ۳۳۶

«۳۲۴» حاشیه المطوّل

(معانی بیان ــ عربی)

از: میر سیّد شریف جرجانی. صاحب «حاشیه المتوسّط. ش ۳۲۰».

نسخه: از آخر ناقص است و تا شرح قول مصنّف «و هذا معنی لطف مسلکه» رسیده است.

آغاز: «بسم... فهذه حواش علی الشرح المشهور لتلخیص المفتاح کنت قد قیّدتها علیه».

انجام موجود: «فیه اشاره الی أن تلافی المطلوب بقدر».

تا اواسط، نسخه دارای حواشی بسیاری است. مخصوصًا از شخصی که به این صورت ها رقم زده است: «عبد النبی عثمانی»، «عبدالنبی احمد ابادی»، «عبدالنبی احمد نگری» و «عبدالنبی غریب».

مهر بزرگ وقفنامه از درآمد «املاک موقوفه مرحوم حاجی ملا احمد قهپایه ای به تولیت جناب آقا میرزا محمود خان قهپایه و نظارت جناب شریعتمدار آقای حاجی میرزا محمد حسن حکیمباشی» به جهت طلّاب اصفهان در چند جای نسخه هست.

خطوط «مهدی بن شیخ محمّد بن مرحوم شیخ عیسی» و «کاظم بن سیّد احمد امین عاملی» و جز آنها روی برگ اوّل دیده می شود.

«۳۲۵» حاشیه المطوّل

(معانی بیان ــ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: حاشیه مفصّلی است بر «مطوّل» تفتازانی.

آغاز: «قوله: افتتح کتابه، ا هآ. أی کتابه المقدّر فی الذهن إن کانت الخطبه ابتدائیّه».

انجام: «قوله: فمفتون، من الفتن، بمعنى الاحراق... أی فمنهم الصالحون و منهم دون ذلک، و المقصود أنّ البصره مصر جامع، و اللّه أعلم».

نسخه: به خطّ نستعلیق زیبا در سده ۱۲ یا ۱۳ نوشته شده، لکن بدون تاریخ و نام کاتب است.

تملّک محمّـد نصیر بن محمّـد علی و خطّ مرحوم آقای حاج سیّد محمّد باقر تویسرکانی، به تاریخ ۳ ربیع الثانی ۱۳۵۰، ظهر نسخه هست.

«۳۲۶» حاشیه معالم الأصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: شیخ محمّد بن حسن بن زین الدین عاملی، علیهم الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است بر مقدّمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدینِ» شیخ حسن فرزند ارجمند شهید ثانی، و این حاشیه از فرزند مؤلّف است که پس از درگذشت پدر نگاشته.

نسخه: در زمان محشّی نوشته شده و تا اواخر آن به دست خود وی تصحیح و مقابله گردیده. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

ظهر نسخه تملّک درویش علی بن محمد مقیم (ظ) حلّی در ۱۱۴۴ و محمّـد بن شیخ درویش العوض ساکن حلّه در ۱۱۸۷ و مهر نیای گرامی، آیه اللّه حاج میر سید علی بن حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی، دیده می شود.

«۳۲۷» حاشیه معالم الاصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: محمّد ابراهیم بن حسین الحسینیّ، معروف به حاج میرزا ابراهیم مجتهد شیرازی ـ علیه الرحمه ـ . شرح حالش در «مکارم الاثار ۵: ۱۴۹۱».

ص : ۳۳۸

کتاب: حاشیه ای است بر تمام مقدمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین».

نسخه: تاریخ تألیف و نام کاتب ندارد. ختم استنساخ: جمعه اواخر ذیقعده ۱۲۴۸، و در حیات شارح کتابت شده.

ظهر نسخه تملّک محمّد حسین بن محمّد اشرف خراسانی در مدرسه جدّه کوچک اصفهان به تاریخ ۱۲۵۹، و تملّک نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدین چهارسوقی در ۱۶ شوال ۱۳۲۱ دیده می شود.

«۳۲۸» حاشیه معالم الاصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: استاد وحید آقا محمّد باقر بن محمّد اکمل بهبهانی علیهما الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است بر مقدّمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین».

نسخه: به خطّ محمّد حسن بن شیخ محمّد باقر السعدی. فراغ از کتابت: ظهر چهارشنبه ۱۷ صفر ۱۲۱۰.

تملّک علی بن شیخ محمّد باقر السعدی و بخشیدن مرحوم حاج محمد جعفر بن محمد صفی فارسی آباده ای مجتهد اصفهانی نسخه را به «قرّه العین ثمره فؤاد عطاء اللّه» در ۱۶ ذی الحجه ۱۲۷۸، ظهر نسخه نوشته شده.

«۳۲۹» حاشیه معالم الأُصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: حاج میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی حسینی، امام جمعه اصفهان، معروف به سلطان العلماء، متولّد شب یکشنبه سلخ ذی القعده ۱۱۶۰: «فهرست گلپایگان: ۱۳۷» به نقل از خطّ خودش: متوفّی شب دوشنبه ششم ماه صفر ۱۲۳۳: «مکارم الاثار ۳: ش ۴۴۵»، «دو گفتار، روضاتی: ۴۶»، صاحب «رساله در حُکم نقل جنائز. ش ۴۰۰».

ص : ۳۳۹

شیخ محمّد مهدی بن محمّد رازی، از فضلای گمنام نیمه نخست سده سیزدهم که مدّتی در اصفهان به سر برده و نزد شش تن بزرگـان آن عصـر و مصـر دانش آموخته است، در کتاب «مشـکاه المسائل» خود که آن را در سال (۱۲۳۰ ظ) به پایـان برده و نسخه منحصر آن در کتابخانه آستان قدس (به شماره ۴۹۶۷) موجود است، درباره جناب حاج میر محمد حسین گوید:

«کان فاضـلًا عالمًا عاملًا باذلًا محقّقًا مدقّقًا شاخصًا فقیهًا، ذاالشّوکه و الشّان، جلیل المرتبه و المکان، وجیهًا عند العوامّ و الخواصّ و الأـمراءِ و السّلطان، یُخـاطب بسـلطان العلمـاء، قاضـی حوائـج النّـاس و ملاذ النّاس و ملجأ العوام و الخواص. له فتاوی کثیره و تألیفات أینقه و الأموال الکثیره...»: «معجم السیّد عبدالعزیز: رقم ۱۹۸».

کتاب: تعلیقاتی است بر برخی از مواضع «معالم الدین و ملاذ المجتهدین»، از مرحوم شیخ حسن عاملی ـ اعلی اللّه تعالی مقامه و مقامه ـ .

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، و حواشی چندی بر آن از دانشمندی در پایان نسخه به خطّ کاتب اصل آمده است.

پیش از این در دست مرحوم آقا شیخ محمّد رضا ابوالمجد نجفی اصفهانی بوده است.

«۳۳۰» حاشیه معالم الاصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: آخوند ملاّ محمّد صالح بن احمد مازندرانی اصفهانی علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است بر مقدّمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین».

نسخه: به خطّ فضل اللّه بن مرحوم ابراهیم نوری. ختم کتابت: هفـدهم محرم ۱۱۰۴ به فرمان حاجی محمّد رضا نوشـته شده و یکی دو برگ از آغاز نسخه افتاده است.

«۳۳۱» حاشیه معالم الاصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: نامعلوم

کتاب: حاشیه ای است بر مقدّمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین» از آغاز تا مبحث اجتماع امر و نهی.

نسخه: ناقص است و نام کاتب و تاریخ ندارد. آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم موسوی چهارسوقی، ظهر نسخه تملّک خود را در (۱۲۷۵) نوشته و افزوده اند که نسخه حاشیه ای است بر معالم، مشتمل بر ابکار فوائد متأخّرین به خصوص سیّد بحرالعلوم و آقا سیّد علی طباطبائی صاحب «ریاض». محشّی از شاگردان این دو تن بوده است رحمه اللّه علیهم.

«۳۳۲» حاشیه معالم الاصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: حاشیه ای است بر مقدّمه اصولیه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین».

نسخه: مسوّده اصل است به خطوط مختلف و مشابه. مانا که قدری از مسوّدات دو حاشیه است بر معالم از دو مؤلّف و تقریرات دروس استادان خود را می نوشته اند. نام امیر سیّد علی طباطبائی و ملّا علینقی سالیانی و غفّار(۱) در نسخه آمده است.

ظهر نسخهٔ مهرِ «یا امام علیّ النقیّ» و مهر آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین موسوی

---

۱ – ۱) این شخص به ظنّ قویّ، عبدالغفار بن زین العابدین بن علی اکبر نوری سالیانی، کاتب نسخه «ملاذ الاوتاد» است که شاگرد ملا علینقی سالیانی بوده و در هامش کتابِ مذکور، شرحی بر معالم به نام «بحار العلوم و نجاه الغموم» به او نسبت داده است. شاید نسخه جای گفتگو از این دو سالیانی باشد.

چهارسوقی، نیای نویسنده این فهرست دیده می شود. روی برگ آخر یادداشتی به تاریخ ۲۷ ذیقعده ۱۲۳۲ نوشته شده.

حاشیه معالم الاصول: هدایه المسترشدین

حاشیه معالم الاصول: وسیله وصول العالم

حاشیه الوافیه: حاشیه المتوسّط

«۳۳۳» حجّه البالغه فی أسرار اعتقادات الاحمدیّه

(اعتقادات ــ فارسی)

از: حاج عبدالمطّلب بن حاجی محمد حسن اصفهانی، مشتهر به عبّاس آبادی، از شاگردان و پیروان شیخ احمد احسائی و سیّد کاظم رشتی و از متعصّبان فرقه، بلکه از معاندین با متشرّعه.

کتاب: چنان که در «الذریعه» فرماید کتابی مبسوط و دارای مقدّمه ای مشتمل بر چندین عنوان است، و ظاهرًا هر عنوانی خود رساله ای مستقل نیز گردیده، و مقصودش از«اعتقادات الاحمدیّه» همان شیخ احمد احسائی است که پیروانش بعدًا به «شیخیّه» شهرت یافتند.

نسخه: شامل دو عنوان است:

۱ ــ «عنوان سیم از طریق دویم از مقدمه کتاب حجّه البالغه... در باب مطلق علم اللّه از تعبیر و بیان و اَداء و کیفیّات آنها». و این عنوان خود یک رساله بلکه کتاب مستقلّی شده با خطبه و دیباچه و در پایان آن گوید:

«تمّت اصل و ملحقات رساله... فی بیان عنوان اثبات تحقّق أنّ للّه علمین، فی محروسه کاظمین علیهما السلام من ید مصنّفه... فی شهر جمادی الثانی ۱۲۵۷...».

کاتب: «اقلّ الطلبه احمد بن اسمعیل الخراسانی الترشیزی النامقی فی صحن المقدّس من ابی عبدالله علیه السلام». تاریخ کتابت: ۷ ماه رجب ۱۲۵۹.

در چند موضعْ کاتب حاشیه ای بر رساله نوشته که یک موضع را مؤلّف به خطّ خود ردّی نوشته است.

روی برگ اوّل این نسخه، این شرح نوشته شده است:

«صورت تصدیق مرحوم سیّد، نوّراللّه ضریحه و اعلی اللّه مقامه. بسم اللّه الرحمن الرحیم... و بعد فانّ الحقیر الفانی الجانی کاظم بن قاسم الحسینی الرشتی قد نظر فی هذه الرساله التی صنّفها ذو الفطره الزکیّه و الفطنه المرضیّه الأکرم الأمجد الحاجّ عبدالمطّلب فی مسئله البداء المتفرّعه علی مسئله علم اللّه سبحانه فقد أجاد علی ما وقع نظری علیه فی بیان علم اللّه سبحانه و مراتبه و أفاد و تکلّم بالمراد و هو لعمری حقیق أن یکتب بالنّور علی و جنات الحور فکلّ ما یتفرّع علیه علی التفریع الواقعی فی جمیع المباحث من البداءِ و غیره حق لا شکّ فیه و لا ریب یعتریه، جزاه اللّه عنّا افضل الجزاءِ و صلّی اللّه علی محمّد و آله آل اللّه، و کتب بیمناه الداثره الع کاظم بن قاسم الحسینی الرشتی ۲۳ ط ۱۲۵۷».

۲ ــ «عنوان هفتم از طریق دویم از باب ششم از فصل هفتم مقدمه کتاب حجه البالغه... در بیان حرمت عمل به مظنّه که به علل چند... بنحو تجرید نسخه یی گردید». و این عنوان نیز خود رساله، بلکه کتابی مستقلّ است با خطبه و دیباچه، و کاتب در آخر آن گوید:

«حسب الخواهش جناب حقایق و معارف مآب عمده المحققین و قدوه العارفین فخر الحاج حاجی الحرمین مطاعی حاجی عبدالمطلب در تسوید و نگارش این رساله برآمده و در شهر ربیع الاولی ۱۲۵۹ در کاظمین... به اتمام رسانید، کتبه اسد اللّه التماس دعا داریم».

ظاهرًا خطوط مؤلّف در حواشی این رساله نیز هست.

ضمیمه

(صورتظ جواب مکتوب عالیجناب معلّی القاب)

سلاله السّاده و النجباء میرزائی میرزا عبدالغنی سلّمه الله تعالی

جواب نامه ای است که میرزا عبد الغنی (ظاهرًا خاتونابادی) به حاج عبدالمطّلب اصفهانی مذکور فوق نوشته و او را واسطه قرار داده است که دستور العملی از حاج سید کاظم رشتی برایش بگیرد و او مطلب را به سیّد گفته و سیّد جواب مفصّلی داده است که حاج عبدالمطلب به صورت این مکتوب درآورده و گویا به خط خود در شش صفحه نوشته و امضا کرده و در آخرِ دو رساله فوق، ضمیمه کرده و برای میرزا عبدالغنی فرستاده است.

«۳۳۴» حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام اللّه الناطق

(شرح نهج البلاغه ـ عربی)

از: علاءالدین محمّد بن ابی تراب گلستانه اعلی اللّه مقامه.

کتاب: شرح «نهج البلاغه» مرحوم سیّد رضی است به شرح مزجی. تاریخ پایان جزء ثانی: ۱۰۸۰.

نسخه: از اواسط جزء ثانی است که شرح خطبه شقشقیّه است از بحث راجع به خلیفه

ثانی. تاریخ استنساخ این بحث: دوشنبه نوزدهم ماه شعبان ۱۰۹۶، و بحث دوّم، راجع به خلیفه سوّم و بقیه خطبه شقشقیّه که پایان جزء دوّم است. تاریخ استنساخ این جزء نیز ۱۰۹۶، و جزء سوّم کتاب از خطبه «بِنا اهتدیتم فی الظلماء» تا خطبه «و اللّه لو وجدته قد تزوّج به النّساء»، تاریخ استنساخ: سه شنبه هیجدهم شوال ۱۰۹۶. کاتب: ناصر بن جمّاز الحسینی از فضلاءِ زمان.

از کتابخانه اجدادی است و مُهر نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین روضاتی روی برگ اوّل نقش بسته است.

«۳۳۵» حدائق الحقائق فی فسر دقائق أفصح الخلائق

(عربی)

از: قطب الدین محمّد بن حسین بن حسن کیدری بیهقی ـ علیه الرحمه ـ .

کتاب: شرح «نهج البلاغه» مرحوم سیّد رضی است به «قوله، علیه السلام»، و در آن از شرح قطب راوندی و امام احمد وبری ـ علیهما الرحمه ـ بسیار نقل می کند.

تاریخ پایان تألیف: اواخر ماه شعبان ۵۷۶. برای آگاهی بیشتر به «نامه آستان قدس ۲۵: ۱۱» رجوع شود.

نسخه: به خطّ محمّد شریف بن علی رضا مازندرانی. پایان کتابت: روز جمعه از عشر اوّل ماه صفر ۱۰۴۹.

از نگاه به نسخه دانسته می شود که آن از روی یک نسخه کهن نوشته شده و چون کاتب مایه علمی چندانی نداشته، از عهده قرائت درست برنیامده و نوعًا عبارات را به صورت غلط استنساخ کرده و در اوائل نسخه نیز جابجا مقدار کلمه یا جمله یا چند سطر را نانویس گذارده است.

از کتابخانه نیاکان بزرگوار، آیات عظام آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی، حاج میر سیّد محمّد فرزند گرامی ایشان، و بالاخره، آقای میرزا سیّد جلال الدین چهارسوقی _ اعلی اللّه مقاماتهم _ بوده است.

«۳۳۶» حدائق المقرّبین

(فارسی)

از: میر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی علیه الرحمه، که تألیف دیگر او «آداب سنّیه» را به شماره [۳] معرّفی نمودیم.

«حدائق المقرّبین» در احوال ملائکه و انبیاء و ائمّه اطهار علیهم السلام و بعضی دیگر از طبقات ممتازه و بیان تفضیل بعضی بر بعض دیگر است.

موضوع «تفضیل» از جمله مباحثی است که از قدیم مورد نظر و بحث بوده است. سیّد مرتضی علم الهدی _ طاب ثراه _ (۳۵۵ _ ۴۳۶) سوّمین مسأله از «جوابات المسائل الرازیّه» را به این موضوعِ «تفضیل الأنبیاء علی الملائکه» اختصاص داده و چهار صفحه در این باره سخن گفته است (ص ۱۰۹ _ ۱۱۲ چاپ قم) و در خلال آن بحث، به رساله جداگانه خود در این موضوع اشاره فرموده است. اینک به منظور واضح شدن مسأله، صورت استفتا و سؤال را به فارسی درمی آوریم و برای آگاهی از پاسخ آن بزرگوار شایسته است به اصل کتاب رجوع شود. صورت سؤال به این مضمون است:

«چه می فرمایید درباره پیامبران و فرشتگان، آیا کدام یک از این دو گروه برتر و افضل و ثوابشان بیشتر است، و عقیده واجب در این باب چیست؟».

در زمان شاه طهماسب صفوی نیز مرحوم سیّد المحقّقین سیّد حسین موسوی عاملی معروف به مجتهد و مفتی (متوفی ۱۰۰۱) کتاب «دفع المناواه عن التفضیل و المساواه» را در همین موضوع نوشت و در «۴ ع ۱ _ ۹۵۹» از تألیف آن فراغت یافت، «الذریعه.

ص : ۳۴۶

مرآه الکتب. الروضه النضره. إحیاء الداثر».

* * *

در حدیقه پنجم «حدائق المقرّبین» احوال گروهی از صحابه بزرگوار و یاران ائمّه اطهار علیهم السلام و سی نفر از علماءِ نامدار شیعه که نخستین آنها شیخ کلینی صاحب «کافی» و آخرین، علاّمه مجلسی باشند، ذکر نموده و از این بابت کتابْ مورد استفاده کسانی که در تراجم دانشمندان تألیف دارند نیز بوده. با این وصف، نسخ آن کمیاب است و تنها نسخه دیگری به نظر نگارنده رسیده که چندان قابل اعتماد نیست.(1)

نسخه ثالثی نیز مسموع گردید که در اصفهان وجود دارد.

مؤلّف «الذریعه ۶: ۲۸۹» کتاب را عنوان نموده، لکن نسخه ای از آن نشان نداده و فرموده است که صاحب «روضات الجنّات» و حاجی نوری در «الفیض القدسی» از آن نقل کرده اند.

نیای گرامی صاحب روضات قدس سره خود مستقیمًا از این کتاب استفاده و نقل کرده اند، لکن حاجی نوری به آن دسترسی نداشته و حتّی در «الفیض القدسی: ۳۳» و چند جای دیگر که به توسّط روضات از این کتاب نقل نموده، اشتباهًا مؤلّف آن را میر محمّد حسین خاتون آبادی (فرزند میر محمّد صالح) معرّفی کرده، امّا در «مستدرک ۳: ۳۸۶» استدراک این اشتباه شده است.

«حدائق المقربین» بنا به روش مؤلّف در اغلب آثارش، دارای فهرست مطالب است که خود نگاشته و در آغاز آنها نهاده است. ما نیز همان فهرست را بعدًا در اینجا نقل می کنیم.

---

۱ - ۱) انجام آن نسخه: «قد وقع الفراغ من کتابه هذا الکتاب المستطاب فی خامس شهر ربیع الأول، علی ید أقلّ العباد، ابن حاجی ابراهیم: هادی خاتون آبادی جیی اصفهان... فی عام ۱۱۱۷. تمّ».

آغاز: «بسم... هدیر(۱) کبوتران ملائکه مقرّبین در بروج مشیّده سمواتْ تسبیح و تقدیس خداوندی است که لألی نعم و جواهر أیادیش افزونتر از آن است که به میزان عقول و مقیاس حواسّ توان سنجید... امّا بعد؛ تهی دست جواهر فضایل و معانی محمّد صالح بن عبدالواسع الحسینی... بعرض طالبان شوارع هدایت... می رساند که اگرچه طبیعت امکان که عَرَضِ لازم هر فردی از أفراد ممکنات است مشوب به جهات نقص... است، و شرافت و کرامت ذاتی مخصوص ذات کمال الصّفات جناب اقدس الآلهی است؛ لیکن چون قامت قابلیّت انسان بطراز «وَلَقَدْ کرّمْنا بَنی آدمَ» شرف امتیاز یافته... این بنی نوع را بر سایر انواع موجودات تفضیل داده اند، و صنف پیغمبران و أوصیای عالیشان از أصناف نوع انسان بمزید کرامت... ممتاز... و از أشخاص این صنف با عزّ و تمکین، حضرات سیّد المرسلین و ائمّه طاهرین... بأعلی درجات کرامت رسیده... لاجرم همه خلایق از اوّلین و آخرین و ملائکه مقرّبین و سایر انبیاء و مرسلین مأمور به این إذعان و مکلّف به تولّای ایشانند... و بر طبق این مطلب أخبار معتبره بسیار در کتب و آثار وارد شده، و با وجود آنکه حال بر این منوال است أساطین علماء از متأخّرین و قدماء متعرّض این مطلب أسنی نشده... و به این سبب این غرض اقصی بر اکثر طالبان طریق هُدی مشتبه و مستور... بوده،

تا در این زمان سعادت توأمان بندگان ثریّا مکان نوّاب کامیاب... الشاه سلطان حسین الصّفوی الموسوی الحسینی... که فیما بین سلاطین روزگار و خواقین معدلت آثار، بمزید حسن عقیدت و صفای طویّت اختصاص دارند، بلکه در میان سلسله علیّه خود نیز به کمال اهتمام در پیروی شرع سیّد أنام و نشر آثار آبای عظام ـ علیهم صلوات اللّه الملک

۱- ۱) هدیر، بر وزن امیر: بانگ کبوتر.

العلاّمـ ـ ممتازنـد، و با وجود تحمّل أعباءِ سلطنت و أشغال ملّت و دولت؛ پیوسته بتفتیش مسائل دینیّه و تحقیق معارف یقینیّه مشغول می باشند؛ به تنقیح این مطلب و تحقیق فضایل و منازل أجداد طاهرین خود راغب و أحوال متعلّقه به ایشان طالب بودند، و خاطر ملکوت ناظر به تبیین اقاویل و فتاوی علماء و إبانه حقّ و استخراج آیات و روایات دالّه برین غرض اقصی متعلّق گردید؛

لهذا این قلیل البضاعه بتألیف این رساله کثیر الفائده و تنقیح این مطلب... پرداخت، و به تفضیل انبیاء و مرسلین و ملئکه مقرّبین و تفضیل صحابه أخیار حضرت سیّد أبرار و اصحاب ائمه اطهار و تفضیل سایر ناس از طبقات علمای کرام و سادات واجب الاحترام نیز عنان قلم را منعطف گردانید... و این رساله نبیله به «حدائق المقرّبین» موسوم و به پنج حدیقه مرتّب گردید...».

انجام: «و یقین بدان که حق تعالی به بندگان مؤمنین؛ رؤوف و رحیم و به شیعیان ائمه طاهرین ـ صلوات اللّه علیهم اجمعین ـ عطوف و کریم است. و الحمدللّه علی افضاله... به اینجا ختم می کنم این کتاب جزیل الأبواب را...

صوره خط المؤلف: وقد وقع الفراغ من اتمام هذه النّسخه الشریفه فی اواسط شهر اللّه المبارک شهر رمضان من شهور سنه خمسه عشر و مائه بعد الالف، و الحمدللّه رب العالمین... و وقع الفراغ من استنساخ هذا الکتاب المتسطاب الّذی قلّ ما یوجد مثله فی هذه الابواب، علی ید أقلّ السّادات و الطلاّب فی ضحوه یوم الخمیس سادس عشر شهر رجب المرجّب سنه ثمان و ثلثمائه و ألف ۱۳۰۸».

و در هامش کاتب گرامی نسخه چنین نوشته اند: «قوبل بحسب الوسع و الطاقه، و له الحمد».

فهرست کتاب: «بسم... فهرست کتاب «حدائق المقرّبين» تألیف أحقر داعیان دوام دولت قاهره محمّد صالح الحسینی... این کتاب مشتمل است بر پنج حدیقه:

حدیقه اول: در تفضیل ملائکه، بعضی بر بعضی، و این حدیقه مشتمل است بر ۷ باب: باب ۱ _ در بیان کثرت ملائکه و عجایب خلقت ایشان. باب ۲ _ در بیان اصناف ملائکه... «ده صنف»... باب ۳ _ در بیان آنکه ملائکه معصومند از گناهان... باب ۴ _ در بیان مذاهب علماء در باب ملائکه... باب ۵ _ در بیان بعضی از احوال ملائکه... باب ۶ _ در بیان تفضیل بعضی از ملائکه بر بعضی. باب -۷ در بیان روح و اصناف آن و در این باب مذکور می شود بعضی از سُرادقات و حجُب.

حدیقه دوم: در تفضیل بعضی از انبیاء و مرسلین بر بعضی و تفضیل ایشان بر ملائکه و این حدیقه نیز منطوی است بر ۷ باب: باب ۱ _ در بیان عدد انبیاء و مرسلین. باب ۲ _ در بیان نبی و رسول و فرق میان آنها. باب ۳ _ در بیان أولوالعزم و معنی آن. باب ۴ _ در بیان آنکه همه پیغمبران معصومند از گناهان... باب ۵ _ در بیان عصمت ایشان از سهو و نسیان... باب ۶ _ در بیان تفضیل همه پیغمبران بر ملائکه... باب ۷ _ در بیان تفضیل پیغمبران بعضی بر بعضی.

حدیقه سیم: در تفضیل رسول خدا و ائمه هدی _ علیهم التحیّه و الثناء _ بر همه عالمیان و تفضیل بعضی از ایشان بر بعضی، و این حدیقه مشتمل است بر ۱۴ باب بعدد آن مقرّبان ربّ الأرباب: باب ۱ _ در تفضیل سیّد کاینات _ صلّی اللّه علیه و آله _ بر همه موجودات... باب ۲ _ در بیان تفضیل آن حضرت بر سایر أنبیاء و مرسلین... باب ۳ _ در بیان تفضیل أمیرالمؤمنین و فاطمه زهراء و سایر ائمه طاهرین _ صلوات اللّه علیهم أجمعین _ بر همه انبیاء و مرسلین. باب ۴ _ در بیان آنکه علم حضرت سیّد المرسلین و علوم ائمه طاهرین صلوات اللّه علیهم اجمعین زیاده است از علوم سایر انبیاء

و مرسلین... باب ۵ ـ در بیان آنکه ایشان عالم بودند به همه علوم و بیان اسباب حصول علم برای ایشان، و در این باب ایراد می شود کتب آسمانی و کتاب «جفر و جامعه» و «مصحف فاطمه علیهاالسلام» و «ناموس» و «دیوان».. باب ۶ ـ در بیان آنکه کتب و آثار پیغمبران گذشته همه به ایشان به میراث رسیده... باب ۷ ـ در بیان آنکه همه پیغمبران و ملائکه مقرّبان پناه می بردند در شدّتها و بلاها به ایشان و مأمور بودند به اعتقاد به ولایت ایشان، و این طویل الذّیل است... باب ۸ ـ در بیان تفضیل حضرت سیّد المرسلین بر امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرین ـ صلوات اللّه علیهم أجمعین ـ و در این باب مذکور می شود مناظره نواب گیتی ستان ـ أنار اللّه برهانه ـ با حاتم بیک وزیر و محاکمه شیخ بهاءالدین محمّد ـ علیه الرّحمه ـ. باب ۹ ـ در باین آنکه أمیرالمؤمنین و همه ائمه طاهرین «ص» امام بودند و نبی و رسول نبودند... باب ۱۰ ـ در بیان آنکه حضرت امیرالمؤمنین تالی حضرت سیّد المرسلین است و بعد از آن حضرت افضل است از همه عالمین، و در این باب مذکور می شود بعضی از قصص معراج... باب ۱۱ ـ در بیان تفضیل آن حضرت بر سایر ائمه طاهرین صلوات اللّه علیهم اجمعین. باب ۱۲ ـ در بیان اختصاص آن حضرت بخطاب مستطاب امیرالمؤمنین... باب ۱۳ ـ در بیان تفضیل حسنین علیهماالسلام بر سایر ائمه طاهرین صلوات اللّه علیهم اجمعین... باب ۱۴ ـ در بیان مساوات سایر ائمه طاهرین علیهم السلام با تفضیل حضرت صاحب الامر ـ علیه السلام ـ بر آن هشت امام دیگر.

حدیقه چهارم: در تفضیل فاطمه زهراء ـ صلوات اللّه علیها ـ بر همه زنان عالمیان، و این حدیقه مشتمل است بر هفت باب: باب ۱ ـ در بیان فضیلت فاطمه زهراء صلوات اللّه علیها. باب ۲ ـ در بیان فضیلت خدیجه کبری. باب ۳ ـ در بیان فضیلت حضرت مریم صلوات اللّه علیها. باب ۴ ـ در بیان فضیلت آسیه رضی اللّه عنها. باب ۵ ـ در بیان تفضیل

فاطمه زهراء صلوات اللّه علیها بر ایشان. باب ۶ ــ در بیان بعض از نساء طاهرات و بقیّه زوجات طاهرات حضرت رسالت ــ صلی اللّه علیه و آله ــ، و در این باب ۱۲ نفر از زنان مکرّمات مذکور می شود. باب ۷ ــ در بیان سایر نساء مکرّمات که از تتبع أخبار و روایات ظاهر می گردد، و در این باب ۲۱ نفر از آن نساء طاهرات ایراد می شود.

حدیقه پنجم: در بیان جمعی از أخیار که بحسب درجه بعد از انبیاء و ائمه علیهم السلام اند، و این حدیقه نیز مشتمل است بر هفت باب: باب ۱ ــ در بیان گروهی از صدّیقان که مقرّب بودند نزد خداوند عالمیان. باب ۲ ــ در بیان صحابه حضرت رسول «ص» و منازل ایشان، و در این باب مذکور می شوند ۲۱ نفر از أکابر صحابه. باب ۳ ــ در بیان اصحاب حضرت امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرین ــ صلوات اللّه علیهم اجمعین ــ و این باب مشتمل است بر ایراد سه گروه از اصحاب ایشان: ۱ ــ اصحاب امیرالمؤمنین ــ علیه السلام ــ و از اصحاب آن حضرت ۱۴ نفر مذکور می گردد که از أخیار اصحاب آن حضرتند. ۲ ــ اصحاب حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات اللّه علیهما... ۳ ــ اصحاب سایر ائمه کرام علیهم السلام، و از اصحاب ایشان چهل نفر از اجلاّء و اعاظم اصحاب ایشان ایراد می شود. باب... ۴ ــ در بیان جمعی از اکابر دین که در زمان غیبت امام بوده اند و در نزد حق تعالی گرامی و مقرّبند... باب ۵ ــ در بیان گروهی از مقرّبان از اهل این أعصار و أزمان و در این باب بیان می شود آثار و علامات مقرّبان. باب ۶ ــ در بیان فضایل سادات رفیع الدّرجات و اختلاف طبقات ایشان در فضیلت و کرامت... باب ۷ ــ در بیان فضیلت مؤمنان، و در این باب بیان می شود اختلاف مراتب ایمان و تفاوت درجات مؤمنان، و به این باب این حدیقه و این کتاب ختم می شود، واللّه المستعان. مؤلّف این کتاب و جامع این حدائق و ابواب گوید که خداوند

عالمیـان شـقاوت و سـعادت مکلّفـان و اشـخاص بنی نوع انسـان را مبتنی بر کفر و ایمـان گردانیـده... پس هر مؤمنی که طالب کمـال ایمـان و محبّت باشـد و مَثوبـات جلیله و مراتب عالیه آن نشأه را خواهـد بایـد که خود را محروم نگردانـد از مطالعه این کتاب...».

کاتب این نسخه: مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح موسوی چهارسویی (نیای گرامی پدر نگارنده این فهرست) یکی از هفت نفر فرزنـدان دانشـمند مرحـوم آیـه اللّه العظمی صـاحب «روضـات الجنّات» است، که در ۲۷ شـوّال ۱۲۵۵ متولّـد شـده و در ۹ ذوالحجّه ۱۳۲۵ وفات یافته و در جنب مزار کثیر الأنوار پدر نامدارشان در تخت پولاد اصفهان مدفون گردید.

ایشـان این نسـخه را به خـط نسـخ زیبای خود اسـتنساخ نموده(۱)، حواشـی مؤلّف را نیز به خـطّ شکسـته و نسـتعلیق در هـامش صفحات نوشـته و چنانکه عبارت ایشان از پایان نسـخه نقل شد، در روز پنج شـنبه ۱۶ ماه رجب ۱۳۰۸ از استکتاب آن فراغت یـافته و نسـخه را بـا اصل آن مطابقه و تصـحیح نموده و در اختیار پـدر بزرگوارشان گـذارده انـد. ایشان نیز در روی برگ اوّل اجازه ای به خطّ و مهر خود، مشـتمل بر تعریف و تمجیـد اصل تألیف و مؤلّف و کاتب نگاشـته و به فرزنـد دلبند گرامی اجازه داده انـد که جمله احادیث و اخبار ائمّه اطهار را به طُرق معلومه مجیز از ایشان روایت نمایـد و یکی از مشایخ اجازه خود را نیز چنین یاد کرده انـد: «... أجلّهم و أقـدمهم هو أفقه أهل زمانه و أوثق من یعتنی بشانه و یقـدّم علی أقرانه مولینا و سیّدنا و سـمیّنا الأسمی الحاجّ السیّد محمّد باقر الموسوی الرشتی القاطن باصفهان...». تاریخ این اجازه: ۱۸ ماه شعبان ۱۳۰۸ است.

۱- ۱) آثار دیگری نیز به خطّ ایشان موجود است که به موقع خود در این فهرست آورده می شود.

نسخه: دارای ۲۳۸ برگ (۴۷۶ صفحه)، به این شرح که ۴۶۳ صفحه اصل کتاب، ۸ صفحه فهرست مؤلّف، ۱ صفحه اجازه و ۲ برگ سفید عطف در اوّل و آخر است. کاغذ فرنگی، خطّ نسخ ۲۱ سطری، عناوین در متن و هامش به سرخی نوشته شده، جلد تیماج تریاکی رنگ، آستر کاغذ ابری اصفهانی، قطع ۱۴ × ۲۲، متن ۸ و نیم × ۱۵.

«۳۳۷» الحدائق الناضره فی أحکام العتره الطاهره

(فقه _ عربی)

از: مرحوم شیخ یوسف بن احمد بحرانی درازی عصفوری (۱۱۰۷ _ ۱۱۸۶) _ أعلی اللّه مقامه _ . احوال و آثارش در «کواکب منتثره: ۸۲۸ _ ۸۳۱».

نسخه: از «الباب الثالث فی بقیّه الصّلوات» است تا آخر کتاب صلوه که جلد چهارم باشد. کاتب: محمد رضا بن محمد جعفر. تاریخ ختم استنساخ: ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۵.

اثرِ مقابله و تصحیح و تحشیه ندارد.

«۳۳۸» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب زکوه است تا اواخر کتاب اعتکاف و از آخر چند برگ ناقص است. نام کاتب معلوم نیست، لکن در آخر کتاب خمس، تاریخِ ۱۲۴۵ دیده می شود.

«۳۳۹» نسخه دیگر

نسخه: تمام کتاب حجّ و مزار است. کاتب: ابراهیم بن محمد نجف آبادی اصفهانی. تاریخ استنساخ: ۲۳ ربیع یکم ۱۲۴۵. اثر تصحیح و مقابله و تزیین ندارد.

«۳۴۰» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد نکاح است با لواحق آن و یک صفحه ای از آغاز کتاب نوشته نشده. تاریخ ختم استنساخ، ۱۴ ربیع یکم ۱۲۴۸ می باشد. نام کاتب ندارد.

«۳۴۱» الحدائق الندیّه فی شرح الفوائد الصمدیّه

(نحو ــ عربی)

از: صدرالدین علیّ بن نظام الدین احمد حسنی حسینی، معروف به سیّد علیخان شیرازی علیه الرحمه.

کتاب: شرح کبیر مزجی بر «الفوائد الصمدیّه» معروف به «صمدیّه»، تألیف شیخ بهاءالدین محمّد عاملی قدس سره است و به طبع رسیده.

تاریخ تألیف: دوشنبه ۱۳ جمادای دوّم ۱۰۷۹ در هند.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن در بیشتر اوراقِ اوائل نسخه، مؤلّف مقابله آن را با نسخه اصل گواهی کرده است.

تملّک محمّد تقی بن میرزا محمد حسین و مهر او «العبد المذنب محمد تقی الحسینی» و مهر «عبده محمد اسمعیل ۱۲۲۲» و تفصیل بخشیدن آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنات» نسخه را به فرزند گرامی خود آقا میرزا سید مسیح و مهر هر دو بزرگوار، ظهر نسخه هست.

نیز در آنجا به خطّ کاتب آمده است که شماره ابیات کتاب بیست و یک هزار و یکصد و بیست بیت است.

ص : ۳۵۷

«۳۴۲» حدود و دیات

(فقه ـ فارسی)

از: مولانا محمّد باقر بن مولانا محمّد تقی، علاّمه مجلسی ـ أعلی اللّه مقامهما ـ (متولّد ۱۰۳۷، متوفّی ۱۱۱۰): «دو گفتار، روضاتی: ۶۱ ـ ۶۲».

کتاب: در مباحث حدود و دیات و تعزیرات است، به تفصیل. تاریخ پایان تألیف: پنجم جمادای یکم ۱۱۰۲، و چاپ شده است.

نسخه: به خط محمّد تقی بن محمّد مقیم موسوی رضا توفیقی ساکن اصفهان. تاریخ استنساخ: شنبه هشتم ذوالقعده ۱۲۳۷. برگ اوّل ندارد.

«۳۴۳» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ شریف نیای اعلی، مرحوم آقای حاج سیّد حسین بن حاج میر ابوالقاسم مجتهد موسوی حسینی، استاد و شیخ اجازه مجتهدان بزرگ زمان سیّد محمد مهدی بحرالعلوم و میرزا ابوالقاسم صاحب «قوانین» در اصول فقه ـ اعلی اللّه مقاماتهم ـ . پایان کتابت در عصر روز دوشنبه ۲۶ ذیحجّه ۱۱۳۵.

«۳۴۴» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمّد رضا بن آ محمّد باقر بن ملاّ ملک احمد. اتمام کتابت: روز دوشنبه ۱۷ ربیع دوّم ۱۲۶۸.

مهر نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین روضاتی در ظهر نسخه هست.

ص : ۳۵۸

«۳۴۵» الحدیده الحسینیّه فی قطع لسان أعوان الأمویّه

(مناظرات ـ عربی)

از: محمد صالح بن محمد محسن القرشی.

کتاب: در ردّ بر یکی از اتباع معاویه و یزید در منع از لعن آنان. به هنگام توقّف در بلده شماخی تألیف شده است.

نسخه: تاریخ و نام کاتب ندارد.

«۳۴۶» حدیقه الشیعه

(امامت ـ فارسی)

کتاب: «حدیقه الشیعه» با عنوان جلد دوّم مکرّر به طبع رسیده و نسخ خطّی آن نیز موجود است و در آنجاها مؤلّفِ کتاب را مرحوم آخوند ملاّ احمد مقدّس اردبیلی ـ رحمه اللّه علیه ـ ذکر کرده اند.

امّا این نسخه جای گفتگو و نسخه های دیگری از همین جلد دوّمِ حدیقه در دست است که مقدّمه آن به نام سلطان عبداللّه قطب شاه، ساکن حیدرآباد هند و مؤلّف آن «معزّالدین محمّد بن محمّد رضا اردستانی» معرّفی شده و این نام در نسخه حاضره در حاشیه ورق دوّم نوشته شده است، و مطلقًا در متن نسخه حاضره، نه اسمی از جلد اوّل کتاب و نه نام کتاب و نه نام مؤلّف آن مذکور نیست، و بلکه از مقدّمه کتاب مستفاد می شود که این نسخه خود یک کتاب مستقلّی است، لکن در حاشیه صفحه اوّل به خطّی غیر از خطّ متن، عبارتِ «چون جزو اول از کتاب حدیقه الشیعه» الخ، و نیز این که این نسخه: «المسمّی بشواهد الأئمّه» است، قید شده است. و غیر از مطالب مقدّمه و اندکی از خاتمه و شروحی که در نسخه منسوب به مقدّس اردبیلی درباره مذمّت از صوفیّه نوشته

شده و در این نسخه نیست، دیگر این نسخه هیچ گونه تفاوتی با نسخه چاپی حدیقه الشیعه منسوب به محقّق اردبیلی ندارد، و الله العالم.

نسخه: به خطّ «کتبه العبد الأقلّ محمّد علی الحسینی حهالمالی استرابادی در هنگامی که به سر کاری مسجد جامع دارالسلطنه حیدرآباد مشغول بود این توفیق یافت تحریرًا فی تاریخ دوم شهر جم_د الثانی «کذا» سنه ۱۰۶۲»، عینًا از آخر نسخه نقل شد. و در ذیل همین موضع این شرح با قلم خوردگی روی اسامی دیده می شود:

«ولادت با سعادت قره العیونی میر محمد حسینی ولد سیادت پناه میر اسحق بن سیادت و نجابت دستگاه... (پارگی دارد) جهانمالی اتفاق افتاد در شب پنجشنبه سیم ماه جمید الثانی «کذا» وقت سحر سنه احدی سبعین و الف من الهجره ۱۰۷۱».

و باز دو تاریخ تولّد دیگر در پایین صفحه بوده است که بریده شده و در صحافی از بین رفته است. و نیز این شرح در همین موضع است:

«مالک این کتاب شریف میرزا عبدالوهاب خان سرتیپ فوج اصفهان است و در سنه هزار و دویست و هشتاد در اصفهان خریده بسیار خراب بود تعمیر نموده» الخ. مهر: «عبدالوهاب ابن محمد رفیع».

کاغذ نسخه تمامًا به رنگ لاجوردی است و کاتب به خطّ نستعلیق مستعجلًا استنساخ نموده. لکن در مواضع عدیده از اوّل تا آخر، در حواشی نوشته اند که مقابله شده است.

«۳۴۷» حدیقه المتّقین فی معرفه أحکام الدین لارتقاء معارج الیقین

(فقه _ فارسی)

از: مرحوم آخوند ملّا محمد تقی مجلسی اعلی اللّه مقامه، صاحب «روضه المتّقین.

ص : ۳۶۰

ش ۴۳۰».

کتاب: در بیان احکام طهارت و صلوه و زکوه و خمس و صیام است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد قاسم بن ملک محمّد است که به خواهش «عالیجناب اخند ملاّ جعفر جیلانی»(۱) نوشته. ختم کتابت: روز سه شنبه ۱۵ صفر ۱۲۱۰ [یا ۱۲۱۵].(۲) دو برگ از آغاز نسخه مفقود شده. یادگار مرحوم آقا سیّد فضل اللّه بن سیّد محمّد هاشم حسینی بهشتی اصفهانی «خواهر زاده نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه چهارسوقی» به تاریخ شب هشتم ربیع دوم ۱۳۲۲ در آخر نسخه هست.

«۳۴۸» الحدیقه النجفیّه فی شرح فواتح الروضه البهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه _ عربی)

از: آخوند ملاّ محمّد تقی بن حسینعلی، هروی اصفهانی نجفی _ علیه الرحمه _ (متوفی در کربلای معلّی ۱۲۹۹) . صاحب «السبع المثانی. ش ۴۵۸» و «حاشیه ریاض المسائل. ش ۲۷۸».

کتاب: شرح مقدّمه «شرح لمعه» شهید ثانی _ رضوان اللّه علیه _ و دارای فوائد جلیله ای است.

از کتاب «الذریعه ۶: ش ۲۴۲۸» دانسته می شود که «حدیقه» سه مجلّد است:

۱ _ در شرح مزجی دیباچه تا اول طهارت.

ص : ۳۶۱

۱- ۱) ظاهرًا مقصود صاحب «شرح المشاعر» است.

۲- ۲) به قرینه تاریخ ختم کتابت نسخه «حاشیه معالم الاصولِ. ش ۳۲۷» محقق بهبهانی که به خطّ محمّد حسن بن شیخ محمّد باقر السعدیّ در چهارشنبه ۱۷ صفر ۱۲۱۰ است، ظاهرًا در اینجا (۱۲۱۰) صحیح باشد و یک روز اختلاف ضرری ندارد، چون آفاق مختلف است.

۲ ــ در شرح تمام کتاب متاجر.

۳ ــ شرح کتاب های اجاره، وکالت، شُفعه، اقرار و قدری از غصب.

نسخه: همان بخش نخست، و از آغاز و انجام دو سه برگ ناقص است، از این روی نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد.

«۳۴۹» الحدیقه الهلالیّه

(دعاء ــ عربی)

از: بهاءالدین محمّد بن حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی، معروف به شیخ بهائی، علیه الرحمه، متوفی ۱۰۳۰.

کتاب: حدیقه چهل و سوّم از کتاب «حدائق الصالحین، فی شرح صحیفه الامام زین العابدین علیه السلام» است که شرح صحیفه سجادیّه باشد و تألیف آن ناتمام مانده، و این حدیقه به صورت کتابی مستقلّ می باشد که در قزوین شروع به نگارش آن نموده و در کاظمین در اوائل جُمادای دوّم ۱۰۰۳، تألیف آن تمام شده است، و به طبع رسیده.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در زمان مؤلّف نوشته شده. دو برگ اوّل آن مفقود است.

«۳۵۰» حِرْزُ الأمانی و وجه التّهانی معروف به «الشاطبیّه»

(قراآت ــ عربی)

از: «الشیخ الامام المُقرئُ ولیّ اللّه، أبو [محمّد] القسم بن فیرُّهِ بن خلف بن أحمد الرُّعَینیّ ثمّ الشّاطبیّ، رحمه اللّه»: به خطّ کاتب در ظهر نسخه. وفات: ۵۹۰ در قاهره: «الأعلام، زرکلی ۵: ۱۸۰: القاسم بن فیُّره».

کتاب: قصیده ای است در قراآت هفتگانه قرآن کریم، دارای ۱۱۷۳ بیت شعر، در

کمال اِبداع، و مطبوع است: «معجم المطبوعات». شرحی بر آن به شماره (۴۹۵) بیاید.

نسخه: نـام کـاتب و تاریـخ کتـابت نـدارد. به قرائن در سـده نهم نوشت شـده، و همان زمان در میان سـطرها و کنار صـفحات حواشـی فراوان نوشـته بوده اند، بعدها نسخه فرسوده و معیوب گشته، تا این که در اوائل سده دوازدهم متن اشعار را به دقّت از کنـاره اوراق معیوب جـدا کرده و از نو، به صورت متن و حاشـیه درآورده و صـحافی نموده و نسـخه را در کمال نفاست احیاء کرده انـد و صـفحه عنوان و دو صـفحه آغازین را تشـعیر و طلاانـدازی و جـدول کشـی و کمندانـدازی نموده اند، و گویا این کارها به دسـتور مالک نسـخه، مرحوم امیرالدین محمّد زاهدی طبیب از پزشـکان بنام زمان شاه سـلطان حسـین صـفوی، ساکن محلّه نو اصفهان، انجام گرفته است.

«۳۵۱» الحِصن الحَصین من کلام سیّد المرسلین

(دعاء ــ عربی)

از: شـیخ شمس الدین محمّد بن محمّد بن محمّد بن علی عمری دمشقی شیرازی، معروف به ابن الجزری شافعی (متوفّی ۸۳۳): «الأعلام، زرکلی ۷: ۴۵ ــ ۴۶».

کتـاب: در دعاءهـا و حرزهـای معتبره که از طریق اهل سـنّت از پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله روایت شـده، و در اواخر سال ۷۹۱، هنگامی که دمشق در محاصـره تیمور لنگ بوده، آن را برای اسـتخلاص از چنگ دشمنان دین تألیف کرده است. تاریخ فراغت از تألیف: یکشـنبه ۲۲ ذی الحجه ۷۹۱، در مـدرسه ای که خود مؤلّف در «رأس عقبه عبّـِان» داخل شـهر دمشق احـداث کرده بود. کتاب به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا حدود زمان تألیف نگاشته شده است. از کتابخانه آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمّدهاشم چهارسوقی بوده، تملّک فرزند ایشان،

ص : ۳۶۳

نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سید جمال الدین به تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۲۱، ظهر نسخه هست.

«۳۵۲» حقّ الیقین فی اصول الدین

(اصول دین ـ عربی)

از: مرحوم آخوند ملاّ محمّد طاهر بن محمّد حسین قمی، صاحب «تحفه عبّاسی. ش ۱۱۶».

کتاب: در یک مقدّمه است و پنج باب و خاتمه، در بیان اصول دین بر وفق مذهب شیعه و اخبار اهل بیت علیهم السلام .

نسخه: به خط علیّ بن درویش شبیل (ظ) الشریف. تاریخ استنساخ: ۱۲ ربیع دوّم ۱۲۴۰.

«۳۵۳» حلّ مشکلات الاشارات

(فلسفه ـ عربی)

از: خواجه نصیرالدین محمّد بن محمّد بن حسن محقّق طوسی ـ أعلی اللّه مقامه ـ (متولّد ۵۹۷، متوفّی ۶۷۲): «الأعلام، زرکلی ۷: ۳۰ ـ ۳۱».

کتاب: شرح کتاب «الاشارات و التنبیهاتِ» شیخ الرئیس ابو علی ابن سینا است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ افضل بن محمّد شفیع خراسانی تونی. تاریخ استنساخ: روز آدینه ۱۰۷۹، در مدرسه جدّه اصفهان. دو داستان سلامان و ابسال در دنباله آمده است، لکن نسخه فاقد قسم منطق می باشد.

تملّک کمال الدین محمّد بن معین الدین محمّد فسوی «میرزا کمالای شیرازی اصفهانی داماد مرحوم آخوند ملاّ محمّد تقی مجلسی، متوفی ۱۰۷۰» ـ علیهما الرحمه ـ و صاحب «شرح الشافیه. ش ۵۰۵» و مهر او «شفیع کمال الدین فی الآخره، محمّد

و عترته الطاهره، ۱۰۸۰» و «یا من له القدره و الکمال، ۱۰۸۰» ظهر نسخه هست. چند حاشیه نیز به امضاءِ «کمال. وفّقه اللّه تعالی» در سراسر نسخه هست.

ظهر برگ آخر، اسامی شروح و حواشی اشارات به خطّ میرزا کمالا نوشته شده است.

«۳۵۴» حیاه جاودانی

(قرآآت ــ فارسی)

از: حاج محمّد رضا فرزند محبّ علی سبزواری مشهدی، حافظ قاری روضه رضویّه (متوفی ۱۰۵۵ در شصت سالگی)، مدفون در روضه رضویّه، پایین پای مبارک: «ذریعه» به نقل از ملّا مصطفی قاری شاگرد وی در «رساله سند قرائت عاصم».

کتاب: منظومه مبسوطی است در قرائت و تجوید و فرش سوَر قرآنی، در مقابل «حرز الأمانی شاطبی. ش ۳۵۰»: «ذریعه». و خود گوید که این نظم فارسی شاطبی است.

نسخه:از آخر ناقص و مبتور است و لذا تاریخ تألیف و کتابت و نام کاتب معلوم نیست. و ظاهرًا از آثار سده دوازدهم است.

وقفنامه ماه شوّال ۱۱۲۱ روی برگ اوّل است. وقفی: آقا شفیع طبق وصیّت او.

آغاز: «حیات جاودانی در قراءت سبعه. بسم...

درین منظومه کردم ابتدا اوّل ببسم اللّه که رحمن و رحیمست وز حال بندگان آگاه

انجام موجود: «بتنوین لفظ اوّل دان به حال وقف الف دارد».

«۳۵۵» حیاه الحیوان

(موسوعات ــ عربی)

از: ابوالبقاء کمال الدین محمّد بن موسی دَمیری مصری شافعی، متوفی ۸۰۸.

نسخه: مجلّد دوّم کتاب است از حرف ضاد معجمه تا آخر، که فهرس آن با تعیین

ارقام صفحات به شکل لاتینی ـ رایج کنونی ـ با عنوان «برنامج الکتاب» به خطّ کاتب اصل، ظهر نسخه آمده است.

این نسخه به خطّ مغربی جَلیّ نوشته شده و بسیار نفیس است، و در پایان آن کاتب به طلای مزیّن نوشته است: «ممّا نسخ عن أمر عبداللّه المتّکل علی اللّه أبی محمّد حسن، نصره اللّه» و سپس تاریخ استنساخ: روز جمعه ۱۸ ربیع دوّم (عام ز ۴ و) که ظاهرًا مقصود سال ۷۷۶ باشد، بنا بر حساب جمل. و نام کاتب «علیّ بن سعد بن علیّ بن محمّد بن عبداللّه الخندقی» آمده است.

صفحه اوّل دارای یک سرلوح طلای تزیینی و یک ترنج طلا در حاشیه است و در سرلوح عبارت «قال الشیخ الامام ابوعبدالله محمّد الدّمیریّ» به طلا نوشته شده. تعداد اوراق نسخه در گوشه بالای صفحات به خطّ کاتب و به صورت لاتینی، ۱۸۷ تعیین شده است.

تملّک محمد تقی بن محمد رضا رازی در دارالسلطنه اصفهان به سال ۱۰۴۹، ظهر نسخه دیده می شود.

«۳۵۶» حیاه القلوب

(مناقب ـ فارسی)

از: علاّمه مجلسی، مولانا محمّد باقر بن محمّد تقی (متوفی ۱۱۱۰) ـ علیهما الرحمه ـ .

نسخه: مجلّد دوّم است از آغاز تاریخ رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا باب ۲۸ و از آخر ناقص است.

انجام موجود: «و ابن شهر آشوب از سلمان روایت کرده است».

نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد و به قرائن در قرن سیزدهم نوشته شده است، و هیچ نوع امتیازی ندارد.

ص : ۳۶۶

«۳۵۷» حیاه النفس فی حظیره القدس

(عقائد ـ عربی)

از: مرحوم شیخ احمد بن زین الدین احسائی، مقتدای شیخیّه.

کتاب: مشتمل بر یک مقدّمه و پنج باب و خاتمه است در مباحث اصول دین و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمد حسین شهیر به میرزا جان ابن محمد رضی حسینی. تاریخ ختم کتابت: دهم جمادی الاولی ۱۲۶۸.

«۳۵۸» الخرائج و الجرائح

(معجزات ـ عربی)

از: الشیخ الامام قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبه اللّه الراوندی رضی الله عنه ، صاحب «منهاج البراعه». که در آنجا پیرامون احوال و آثارش بحث شده است.

مرحوم آقای حاج سیّد عبدالعزیز طباطبائی نیز در هفتمین بخش از سلسله مقالات «نهج البلاغه عبر القرونِ» چاپ شده در نشریّه شریفه «تراثنا. ش ۳۸ و ۳۹. قم. ۱۴۱۵: ۲۵۴ ـ ۲۹۷»، زیر عنوان «منهاج البراعه»، درباره جناب قطب و خاندان و آثارشان قلمفرسایی کرده و در آغاز، نام و نسب ایشان را بدون توضیح این گونه نوشته اند:

«قطب الدین ابوالحسین سعید بن عبداللّه بن الحسین بن هبه اللّه بن الحسن بن عیسی الراوندی، و یقال له اختصارًا: سعید بن هبه اللّه».

برای توضیح اجمالی پیرامون این نام و نسب، مختصری در «ثقات عیون: ۱۲۴» دیده می شود و محتاج تحقیق بیشتر است.

کتاب: شامل بیست باب در معجزات حضرات معصومین علیهم السلام و أعلام نبوّت و دلائل

امامت و مسائل مربوط به معجزات است، و مکرّر به طبع رسیده.

نسخه: کامل و معتبر است. نام کاتب ندارد. تاریخ پایان کتابت: روز آدینه بیستم ربیع دوّم ۸۹۵. تملّك و مُهر «عبده الراجی محمّد جواد الموسوی» در تاریخ ۱۲۳۴ و تملّك بهرام علی در ۹۵۲، ظهر نسخه هست.

«۳۵۹» خزائن الجواهر سلطانی

(دعاء _ فارسی)

از: میر محمّد حسین بن محمّد صالح حسینی خاتونابادی _ علیهما الرحمه _ . «دو گفتار، روضاتی: ۲۸ _ ۲۹» و «رساله تونیّه: مقاله در بیان احوال و آثار ملّا محمد علی تونی».

کتاب: مجموعه ای است در ادعیه و زیارات و اعمال عبادتی.

نسخه: خزینه دویم است در بیان فضایل و اعمال ماه مبارك شعبان، مشتمل بر چند باب، و مقدّمه آن در بیان احکام رؤیت هلال و آنچه متعلّق به آن است، و خاتمه در بیان نماز خسوف و کسوف و آیات و زلزله و احکام آن، و بیان روز نوروز و اعمال آن.

در آخر خزینه دویم (پیش از خاتمه)، این عبارت به خطّ کاتب و متّصل به متن کتاب دیده می شود:

«و فرغت من تحریره فی شهر ربیع الاول المنتظم فی شهور سنه احدی و عشرین و مائه بعد الألف».

از آخر خاتمه یکی دو ورق ساقط شده و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد، بی شكّ در زمان مؤلّف استنساخ شده و خطوط خود وی نیز در نسخه هست.

«۳۶۰» الخصال

(حدیث _ عربی)

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی _ رضوان اللّه علیهم _ .

کتاب: در آداب شرعیّه عددیّه است که در احادیث اهل بیت علیهم السلام وارد شده است در دو جزء و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ عالم مجتهد مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمّد مهدی چهارسوقی، فرزند اکبر آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنات». تاریخ فراغت از استنساخ جزءِ اوّل: اواخر ماه شعبان ۱۲۶۶. فراغت از جزء دوّم: پنجم ذیقعده ۱۲۶۶.

کاتب معظّم همه جا در حواشی توضیحات و حدیث های دیگری از سایر کتب آورده است. روی اوراق عطف اوّل و آخر نیز مطالبی به خطّ عالم عامل بزرگوار، مرحوم آقا میرزا سید علاءالدین فرزند کاتب نسخه ــ اعلی اللّه مقاماتهم ــ دیده می شود.

«۳۶۱» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: جمعه ۱۲ ماه رمضان ۱۱۳۲. در پایان جزء اوّل، اسمعیل بن شیخ ابراهیم عبدالعالی در ۱۱۳۳، بلاغ نسخه را نوشته است.

ظهر نسخه، تملّك محمّد و مُهر او «اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد» و تملّك مورّخ ۱۱۵۰ و مهر «حسین الرضوی ۱۱۴۸» و مُهر «عبدالوهاب بن محمّد مهدی الموسوی» که در جمادای دوّم ۱۲۸۳ کتاب را بابت طلبی که از «مرحومه مغفوره عمّه خیر النساء بیگم» داشته، قبول کرده است و مهر «محمّد باقر بن محمّد نقیّ الموسویّ» یعنی مرحوم سیّد حجّه الاسلام شفتی بیدآبادی اعلی اللّه مقامه.

«۳۶۲» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ «اباالفتح بن مسعود بن شیخ محمّد القاری». تاریخ استنساخ: ظهر روز سه شنبه ۲۱ جُمادای یکم ۹۶۴ در دارالسلطنه تبریز. برگ نخست افتاده بوده مرحوم

ص : ۳۶۹

عالم کامل آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی ــ نیای اعلی ــ به خطّ خود نوشته و نسخه را تکمیل کرده اند. روی برگ اوّل یادداشتی از «مهدی بن محمّد باقر فشارکی» مرحوم آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آخوند ملّا محمّدباقر فشارکی ــ علیهما الرحمه ــ از علماءِ بزرگوار اصفهان به تاریخ «۲۰ حجه ۱۲۸۹» نوشته شده است.

«۳۶۳» نسخه دیگر

نسخه: شامل هر دو جلد کتاب، به خطّ حاجی محمّد طالب بن مولانا محمّد. پایان استنساخ: شانزدهم ذیقعده ۱۰۶۳. فهرست کتاب در آغاز نسخه گذارده شده است.

خلاصه ابن مالك: الألفيّه

«۳۶۴» خلاصه الأذكار و اطمینان القلوب

(دعا ــ عربی)

از: مولانا محسن فیض کاشانی محمّد بن مرتضی رحمه اللّه علیهما.

کتاب: مشتمل بر دعاها و ذکرهای وارده در کتاب و سنّت است، برای تمام ساعات شب و روز و به طبع رسیده. فراغت از تألیف: ۱۰۳۳ در ۲۶ سالگی مؤلّف.

نسخه: به خطّ محمّد امین بن محمّد ابراهیم. تاریخ کتابت: روز دوشنبه پنجم ذی القعده ۱۱۳۲. مُهرهای «الواثق باللّه الغنیّ، محمّد علیّ الحسینیّ ۱۲۱۷» و «عبده محمّد صادق بن زین العابدین الموسوی»، «عبده محمّد صادق الموسوی»، «افوّض امری الی اللّه عبده احمد ۱۱۱۹»، «عبد الغنیّ بن محمد علیّ اللمامی» و خطّ مبارك مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سید حسن چهارسوقی ــ نیای گرامی ــ در اوّل و آخر نسخه است.

ص : ۳۷۰

«۳۶۵» نسخه دیگر

نسخه: دو برگ آخر و نام کاتب و تاریخ کتابت و امتیازی ندارد.

«۳۶۶» خلاصه اللّغات و تفسیر المشکلات

(لغت _ عربی به فارسی)

از: اسماعیل بن لطف اللّه باخرزی.

کتاب: ترجمه لغات متداول و مشکل عربی است به فارسی، مختصر و مفید.

نسخه: برگ آخر ندارد و کاتب و تاریخ آن نامعلوم است. به قرائن متعلّق به سده یازدهم است.

«۳۶۷» خلاصه المنهج

(تفسیر _ فارسی)

از: مولانا فتح اللّه بن شکر اللّه شریف کاشانی (متوفی ۹۸۷. ظ) اعلی اللّه مقامه. «ذریعه ۷: ش ۱۱۳۰».

نسخه: از اوّل کتاب است تا تفسیر آیه شریفه «انّما یفتری الکذب» از سوره مبارکه نحل، و اوراق پس از آن در این جلد نیست. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آثار قرن ۱۱ _ ۱۲ می باشد.

«۳۶۸» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم از یک دوره هشت جلدی است، از تفسیر سوره مبارکه نساء تا آخر سوره مبارکه أنعام. خطّ نسخ شیخ محمد مهدی سهندی ابن شیخ ابو تراب سهندی

کُجُجی. تاریخ کتابت ندارد.

«۳۶۹» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوّم از دوره هشت جلدی است، از تفسیر سوره مبارکه اعراف تا آخر سوره مبارکه کهف. نام کاتب ندارد و تنها در پایان تفسیر سوره هود تاریخ ۱۰۹۶ قید شده و ظاهرًا به خطّ کاتب مجلّدات دیگر است.

«۳۷۰» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد هفتم از دوره هشت جلدی است از تفسیر سوره مبارکه یسآ تا آخر سوره مبارکه النجم. خطّ نستعلیق و نسخ. بی نام کاتب.

«۳۷۱» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد هشتم (یعنی مجلّد آخر) دوره است، از تفسیر سوره القمر تا آخر قرآن کریم. خطّ نسخ شیخ محمد مهدی سهندی است، لکن در این مجلّد نام خود را ننوشته و تاریخ هم ندارد.

خلاف: مسائل الخلاف

«۳۷۲» خلافیّه

(فقه _ فارسی)

محقّق سبزواری مولانا محمّد باقر بن محمّد مؤمن، مؤلّف «جامع الزّیارات عبّاسی ش ۲۱۷» این کتاب را مانند رساله های علمیّه مجتهدین برای استفاده و عمل مقلّدین نگاشت و بر یک مقدّمه و ۳ باب «طهارت، نماز، روزه» مرتب گردانید و در آن فتاوی

خود را آورد و به آراءِ مختلفه مجتهدین دیگر در مسائل نیز اشاره نمود.(۱) تاریخ تألیف این رساله معلوم نیست، لکن در عهد سلطنت شاه عباس دوّم تألیف شده که (چنانکه در «مضمار دانش» گفته ایم)، شاهیِ او از ۱۶ صفر ۱۰۵۲ تا ۲۵ ع ۱ _ ۱۰۷۷ بوده است.

نسخ این رساله نسبةً فراوان و در «ذریعه ۷_ ۲۳۹» یاد شده است.

آغاز: «بسم... درین اوان سعادت نشان که از مَیامِنِ إشراقات انوار اقبال اعلی حضرت شاهنشاه... شاه عباس الثّانی الحسینی الموسوی الصّفوی... عرصه جهان بأنوار معدلت و راحت منوّر است... و خواصّ و عوامّ به امور دینی رغبت بیحدّ می نمایند، و أکثر خلایق به طاعات و عبادات و اقامت صلوات و جماعات اشتغال دارند، و روز به روز در میل به معرفت مسائل شرعیّه و دانستن امور دینیّه می افزایند، و در اجتماع مجامع و معابد و مدارس می کوشند؛ به خاطر فاتر فقیر محمّد باقر السّبزواری رسید که کتابی در معرفت احکام شرعیّه ضروریّه به عبارت فارسی بنویسد... بر وجهی که مشتمل باشد در مسائل خلافیّه بر آنچه در نظر این فقیر اصحّ و اقوی است... و در تحریر کتاب مذکور شروع نمود و از إطناب و إکثار و تعرّض مسائلی که کمتر به آن احتیاج واقع می شود احتراز نمود و به خلافهای معتدّبه اشاره کرده شد...».

انجام: «این کفّاره مخیّر است چون کفّاره رمضان یا نه، و أشهر و اقرب اوّلست».

فهرست: مقدّمه درباره معرفت اصول دین و مجملی پیرامون اجتهاد و مذاهب

ص : ۳۷۳

---

۱ – ۱) با تأسف، مقدّمه نویس ناآگاه کتاب «روضه الأنوار عبّاسی. چاپ تهران. ۱۳۷۷ ش. ص ۳۶» بی مُحابا، نوشته است: «رساله فارسی الخلافیّه نگارش دیگر سبزواری است که به خلافات أصحاب پیامبر صلّی اللّه علیه و آله پرداخته است»!

مجتهدان و أخباریان و قائلان به احتیاط، و در پایان مقدّمه مختصری در باب وجوب تقلید از مجتهد اعلم نگاشته است: باب ۱ ــ در طهارت، و درین باب دو مقصد است. مقصد ۱ در طهارتی که به نیّت احتیاج دارد و آن وضو و غسل و تیمّم است، لاجرم این مقصد را بر سه رکن مرتب داشت. مقصد ۲ در طهارتی که به نیّت احتیاج ندارد، و در این مقصد سه رکن است. باب ۲ ــ در احکام نماز، و درین باب سه مقصد است. مقصد ۱ در نمازهای یومیّه... و درین مقصد سه رکن است. مقصد ۲ در نمازهای واجب غیر از نمازها که در شبانه روز مکرّر می شود، و درین مقصد چند فصل است. مقصد ۳ در بعضی احکام متعلّقه به نماز و درین مقصد چند فصل است. باب ۳ در صوم، و درین باب ۱۳ فصل است، و فصل آخرین در اعتکاف.

نسخه: دارای ۲۰۰ برگ. دو برگ اوّل و آخر سفید، و روی برگ ۲، چند مهر مختلف منقوش است، کاغذ زاغی، خط نسخ ۱۸ سطری، عناوین به شنگرف، جلد تیماج زرد با ترنج و سرترنج و سرطبل، آستر کاغذ گلی، اوراق جدول کشیده به طلای اشرفی و لاجورد، آغاز کتاب دارای سرلوح تذهیب طلا اشرفی و لاجورد و شنگرف، قطع ۱۱ × ۱۹ و نیم، متن ۶ × ۱۴. این نسخه آثار تصحیح و مقابله ندارد و مغلوطست. نسخه دیگری در شماره بعد معرّفی خواهد شد.

«۳۷۳» نسخه دیگر

پیرامون نسخه ای از «خلافیه» محقّق سبزواری در شماره قبل سخن گفتیم. اینک نسخه ای دیگر از این کتاب را ذیلاً ـ می شناسانیم.

این نسخه قسمتی از مقدّمه کتاب را فاقد است و همچنین برگ آخر را. و از جهت صحّت بهتر از نسخه سابق است.

ص : ۳۷۴

نسخه: دارای ۱۱۷ برگ. کاغذ زرد اصفهانی، خط نسخ ۲۰ سطری، عناوین به سرخی، بالای عبارات عربی و اوائل مطالب نیز به سرخی خط کشیده شده و هم عناوین به سرخی در حاشیه ها قید شده. جلد تیماج قرمز یک لا، قطع ۱۱ × ۱۷ و نیم، متن ۷ و نیم × ۱۲ و نیم. نسخه از کتابخانه نیای گرامی، آیه اللّه مرحوم حاج میرسیّد محمّد موسوی چهارسویی «یاد شده در ذیل تحفه عبّاسی. ش ۱۱۶» بوده است.

«۳۷۴» درایت نثار

(ردّ صوفیّه _ فارسی)

از: محمّد بن محسن بن مرتضی کاشانی، معروف به علم الهدی، علیهم الرحمه.

کتاب: چنان که در مقدّمه گوید، رساله ای است «در لعن و طعن جماعت صوفیّه که تابع معاندان اهل بیت پیغمبرند...».

نام کتاب در ظهر نسخه به خطّ کاتب متن چنین است: «کتاب درایت نثار، فتح اللّه به أعینَ الاعتبار». لکن در متن تصریح به نام کتاب نشده و تنها در آغاز آن گوید: «نگارنده این کلمات درایت نثار: علم الهدی...».

کتاب در شش گفتار است. تاریخ پایان تألیف: ماه صفر ۱۱۰۷، در قریه قمصر کاشان.

نسخه: نام کاتب ندارد، لکن بی شبهه به خطّ شخص مؤلّف یا یکی از نزدیکان او است و شاید همان صاحب مهر «إنّه من سُلیمان» باشد که ظهر نسخه ذیل نام کتاب دیده می شود. تاریخ پایان استنساخ: ماه رجب ۱۱۰۸.

مهرهای دیگرِ ظهر نسخه: «الراجی محمّد محسن الفیضی» و «یا محسن اغفر لی. محمّد علم الهدی ۱۱۱۶» که مهر شخص مؤلّف است و «محمّد هاشم بن جلال الدین الموسویّ» که از آنِ والد ماجدِ نویسنده این فهرست است، رحمه اللّه علیه و علیهم.

«۳۷۵» الدّر المنثور من المأثور و غیر المأثور

(شرح احادیث ــ عربی)

از: شیخ علیّ بن محمّد بن حسن بن شهید ثانی زین الدین عاملی رضوان اللّه علیهم.

نسخه: مشتمل بر دو جزءِ کتاب است. تاریخ پایان استنساخ جزءِ اوّل: شب ۱۵ جُمادی الاولی ۱۰۷۹ و تاریخ استنساخ جزءِ دوم: سلخ جُمادی الاولی همان سال. کاتبِ هر دو جزء: «عبداللّه» و بیش از این معرّفی ندارد.

تمام صفحات جدول کشی شده و صفحه اوّلِ جزء اوّل، دارای سرلوح معمولی است. فهرست کتاب در جَداول ترسیمی در آغاز نسخه نوشته شده است، لکن دو سه برگ از آغاز فهرست ساقط گردیده. در سراسر نسخه هیچ گونه حاشیه و اثر تصحیح و مقابله به نظر نرسید.

«۳۷۶» الدرّ المسبوک فی نقل نصیحه الملوک

(اخلاق سیاسی ــ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: ترجمه عربی «التّبر المسبوک فی نصیحه الملوکِ» ابو حامد محمّد غزّالی طوسی است که در آداب و اخلاق سیاسی و نصائح به سلاطین، خطاب به سلطان محمّد بن ملک شاه سلجوقی نوشته است.

نسخه: دارای ۲۹ برگ (۱۴ × ۱۹) و چند برگ عطف و بدرقه. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ظاهرًا در سده نهم استنساخ شده است. نام کتاب به خطّ کاتب متن در ظهر نسخه چنین آمده است:

«کتاب التّبر المسبوک فی نصیحه الملوک. منقول من اللغه الفارسیّه إلی الالفاظ العربیّه. للشیخ الامام زین الدین حجّه الاسلام شرف الأئمّه الأعلام أبو حامد محمّد بن محمّد بن محمّد الغزالیّ...».

آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» که مالک نسخه بوده اند، در ظهر نسخه _ به نقل از ابن خلّکان _ نوشته اند که ترجمه عربی از صفیّالدین ابوالحسن علیّ بن المبارک اللّخمیّ الاربلی است. از «کشف الظنون ۲: ۱۹۵۸» مستفاد می شود که ترجمه اربلی به نام «نتیجه السّلوک» است و نسخه ما که آغاز آن را نیز نقل کرده نامش «الدرّ المسبوک» می باشد، لکن در نسخه حاضر چنین نامی نوشته نشده و ما به استناد کشف عنوان را انتخاب کردیم. در «کشف» گوید: «... و نقله بعضهم من الفارسیّه الی العربیّه و سمّاه الدرّ المسبوک فی نقل نصیحه الملوک. اوّله: الحمد للّه علی إنعامه و إفضاله. إلخ...».

ظهر نسخه چند تملّکِ محو شده هست، و در برخی از مواضع؛ نیای گرامی مطالبی متناسب با متن کتاب در حاشیه نوشته اند. استاد جلال الدین همائی در مقدّمه فارسی «نصیحه الملوک» از ین نسخه یاد کرده اند.

«۳۷۷» الدروس الشرعیّه فی فقه الامامیّه

(فقه _ عربی)

از: شهید اوّل محمّد بن مکّی، رضوان اللّه علیه.

نسخه: ظاهرًا تمام است. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. کمی حواشی متفرقه و آثار مقابله و تصحیح دارد و به قرائن در سده یازدهم استنساخ شده است. روی برگ اوّل، تملّک و مُهر محمّد امین بن شیخ شکر، و نیز فهرست کتب دروس، ظهر برگ عطف

نوشته شده است.

«۳۷۸» نسخه دیگر

نسخه: تمام است از کتاب طهارت تا کتاب رهن، در ۲۹۱ برگ.

انجام: «و هذان الفرعان مع اشتراط الرهن فی البیع. هذا آخر کلامه قدس اللّه سرّه... و انّی فرغت من تتمیم هذه النّسخه الشریفه الشهیدیّه فی ضحوه یوم الخمیس ۳ شهر شوال... موافق لثانی شهر فروردین ماه جلالی من شهور سنه (۱۰۴۴)... و أنا... ابن کمال الدین اشرف الحسنی الحسینی محمّد یدعی طاهر الطباطبائی... بلغ قبالاً».

روی برگ اوّل، فهرست کتب دروس (۴۸ کتاب) و شماره اوراق نسخه به خطّ کاتب، و ایضاً تعداد اوراق و سطور و ابیات کلّ نسخه «۱۴۱۲۵ بیت تخمینًا»، و ایضًا تملّک و مهر نویسنده نسخه و فرزندش «رضیّالدین محمد الحسینی ۱۰۸۴» دیده می شود. نسخه مصحَّح کامل مرغوبی است.

«۳۷۹» دلائل الأحکام فی شرح شرائع الاسلام

(فقه ــ عربی)

از: آقا سیّد ابراهیم بن محمّد باقر موسوی قزوینی حائری (متوفی ۱۲۶۲) علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «شرایع الاسلام» محقق حلّی مولانا ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی قدس سره ، و چنان که از «ذریعه» مستفاد می شود، تقریبًا تألیف آن تمام است.

نسخه: از آغاز است تا پایان کتاب صوم. و این است عبارت آخر نسخه:

«و النّصوص و السّیره و انّه لو حرم لشاع. قوله: کتاب الاعتکاف و الکلام فیه فی

اقسامه و أحكامه. هذا آخر ما كتبه ــ قدّس اللّه روحه و نوّر ضريحه ــ فی العبادات، و قد تمّت علی يد العبد الأثم ابوالقاسم الكاتب النجفیّ فی ليله الجمعه ۲۳ صفر من سنه (۱۲۷۳)».

ناگفته نماند كه كلام كاتب مقيّد به «عبادات» است. يعنی در قسم عباداتْ شارح بيشتر ننوشته است و ناظر به قسم معاملات نيست.

توضيح: به قرائن، اين نسخه از روی نسخه خطّ شريف مؤلّف استنساخ شده و تا آخر نماز مسافر را خود جلد اوّل قرار داده و خاتمه ای در آن موضع نگاشته و تاريخ پايان تأليفِ جلد ياد شده سحر شب شنبه از دهه نخست ماه شوّال ۱۲۴۶ قيد شده است، و پس از آن كتاب زكوه است.

«۳۸۰» نسخه ديگر

نسخه: شگفتا كه در سراسر نسخه حاضره هيچ نام و نشانی از مؤلّف و كتاب مطلقًا به نظر نرسيد و آنچه مسلّم می نمايد اين كه شرح شرائع است به «قوله»، و حقير با مروری كه در سراسر نسخه كردم، مظنونم شدم كه يك مجلّد از «دلائل الاحكام» آقا سيّد ابراهيم است كه نسخه مجلّد عبادات آن را معرّفی كرديم و سبك نگارش هر دو كتاب كاملاً مطابق يكديگر می باشد، و در اين مجلّد، مطلقًا نامی از مشايخ شارح و نامی از تأليفات ديگر خودش به نظر نرسيد، و حقًّا كتاب بسيار معتبری است و از متأخّرين هم نامی نياورده و تنها يكجا نام «حدائق» و يكجا نام «رياض» ديده شد و در كتاب وصايا هم گويد: «كما حقّقناه فی كتبنا الاصوليّه» كه البتّه می دانيم از آقا سيد ابراهيم دو كتاب «ضوابط» و «نتايج الافكار» در اصول فقه بسيار مشهور است. و در اين مجلّد آنچه به نظر رسيد، ارجاع به كتاب های حدود و زكات و صوم و متاجر و بيع و وكالت و رهن از

همین کتاب خود کرده است.

نسخه: شامل این کتاب ها است: اجاره، وقوف و صدقات، سکنی و تحبیس، هبات، وصایا، نکاح، طلاق، خلع، ظهار، لعان. نام کاتب و تاریخ کتابت مطلقًا ندارد. مسلّمًا حوالی زمان شارح در نجف اشرف استنساخ شده است.

آغاز: «بسم. کتاب الاجاره هی لغهً الأجره و هی کری الأجیر، لا مصدر آجر فانه الایجار».

انجام: «ففی استلزام ذلک للاقرار بالاجزاءِ و نفیه اذ لا ملازمه بینهما وجهان».

«۳۸۱» دلیل المؤمن فی سلوک سبیل المهیمن

(امامت ــ فارسی)

از: میر محمّد مؤمن بن میر قوام الدین محمّد حسینی حسنی علیه الرحمه.

کتاب: در ردّ یکی از قضات رومیان است و در آن حدیث «الناس علی دین ملوکهم» را شرح کرده و سپس در باب اوّل راجع به امامت ائمّه اثنی عشر علیهم السلام و در باب دوّم حدیثِ «خلقت الخیر و أجریته علی یدی من أحببته» و ابطال مذاهب باطله جبریّه و اشباه آن است.

این رساله در زمان حیات پدر مؤلّف و بعد از درگذشت علاّمه مجلسی (سال ۱۱۱۰) تألیف شده و مصدّر است به نام شاه سلطان حسین.

نام کتاب به شرحی که در بالا نوشتیم، در متن نیست، فقط به خطّ ناشناسی در بالای صفحه اوّل نوشته شده، و در پایین صفحه نوشته اند: «در تفسیر حدیث الناس علی دین ملوکهم و چند حدیث دیگر، فارسی، تألیف میر محمدمومن بن میر قوام الدین الحسینی،

قطع کوچک، کاغذ سمرقندی شکری مجدول مذهّب، جلد تیماج بیاضی سفید». نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

«۳۸۲» الدمعه السّاکبه و المصیبه الراتبه و المناقب الثاقبه و المثالب العائبه

(مناقب و مصائب ــ عربی)

از: آخوند ملا محمد باقر بن عبدالکریم دهدشتی بهبهانی نجفی علیه الرحمه.

کتاب: در احوال و مناقب و مصائب پنج تن آل عبا ــ صلوات اللّه و سلامه علیهم ــ است، در دو جزء و به طبع رسیده و تاریخ ختم تألیف جزء اوّل در این نسخه، ۱۲ ماه رجب ۱۲۷۶ قید شده است.

نسخه: به خطّ احمد بن محمد علی اصفهانی، متخلّص به غوّاص است که از خوشنویسان و شاعران اصفهان بوده ــ چنان که از همین نسخه مستفاد می شود ــ و در آخر کتاب قصیده ای در مناقب حضرت سید الشهداء علیه السلام به عربی از خود آورده است.

کاتب در بالای صفحه اوّل هر دو جزء، شرحی به عربی نگاشته و مدح و تعریف بلیغ از «آقا میرزا محمّد مهدی» که این نسخه را به دستور او استنساخ کرده نوشته است.

«۳۸۳» دیباجه برهان الصادقین

(مواعظ ــ فارسی)

از: محمّد صالح واعظ، ابن حاجی محمّد صادق ایواغلی.

این شخص همان مترجم رساله «أسرار الصلوه ــ التنبیهات العلیّه» شهید ثانی ــ رضوان اللّه علیه ــ است که آقای حاج سیّد جلال الدین حسینی محدّث ارموی، آن را در (۱۳۶۸ ق) در تهران چاپ کردند.

کتاب: دیباچه «برهان الصادقین» است که نویسنده قصد داشت در آن چهل حدیث در فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گردآوری و به فارسی برگرداند، لکن گویا موفّق نشده و تنها این دیباچه مفصّل را که خود اثر مستقلّی است، نگاشته و خواسته است آن را به مطالعه شاه سلطان حسین صفوی برساند، و سرتاسر این دیباچه در شکایت از مردم زمان و ارباب مناصب و اطرافیان شاه و قاضیان و متولّیان موقوفات است، و هم در آن اظهار فقر و مسکنت نموده، و گاهی نیز اشعاری از خود آورده، و در جایی گوید که هفتاد و نه سال از عمر او گذشته است.

نسخه: اصل خطّ نگارنده است و چند سطری از پایین برگ اوّل محو شده و در سوابق ایّام شخصی در نام محمّد صالح تصرّف کرده و خواسته است محمّد رضا بنویسد. مُهرِ «عبده الراجی رجبعلی» در نسخه هست.

«۳۸۴» دیوان اشعار

(نظم ـ فارسی)

از: صائب تبریزی محمّد بن علی، ملقّب به مُستعدّخان (متوفی ۱۰۸۷ در اصفهان): «هديّه العارفين».

کتاب: مجموعه غزليّات و غيرها است و مکرّر چاپ شده است.

نسخه: دارای حدود «۱۲۱۶۰» بیت شعر است و دو سه برگ از اوّل و وسط افتاده دارد. کاتب: محمّد کاظم خاتونابادی. تاریخ ندارد و گویا در زمان خود شاعر نوشته شده. مُهر «السعید سعید فی الدارین (۱۰۵۰)» و یادداشت «بتاریخ چهارشنبه ۱۶ ذیقعده (۱۲۱۲) در کاشان به ید مهدی بن ابوطالب الحسنی الحسینی در دکان کتاب فروشی...» روی برگ آخر دیده می شود.

«۳۸۵» دیوان اشعار

(نظم _ فارسی و عربی)

از: میر محمّد باقر داماد حسینی ابن میر شمس الدین محمّد استرآبادی، متخلّص به اشراق _ علیه الرحمه _ (متوفی ۱۰۴۰) مدفون در نجف اشرف.

کتاب: در اصفهان چاپ شده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد، گویا نزدیک زمان ناظم نوشته شده است.

خطّ والد ماجد نویسنده فهرست، آیه اللّه میرزا سیّد محمّد هاشم روضاتی در حواشی و مُهر پدر بزرگوار ایشان، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین چهارسوقی _ علیهما الرحمه _ در ظهر نسخه دیده می شود.

«۳۸۶» الدیوان

(نظم _ عربی)

از: سیّد شریف رضیّ محمّد بن الحسین الموسوی (متوفی ۴۰۶) أعلی اللّه مقامه.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ پایان کتابت: ۷ ماه رمضان ۱۰۶۹. در گوشه صفحه آخر نوشته اند:

«بلغ مقابله علی الاُمّ المنسوخ منها علی حسب الطاقه فصحّ، و الکمال للّه سبحانه. جمادی سنه ۱۰۷۰».

واضح است که نسخه در یَمَن و برای امام یمن نوشته شده. روی برگ اوّل، این مطالب دیده می شود:

۱ _ «هذی دیوان الرضی رحمه اللّه تع».

۲_ «من خزانه مولانا امیر المؤمنین المهدی لدین اللّه ربّ العالمین». إلخ.

«۳۸۷» ذخیره المعاد

(مواعظ _ فارسی)

از: آخوند ملاّ محمّد باقر(۱) بن ملاّ محمّد جعفر فشارکی اصفهانی علیهما الرحمه (متوفی ۱۳۱۴).

کتاب: پنجاه و شش مجلس موعظه منبری است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد بن ابوالقاسم حسینی(۲) است. تاریخ استنساخ: پنجم ربیع الاول ۱۳۲۷. از کتابخانه مرحوم آقای حاج میرزا سیّد محمد باقر تویسرکانی اصفهانی بوده و یادداشت هایی به خطّ آن مرحوم در هامش سراسر نسخه نوشته شده است.

«۳۸۸» ذخیره المعاد فی شرح الارشاد

(فقه _ عربی)

از: محقّق سبزواری اصفهانی آخوند ملا محمّد باقر بن محمّد مؤمن علیهما الرحمه (متوفی ۱۰۹۰) صاحب «خلافیّه. ش ۳۷۲».

کتاب: در شرح مزجی «ارشاد الأذهان الی أحکام الإیمانِ» علاّمه حلّی قدس سره است و به طبع رسیده.

نسخه: مجلّد اوّل است، تمامًا در شرح کتاب طهارت. تاریخ اتمام تألیف: اواخر ماه

---

۱ – ۱) داماد نیای گرامی، آیه اللّه حاجّ میر سیّد محمّد موسوی چهارسویی، برادر معظّم امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» اعلی اللّه مقامهما.

۲ – ۲) مرحوم آقای حاج میرزا محمّد باقر تویسرکانی در هامش پایان نسخه چنین نوشته اند: «فوت مرحوم مبرور آقا سیّد محمّد قمشه کاتب این نسخه که از صلحاء و دوستان قدیمی ما بوده و از تلامذه خلد آشیان مرحوم مبرور آقای والد (یعنی مرحوم آقای حاج سیّد عبدالغفار تویسرکانی) أنار اللّه مضجعه الشریف بوده، فی لیله العاشر من شهر ربیع الثانی من عام ۱۳۳۲».

رمضان ۱۰۵۰. کاتب: عبداللّه بن محمّد سعید خونساری. تاریخ کتابت: روز چهارشنبه ۱۶ ربیع یکم ۱۲۲۶. تملّک علیّ بن ابوالفضل محمد موسوی به تاریخ نهم صفر ۱۲۶۸ و مهر نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین روضاتی، در ظهر نسخه هست.

«۳۸۹» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب صلوه است تا تعقیبات.

نام کاتب و تاریخ ندارد. به قرائن در سده دوازدهم نوشته شده و ربع اوّل نسخه دارای حواشی بسیار به خطّ «رض عفی عنه»، برخی از خود او و برخی از دیگران است.

بقیّه نسخه امتیازی ندارد.

«۳۹۰» نسخه دیگر

نسخه: در هامش صفحه اوّل نوشته اند، مجلّد چهارم کتاب است و تمامًا در شرح کتاب حجّ است، و این نسخه همانند نسخه چاپی تا شرح کلام مصنّف «و یستحبّ إتیان المساجد بالمدینه و قبور الشهداءِ بأُحد خصوصًا قبر حمزه» رسیده، و آخرین جمله موجود: «و رواه الکلینیُّ عن عمّار السّاباطیّ عن الصادق علیه السلام» است.

نام کاتب و تاریخ کتابت و تزیینی ندارد و ظاهرًا مصحّح است و حدود زمان مؤلّف نوشته شده است.

«۳۹۱» نسخه دیگر

نسخه: فقط مشتمل بر کتاب حج است و آخر آن نانویس مانده و لذا نام کاتب

و تاریخ کتابت معلوم نشد.

انجام موجود: «هو المسجد الّذی ردّت فیه الشمس لأمیر المؤمنین (ع) بالمدینه و رواه الکلینیُّ عن عمّار الساباطیّ عن الصادق علیه السلام».

مقدار کثیری از نسخه، علامت مقابله دارد و نیز حواشی بسیار به توقیع «ع ص م» که ظاهرًا مقصود مرحوم میر محمّد معصوم حسینی خاتونابادی است.

روی برگ اوّل نوشته اند: «عدد اوراق ۲۲۴ که نوشته شده است، از کتب وقفی مرحمت پناه میر محمد معصوم خاتون آبادی می باشد».

این تاریخ فوت روی ورق عطف است: «فوت صبیّه مرحوم ملاـ محمّـد طاهر زوجه میرزا محمّـد نصیر طبیب، به تاریخ شب پنجشنبه ۸ شهر ربیع الثانی (۱۱۸۱) برحمت ایزدی پیوست».

«۳۹۲» الذریعه إلی اصول الشریعه

(اصول فقه ــ عربی)

از: سیّد مرتضی علم الهدی علیّ بن الحسین الموسویّ أعلی اللّه مقامهما.

کتاب: در مباحث اصول فقه است، به روش قدیم.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، تملّک محمّد بن علیّ ابن خاتون عاملی در قزوین سال ۱۰۲۷، و تملّک و مهرِ محمّد جعفر بن محمّد باقر الشریف السبزواری که فرزند گرامی مرحوم آخوند ملاّ محمد باقر بن محمد مؤمن محقّق سبزواری است، و نیز تملّک محمّد علیّ بن ابراهیم بن مرتضی، نواده آن مرحوم در ظهر نسخه دیده می شود.

ص : ۳۸۶

«۳۹۳» ذریعه النجاح

(فارسی)

میر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی ـ علیه الرحمه ـ مؤلّف «حدائق المقرّبین. ش ۳۳۶» این کتاب را در باب اعمال و ادعیه معتبره سال و پاره ای از زیارات و فضائل هر یک از ماه ها و آداب شرعیّه آنها تألیف نموده و بر یک مقدّمه و دوازده باب و خاتمه مرتّب کرده است.

امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات: ۱۹۸» در ذیل ترجمه میر محمّد حسین خاتون آبادی فرزند دانشمند مؤلّف که ترجمه او را آورده و آثارش را برشمرده اند فرماید:

«منقولست که وقتی مردم از علاّمه مجلسی خواهش تألیف «زادالمعاد» نمودند فرمود: به «ذریعه النّجاح» عمل کنید که شما را کفایت است».(۱)

تاریخ تألیف این کتاب معلوم نیست، لکن مقدّمه را به نام شاه سلیمان صفوی (متوفی ۱۱۰۵) مصدّر نموده و هم تاریخ کتابت نسخه ما که ۱۱۰۱ است، می رساند که لااقلّ هفت سال قبل از «زادالمعاد» تألیف شده است.

نسخه دیگری از این کتاب در «فهرست آستان قدس ۲: ۲۵۸» معرّفی شده و تاریخ کتابت آن را ۱۲۴۶ نوشته اند، و در «ذریعه ۱۰: ۳۲» فرموده که نسخه ای هم در کتابخانه آصفیّه استانبول موجود و تاریخ کتابت آن ۱۱۱۰(۲) است.

آغاز: «بسم... ذریعه نجاح سرگشتگان گرداب عصیانْ حمد و ثنای مجیب الدّعواتیست که به بادبانی دست دعاپیشه در هر نفس صد هزار کشتی تن را از چهار موجه بحر معصیت به ساحل نجات کشانیده... و بعد، بر رای طالبان منهج رشاد و سالکان مسلک

---

۱ – ۱) مؤلّفْ داماد و شاگرد علامه مجلسی بوده و «زاد المعاد. ش ۴۴۸» در زمان سلطنت شاه سلطان حسین به سال ۱۱۰۷ تألیف شده است.

۲– ۲) سال وفات علاّمه مجلسی.

سـداد مسـتور و مخفی نمانـاد که باعث بر ایجاد بنی نوع انسان... بر وفق طغرای غرّای «و ما خلقتُ الجنَّ و الإنسَ إلاّ لیَعبـدون» مداومت بر طاعات و اشـتغال به عباداتست... و چون اکثر کتبی که علمای کبار ــ رضوان اللّه علیهم ــ درین باب تألیف نموده انـد به لغت عربی است و اکثر خلق را از آن بهره کـاملی و حظّ شـاملی نیست، و بعضـی از أعمـال که از طرق مخالفین منقول شده و أدعیه که خود تألیف نموده اند نیز در آن کتب مسـطور گردیده، و با وجود أعمال معتبره و أدعیه مأثوره احتیاج به آنها نمی شود؛ بنـابرین این غریق بحر مَعاصـی ابن میر عبـدالواسع: محمّد صالـح الحسـینی ــ عفی [عفـا] اللّه عنهمـا ــ خواست که کتـابی درین بـاب تـألیف نمایـد که مقصـور باشـد بر ذکر بعضـی از أعمـال و أدعیه مشـهوره که در مراتب أسانیـد در أعلای درجات اعتماد و اعتضاد باشد، و فضایل و آداب هر یک را به لغت فارسـی ترجمه نماید، تا اکثر شـیعیان این بلاد از این رساله بهره مند گردند، و اطلاع بر فضایل آن أعمال موجب مزید رغبات ایشان گردد، و در هر مقامی بعضـی از فوائد و مسائل را که مناسب باشـد ایراد نمایـد تا نفعش عظیمتر باشـد و عمل کننـده به این کتاب از رجوع به کتب دیگر مسـتغنی باشد. و چون این سعـادت عظمی و مـوهبت کـبری از ثمرات امن و أمـان و برکـات عهـد و أوان سـلطان... سـلیمان الحسـینی الموسوی الصّفوی بهادرخان... برای این گمنام میسّر گردیـده بود، لهذا جرأت نموده این هدیّه.... را به پایه سـریر أعلی مرفوع گردانید... او را به «ذریعه النّجاح» مسمّی گردانید، و مرتّب ساخت بر مقدّمه و ۱۲ باب و خاتمه».

انجام: «و باید دانست که مشهور میان منجّمان آن است که اگر تحویل پیش از زوال واقع شود آن روز روز نوروز است، و اگر بعد از زوال واقع شود روز دیگر روز نوروز است».

سپس کاتب نوشته است: «بتاریخ دهم شهر رجب المرجّب سنه ۱۱۰۱ مرقوم قلم

ص : ۳۸۸

شکسته رقم گردید، علی ید الأحقر (کذا) عباد اللّه إبن ظهیرا، رقم نویس سابق خاصّه... عنایت اللّه الحسینی نهاوندی (؟)... حسب الاشاره بندگان ذیشان سموّالقدر و المکان عالیحضرت رفیع منزلت والا مقداری آقائی مهدیخان بیکا (ظ)، سلّمه الله تعالی...».

فهرست: مقدّمه: در فضیلت دعاء و آداب و شرایط و اوقات استجابت آن. باب ۱ در اعمال ماه رجب و در آن چند فصل است. باب ۲ در اعمال ماه شعبان و در آن چند فصل است. باب ۳ در اعمال ماه مبارك رمضان و در آن چند فصل است. باب ۴ در اعمال ماه شوال و در آن چند فصل است. باب ۵ در اعمال ماه ذی قعده. باب ۶ در اعمال ماه ذی حجه و در آن چند فصل است. باب ۷ در اعمال ماه محرم. باب ۸ در اعمال ماه صفر. باب ۹ در ربیع الاول. باب ۱۰ درماه ربیع الاخر. باب ۱۱ در ماه جمادی الاولی. باب ۱۲ در ماه جمادی الاخره. خاتمه: در بیان فضیلت و شرافت و بزرگی عید نوروز و آداب آن.

نسخه: دارای ۱۷۶ برگ، حواشی مؤلّف به عنوان «منه عفی عنه» به خطّ کاتب متن. نسخه در کتابخانه نیای معظّم، آیه اللّه مرحوم حاج میر سیّد محمّد بوده و در چند موضع حواشی به قلم ایشان هست. در ظهر برگ ۱۲۳ نیز تحقیقی به خطّ والد نویسنده مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمّد هاشم روضاتی (متولّد ۱۵ محرم ۱۳۱۹ در اصفهان _ متوفی ۲۷ ج ۱ _ ۱۳۵۶ در نجف) نوشته شده. کاغذ اصفهانی، خط نسخ و نستعلیق ۲۱ سطری، عناوین بشنگرف، قطع ۱۲ × ۲۵، متن ۷ و نیم × ۱۹، جلد تیماج قهوه ای، آستر کاغذ ابری اصفهانی. آثار مقابله ندارد، امّا نسخه قابل اعتمادی است.

ص : ۳۸۹

«۳۹۴» ذِکرَی الشیعه فی أحکام الشریعه

(فقه ــ عربی)

از: شهید اوّل شیخ محمّد بن مکّیّ عاملی قدس سره ، شهید به سال ۷۸۶.

نسخه: از اوّل ناقص است.

آغاز: «الغسل و کذا لو أهملتْ غسلی النهار و دخل اللیل».

انجام: «و لیکن هذا آخر المجلّد الأوّل من کتاب ذِکْرَی الشیعه، و یتلوه ــ إنش ــ فی المجلّد الثانی کتاب الزکوه. و فرغ منه یوم الثلثاء لتسع بقین من صفر ــ ختم بالخیر و الظفر ــ سنه ۷۸۴».

کاتب: عبداللّه بن موسی بن عمار بن مشرف البحرانی الحسایی. تاریخ پایان استنساخ: روز دوشنبه ۱۳ ذی القعده ۱۰۵۵.

«۳۹۵» ربیع الشّیعه

(مناقب ــ عربی)

از: بنا بر مشهور، منسوب است به سیّد رضیّالدین ابوالقاسم علیّ بن موسی بن جعفر، ابن طاوس حسنی (۵۸۹ ــ ۶۶۴).

کتاب: در احوال و مناقب چهارده معصوم است ــ صلوات اللّه علیهم اجمعین ــ و با اندک تفاوتی به عنوان صحیح خود، «إعلام الوری بأعلام الهدی» به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ محمّد صادق بن محبّ علی مقیم اصفهان. تاریخ ختم استنساخ: جمعه ۱۴ جمادی الاخره ۱۰۹۶. برگ اوّل نونویس و به خطّ نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی است.

ص : ۳۹۰

نسخه از کتابخانه مرحوم حاج میرزا یحیی اصفهانی(۱) عالم محقّق جلیل القدر معاصر حاجی میرزا حسین نوری و دوست ایشان بوده و خود ابتدا در هامش برگ دوّم نوشته است که میر داماد در «رواشح» این کتاب را به ابن طاوس نسبت داده و از آن نقل کرده است، سپس امضاء و مهر کرده: «شفیع یحیی فی الاخره، محمّد و العتره الطاهره». بعد اضافه کرده است که من به اجازات ابن طاوس و اجازه علاّمه به بنی زُهره نظر کردم، در آنجاها «ربیع الألباب» نام یکی از کتب ابن طاوس است نه ربیع الشیعه، پس آنچه سیّد داماد فرموده محلّ نظر است، و امضاء و تاریخ کرده: ماه شعبان ۱۳۰۴.

باز افزوده است که استرابادی در «رجال وسیط» هم بسیار از ربیع الشیعه ابن طاوس نقل می کند و همه مواضع را من با این نسخه تطبیق کردم درست بود.

باز در برگ آخر نسخهْ شرحی مبسوط نگاشته است و در آنجا گوید که این نسخه همان کتاب «إعلام الوری» از شیخ طبرسی است، و هیچ گمان ناشایستی نسبت به سیّد ابن طاوس نمی توان برد، و من چنین می اندیشم که طبرسی ابتدا این نسخه را به همین نام تألیف نموده و بعضی هم آن را استنساخ کرده اند، لکن پس از مدّتی خود طبرسی شخصًا تصرّفاتی در آن نموده و سرآغاز آن را تغییر داده و به «إعلام الوری» نامیده است، و چون نسخه اولی در آن نام مؤلّف نبوده به دست کسی افتاده و گمان کرده که تألیف ابن طاوس است، چون از جمله تألیفات ابن طاوس یکی «ربیع الألباب» است و این اشتباه تا این زمان به جای خود باقی مانده است.

حاج میرزا یحیی مطلب را به همین جا خاتمه داده و تاریخ کرده است: هفتم محرم ۱۳۱۷ در اصفهان. ظهر نسخه نیز تملّک خود را با نام و نسبت کتاب در تاریخ غره

۱- ۱) در «الذریعه ۲: ۴۹۴» فرماید که علاّمه ماهر حاج میرزا یحیی بن میرزا محمّد شفیع مستوفی اصفهانی را بالغ بر سی تألیف بوده است.

صفر ۱۳۰۸ نوشته و مهر کرده است.

«۳۹۶» الرساله الإثنا عشريّه فی الردّ علی الصّوفيّه

(عقائد ـ عربی)

از: عالم کامل متبحّر، افضل المحدّثين، مولانا محمّد بن الحسن العاملی، معروف به شيخنا الحُرّ، (متولّد ۱۰۳۳، متوفّی ۱۱۰۴)، مدفون در مشهد مقدّس رضوی. قدّس اللّه روحه.

کتاب: در بيان ابطال طريقه تصوّف و اثبات انحراف صوفيان از طريق ائمّه اطهار عليهم السلام ، در دوازده باب و هر باب شامل چند فصل.

مؤلّفْ در اين کتاب پيرامون بيشتر مَباحث صوفيانه سخن گفته و با دستمايه احاطه کاملی که به اخبار و احاديث شريفه داشته آن مباحث را با مَوازين روايات معصومين عليهم السلام سنجيده و سپس ابطال کرده است.

تاريخ تأليف ندارد، و به سال ۱۴۰۰ ق، طیّ دويست و اندی صفحه، از روی تنها يک نسخه معمولی در قم چاپ شده و شايسته چاپ محقّقانه است.

نسخه: به خطّ نيای اعلی، آيه اللّه العظمی آقای حاج ميرزا سيّد زين العابدين موسوی چهارسوقی والد ماجد امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» است و ايشان تاريخ تولّد پدر بزرگوارشان را هشتم ذی القعده ۱۱۹۰ و وفات را اوّل مَطلع فجر روز دوشنبه دهم جُمادای دوّم ۱۲۷۵ نوشته اند.

مع الأسف چند برگ از آخر نسخه مفقود شده و تاريخ کتابت نامعلوم است.

تصوير اجازه آقا حسين محقّق خوانساری به شيخ حُرّ، به خطّ مبارک نيای اعلی در

کتاب «دو گفتار، روضاتی: ۱۸» چاپ شده است. اعلی اللّه تعالی مقاماتهم.

«۳۹۷» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ عالم فاضل آیه اللّه آقا سیّد ابوالقاسم موسوی فرزند آیه اللّه آقا سیّد جواد موسوی فرزند نیای بزرگوار اعلی، آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی اعلی اللّه تعالی مقاماتهم.

سنّت تألیف و نگارش و استنساخ و احیاءِ آثار علماءِ اعلام، در طول چهار قرن ــ از عهد صفوی به بعد ــ موروثی نیاکان گرامی است و برخی از این گونه کارها در همین فهرست وارد شده است.

ترقیمه کاتب: «و کتب بیده الجانیه الفانیه: أبوالقاسم بن جواد الموسوی، قُبَیل ظهر یوم السّبت لأربع خلون من شهر ربیع الأوّل عام إحدی و سبعین بعد ألف و مائتین...».

مأخذ این نسخه غیر از نسخه پیشین بوده است.

کاتب معظّم، نسخه «شرح دعاءِ الصباح. ش ۴۹۸» را نیز در همین سال ۱۲۷۱، به خطّ ممتاز خود تکمیل کرده است.

آقا سیّد ابوالقاسم، خالوی مرحوم آیه اللّه العظمی آقای حاج سیّد احمد مجتهد خوانساری (متولّد ۱۳۰۹ در خوانسار، متوفّی شب شنبه ۲۷ ربیع دوم ۱۴۰۵) بوده است. یعنی مادر گرامی آقای حاج سیّد احمد نواده نیای اعلی، آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین، و پدر ایشان مرحوم آیه اللّه حاج سیّد یوسف بن آقا سیّد حسن (آقا میرزابابا) ابن آقا سیّد محمّد مهدی ــ صاحب رساله «عدیمه النظیر» ــ ابن آقا سیّد حسن فرزند نیای گرامی، آیه اللّه العظمی آقای حاج سیّد حسین مجتهد موسوی (متوطّن

و متوفّی و مدفون در خوانسار به سال ۱۱۹۲) بوده اند. «روضاتی: دو گفتار، گفتار دوم».

«۳۹۸» رساله در أحکام حجّ

(فقه ـ فارسی)

از: ظاهرًا مرحوم آقای حاجّ سیّد اسد اللّه بن حاج سیّد محمّد باقر موسوی شفتی ـ اعلی اللّه مقامهما ـ . صاحب «أحکام الخمر. ش ۱۲» و «کتاب الفقه».

کتاب: رساله «مختصری است در واجبات حجّ تمتّع».

نسخه: اصل مسوّده و به خطّ مؤلّف است و نام و تاریخ در آن دیده نمی شود.

رساله فی أحکام الخمر و...: أحکام الخمر و...

«۳۹۹» رساله در ارث

(فقه ـ فارسی)

از: آخوند ملاّ علی اکبر بن محمّد باقر ایژهی اصفهانی اعلی اللّه مقامه.

کتاب: در احکام مواریث است، به نحو مبسوط و مستوفا و در خاتمه، مبحث فدک را شرح داده است.

نسخه: به خطّ ابو تراب بن ابوالقاسم حسینی نطنزی. تاریخ پایان استنساخ: چهارشنبه عشر دوّم(۱) ماه رجب ۱۲۲۲ در اصفهان. مُهر کاتب، «عبده ابوتراب بن ابوالقاسم

ص : ۳۹۴

۱- ۱) به موجب یادداشتی که در هامش یکی از صفحات نسخه کتاب «الألفیّه» ابن مالک «ش ۴۴» دیده می شود، تاریخ وفات سیّد رضا نام موسوی، سه شنبه ۱۲ شهر رجب ۱۲۲۲ بوده است. شاید چون چهارشنبه، سیزدهم آن ماه می شده و شماره ۱۳ را معمولاً ـ نحس می دانند، خصوصًا که مصادف با چهارشنبه باشد که آن هم مشهور به شومی است کاتب عمدًا به همین ملاحظه، تصریح به ۱۳ ننموده و تعبیر فوق را نوشته است، و اللّه العالم.

الحسینی» و «عبده الراجی ابوتراب الحسینی» در اوّل و آخر نسخه هست.

الرساله الألفیّه: الألفیّه. ش ۴۵

«۴۰۰» رساله در حُکم نقل جَنائز

(فقه _ فارسی)

از: آقا میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی حسنی حسینی، امام جمعه اصفهان، صاحب «حاشیه معالم الاصول. ش ۳۲۹».

کتاب: در باب مسأله فرستادن نعش مردگان است از جایی به جای دیگر و بیان احکام اموات و قبور و مسأله بناءِ بر گور. در آن از استادش آقا محمّد باقر محقّق بهبهانی _ اعلی اللّه مقامه و مقامه _ نقل می کند.

نسخه: به خطّ میر محمّد اسماعیل بن محمّد باقر حسینی واعظ اصفهانی امام مسجد جدید عبّاسی عمّوی آقا میر سیّد حسن مدرّس محلّه نوی _ علیهم الرحمه _ «مکارم الاثار ۲: ش ۱۵۴». شرح حال کاتب در جلد نهم، سال ۱۳۰۰ هنوز چاپ نشده است.

پایان کتابت: «یوم الثلث» ربیع دوّم ۱۲۲۵. مُهر فخرالدین محمّد الحسینی در آغاز و انجام نسخه هست.

نسخه دیگری از همین رساله به ضمیمه اثری دیگر از مرحوم آقا میر محمد حسین، در «جواب پادری نصرانی» آن هم به فارسی که در روز آدینه دهم ربیع یکم ۱۲۳۱ از نگارش آن فراغت یافته، در «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ج ۱۶ ص ۲۸» معرّفی شده است.

گویا کاتبِ این نسخه پس از مدّتی خود رساله ای در همین موضوع به فارسی تألیف کرده است که دو نسخه از آن دیده شده است:

۱ _ نسخه ای که در یک مجموعه قرار داشته و همگی به خطّ خود میر محمد اسماعیل «حاج میر اسماعیل» است و در آن از سال (۱۲۴۰) تا (۱۲۴۴) تاریخ دیده می شود. مجموعه در کتابخانه سابق شهرداری اصفهان بوده و مرحوم معلّم حبیب آبادی صاحب «مکارم الاثار»، فهرست آن را در حاشیه نسخه «ارشاد المسلمینِ» مرحوم آقا سیّد عبداللّه ثقه الاسلام که به خطّ خود او است، نوشته است.

۲ _ نسخه ای که در نشریّه «میراث شهاب. شماره ۲۳، ۲۴» این گونه شناسانده اند:

«رساله فارسی در مسئله نقل اموات به سوی مشاهد مقدّسه، از محمّد اسماعیل بن محمّد باقر الحسینی الواعظ الاصفهانی... در پایان این رساله پنج صفحه نام منابعی را که مؤلّف در تألیف کتاب از آنها بهره برده آورده است...»

بیفزاییم که درباره موضوع رساله جای گفتگو _ سوای بحث هایی که در کتب فقهیّه آمده است _ رساله های جداگانه چندی نیز تألیف گردیده که در کتاب شریف «الذریعه الی تصانیف الشیعه» ذیل این عنوان ها معرّفی شده اند:

«جواز نقل الموتی» ۳ عنوان. «رساله فی جواز نقل الموتی». «الحجّه البالغه للشیعه فی جواز نقل الموتی فی الشریعه». «رساله فی تحریم نقل الجنائز»...

«۴۰۱» رساله در زکوه و خمس

(فقه _ فارسی)

از: نامعلوم و در زمان صفویّه در اصفهان تألیف شده. تاریخِ ذیحجّه ۱۱۳۲ در آخر کتاب معلوم نشد که از آنِ تألیف است یا استنساخ. برگ اوّل نسخه مفقود شده. مهر مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمّد هاشم روضاتی والد ماجد نویسنده فهرست در ظهر نسخه دیده می شود.

«۴۰۲» رساله در سیر و سلوک

(تصوّف ـ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: رساله ای است در سیر و سلوک عرفانی و ابیاتی از سعدی و حافظ در آن دیده می شود.

آغاز: «بسم... اللّه لا إله إلّا هو. درود بیحدّ بر آن ظهور که شهود ذاتش مقصود از صفاتست».

انجام: «همه را در دایره محبّت جمع کن و در آسیای معرفت بسای و بدست توکّل غلوله بند، در دریای معرفت پرتاب کن، و لا یُشْرِکُ بِعِبادَةِ رَبِّه أحَدًا».

نسخه: نام مؤلّف و کاتب و تاریخ تألیف و کتابت ندارد.

رساله در شرح بیتی از مثنوی: ذیل ثمره الفؤاد. ش ۲۱۳.

«۴۰۳» رساله در طینت

(معارف ـ فارسی)

از: جمال الدین محمّد بن آقا حسین خونساری، معروف به آقاجمال خونساری ـ رحمه اللّه علیهما ـ صاحب «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲».

کتاب: درباره آفرینش طینت و سرشت مؤمن و کافر است که شاه سلطان حسین صفوی مُشافَهةً تألیف آن را از مؤلّف خواسته است. وی درین رساله پیرامون ده حدیث از کتاب شریف «کافی» درباره طینت بحث کرده است. به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد طاهر بن محمّد مقصود، تاریخ ختم استنساخ: عصر یوم الأربعاء، ماه ذیقعده ۱۱۶۷. برگ اوّل و هشتم نونویس و به خطّ نگارنده این فهرست است.

ص : ۳۹۷

«۴۰۴» رساله در علم نحو

(ادب _ فارسی)

از: میر بهاء الدین محمّد بن محمّد باقر حسینی مختاری نائینی اصفهانی _ علیه الرحمه _ صاحب «زواهر الجواهر. ش ۴۵۵».

کتاب: در علم عربیّت است به زبان فارسی، مشتمل بر یک فاتحه و دو مقاله و یک خاتمه و دارای تحقیقاتی است ادبی از مؤلّف.

نسخه: از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست و به قرائن نزدیک به زمان مؤلّف (قرن ۱۲) نوشته شده و فاقد امتیاز است.

تکمله: در «ذریعه ۲۴: ش ۴۵۷» فرماید:

«نحومیر. فارسی نظیر «صرف میر»، لبهاءِالدین محمّد المختاری النائینیّ (۱۰۸۰ _ ۱۱۴۰). ذکره فی رسالته فی ترجمه أحوال نفسه». پایان.

این دو تاریخ برای تولّد و وفات، هر دو تقریبی است و هیچ کدام بعینه معلوم نیست، چنان که در شرح حال میر بهاءالدین در «کواکب منتثره: ۱۰۷ _ ۱۰۹» به درستی نوشته اند: «حدود ۱۰۸۰ _ حدود ۱۱۴۰».

نام و سلسله نسب میر معظّم در «مکارم الاثار ۲: ش ۱۵۴ ص ۳۷۷ _ ۳۷۸» یاد شده است.

«۴۰۵» رساله عملیّه تویسرکانی

(فقه _ فارسی)

حاج ملّا حسینعلی بن نوروز علی ملایری توی سرکانی اصفهانی قدس سره این رساله را برای استفاده مقلّدین فارسی زبان خود در مسائل شرعیّه نگاشته است.

حاج ملّا حسینعلی از مجتهدان بزرگ اصفهان در نیمه اوّل دوران سلطنت ناصرالدین

شاه قاجارست. شـرح حال او اوّلین بار در آخرین صفحه مجلّد آخر «روضات الجنّات» آمده و در آنجا از او تجلیل فراوان شده است. به خلاصه اینکه وی از دانشـمندان بزرگ و از محقّقان علم فقه و اصول بوده، نوبت تدریس و فتوی دادن در اصفهان به وی رسـید پس از آن کـه از تحصـیل دانش در ایـن شـهر فراغـت یـافت. از جملـه اسـتادانش قـدوه المجتهـدین مرحـوم شـیخ محمّـدتقی صاحب «حاشـیه معالم» بود و از او اجازه روایت یافت و با اینکه از علماءِ بزرگ ایران و عراق، خصوصًا دانشـمندان بروجرد بیشتر اخـذ علم نموده، باز در اجازاتش اسـناد خود را به غیر از طریق صاحب حاشـیه ذکر نمی کند. تألیفاتش:«کشـف الاسـرار» در شـرح شـرایع الاسـلام، که یازده مجلّـد آن را نگاشت. «المقاصد العلیّه» که حاشـیه ای است بر قوانین اصول در دو جلـد. «فصل الخطاب» در اصول که آن نیز دو مجلّد است. کتابی در «اصول عقائد و مکارم اخلاق». «رساله ای در ردّ اخباریّه». «تعلیقه بر جامع عبّاسی» که در آن مسائلی که با شیخ بهائی اختلاف نظر دارد ذکر می کند.

وفاتش روز ۲۸ صفر سال ۱۲۸۶ در اصفهان اتفاق افتاد و سنّ او نزدیک هفتاد بود. جنازه اش را به تخت پولاد حمل و در بقعه تکیه محقّق خوانساری به خاک سپردند. پایان کلام روضات به اختصار.

امـام الحرمین، میرزا محمّـد بن عبـدالوهّاب بن داود همـدانی (متوفی ۱۳۰۳) که از دانشـمندان آن زمـان و دارای طرق روایـتی فراوان است در ملتقطات «فصوص الیواقیت: ۱۰» که دفتری است مشتمل بر مادّه تاریخ های بسیار گوید:

«و من ملهمات التواریخ قولنا فی وفات الحاجّ المولی حسین علی التویسرکانی الاصفهانی و هو من مشایخ اجازاتنا:

ذوالصفات الحسنی حسین علی من علیه رحی المعالی تدور

ص : ۳۹۹

روّج الدين باذلاً سعيه ما عاش فيه و سعيه مشكور

و مُذاختار روضه القدس شوقا طربتْ نفس_ه اليها تطير

فقضى نحبه و سار إليها و دعاه اليه أرّخْ «غفور»

۱۲۸۶

و قولنا أيضاً:

حُزنى على شمس الفقاهه لهفى على قمر النّباهه

تا گويد:

غمم الرّدى أرّخته: «أصدت صفا شمس الفقاهه»

لكن اين ماده اخير ۱۲۸۸ مى شود.

شرح حال حاج ملاّ حسينعلى در «الكرام البرره ۱: ۳۶۳» اشتباهًا به عنوان حسنعلى و «۴۳۸ _ ۴۳۹» مفصّلًا مذكور و در آنجا است كه نام كتابى كه در اصول عقائد و مكارم اخلاق نگاشته «نجاه المؤمنين» است و به سال ۱۲۷۲ آن را براى فرزندش محمّد تأليف كرده و شيخ محمّد نبىّ بن احمد تويسركانى صاحب «لألئ الأخبار» از او اجازه روايت دارد و صورت اجازه اش كه تاريخ آن ماه رجب ۱۲۷۹ مى باشد، در آخر كتاب لألى به طبع رسيده است. ميرزا محمّد امام الحرمين هم از او اجازه دارد كه تاريخ آن ۱۲۸۳ مى باشد. همچنين مرحوم شيخ عبدالحسين شيخ العراقين طهرانى «متوفاى ۲۲ صيام ۱۲۸۶» و شيخ محمّدتقى بن باقر همدانى «۱۲۶۳ _ ۱۳۱۴» شاگرد شيخ انصارى، همه از او اجازه روايت دارند.» انتهى.

حاجى از شاگردان مرحوم حاج سيّد شفيع جاپلقى نيز بوده. چنانكه جاپلقى خود در كتاب «الروضه البهيّه» به اين موضوع تصريح كرده است.

مرحوم حاج ميرزا عبدالغفار بن سيّد محمّد حسين حسينى توى سركانى (متوفاى

۱۳۱۹) ــ از دوستان امام مجدّد صاحب روضات ــ نیز شاگرد حاج ملاّ حسینعلی و هم به دو اجازه، مُجاز از او بوده و چنانکه صاحب روضات خود فرموده انـد به درخواست ایشان است که شرح حال آن مرحوم را در آن کتاب آورده اند، و صورت دو اجازه یاد شده در کتاب «ریاض الأبرارِ» نویسنده این فهرست موجود می باشد.

حاج ملاّ حسینعلی در «اعیان الشیعه ۲۷: ۹۲ ــ ۹۳» نیز یـاد شـده و در آنجـاست که میرزا حبیب اللّه بن فتحعلی کرمانی که از شـاگردان وی بوده بر کتاب «فصل الخطابِ» او حاشیه نوشته است. در خاتمه «مستدرک ۳۹۹» نیز از او و طریق روایتش یـاد شده است.

مؤلّف کتاب «معجم المؤلّفین ۴: ۳۳ و ۳۷» یک بار او را به عنوان «حسین ابن علی بن علی الملایری التویسرکانی الاصفهانی» و بار دیگر به عنوان «حسین علی بن نوروز علی التویسرکانی» ذکر کرده است. در «تذکره القبور - رجال اصفهان: ۸۹ ــ ۹۰» نیز شرح حال او را نوشته و تألیفاتش را ستوده و درباره «نجاه المؤمنین» گوید: «بسیار کتاب مختصر مفید پرفایده خوبی است». و هم درباره مدفنش فرماید: «و از برای آن مرحوم لحد آماده ساخته پیدا شد.»(۱)

آغاز: «بسم... و بعد، چنین گوید أقلّ النّاس علمًا و عملاً و أکثرهم خطأ و زللاً: حسینعلی التویسرکانی که این مختصری است در مهمّات أحکام و مسائل شرعیّه، نظر به خواهش جمعی از برادران دینیّه، و آن مشتمل است بر چنـد باب و هر بابی مشتمل است بر چند مقصد».

انجام: «و سایر کفّارات را به تفصیل در «کشف الأسرار» ذکر کرده ایم، و اللّه الهادی الی الصّواب. تمّ الکتاب فی سنه ۱۲۷۳».

ص : ۴۰۱

۱- ۱) برای آگاهی دیگر به «فهرست مرعشیّه قم ۴: ۳۰۰» رجوع فرمایند.

فهرست: باب اول در طهارت است و در آن چند مقصد است. ب ۲ در نماز است و در آن چند مقصد است. ب ۳ در زکوه است و در آن چند فصل است. ب ۴ در خمس است و در آن چند فصلست. ب ۵ در صومست... و در آن چند مقصد است.

نسخه: دارای ۷۴ برگ. روی برگ ۱، مهر والد ماجد نویسنده فهرست و در پایان رساله در هامش، این شرح دیده می شود که به خط مؤلّف است:«مقابله شد با نسخه معتبره من البدو الی هنا، ان شاء اللّه خالی از غلط است».

کاغذ فرنگی، خط نسخ، عناوین به سرخی نوشته شده، جلد تیماج سیاه یک لا، قطع ۱۱ × ۱۵ و نیم، متن ۶ × ۱۱. نام کاتب ندارد.

رساله در لعن و طعن جماعت صوفیّه: درایت ثنار. ش ۳۷۴

رساله فی الردّ علی میرزا محمّد الأخباریّ: المسائل و الأجوبه

«۴۰۶» رساله فی القضآءِ و القدَر

(کلام ــ عربی)

از: شیخ ابو محمّد «علیّ بن» عنایه اللّه بسطامی، معروف به بایزید ثانی، معاصر شیخ بهاءالدین محمّد عاملی (متوفّی ۱۰۳۰) و راوی از شیخ حسین بن عبدالصمد، والد بهائی (متوفی ۹۸۴)، و از او سیّد حسین بن حیدر کرکی مجتهد بزرگ اصفهان (متوفّی ۱۰۴۱) رحمه اللّه علیهم اجمعین.

کتاب های «الانصاف فی معرفه الأسلاف» و «معارج التحقیق» و «جوابات المسائل الکلامیّه» از آثار او در «ذریعه» و «روضه نضره: ۷۶» یاد شده اند، و خود در اواسط اثر جای گفتگو از تألیف دیگرش «أنوار الهُدی فی تحریر کلام السیّد المرتضی» یاد کرده است. بیش از این از گزارش زندگانی این دانشمند، آگاهی در دست نیست.

ص : ۴۰۲

این جانب در مقدّمه الطبع رساله «خلق الأعمال» به نام «رساله جبر و تفویض، چاپ اصفهان، ۱۳۸۱ ق» از این کتاب جای گفتگو نقل کرده و سخنی گفته ام.

کتاب: پیرامون مبحث قضاء و قدَر است، مرتّب بر سه مسأله.

نسخه: به خطّ عطوه بن علی بن محمّد شهیر بعلیق. تاریخ پایان استنساخ: روز دوشنبه ششم جُمادای دوّم ۱۱۹۰.

تملّك محمّد علیّ بن سیّد راضی حسینی و خطّ و مُهر «محمّد بن علیّ طباطبائی» و خطّ مبارك آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم چهارسوقی و تملّك فرزند ارجمندشان ـ نیای گرامی ـ آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدین چهارسوقی به تاریخ شانزدهم شوّال المکرّم ۱۳۲۱ ـ سال تقویم و تقسیم کتابخانه معظمه والد ماجدشان ـ ظهر نسخه هست.

تکمله: نام مؤلّف در سرآغاز نسخه جای گفتگو «أبو محمّد عنایه اللّه الشهیر ببایزید البسطامی» است و در کتاب شریفِ «روضات»، یکجا «ابو محمّد بن عنایه اللّه» و دیگر جا «ابو محمّد عنایه اللّه» دیده می شود و در «ذریعه» و «روضه نضره»: «ابو محمّد علیّ بن عنایه اللّه» است و گویند که او خود به سال (۹۸۷) در آخر نسخه ای از «شرح التذکره» نظام اعرج، «ابو محمّد بایزید بن عنایه اللّه البسطامی» امضاء کرده است.

«۴۰۷» رساله کفّارات شرعیّه

(فقه ـ فارسی)

از: محمّد باقر بن اسمعیل الحسینی «خاتونابادی» صاحب «ترجمه أناجیل اربعه. ش ۱۲۵».

کتاب: حسب الأمر شاه سلطان حسین در باب کفّارات شرعیّه «سوای آنچه متعلّق به افعال حجّ است» تألیف شده و تاریخ ندارد.

نسخه: از اوّل یکی دو سه برگ ناقص و از آخر تمام است، لکن نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. مسلّما در زمان مؤلّف استنساخ شده است.

«۴۰۸» رساله فی حکم اللّباس المشکوک

(فقه ـ عربی)

از: آیه اللّه حاجّ میرزا محمّد حسین نایینی غروی ـ رحمه اللّه علیه ـ (متولّد ۱۲۷۷، متوفّی شنبه بیست و هفتم جُمادای یکم ۱۳۵۵).

کتاب: تقریرات درس آیه اللّه العظمی میرزا سیّد محمّد حسن شیرازی ـ علیه الرحمه ـ است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه علی ما أنعم و ألهم... و بعد، فیقول أفقر البریّه إلی رحمه ربّه الغنیّ محمّد حسین الغرویّ النائینیّ».

نسخه: تحریر جدید رساله است به التماس برادران دینی پس از آن که چندی در مسوّده مانده بود. نام کاتب و تاریخ کتابت و مشخّصات دیگری ندارد.

آخرین تحریر این رساله در ۱۳۵۸ ق، ضمیمه جلد دوّم «مُنیه الطالبِ» مرحوم آقا شیخ موسی خوانساری «از صفحه ۲۳۸ تا ۳۰۵» چاپ سنگی شده و پس از آن نیز به طبع رسیده است: «مکارم الاثار ۶. ش ۱۳۶۶».

«۴۰۹» رساله در امر به معروف و نهی از منکر

(مواعظ ـ فارسی)

از: حاج سیّد حسن موسوی واعظ کاشانی اصفهانی ملقّب به سلطان الواعظین، (متوفّای غرّه ربیع دوّم ۱۳۲۰)، مدفون در تکیه آقا میرزا ابوالمعالی، تخت فولاد اصفهان، در اطاقی خاصّ: «دانشمندان مهدوی: ش ۳۴۶».

مختصری از شرح حال سلطان و فرزندان گرامی در مأخذِ یاد شده، هست.

کتاب: درباره امر به معروف و نهی از منکر و نکوهش کذب و غیبت و نمّامی و تهمت و نیز شمّه ای از مناقب و فضل علماء دین، نوشته شده در یک مقدّمه و چهار مقاله و یک خاتمه.

مؤلّف این کتاب را به منظور دفع تهمت از خود نگاشته و در آن از کتاب دیگرش «منهج الواعظین» یاد می کند.

او پیشتر رساله ای به نام «مواعظ حسنه» تألیف کرده و در آن سخنانی پیرامون لزوم اطاعت امر سلطان وقت ناصرالدین شاه و ظلّ السلطان آورده بود و نشر آن رساله سبب تکفیر نویسنده شد.

مرحوم حاج میرزا حسنخان شیخ جابری انصاری (۱۲۸۷ _ ۱۳۷۶) در «تاریخ اصفهان و ری و همه جهان: **۲۹۵**، چاپ اصفهان، **۱۳۲۱** ش» این مسأله را در وقایع سال **۱۳۰۴** ق، نوشته و چند سطری درباره انگیزه تألیف رساله سخن گفته و چاپ و نشر آن را به ظلّ السلطان نسبت داده است. شیخ جابری در آن تاریخ تقریبًا هفده ساله بود.

باری، سلطان الواعظین برای حفظ جان خود از اصفهان خارج و به تهران و سپس به عتبات عالیات رفت و به علماء و مجتهدین عراق و شهرهای ایران متوسّل شده و آنان براءت وی را از نسبت کفر نوشته اند که صورت تمامی آن گواهی ها در خاتمه کتاب جای گفتگو آمده است.

نسخه: به خطّ مؤلّف و صورت نامه های علماء به خطّ دیگری است. تاریخ تألیف و تحریر در نسخه نیست، لکن برخی از نامه ها دارای تاریخ (۱۳۰۵) می باشد. شمار برگ های اصل کتاب، هفتاد برگ (۱۴۰ صفحه) است.

آغاز رساله: «بسم. الحمد للّه الّذی جعل لسان العلماءِ مفتاحًا لبیان بدائع المعانی».

انجام: «و لازم شد که به جهت رفع شکوک و شبهات از خواطر اهل ایمان و عموم

شیعیان صورت این اوراق و رسائل ثبت این رساله موجزه گردد تا مطالعه کنندگان بر سبیل حقّ مستقیم باشند و گمان بد به ذرّیّه طیّبه فاطمه ــ سلام اللّه علیها ــ نبرند، و جمیع اصول ممهوره این سوادها در نزد داعی حاضر است، هر کس می خواهد به نظر او می رسانم، و السلام علی من اتّبع الهدی».

در برگ «۷۱»، صورت نامه ای است از زبان مردم اصفهان به علماءِ نجف اشرف و سپس گواهی علماءِ اعلام است و نامه های آنان، تا برگ «۱۱۵».

پس از آن سه برگ سپید، و از پشت برگِ «۱۱۹» تا برگ «۱۳۰» شرحی است که یکی از علمای عراق «ظ» درباره رساله اصلی حاج سیّد حسن نوشته و کلمات او را از آن رساله به «قوله. قوله» به فارسی شرح کرده و توضیح داده، و خلاصه، مطالب او را تأویل و سیّد را از نسبت کفر و انحراف تبرئه نموده است.

نویسنده این مقاله معلوم نیست.

از پشت برگ «۱۳۱» تا پشت برگ «۱۳۶» همچنان صورتِ نامه های دیگری است از علماء و گواهی های آنان.

از برگ «۷۱» تا آخر مجموعه، عمومًا به خطّ کاتب تا حدّی خوش خطّ نوشته شده است، والسّلام.

«۴۱۰» رساله در بیان عقائد مذهب شیعه

(عقائد ــ ترکی)

از: نامعلوم.

کتاب: به زبان ترکی است، در باب اثبات حقّانیّت مذهب شیعه و خلافت بلا فصل حضرت امیرالمؤمنین علیّ بن أبی طالب ــ علیه الصلوه و السلام ــ و ردّ بر عامّه.

نسخه: به خطّ مقصود علی شیرازی. پایان استنساخ: روز سه شنبه ۲۶ محرّم ۱۰۷۵.

ص : ۴۰۶

«۴۱۱» رساله در بیان مذهب شیعه

(عقائد ــ ترکی)

از: نامعلوم.

کتاب: به زبان ترکی است، در بیان اصول مذهب شیعه امامیّه، مشتمل بر مقدّمه و پنج باب و خاتمه، و گویا در اوائل عهد صفویّه تألیف شده است.

نسخه: به خطّ نستعلیق خوب ملاّ محمّد کاتب.

انجام: در ماه «شعبان (۱۰۵۷) حسب الاشاره بندگان عالیحضرت رفیع منزلت متعالی مخدوم علی الاطلاق مستخدم الأمثال و الأقران... خلاصه دودمان مرتضوی محمّد حسین میرزای صفوی...».

توضیح: این نسخه و نسخه شماره پیشین را در سال (۱۳۵۳ ش) دیده و به همین اندازه درباره آنها نوشته ایم.

«۴۱۲» الرساله المشقیّه

(اصول فقه ــ عربی)

از: سیّد عبدالکریم بن محمّد رضا الحسینی الّلاهجی.

کتاب: در باب ظُنون اجتهادی است از مباحث علم اصول فقه، به تفصیل تمام.

مؤلّف در آن از نیای معظّم، آیه اللّه العظمی مرحوم آقا شیخ محمّد تقی اصفهانی صاحب «هدایه المسترشدین ــ حاشیه معالم» متوفّای ظهر آدینه پانزدهم شوال ۱۲۴۸ یاد کرده و ایشان را استاد خود خوانده است، چنانکه در «مقام سادس ــ مشترکات. روی برگ ۹۸» گوید:

«فقول شیخنا الاستاد ــ نوّر اللّه مضجعه ــ یرتقی إلی عشرین»

و در حاشیه گوید:

«شیخنا الأُستاد محمّد تقی. ره».

در آغاز کتاب، فهرست مطالب آن را به صورت مستقلّ به دست داده و مقدّمه ای نیز برای فهرست نگاشته است. درین مقدّمه به تقریبی گوید:

«... من، پس از آنکه از پاره یی فنون قضای وَطر کردم و در اسرار آنها دقّت و نظر نمودم؛ به صدق همّت خواستم که باز اطمینان خاطر را در تحصیل دانش از أفواه رجال بکوشم. از این روی، علاّمه فهّامه ضابط درایت و حافظ روایت، عماد اسلام و ملجأ أنام، افضل متأخّران متبحّر، محیی ملّت و دین، همنام صادق «السّمیّ الصّادق»، که به شرایع پدرانش ناطق و بر معاصرانش فائق است؛ یافتم، و دریافتم که سزاوار است رموز و دقایق فنّ را از او بیاموزم، و از تحقیقات عالیه او بهره ور گردم، و از مرویّات او اجازه روایت یابم. پس نزدش به شاگردی پرداختم و در دریای دانش او غوطه ور گشتم و بس لؤلؤ شاهوار یافتم و به سلک نظم درآوردم و این کتاب را نوشتم و آن را هدیّه اعلی ـ جنابش نمودم... و تمام این کارها در دارالسّلطنه اصفهان به یُمن اقبال... معتمدالدوله العلیّه... منوچهرخان بود...».

چنانچه مقصود نویسنده از «السمیُّ الصادق» صفت و موصوف و شخصی باشد که هم نام مؤلّف «عبدالکریم» بوده، چنین شخصی را نشناختیم، لکن اگر الف و لام در «السمیّ» زائد و سهوًا نوشته شده باشد، ممکن است مقصود همنام امام صادق علیه السلام باشد(۱) و شخصی که در آن عصر به این نام می شناسیم؛ مرحوم آقا میر محمّد صادق فرزند آقا سیّد محمّد از علما و دانشمندان و مدرّسین مبرّز اصفهان است که معروف به کتابفروش بوده و به سال ۱۳۰۳ در اصفهان وفات یافته و اجمالاً شرح حالی از او در

ص : ۴۰۸

۱- ۱) یعنی هم لقب، نه همنام که جعفر است، اگرچه ممکن است مرادش همین اخیر باشد، واللّه العالم.

«رجال اصفهان ـ تذکره القبور: ۶۳» یاد شده است(۱).

منوچهرخان نیز که نویسنده در مقدّمه بر او ثناء گفته، همان معتمدالدوله منوچهرخان گرجی، حکمران معروف اصفهان است که به سال ۱۲۵۲ درگذشته است.

مع الأسف هیچ گونه اطّلاعی از احوال نویسنده این کتاب به دست نیامد.

آغاز مقدّمه فهرست: «باسم ربّیالأجلّ الأعظم، أحمده حمدًا لذاته العلیّ الأقدم، أشکره شکرًا علی ما أنعم، و علّم من الاُصول ما لم نعلم».

انجام فهرست: «فی ذکر الحجّه علی ما هو المختار».

کتاب مشتمل بر چهار سفر است، بدین تفصیل: «السفر الأوّل» فی معرفه المجتهد و الاجتهاد و حجّیّه ظنّه و ما یناسب من المسائل. «السفر الثانی» و هو الأدلّه: الکتاب و السنّه و الإجماع و العقل، و فیه مقامات. «السفر الثالث» فی مشترکات الأدلّه. «السفر الرابع» فی بیان تعارض الأدلّه.

این اسفار هر یک مرتّب بر مقامات و صفحات و سطوری است. از باب مثال: «المقام الرابع فی الأدلّه العقلیّه. و فیه صفحات. الاولی: فی المقدّمات. و فیه سطور. السطر الأوّل...».

در پایان دیباچه فهرست، راجع به سفر سوّم گوید: «وبسطنا الکلام فی الثالث، لأنّ المسائل الاُصولیّه و مهمّاتها مذکوره فیه، و مشقتُ فیه بل فی سایره علی اُسلوب کان نحو حاشیه و تعلیقه ل_«معالم الفقه»، لحُسن ترتیبه و تداوله بین علماء الاُصول. و لعلّ ذلک لخلوص نیّته و صفاء عقیدته، مع ذکر أکثر عبارات «زبده الاُصول»، و اندمجت فیها مسائل سقطت و اندرجت فواید حصّلتها من زبر المحقّقین من المتأخّرین و المتقدّمین

۱- ۱) نسختی از مجلّد دوّم «المناهج السّویّه فی شرح اللمعه الدمشقیه» از تألیفات فاضل اصفهانی (هندی) به سال ۱۲۴۵ برای این دانشمند استنساخ شده است.

أهملت رومًا للاختصار...».

آغاز: «بسم... أحمده حمدًا لايفى الطاقه بأدائه، أشكره شكرًا لايسع القلم بإحصائه؛ لا اُحصى ثناءً عليك كما أثنيتَ على نفسك و اُصلّى و اُسلّم على صفوه أنبيائک و سيّد أوصيائک، و على آله الّذين هُم اُمنآئک الّذين جعلتهم مشکوهً لعبادک و مصباحاً لمعرفه عبادتک؛ کأنّهم کوکبٌ درّیٌّ یوقد من شجرهٍ مبارکهٍ زیتونهٍ... أمّا بعد، فيقول المحتاج الجانى و بفضل ربّه الملتجى: عبدالكريم الحسينى الّلاهجىُّ: لمّا رأيتُ فى كتب الاُصوليّين متقدّميهم و متأخّريهم أنّ الظنون الإجتهاديّه تكون حجّهً، ولاحَ عن بعضهم أنّها بقولٍ مطلقٍ ليست بحجّه، بل الخاصّه منها حجهٌ، و شاع عن الأخباريّين أنّها - مطلقًا _ ليست حجّهً؛ و الحال أنّهم فى كتب الفروع و الإستدلال عاملون بالظنون من حيث لايشعرون! حتّى صرّح بعضهم بأنّ النّزاع بيننا و بين الاُصوليّين لفظیٌّ _ كما فى «الفوائد الحايريّه»... فبقى الكلام مع الاُصوليّين فى هذا الأصل الأصيل... لكن الإقدام فى هذا الأصل و الخوض فيه لم أكن أنا أهلاً [له]، لأنّ كلّ واحدٍ من الفريقين يكونون أساتيد الفنّ و المهَره، و محيين للشريعه و الملّه. لهذا وقع الخوض فى عهده التّعويق و التّسويف، حتّى خطر ببالى الفاتر و قلبى القاصر أن أرضّت النفس بالمجاهده و المشاقّه، لعلّ تتبّهت بما هو الحقّ. فإذن تتبهتُ بما رووه مستفيضاً: مشقّتان لاثالث لهما: «المشق بالأقلام و المشى بالأقدام». فشرعتُ فى المشق و المشى فى ذلک الأصل على اُسلوبهم.

فسمّيته بـ «الرّساله المشقيّه فى الظنون الإجتهاديّه». و تحقيق الحقّ ينوط على المشق فى الصّفحات العديده:

الاُولى. فى تحقيق أنّ بأیِّ سبب و حاجه صار المجتهد مرجعًا للشيعه و النّاس...

والثانيه. فى تحقيق معنى الإجتهاد و المجتهد و ماينسابه من الألفاظ، بل ما يرادفه،

ص : ۴۱۰

و أیّ شخص هو؟

و الثالثه. فی بیان معنی العلم و الظنّ. و الرّابعه. فی شرح بعض المسائل المتفرّعه. و الخامسه. فی بیان ما یتعلّق بالإجتهاد و التقلید من الأقوال و الأحکام. و فی إتمامه التوکّل علی القادر المتعال...».

انجام: «و منها: ما فی أیدی المخالفین من الجلد و اللّحم. فالمشهور بین الأصحاب أنّه طاهر مطلقًا، ما لم یحکم بکفر من بیده منهم، و به نصوصٌ کثیرةٌ مؤیّدةٌ لظاهر حال المسلم، من تجنّبه للمحرَّم و النّجس و المشتبه، و لذلک فروعٌ کثیرةٌ أکثرها فی «التّمهید» مذکوره».

نسخه: دارای ۳۰۴ برگ. ۸ برگ اوّل، فهرست کتاب و دو برگ آخر، «مقاله ای در علم مناظره، للقاضی الامام عضدالدین، رحمه اللّه» و «رساله ای در علم مناظره، من مصنّفات ملاّ حنفی فی سنه ۱۰۵۳» و نیز رساله ای دیگر در همین فنّ از عبدالرزّاق که پایان آن چنین است:

«قد فرغ من تألیفه أضعف عباداللّه: عبدالرزّاق، فی ۶ شهر شوّال سنه ۹۹۶ فی المکه [کذا] المعظمه، حرسها اللّه تعالی. مشقه العبد المذنب الجانی، ابن محمّد رضا الحسینی: عبدالکریم اللاّهیجانی».

کاغذ فرنگی، جلد تیماج قهوه ای روشن ضربی، آستر کاغذ سبز، خط شکسته نستعلیق ۲۵ سطری مؤلّف، بالای عناوین و رؤوس مطالب به سرخی خطّ کشیده، اصلاحات و اضافات همه جا به خطّ مؤلّف در حاشیه ها نوشته شده است. قطع ۲۱ × ۳۰، متن ۱۲ و نیم × ۲۱. نسخه تمامًا به خطّ مؤلّف است و تاریخ ندارد، لکن پس از شوال ۱۲۴۸ (تاریخ درگذشت نیای معظّم، صاحب حاشیه معالم) و پیش از ۱۲۵۲ (سال وفات منوچهر خان) تألیف شده است.

ص : ۴۱۱

«۴۱۳» رساله مناظره ابن أبی جمهور

(مناظرات کلامی ــ عربی)

از: شمس الدین محمّد بن علی بن ابی جُمهور احسائی ــ علیه الرحمه ــ صاحب «عوالی اللّألی».

کتاب: داستان مناظره مؤلّف است با ملاّ عبداللّه هروی سنّی در مسأله امامت که به سال ۸۷۸ هنگامی که ابن ابی جمهور نزدیک چهل سال از عمرش گذشته و در مشهد میهمان سیّد محسن بن محمّد رضوی قمی بود، واقع شده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا از آثار سده «۱۱ ــ ۱۲» است. ظهر نسخه، مهر «الواثق باللّه الغنیّ، محمّد حسین الحسینیّ ۱۱۸۲» و خطّ مرحوم آقای حاج میرزا محمّد باقر تویسرکانی است.

«۴۱۴» رساله فی المنطق شاید نامش «فوائد ضروریَّه» باشد.

(منطق ــ فارسی)

آغاز: «بسم.. الحمد للّه الّذی عرَّفنا المنطق و البیان، و علَّمنا ما لم نعلمْ و أکمل علینا الحجَّه علی النَّوع الأتمّ... و بعد، چون بعضی از برادران دینی بتحریر رساله ای که متضمن أکثر مسائل ضروریّه علم منطق باشد؛ کمترین خادم مؤمنان و غبار قدم عالمان، بنده آثم نادم ابن محمّد رضا ابوجعفر محمّد قاسم ــ تجاوز اللّه عنهما الغفور الرَّاحم ــ را تکلیف نمودند، و این علم موقوفٌ علیهِ حُصول علم أصول و فروع است، و بر جمیع محصِّلانِ معرفت و دین تحصیل این ضرور است؛ با قلَّت بضاعت و أسباب و کثرت أشغال و تشویش بال، بجمع این فوائد ضروریَّه اقدام نمود، و اللّه الموفِّق للرَّشاد و علیه التَّوکُّل فی المبدأ والمعاد».

ص : ۴۱۲

مطالب را با عنوان: «فائده، فائده» شرح می دهد. از این رساله فقط یک جزوه هفت برگی به نظر رسید و باقی آن مفقود شده است. مؤلِّف که «ابوجعفر محمّد قاسم بن محمّدرضا» نام دارد، نویسنده کتاب «سراج الهُدی» در مسأله بَداء است که در «فهرست دانشگاه ۳: ۵۸۱» معرّفی و تصویر اجازه و خطّ و امضائش «مورّخه چهارشنبه ۲۸ صفر ۱۱۳۲» در همان فهرست «۵: ۱۶۴۹» طبع شده است. قطع ۱۱ و نیم × ۱۸، کاغذ فرنگی، خط شکسته نستعلیق ۱۳ سطری.

رساله در نقل نعش موتی: رساله در حکم نقل جنائز

«۴۱۵» رساله فی نکاح الذمّیه

(فقه _ عربی)

از: آقا محمّد علی بن آقا محمّد باقر هزارجریبی مازندرانی نجفی رحمه اللّه.

کتاب: در مسائل متعلّقه به نکاح زن غیر مسلمان است.

نسخه: در زمان مصنّف نوشته شده. هیچ گونه خصوصیّت دیگری ندارد.

رساله در نماز جعفر طیّار: ش ۲ ضمیمه ش ۱

«۴۱۶» رساله یوحنّا

(مناظرات مذهبی _ فارسی)

از: نامعلوم، و منسوب است به شیخ ابوالفتوح رازی مفسّر اعلی اللّه مقامه.

کتاب: مختصری است در مناظرات مذهبی شیعه و سنّی و اثبات حقّانیّت مذهب شیعه به سبکی شیرین و دلنشین، و مناظره کننده خود را یوحنّا بنی اسرائیلی ذمّی مصری در آغاز رساله معرّفی کرده است، و در «الذریعه ۱۱: ۲۳۰» فرماید که نام این رساله «منهاج المناهج» است، و در «ج ۲۳: ش ۸۵۴۷» زیر آن عنوان، شرحی مرقوم داشته،

و آخرالأمر در «ج ۲۵: ص ۲۹۶ و ۲۹۷. ش ۱۸۹ و ۱۹۰» یوحنّا و کتاب یوحنّا، اوّلی به فارسی و دیگری به عربی را به تفصیل تمام گزارش فرموده اند.

باری، رساله یوحنّا در تبریز و تهران مکرّر چاپ شده است، لکن با نسخه جای گفتگو، قدری از لحاظ عبارت اختلاف دارد.

نسخه: به خطّ محمّد تقیّ بن حسن علی عقیلی. پایان استنساخ: سلخ ربیع الاخر ۱۰۳۴. چند برگی از اوائل نسخه مفقود شده است.

آغاز موجود: «و سلامی که نشر آن قوّه ناطقه انسان برنتابد، و درودی که بتقدیر...».

انجام: «... گفتم و بر دل خود بستم و اعتقاد کردم چون دانستم که حق اینست و بر مذهب شیعه ام و بر آن بمیرم و بر آن زنده شوم ان شاء اللّه تعالی».

از کتابخانه نیای اعلای گرامی، آیه اللّه مرحوم حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی بوده است.

«۴۱۷» الرشاد، فی شرح الارشاد

(نحو ــ عربی)

از: سیّد شمس الدین محمّد بن میر سیّد شریف علیّ بن محمّد جرجانی.(۱)

ص : ۴۱۴

۱- ۱) نجم الدین خضر بن محمّد حبلرودی رازی نجفی «ذریعه از ریاض» در اوائل کتاب نفیس خود «التوضیح الأنور بالحجج الوارده لدفع شُبه الأعور» که به سال (۸۳۹) در حلّه آن را تألیف کرده است (مأخذ فوق)، در ضمن پاسخ این عنوان: «قال الأعور: الثالث من وجوه احتجاجهم بالعلم»، الخ، چنین گفته است: «ذکر الأستاد العلاّمه شمس فلک المعالی ــ لازال مُفیدًا للمستعدّین بفیض اشرافه الدّرر و اللّآلی ــ فی کتاب «الرشاد فی شرح الارشاد» فی وجه تسمیه النّحو بالنّحو أنّ أبا الأسود الدئلیّ» إلخ. کتاب شریف «التوضیح الأنور» به سال ۱۴۲۴ ق، با مقدّمه و فهرس مطالب (طیّ ۶۶۲ صفحه) در قم چاپ شد و مطلب فوق در صفحه ۲۱۱ دیده می شود. در صفحه ۶۵۴ تاریخ فراغ از تألیف، پگاه یکشنبه ۲۶ صفر ۸۴۰ در حرم مولانا و سیّدنا امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شده است، و حقّا این کتاب بی نظیر شایسته تحقیق و شرح و تفسیر می باشد. بیفزاییم که شیخ نجم الدین پس از نقل عبارتِ کتاب الرشاد فرماید: «و مع تصریح مثل هذا العلاّمه الّذی هو المشار الیه بالبنان فی البیان و رئیس المدرّسین بشیراز، بل سلطان الکلّ فی هذا الزمان» الخ.

کتاب: شرح مزجی بر «الارشاد الهادی نحو الرشاد»، تألیف سعدالدین عمر تفتازانی است. در «ذریعه» فراغت از تألیف آن را در شیراز در قبّه شریفیّه «مزار میرسیّد شریف» دهم جُمادای یکم ۸۲۳ یاد کرده اند.

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد. داخل جلد، تملّک «محمّد صادق بن حاجی زین العابدین لاهیجانی در اصفهان» دیده می شود.

«۴۱۸» رضوان الأمِلین فی تعلیقات القوانین

(اصول فقه _ عربی)

از: مرحوم آقا میر سیّد محمّد بن عبدالصّمد حسینی شهشهانی اصفهانی.

کتاب: حاشیه ای است بر «القوانین المحکمه» مرحوم میرزای قمی، در علم اصول فقه، در چند مجلّد.

نسخه: مجلّد دوّم است از شرح قانون هفتم از قوانین هفده گانه مبحث اوامر تا مبحث نَسخ. تاریخ تألیف و استنساخ و نام کاتب ندارد.

«۴۱۹» رَوادع النفوس

(مواعظ _ فارسی)

از: میر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی اصفهانی، صاحب «ذریعه النجاح. ش ۳۹۳».

کتاب: شامل یک مقدّمه است در مذمّت عصیان و نافرمانی خداوند و سه باب در گناهان کبیره و اخبار مربوطه و دیگر منهیّات شرعیّه، و خاتمه ای در توبه و کفّارات.

تاریخ پایان تألیف: (ظاهرًا) اوایل محرّم ۱۰۹۲.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت در خاتمه ندارد، لکن در هامش اواسط نسخه کاتب چنین نوشته است: «در اصفهان حسب الفرموده نوّاب کامیاب خانی عظیم القدر و الشانی سمّو القدر و المکانی منبع الجود و الاحسانی محمّد رضا خانا، دام اقباله العالی، مرقوم قلم خجسته رقم گردید، یوم الثلثا اواخر شهر ذی الحجّه الحرام سنه (۱۱۰۵)، و انا العبد الضعیف عبدالوهاب الدماوندی، غفر اللّه...». برگ اوّل نسخه نونویس است.

«۴۲۰» الرّوضه البهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ــ عربی)

از: شهید ثانی شیخ زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی اعلی اللّه مقامه.

نسخه: شامل هر دو مجلّد و کامل است و کاتبِ تمامِ متن و حاشیه: محمّد علی بن محمّد حسین بن محمّد علی بن احمد نیریزی، که مجلّد اول را در قریب دو سال استنساخ کرده و در ماه رمضان ۱۲۵۸ از نوشتن آن فراغت یافته، چنانکه این مطالب را در پایان جزء اوّل نگاشته و هم در ذیل آن گوید که در ماه محرم ۱۲۶۲ هر دو جلد را به پدرش هبه نموده و پدر آن را وقف کرده است.

سپس در روی یک برگِ جداگانه، کاتب به عربی شرحی مبسوط نوشته است که این نسخه را در ایّام و لیالی تحصیل استنساخ کرده متنًا و هامشًا و سپس با نُسخ صحیحه در حین مباحثه و مذاکره با طلّاب علوم دینیّه مقابله و تصحیح کرده است و بعدًا نسخه را به «جناب ابوی سرکار حاجی میرزا محمّد حسینا» هبه نموده.

روی برگ اوّل جلد دوّم نیز صورت وقفنامه نوشته شده و تاریخ ختم استنساخِ مجلد دوّم؛ ذی القعده ۱۲۵۷ و در هامش باز شرحی در مورد هبه نمودن نسخه به پدرش

و سپس وقف كردن نسخه توسّط او نوشته است.

روى برگ اوّل مجلّد اوّل نيز مراتب هبه و وقف «كه بر كافه طلاب علوم دينيّه اصفهان وقف نموده» به تفصيل قيد گرديده و مهر كاتب «عبده الراجى محمد على بن محمد حسين الشريف» و مهر پدرش «عبده الراجى محمد حسين الشريف» است و تاريخ وقفيّه؛ اواسط صفر ۱۲۶۲ مى باشد.

كاتبْ متنِ لمعه را همه جا به سرخى نوشته و خطّ متن لمعه و شرح آن نَسخ و خطّ حواشى شكسته و نستعليق و همه بسيار ممتاز و اعلى است و تمام صفحات جدول كشى شده است.

«۴۲۱» ضميمه صيغ العقود و الايقاعات

(فقه _ فارسى)

از: «قدوه المدقّقين و زبده المتأخرين و أعلم المتبحّرين و أفقه المجتهدين علّامه العلماءِ خير الحاجّ و المعتمرين الحاجّ محمّد جعفر بن مرحمت و غفران پناه حاجى محمد صفى آباده، من محالّ فارس»: مقدمه نسخه.

نسخه: به خطّ همان كاتب «شرح لمعه» مى باشد.

«۴۲۲» نسخه ديگر

نسخه: مجلّد اوّل كتاب «شرح اللّمعه» است. كاتب: محمّد مؤمن بن حاجى محمّد شفيع. تاريخ پايان استنساخ: روز شنبه ۱۵ ربيع الاول ۱۱۲۱. بخصوص نيمه اوّل نسخه داراى حواشى گوناگون و فراوانى است.

ص : ۴۱۷

«۴۲۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل تا کتاب مُساقات. یکی دو برگ از آغاز افتاده است. کاتب: نامعلوم. تاریخ پایان استنساخ: یکشنبه دهم صفر ۱۲۰۶. در پایین صفحه آخر آمده است که: «حسب خواهش عالیجناب... علاّمی فهّامی ملاّ محمّد حسین... خلف مرحوم حاجی ملاّ عبدالعظیم قلمی گردید».

در همه صفحات حواشی گوناگونی نوشته شده است.

«۴۲۴» روضه الزهراء

(سیره ــ فارسی)

از: نامعلوم. از برخی سخنان مؤلّف ــ به خصوص در جلد دیگر ــ برمی آید که او از ردیف منشیان بوده است نه از طبقه علماء و محدِّثان بزرگ.

از علاّمه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰) به این گونه نقل می کند: «در «بحارالأنوار» بَحرِ زاخر، جهانِ مَفاخر، ملاّ محمّد باقر مجلسی، طاب ثراه»، و در جلد دیگر، تاریخ تألیف؛ ۱۱۱۴ یاد شده، و نام کتاب را در ظهر نسخه نوشته اند. در متن چون ناقص است دیده نشد.

کتاب: تا آنجا که از نسخه بی اوّل و آخر جای گفتگو دانسته می شود، تألیفی است در بیان سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السلام و این که این جلد مشتمل بر سه باب بوده است:

باب نخست: ــ ظاهرًا ــ در احوال آباء و اجداد حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله ، امّا این نسخه با یک سرلوحه تزیینی بسم اللّه، به این جمله آغاز می شود:

«پس چون اسمعیل را ایّام زندگانی به نهایت انجامید پسر خود قیدار را که حامل نور

محمّدی بود وصیّ نمود و سفارش کرد که تو نیز چنان کن که من کردم».

به طور خلاـصه، این بخش تـا برسـد به بـاب دوّم، مشـتمل است بر انتقـال نور محمّـدی صـلی الله علیه و آله تا هنگام تولّـد آن حضـرت، و سـپس احوال حضـرت خدیجه و حکایت تجدید بنای کعبه و بعثت نبوی و اسلام حضرت حمزه و حکایت هجرت به شعب ابوطالب و ذکر اولاد آن حضرت و ولادت حضرت زهرا علیها و علیهم السلام.

بـاب دویم: در تزویـج زهره زهراء به علیّ مرتضـی، و این بـاب مشـتمل بر سه فصل است. فصل دویم: ولادت حضـرت مجتبی. فصل سیم: ولادت حضرت سیّد الشهداء علیهم السلام .

باب سیّم: در وفات اشرف کائنات صلی الله علیه و آله .

نسـخه: از آخر نـاقص اسـت و به این عبـارت رسـیده است که: «پس همه را در این مصـیبت، گریه امری لاـزم و انـدوه حکمی متحتّم باشد، بلکه جنّ و ملک و زمین و فلک و ثابت و سیّار و جبال و احجار و نبات و اشجار».

خطّ نسـتعلیق خوش، جـدول کشـیده، و به علّت نقص نسـخه نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد، امّا مسـلّم است که در زمان مؤلّف نوشته شده است.

«۴۲۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دیگری است از «روضه الزهراء» و گویا به خطّ مؤلّف.

از باب دوازدهم در احوال امام چهارم است تا باب... در احوال امام نهم علیهم السـلام ، و این باب ـ علی القاعـده ـ بایـد باب هفدهم باشد، جز این که مؤلّف در شماره ابواب پیشین دچار اشتباه شده و برای این باب شماره ای تعیین نکرده است.

آغاز: «بسم... باب دوازدهم از بیست باب روضه الزهراء، فی مناقب بتول [کذا

[العذراء. در ذکر حضرت سیّد الساجدین...».

انجام: «فصل سیم. در اولاد امجاد آن حضرت. فرزندان آن حضرت چهار بوده اند: امام علیّ النقیّ و موسی مُبرقَع و حکیمه و خدیجه. امّا موسی در قم وفات یافته و قبرش در آنجاست(۱) و عقب از او دو پسر است: محمد و احمد، و اولاد ایشان را رضوی گویند و بیشتر ایشان در قم می باشند، و در عهد سلطنت سلطان حسین میرزاءِ تیموری جمعی از ایشان به مشهد مقدّس رضوی ــ علی ساکنها الف صلوه و سلام ــ نقل نموده در آنجا سُکنی کرده اند و سادات رضوی مشهد مقدّس از نسل ایشان است. و از ایشان است میرزا ابوطالب و میرزا ابوصالح، که اوّلین به ازدواج صبیّه نوّاب خاقان رضوان مکان نوّاب علیّه شاهزاده بیگم سرافراز و صدارت خاصّه طوبی آشیان به او مفوّض بوده. و ثانی را که او نیز به ازدواج صبیّه نوّاب خاقان رضوان مکان و به صدارت عامّه سرافراز بوده است.

«تمّ من [کذا] تألیف هذه الرساله «ظ» فی شهر رجب المرجّب من شهور سنه اربع عشر [کذا] و مائه بعد ألف...»

و نیز در آخر باب احوال حضرت امام صادق علیه السلام گوید:

«تمّت هذه الرساله... علی ید مؤلّفه فی شهر شوّال... سنه ۱۱۱۴...».

«۴۲۶» روضه الشّهداء

(مقتل ــ فارسی)

از: ملّا حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری، صاحب «بدایع الأفکار. ش ۹۰. فضل الصلوات».

۱- ۱) این شهرت بسیار کهن و رائج نادرست است. جناب موسی فرزند امام نهم علیه السلام هرگز به ایران نیامده و آن که به قم آمد و قبرش در آنجا است فرزندش محمّد بن موسی است و چون محمّد پیوسته برقعی «نقابی» بر رخ داشت مردم قم او را مبرقِع می گفتند، و نسل و نژاد هم از برادرش احمد بن موسی است نه از محمّد مبرقِع، کما حقّقناه فی موضعه.

کتاب: در احوال و مناقب و کیفیّت شهادت و مَقتل بعضی از انبیاء و حضرت رسالت و خاندان رسالت علیهم السلام است در ده باب و یک خاتمه، و از کتب بسیار مشهور مصیبت خوانی و به طبع رسیده. تاریخ تألیف: روز چهارشنبه پنجم ربیع الآخر ۹۷۰.

نسخه: به خطوط مختلف است و مقدار زیادی از اوّل و آخر به خطّ نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی است و تا پایان باب دهم نوشته و خاتمه آن را که در باب احوال امام زادگان و انساب ایشان باشد، ننوشته اند. تاریخ استنساخ: ماه رجب ۱۲۸۵.

«۴۲۷» نسخه دیگر

نسخه: از آثار سده دهم ـ یازدهم است و چون فاقد اوراقی از آغاز و انجام بوده، همان نیای گرامی، آقای حاج میر سیّد محمّد موسوی ـ اعلی اللّه مقامه ـ مقدار ناقص را به خطّ خود افزوده اند و فعلاً این نسخه تمام است و دارای خاتمه. نام کاتب اصل و متمّم و تاریخ در نسخه نیست.

«۴۲۸» روضه الصّفاء فی سیره الأنبیاءِ و الملوک و الخلفاء

(تاریخ ـ فارسی)

از: محمّد بن خاوند شاه بن محمود، معروف به میر خواند (متوفّی ۹۰۳).

نسخه: مجلّد اوّل کتاب است که به نام امیر علی شیر نوایی خاتمه یافته. کاتب: حسن بن داود.... تاریخ استنساخ: چهارم ربیع یکم ۱۰۶۱.

«۴۲۹» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد آخر و خاتمه کتاب است، مطابق با جلد هفتم چاپ حروفی تهران. قطع

ص : ۴۲۱

بزرگ و خطّ نسخ جلیّ عالی و بسیار مغلوط است. نام کاتب ندارد. تنها در پایان اصل تاریخ و پیش از شروع در خاتمه، تاریخ استنساخ: ذی الحجّه یکهزار و یک قید شده است.

تمام صفحات به طلای اشرفی جدول کشی شده و دو صفحه آغازین دارای جدول و گل و بوته در حاشیه و طلاکاری در میان سطرها می باشد.

روضه الکافی: الکافی

«۴۳۰» روضه المتّقین فی شرح أخبار الأئمّه المعصومین

(حدیث _ عربی)

از: مولانا محمّد تقی مجلسی _ علیه الرحمه _ صاحب «حدیقه المتّقین. ش ۳۴۷».

کتاب: شرح مزجی کتاب «من لا یحضره الفقیهِ» مرحوم شیخ صدوق است و موشّح به نام شاه عبّاس ثانی صفوی و در چهارده مجلّد چاپ شده است.

نسخه: از آغاز تا باب فضل مساجد است و آخر ندارد.

مُهرِ «ابوطالب بن میرزا بیگ الموسوی» و «محمد معصوم الحسینی ۱۱۱۸»، ظهر نسخه هست.

«۴۳۱» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل است و نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد.

سرآغاز دارای سرلوحه ممتاز و همه صفحات جدول کشیده و مذهَّب است. ظهر نسخه نوشته اند:

«هو. پیشکش افادت و افاضت پناهی علاّمی مولانا محمّد تقی مجلسی. به تاریخ

شهر رمضان المبارك سنه ۱۰۶۴».

ویژگی ها همانند دو مجلّد دیگر «ش ۴۳۲ و ۴۳۳» است.

«۴۳۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم و از «ابواب الزکوه» است تا آخر شرحِ «باب الفروض علی الجوارح» که پایان جزءِ دوّم «کتاب من لا یحضره الفقیه» است.

انجام تألیف: «سنه ۱۰۶۲».

کاتب: محمّد مؤمن جرفادقانی. تاریخ پایان استنساخ: چهارشنبه نهم ماه شعبان ۱۰۶۴.

سرآغازِ صفحه اوّل، دارای سرلوح ممتاز و همه صفحات مجدول مذهّب است، همانند مجلّد اوّل «ش ۴۳۱»، و در این دو نسخه هیچ گونه خطّی از مصنّف یا دیگری به نظر نرسید، و بالطبع حواشی شخص مؤلّف را نیز که گویا پس از استنساخ این نسخه ها نگاشته است ندارد.

«۴۳۳» نسخه دیگر

نسخه: شامل «أبواب القضایا و الأحکام» است. تاریخ تألیف و کتابت و نام کاتب ندارد و شاید به خطّ کاتبِ دو مجلّد دیگر (ش ۴۳۱ و ۴۳۲) باشد که به دستور شخص مؤلّف جهت پیشکش نوشته شده است.

مع الأسف، هیچ اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد، و اوصاف تزیینی به شرح همان دو نسخه است.

ص : ۴۲۳

روی برگ اوّل نوشته اند: «پیشکش افادت و افاضت پناهی علاّمی مولانا محمد تقی مجلسی، به تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۶۴».

«۴۳۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم و از «أبواب الزکوه» است تا بخشی از «باب الحقوق» که پس از آن «باب الفروض علی الجوارح» است.

مع الأسف یک جزوه از آخر نقص دارد و شماری از اوراق اوّل نسخه از قسمت پایین آسیب دیده و در این اواخر تعمیر شده است. این نسخه در دست شخص مؤلّف بوده و در همه جا حواشی به خطّ مبارک خود بر آن نوشته است.

نام کاتب و تاریخ کتابت به علّت نقص آخر معلوم نشد.

«فایده ارزشمندی از خطّ شخص مؤلّف»

در اوائل در باب ما یجوز الإحرام فیه و ما لا یجوز» ذیل روایت «و روی عن حَنان بن سَدیر» که شارح گوید: «و فی بعض النسخ بالقافین منسوب الی قرقوب»، شخص شارح به خطّ خود در هامش این چنین نوشته اند:

«قرقوب: بلده من عمل کسکر، کوره قصبتها واسط، بناه الحجّاج فی العراق، کان خراجها اثنی عشر ألف ألف مثقال، کاصبهان: «ق»، و الظاهر اطلاق المثقال علی الدینار و حسابه بقیمه الحال: ألف ألف تومان و ستّمائه ألف تومان. و الظاهر أنّه کان مع الجزیه، فانّهم کانوا مجوسیًّا و صار بحمد اللّه تبارک و تعالی أفضل بلاد الدنیا من حیث المذهب، فانّه لا یوجد فی اصفهان و نواحیه غیر الاثنا ــ کذا ــ عشریّ، سوی جُلفا و گبراباد، فانّهم خارجیّان. منه».

ص : ۴۲۴

«۴۳۵» ریاض السّالکین فی شرح صحیفه سیّد العابدین

(عربی)

از: سیّد صدرالدین علیّ بن میرزا احمد بن محمّد معصوم حسینی مدنی، معروف به سیّد علیخان شیرازی ـ علیه الرحمه ـ (متوفی ۱۱۲۰): «کواکب منتشره: ۵۲۱».

کتاب: شرح پنجاه و چهار دعاءِ صحیفه کامله سجادیّه است در ۵۴ روضه و شرح مقدّمه. آغاز تألیف: ۱۰۹۴. پایان تألیف: ۱۱۰۶.

هر روضه، خطبه جداگانه و خاتمه و تاریخ دقیق تألیف دارد، و کتاب مکرّر چاپ شده است.

نسخه: نیمه نخست کتاب است، شامل بیست و هفت روضه، به خطّ سه چهار نفر.

نخستین روضه و بخشی از دوّم کاتب آن معلوم نیست. کاتبِ صفحات بیشتر، محمّد صالح بن ابوالقاسم تبریزی است که از کتابت روضه دوازدهم در بیست و نهم ربیع دوّم ۱۱۲۹ فراغت یافته.

از روضه سوّم به بعد را که ابتدا نسخه مستقلّی بوده، مرحوم آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی به فرزند بزرگوارشان آیه اللّه آقای حاج میر سیّد محمّد چهارسوقی ـ نیای اعلی ـ بخشیده و مُهر کرده اند: «عبده زین العابدین الموسوی ۱۲۲۳».

در ظهر برگ نخست، علاّمه مرحوم حاج ملاّ محمّد جعفر گیلانی رشتی اصفهانی صاحب «شرح المشاعر. ش ۵۳۲» نوشته است که نسخه را از آقا سیّد شفیع ششتری به وساطت حاجی سیّد علی داماد جناب حاجی سیّد زین العابدین خریده است و مهر کرده: «عبده جعفر بن محمّد صادق». سپس تملّک نواده آن مرحوم، عالم جلیل حاج میرزا

عبدالرزّاق رشتی و مُهر او «عبده عبدالرزّاق بن محمّد کاظم» است و پس از آن، تملّك و مُهر فرزندش؛ مرحوم حاج میرزا قوام الدین رشتی دیده می شود. به گوشه هایی از سرگذشت این خاندان در «شرح المشاعر. ش ۵۳۲» اشاره خواهیم کرد رحمه اللّه تعالی علیهم اجمعین.

«۴۳۶» ریاض العابدین فی شرح صحیفه مولانا و مولی المؤمنین علیّ بن الحسین زین العابدین

(فارسی)

از: بدیع الزمان قهبائی، معروف به ملاّ بدیع هرندی، که آن را به نام شاه صفی صفوی نوشته است.

شاه صفیّ سام میرزا، فرزند محمّد باقر میرزا، فرزند شاه عبّاس اوّل است. او پس از درگذشت شاه عباس در ۱۰۳۸ به سلطنت رسید و در ۱۰۵۲ وفات یافت.

از گزارش احوال بدیع الزمان آگاهی در دست نیست. شاید در بخش مفقود «ریاض العلماء» مذکور بوده است. او از شیخ بهاءالدین عاملی (متوفی ۱۰۳۰) اجازه روایت داشته و پس از شیخ و میر محمد باقر داماد (متوفی ۱۰۴۰) تا زمان مولانا محمدتقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰) می زیسته است رحمه اللّه علیهم اجمعین.

کتاب: دارای نسخه های فراوان است که در «ذریعه ۱۱: ش ۱۹۷۵» و «نسخه های خطّی شروح و ترجمه های صحیفه سجّادیّه: ش ۲۷» معرّفی، و به سال ۱۳۷۴ ش، در تهران چاپ شده است.

نسخه: به خطّ درویش علی بن یوسف طالقانی. تاریخ استنساخ: عشر دوم ماه شعبان ۱۰۷۵. اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد. روی برگ اوّل، وقفنامه حاجی دولت، به

تولیت «میر محمّـد بـاقر ولـد مرحوم میر علیرضـای مشـهور به پیشـنماز» به تاریـخ ماه رمضان ۱۰۷۵ و مهر او «پیرو دیــن محمّد دولت» نوشته شده است.

«۴۳۷» ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم آقا میر سیّد علیّ بن محمّد علیّ طباطبائیّ کربلائی (متوفی ۱۲۳۱) علیه الرحمه.

کتاب: شـرح کتاب «المختصـر النافع من کتاب الشـرائع» محقق حلّی قدس سـره ، و معروف است به «شـرح کبیر» و مکرّر چاپ شده است.

نسخه: تنها «کتاب الصّلوه» است و امتیازی در آن به نظر نرسید، اگر چه در پایان «بلغ قبالاً» دارد.

کاتب: صـفر علیّ بن اسمعیل نجف آبادی اصفهانی است که نسخه را «حسب الأمر الأرفع الأقدس الأشرف الأعلی الأورع أعلم العلماءِ و افضل الفضـلاءِ و أفقه الفقهاءِ قُـدوه المـدّققین و فخر المحقّقین السـلاله السّادات النّجبائیّ العظام الثمره الشـجره النبویه «ص» کهف الحاجّ و المعتمرین حاجی الحرمین الشـریفین حاجی میر محمد علی المدرّس فی دار السـلطنه اصـفهان أدام اللّه...» استنساخ کرده و در روز چهارشنبه پنجم جمادی الاولی ۱۲۵۵ از کتابت آن فراغت یافته است.

یک نسخه از کتاب الطلاق تا آخر شرح کبیر نیز به خطّ همین کاتب معرّفی می شود.

«۴۳۸» نسخه دیگر

نسخه: شامل کتاب الزکوه و الخمس و الصّوم و الاعتکاف، به خطّ «یقین علی

اشتهاردی» است، و پس از آن کتاب الحجّ و العمره است به خطّ کاتب دیگری که تاریخ پایان استنساخ در آخر آن سنه ۱۲۶۲ قید شده است.

«۴۳۹» نسخه دیگر

نسخه: تمام کتاب طلاق و خلع و مُبارات است و پس از آن تمام کتاب دیات، و از اوّل تا آخر به دقّت مقابله و تصحیح شده است. کاتب تمام نسخه: صفر علی بن مرحوم اسماعیل نجف آبادی اصفهانی که نسخه کتاب صلوه ریاض به خطّ او را نیز شناساندیم. تاریخ استنساخ مُبارات: پنجشنبه ۲۲ ذیالحجّه ۱۲۵۵ و تاریخ استنساخ دیات: سه شنبه بیستم ماه شعبان ۱۲۵۵، و مانند نسخه صلوه، هم در آخر مبارات و هم در آخر دیات، کاتب تصریح کرده است که نسخه را حسب الامر... اعلم العلماء... حاجی میر محمد علی مدرس، در اصفهان نوشته است.

کتابت کتاب طلاق و خلع و مبارات را کاتب «۱۱۲۴۴ بیت» تخمینًا و کتابت دیات را تخمینًا «۱۲۹۱۴ بیت» تعیین کرده است.

«۴۴۰» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب تجارت است تا آخر کتاب وصایا.

کاتب: محمد علی بن مرحوم هاجی عظیم معمائی یا معمار یزدی. تاریخ استنساخ روز ۴ شنبه ۲۹ ذی الحجه ۱۲۲۶.

ظاهرًا مقابله و تصحیح نشده و امتیازی ندارد. ظهر نسخه نوشته اند: «عدد اوراق ۲۶۸ ورق». نام کتاب در نسخه نیست و پس از دقّت در عبارات و مراجعه به ریاض، شناخته شد.

«۴۴۱» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب تجارت است تا آخر کتاب وصایا.

نام کاتب و تاریخ کتابت نـدارد. ظاهرًا حدود سال ۱۲۳۰ نوشـته شده و تصـحیح و مقابله نگردیده و بسـیار مغلوط است. نام و نشانی از کتاب و مؤلّف در نسخه نیست و پس از دقّت بسیار در عبارات و مراجعه به ریاض شناخته شد.

«۴۴۲» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب القرض است تا پایان کتاب وصیّت.

کاتب: محمّد کدکنی خراسانی. تاریخ استنساخ: محرّم ۱۲۷۷. اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد.

«۴۴۳» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب الاجاره است تا پایان لِعان.

آغاز: «کتاب الاجاره و هی لغةً الأجره و هی کری الأجیر».

انجام: «لاستقراره بالموت فلا یرفعه اللّعان المتجدّد...».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن در اواسط قرن سیزدهم در اصفهان استنساخ شده و هیچ اثر تصحیح و امتیازی ندارد.

«۴۴۴» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب الاجاره است تا پایان کتاب که «احیاءِ موات» باشد. تاریخ

استنساخ: روز پنجشنبه ۱۳ صفر ۱۲۴۰. نام كاتب و آثار مقابله و تصحيح ندارد. روى برگ اوّل نسخه نوشته است: «جلد ثانى شرح كبير».

ظهر نسخه اين مطلب تاريخى نوشته شده است:

«به تاريخ شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۴۶ نوّاب اشرف والا عبّاس ميرزا از دارالسّلطنه تبريز حركت نمود به دارالخلافه طهران خدمت بندگان اقدس والا فتحعلى شاه قاجار، و بندگان اقدس نظر باستعداد و جمعيّت او مضطرب شد و سركار امين الدوله را امر نمود كه او را بنحوى از انحاء از دارالخلافه اخراج نمايد، سركار امين الدوله چاره را منحصر ديده و او را مختارالدوله نمودند و مبالغ كلّى تحوّلا ـ به ولايات حواله كردند، و از دارالخلافه بيرون آمد و عزيمت يزد نمود و لطفعلى ميرزا كه به محاصره يزد مدّتى قيام نموده بود از خوف، عزيمت به كرمان نمود و عباس ميرزا وارد يزد شد و عبدالرضا خان كه با حسنعلى ميرزا معارض شده بود بخصوص شهر يزد تمكينى از نايب السلطنه نمود و بعد از چند يوم عزيمت كرمان نمود تا خدا چه مقدّر نموده باشد».

«۴۴۵» نسخه ديگر

نسخه: مجلّد سوّم از يك دوره و شامل كتاب هاى لقطه، مواريث، قضاء، شهادات، حدود، قصاص و ديات كه پايان كتاب است.

نام كاتب و اثر تصحيح و مقابله و تحشيه ندارد، و در ۱۲۴۴ نوشته شده است.

«۴۴۶» رياض المؤمنين

(دعاء ــ فارسى)

از: محمّد بن محمّد، مدعوّ به شاه محمّد.

علاّمه أوحد مولانا شاه محمّد اصطهباناتى اصلًا و مولدًا، شيرازى موطنًا و منزلًا: از

سخنان شاگردش محمّد مؤمن جزائری شیرازی در کتاب «طیف الخیال. ش ۵۸۴» با القاب و اوصاف بسیار. محمّد مؤمن متولّد ۱۰۷۴ در شیراز، وفاتش معلوم نیست.

شاه محمّد در یکصد و سی سالگی در حدود ۱۱۳۰ در شیراز وفات یافته است.

مآخذ: «هامش صفحه ۵۲۰ خاتمه مستدرک الوسائل، چاپ سنگی. ج ۲۱ مستدرک چاپ قم: ۲۳۷»، «أعیان الشیعه ۴۵: ۳۲۵»، «ذریعه ۱۱ ش ۱۹۷۸» و «کواکب منتثره: ۳۳۰ و ۷۴۸».

کتاب: ترجمه و شرح فارسی «صحیفه کامله سجّادیّه شریفه» است، مشتمل بر پنجاه و پنج روضه.

شاه محمّد، نخست به سال ۱۰۸۳ در داکای بنگال، شرح مزجی مبسوطی بر آن صحیفه مبارکه نگاشت و در سال ۱۱۱۴ که در اصفهان بود، نسختی از آن را به شاه سلطان حسین صفوی اهداء کرد. شرح عربی به نام «ریاض العارفین فی شرح صحیفه سیّد السّاجدین، علیه السلام» در ۱۳۷۹ ش، در تهران چاپ شد: «نسخه های خطّی شروح و ترجمه های صحیفه سجّادیه: ش ۲۸».

نسخه های خطّی شرح عربی بسیار است، امّا از شرح فارسی جای گفتگو، نسخه دیگری در دست نیست.

شارح در مقدّمه گوید که چون در نُسخ صحیفه خلاف اصل بسیاری راه یافته بود و خود نسخه ای داشته که آن:

«موافق اُمّ النسخ بود که عبارت از نسخه شیخ بهاء الملّه و الدین العاملی باشد که والد ماجِدِ او شیخ حسین بن عبدالصّمد، اوّلاً ببلاد عجم آورده بود، در زمان سابق جهت ضبط نسخه و توضیح معضلات، شرحی به عربی در سلک تحریر درآورده، تا در این

ایّام خجسته انجام سنه هزار و صد و چهارده هجری، از پیشگاه.... شاه سلطان حسین.... صفوی.... حُکم قضا بنیان.... نسبت به این حقیر.... شرف نفاذ یافت به این که شرح این صحیفه کامله مبارکه ــ که به عربی تحریر یافته ــ به فارسی تقریر یابد....».

نسخه: به خطّ یار محمّد از خوشنویسان ــ ترجمه نویسان ــ زمان.

تاریخ پایان استنساخ: «در عید اضحی سنه ۱۱۱۴ هجری در دارالسلطنه اصفهان سمت تحریر یافت».

شاید این تاریخ مربوط به انجام تألیف باشد، امّا کاتب پس از یاد نام خود، باز تاریخ ۱۱۱۴ را قید کرده است.

تمام برگ ها به طلا و الوان جدول کشی شده و صفحه نخستین دارای سرلوح طلا و دو صفحه آغازین با حاشیه گل و بوته طلا و الوان و نیز تشعیر است. قطع بزرگ. کاغذ سمرقندی، جلد بلغار...

* * *

در این جا بی مناسبت نیست به این نکته بسیار مهمّ توجّه دهیم که همه آثار و علائم به جای مانده از دوران دویست و چند ساله دودمان صفوی، گویای اهتمام تامّ و کوشش فراوان آنان است در ترویج زبان فارسی ــ در قبال ترکی ــ و تحکیم مبانی این زبان، به انواع وسائل گوناگون، که اهمّ از همه، تشویق و تأیید علماء و فضلاء به تألیف و تصنیف کتب و رسائل و ترجمه آثار مهمّ عربی ــ خرد و کلان ــ به زبان شیرین فارسی، همان گونه که در حمایت و نصرت مذهب پاک تشیّع و یاری شیعیان، تا پای جان ساعی و کوشا بودند و از تأیید و تشویق و اعانت عالمان کوتاهی و تعلّل نکردند. تو خود حدیث مفصّل بخوان از این مجمل.

«۴۴۷» زاد الزائرین و جامع الزیارات

(زیارات _ فارسی)

از: محمّد حسن بن محمّد عسکری حسنی سمنانی، معروف به حاج میرزا عسکری _ رحمه اللّه علیه _ صاحب کتاب عظیم الشأن «منهاج العارفین» مطبوع مشهور. تولّد و وفات نامعلوم است: «کرام برره: ش ۶۶۹».

کتاب: در آداب زیارت و عموم زیارت های مأثوره مشاهد مشرّفه است، در یک مقدّمه و شش مقصد و خاتمه. تاریخ تألیف: ماه محرّم ۱۲۴۶، در کربلای معلّی. کتابِ جامع معتبری است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. روی برگ آخر، گواهی مقابله با تاریخ ۱۲۵۱ نوشته شده است. مهر مرحوم آقای حاج سیّد جعفر بیدآبادی «عبده الراجی محمّد جعفر بن محمّد باقر الموسوی» ظهر نسخه هست.

«۴۴۸» زاد المعاد

(ادعیه _ فارسی)

از: علاّمه مجلسی مولانا محمّد باقر بن محمّد تقی (متوفی ۱۱۱۰) علیهما الرحمه.

کتاب: در بیان اعمال عبادی سالیانه است «عمل السّنه»، دارای پانزده هزار بیت کتابت، مصدّر به نام شاه سلطان حسین صفوی. تاریخ پایان تألیف: ماه رمضان ۱۱۰۷. کتاب شریف ده ها بار چاپ شده و مایه خیر و برکت بیوت اهل ایمان است.

نسخه: تزیینی و صفحه اوّل دارای سرلوح و حاشیه طلاکاری و همه صفحات جدول کشی شده. خطّ نسخ ممتاز. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و حدود زمان تألیف نوشته شده است. حاشیه و آثار مقابله ندارد.

«۴۴۹» زبده البیان فی براهین أحکام القرآن

(فقه القرآن ـ عربی)

از: محقّق اردبیلی، مولانا احمد بن محمّد (متوفی ۹۹۳) علیه الرحمه.

کتاب: در تفسیر فقاهتی آیات شریفه مشتمل بر احکام است. از طهارت تا دیات به ترتیب کتب فقه و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد صالح بن خان احمد نهایی اهری که به سال ۱۰۷۹ در اصفهان از روی نسخه «مورّخه دهم صفر ۹۸۹، به خطّ حَیدر بن شاه محمّد طبسی نجفی در نجف، مصحّحه مورّخه چهارشنبه ۲۳ ذی الحجه ۹۹۲»، استنساخ کرده است.

از کتب خانوادگی.

«۴۵۰» نسخه دیگر

نسخه: به علّت فقدان اواخر آن، کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. آنچه مسلّم است درزمان حیات مؤلّف نوشته شده و ظاهرًا اصلاحات و اضافات مرقوم در حواشی به خطّ مبارک شخص مؤلّف است. حواشیِ «منه مدّ ظلّه العالی» و حواشی دیگر با توقیع «ف» و حواشی دیگر از «قاموس»، «صحاح»، «مقدّمه»، «شرح نصاب» و غیرها ـ همگی به خطّ کاتب متن ـ دارد. چهار برگ آخر نونویس و تاریخ آن ۵ ذیالحجّه ۱۲۴۸ می باشد.

روی برگ اوّل مهری است به توقیع «المؤمن حیّ فی الدارین» که ظاهرًا متعلّق به پدر محقّق سبزواری است و ذیل آن این عبارت: «قد انتقل بعد ارتحاله رحمه اللّه الی أقلّ تلامذته و احقر داعیه بالغفران محمّد بن علی الشهیر بابن خاتون فی سنه ۱۰۳۶» و سپس مهر او که خوانده نمی شود، و نیز تملّک محقّق سبزواری (متوفی ۱۰۹۰): «مالکه الفقیر محمّدباقر السبزواری» و مهر ناخوانای او.

«۴۵۱» زُبده البیان فی رُسوم مصاحف عثمان

(علوم قرآنی ــ عربی)

از: ناشناخته.

کتاب: این کتاب نفیس پیرامون آگاهی هایی درباره «قرآن کریم» نوشته شده، و در آن از وجوه إعجاز قرآن و سبب جمع آن در خلافت ابوبکر، و هم در خلافت عثمان، و چگونگی کتابت و تعداد مصاحف در آن زمان، و ترتیب سوره های قرآن و محلّ نزول آنها که کدام در مکّه و کدام در مدینه بوده و اختلاف روایت ها درین باره، و تعریف خطّ و تقسیمات آن، و رسم الخطّ قرآن، و شرح قرائت های هفتگانه، و اعراب کلمات و مطالب صرفی مربوط به آیات شریفه، و مطالب گوناگون دیگر گفتگو می کند.

مع الأسف نویسنده این کتاب شناخته نشده، و چنین اثری بدین نام در «کشف الظنون» و «إیضاح المکنون» و «معجم المطبوعات» و فهارس کتابخانه هایی که در دسترس است یاد نشده، امّا آشکارست که مؤلّف، دانشمندی سنّی مذهب بوده، و از اینکه نام شیخ محمّد بن الجزری (متوفّی ۸۳۳) را در کتاب آورده معلوم می شود پس از او می زیسته است.

آغاز: « «کتاب زبده البیان فی رسوم مصاحف عثمان» بسم... الحمد للّه الّذی شرّفنا بالإیمان و عزّزنا بالإسلام و إحسان (کذا)، و خصّصنا بخیر کتاب هو حجّه الحقّ و نور الهدی و الفرقان، و بأفضل رسول سیّد الخلق محمّد الهادی بأوضح البرهان صلّی اللّه علیه و آله و صحبه و سلّم کلّ حین و أوان.

اما بعد فلایخفی علی ذوی البصائر و الإیقان أنّ معرفه رسوم المصاحف حقیق بأن

ص : ۴۳۵

یعتنی بها الإنسان، إذ هی علم شریف یعرف به نمق حروف نسخه إلهیّه... ثمّ إنّ الأئمّه صنّفوا کتباً جمّه فی هذا الشّأن و أعقلها «العقلیّه»(۱) للإمام أبی القاسم الشّاطبیّ الحاویه لما فی «المقنع» للشّیخ الکبیر أبی عمرو الدّانی. لکنّ الأوّل لنظمه صعب الإفاده، و الثّانی أطنب بکثره الأسانید و...

ولمّـا قصر الهمم العالیات أو لایفیالوقت لیحیط العلم بجمیع الغایات... اقتصرتُ فی هـذا الکتاب علی أصول المسائل و معظم التّعلیلات، بحیث لم أترک شیئًا من رسوم المصاحف السّتّه العثمانیه الّلاتی(۲) ذکرها الّتی أرسلت إلی البلدان، مختصرًا علی نحو عشر ألفاظ مأخذه بأوفی التّبیان، کاشفاً عن خبایاها، موضحًا خفایاها بقدر الإمکان.

و سمّیته «زبده البیان فی رسوم مصاحف عثمان» و رتّبته علی عشره أبواب، أحدها فی فرش الحروف و التّسعه فی الأصول.

الباب الاول منها فی حذف الألف و إثباتها و زیادتها. ب ۲ فی حذف الیاء و إثباتها و زیادتها. ب ۳ فی حذف الواو و إثباتها و زیادتها. ب ۴ فی قیاس الهمزه. ب ۵ فی الهمزه علی خلاف هـذا القیاس. ب ۶ فی الألفات المنقلبه عن الواو. ب ۷ فی الألفات المنقلبه عن الیاء. ب ۸ فی المقطوعات و الموصولات. ب ۹ فی هاءِ السّکت. و قدّمت علی هـذه العشر عشرًا اخر، خمس مقدّمات و خمس فوائد، فنبیّن فی المقدّمات: وجوه إعجاز القرآن، و سبب جمعه فی عهدی أبیبکر و (ظاهراً) عثمن رضی اللّه عنهما (ظاهراً)، و کمّیّه مصاحفه، و کیفیّه کتابتها، و ترتیب سور القرآن، و نسبتها إلی مکان نزولها، و تعریف الخطّ و تقسیمه. و نفصّل فی الفوائد حکمه مصلحه الرّسم و لزوم متابعته.

و ستّ تنبیهات فی معنی قوله صلی الله علیه و آله : «أنزل القرآن علی سبعه أحرف» یوضح بها سبب

۱- ۱) صواب «العقیله» است.

۲- ۲) صواب الأتی است.

نزوله علی أوجه مختلفه، و أنّها سبعه و ما المقصود بهذه السبعه؟ و هل هی متفرّقه فی القرآن أم لا-؟ و إلی أیّ أمر (ظاهراً) یتوجّه اختلافها، و أنّ معانیها ترجع إلی شیئین، و أنّ المصاحف العثمانیه هل هی مشتمله علی مجموعها أو علی حرف واحد منها؟ و أنّ القراآت الموجوده الیوم هل هی جمیعها أو بعضها؟ و ما المقبول و المردود من القراآت؟ و هل یجوز خلط القراآت بعضها ببعض أم لا؟».

انجام: «... و قد سبق حذف ألف الکلمت فی القاعده الثامنه و فی الفرش، و سبق رسم منوّه بالواو فی الباب السّادس، و اللّه اعلم. تمّت رساله «زبده البیان فی رسوم مصاحف عثمان»، کتبه محمّد أمین ولد علی أکبر اصفهانی إثنا عشری، فی یوم السّبت من عشر أول ربیع الأوّل سنه ۱۰۸۸ فی مسجد شیخ لطف اللّه، نور اللّه مرقده».

نسخه: دارای ۵۱ برگ و ۱ برگ عطف در آخر که روی برگ اوّل و پشت برگ آخر، مطالب گوناگون نوشته شده، و در روی برگ ۱، حدیثی نوشته شده و سپس چنین تاریخ کرده: «بتاریخ روز جمعه هشتم شهر جمادی الثّانیه من شهور سنه ۱۱۲۸». کاغذ دولت آبادی، خطّ نسخ ۱۹ سطری، عناوین به سرخی، قطع ۱۳ × ۱۹، جلد میشن زرد یک لا، داخل میشن سرخ. نسخه تصحیح نشده و مغلوط است.

«۴۵۲» زَهْر الربیع

(متفرّقات ــ عربی)

از: سیّد نعمت اللّه بن عبداللّه حسینی موسوی جزائری علیه الرحمه. صاحب «حاشیه الفوائد الضیائیّه. ش ۳۱۶».

کتاب: مجموعه ای است از مطالب گوناگون تاریخی و ادبی و مذهبی و قصص و امثال و اشعار و هزلیّات در دو مجلّد و به طبع رسیده. تاریخ تألیف مجلّد اوّل: روز دوشنبه ششم ربیع یکم ۱۱۰۹ در اصفهان.

ص : ۴۳۷

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ مجلّد اوّل: چهارم ماه رمضان ۱۲۲۹ و تاریخ استنساخ مجلّد دیگر: دوّم ربیع الاول ۱۲۳۰.

حواشی به امضای «فتحعلی» دارد(۱) و ظهر نسخه این شرح دیده می شود: «ملّا عبدالرحیم قمشه رهن گذارده نزد حقیر محمد کاظم به پنج روپیه سفیدی».

«۴۵۳» الزهرات الذویّه فی الرّوضه البهیّه

(فقه ـ عربی)

از: شیخ علیّ بن محمّد بن حسن بن زین الدین الشهید الثانی علیهم الرحمه.

کتاب: حاشیه مبسوطی است بر «شرح لمعه» شهید ثانی، نیای گرامی مؤلّف، در دو مجلّد. مجلّد اوّل از طهارت تا حجّ که در ۱۴ ربیع یکم ۱۰۷۴ از آن فراغت یافته و مجلّد دوّم از جهاد است تا دیات، مورّخ چهارشنبه ۲۷ جمادای دیگر ۱۰۷۵. مقداری از کتاب در حواشی برخی نسخ شرح لمعه چاپ شده.

نسخه: در زمان شارح نوشته شده. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن شارح خود از اوّل تا آخر نسخه را با اصل مقابله و تصحیح و تکمیل فرموده، در اوائل محرّم ۱۰۸۸ از تصحیح جلد اوّل و در چهارم صفر همان سال از تصحیح جلد دوّم فراغت یافته. روی برگ اوّلِ مجلّد دوّم نیز طیّ شرحی نوشته است که این نسخه را مرحوم ملّا محمّد شریف گیلانی وقف کرده و مهر شارح درین موضع چنین است: «حسن الظن بربّه العلیّ. عبدُ محمّـِد و آله، علیّ ۱۰۴۳». مع الأسف برگ اوّل این نسخه مفقود شده است.

ص : ۴۳۸

۱- ۱) برخی از این حواشی را نیای گرامی، آیه اللّه مرحوم حاج میر سیّد محمّد چهارسویی در یکی از مجموعه های خود نقل کرده و به «مولانا فتحعلی، زند، غفر له و رحم» نسبت داده اند. تاریخ نقل حواشی در آن مجموعه، محرّم ۱۲۷۳ می باشد.

«۴۵۴» الزهره البارقه لمعرفه احوال المجاز و الحقیقه

(اصول فقه _ عربی)

از: سیّد حجه الاسلام مرحوم حاج سیّد محمّد باقر بن محمّد نقی شفتی اصفهانی بیدآبادی.

کتاب: در باب مسأله مجاز و حقیقت از مسائل علم اصول است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. کاتب نسخه را ناتمام گذارده است.

«۴۵۵» زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر

(مواعظ _ عربی)

از: میر بهاءالدین محمّد بن محمّدباقر حسینی مختاری نائینی اصفهانی. «ش ۴۰۴».

کتاب: شبه مقاماتی است ادیبانه در مواعظ نافعه و به طبع رسیده. تاریخ تألیف: روز جمعه ۱۲ ذی القعده ۱۱۰۹.

نسخه: از اوّل ناقص است. نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: اواخر محرم ۱۲۴۶. از کتابخانه نیای گرامی، آیه اللّه مرحوم آقا میرزا سید جمال الدین موسوی چهارسوقی.

«۴۵۶» زیارتنامه مشهد مقدّس رضوی

(فارسی، عربی)

از: آقا جمال الدین محمّد بن آقا حسین خوانساری _ علیهما الرحمه _ ، صاحب «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲».

کتاب: مجموعه ای است از زیارات معتبره حضرت ثامن الأئمّه الأطهار علیّ بن موسی الرضا علیهم السلام و چند زیارت جامعه و زیارات امامزاده ها و قبور اهل ایمان، و به نام

شاه سلطان حسین صفوی تألیف شده است.

حواشی تفسیریِ محقّقانه از مؤلّف در هامش نسخه نوشته شده و با این که اصل کتاب دارای خاتمه است، امّا تاریخ تألیف ندارد.

نسخه: به خطّ محمّد محسن بن ملاّ محراب قزوینی. تاریخ پایان استنساخ: سلخ ماه رمضان ۱۱۲۳. نخستین برگ نسخه و برگی از اواخر آن مفقود بوده، نیای گرامی علاّمه آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی ـ علیه الرحمه ـ به خطّ شریف خود نوشته و تکمیل کرده اند.

«۴۵۷» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و آگاهیم که به دستور نیای بزرگوار، آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی ـ اعلی اللّه مقامه ـ از روی نسخه پیشین نوشته شده و کاتب آن عنایت اللّه خان بقراطی است که نسخه «مفرّح الروح» نیز به خطّ او است و در آنجا یاد شده است، لکن استنساخ ناتمام مانده و تا دعای نهم از ادعیه بعد از زیارات، بیشتر نوشته نشده است.

آخرین بازنگری نخستین جلد فهرست در شب آدینه ۲۳ ربیع دوم ۲۸ «۲۱ /۲ /۸۶» با تیمّن و تبرّک به زیارتنامه مشهد مقدس رضوی پایان یافت، چنان که افتتاح دفتر نیز به

زیارتنامه دیگر شده بود.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹